به نامِ خداوندِ جان و خرد

عنوانِ رساله جهت دریافت درجه دکتری

تاریخ نویسی فارسی در دورۀ تیموریان متاخر

(۱۷۰۷م تا ۱۸۵۷م/ ۱۱۱۹ تا۱۲۷۴ه.ق)

به کوشش:

مصطفٰی حیدر زیدی

۰۵_GCU-Ph.D-Per_۲۰۰۴

به راهنمایی:

دکتر محمد اقبال ثاقب

رییس گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه جی سی لاهور

گروه زبانِ و ادبیاتِ فارسی

دانشگاه جی سی لاهور

بِسمِ

اللّٰهِ

الرَّحمٰنِ

الرَّحِيمِ

انتساب

به حضورِ

سرکارِ دو عالمؑ، رحمة اللعالمینؑ، سرورِ دو جهانؑ

محمد مصطفیٰ [redacted] **و آلِ پاکِ ایشان** [redacted]

من این نوشتهٔ ناچیز و محقرِ خود را

به توسطِ

مرشدِ بنده سیّد سرسبز حسن ضیاء رضویؒ و پسرش

سیّد سرسبزحسین شاه رضویؒ،

آن سید زادهٔ باجمال و عاشقِ رسولؐ که مرا تشویق به این کارِ مقاله

و آموزشِ غلامیِ **رسالت مآب** [redacted] داد،

تقدیم می نمایم۔

به مصطفیٰ برسان خویش را که دین همه اوست

اگر به او نرسیدی تمام بولهبی است

DECLARATION

I, Syed Mustafa Haider Zaidi Roll No. 05-Ph.D-GCU-Per-2004 student of Ph.D. in the subject of Persian , hereby declare that the matter printed in the thesis titled "Tarikh Nawisi Farsi Dar Daura-e-Taimoriane Mutakhir.1707-1857.A.D." is my own work and has not been printed, published and submitted as research work, thesis or publication in any form in any University, Research Institution etc in Pakistan or abroad.

____

Signatures of Deponent

Dated: _____________

RESEARCH COMPLETION CERTIFICATE

Certified that the research work contained in this thesis titled "Tarikh Nawisi Farsi Dar Daura-e-Taimoriane Mutakhir.1707-1857.A.D." has been carried out and completed by Mr. Mustafa Haider Zaidi Roll No. 05-Ph.D-GCU-Per-2004 under my supervision during his/her Ph.D. studies in the subject of Persian.

___________________	_______________________
Date	Supervisor

Submitted Through

Prof ________________________	_________________________________
Chairperson,	**Controller of Examinations**
Department of _______________	GC University,
GC University, Lahore	Lahore

انتساب

به حضورِ

سرکارِ دو عالمؐ، رحمة اللعالمینؐ، سرورِ دو جهانؐ

محمد مصطفیٰ [redacted] و آلِ پاکِ ایشان [redacted]

من این نوشتهٔ ناچیز و محقّرِ خود را

به توسطِ

مرشدِ بنده **سیّد سرسبز حسن ضیاء رضویؒ و پسرش**

سیّد سرسبز حسین شاه رضویؒ،

آن سید زادهٔ باجمال و عاشقِ رسولؐ که مرا تشویق به این کارِ مقاله

و آموزشِ غلامیِ **رسالت مآب** [redacted] داد،

تقدیم می نمایم۔

به مصطفیٰ برسان خویش را که دین همه اوست
اگر به او نرسیدی تمام بولهبی است

به نامِ خداوندِ جان و خرد
کزین برتر اندیشه بر نگذرد

بعد از حمد و ثنای خدای بزرگ و برتر و درود و سلام بر پیامبرِ آخر الزمان صلی اللّٰه علیه و آلہٖ وسلم و آلِ اطهارِ ایشان، بنده از پدر و مادرِ خودم تشکر می کنم که به تربیت و توجهٔ ایشان تا اینجا رسیده و مقالهٔ دکتری خود را به پایان رسانده ام۔ جهتِ دریافتِ دکتری از استادِ والا و مکرم دکتر محمد اقبال ثاقب مدیر گروهِ زبان و ادبیاتِ فارسی دانشگاهِ جی سی، از صمیم دل و جان تشکر می کنم که در این کار خطیر استاد رهنمای به این ناچیز قرار شدند و بر هر موقعی اصلاحِ و رهنمایی فرمودند۔

لازم می دانم که از همه استادانِ محترم پرفسور دکتر ظهیر احمد صدیقی، پرفسور دکتر خورشیدالحسن رضوی، پرفسور محمد انور خان، پرفسور محمد سرور و هم کلاسیِ من پرفسور رشید احمد بخاری و بابر نسیم آسی را تشکر می نمایم که دورانِ کار از هیچ گونه کمک دریغ نورزیدند۔ علاوه برین پرفسوردکتر وحید قریشی و دکتر شیر محمد گریوال (در. گذ) را هم تشکر می نمایم که درین کار مرا رهنمایی فرمودند۔

در پایان از پرفسور دکتر مظهر محمود شیرانی و پرفسور محمد رفیق به ویژه تشکر می نمایم که درین کار به من بسیار کمك کردند و در هر موقعی که مزاحم ایشان شدم، مرا محروم باز نگردانیدند. از آقای علی عمران نیز به طورِ خاص تشکر می کنم که از من بسیار حمایت کردند. علاوه بر این من از آقایان زاهد سلیم، آغا اسامه احمد، عدنان اشرف، میان فخرِ اعظم، محمد عمیر، محمد عماد، سید عدنان شاه و عمر درانی تشکر می کنم که درین کار به من فراوان کمك کردند. اگرچه بنده برای به پایان رساندنِ این کار سعی بسیار کردم، امّا چون یك کوشش و تلاش دانشجویانه است، بدیهی است که کوتاهی ها دارد. خواهشمندم که ارباب دانش از هر گونه لغزش ها و سهوها صرفِ نظر خواهند فرمود.

با تشکرِ فراوان

مصطفٰی حیدر زیدی

شمارهٔ دانشجویی ۰۵_GCU-Ph.D-Per_۲۰۰٤

مقدمه

وقایع تاریخی برای انسان اهمیتِ خاصی دارد و انسان همیشه در جستجوی گذشته هست. وقتی انسان آگاه شد که حفظ این وقایع گذشته بسیار مهم است، پس از به نگهداری و حراستِ میراثِ فرهنگی و علمی قدیم پرداخت چنانچه به همین سبب است که قدیم ترین شواهد تاریخی به صورت خط تصویری و خطِ میخی در غارها وجود دارد. ازین به بعد انسان از نوشتن و خواندن آشنا گشت و این وقایع روزگارِ گذشته را به رقم درآورد تا ما از زمانهٔ قبل از تاریخ کتاب های تاریخی به دست داریم. یکی از مورخانِ برجستهٔ جهان هیرودوتس(Herodotus) که او در تاریخ خود وسعت سلطنتِ هخامنشیان بیان کرده است و علاوه براین تهاجم های کمبوجیه، دارایوش اعظم و خشایار شاه بر یونانیان بیان کرده است[۱]. افزون بر آن کتاب های مذهبی و دینی و صحایف از وقایع تاریخی مشحون اند و در قرآنِ کریم ذکرِ وقایع و قصه های تاریخی بر اهمیتِ علمِ تاریخ دلالت می کند.

نخستین تاریخ های هر سرزمین با اسطوره، افسانه، حکایت و قصه های تاریخی آمیخته است. این ویژگی نه تنها در تاریخ نویسی مشرق زمین بلکه در تاریخ نویسی کشور های غربی نیز آشکار است[۲]. پیش از هیرودوت، تاریخ نویسِ سدهٔ پنجم پیش از میلاد، تاریخ نویسی با اسطوره و روایت های حماسی درآمیخته بود[۳].

علاقه مندی مسلمانان به تاریخ نویسی از آغازِ اسلام هویدا شده بود که انگیزهٔ آن عشق و ارادتِ فراوان به ذاتِ پاکِ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم

۱ـ ایلفرید چرچ، استوری آف پرشین وار فرام هیرودوتس، نیویارک،۱۸۸۲م

۲ـ اسماعیل پور،مهبیز، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۱، ص٦٣٩

۳ـ همان

بود پس اوّلین کتاب های تاریخی اسلام دربارۂ سیرتِ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم و در موردِ اصحاب کرامؓ ایشان بود [۱]ـ 'سیرۃ رسولؐ' اثرِ ابن هشام، 'الطبقات الکبیر' از ابن سعد، 'المغازی' از الواقدی و 'اسد الغابه' از ابن الاثیر از اولین تاریخِ مسلمانان محسوب می شوند[۲]ـ مسلمانان به انگیزۂ پاسداری از دین ساختمانِ علمِ تاریخ را بر اساس محکم بناکردند۔ این فنِ تاریخ نویسی با تاریخ نویسانِ عرب به ایران رسید و از آنجا به آسیای میانه و شبه قاره وارد شد۔

تاریخچه مسلمانان در شبه قاره

بعد از فتح سند به دست محمد بن قاسم(۹۲ھ۔ق) نزدیك به سه قرن پیشروی مسلمانان در داخل شبه قاره هند و پاکستان متوقف ماند و بالاخره امیر ناصرالدین سبکتگین و بعد از وی پسرش سلطان محمود غزنوی دوباره بنای حملات را گذاشته و زمینۂ استقرار حکومت اسلامی را در آن دیار فراهم ساختند[۳]ـ

اولین فرمانروایان مسلمان که بعد از ظهور اسلام به شبه قاره وارد شدند، آل سبکتگین یا غزنویان(۳٦۷ـ۵۸۲ھ۔ق/۹۷۷ـ۱۱۸٦م) بودند۔ هرچند که یورش غزنویان از زمان سبکتگین، پدر محمود، آغاز شده بود، ولی بر اثر حمله های پیا پی محمود به هند، تمدن و اندیشه اسلامی و ایرانی به هند راه پیدا کرد۔ اما این امر بلا فاصله پس از حمله محمود صورت نپذیرفت و حمله های او جز در ناحیه پنجاب اثری به جای نگذاشت، ولی به هر حال شمشیر او، راه را باز کرد۔[٤]

سلطنت مسلمانان در شبه قاره از شهاب الدین غوری و بالاخص از قطب الدین ایبك آغاز گردید۔ از ایبك تا ابراهیم لودی که از بابر تیموری شکست خورده بود، پنج خانواده درین دیار حکمرانی کردند وپادشاهان این دوره را

۱ـ وحیدمرزا،دکتر،پاکستان و هند،ج۵،ص۱۲٦

۲ـ همان

۳ـ آفتاب اصغر،دکتر،تاریخ نویسی فارسی در هند...،ص مقدمه۳

٤ـ سبحانی،نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند،ص۳

’سلاطین‘ می گویند۔ پیشتر از تیموریان، درین دورۂ سلاطین ادب فارسی در شبه قاره رواج یافته بود، اما زبان خودِ آن سلاطین ’ترکی‘ بود و اصلاً تیموریان درین دیارِ شبه قاره ادب فارسی را عروج بخشیدند۔

اگرچه ادب فارسی در روزگارِ سلاطین دهلی بلکه پیشتر ازان در دورۂ غزنویان درین دیار آغاز گردیده بود لیکن از لحاظِ ترویجِ ادبِ فارسی در شبه قاره، دورۂ تیموریانِ هند دورۂ بسیار غنی تر به شمار می رود۔ در تاریخ جهان این چنین خانواده های شاهی بسیار کم یافته می شوند که فنون چون ساختمان سازی، موسیقی، مصوری، خطاطی و علم و ادب یعنی هرگونه فنون را نه تنها مربی بودند بلکه پادشاهان و شهزادگان وغیره خود درین فنون شخصاً سهیم بودند۔

اورنگزیب عالمگیر آخرین پادشاه بزرگ تیموریان، مرد بسیار خشك و مذهبی افراطی و مسلمان متعصبی بود و بر عکس رسم اسلاف خود نه تنها ادبا و شعرا را تربیت نمی کرد بلکه حتیٰ از شعرا انزجار و نفرت داشت۔ در درباری که همیشه در زمان پادشاهان مسلمان هند تا قبل از اورنگزیب عالمگیر مرکز اهل علم و فضل و مجمع اهل هنر بوده، در زمان این پادشاه تقریباً به کلی از وجود علما و فضلا محروم گشت و اگر در زمان او بعضی از ادبا مانند نعمت خان عالی هنوز جزو درباریان بوده اند، علت وجود آن ها در دربار شاهی غیر از ذوق شعر و ادب آنان بوده است۔(۱)

بعد از فوت اورنگزیب جانشینان وی نتوانستند حتّٰی بقیه اجزای کشور را که تحت سلطنت تیموریان هند مانده بود، از تجزیه نگهدارند و این پادشاهان که تقریباً اسماً پادشاه هند بودند، همواره مشغول فرونشاندن شورش های داخلی بودند که در نواحی مختلف کشور بروز می داد و حتّٰی دربارِ آن ها نیز مرکز توطئه و سازش علیه یکدیگر بود۔(۲)

۱۔ علیرضا نقوی، دکترسید، تذکره نویسی...، ص ۱۹۷

۲۔ همان

همچنان اورنگزیب عالمگیر برای تختِ هندوستان با برادرانِ خود جنگ کرد، آن روایتِ جنگِ تخت نشینی در اولادِ وی ادامه داد و بعد از وفاتِ اورنگزیب عالمگیر، شاهزادگانِ تیموری برای تخت نشینی باهم بر سرِ پیکار آمدند و این روش، حکومتِ تیموریان را بسیار کمزور ساخت چون درین جنگ ها نه تنها از روی ارتش ها بلکه از نظر معاش هم خیلی نقصان می گردید و زندگانی مردم عمومی تنگ تر می شد۔ علاوه بر این درین جنگ ها نامور امرای زمان هم قتل می شدند و حکومت رو به زوال می نهاد۔ عیش پرستی شاهان هم یکی از علتِ مهمی زوال تیموریان بود۔

در دربارِ تیموریان کشمکش میانِ دو گروهِ ایرانیان و تورانیان هم باعثِ کمزوری سلطنتِ ایشان می شد۔ تورانیان از آسیای صغیر واردِ هندوستان شده بودند و به این علت مفتخر بودند که با شاهانِ تیموریان نسبت داشتند۔ این گروهِ تورانیان اگرچه جنگجو و مهمان نواز بود اما تورانیان با گروه های دیگر روابط داشتن و عروسی کردن روا نداشتند۔ هم چنین گروهِ دیگر به دربارِ تیموریان ایرانی بود۔ چون بابر با شاهانِ ایران روابطِ دوستی داشت و صفویان هم همایون را در بازگرفتنِ حکومتِ هندوستان از افغانیان کمك کردند و درین کار سالارِ ایرانی بیرم خان شریك وی بود۔ علاوه بر این در زمانِ بابری ایرانیان در تسخیرِ خطه های مختلفِ هندوستان، بابر را این قدر کمك کردند که وی علاوه بر شهزادگان فقط ایرانیان را استان دار می گماشت۔ به دربارِ تیموریان این دو گروه خیلی پُر اثر بود و در دورۂ تیموریان متاخر کشاکش میان ایرانیان و تورانیان خیلی افزوده شده بود۔(۱)

در دورۂ تیموریانِ متاخر غارتگری و چپاولِ مرهته ها، جات ها و سیك ها این قدر شده بود که حکومتِ تیموریان بزرگ خود از دست داد۔ افزون بران انگلیسیان به علتِ سیاستمداری و کوتاه بینی و عاقبت ناندیشی تیموریان و

۱۔ ریاض الهدی، مسلم سلطنت کا زوال، ص٤٦

امیرانِ ایشان، جزوِ لاینفكِ تجارت و اقتصادیات شبه قاره شده بودند و مرکزهای تجارتی خودشان چون مدراس، هگلی و سورت را به قلعه های مستحکم گردانده بودند۔ اگرچه سراج الدوله در بنگال و تیپو سلطان در میسور برای بیخ کنی انگلیسیان سعی بسیار کردند اما این مساعی ایشان بی فایده شد۔

حمله های نادر شاه و احمد شاه ابدالی هم بنای تیموریان را متزلزل ساخت۔ نادر شاه افشار بر هندوستان یورش کرد و در دهلی جو های خون روان شد۔ حملۀ احمد شاه ابدالی اگرچه برای تیموریان گران بود اما احمد شاه مرهته ها را خاتمه می کرد و تیموریان خود نتوانستند که بعد ازان حمله ها حکومتِ خود را مستحکم ساختند و مرهته ها و روهیله های افغان دوباره نیرومند گردیدند تا عاقبت انگلیسیان بر شبه قاره قابض شدند۔

وضع سیاسی دوره تیموریان متاخر

به اعتبارِ تاریخی، وضع سیاسی دورۀ تیموریان در سه قسمت محسوب می شود که هر یك مشتمل بر کم و بیش پنجاه سال است۔ راقم این مقاله همین ترتیب را در این مقاله ملحوظ کرده است و ازین رو وضع سیاسی دوره تیموریان اینجا در همان قسمت بیان می شود۔

وضع سیاسی از ۱۱۱۹ه.ق تا ۱۱۷۲ه.ق

به علتِ بیمِ جنگِ تخت نشینی میانِ فرزندانِ خود، اورنگزیب عالمگیر در وصیت نامه، سلطنتِ خود را میان فرزندان تقسیم کرده بود۔ اما بعد از وفاتِ اورنگزیب عالمگیر میانِ پسرانش معظم، اعظم و کام بخش جنگ تخت نشینی آغاز گردید۔ ازان میان محمد معظم پیروز گشت و به نامِ شاه عالم بهادر شاه به تختِ هندوستان رونق افروز شد اما زود وی در ۱۱۲۳ه.ق/ ۱۲-۱۷۱۱م فوت شد [1]۔ بعد از وفاتِ شاه عالم بهادر شاه، جهاندار شاه تخت نشین گردید اما در چند ماه فرخ

۱۔ عزیز، کی. کی، گاهنامۀ مسلمانان هند، ص۲

سیر پسر عظیم الشان، جهاندار شاه را شکست داد۔ چون فرخ سیر با کمكِ برادرانِ سادات سید حسین علی خان و سید عبدالله خان تخت نشین شده بود، به این علت بعد از تخت نشینی فرخ سیر، برادران سادات خیلی نیرومند شدند و فرخ سیر را قید کرده قتل کردند و به مدتِ پنج ماه دو بادشاه رفیع الدرجات و رفیع الدوله را بر تخت نشاندند و بعد ازان محمد شاه زمامِ حکومتِ هندوستان گرفت۔

محمد شاه بر برادرانِ سادات موفق شد و ایشان را به عدم رسانده اما محمد شاه خود مردی عیش پرست بود و در دورۀ وی مرهته ها خیلی نیرومند شدند۔ در همین دوره نادرشاه، محمد خان افشار را بـه طور سفارت کار به محمد شاه فرستاد[١] اما وی در عیش و نشاط این قدر مشغول بود که هیچ پرواه نکرد۔ عاقبت کار نادر شاه در ۱۱۵۱ هـ.ق/ ۳۹ـ۱۷۳۸ م بر هندوستان حمله کرد[٢]۔

در ١١٦١ هـ.ق/١٧٤٨م محمد شاه فوت شد و پسرش ابوالنصر احمد شاه پادشاهِ هندوستان گردید [٣] اما در ١١٦٧ هـ.ق وی را معزول کرده با مادرش نابینا کردند[٤] و نوۀ معظم شاه به نام عالمگیر ثانی تخت نشین گردید۔ در همین مدت نادر شاه فوت شد و به جایش احمد شاه ابدالی بر افغانستان و پنجاب قابض شد۔ وزیرِ عالمگیر دوم، غازی الدین با کمكِ مرهته ها عالمگیر دوم را قتل کرد و از پنجاب تا دهلی مرهته ها نیرومند شدند۔ در همین ایام احمد شاه ابدالی در ١١٧٤ هـ.ق/ ١٧٦١ م در میدان پانی پت مرهته ها را شکست داد و مرزا جوان بخت ملقب به جهاندار شاه را نایب السلطنت نامزد ساخته بازگشت[٥]۔

وضع سیاسی از ۱۱۷۳ هـ.ق تا ۱۲۲۱ هـ.ق

درین دوره فقط یك پادشاه تیموری یعنی شاه عالم دوم حکومت کرده بود۔ اگرچه دورۀ شاه عالم محیط بر چهل و هشت سال بود اما دورۀ وی خیلی پُر فتن به شمار می رود و شاه عالم دورانِ پادشاهی خود با بسیار مصیبت ها دچار

١۔ الیوت،ج٨،ص١٢٦

٢۔ عزیز،کی.کی،گاهنامۀ مسلمانان هند،ص٤

٣۔ همان،ص٦ ٤۔ همان،ص٨

٥۔ استوری،ص٦٢٤

شد۔ بعد از تخت نشینی، وی با کمکِ نواب شجاع الدوله در بنگال بر انگلیسیان حمله کرد اما انگلیسیان ایشان را نزدِ پتنه شکست دادند۔ سپس با مساعدتِ حاکمِ بنگال و بهار میر قاسم، با انگلیسیان جنگ کرد اما در بکسر (۱۱۷۷ھ.ق/ ۱۷٦٤م) دوباره شکست خورد و انگلیسیان را به عوضِ کورا و اله آباد نظامتِ بهار، اوریسه و بنگال داده از ایشان بیست و پنج صد هزار روپیه حاصل کرد[1]۔ غلام قادر روهیله وی را نابینا کرد و در قید انداخت۔ عاقبت کار با کمکِ انگلیسیان ازین بلا رها شد و برای وی وظیفۂ سالانه مقرر گشت۔

وضع سیاسی از ۱۲۲۲ھ.ق تا ۱۲۷٤ھ.ق

بعد از شاه عالم پسرش معین الدین اکبر شاه دوم در ۱۲۲۱ھ.ق/۱۸۰٦م پادشاه گردید[2]۔ اکبر شاه دوم بیش از وظیفه خوار انگلیسیان نبود و پادشاهی وی فقط تا قلعۂ قرمز محدود بود۔ نوبت تا اینجا رسید که وی در ۱۲٤٦ھ.ق/ ۱۸۳۰م رام موهن رای را به لقبِ 'راجه' سرافراز کرده برای سفارشِ افزایشِ وظیفه خود به پادشاهِ انگلستان فرستاد[3] اما هیچ حاصلی نیافت۔

بعد از اکبر شاه دوم، ابو ظفر بهادر شاه دوم پادشاه گردید اما وی هم فقط برای نام پادشاه بود۔ انگلیسیان بر وی باور کردند که وی آخرین پادشاهِ دودمانِ تیموری است و جانشینِ وی فقط شهزاده می باشد و قلعۂ قرمز را وا گزاشته به قطب صاحب زندگی خواهم کرد۔ ولیعهدِ بهادر شاه ظفرّ این شرایط را تسلیم کرده بود و این پادشاهیِ تیموریان در ۱۸۵۷م با جنگِ آزادی هند به انجام رسید۔

تاریخچه استان های گوناگون هند

موافقِ مرکزِ دهلی در استان های شبه قاره هم میانِ امیران و استان داران،

۱۔ عزیز، کی. کی، گاهنامۂ مسلمانان هند، ص۱۱

۲۔ همان، ص۲۳

۳۔ همان، ص۳۲

کشاکش سر افراخته بود۔ اکثر استان داران اعلامِ خودمختاری کردند۔ دکنیان، مرهته ها، روهیله ها، جات ها، نوابانِ بنگال وغیره همه در فکرِ خودمختاری ریاستِ ایشان بودند و هر کسی چون موقع ای یافت، اعلانِ خود مختاری می کرد و یا بعضی سوی انگلیسیان و نیرو های محلی دیدند۔

دکن یکی از ریاست های عظیمِ هندوستان بود که در شمال هندوستان قرار داشت۔ در زمانِ اورنگزیب عالمگیر دکن مشتمل بر شش استان بود اما شاه عالم بهادر شاه اول دکن را یکی استان قرار داد۔ در ۱۱۲۵هـ.ق/۱۷۱۳م چون نظام الملك استان دارِ دکن گردید، وی با یکی از گروهِ مرهته ها صلح کرده بازرسی خود را منظم ساخت اما در سال آینده سید حسین علی خان استان دار دکن مقرر گشت۔ بعد از برادرانِ سادات، محمد شاه نظام الملك را وزیرِ خود نامزد کرد اما در دربارِ محمد شاه رسوخِ رحیم النسا کوکی جیو و شاه عبدالغفور بسیار بود و به همین علت نظام الملك به بهانۀ استیصالِ مرهته های مالوه از دهلی خروج کرد اما به جای مالوه به دکن رسید۔ استان دارِ دکن مبارز خان با نظام الملك جنگ کرد ولی شکست خورد و نظام الملك بر استانِ دکن قابض شد۔ محمد شاه موقعیت را ملاحظه کرده دوباره نظام الملك را وزیر خود نهاده نیابتِ وی در دکن هم تسلیم کرد۔[۱]

در ۱۱٦۱هـ.ق/۱۷٤۸م نوابِ دکن نظام الملك آصف جاه فوت شد و ناصر جنگ به جای پدر نظامِ حیدرآباد گردید[۲] اما خواهر زادۀ وی مظفرجنگ بغاوت کرد۔ عاقبت در ۱۱٦۳هـ.ق/۱۷۵۰م مظفر جنگ بر تخت قابض می شد[۳]۔

در ۱۱٦۹هـ.ق نواب علی وردی خان فوت شد و نوۀ وی سراج الدوله نوابِ بنگال می شد۔ در مدتِ دوماه چند مجرمان از بنگال فرار کرده به انگلیسیان رسیدند۔ نواب به انگلیسیان فرمود که ایشان را بازبگردانیدند اما انگلیسیان انکار کردند و نواب سراج الدوله بر کلکته حمله کرد و انگلیسیان را شکست داد۔ چون

۱۔ ریاض الهدی، مسلم سلطنت کا زوال، صص۳٤۵_۳٤۸

۲۔ عزیز، کی.کی، گاهنامۀ مسلمانان هند، ص٦

۲۔ قدوایی، مولوی عبدالسلام، هندوستان کی کهانی، صص٥٤_٥٥

این خبر به مدراس رسید ژانرال کلائیو(Gen. Clive) و ژانرال واتسن(Gen. Watson) با ارتشِ خود روانه شده و بر کلکته قابض شدند۔ در ژوئن ۱۱۷۱ه.ق/ ۱۷۵۷م به مقام پلاسی نواب سراج الدوله از انگلیسیان شکست خورد و همه بنگال به دستِ انگلیسیان رسید۔ انگلیسیان میر جعفر را بر تخت نشاندند اما زود در ۱۱۷٤ه.ق/ ۱۷٦۰م به جای میر جعفر حکومتِ بنگال به دامادِ وی میر قاسم سپردند۔ میر قاسم کوشش کرد که حالاتِ بنگال را درست ساخت اما انگلیسیان بهانۀ جنگ جُستند ومقابلِ وی برای جنگ ایستادند۔ میر قاسم را شکست می شد اما وی با کمك شاه عالم و نواب اوده شجاع الدوله دوبارۀ آماده به جنگ شد۔ ولی ایشان را در ۱۱۷۸ه.ق/ ۱۷٦٤م به مقام بکسر شکست می شد۔ میر قاسم فرار شده و شاه عالم و شجاع الدوله با انگلیسیان صلح کردند۔ شاه عالم به عوضِ بیست و شش صد هزار روپیه دیوانی بنگال به انگلیسیان سپرد و از کلکته تا دهلی رسوخِ انگلیسیان قایم شد۔[1]

چون حکومتِ مرکزی تیموریان کمزور شد مرهته ها هم نیروی خود را افزودند و به قابض شدن به تخت دهلی آماده شدند۔ قریب بود که این خوابِ ایشان جامۀ حقیقت پوشانیده باشد اما در آن وقت احمد شاه ابدالی در ۱۱۷٤ه.ق/ ۱۷٦۱م در جنگ سوم پانی پت ایشان را شکست داده نیروی ایشان را تکه تکه کرد[2]۔ اما زود مرهته ها دوباره جمع شدند و حکومت های محلی خود ساختند۔

در میسور میانِ انگلیسیان و حیدر علی و پسرش تیپو سلطان تقریباً سی و دو سال جنگ ها بوده و عاقبت تیپو سلطان شهید شد و انگلیسیان پسرانش را وظیفه مقرر کرده ایشان را به قلعۀ ویلور نظر بند کردند و از آنجا به کلکته فرستادند۔ در این چنین ناآرامی ها و جنگ های پیا پی نه تنها نامور امرای زمان و سپه سالاران قتل می شدند بلکه حکومت هم رو به زوال نهاد۔

۱۔ قدوایی،مولوی عبدالسلام،هندوستان کی کهانی،صص۵۵۔۵۷

۲۔ عزیز،کی.کی،گاهنامۀ مسلمانان هند،ص۱۰

در آخر قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی، اروپیان از طریقه مطالعه و بررسی آثار مختلف مشرق زمین، با فرهنگ ایران و آداب و رسوم و سنن این قوم آشنایی پیدا کردند. از جمله در سال ۱۶۰۰م، یك شرکت انگلیسی تحت عنوان 'کمپانی هند شرقی' بر آن شد تا به قصد تجارت به مشرق زمین روی آورد. از همین ایام بود که نماینده آن شرکت با جهانگیر شاهِ هندوستان واردِ مذاکره شده و از او درخواست نمود که یك شرکت تجاری در بندرِ سورت ایجاد کند.(۱)

در سال ۱۶۱۸م/ ۱۱۰۰ه.ق که مصادف با اواخر حکومت اورنگزیب بود، بنادر کلکته و بمئی تحت تصرف 'کمپانی هند شرقی' درآمد و حکومتی موسوم به 'انتظارم امور' درین نواحی تشکیل شد. این شرکت به دلیل نفوذ زبان فارسی در شبه قاره، در آغاز امر به زبان فارسی در این مناطق توجه نمودند و از باب خدمت ظاهری به عامه مردم در کلکته کالجی دایر کردند به نام 'فورت ویلیام کالج' و مشابه آن کالج در شهر های مثل مدراس، به وجود آوردند و همراه این عمل بسیاری از انجمن ها در این ابواب به وجود آمد. اما پس از تسلط کامل انگلیسی ها بر شبه قاره، زبان فارسی از رسمیت افتاد و در حدود سال ۱۸۵۷م/ ۱۲۷٤ه.ق زبان انگلیسی در این منطقه به رسمیت شناخته شد.(۲)

وضع ادبی دوره تیموریان متاخر

سخنورانِ دورۀ تیموریان متاخر در سبكِ هندی مهارتِ تامه داشتند و در آغاز این دوره مرزا عبدالقادر بیدلؔ و بر انجامِ این عهد مرزا اسد الله خان غالبؔ بزرگترین شعرای سبكِ هندی به شمار می روند. میانِ بیدلؔ و غالبؔ شعرای معروف چون نعمت خان عالیؔ، ساطعؔ کشمیری، حزیںؔ لاهیجی، واقفؔ بتالوی، منتؔ دهلوی، محمد حسن قتیلؔ لاهوری، حمیدؔ کشمیری، مرزا مهدی مجرمؔ، محمد بخش آشوبؔ، بساون لال شاداںؔ، محمد رفیع باذلؔ مشهدی، میر محمد

۱- ناصح، محمدمهدی، گنج شایگان، ص 'ج'

۲- همان

احسن ایجاد، راجیؔ کرمانی، عشرت سیالکوتی ستاره های درخشانِ بر افقِ شعرِ این دوره اند۔

بسیاری ازین شاعران غزل را که معروف ترین صنفِ شعر است، موردِ توجه قرار داده دیوان های یادگار به جا گذاشته اند۔ مثنوی هم صنفِ معروفِ این دوره بود و بعضی شاعران تاریخ پادشاهان و امرای نامدار در قالبِ مثنوی به پیروی 'شاهنامه' هم تالیف کرده اند۔ علاوه بر این شاعران این دوره در قصیده، رباعی، هجو، خمسه، قطعات، ترجیع و ترکیب بند و شهر آشوب طبع آزمایی هم کردند۔ اگرچه برخی شاعرانِ دورۀ تیموریان متاخر شهرت وافر داشتند و دیوان های شان هم موجود است ولی بسیار کارِ ادبی این دوره به صورت نثر به دست می آید۔

در دورۀ تیموریان متاخر چون زمینه های وسیع تری برای آزمایش ذوق و هنر فراهم شد و نویسندگان مسلمان و هند آثار گوناگون و متنوع را از نثر مرسل به جای گذاشته اند۔ علاوه بر کتب علمی که در این دوره بیش از گذشته متداول بود، نثر ساده و روان در قالب زبان عرفا و حکما و نویسندگان تاریخ، داستان ها و امثال باقی مانده است۔ مثلاً کتاب های منتخب اللباب از خوافی خان، تاریخ ارادت خان از مبارك الله واضحؔ، میزان الطب از حکیم محمد ارزانی و داستان های چهار درویش(قاضی محمد ابراهیم عبدالکریم) بوستان خیال(محمد تقی جعفری) و حاتم طایی(هفت سیرحاتم۔کاتب نادر علی) و پاره ای از تصانیف شاه ولی الله محدث دهلوی و نظایر آن، کتب نمونۀ نثر ساده این دوره به شمار روند۔[1]

وضع تاریخ نویسی دورۀ تیموریان متاخر

سیرِ علوم و فنونِ گوناگون و ارتقای آن، نتیجۀ کاوش های همان نویسندگان است که با وسایل کمتر تحقیقِ خود را موردِ نظر قرار داده اند و برای

۱۔ محموده هاشمی،دکتر،تحول نثر فارسی در شبه قاره،ص۲٤

تشنگیِ نسل های آینده یکی دریای بی کران به جا گذاشته اند. تاریخ نویسی هُنری است که نوع انسانی همیشه ضرورت و اهمیتِ این را اعتراف و اقرار کرده است و آینده هم می کند. بعد از بررسی و ارزیابی بسیار در تحقیق وقایع، باقی ماندنِ تشنگی، نشان می دهد که دلبستگی انسان با تاریخ نمی توان کم شود. برای معرفی و آشنایی بهتر، لازم است که این کارِ پژوهش گران جلو تر می رسد. مقالۀ موردِ نظر همین طور کاوشِ دانشجویانه است که به آن استادِ محترم دکتر ظهور الدین احمد متوجه کردند و میانِ این کارِ تحقیق این چیز روشن شد که این دورۀ تیموریان متاخر از نظر ادبِ فارسی و به ویژه تاریخ نویسی دورۀ پر ارزش بود. آن سفر علمی که از توزك بابری آغاز شده بود، با ترویج و ترقی ادب فارسی در عهد تیموریان بزرگ که دورۀ زرینِ ادبِ فارسی در شبه قاره به شمار می رود، چون به دوره تیموریان متاخر می رسد تاریخ نویسی بیشتر از همه اصناف ادبی رواج یافت. یکی چیزِ مهمی که در تاریخ نویسی دورۀ تیموریان متاخر دیده می شود این است که علاوه بر تاریخ نویسانِ درباری، مردم های عمومی هم برای تفنن طبع تاریخ ها پرداختند.

جالب است که اگرچه دورۀ تیموریان متاخر از نظر سیاسی دورۀ پر فتن بود ولی درین دوره کتاب های تاریخ بیشتر از ادوارِ گذشته نگاشته شده بود[1]. علتِ این تاریخ نویسی این بود که نه فقط شاهانِ تیموریان بلکه همراهِ ایشان امیران و استان دار ها سرپرستی مورخین کردند. مزید بران چون در زمانِ تیموریانِ متاخر، انگلیسیان در شبه قاره بسیار نیرومند شده بودند و برای انگلیسیان لازم بود که از تاریخ و جغرافیای این دیار آگهی بیشتری می داشتند. به همین علت انگلیسیان در شبه قاره تاریخ نویسی را بسیار اهتمام کردند و بسیار نویسندگان حسبِ فرمایشِ انگلیسی های شرکتِ هند شرق کتاب های تاریخی به تحریر در آوردند. درین ضمن کارمند های انگلیسیان سرپرستی مورخان می کردند. ایشان نه تنها تاریخِ

۱۔ وحیدمرزا،دکتر،پاکستان و هند،ج۵،ص۱۲۸

عمومی را به رشته تحریر آوردند بلکه به تاریخ های محلی بسیار توجه کردند۔

انگلیسیان به هر جای که می رفتند، به تاریخ نگاری آن جا اهتمام می کردند۔ برای انگلیسیان بسیار مهم بود که از طریقِ تاریخِ عمومی هند با تاریخ استان های هندوستان آشنا شوند۔ به این جهت تاریخِ هر استان را موردِ توجه قرار می دادند و یکی بعد از دیگری همه استان های هندوستان را زیرِ تسلطِ خود درآوردند۔ بعضی می گویند که انگلیسیان می خواستند که مردمانِ بومی این دیار را مشغولِ کار کنند و بعضی می گویند که انگلیسیان 'علم دوست' بودند و به تاریخ و تاریخ نویسی این دیار خدمت کردند۔ اگر این درست هم باشد، علتِ عمدۀ توجه این بود که با تاریخ و رسومِ این دیار آشنا شوند و این تاریخ را در دانشکده های هندوستان چون دانشکدۀ فورت ویلیام (Fort William College) به افسرانِ ارتش خود تعلیم می دادند۔ برای این امر انگلیسیان اوریینتیل ترانسلیشن فند (OrientalTranslation Fund) را تشکیل دادند و در دانشکدۀ فورت ویلیام کتاب های تاریخی این دیار را برای کارمندانِ خود به انگلیسی ترجمه کردند۔ جالب است که مردمانی که به علتی از اشتغالاتِ محلی خود فارغ می شدند و فراغتی پیدا می کردند، اغلب آنان در شرکتِ هند شرق مشغول به کار گشتند، مانند میرزا ابو طالب اصفهانی لندنی مؤلفِ 'لُب السیر و جهان نما'[۱]۔

این تاریخ ها علاوه بر تاریخ های عمومی، تاریخ های محلی نیز بودند۔ تاریخ های دودمانی، تاریخ های محلی یا ناحیه ای به سبب پیروزی های جلال الدین اکبر و گشودنِ نواحی گوناگون و ادامۀ این پیروزی ها در زمان جانشینان او، در این دوره فراوان نوشته شدند[۲]۔ علاوه بر تاریخ، بعضی کتاب ها احوالِ زندگانی عمومی مردم و بودوباش و معلوماتی دیگرِ آن وقت را نیز شامل می شد۔ ازین قبیل است 'گلزارِ آصفیه' از خانزمان[۳] که اطلاعاتی در باره مردم های

۱۔ ریو، ج۳، ص۸۹۵

۲۔ اسماعیل پور، مهیز، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۱، ص٦٤۲

۳۔ خانزمان خان، خواجه غلام حسین، گلزار آصفیه چاپی، به اهتمام مهدی توسلی

عـمـومیِ دکن هم دارد۔ همچنین 'مجمع الاخبارِ' هرسك رای [1] که دران تاریخِ جهان و تاریخ هندوستان و استان های هندوستان را ذکر شده است و 'عبرتنامه' از مفتی علی الدین پسر مفتی خیرالدین[2]۔

تاریخ نگاران این دوره از هر مذهب بودند۔ درین عهد نه تنها مسلمانان بلکه هندووان، سیك ها، اروپیان وغیره هم در تاریخ نویسی طبع آزمایی کردند۔ بسیاری تاریخ نگارانِ دورۀ تیموریان متاخر از مذهب هندو علاقه داشت۔ علتِ آن این بود که بسیاری هندووان خوانده بودند و به دربار شاهی به طور منشی وغیره کار می کردند۔ ازین مؤرخانِ هندو تعدادِ کثیر از قبیلۀ کایسته بود۔ کایسته فرقه ای از هندووان است که بعضی افراد آن از علما و فضلای معروف عربی و فارسی بوده اند و امروز هم از سایر اقوام هندو به زبان های عربی و فارسی ذوق و علاقه دارند[3]۔

علاوه بر این درین عهد منشیانِ بسیار در دربار هم بی تاریخ نویسی پرداختند و بعضی منشیان روزنامچۀ دربار را هم به سبكِ تاریخ تدوین کردند۔ به عنوانِ مثال 'مجموعه یوسفی' از یوسف علی خان[4] که درین کتاب مولف وقایع چشم دیدِ سیاسیِ هندوستانِ شرق آن زمان از ۱۷٦۱م تا ۱۷٦۷م را ذکر نموده است، 'روزنامچۀ رنجیت سینگ' از لاله موهن[5] که به دربار رنجیت سینگ ملازمت داشت و بسیاری وقایع که درین کتاب بیان نموده، با چشم خود ملاحظه کرده بود[6]، 'روزنامچه شاه عالم' از رای تیك چند که از سوی شرکت هند شرق به دربار شاه عالم اخبار نویس بود [7] وغیره۔ افزون بر این 'تاریخ عالمگیر ثانی'[8]، 'جنگنامۀ دکن'[9] و 'روزنامچۀ دربار غازی الدین حیدر'[10] هم مشتمل بر روزنامچۀ درباری وغیره است ولی نام مؤلفِ این کتاب ها به دست نیست۔

یکی روشِ تاریخ نویسی دوره تیموریان متاخر این بود که مورخان آغاز

۱۔ الیوت، ج۸، صص۳۵۷تا۳٦۰ ۲۔ علی الدین، مفتی، عبرتنامه چاپی

۳۔ علیرضا نقوی، دکترسید، تذکره نویسی...، ص۵۲۲ ٤۔ مارشال، ص٤۹٤

۵۔ استوری، ص٦٦۸ ٦۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳۲، ص۱۳

۷۔ استوری، ص٦٤٤ ۸۔ همان، ص٦۲۲

۹۔ اته، بادلین، ج۱، ستون۱٤۹، ش۲۸۲ ۱۰۔ استوری، ص۷۰۸

کتاب خود به نام خداوند می کردند حتّٰی مورخین که از مذهبِ هندوعلاقه داشتند هم آغاز کتاب خود به نام خداوند می کردند۔ جالب است که نویسنده 'تاریخ برتپور' آنند رای[1] اگرچه مردِ هندو بود اما آغاز این کتاب با نام خداوند کرده است حال آن که راجه های برتپور که درذکرِ ایشان این کتاب نوشته شده بود، هندو بودند ولی روشِ سبکِ هندووانِ آن زمان، به زبان فارسی همین بود۔

این تواریخ نه تنها از نظر تاریخی بلکه از نظر ادبی هم بسیار اهمیت دارد۔ به طور کلی در دورۂ تیموریان متاخر در تاریخ نویسی سبکِ ساده زیاد رایج بود البته گاهی تاریخ نویسان سبکِ مصنوع در مقدمه یا متنِ کتاب هم به کار می بردند۔ در بعضی تاریخ های دورۂ تیموریان متاخر سبکی آمیخته از هر دو سبکِ مصنوع و ساده دیده می شود و برخی نویسندگان درین دوره تاریخ های نثری آمیخته به نظم هم تالیف کردند۔

انواع تاریخ دوره تیموریان متاخر

تاریخ های دورۂ تیموریان متاخر از نظر مطالب بسیار متنوع است۔ درین دوره برخی مؤرخین تاریخ عمومی جهان از آدمؑ تا زمانه تالیف در حیطۂ تحریر آوردند۔ بعضی تاریخ های عمومی عالم اسلام نوشتند۔ برخی نویسندگان تاریخ عمومی هندوستان پرداختند و بعضی تاریخ عمومی هند اسلامی یعنی تاریخ شاهان اسلام رادر قلم آوردند۔ علاوه بر این تواریخ پادشاهان به ویژه تاریخ شاهان تیموریان موضوع مهمی این دوره بود۔ بعضی تواریخ در موردِاحوالِ استان های محلی و بعضی در بارۂ زندگانی امرای آن دیار است۔ بعضی نویسندگان زندگی نامه خود یا بادشاهی یا امیری را به سلکِ تحریر سفتند۔ این طور بعضی تواریخ در بیانِ یادداشت ها، تاریخ درباری و انتظام و انصرام دولتی هم نگاشته شده است۔ درین دوره نه تنها بعضی تواریخ در نظم نوشته شده بود

۱۔ استوری،صص ۶۸۹۔۶۹۰

بلکه یکی روشِ تاریخ نویسی آن دوره این هم بود که تاریخ نویسان در بیان تاریخ شعر ها در نثر به کار می بردند و این طور در نوشتاری وی تاثیر به وجود می آمد۔ بعضی مؤرخین بر یکی واقعۂ مهمی کتاب تاریخ نگاشتند یعنی در تاریخ نویسی این دوره ما مونوگراف(Monograph) هم می بینیم۔

چون اغلب تاریخ های دوره تیموریان متاخر به صورت نسخه های خطی در کتاب خانه های جهان نگهداری می شود، بدین سبب نگارنده این سطور از فهرست های نسخۂ خطی استفاده کرده است۔ بیشتر نسخه های خطی کتاب های فارسی این دیار، در کتاب خانه موزه بریتانیا و اندیا آفیس در انگلستان موجود است۔ به دست آوردنِ آن نسخه های خطی یا عکسِ های آن خیلی مشکل و بسیار گران است۔ همین سبب است که بعد ازان که اروپیان درفهرستِ آن کتاب خانه ها بررسی این کتاب ها کردند، کارِ بسیار درین مورد انجام نپذیرفته است۔ ایشان تاریخ های ما از ما بردند و مردم عمومی این دیار دربارۂ تاریخ این دیار اطلاعات های بسیار ندارند۔ البته اداره تحقیقاتِ دانشگاه پنجاب بعضی تواریخ را با تصحیح به چاپ رسانده است۔ ضرورت است که این تواریخ به زبان محلی یعنی اردو وغیره ترجمه می شود، تا هر کس و نا کسِ این دیار می توان از تاریخ این خطه آگهی یابد۔

درین دوره بعضی شاعران تاریخ های منظوم هم پرداختند۔ تاریخ های منظوم که این ها نخستین بار در زمانِ جلال الدین اکبر سروده شدند، تك نگاری ها که دربارۂ یك رویداد تاریخی هستند [1] به طور مثال 'آصف نامه' از موزوں سامانی که این مثنوی مختصر را درذکرِ لشکر کشی نواب آصف الدوله خلاف غلام محمد خان سروده است[2] و افسانۂ برتپور' از مولوی فضل عظیم عظیمؔدر ذکرِ جنگ انگلیسیان خلافِ راجه برتپور درجان سال [3] وغیره۔ تعداد زیادی از تاریخ های شاعران در قالب مثنوی نگاشته شده بود و اکثر شاعرانِ تاریخ نویس همان

۱۔ اسماعیل پور،مهیز، دانشنامه ادب فارسی، ج٤،بخش۱،ص٦٤٢

۲۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی، بوهار،ج۱،ص۳۰٤، ش٤٢١

۳۔ استوری،ص٦٨٩

بحرِ شاهنامه فردوسی به کار بردند۔ نگارنده این نوشته بعضی از تاریخ های منظوم مهمی که در دوره تیموریان متاخر نگاشته شده بود را هم معرفی داده است چون 'صولتِ فاروقی' از محمد بخش آشوبؔ[1]، 'فتوحات عالمگیری' از شیخ رأفت[2]، 'فتح نامه سند' از عظیم الدین شیرازی[3]، 'حمله حیدری' از محمد رفیع باذلؔ مشهدی[4]، 'نجیب نامه' از محی الدین ذوقیؔ[5] وغیره۔

روش کار این مقاله

درین مقاله تاریخ نویسی فارسی در دوره تیموریان متاخر در شبه قاره به ترتیب سالِ تالیف پرداخته شده است۔ چون این دوره محیط بر یکصد و پنجاه سال از ۱۷۰۷م تا ۱۸۵۷م/ ۱۱۱۹ تا ۱۲۷۴هـ.ق است پس تاریخ های این دوره در سه باب تقسیم شده است که هر یك ازان مشتمل بر تقریباً پنجاه سال است۔ بعد ازان تواریخ منظومِ دورۂ تیموریان متاخر به طور باب چهارم معرفی شده است۔ باب پنجمِ این مقاله در موردِ آن کتاب های تاریخی دورۂ تیموریان متاخر است که نامِ مؤلفِ آن یا نامِ آن کتاب به دست نمی آید۔ در آخرِ چهار بابِ نخستین زیرِ سرنامه 'تواریخ متفرقه'، چند دیگر تواریخ دورۂ تیموریان متاخر متعلقه به آن باب بررسی شده است۔ اگرچه درین مقاله کتاب های تاریخی به ترتیبِ زمانی بررسی شده است ولی 'تواریخِ متفرقه' و باب پنجمِ این مقاله به ترتیب الفبایی بیان شده است۔ آن کتاب های تاریخی دورۂ تیموریان متاخر که نامِ نویسندۂ آن معلوم نیست، راقم این سطور در باب پنجم به عنوانِ 'تاریخ های بی نامِ نویسنده' جداگانه ذکر کرده است۔ بعضی تواریخ متعلقه به این دوره این چنین هم هست که فقط نامِ نویسندۂ آن معلوم است و نام کتاب یافته نمی شود، درین باب این چنین تاریخ ها به عنوانِ 'تاریخ های بی نام با نامِ نویسنده' علیحده معرفی شده

۱۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۶۹

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۶

۳۔ استوری،ص۶۵۷ ۴۔ ریو،ج۲،ص۷۰۴

۴۔ اته،انڈیا آفیس،ج۱،ستون ۹۳۱،ش۱۷۱۵

است و تاریخ های که بدون نام کتاب و نام نویسنده است، هم درین باب به عنوانِ 'تاریخ های بی نام از نویسندگان نامعلوم' جداگانه بررسی شده است۔

اگرچه درین مقاله بررسی کتاب ها به ترتیبِ سال وار پرداخته شده است اما آن کتاب های تاریخی دورهٔ تیموریان متاخر که سال تالیف آن یافته نمی شود، درین مقاله دران باب جای یافته است که مشتمل بر وقایع تاریخی تا آن سال است۔ هر کتاب موردِ مقاله جداگانه بررسی شده است الا که نویسنده ای بیش از یك اثر تاریخی در دورهٔ موردِ ملاحظه تالیف کرد۔ در آخر هر باب بررسی مختصرِ آن باب داده شده است و در آخر این مقاله بررسی کلی تاریخ نویسی دورهٔ تیموریان متاخر بیان شده است۔

بعضی کتاب ها که از زبان دیگری به زبان فارسی ترجمه شده است، هم درین مقاله ذکر شده است که فلان مردی در فلان سال این کتاب را به فلان زبان ترجمه کرده بود۔ از تواریخ ترجمه شده 'رساله نانك شاه' (۱)، 'بنساولی' (۲) و 'ترجمه تاریخ راجه های کرگ'(۳) خیلی مهم است۔

بسیاری تواریخ متعلقه به دورهٔ مورد نظر هنوز به چاپ نرسیده است و به صورتِ نسخه های خطی در کتاب خانه های جهان نگهداری می شود۔ بیشتر ازین نسخه های خطی در کتاب خانهٔ موزه بریتانیای، کتاب خانه اندیا آفیس، کتاب خانهٔ خدا بخش بانکیپور پتنه، کتاب خانهٔ دانشگاه پنجاب، کتاب خانه موزه ملی کراچی و علاوه بر این در چند دیگر کتاب خانه های شبه قاره و در کتابخانهٔ های شخصی یافته می شود۔

برای بررسی تاریخ نویسی دورهٔ تیموریان متاخر نویسنده این سطور چند کتاب به صورت چاپی یافت و برای بعضی نسخه های خطی از کتاب خانهٔ دانشگاه پنجاب، کتاب خانه عمومی پنجاب، کتاب خانه موزه ملی کراچی و کتاب خانهٔ سچل سر مست خیرپور میرس استفاده کرده است۔ چون فراهم آوردنِ

۱۔ اته، بادلین، ج ۱، ستون ۱٤۹، ش ۲۸۱

۲۔ استوری، ص ٦۹۰

۳۔ ریو، ج ۱، ص ۳۳۳

دستنویس از اروپا وغیره کارِ صبر آزما و گران است، پس نگارندۀ این مقاله، برای بررسی نسخه های خطی تواریخ دورۀ تیموریان متاخر که در کتاب خانه های اروپا یافته می شود، از فهارسِ نسخه های خطی کتابخانه های جهان رجوع کرده است۔

به روشِ آن زمان بیشتر مؤلفین در مقدمه یا دیباچه معرفی خود پرداختند۔ اما مشکلی این است که اکثر ازان ذکر خود خیلی کم کردند و فقط برین اکتفا نمودند که تاریخ مذکور را به خواهشِ فلان نوشتند۔ دیگر چون بسیاری کتاب های تاریخی دوره تیموریان متاخر هنوز به چاپ نرسیده است و نسخه های خطی این کتاب ها در کتاب خانه های مختلف جهان نگهداری می شود، نگارندۀ این سطور از منابع مستند، آن قدر که احوال تاریخ نویسان یافته، درین مقاله بیان نموده است۔

در اکثر مواردِ این مقاله جای که همه فهرست نویسان چیزی دربارۀ کتاب تاریخی این دوره برابر نوشتند، راقم این سطور ازان فهرست یا کتاب حواله داده است که دران کتاب آن چیزی نخستین بار ذکر شده است و دیگر نویسندگان بعد ازان از آن کارِ نخستین، نقل کردند۔ به طور مثال الیوت در باره کتابی چیزی نگاشت و همان چیز را ریو، اته و استوری وغیره برابرِ الیوت نوشتند، نویسندۀ این سطور آنجا حوالۀ الیوت به کار برده است، الا که نگارندۀ اولین چیزی را غلط نوشته و کسی دیگر بعد ازان آن چیزی را تصحیح کرده باشد۔ همین طور اگر ریو دربارۀ کتابی چیزی را نوشت و بعد ازان اته، مولوی عبدالمقتدر، استوری وغیرهم آن چیزی را برابر نوشتند، راقم اینجا حوالۀ ریو به کار برده است۔ در موردِ بررسی کتاب های تاریخی ازان فهرستِ نسخه های خطی زیاد استفاده برده شده است که دستنویسِ مؤلف دارد و نویسنده این سطور دستنویسِ مؤلف را هم درین مقاله ذکر کرده است که در فلان کتاب خانه به شمارۀ فلان نسخۀ

دستنوشتهٔ مؤلف نگهداری می شود۔

در مورد بیانِ نسخه های خطی کتاب، درین مقاله ذکر کرده ام که نسخه های فلان کتاب در فلان فلان کتابخانه نگهداری می شود۔ نسخه که نگارندهٔ این مقاله درباره آن از فهرستِ کتابخانه رجوع کرده، شماره آن نسخهٔ خطی و در اکثر موارد برگ و معرفی دیگرِ آن دستنویس نیز درین مقاله نگاشته است۔ اما اگر خود آن نسخه را در فهرست ملاحظه نکردم، حواله داده شده است که در فلان منابع ذکر آمده است که این نسخه خطی در فلان کتاب خانه نگهداری می شود۔ بعد از بیان نسخه های خطی خارج از پاکستان، نسخه های آن تاریخ که در پاکستان یافته می شود، ذکر شده است که زیادی ازان در کتاب خانهٔ دانشگاه پنجاب و موزه ملی پاکستان کراچی نگهداری می شود۔ کتابی که نسخه های آن در کتاب خانهٔ جهان فراوان است، گاهی تفصیلِ آن بیان نشده است و فقط بیان نسخه های مهمی اکتفا نموده شده است۔

در مورد بررسی سبکِ کتاب های تاریخی این دوره کتابی که نگارندهٔ این سطور به صورت نسخهٔ خطی یا چاپی دید، سبک آن کتاب را ملاحظه کرده نگاشته است۔ اما چون بالا بیان شده است که اکثر کتاب های تاریخی دورهٔ تیموریان متاخر به صورت چاپی یا دست نویس در دسترس نیست، اگر کسی فهرست نویس یا نگارنده دیگر در موردِ سبکِ آن کتابِ تاریخی چیزی نگاشته است، درین مقاله نقل شده است۔

همه مؤلفینِ فهارسِ نسخه های خطی تواریخ دورهٔ تیموریان متاخر، سطری از آغازِ این تواریخ نقل کرده اند که تقریباً باهم یکی است۔ اما اگر در فهارسِ مختلفه آغاز کتاب مختلف داده شده است، درین مقاله آغاز از هر دو فهرست نقل شده است۔ مزید بر آن اگر برخی فهرست نویسندگان آغازِ کتاب یکی نقل کردند، نویسنده این مقاله ازان فهرست آغاز را نقل کرده است که دران عبارتِ زیادی ازان آغاز داده شده است۔

اختصارات

اته:	هرمان اته
استوری:	ادب فارسی،ج یکم، بخش یکم و دوم(PERSIAN LITERATURE, a Biobibliographical survey)از استوری
اسپرنگر:	الای اسپرنگر
الیوت:	تاریخ هندوستان(History of India as told by its own Historians) از الیوت وپرفسورداووسن
انجمن آسیایی بنگال:	فهرستِ نسخه های خطی فارسی در انجمن آسیایی بنگال، کلکته
اندیا آفیس:	فهرستِ نسخه های خطی فارسی در کتابخانهٔ اندیا آفیس
ایدنبرگ:	فهرست نسخه های خطی عربی و فارسی در کتابخانهٔ دانشگاهِ ایدنبرگ
بادلین:	فهرستِ نسخه های خطی فارسی، ترکی،هندوستانی و پشتو در کتابخانهٔ بادلین،آکسفورد
باك لیند:	دکشنری آف اندین بایوگرافیز(Dictionary of Indian Biographies)از باك لیند
بانکیپور:	فهرست نسخه های عربی خطی و فارسی در کتابخانهٔ خاورشناسی عمومی خدابخش،پتنه
بوهار:	فهرستِ نسخه های خطی فارسی در کتابخانهٔ بوهار، کلکته
پاکستان و هند:	تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند
پاکستان مین...:	پاکستان مین فارسی ادب
تاریخ نویسی فارسی...:	تاریخ نویسی فارسی در هند وپاکستان(تیموریان بزرگ، از بابر تا اورنگزیب)
ج:	جلد
در.گذ:	درگذشته
راجستان تونك:	فهرستِ نسخه های خطی فارسی در کتابخانهٔ تونك،راجستان
ر.ك:	رجوع کنید
روز و براوون:	فهرستِ دو گنجینهٔ نسخه های خطی فارسی و عربی در کتابخانهٔ اندیا آفیس از روز و براوون
ریو:	چارلس ریو،فهرستِ نسخه های خطی فارسی در موزه بریتانیا
سپلیمنت هیندلیست کامبریج:	(A SUPPLEMENTARY HAND-LIST of the Muhammadan Manuscripts in the Libraries of the University & Colleges of Cambridge)
سهم هندووان:	سهم هندووان در ادب فارسی
س.ن:	سال ندارد
ش:	شماره
شاهان اوده:	فهرستِ نسخه های خطی عربی،فارسی و هندوستانی در کتابخانه های شاهان اوده
ص:	صفحه
صص:	صفحات
فهرست کتابخانه ملی ویلز:	فهرست مخطوطات فارسی،عربی و هندوستانی در کتابخانه ملی ویلز
فهرست مشترك:	فهرست مشترك فهرستِ نسخه های فارسی در پاکستان
فیضی:	فهرستِ نسخه های خطی عربی،فارسی و اردو در شاخ بمئی،انجمن آسیایی شاهی از فیضی
ق.م:	قبل از مسیحؑ
گنجینهٔ آذر:	فهرستِ نسخه های فارسی در کتابخانهٔ دانشگاهِ پنجاب،گنجینهٔ آذر،لاهور
مارشال:	مغولان در هند(Mughals in India, A Bibliographical Survey) از مارشال
موزه بریتانیا چاپی:	فهرست کتاب های چاپی فارسی درموزه بریتانیا
نبی هادی:	لغت هندوایرانی ادب(Dictionary of Indo-Persian Literature) از نبی هادی

ن.ك: نظر كنيد

هيندليست كامبريج: (A HAND-LIST of the Muhammadan Manuscripts preserved in the Library of the University of Cambridge)

ه.ش: هجرى شمسى

ه.ق: هجرى قمرى

ؑ : عليه السلام

رض : رضى الله عنه

رح : رحمة الله عليه

ص : صلى الله عليه و آلهٖ وسلم

باب اول

(از ۱۱۱۹ تا ۱۱۷۲ هـ.ق/۱۷۰۷ تا ۱۷۵۸ م)

جنگنامه/ رزمنامه/ بهادر شاه نامه/ جنگنامه بهادرشاه/ ظفرنامهٔ بهادرشاه[۱]

از نعمت خان عالی

شرحِ احوالِ مؤلف:

مرزا نور الدین محمد عالیؔ فرزند حکیم فتح الدین شیرازی[۲] از خانواده ایرانی است که به سببِ تسلط داشتن در علوم پزشکی در شیراز شهرت داشت۔ وی خود در هندوستان متولد گردید[۳]۔ وی در عهد شاه جهان به دربار شاهجهان پیوست[۴]۔ مرزا نورالدین به لقب خود 'نعمت خان عالیؔ' بسیار معروف است که در ۱۱۰۴ هـ.ق از اورنگزیب عالمگیر یافته بود[۵]۔ در دورهٔ اورنگزیب عالمگیر وی مهتممِ مطبخ شاهی مقرر گردید و به همین سبب لقبِ نعمت خان یافت، عالیؔ تخلصِ وی بود[۵]۔ در آخر دوره عالمگیر وی داروغه جواهر خانه بود و به 'مقرب خان' ملقب شد[۷]۔ در آغازِ دورهٔ بهادر شاه لقبِ 'دانشمند خان' گرفته بود[۸] و شرحِ آن چنین است که چون اورنگزیب عالمگیر فوت شده بود،وی در گوالیار خزانه داشت و بعد از تخت نشینی بهادر شاه، خزانه به او سپرده ازو خطاب 'دانشمند خان' و برای نوشتنِ تاریخِ دوره وی دستور یافت[۹]۔ وی در سال سوم تخت نشینی بهادر شاه در ۱۱۲۱ هـ.ق فوت شده بود[۱۰]۔ در تاریخ محمدی آمده است که وی در یکم ربیع الاول ۱۱۲۲ هـ.ق در دهلی فوت شده بود[۱۱]۔ شعرِ او برای طنز معروف است[۱۲]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۴۷۲

۲۔ استوری،ص۵۸۹

۳۔ ریو،ج۱،ص۲۶۸

۴۔ همان،ص۲۷۲

۵۔ همان،ص۲۶۸

۶۔ عباسي،منظور احسن،فهرست کتاب خانه عمومي لاهور،ص۷۰۱

۷۔ استوری،ص۵۸۹

۸۔ ریو،ج۱،ص۲۶۸

۹۔ استوری،صص۵۸۹۔۵۹۰

۱۰۔ ریو،ج۱،ص۲۶۸

۱۱۔ همان،ج۲،ص۷۰۳

۱۲۔ همان،ج۱،ص۲۶۸

سال تالیف:

این اثر حتماً میان ۱۱۱۹ھ.ق تا ۱۱۲۲ھ.ق نگاشته شده باشد چون نعمت خان عالی در ۱۱۲۲ھ.ق فوت شده بود و سال وفات اورنگزیب ۱۱۱۹ھ.ق است۔

محتویاتِ کتاب:

این اثر دارنده احوال جنگ اورنگزیب عالمگیر با مهارانای اودی پور(Udaipur) و جنگ تخت نشینی میان فرزندان اورنگزیب، بهادر شاه ومحمد اعظم شاه تا مرگِ مؤخرالذکر است[(۱)]۔ یعنی جنگنامه مشتمل بر آخرین ایام اورنگزیب عالمگیر و وقایع بعدی است که پس از وفات اورنگزیب عالمگیر روی نمود۔

سبکِ کتاب:

نعمت خان عالی برای نگاشتنِ نثرِ دلپذیر و خیال انگیز معروف است۔ وی در کتاب خود به نام 'وقایع نعمت خان عالی' حتیٰ بر اورنگزیب خرده گرفته است[(۲)]۔ اما به گفته احمد منزوی جنگ نامه، به شیوه ادبی و پند آموز نگاشته شده است[(۳)]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

جنگنامه کتاب بسیار با ارزش به ویژه دربارۀ وقایعی چون وفاتِ اورنگزیب و جنگ تخت نشینی میان فرزندانش به شمار می آید۔ این کتاب یکی از کتاب منابع دوره تیموریان متاخر به شمار می آید۔ ازین امر می توان به ارزشِ کتاب پی برد که این اثر جزو سر فصل های شبه قاره بوده و چند بار چاپ شده است[(٤)]۔

آغاز:

'زیب دیباچه سخن نیایش بی نیازی است که در بارگاه کبریایش زبان چون...'[(۵)]

۱۔ استوری،ص۵۹۲

۲۔ الیوت،ج۷،ص۲۰۰

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۴۷۲

٤۔ همان

۵۔ همان

نسخه های خطی:

دستنویس این کتاب در کتابخانۀ انجمن آسیایی بنگال، کتاب خانۀ آصفیه، کتاب خانۀ بانکیپور و موزۀ بریتانیا نگهداری شده است۔ برای شرح این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۵۹۲ و مارشال،صص۶۲و۶۳۔

در پاکستان هم بسیار نسخه های خطی این کتاب در دانشگاهِ پنجاب لاهور، کتاب خانۀ همدرد کراچی، موزۀ ملی پاکستان کراچی، کتاب خانۀ عمومی پنجاب لاهور نیز محفوظ است که برای شرح این نسخه ها موجود در پاکستان مراجع شود به فهرستِ مشترك منزوی، ج۱۰، صص۴۷۳و۴۷۴۔

تراجم و چاپ:

جنگنامه در ۱۲۶۱ه.ق/۱۸۴۵م در لکنو به چاپ رسیده بود[۱]۔ اما این اثر بسیار بار به زیور طباعت آراسته شده است و استوری چند چاپ های لکنو و کانپور را ذکر کرده است[۲]۔

ترجمه انگلیسی این کتاب از چندرا لال گپتا و آنگن لال ورما (Chandra Lall Gupta & Angan Lall Varma) در۱۹۰۹م در آگره چاپ شده بود[۳]۔ ترجمه دیگر انگلیسی از بیج نات فگار(Baij Nath Figar) در ۱۹۲۸م در لکنو چاپ شده بود[٤]۔ نسخه خطی ترجمه چکیدهِ انگلیسی این کتاب در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Add.۳۰۷۷۹ از برگ ۲۰۰ تا ۲۴۸ نگهداری می شود[۵]۔

تفاوت میان جنگنامه و بهادرشاه نامه:

اگرچه این جنگ نامه هم به نام بهادرشاه نامه معروف است اما این هر دو کتاب

۱۔ الیوت،ج۷،ص۲۰۲
۲۔ برای تفصیلِ این چاپ ها ر.ك استوری،ص۵۹۲
۳۔ استوری،ص۵۹۲
٤۔ همان
۵۔ ریو،ج۳،ص۱۰۴۹

مختلف است۔ سید مرتضی حسین فاضل در مقاله ای 'جنگنامه' و 'شاهنامه بهادر شاهی' را دو کارِ مختلف به شمار آورده است[1]۔ در کتاب های مذکور تفاوت های زیر وجود دارد:

☆'جنگنامه' به نام 'رزمنامه'، 'جنگنامه بهادرشاه'، 'ظفرنامه بهادرشاه' و 'بهادر شاه نامه' معروف است۔ بهادرشاه نامه به نام تاریخ بهادرشاهی هم معروف است۔

☆آغاز این هر دو کتاب هم متفاوت است۔ آغاز 'جنگنامه' بالا داده شده است و آغاز 'تاریخ بهادرشاهی' چنین است:

'بسم الله الرحمن الرحیم　　　دست برآورده به جود کریم
ناز و نعیم دو جهان در کفش　　　خلق ازل تا به ابد مصرفش
افسر سلطان سخن حمد مالك المملکت که سریر............'[2]

☆تاریخ بهادر شاهی دارندهٔ تاریخ دو سالِ نخستِ جلوس بهادرشاه است[3]۔ ریو در محتویات این کتاب نوشته است که درین کتاب بعد از مقدمه زایش و زندگانی شاه عالم بیان شده است، بعد ازان مرگ اورنگزیب عالمگیر در ۲۸ ذی الحج ۱۱۱۸ھ۔ق ، جنگ میان اعظم و معظم و جلوس بهادر شاه بیان شده است۔ افزون بران احوال دوره بهادرشاه از ربیع الآخر۱۱۱۹ھ۔ق تا ذی القعده۱۱۲۰ھ۔ق ماه به ماه و بسیاری جا روز به روز بیان شده است[4]۔ ولی 'جنگنامه' دارنده تاریخ آخرین دوره اورنگزیب عالمگیر و جنگ تخت نشینی میان اعظم و معظم است۔

۱۔　منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۴۷۲

۲۔　اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۴۳،ش۳۸۵

۳۔　همان

٤۔　ریو،ج۱،ص۲۷۲

اعظم الحرب از کامراج

شرحِ احوالِ مؤلف:

برای شرح احوال کامراج بن نین سینگ ببین 'عبرتنامه' در همین مقاله بر ص٤٨۔

سال تالیف:

این کتاب چندی بعد از جنگ میان اعظم و معظم نوشته شده بود که در ۱۱۱۸ھ.ق واقع شد[1]۔ این طور قیاس غالب است که این اثر در ۱۱۱۹ھ.ق نگاشته شده باشد۔

سبب تالیف:

در سبب تالیف این کتاب مؤلف می گوید که او این کتاب بعد از وفات محمد اعظم برای عنایات که محمد اعظم بر مؤلف می کرد، تالیف کرده است[2]۔

منابع اعظم الحرب:

در ذکر منابع این تاریخ مؤلف می گوید که او احوال این کتاب از یکی 'وقایع نگار حضور' گرفته است[3]۔ علاوه بر این کامراج خود در سلك ملازمان اعظم شاه بود و اته او را ملازم خاص گفته است[4]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارنده احوال دوره مختصرِ محمد اعظم شاه وجنگ های تخت نشینی است که بعد از وفات اورنگزیب میان شاهزادگان برپا شده بود۔ این کتاب از دیباچه آغاز می شود۔ عناوین دیگر چنین است: روانه شدن شاهزاده کام بخش و محمد اعظم شاه و

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۳۷

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱٤٥،ش۳۹۱

وفات اورنگزیب،تخت نشینی اعظم شاه به تاریخ ۱۰ ذی الحجه ۱۱۱۸ه.ق، عنایات شاهی بر شهزادگان و امیران، روانه شدن اعظم شاه از احمد نگر به اورنگ آباد، نامه بیدار بخت به پدرِ خود، حاضری اعظم شاه بر مزار برهان الدین اولیا و رفتن به برهان پور، روانه شدن از برهانپور به سرونج، روانه شدن از سرونج و سزا دادن به چوهدری گوپال، روانه شدن اعظم شاه به گوالیار و رسیدگی محمد عظیم الدین و بهادر شاه در آگره، ترتیبِ افواج اعظم شاه برای جنگ، احوال جنگ به تاریخ ۱۸ ربیع الاول ۱۱۱۹ه.ق و مرگِ اعظم شاه و دیگر شاهزادگان،خاتمه کتاب دارندۀ اشعار بر مظالم تقدیر است[۱]۔

سبکِ کتاب:

اگرچه در دورۀ تیموریان متاخر در تاریخ نویسی سبك ساده به کار برده شده بود ولی این کتاب دارای نثری کما بیش متکلف و پر اطناب است[۲]۔ (برای بررسی سبك این کتاب دستنویس به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

از آنجا که مؤلف این کتاب از سه نسل به ملازمت شاهی پیوسته بود، اثرش دارای اهمیت بسیار است۔ در جنگِ تخت نشینی میانِ شاهزاده اعظم ومعظم پدرِ وی نین سینگ به طور 'پیشدست' در 'توپخانه والا شاهی' نیز شرکت کرده بود[۳]۔ علاوه بر این کامراج خود از ملازمانِ خاصِ اعظم شاه بود و این کتاب را به صله احسان های آقای خود نوشته بود، حتماً به اعظم شاه تمایل داشته باشد۔ اما این کتاب برای وقایعِ تاریخیِ جنگِ اعظم و معظم اثر پر ارزش به شمار می آید۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۳۷

۲۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج۴،بخش۳،ص۲۰۶۵

۳۔ ریو،ج۳،ص۹۳۷

آغاز:

'در باغ جهان چو قد برافراخت قلم............،[۱]

نسخه های خطی:

نسخه خطی اعظم الحرب از کامراج بن نین سینگ در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره ۱۸۹۹ .Or نگهداری می شود. کاتبِ این نسخه خطی مولا بخش می گوید که وی این نسخه را از دستنوشتهٔ مؤلف که در کتابخانه موتی محل لکنو موجود است، نقل کرده بود[۲].

۱ـ ریو، ج۳، ص۹۳۷

۲ـ همان

جنگ نامه محمد معظم شاه و اعظم شاه از عطاالله

شرحِ احوالِ مؤلف:

علاوه بر نام نویسندۀ این کتاب، عطا الله، هیچ اطلاعِ دیگری در دست نیست۔قیاس است که مؤلف در جنگ اعظم و معظم شامل باشد؛ چون بسیار مؤلفان که احوال این جنگ را نگاشته اند، درین جنگ شامل بودند۔ به طور مثال رامیؔ که' مجموعه تاریخ شاهنشاهان' نوشته است۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۱۹ھ.ق/۱۷۰۷م نوشته شده بود[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

از نام این کتاب عیان است که این کتاب در بیان جنگِ پسران اورنگزیب عالمگیر، محمد معظم شاه و محمد اعظم شاه، است۔این جنگ بعد از وفات اورنگزیب عالمگیر میان دو شاهزادگان برای تاجگزاری برپا شده بود۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

هرمان اته، علاوه بر آغاز این کتاب، در فهرستِ کتاب خانه ملی ویلزهیچ اطلاعی دیگر نداده است۔ استوری هم همان نوشتۀ اته را رقم کرده سالِ جنگِ اعظم و معظم را "یازدهم ربیع الثانی سنه۱۱۱۷[۱۱۱۸؟] هجری نبویه" نوشته است[۲]۔ شاید در نسخه خطی همین طور نوشته باشد چون واقعاً این جنگ در ۱۱۱۹ھ.ق بعد از مرگِ اورنگزیب برپا شده بود۔اگر مولف تاریخ جنگِ اعظم و معظم ۱۱۱۷ھ.ق غلط نوشته است، ازین رو

۱۔ نبی هادی،ص۹۸

۲۔ استوری،ص۶۰۰

قیاس قوی است که مولف این کتاب را چند سال بعدِ این جنگ نگاشته باشد۔

آغاز:

'وقایع جنگ بهادر شاه عالم غازی و محمد اعظم شاه غازی وغیره شاهزاده های والا تبار واقع به تاریخ یازدهم شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۱۷ [۱۱۱۸؟]هجری نبویه و پنجاه و یك از جلوس بود..'[۱]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب خیلی کمیاب است۔ فقط دو نسخهٔ دستنوشتهٔ این کتاب در کتابخانه آصفیه و کتاب خانه ملی ویلز موجود است۔ دستنویس آصفیه ناقص الآخر است[۲]۔ نسخه خطی در کتاب خانه ملی ویلز(National Library of Wales) بر شماره۹ از برگ ۹۳،الف تا ۱۰۸،ب نگهداری می شود[۳]۔

۱۔ اته،فهرست کتابخانه ملی ویلز،ص۱۶

۲۔ استوری،ص۶۰۰

۳۔ اته، فهرست کتابخانه ملی ویلز،ص۱۶

منتخب التواریخ از جگ جیون داس گجراتی

شرحِ احوالِ مؤلف:

جگ جیون داس فرزند منوهرداس گجراتی[1] به دوره اورنگزیب عالمگیر در ۱۱۰۵ھ.ق به ملازمت شاهی به طور 'هرکاره' شامل گشت و از همان زمان وقایع دورۀ خود را می نوشت[2]۔ از ۱۱۱۷ھ.ق در لاهوردر اداره اطلاعات خدمت می کرد[3]۔ در ۱۱۱۹ھ.ق در لاهور از بهادر شاه به خدمتِ اداره اطلاعات خلعتی گرفت[4]۔ در همان سال محمد معظم بهادر شاه او را 'وقایع نگار' مقرر کرد[5]۔ در عهد بهادر شاهی به عنوان 'وقایع نگار'، 'بخشی الممالك' و 'رییس کل پست' خدمات شایانی انجام داد[6]۔ در ۱۱۲۰ھ.ق/ ۹۔۱۷۰۸م کتابی به نام منتخب التواریخ نوشت[7]۔

سال تالیف:

مؤلف در مقدمه کتاب می گوید که او این اثر را در ۱۱۲۰ھ.ق در دورۀ محمد معظم شاه بهادر پادشاه نوشت[8]۔

محتویاتِ کتاب:

منتخب التواریخ تاریخ مختصری از سلطان معزالدین تا شاه عالم بهادر شاه است۔ ریو محتویات این کتاب چنین بیان نموده است؛ تاریخ شاهان هند از معزالدین غوری تا اورنگزیب، تاریخ بهادر شاه از ۱۱۰۵ھ.ق تا کامرانی او بر برادرش کام بخش و بازگشتنِ او از حیدرآباد به پای تخت در ذی الحجه سالِ دوم جلوس، جدول های محاصلِ استان ها

۱۔ استوری،ص۴۵۸

۲۔ ریو،ج۱،صص۲۳۱۔۲۳۲

۳۔ همان،ص۲۳۲

۴۔ استوری،ص۴۵۸

۵۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان...،ص۵۶

۶۔ آفتاب اصغر،دکتر،تاریخ نویسی فارسی...،ص۴۷۶

۷۔ استوری،ص۴۵۸

۸۔ ریو،ج۱،ص۲۳۱

به دستور بهادر شاه، شاهان محلی از دکن تا کشمیر چون در تاریخ فرشته بیان شده است[۱]۔

منابع و مآخذ منتخب التواریخ:

در منابع این کتاب 'لب التواریخ' و 'تاریخ فرشته' شامل است۔ به گفته استوری علاوه بر تاریخ بهادر شاه این اثر بیشتر از 'لب التواریخِ' رای بندرابن گرفته شده است [۲]۔

ریو می گوید که علاوه بر تاریخِ دورۀ بهادر شاه، منتخب التواریخ با یك کمی تغییر از 'لب التواریخِ' رای بندرابن گرفته شده است [۳]۔ ذکر شاهان محلی هند از تاریخ فرشته برده شده است[٤]۔

سبكِ کتاب:

نثر این کتاب پخته تر از آثار دیگر مورخان هندو،مگر چندر بهان برهمن،است[٥]۔

(نسخه خطی این کتاب برای بررسی سبك، به دست نیامده است)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

جگجیون داس درین اثرِ تاریخی احوال بهادر شاه از زمان شاهزادگی وی از ۱۱۰۵ه.ق بیان نموده است و در همین سال وی خود به ملازمت شاهی شامل گردیده بود، این طور تاریخی که وی بیان نموده است بسیار اهمیت دارد۔ منتخب التواریخ برابر احوال تاریخی جدول های محاصلِ استان هادارد۔ مؤلف این جدول ها را به عینه رقم کرده چون به حکم بهادر شاه می کشیدند۔ یعنی از ین تاریخ ما طریقۀ گردآوری محاصل در دوره بهادر شاه هم می یابیم۔

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۳۲

۲۔ استوری،ص٤٥۸

۳۔ ریو،ج۱،ص۲۳۲

٤۔ همان

٥۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص۸٦۸

آغاز:

'از کرم عام آفریدگار و فضل تمام پروردگار ....'[۱]

'از کرم عالی آفریدگار و فضل تمام پروردگار ....'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه خطی منتخب التواریخ از جگجیون داس گجراتی در کتاب خانه موزه بریتانیا، کتابخانه اندیا آفیس و آکسفورد موجود است [۳]۔ در دانشنامه ادب فارسی، دو نسخهٔ خطی دیگر در موزه سالار جنگ حیدرآباد به شماره Hist. ٤٣٠ و کتابخانه آصفیه به شماره ١٦٤٨ و ١٩١١ هم ذکرشده است[٤]۔

در پاکستان یکی از نسخه خطی منتخب التواریخ در دانشگاه پنجاب لاهور و دو نسخه در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی موجود است۔ برای کسب اطلاع در باره نسخه ها موجود در پاکستان مراجع شود به فهرست مشترك منزوی، ج۱۰، ص٤٧٠۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔ دستورالعمل:

کتابچه رهنمایی برای منشیان و دبیران است و دارای اطلاعات اساسی درباره کارِ ارادت گوناگون دولتی است[۵]۔

۱۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص٤٧٠

۲۔ ریو، ج۱، ص۲۳۱

۳۔ استوری، ص۹۔٤٥٨/ مارشال، ص۲۱۸

٤۔ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۱، ص۸٦۸

۵۔ همان

دلگشا/ تاریخ دلگشا/نسخه دلگشا[1] از بیم سین

شرحِ احوالِ مؤلف:

بیم سین(Bhim Sen) فرزند رگونندداس(Raghu-Nandan-Das) در بیست و سوم سال جلوس شاه جهان در۱۰۵۹ هـ.ق در برهانپور متولد گردید[۲]۔ او از خانوادۀ کایسته بود[۳]۔ بیم سین برادرزادۀ بگوانداس(BhagwanDas) بود که در روزگارِ اورنگزیب به رتبه دیوان با لقب 'دیانت رای' سرافراز گشت[٤]۔ خود بیم سین در خدمت راو دلپت(Rao Dilpat) سردار بندیله اشتغال داشته و تحت آن سردار در مهم های ارتشی آن زمان کارهای نمایان سرانجام داد[٥]۔باری راو دلپت او را داروغه قلعه 'نال دروگ' هم مقرر کرده بود[٦]۔ بیم سین در خدمت راو دلپت بندیله در بسیار تهاجم ها شرکت کرد و احوال آن تهاجم ها درین اثر نوشته است[۷]۔ بیم سین از دهلی تا 'تری وندرم' مسافرت هم کرده بود و زندگانی مردم آن دوره را خوب ملاحظه کرد[۸]۔ در زمان اورنگزیب بیم سین بر عهده های مختلف کار خدمت داشت و بعد ازان چون شاهزاده کام بخش فوت شد، او ملازمت را ترک کرده به برهانپور بازگشت[۹]۔ از تاریخ وفات او اطلاعی در دست نیست۔

سال تالیف:

مؤلف در خاتمه گفته است که این اثر در ۱۱۲۰ هـ.ق تکمیل یافت[۱۰]۔

محتویاتِ کتاب:

۱۔ استوری،ص۵۸۸
۲۔ ریو،ج۱،ص۲۷۱
۳۔ استوری،ص۵۸۸
٤۔ ریو،ج۱،ص۲۷۱ ۵۔ همان
٦۔ استوری،ص۵۸۸
۷۔ مارشال،ص۱۱۳
۸۔ نبی هادی،ص۱۳۷
۹۔ استوری،ص۵۸۸ ۱۰۔ ریو،ج۱،ص۲۷۱

دلگشا مشتمل بریادداشت های تاریخی است و بخش بزرگ این اثر مشتمل بر اخراجات ارتشی تهاجمِ دکن است [1]۔ این کتاب از جستجوی اورنگزیب از دکن تا آگره برای تخت نشینی آغاز می شود و تا مرگ شاهزاده کام بخش و تاجپوشی شاه عالم بهادر شاه در ۱۱۲۰ھ۔ق/۱۷۰۹ م ادامه دارد[2]۔

سبکِ کتاب:

این کتاب در سبک ساده و روان نوشته شده است [3]۔ سبک این کتاب بسیار متین و استوار و خالی از تکلف بی جا است[4]۔ (نسخه خطی برای بررسی سبک به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب از نظر تاریخ بسیار ارزش دارد و محیط بر تاریخ نصف قرن یعنی از جستجوی اورنگزیب برای تاجپوشی در۱۱۶۸ھ۔ق تا تاجپوشی بهادر شاه عالم در ۱۱۲۰ھ۔ق است۔ یکی از مزایای مهم کتاب اینست که مولفش با راو دلپت رای علاقه داشته و در بسیار لشکر کشی ها همراه او بود۔ به همین وجه او بر اوضاع زمان و اخبار جاریه مطلع بوده است و وقایع که درین تاریخ ذکر کرده، بسیاری با چشم خود ملاحظه کرده بود۔

آغاز:

'ستایش و نیایش معبودی را سزد که قالبِ انسان را از کتم عدم به وجود آورده ...'[5]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی 'تاریخ دلگشا' در موزۀ بریتانیا، کتابخانۀ اندیا آفیس و پاریس موجود است۔ برای شرح بیشتر دربارۀ این نسخه ها مراجع شود به مارشال،ص۱۱۳ و استوری،ص۵۸۸ ۔

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۷۱
۲۔ استوری،ص۵۸۸
۳۔ ریو،ج۱،ص۲۷۱
٤۔ مارشال،ص۱۱۳
۵۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۷۰،ش٤٤۵

تراجم و چاپ:

کاپتان جوناتن اسکات(Capt. Jonathan Scott) ترجمه ملخص این تاریخ را بدون نام کتاب و نگارنده در کتابش'تاریخ دکن' به چاپ رسانده است[۱]۔ این ترجمه در ۱۷۹٤ م به چاپ رسیده بود[۲]۔

آثار دیگر مؤلف:

علاوه بر تاریخ دلگشا، بیم سین نزد ۱۱۲۱ه.ق/۱۷۰۹م یکی اثر دیگر به نام **'منشآت رنگین'** هم پرداخته بود که مجموعۀ نامه های اوست[۳]۔

۱۔ ریو،ج۱، ص۲۷۱

۲۔ استوری،ص۵۸۹

۳۔ نبی هادی،ص۱۳۷

مآثر عالمگیری از محمد ساقی مستعد خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد ساقی ملقب به مستعد خان پیشِ مؤرخ معروف روزگارش بختاور خان پرورش یافت[۱]۔ در سال ۱۰٦۱ھ.ق چشم به جهان کشود و هجده سالگی به عنوان منشی مخصوص به خدمت بختاور خان در آمد[۲]۔ مستعد خان با سرپرستِ خود به طور منشی و دیوان وابسته شده و در هفده سالِ آخرینِ بختاور خان در نوشتن 'مرآة العالم' او را نیابت می کرد[۳]۔ بعد از وفاتِ بختاور خان درملازمین شاهی شامل گردید و منصب یافته و وقایع نگار شد[٤]۔ در ۱۰۹۵ھ.ق/ ۱٦۸٤ م 'مشرف نقاش خانه'، در ۱۰۹۷ھ.ق/ ٤۔۱٦۸۳ م 'مشرف جانماز خانه'، در ۱۱۱۰ھ.ق/ ۱٦۹۸ م 'مشرف خواصان' و در ۱۱۱۳ھ.ق/ ۱۷۰۱ م 'منشی نظارت' شد[٥]۔

بعد از وفاتِ بختاور خان، مستعد خان به عنایت الله خان پیوست و چون عنایت خان در دورۀ شاه عالم بهادر شاه برای نوشتنِ تاریخِ چهل سالِ آخرینِ جلوسِ اورنگزیب فرمایش نمود، محمد ساقی مستعد خان این اثر را تالیف کرد [٦]۔ محمد ساقی در ذی القعده ۱۱۱۹ھ.ق لقبِ مستعد خان یافت[۷]۔ مستعد خان در ۲۰ شوال ۱۱۳٦ھ.ق در دهلی به سنِ هفتاد و پنج فوت شد[۸]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۲۲ھ.ق / ۱۷۱۰ م نوشته شده بود۔ از نامِ این کتاب **'مآثر عالمگیری'**

۱۔ استوری،ص۵۹۲

۲۔ آفتاب اصغر،دکتر،تاریخ نویسی فارسی..،ص٤۷۷

۳۔ ریو، ج ۱،ص۲۷۰

٤۔ استوری،ص۵۹۳

۵۔ همان ٦۔ همان

۷۔ ریو،ج۳،ص۹۳٦

۸۔ استوری،ص۵۹۳/ریو،ج۳،ص۱۰۸۳

هم تاریخ **١١٢٢ھ**.ق به دست می آید [١]۔اگرچه ریو سالِ تالیف این کتاب را از نامِ این (مآثر عالمگیری =١١٢٢ ھ.ق) ذکر کرده است اما در فهرستِ موزه بریتانیا،ج١، ص٢٧٠، سال تالیف این ١٠٢٢ ھ.ق نگاشته شده است که غلط است۔

سبب تالیف:

در مقدمه مؤلف گفته است که در عهد بهادر شاه، سرپرست وی عنایت الله خان برای نوشتن تاریخ چهل سالۀ اورنگزیب عالمگیر خواهش کرد که به علتِ امتناعِ تاریخ نگاری به حکمِ عالمگیر، در 'عالمگیر نامه' شامل نشده بود[٢]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارنده تاریخ پنجاه ساله پادشاهی اورنگزیب عالمگیر است۔ مؤلف درین اثر تاریخ را سال وار تحریر کرده است۔ مآثر عالمگیری در دو بخش و یك ضمیمه نگاشته شده است۔ **بخش یکم** در احوال تاجگزاری وده سالۀ نخست پادشاهی اورنگزیب عالمگیراست که از عالمگیر نامۀ محمد کاظم برده شده است۔ **بخشِ دوم** احوالِ آخرین چهل سال پادشاهی عالمگیر تا مرگِ وی را بر داشت۔ **ضمیمه** دارندۀ معلوماتی در باره پادشاه عالمگیر است که درین تاریخ ذکر نشده و چندی در موردِ احوالِ خانوادۀ اورنگزیب عالمگیر است[٣]۔

در آخر کتاب مؤلف وفات اورنگزیب و خصایل و محاسن وی و در موردِ معرفی اولادِ شان نیز ذکر کرده است[٤]۔ منزوی در فهرست مشترك جلد دهم صص٤٨٠۔٤٨١ نام های چند باب این کتاب را ذکر نموده است اما در کتاب چاپی این تاریخ سال وار بیان شده است۔

١۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج١،ص١٦٣ / عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص٨٧

٢۔ ریو،ج١،ص٢٧٠

٣۔ الیوت، ج٧،صص ١٨١۔١٨٢

٤۔ ر.ك مآثر عالمگیری،مترجم محمد فدا علی طالب،کراچی،١٩٦٧م

سبکِ کتاب:

محمد ساقی سبکِ خودش دارد که مشکل نیست اما قدری متکلّف است[1]۔ به طور مثالِ سبکِ این کتاب اینجا چند اقتباس نقل شده است؛

'در این هنگام مبارک فرجام ماه صیام نبوی و بهروزی روی نمود...'[2]

'همای زرین بال شهر رمضان مبارک فال بر مفارق عالمیان سایه کرامت و افضال گسترانید...'[3]

' در این ایام که به میامن اقبال خدیو دوست نواز دشمن مال دامن آمال خلایق به نقود جمعیت...'[4]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

عالمگیر در دهم سال جلوس خود تاریخ نویسی را ممنوع قرار داد اما مستعد خان درین حال در نوشتن این کار مصروف بوده۔ وی درین کتاب از ناتوانی های عالمگیر صرف نظر کرده، او را فقط تعریف نموده است۔ فتوحات را ذکر کرده اماشکست وی را بیان ننموده است۔ این اثر زیادی در ذکرِ مهم های دکن عالمگیر است۔ مستعد خان چکیده ده ساله نخستین جلوس اورنگزیب از 'عالمگیرنامه' برده است[5]۔

آغاز:

آغاز بخش یکم: **'انتخاب صحایف ایجاد انس و جان و التقای لطایف انشای کون و مکان....'**[6]

آغاز بخش دوم: **'له الحمد فی الاولیٰ والاخره خامه به پیرایش حمد جهان آفرینی .....'**[7]

۱۔ همان،ص۱۸۳

۲۔ مستعد خان،مآثر عالمگیری،نسخه گنج بخش، به حواله منزوی،احمد،فهرست مشترك، ج ۱۰ ،ص۴۸۲

۳۔ همان

٤۔ همان

٥۔ ریو،ج۱،ص۲۷۰

٦۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱ ،ستون۱۳۸ ،ش۳٦٥

۷۔ همان

آغاز نسخه بوهار: **'مآثر عالمگیری که هر دو جهان در طلب آفتاب ذاتش بسان ذره ایست و سلاطین ذوی الاقدار را به آرایش دولت سرای ترویج دین اسلام** ....'[۱]

نسخه های خطی:

در کتاب خانه جهان فراوان است که مهم ازان نسخۀ موزۀ بریتانیا، بوهار، انجمن آسیای بنگال، بانکی پور و دستنویس بادلین است۔ برای دیگر نسخه های خطی مآثر عالمگیری مراجع شود به استوری،ص۵۹۳ و مارشال صص۳۶۰۔۳۶۱۔

در پاکستان نسخه های خطی این کتاب در کتابخانۀ عمومی پنجاب، کتابخانۀ گنج بخش اسلام آباد و دانشگاه پنجاب لاهور موجود است۔ برای نسخه های پاکستان رجوع کنید به فهرست مشترك منزوی،ج۱۰ ،صص۴۸۱۔۴۸۲۔

تراجم و چاپ:

تاریخِ ده سال های نخست جلوس اورنگزیب با ترجمه انگلیسی از هنری وانسیتارت (Henry Vansittart) در ۱۷۸۵ م در کلکته به چاپ رسیده است[۲]۔ ریو، اته در فهرست اندیا آفیس و مولوی عبدالمقتدر در فهرست بوهار نوشته است که این اثر در ۱ ۔۱۸۷۰ م در ببلیوتیکا اندیکا(Biblothica Indica) چاپ شده بود[۳]۔

دستنویسِ ترجمۀ انگلیسی بدون مقدمه از مستر پرکنز (Lieut. Perkins) در کتاب خانۀ موزۀ بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۷۸ نگهداری می شود [٤]۔این ترجمه مشتمل بر تاریخ آخرین چهل سالِ پادشاهی اورنگزیب است و الیوت نیز در تاریخ خود از همان ترجمه اقتباس ها برده است[۵]۔

ترجمۀ انگلیسی مآثر عالمگیری از جادونات سرکار در ۱۹٤۷ م در کلکته به چاپ

۱۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی، بوهار،ج ۱ ،ص ٥٤

۲۔ استوری،ص۵۹۳/ مارشال ص ۳٦۱

۳۔ ریو،ج ۱ ،ص۲۷۰/اته،اندیا آفیس،ج ۱ ،ستون۱۳۸ ،ش۳٦۵/رضوی،قاسم حصیرو عبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج ۱ ،ص ٥٤

٤۔ ریو،ج۳،ص۹۳٦

۵۔ الیوت،ج۷،ص۱۸۳

رسیده است[1]ـ این ترجمهٔ انگلیسی از جادونات سرکار در لاهور در ۱۹۸۱م هم به چاپ رسیده است و نگارنده این سطور ازان استفاده کرده است۔

قسمتی از مآثر عالمگیری به توسط الیوت در جلد۷،ص۱۸۳ تا ۱۹۷ به انگلیسی ترجمه شده است۔

ترجمهٔ اردویی به کوشش محمد فدا علی طالب در ۱۳۵۱ه.ق از حیدر آباد و در ۱۳۸۲ه.ق در کراچی چاپ شده است[2]ـ این طبع اول در آوریل ۱۹٦۲م و طبع دوم در ژولایی ۱۹٦۷م چاپ گردیده بود۔

۱ـ وحیدمرزا،دکتر،پاکستان و هند،ج۵،ص۱٤۹ / مارشال،ص۳٦۱

۲ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك، ج۱۰،ص٤۸۱

تاریخ کشمیر از نراین کول عاجزؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال نراین کول اطلاعی زیادی در دست نیست۔ وی خود درین کتاب پیرامون خود سخن نگفته است۔ البته این قدر مسلم است که وی عاجزؔ تخلص می کرد[۱]۔ نراین کول عاجز یکی از برهمنانِ کشمیر بود[۲] و در خدمت نایب و دیوانِ استانِ کشمیر عارف خان به طور منشی کار می کرد[۳]۔ عارف خان کشمیری زیر نظر ابراهیم خان و بعدازان علی مردان خان به عنوانِ نایب کشمیر کار می کرد[٤]۔ در غیابِ نوازش خان استان دارِ نوکه هنوز به کشمیر نرسیده بود، وی برای یك سال استاندار کشمیر هم مانده بود[٥]۔از تاریخ مرگ نراین کول اطلاعی دقیق در دست نیست البته آنچه که مسلم است، اینست که تا سال ۱۱۲۲ه.ق/۱۷۱۰م حیات داشته باشد چون این اثر را در همان سال تالیف کرده بود۔

سال تالیف:

تاریخ کشمیر در ۱۱۲۲ه.ق/۱۷۱۰م در سال چهارم جلوس بهادر شاه یکم نگاشته شده بود[٦]۔ سال تالیف این کتاب از **'احوال با ایجاز تمام کشمیر'** ۱۱۲۲ه.ق به دست می آید[۷]۔

سبب تالیف:

نراین کول عاجز این اثر را حسبِ خواهش عارف خان استان دار کشمیر تالیف کرده

۱۔ نبی هادی،ص۵۷

۲۔ اته،بادلین،ج ۱،ستون ۱۷۰،ش۳۱۸

۳۔ استوری،ص ٦۸۱

٤۔ ریو،ج۱،ص۲۹۹

۵۔ همان

٦۔ اته،بادلین،ج ۱،ستون ۱۷۰،ش۳۱۸

۷۔ اگرچه ریو،ج۱،ص۲۹۹سال تالیف از**'احوال بایجاز تمام کشمیر'** ۱۱۲۱ه.ق بیان نموده است.

بود[۱]۔ وی ذکر کرده است که ۱۱۲۲ ه.ق سال چهارم جلوس شاه عالم بهادر شاه، عارف خان تواریخ سانسکریتِ کشمیر جمع کرد و برای آشنایی به مطالب آن خواهش کرد[۲]۔ نراین کول در تمهید مزید گفته است که ملك حیدر تاریخ کشمیر را از سانسکریت ترجمه کرده بود اما این ترجمه پُر از مبالغه و تطویل کلام است۔ پس وی با کمكِ محققین دیگر، این ترجمه را با اصل مقابله وموازنه کرده این اثر را عاری از تکلفاتِ نثر به اختصار بیان نموده است[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

چون از نام این کتاب بر می آید که این اثر در تاریخ استان کشمیر نگاشته شده است۔ این کتاب محیط بر احوال این دیار از عهد باستان تا ۱۱۲۲ ه.ق/۱۷۱۰م است۔ ریو محتویات این کتاب چنین بیان نموده است؛ این اثر مشتمل بر مقدمه است که در سببِ نامگذاری ومبدای کشمیر بیان شده است۔ بعد ازان ذکر راجه های کشمیر بیان شده است۔ پس ازان ذکر شاهان مسلمانان آورده است۔ سپس پیروزی قاسم خان و آمدن اکبر پادشاه بیان شده است۔ افزون بران استان دار های کشمیر از تسخیر اکبر پادشاه تا ۱۱۲۲ ه.ق بیان شده است۔ خاتمه کتاب درمورد جغرافیا و عجایبات این دیار است[٤]۔

منابع تاریخ کشمیر:

این اثر بر اساسِ اثرِ سانسکریتی پاندیت کلهانه به نام 'راج ترنگینی' نوشته ۱۱٤۸م نگاشته شده بود[٥]۔

سبكِ کتاب:

اگرچه مولف این کتاب را از راج ترنگینی پاندیت کلهن و دیگر منابع سانسکریتی

۱۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص٦٨

۲۔ ریو،ج۱،ص۲۹۸

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۳،ص٦٠٥

٤۔ ریو،ج۱،ص۲۹۹

٥۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص٥٧،ش٨٠/اته،بادلین،ج۱، ستون ۱۷۰،ش۳۱۸

تالیف کرده بود و سبب تالیفِ این کتاب همین بود که زبان این کتاب ساده و عام فهم باشد و خود نراین کول در دیباچه گفته است '**واقعات را به فارسی لُج خالی از تکلفات مترسلانه و رعایت اختصار و ایجاز به قلم عجز رقم آورده**'[۱] اما عبارت این کتاب بسیار سهل نیست و چون این کتاب ترجمه راج ترنگینی است، به این علت دارنده جمله نقایصِ ترجمه است[۲]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تاریخ کشمیر از نراین کول عاجِّز یکی از اثر مهمی تاریخ این دیار به شمار می رود۔ این کتاب دربردارندۀ وقایع تاریخ کشمیر از روزگارِ باستان تا تالیفِ آن است و مؤلف در تالیف این کتاب از منابع مهمی سانسکریت وغیره استفاده کرده است۔اگرچه این کتاب بر دیگر تاریخ های کشمیر فوقیتِ مهمی ندارد اما مولف موادِ تاریخی را به اندازِ نومرتب کرده است[۳]۔ نراین کول درین کتاب وقایع استان کشمیر پیوسته و به انداز دلاویز، تالیف کرده است[٤]۔

آغاز:

'**سپاس بیرون از مقیاس قیاس سزاوار جناب پادشاهی...**'[٥]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تاریخ کشمیر از نراین کول عاجز در کتاب خانه جهان فراوان است۔ برای تفصیل نسخه های خطی این کتاب مراجع شود به استوری،ص٦٨٢ و مارشال ص٥٣۔

در پاکستان نسخه های خطی این کتاب هم بسیار موجود است که مهم ازان در

۱۔ عبدالله، دکترسید، سهم هندووان...،ص٦٩

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ همان

٥۔ اته، اندیا آفیس، ستون ۲۰۳، ش۵۱۱

دانشگاه پنجاب لاهور،موزۀ ملی پاکستان کراچی، دانشگاه اسلامیه پیشاور نگهداری می شود۔ برای تفصیل نسخه های خطی تاریخ کشمیر از نراین کول عاجزؔ در پاکستان مراجع شود به فهرست مشترك منزوی، ج ۱۰،صص۴۷۹و۳۸۰۔

تراجم و چاپ:

نگارنده این سطور هیچ نشانی از چاپ یا ترجمه این کتاب نیافته است۔ البته مارشال ذکر کرده است که این اثر در ۱۸۳۵م در کلکته به چاپ رسیده بود و ترجمه فرانسوی این کتاب از مسترترایر(A.Troyer) میان ۱۸٤۰۔۵۲م در پاریس به زیور طباعت آراسته شده بود[1]۔ شاید مارشال این چیز را از فهرست کتاب خانه بوهار نقل کرده اشتباه کرده است چون در فهرست بوهار مولوی عبدالمقتدر این ترجمۀ ترایر را درمورد راج ترنگینیِ پاندیت کلهانه نگاشته است[2]۔

۱۔ مارشال،ص۵۳

۲۔ ر.ك رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص۵۷،ش۸۰

تنقیح الاخبار از ملا محمد ماه

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال ملا محمد ماه اطلاعی زیاد در دست نیست البته این قدر معلوم شده است که وی برادرزاده ملا محمد اکرم غنیمتؔ کنجاهی بود[۱]۔ وی در روزگارِ فرخ سیر و محمد شاه گورگانی زندگی می کرد و از حمایت نواب عظیم الدین خان مظفرجنگ نیز برخوردار بود[۲]۔علاوه بر تنقیح الاخبار، وی چند آثار دیگر هم یادگار گذاشته است که ازان معلوم می شود که وی در علم ریاضی هم دسترس داشته بود۔

از تاریخ مرگِ ملا محمد ماه نیز اطلاع دقیقی در دست نیست اما آنچه که مسلم است، اینست که تا ۱۱۶۳ ه.ق حیات داشته باشد چون کتابی به نام 'تکمیل العرفان' در ۱۱۶۳ ه.ق/۱۷٤۹م تالیف کرده بود[۳]۔

سال تالیف:

مؤلف نوشتن این کتاب را در ۱۱۱۷ ه.ق/۱۷۰۵م آغاز کرد و در ۱۱۲۵ ه.ق/۱۷۱۳م در عهد فرخ سیربه تکمیل رسانده بود[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

تنقیح الاخبار تاریخ عمومی جهان است ملا محمد ماه این اثر را در یك مقدمه و هفت باب یا 'تحریر' و یك خاتمه نگاشته بود[۵]۔اته تفصیل محتویاتِ این کتاب چنین بیان کرده است؛**مقدمه** درباره آفرینش جهان و خلقتِ انسان است۔ **تحریراول** در تاریخ پیامبران

۱۔ آفتاب اصغر،دکتر،تاریخ نویسی فارسی...،ص ٤۸۰

۲۔ نبی هادی،ص۳۹۹/فتح نیا طبری،مژگان،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۷۱

۳۔ فتح نیا طبری،مژگان،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۷۲

٤۔ استوری،صص۱۳٤۔۱۳۵

۵۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۵۱،ش۱۲۷

و حکمای قدیم، شاهان ایران تا ساسانیان،شاهانِ یمن و یونان و ملوك الطوایف است۔ **تحریردوم** در تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، اصحابؓ، امامینؑ، و خلفای راشدین و دیگر مشاهیربه رعایت ترتیب الفبایی است۔ **تحریرسوم** در تاریخ امویان و عباسیان و معاصرانِ ایشان تازمان چنگیزخان و مظفریان و سربداران و شاهان کرت است۔ **تحریرچهارم** در تاریخ تیمور و جانشینانش و قراقونلو و آق قونلو و صفویان است۔ **تحریرپنجم** در تاریخ شاهان محلی هند از دکن، گجرات، سند، مولتان، بنگاله، مالوه، خاندیش و کشمیر وغیره و شاهان دهلی تا ابراهیم لودی است۔ **تحریرششم** درتاریخ شاهان تیموریان بزرگ بابر،همایون، اکبر، جهانگیر و شاه جهان است۔ **تحریرهفتم** به مطابق اته در دو بخش نگاشته شده است؛ بخش یکم در تاریخ اورنگزیب و بهادر شاه و سال نخست جلوس فرخ سیر بیان شده است۔درین بخش ده سالِ نخستینِ پادشاهی اورنگزیب عالمگیر مفصل بیان شده است و از 'عالمگیرنامه' برده شده است و فقط وقایع مهمی سال های دیگرِ عهدِ عالمگیر را ذکر شده است۔ بخشِ دوم این تحریر هفتم در تذکره شیوخ و حکما و علما و شاعران معروف اسلام به ترتیب الفبایی بیان شده است[۱]۔

خاتمه: اته در معرفی دستنویسِ تنقیح الاخبار نوشته است که این اثر مشتمل بر یك مقدمه و هفت تحریر و یك خاتمه است، اما در بیان محتویات خاتمه را ذکر ننموده است بلکه تحریر هفتم را در دو بخش نوشته است۔ اما گمان می شود که این تحریر هفتم در دو بخش تقسیم نشده است بلکه بخشِ دوم در واقع خاتمۀ کتاب است که دران مؤلف مشایخ و بندگانِ معروف جهان اسلام را ذکر کرده است۔ اما رد یا قبول این امر به دیدن نسخه خطی است که در دسترسِ راقم نیست۔ البته دکتر آفتاب اصغر این بخشِ دومِ تحریر هفتم را تحتِ خاتمه نوشته است[۲]۔

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون ۵۲،ش۱۲۷

۲۔ آفتاب اصغر،دکتر،تاریخ نویسی فارسی..،ص ۴۸۰

سبك کتاب:

به علت عدم دسترسی به نسخه خطی این کتاب که هیچ یك ازان در پاکستان نیست، نگارندۀ این سطور از قضاوت در مورد سبك این کتاب قاصر است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تنقیح الاخبار که ملا محمد ماه در تاریخ عمومی هندوستان نوشته بود، از نظر ادبی و تاریخی کتابِ بسیار ارزشمند است۔ مؤلف این اثر را بر اساس منابع مستند نوشته بود [۱]۔

این کتاب نه تنها تاریخ مختصر جهان دارد بلکه تحریر پنجم این اثر در تاریخ محلی هند، بسیار اطلاعاتِ پُر ارزش دارد۔ ارزش این کتاب از این چیز هم فراوان شود که در خاتمه کتاب مولف تذکرۀ علما و مشایخ و حکما و شاعران هم داده است۔

آغاز:

'سبحان ربّی الاعلی، این چه استحقاق سجده مطلق و عبادت علی الاطلاق است...' [۲]

نسخه های خطی:

نسخۀ خطی این کتاب در کتابخانۀ اندیا آفیس به شماره فهرست ۱۲۷ دارندۀ ۵۱٦ برگ ویکی نسخه نامکمل به شمارۀ فهرست ۱۲۸ دارندۀ ۳۷٦ برگ موجود است۔ در کتابخانۀ آصفیه هم نسخه این کتاب به شماره ۵۲٤موجود است [۳]۔

آثار دیگر مولف:

۱۔مرآت الحساب:

این کتاب از ملا محمد ماه بر علم ریاضی یادگار است که دست نویس آن در

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۵۱،ش۱۲۷

۲۔ همان

۳۔ استوری،ص۱۳۵

کتابخانه آصفیه به شماره ۹٦ نگهداری می شود[۱]۔

۲۔شرح خلاصة الحساب:

شرحی بر 'خلاصة الحساب' شیخ بهاالدین عاملی است[۲]۔

۳۔تکمیل العرفان:

در مسئله وجود و تنزلات سته که مؤلف آنرا به خواهش میر سید محمود ملقب به ارجمند خان در ۱۱٦۳ھ۔ق/۱۷٤۹م تالیف کرده است[۳]۔

۱۔ فتح نیا طبری،مژگان،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص ۲۲۷۱

۲۔ نبی هادی،ص۳۹۹

۳۔ فتح نیا طبری،مژگان،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص ۲۲۷۲

فرخ سیر نامه از میر محمد احسن ایجادؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

از تاریخ ولادت و احوالِ اوایلِ زندگانی میر محمد احسن ایجادؔ اطلاعی در دست نیست البته این قدر مسلم است که او در گجرات وابسته به افواجِ شاهزاده محمد اعظم بود و آنجا شناسایی با مرزا بیدلؔ و شاه گلشن نقشبندی داشت و بعد ازان در اتاوه(Etawah) فوجدار مامور گشت[۱]۔ در زمانِ بهادر شاه او به توسطِ نظام الملك منصبِ سه صدی(۳۰۰) تحتِ شاهزاده عظیم الشان یافت[۲]۔ نویسندۀ این اثر شاعر هم بود و ایجادؔ تخلص می کرد و خود را در شاگردانِ ناصر علی می شمرد [۳]۔ میر محمد احسن ایجادؔ لقبِ 'معانی خان' داشت[٤]۔ازین لقب می توان اندازه بگیرد که در دربار رسوخ داشته باشد۔ در زمان فرخ سیر برای نوشتنِ وقایع دربار مامور گشت و شاید در همین زمان فرخ سیر نامه را نگاشته بود[٥]۔ میر محمد احسن ایجادؔ در ۱۱۳۳ ھ.ق/ ۱-۱۷۲۰ م فوت شد[٦]۔

سال تالیف:

این کتاب دارندۀ احوال تا ۱۱۲۵ ھ.ق/ ۱۷۱۳م است [۷]۔ ازین رو قیاس غالب است که این اثر در حدود ۱۱۲۵ ھ.ق نگاشته شده باشد۔

سبب تالیف:

میر محمد احسن این اثر را به فرمانِ فرخ سیر نوشته بود[۸]۔

محتویاتِ کتاب:

۱۔ استوری،ص٦٠٤

۲۔ همان

۳۔ نبی هادی،ص۲۵۰

٤۔ ریو،ج۱،ص۲۷۳

٥۔ همان

٦۔ اسپرنگر،ج۱،ص۱٤۹ به حواله سراجؔ،سراج الدین،دیوان منتخب ۔(اسپرنگر،فهرست شاهان اوده،ج۱،ص۱۱۷ به حواله 'تذکره همیشه بهار' سال وفات او نزدِ ۱۱۳۱ ھ.ق/ ۱۹-۱۷۱۸م نوشته است)

۷۔ استوری،ص٦٠٤

۸۔ نبی هادی،ص۲۵۰

این کتـاب دارنـدۀ احـوال و وقـایع از ولادتِ فرخ سیر در ۱۰۹٦هـ.ق تا ۱۱۲۵هـ.ق است۔ ریـو محتـویاتِ فرخ سیر نامه از نسخۀ موزۀ بریتانیا چنین بیان نموده است؛ ولادتِ فرخ سیر در اورنگ آباد به تاریخ ۱۹ رمضان المبارك ۱۰۹٦هـ.ق و زندگانی ابتدای او، اعلانِ پادشاهی او در پتنه در ۱۱۲٤هـ.ق،جنگِ شاهزاده عزالدین با فرخ سیر و شکستِ وی، پیش آوری فرخ سیر به سوی دهلی بر ۲۱ شعبان، بر ۱۳ ذی القعد ۱۱۲٤هـ.ق عبورگی رود جمنا و آمادگی برای جنگ،بر ۱۳ ذی الحج شکستِ افواجِ شاهی در دهلی۔ بعد از این وقایع دربار تا ۲۹ صفر ۱۱۲۵هـ.ق روز به روز نگاشته شده است[۱]۔

سبكِ کتاب:

این کتاب در سبكِ مصنوع نوشته شده است ۔ مؤلف صنایع لفظی و معنوی را بسیار به کار برده است۔ وقایع مختصر را با واژه های بسیار بیان نموده است ۔ این کتابِ تاریخ به سبكِ خسته کنندۀ اطناب نوشته شده است وتوصیفِ مبالغه آمیز در بر دارد[۲]۔ چون مؤلف خود بر نوشتنِ این وقایع دربار مامور بود، در بعضی موارد وقایع را روز به روز نگاشته است۔(برای بررسی سبك کتاب، نسخه خطی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

چون مؤلف با فرخ سیر وابسته بود، این کتاب بسیار مهم است که مؤلف بر وقایع که درین کتاب بیان شده است یادآوری بیشتری داشته باشد۔ اما از لحاظِ سبك، این کتاب خیلی مشکل است و برای مطالب از نظرِ ادبی اهمیتِ زیادی نمی دارد البته نمونۀ سبكِ مصنوعِ دورۀ تیموریان متاخر است۔

آغاز:

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۷۳

۲۔ همان

'سپاس قدسی اساس بالا تر از قیاسِ حکیم......'[۱]

نسخه های خطی:

مهم ترین نسخه های خطی فرخ سیر نامه از میر محمد احسن ایجادؔ در کتاب خانۂ موزۂ بریتانیا و کتابخانۂ اندیا آفیس موجود است۔ برای معرفی دیگر نسخه های خطی مراجع شود به مارشال،ص۱۹۸ و استوری،ص۶۰۵۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔ تاریخ فتوحات آصفی:

این اثرِ منظوم در صنف مثنوی در موردِ فتوحاتِ آصفجاه است[۲]۔

۲۔ دیوان اشعار:

یکی دیوان اشعار هم از محمد احسن ایجادؔ یادگار است[۳]۔

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۷۳

۲۔ مارشال،ص۱۹۸

۳۔ نبی هادی،ص۲۵۰

تاریخ ارادت خان/مقتل السلاطین[1] از مبارک الله واضح

شرحِ احوالِ مؤلف:

مبارک الله متخلص به واضح، مخاطب به ارادت خان پسرمیراسحٰق خان پسر میر محمد باقر[2] یکی از منصبداران و تاریخ نگاران شبه قاره در دوره تیموریان متاخر است۔

اینجا باید که یکی اشتباه دور شود که بسیار کسان از خانواده وی،یکی بعد دیگری، خطابِ ارادت خان از شاهان تیموریان یافته بودند۔خطابِ 'ارادت خان' نخستین پدرِ بزرگِ وی از پادشاه جهانگیر یافته بود۔ همین خطاب به پدرِ وی از شاه جهان و به خودِ مبارک خان از سوی اورنگزیب عالمگیر عطا شده بود۔ پدرِ بزرگِ وی میر محمد باقراعظم خان، ارادت خانِ جهانگیری، پدرِ خودِ او میر اسحٰق خان، ارادت خانِ شاه جهانی و خود مبارک الله واضح، ارادت خانِ عالمگیری و پسرش هدایت الله هوشدار خان، ارادت خان بهادر شاهی شناخته می شود[3]۔

پدر بزرگ وی میر محمد باقر از ساوه به هندوستان آمده بود و از جانبِ آصف خان مرزا جعفر به فوجداری سیالکوت و گجرات و پنجاب مامور شده بود[4]۔ پس ازان به عهدۂ 'میر سامانی'، 'نظامت کشمیر' و 'میر بخشی گری' هم فایز گردیده بود[5]۔ پدرش هم در دوره شاه جهان منصبدار بود و آخر در ۱۰۶۸ھ۔ق ناظم اوده شده بود اما بعد دو ماه و چند روز فوت شد[6]۔

ارادت خان حتماً در ۱۰۵۹ھ۔ق/۱۶۴۹م به دنیا آمده بود [7] چون در ۱۱۲۶ھ۔ق این کتاب را تالیف کرد، عمرش ۶۷ سال بود، به قول خود او؛ 'درین ضمن چون عمر قلیل

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۳۸
۲۔ استوری،ص۶۰۱
۳۔ همان
۴۔ هاشمی،شاهنواز خان،مآثرالامرا،ج۱،ص۱۷۴
۵۔ همان،صص۱۷۴۔۱۷۵
۶۔ همان،ص۲۰۴
۷۔ استوری،ص۶۰۱

که الیوم به شصت و هفت رسیده و سنه یکهزار و یکصد و بیست و شش هجری مقدسه است...'[۱]- مادرش دختر آصف خان بود[۲]-ارادت خان خود شاگردِ محمد زمان راسخ بود[۳]- وی ارادتمندِ میر سنجر یکی از اولیای برجسته سلسله نقشبندیه بود[٤] و به دخترش ازدواج هم کرده بود[۵]- در ۱۱۰۰ھ.ق/۱٦۸۹م وی فوجدار چاکنه مامور گشت و در ۱۱۰۸ھ.ق/۱٦۹۷م فوجدار اورنگ آباد مامور شده بود[٦]- در همان سال عالمگیر وی را به خطاب 'ارادت خان' سرافراز گردانیده بود[۷]- در ۱۱۱٤ھ.ق/۱۷۰۳م وی قلعه دار'گلبرگه' و بعد ازان به قلعه داری و فوجداری 'ماندو' مامور شده بود[۸]- چون شاهزاده بیدار بخت پسر محمد اعظم ناظم مالوه می شد، ارادت خان دران زمان یکی از دوستانِ صمیم او بود[۹]-

شاهنواز خان هاشمی در مآثر الامرا،درباره کارگزاری وی تحت تیموریان نوشته است؛ **'میرمبارك الله در سال سی و سیوم عالمگیری به فوجداری چاکنه مامور شده، پس تر به خطاب پدر مباهی گشت و در سال چهلم به خدمت فوجداری نواح اورنگ آباد و از اصل و اضافه به منصب هفتصدی هزار سوار سرفرازی یافته به ناموری علم شهرت برافراشت- و پس ازان به فوجداری مندسور و مالوه تعین شده در عهد خلد منزل با خانخانان منعم خان صحبتش کوك گردیده جلیس و انیس او شد-فوجداری دوآبه پتنه جالندهر نامزد او شده بود- مذاق به صنوف دانش داشت و در شعر بسیار نازك خیال بود- واضح تخلص می کرد- صاحب دیوان است-در عهد محمد فرخ سیر درگذشت'**[۱۰]-

اسپرنگر به حواله سراج الدین سراج تاریخ مرگ وی ۱۱۲۸ھ.ق نوشته است[۱۱]-

---

۱- تاریخ ارادت خان چاپی،با مقدمه غلام رسول مهرؔ،ص ۲

۲- اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۵۸۳

۳- همان،ص۱٦۰

٤- همان،ص۵۸۳

۵- مهرؔ،غلام رسول، مقدمه تاریخ ارادت خان، صفحه چ

٦- استوری،ص٦۰۱

۷- اته،اندیا آفیس،ج۱، ستون۹۰۸،ش۱٦۷٤

۸- استوری،ص٦۰۱

۹- همان

۱۰- هاشمی،شاهنواز خان، مآثر الامرا،ج۱،صص۲۰٤-۲۰۵

۱۱- اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۱۵۱

ارادت خان شاعر هم بود و یکی دیوان ضخیم و یك مثنوی در شش دفتر ازو یادگار است[١]۔

جالب است که در نسخه های خطی 'تاریخ ارادت خان' در کتابخانۂ اندیا آفیس[٢]، موزۂ بریتانیا[٣]، بانکیپور[٤] وغیره نام نویسنده این کتاب 'مبارك الله واضح ارادت خان ولد کفایت خان شکسته نویس' آمده است۔ اما این مسلم است که وی پسر اسحٰق خان ملقب به ارادت خان شاه جهانی بود۔ سببِ این واضح نشده است که چرا درین نسخه های خطی نام پدرش کفایت خان شکسته نویس آمده است؟ آیا این سهوِ کاتب بود و بعد ازان کاتب های دیگر همین رقم کردند؟ شاید کفایت خان خطاب وی باشد و شکسته نویس برای معرفی خود نوشته باشد؟ اما این لقب از پدرِ وی یافته نمی شود۔

سبب تالیف:

در سبب تالیف این کتاب ارادت خان خود می گوید: **'چون غرض ازین تحریر املای بادشاهنامه که به امر سلاطین می باشد، نبود و انشاپردازی و تاریخ نویسی اصلاً منظور نه، مثل بادشاهنامه نویسان به تکلف عبارات و فقرات تراشی، به جز تحریر احوال خود نپرداختیم۔ تا لازم گردد که احوال جمیع امر او رویداد کل احوالات و به تکلف هر جا تعریف سلطان وقت و مناصب و انعامات و ادرارات و فتح نامه ها از روزنامه جات وقایع البته به تحریر آریم'**[٥]۔

سال تالیف:

در دیباچۂ نسخۂ موزۂ بریتانیا به شماره Or. ٢٠٥٤ مؤلف می گوید که وی نوشتن این اثر را در 'ادونی' در ١١١٨ھ.ق آغاز کرده بود[٦]۔اما این اثر در **١١٢٦ھ.ق/١٧١٤م** به پایۂ

١۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج١،ص١٣٠

٢۔ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون١٤٤،ش٣٨٩

٣۔ ریو،ج٣،ص٩٣٨

٤۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص٨٨

٥۔ تاریخ ارادت خان چاپی،با مقدمه غلام رسول مهرؔ،ص٣

٦۔ ریو،ج٣،ص٩٣٨

تکمیل رسیده بود[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در شرحِ احوال از مرگ اورنگزیب در ۱۱۱۸ھ.ق/۱۷۰۷م تا ورودِ فرخ سیر در دهلی در محرم ۱۲۲۵ھ.ق/۱۷۱۳م است [۲]۔ کتاب چاپی مشتمل بر سی و هشتم باب است۔ باب اول این تاریخ 'تقرر مصنف به قلعه داری مندو' و آخرین 'به قتل رسیدن ذوالفقار خان' است۔ اختتام کتاب چنین است؛ **'غرض تحریر بادشاه نامه نیست که احوال امرا و قضایای سلطنت باید نوشت۔ دو کلمه سرگزشت احوال خود است و بس'**[۳]۔

سبکِ کتاب:

این کتاب به زبان ساده و روان نگاشته شده است۔ مؤلف آنچه که دید، درین کتاب رقم کرده است۔ بعضی جا شعر هم آورده است۔ واژه های محلی چون تهانه، کوتهری، چوکی،پالکی، پاجی، رتھ، کنجری،بهتیاری وغیره نیز به کار برده است۔در مقدمه برای خود صیغۂ شخص اول جمع به کار برده است۔باوجود سادگی، اسلوب این کتاب پُرتاثیر و دلآویز است[٤]۔ درموردِ سبك این کتاب مؤلف خود می گوید؛

'....... **به عبارتی که دوستی به دوستی بنا بر اطلاع حال مکتوب احوال خود بلا ساخته و پرداخته بنویسد و انشا پردازی و مسجع نویسی و فقرات بی فایده طولانی ولغات غیرمانوس برای عرض کمال خود نباشد، نوشتیم و فی الحقیقت اگر به نظر انصاف و زبان دانی نظر کرده شود، این قسم مطالب را همین قسم عبارت سزاوار است..........لهذا این کلمات به همان عبارتی که لایق آن مطالب است، به تحریر آمد'**[٥]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

۱۔ استوری،ص۶۰۲

۲۔ همان

۳۔ تاریخ ارادت خان چاپی،با مقدمه غلام رسول مهرؔ،ص١٦٤

٤۔ وحید مرزا،دکتر، پاکستان و هند،ج۵،ص۱۵۵

۵۔ تاریخ ارادت خان چاپی،با مقدمه غلام رسول مهرؔ،صص۳و٤

تاریخ ارادت خان یکی از کتاب های نماینده دوره تیموریان متاخر به شمار می آید۔ مؤلف این کتاب مبارك الله واضح از خانوادۀ منصبدارانِ تیموریان تعلق داشت و وقایع روزگار و جنگ های تخت نشینی میان شاهزادگان را نه تنها ملاحظه کرده بود بلکه خود دران شامل هم بود۔ بعد از وفات اورنگزیب در چند سال جنگ های پیا پی برپا شده بود و ارادت خان خود درباره آن نوشته است که **'آنچه از نوادر روزگار و غرایب قدرت خالق لیل و نهار از انقلابات احوال عالم و برهم خوردن سلطنت ها........در عرض مدت یکسال مشهود ما گردیده، ارباب سیر و تواریخ آنچه نوشته اند، درین هزار سال مثل این قسم وقایع غریبه و نقلیات عجیبه محرر نشده'**[1]۔ مؤلف نه تنها وقایع آن جنگ را ذکر کرده است بلکه علتِ آن نیز بیان نموده است۔ از نظر ادبی هم این اثر بسیار عالی است۔ مؤلف از خانوادۀ اشراف بود و بیانِ او در وقایع روزگار ساده ولی پُر احتشام است؛ به طور مثال برای خود در مقدمۀ کتاب صیغۀ شخص اول جمع به کار برده است۔

آغاز:

'تمهید نگارش یافتن این سوانح و وقایع که جامع آن میرزا مبارك الله، واضح تخلص، مخاطب به ارادت خان ولد کفایت خان شکسته نویس مشهور است و آنچه دیده در تحریر کشیده۔ الحمد لمن یقول فی حقه کلامه: فأتوا بسورة من مثله .... من بعد چنین گوید جامع و مؤلف این سوانح و وقایع، بنده خاکسار......'[2]۔

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این اثر در کتاب خانۀ جهان فراوان است۔ ازان میان نسخه مهمی در کتابخانۀ موزۀ بریتانیا، اندیاآفیس، بانکیپور و انجمن آسیایی بنگال در گنجینه کرزن نگهداری می شود۔ در پاکستان نسخۀ خطی تاریخ ارادت خان، در کتابخانه عمومی

۱۔ تاریخ ارادت خان چاپی، با مقدمه غلام رسول مهرؔ، صص۲ و ۳

۲۔ همان، ص یکم

پنجاب لاهور(دو نسخه)، یکی در کتابخانه دیال سینگ لاهور و یکی در ملکِ خواجه محمد اسد خان حضروی است[۱]۔

تراجم و چاپ:

تاریخ ارادت خان با تصحیح غلام رسول مهّر در ۱۹۷۱م از سوی اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاهور به چاپ رسیده است و مورد نویسنده این مقاله همین کتاب چاپی است۔

نواب محمد کمال خان بهادر در کتابخانۀ خود این کتاب را دیدو ابوالشریف سید اشرف شمسی حیدرآبادی را برای ترجمۀ اردویی این کتاب مقرر کرد[۲]۔ این ترجمه به نام 'سوانح عمری منشی ارادت خان واضحؔ' در ۱۳۱۷ھ.ق در حیدرآباد چاپ شده بود[۳]۔

ترجمه ملخص از جوناتن اسکات در ۱۷۸۰م در لندن به چاپ رسیده است[٤]۔ استوری تاریخِ چاپ لندن ۱۷۸٦م نوشته است[٥]۔ غلام رسول مهر نوشته است که جوناتن اسکات در ۱۷۸۰م این کتاب به زبانِ انگلیسی کرده بود که در همان سال در کلکته چاپ گردید[٦]۔ بعد ازان وی این ترجمه رادر ۱۷۸٦م در 'تاریخ دکن و بنگال جلد۲' شامل کرده بود[۷]۔

آثار دیگر مؤلف:

ارادت خان شاعر هم بود و یکی دیوان ضخیم و یك مثنوی در شش دفتر ازو یادگار است[۸]۔

۱۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، صص ٤۸٤۔٤۸٥

۲۔ مهّر، غلام رسول، مقدمه تاریخ ارادت خان چاپی، صفحه مقدمه غ، ف

۳۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص٤۸٤

٤۔ ریو، ج۳، ص۹۳۸/الف، اندیاآفیس، ج۱، ستون۱٤٤، ش۳۸۹

٥۔ استوری، ص٦۰۲

٦۔ مهّر، غلام رسول، مقدمه تاریخ ارادت خان چاپی، صفحه مقدمه غ

۷۔ همان

۸۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج۱، ص۱۳۰ (برای تفصیل آثار ارادت خان ملاحظه کنید مقدمه غلام رسول مهّر، تاریخ ارادت خان چاپی)

جهاندار نامه از نورالدین فاروقی

شرحِ احوالِ مؤلف:

نویسنده این کتاب نورالدین پسر برهان الدین فاروقی است۔ جد بزرگِ وی از بلخ بود و همراه ظهیرالدین بابر به هندوستان آمد، در پانی پت جنگیدو در مولتان اقامت گزید(۱)۔ بعدازوفات اورنگزیب چون معزالدین پسر بهادر شاه برای پدرِ خود فوج را جمع می کرد، پدرش برهان الدین دران فوج شامل گردید و نورالدین را نیز همراهِ خود برد(۲)۔ پس ازان نورالدین فاروقی همه زندگانی خود را در فوج گذرانید۔

استوری مزید از احوال او بیان کرده است که چون جهاندارشاه برای جنگیدن با فرخ سیر از دهلی به آگره رفت، نورالدین وپدرش در هراولِ فوج بودند وبه دست فوج عبدالصمد خان اسیر شدند۔ در روزگارِ فرخ سیر پدرِ مؤلف برهان الدین مدتی در ملازمت عبدالصمد مانده بود اما پس ازان به مولتان بازگشت و نورالدین فاروقی در دهلی کهنه در محله فاروقیان اقامت اختیار کرد۔ چون سید عبدالله خان برای فرونشاندن فتنۂ گوبند سینگ ، عبدالصمد خان را به لاهور فرستاد، نورالدین خان نیز با آن فوج به پنجاب رفت۔ چون بعد از یازده سال آنجا به پدر خود رسید، وی بر بستر مرگ بود و بعد از یك ماه فوت شده بود۔ پس از وفات پدر نورالدین به دهلی باز آمد اما آن شهر به علت کشاکش میان فرخ سیر و سید عبدالله خان پریشان بود۔ پنج ماه خیلی پریشان مانده آخر به مزار حضرت نظام الدین اولیآ رفت وخواستگار کمك شد و نوشتن احوالِ تاریخی را آغاز کرد که دران خود نیز شرکت کرده بود(۳)۔

۱۔ استوری،ص۶۰۲

۲۔ همان

۳۔ همان،ص۶۰۳

سبب تالیف:

اگرچه در دوره بهادر شاه وی وقایع نویسی را مشاهده کرده بود و یکی 'جنگ نامه' نوشته بود اما ازان نوشتاری اطمینان نیافته آنرا تلف کرده بود۔ چون یوسف خان را برای نوشتن تاریخ حکم شده بود، نورالدین اکثر با وی صحبت می کرد و دران تاریخ اشتیاق داشت(۱)۔ همین تشویق سبب تالیف این کتاب شد۔

سال تالیف:

این اثر در ذی القعده ۱۱۲۷ هـ.ق/ ۱۷۱۵م به تکمیل رسیده بود(۲)۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در ذکرِ احوال جنگ تخت نشینی میان معزالدین جهاندار شاه و سه برادران او بعد از وفات بهادر شاه، احوال مفصل حکومتِ وی در سال ۱۱۲٤ هـ.ق/ ۱۷۱۲م و شکستِ او به دستِ برادرزاده خود فرخ سیر تا مرگِ جهاندار شاه است(۳)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

نورالدین فاروقی خود مردِ ارتشی بود و بیشتر عمر خود در میدان جنگ گذاشته بود۔ بعد از وفات اورنگزیب میان شاهزادگان سلسله جنگ برای تخت نشینی آغاز می شد که سلطنت تیموریان را متزلزل ساخت۔ مؤلف ازان بسیار جنگ ها را نه تنها ملاحظه کرد بلکه دران به حیثیت سپاهی شرکت هم کرده بود۔ درین کتاب وی آن وقایع را ذکر کرده است و تاریخ وی حیثیت سند دارد۔

نورالدین فاروقی در جهاندارنامه آن چیزها را هم ذکر کرده است که مردم های سپاه حس می کردند و نقاب کشایی از مشکل های سپاه هم کرده است، چون می گوید که

۱۔ استوری، ص۶۰۲

۲۔ همان،ص٦٠٤

۳۔ همان،صص۶۰۳۔۶۰٤

اگرچه میان مرگ بهادرشاه و رفیع الشان کارهای نمایان پرداخته بود اما هیچ ترقی نیافت[۱]۔

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره۳۹۸۸ نگهداری می شود[۲]۔

۱۔ استوری،ص۶۰۲

۲۔ همان،ص۶۰٤

فرخ نامه از محمدمنعم جعفرآبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

از شرح حالِ شیخ محمد منعم جعفرآبادی [۱] فقط این قدر معلوم شده است که وی از مریدانِ شاه شکرالله بود [۲] و حسبِ فرمایشِ همین شاه شکر الله او این کتاب را تالیف کرد۔ دیگر هیچ چیزی در باره مؤلف معلوم نشده است۔ البته از نام وی بر می آید که از جعفر آباد تعلق داشت۔

سال تالیف:

چون این کتاب از وقایع تاریخی ۱۱۲٤ھ.ق آغاز می شود و نسخه خطی این کتاب در کتاب خانۂ اندیا آفیس که منحصر به فرد است ، تاریخِ ۲٤ ربیع الاول سال چهارم جلوس فرخ شاه دارد که برابر ۱۱۲۸ھ.ق/۱۷۱٦ م است۔ این طور 'فرخ نامه' میانِ ۱۱۲٤ھ.ق تا ۱۱۲۸ھ.ق تالیف شده باشد۔

سبب تالیف:

محمد منعم این کتاب را حسبِ فرمایش قطب الاقطاب شاه شکرالله نگاشته بود[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارندۂ تاریخ روزگارِ ۱۱۲٤ھ.ق و ۱۱۲٥ھ.ق یعنی از وفاتِ بهادر شاه تا روی کار آمدن فرخ سیر است[٤]۔ فرخ نامه در هجده داستان نگاشته شده است که در مورد احوالِ جنگ های شاهزادگانِ بهادر شاه تا تخت نشینی فرخ سیر است[٥]۔

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۱٤٤،ش۳۸۸

۲۔ نبی هادی،ص۴۰۳

۳۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۱٤٤،ش۳۸۸/مارشال،ص۳۳۰

٤۔ مارشال،ص۳۳۰

٥۔ استوری،ص٦۰٤

ارزشِ ادبی و تاریخی:

نسخه خطی این کتاب منحصر به فرد است و در کتابخانهٔ اندیا آفس نگهداری می شود، در این نسخه اغلاطِ تاریخ بسیار دیده می شود برای مثال در آغازِ داستانِ اول تاریخِ وفاتِ بهادر شاه ۲۰ محرم ۱۱۲۳ هـ.ق گفته شده است(۱)۔

آغاز:

'سپاس بی قیاس قادری را که از آب سیوف شاهان کرام.......'(۲)

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب منحصر به فرد است و در کتابخانه اندیا آفیس به شماره ۳۸۸ نگهداری می شود۔

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱۴۴، ش۳۸۸

۲۔ همان

مجموعه تواریخ شاهنشاهان هند از رامیّ

شرحِ احوالِ مؤلف:

مؤلفِ 'مجموعه تواریخِ شاهنشاهانِ هند' که "رامیّ" تخلص می داشت، تا اکنون از علاقه مندانِ ادبیاتِ فارسی معرفی نشده است۔ درباره او اطلاعِ دقیقی در دست نیست جز آنکه تخلصِ وی 'رامیّ' بود۔ اما از مطالعه این کتاب، این قدر معلوم شده است که مؤلف از عهدِ فرخ سیر تعلق داشت و عهدِ دیگر پادشاهانِ تیموریانِ متأخر، که قبل از فرخ سیر بودند، هم دیده بود۔ درین کتاب مؤلف ذکر کرده است که چون فرخ سیر بر سریرِ پادشاهت متمکن گشت و اعلانِ معافیِ عام کرد، وی در موردِ آن شعر گفته بود:

"آنحضرت به حسب خواهش آن عقیدت کیشان و کمال معدلت و عام نوازی که آن مقدمه در طبعیت والا چندان راسخ شده بود، بر جمیع مطلع الحکم معاف فرمودند و واسطه این تذکار موجب نیك نامی جاویدان نیك اندیشان گردید۔ وآن طبقه بدشگال عالم شرمنده وقت خود شد ند واین عنایت که رحمت کمال برخلق الله گشت، درآنوقت تاریخ آن از قلم شکسته رقم این راقم سطور تراوش گرفت:

شاهنشه ممالك و فرمانروای هند
کز فیض او گرفت جهان زینت عظیم
سالِ جلوسِ میمنتش، قد سیانِ غیب
گفتند از نشاط و طرب 'خسروِرحیم' "[1]

١١٢٤ھ۔ق

جای دیگر وقتی مؤلف در بارۂ رویدادِ جنگ میانِ سید حسین علی خان و فرخ سیر

١۔ رامیّ، مجموعه تواریخ شاهنشاهان هند، نسخه خطی دانشگاه پنجاب، برگ ٥١، ب

بیان می کند،ازین برخی اطلاعی در بارۀ مؤلف به دست می رسد، که او محمد یوسف داروغه احشامِ فرخ سیّر، را منشی بود۔چنان که در این کتاب نوشته است:

'راقم السطور که دران سرکار به رفاقت آن داروغه [برگ ٦٣،الف] به مخترعات انشاء ورقم سنجيِ احشام تعلق داشت و در آن تگ و تاز بعد شهادتش از آفاتِ خطیر درین فوج شمول گرفت و در آنوقت این همه تصنیعِ کارکنانِ قضاوقدر می دید'[1]۔

ازین معلوم می شود که مؤلف منشيِ محمد یوسف داروغه احشامِ فرخ سیر بود۔در بارۀ مؤلف جز این هیچ اطلاعی به دست نیامده است۔

سال تالیف:

از سال تالیف این کتاب اطلاعی دقیقی در دست نیست ۔ البته چون این کتاب دارندۀ وقایع تا مرگِ برادرانِ سیدها است،می توان حدس زد که در دوره محمد شاه نوشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

مجموعه تواریخ شاهنشاهانِ هند یکی از کتاب های مهمِ تاریخی دورۀ تیموریانِ متأخر به شمار می آید۔این کتاب دارندۀ تاریخِ اورنگزیب عالمگیر و نیاگانش تا محمد شاه است۔ احمد منزوی در فهرستوارۀ کتابهای فارسی نوشته است:

'مجموعۀ تواریخ شهنشاهانِ هند: سراینده با تخلصِ رامیّ از نیمهِ سده ۱۲ ه.ق تاریخِ کوتاهی است از روزگارِ اورنگزیب (۱۰٦۸ ۔۱۱۱۸ه.ق) و جنگ های جانشینی پس از مرگش، شاه عالم، محمد معظم (۱۱۱۹ ۔۱۱۲٤ه.ق)، کشته شدنِ عظیم الشان و کین جویی فرخ سیر (۱۱۲٤ ۔۱۱۳۱ه.ق) و نقشِ سیدان تا بر افتادنِ سید ها'[2]۔

۱۔ رامیّ،مجموعه تواریخ شاهنشاهان هند،نسخه خطی دانشگاه پنجاب، برگ ٦۳،(الف وب)

۲۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۳۳٦

سبکِ کتاب:

این کتاب به سبکِ مصنوع آمیز نگاشته شده است و بسیار عبارت های مسجع و مقفیٰ دارد۔ امّا گاهی مؤلف زبانِ ساده و روان نیز به کار می برد ۔چون وقایع و رویدادهای را بیان می کند، زبان ساده شده ولی وقتی که بیانِ جزویات می آرد چون احوالِ جنگ، مجلسِ پادشاهی یا تخت نشینی بیانِ او مصنوع شده است۔ به طور مثال:

'چون آن گوهرِ معدن شاهنشاهی، فیض خاتم ید الهٰی، چراغ شبستان عالم، فروغ دودمانِ آدم، مظهر قدرت الهٰی، موردِ [برگ ۸٤ب]کرامت نامتناهی، زیبِ دولت و فرمان روایی، جوهر شمشیر کشور کشای، یگانۀ درگاهِ صمدیت، مقرّب بساطِ احدیت، فروزنده گوهرِ بختِ بختیاری، فرازندۀ پایه تختِ تاجداری، رفعت بخشِ افسر و اورنگ، عقده کشای دانش و فرهنگ، گنجینۀ جهان نوازی یعنی محمد شاه روشن اختر غازی سریرِ سلطنت را رونق و زینت بخشید، به حصولِ این دولتِ خداداد و میسور چنان مدارج والا نهاد سجداتِ شکر و سپاس به حضرتِ رب المعبود به تقدیم رساند.......'[1]

در بیان تاریخ مؤلف شعر هم آورده است۔ بسیار جا وی واژه های عربی به کار برده است ، به طور مثال بالسر والکتمان، حبل المتین، طرفةالعین، برق الخاطف وغیره۔ همین طور مولف واژه های ترکی هم به کار برده است، به طور مثال ترغاك یعنی نگهبان، بیراق یعنی سپاه، طوی یعنی ساعتِ شب، یساق یعنی جنگ وغیره ۔ در بعضی موارد مؤلف واژه های محلی هندی چون جهروکه یعنی کجاوه، هاون یعنی جواز، هتك یعنی رسوایی، کرور یعنی ده ملیون وغیره نیز به کار برده است

ارزشِ ادبی و تاریخی:

گو این کتابِ تاریخی است و تاریخِ هشت پادشاهانِ تیموریه دارد و زیادی مشتمل

---

١ ۔ رامیؔ،مجموعه تواریخ شاهنشاهان هند، نسخه خطی دانشگاه پنجاب،برگ ۸٤،الف وب

بر جدال و قتالِ پادشاهان است، اما مؤلف درین کتاب دیگر اشیای جالب را معرفی هم کرده است۔ چون احوالِ قحط، معلوماتِ طب، اسپ ها، نام های گل وغیره۔ به طور مثال اینجا یکی اقتباس درباره وصفِ گل ها نقل شده است؛

'گل به شاداب انبساط از پیوست ملال سوخته و شاخ گل به نوك عریانی، دیدهٔ نظارگیان دوخته، سنبه به پیچ و تابی چون رشته سوزن در آمده و بنفشه از نزاکت خط مسلسل مویان برآمده، نرگس را مانند سقم مرض الموت چشم نشسته و ارغوان را از حادثه ناگریز به جگر خون بسته، گل لاله آتش غم برافروخت و نافرمان از آن التهاب سوخت۔ صد برگ خود را پاره کرده وهر پاره آواره ساخت وریحان جامهِ سیاه پوشید چون ماتمیان ورمز سینه انداخت داوودی را آوازه سوز داوودی خفه گرفت و به نازبو ایام غنج و دلال برفت بهار عباسی مشابه، عباسی تاثیره فزوده آبادی۔ و تاج خروس به انقلاب تاج ریاست مقهور بی دادی، گل طُره طُره از سر انداخته، سوری سمن به اضطرار آب و تاب سفید روی درباخته، شقایق راسینه شق شده وحدایق را حدقه چشم دریده، ره زنانِ خزان مسافرِ بهار را به قسمی ریختند که عریان بنا بود و بی بود ماندند'(1)۔

آغاز:

'ابو المظفر محی الدین محمد اورنگ زیب بهادر بادشاه عالمگیر غازی که انوار عدالتش جهانیان را به مامن عافیت داشته و آثار شهامت و بسالتش انظلام زمان ...'(2)

نسخه های خطی:

نسخهٔ خطیِ 'مجموعه تواریخِ شاهنشاهانِ هند' مؤلفه رامّیِ منحصر به فرد است و در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور به شماره 'Peii/۷۵ ۱ ٦٥' نگهداری می شود۔

۱۔ رامیّ، مجموعه تواریخ شاهنشاهان هند، نسخه خطی دانشگاه پنجاب، برگ ۳۲، الف

۲۔ همان، برگ یکم، الف

تراجم و چاپ:

نگارنده این سطور در ۲۰۰۷ م در دورۂ دانشوری نسخۂ خطی مجموعۂ تواریخ شاهنشاهان هند را در دانشگاه جی.سی.یو لاهور تصحیح و تدوین کرده است۔

عبرت نامه از کامراج

شرحِ احوالِ مؤلف:

کامراج پسر نین سینگ پسر بندرابن از مردمِ کایستۀ قومِ سکسینه بود [١] و در پیوند (Phaphond) در بخشِ اتاوه (Etawah) اقامت داشت [٢]۔ پیوند ٣٦ میل در شرق اتاوه قرار دارد که در استان اترپردیش واقع است۔ اجدادش از سه پشت در خدمت تیموریان هند بودند [٣]۔ هنگامی که محمد اعظم شاه در ١١١٨ ه.ق رهسپارِ مالوه بود پدرش نین سینگ در توپخانۀ والاشاهی به طور 'پیش دست' خدمت می کرد [٤]۔ کامراج خود را غلامِ خانه زادِ اعظم شاه گفته است [٥]۔ در آخرین ایام اورنگزیب او در محکمه دیوانی (دارایی) خدمت می کرد [٦]۔ دو اثری از و به جا مانده است؛ یکی به نام 'اعظم الحرب' (ر.ک:ص٥، در همین مقاله) در موردِ جنگِ تخت نشینی میان شاهزاده اعظم و معظم و دیگری همین عبرت نامه۔

سال تالیف:

سال تالیفِ حتمی این کتاب در دست نیست اما چون این کتاب وقایع تاریخی از مرگ اورنگزیب تا ١١٣١ ه.ق دارد، قیاس غالب است که این اثر در حدودِ ١١٣١ ه.ق نوشته شده بود۔

محتویاتِ کتاب:

عبرت نامه از کامراج بن نین سینگ دارندۀ احوالِ ١١١٨ ه.ق/١٧٠٧ م تا

١۔ ریو، ج٣، ص٩٣٧
٢۔ استوری، ص٦٠٦
٣۔ بزرگ کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش٣، ص٢٠٦٥
٤۔ ریو، ج٣، ص٩٣٧
٥۔ استوری، ص٦٠٦
٦۔ نبی هادی، ص٢٩٦

۱۱۳۱ھ.ق/۱۷۱۹ م است یعنی از جلوسِ اعظم شاه تا تخت نشینی شاهزاده روشن اختر به نام محمد شاه۔ اته گمان کرده است که نسخۀ خطی این کتاب که منحصر به فرد است و در کتاب خانۀ اندیا آفیس به شماره ۳۹۱ نگهداری می شود، فقط باب اول یا قسمتی از باب اولِ این کتاب است و مشتمل بر احوال تا سال ۱۱۳۱ھ.ق است[1]۔ این نسخه خطی هفتاد و یك برگ دارد۔ این نسخه بدون مقدمه آغاز می شود ودر آغازِ این نسخه از برگ اول تا هشتم 'فهرست مطالب عبرت نامه' داده شده است و از برگ نهم بدونِ دیباچه یا مقدمه کتاب ازین عنوان آغاز می شود:

'گفتارِ میمنت آثار سریری آرایی پادشاه سلیمان جاه آفتاب عالم تاب همای ظفر طرازی رونق افزای افسر سری و سرافرازی ابو نصر قطب الدین شاه عالم پادشاه غازی بر ممالك موروثی هندوستان جنت نشان به کرم و فضل ایزد منان'[2]

در آخرِ این نسخه تاریخِ کتابت ۲٤ محرم ۱۱۸۳ھ.ق سال نهم جلوس شاه عالم به خط سید فکرالله نوشته است۔ اگر این ترقیمه است، این کتاب کامل است و اگر در فهرستِ مطالب که مشتمل بر هشت برگ است وقایع بعد از ۱۱۳۱ھ.ق هم داده شده است، این باب اول عبرت نامه است۔ اما رد یا قبول این امر منحصر به بررسی نسخۀ خطی است۔

سبكِ کتاب:

اگرچه این کتاب هنوز به زیور طباعت آراسته نشده است و نسخه خطی این کتاب هم به دسترس راقم این سطور نیست اما از آغاز کتاب که اته در فهرستِ کتابخانۀ اندیا آفیس نقل کرده است،معلوم می شود که این کتاب به نثر ساده و روان نوشته شده بود اما مؤلف گاهی کلمات مسجع و مقفیٰ را هم به کار برده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون۱٤٥،ش۳۹۱

۲۔ همان

تاریخ های که درموردِ جنگ تخت نشینی میان اعظم و معظم نگاشته شده بود،اکثر مؤلفینِ آن در بیان وقایع، محمد معظم بهادر شاه را حمایت کرده اند البته چون کامراج بن نین سینگ از غلامان خاصِ اعظم شاه بود و درین تاریخ احوال را از جانب محمد اعظم بیان نموده است که چطور در جنگِ تخت نشینی ارتشِ های وی جنگ کردند، این تاریخ ارزشِ بسیار دارد۔

آغاز:

'گفتار میمنت آثار سریری آرایی پادشاه سلیمان جاه آفتاب عالم تاب همای ظفر طرازی.........' (۱)

نسخه های خطی:

نسخه خطی عبرت نامه از کامراج بن نین سینگ منحصر به فرد است و در کتاب خانۀ اندیا آفیس به شماره فهرست ۳۹۱ نگهداری می شود۔

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۱٤۵،ش۳۹۱

عبرت نامه از مرزا محمد خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

مرزا محمد بن معتمد خان رستم بن دیانت خان قباد الحارثی البدخشی[۱] به روز جمعه ۲۱ جمادی الاول ۱۰۹۸ ه.ق به مطابق ٤ آوریل ۱٦۸۷ م در جلال آباد افغانستان به دنیا آمد[۲]۔ پدر بزرگ وی قباد بیگ پسر عبدالجلیل در اصل از قندهار بود و در دورۂ اورنگزیب عالمگیر به هندوستان آمد و از عالمگیر لقب 'دیانت خان' گرفت و ذکرش در تذکرۃ الامرا نیز آمده است[۳]۔ پدرش رستم بیگ ملقب به 'معتمد خان' هم در خدمتِ اورنگزیب عالمگیر بود و چون در ۱۱۱۷ ه.ق/ ۱۷۰۵ م در جنگ دکن فوت شد، آنوقت مؤلف خود نوزده ساله بود[٤]۔البته مؤلف پیش ا زوفاتِ پدر خودبه وسیله روح الله خان در ۱۱۱۵ ه.ق/۱۷۰۳ م به اورنگزیب معرفی شده ازو منصبِ پنجاه و صدی یافته بود[۵]۔ در ۱۱۳۰ ه.ق مؤلف در کلانتری بون (Bhawan) از توابع دیوبندسهارن پور برای ضبط اموالِ جلال خان روهیله مقرر گشت۔ این چیز را در عبرتنامه هم ذکر نموده است؛ **'مقرر شدن راقم عبرتنامه مرزا محمد بن معتمد خان به ضبط اموال جلال خان روهیله وطن دار و محدس جلال آباد مشهور که متصل تهانه بهون از توابع دیوبند متعلقه فوجداری سهارنپور و از دارالخلافه شاهجهان آباد به مسافت پنجاه کروه واقع است'** [٦]۔ در همین سال ۱۱۳۰ ه.ق به خدمت راهون (Rahwan) مقرر شد **'مقرر شدن خدمت 'راهون' به راقم عبرت نامه میرزا محمد بن معتمد خان مرحوم عالمگیر شاهی'**[۷] و در ۱۱۳۱ ه.ق هم برین خدمت

۱۔ استوری،ص ۱٤۱
۲۔ همان
۳۔ ریو،ج۳، ص۸۹۵
٤۔ همان
۵۔ استوری،ص ۱٤۱
٦۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱۷٤
۷۔ همان،ص ۱۷۵

مامور بود 'روانه شدن راقم عبرت نامه بر خدمت ماموره که عبارت از پرگنه داروك عرف راهون باشد از دارالخلافه شاهجهان آباد به طرف پنجاب'[۱]۔ محمد خان دایی محمد بخش آشوبِ مؤلفِ 'صولتِ فاروقی' و 'تاریخ شهادت فرخ سیر و جلوس محمد شاه' بود[۲]۔ محمد خان در خدمت شاه عالم اول مامور بود و در زمانِ خود به طور عالم شهرتِ وافر داشت[۳]۔

از تاریخِ وفات او هیچ اطلاعی دقیقی در دست نیست۔ اما معلوم می شود که او زندگی طویل یافت چون تالیفِ دیگرِ خود به نام 'تاریخِ محمدی' در ۱۱۹۰ھ.ق به تکمیل رساند[٤] و این طور می توان گفت که بعد از ۱۱۹۰ھ.ق فوت شده باشد۔

سال تالیف:

این کتاب دارندۂ احوال از ۱۱۱۷ھ.ق/۱۷۰۵-٦م تا ۱۱۳۱ھ.ق/۱۷۱۹م است[۵]۔ این طور می توان گفت که این کتاب نزدِ ۱۱۳۱ھ.ق/۱۷۱۹م تالیف شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

در مقدمه مؤلف احوال زندگانی خود و سه سالۂ آخرینِ جلوس اورنگزیب عالمگیر بیان نموده است[٦]۔ این کتاب در شرحِ حالِ تاریخ از مرگِ اورنگزیب عالمگیر تا تاج گزاری رفیع الدرجات یعنی از ۱۱۱۷ھ.ق تا ۱۱۳۱ھ.ق است[۷]۔

سبکِ کتاب:

مؤلف این اثر را به نثری ساده و روان نگاشته است و در نوشتنِ سال های تاریخ مولف بسیار دقت برده است[۸]۔ اگرچه نسخۂ خطی برای بررسی سبك این کتاب به دست

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۷۵
۲۔ همان،ص۱٦۸
۳۔ مارشال،ص۳۱۲
٤۔ استوری،ص۱٤۱
۵۔ همان،ص٦۰٦
٦۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱٤٦،ش۳۹۲
۷۔ استوری،ص٦۰٦
۸۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٦۸

نگارنده این سطور نیامده است اما مولوی عبدالمقتدر در فهرست بانکیپور یکی اقتباس از آغاز این کتاب نقل کرده است که دران مولف در مورد سبك این کتاب می گوید؛ **'......این ورقی چند...... به عبارت بی تکلف، صاف و ساده نگاشته قلم وقایع رقم می گردد'**[۱]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مؤلف نه تنها آن وقایع را ذکر کرد که دران خود شامل بود بلکه احوال و وقایع امرای دیگر را هم معرفی نموده است۔ **'و در ضمن آن تقریباً به ذکر سلاطین و امرای عالیشان و غیره نیز پرداخته می شود'**[۲]۔ او نه تنها وقایع زمانِ خود را به رشتۂ تحریر آورد بلکه بر آن وقایع تنقید هم کرده است۔

آغاز:

'الحمد لله علی الطافه و افضاله و صلی الله علی محمد و علی آله و اصحابه اجمعین [۳]، **اما بعد چنین گوید بنده امیدوار رحمت پروردگار محمد بن معتمد خان بن دیانت خان که این چند ورقی است در تذکره احوال خود........'**[٤]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی 'عبرتنامه' از مرزا محمد در کتاب خانه جهان فراوان است که مهم ازان نسخه های اندیا آفیس و بانکی پوراست۔ برای دیگر نسخه های خطی مراجع شود به استوری،ص٦٠٦ و مارشال،ص٣١٢۔

تراجم و چاپ:

جوناتن اسکات این اثر را در ۱۷۸٦ به زبان انگلیسی ترجمه کرد [۵]۔ اما استوری

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٦۷

۲۔ همان

۳۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱٤٦،ش۳۹۲

٤۔ همان،ستون۱۵۳٤،ش۲۸۳٤

۵۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۷۵ / اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۵۳٤،ش۲۸۳٤

گمان کرده است که جوناتن اسکات اصلاً در ۱۷۸٦ م تاریخِ ارادت خان را ترجمه کرده بود و عبدالمقتدر و اته ازان اشتباه کردند[١]۔

آثار دیگر مؤلف:

١۔ تاریخ محمدی:

این اثر دارندۀ احوال سیاسی وغیره است و از آغاز سال هجری تا ۱۱۹۰ ه.ق/۷۔۱۷۷٦م سال وار بیان گردیده است[٢]۔

۲۔ مفتاح النجاة فی مناقب الآباء:

این اثر معتمد خان در مورد کارهای جانشینان پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم به زبان عربی نگاشته شده است[٣]۔

۳۔ تراجم الحفاظ:

این اثر هم به زبان عربی است و لغت زندگینامه است که در ۱۱٤٦ ه.ق به تکمیل رسیده بود[٤]۔

٤۔ تحفة المحبین فی مناقب الخلفای الراشدین:

این کار هم به عربی در موردِ خلفای راشدین است[٥]۔

٥۔ جنات الفردوس:

این کتاب دارنده جدول های تاریخ وار در ذکرِ حکمران های هندوستان به ویژه حکمران های استان های این دیار است[٦]۔

۱۔ استوری، ص٦٠٦

۲۔ مارشال،ص۳۱۱

۳۔ همان

٤۔ همان،ص ۳۱۲

٥۔ همان

٦۔ نبی هادی، ص۳٥٦

فتوحات نامه صمدی از غلام محی الدین

شرحِ احوالِ مؤلف:

شرحِ احوال غلام محی الدین، در ذکرِ 'ظفر نامه' در همین مقاله ص۱٤٠ می آید۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۳۵ھ.ق نوشته شده بود و سالِ تالیفِ این اثر از نامِ این **'فتوحات نامه صمدی'** هم به دست می آید(۱)۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب زندگینامۀ سیف الدوله عبدالصمد خان بهادر دلیر جنگ است که در عهد فرخ سیر استان دار لاهور گماشته شد و سرکوبی سیک ها کرده بنده بیراگی را در ۱۱۲۷ھ.ق/۱۷۱۵م گرفتار کرده بود و در زمانِ محمد شاه استاندار مولتان مقرر شد(۲)۔ عبدالصمد خان در ۱۱۵٠ھ.ق/۸۔۱۷۳۷م فوت شده بود(۳)۔ آغاز کتاب از اشعارِ حمد، نعت و مدح پادشاه است(٤)۔ سپس احوال مختصری در باره عبدالصمد خان داده شده است و بعد ازین ذکر فتوحات عبدالصمد خان مانندِ گرفتار کردنِ بنده بیراگی رهبر سیک هادر ۱۱۲۷ھ.ق، سرکوبی شورش های عیسٰی خان در ۱۱۲۹ھ.ق و حسین خان قصوری در ۱۱۳۱ھ.ق بیان نموده است(۵)۔ مؤلف پس از هر رویداد یک مثنوی نیز آورده است(٦)۔

سبکِ کتاب:

غلام محی الدین این کتاب را به نثرِ بسیار مصنوع نوشته است و چون وی در مقدمه

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۷۱
۲۔ استوری،ص٦٦٤
۳۔ همان
٤۔ ظهورالدین احمد،دکتر، پاکستان مین...،ج۳،ص٤۲۱
۵۔ ریو،ج۳،ص۹۷۱
٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱٠،ص۵٠۳

می گوید در اصل این کتاب در تتبع 'مرآة انفراح' نوشته شده است که طغرّا در ذکر فتح بلخِ شاهزاده مراد بخش نگاشته بود[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

سیف الدوله عبدالصمد خان یکی از استان دار های مهمی دورۂ محمد شاه بود و این اثر که در باره جنگ های خان مذکور است، ارزش بسیار دارد۔ افزون بر این فتوحات نامۂ صمدی در سبکِ مصنوع نوشته شده است و یکی از نمونۂ کتاب های سبك مصنوعِ زمانِ خود است۔ مؤلف این کتاب را نه تنها در سبكِ مصنوع پرداخته است بلکه پس از هر رویداد یکی مثنوی هم آورده است۔ برابرِ وقایع تاریخی عبدالصمد خان، این اثر دارندۂ شرحِ احوال بنده بیراگی، سردار سیك ها ، هم است۔

آغاز:

'فتوحات نامه صمدی دیباچه محامد نصرت طراز..................'[2]

نسخه های خطی:

نسخه خطی از فتوحات نامه صمدی در کتابخانۂ موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۷۰ موجود است[3]۔ در پاکستان یکی نسخه خطی این اثر در کتابخانه شفیع به شماره ۱۰٤/٥٠ هم موجود است۔ برای تفصیل این نسخه مراجع شود به فهرست مشترکِ منزوی،ج۱۰، ص٥٠٤۔ دکتر محمد بشیرحسین، مرتبه فهرستِ مخطوطات شفیع، این نسخۂ 'فتوحات نامه صمدی' را هم تالیفِ غلام محی الدین قرار داده است اما درین نسخه و نسخۂ موزه بریتانیا تفاوت است۔ درمخطوطۂ شفیع نامِ مؤلف داده نشده است و این هر دو کتاب ازاسرارِصمدی مؤلفه عاصی کلانوری که برهمین موضوع است،هم مختلف است[4]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۷۱

۲۔ همان،ص۹۷۰

۳۔ همان

٤۔ ظهورالدین احمد،دکتر، پاکستان مین...،ج۳،ص٤۲۳

عبرت نامه از محمد قاسم عبرت لاهوری

شرحِ احوالِ مؤلف:

سید محمد قاسم عبرت حسینی لاهوری [۱] تاریخ نگار معروف عهد تیموریان متاخر است۔ وی در مقدمۀ این اثر خود را 'عبرتِ ظهور' یعنی عبرت پسرِ ظهور خوانده است اما این هر دو تخلص اوست [۲] چون مؤلف شاعر هم بوده۔ محمد قاسم منشیِ سرکارِ نواب میر معین الملك بود[۳]۔ از دفترِ یادداشت های وی معروف به 'بیاضِ میر قاسم' چنان آشکار است که وی وابسته به دربارِ امرا و نوابانی چون عبدالصمد خان، زکریا خان و معین الملك بود و خود را منشی معین الملك سرکار خوانده است [۴]۔ در ۱۱۳۰ھ.ق/۱۷۱۸ م از وطن خود لاهور به تلاش معاش به دهلی رفت [۵] و به توسطِ صورت سینگ و پسرش در سلكِ ملازمانِ امیرالامرا سید حسین علی خان شامل گردید[۶]۔

محمد قاسم توسط شخصی به نام صورت سینگ مولتانی و پسرش لاله آنند سینگ به دربار سادات راه یافت و صاحبِ دیوان امیرالامراحسین علی خان شد و تا عزلِ سادات در ۱۱۳٤ھ.ق در خدمتِ آنان بود و در بسیاری از جنگ ها همراهِ آنان بوده[۷]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۳۵ھ.ق/۳_۱۷۲۲ م نوشته شده بود[۸]۔ تاریخ تالیف از **'عبرت نامه سید محمد قاسم'** ۱۱۳۵ھ.ق به دست می آید۔

۱۔ استوری،ص۶۰۷

۲۔ ریو،ج۳،ص۹۳۹

۳۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۱۳

٤۔ محموده هاشمی،دکتر،تحولِ نثر فارسی...،ص۵۰

۵۔ استوری،ص۶۰۷

٦۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۱٤٦،ش۳۹۳

۷۔ محموده هاشمی،دکتر،تحولِ نثر فارسی...،صص۵۰و۵۱

۸۔ استوری،ص۶۰۷

ـ'به فضل ایزدی فارغ شدم از فکر توصیفش
خدارا شکرهاگویم به نعمت های توصیفش
شدم فکر چو بهر سالِ تاریخش، خرد گفتا
ز **عبرت نامه سید محمد قاسم** آمد سال تاریخش[1]

سبب تالیف:

در سببِ تالیفِ این کتاب اختلاف به نظر می رسد۔ مولف خود در سبب تالیف این کتاب حتماً نگفته که به فرمایشِ که این کتاب را نگاشته بود۔ آنجا که سخن در موردِ صورت سینگ و پسرانش می آید ، می نویسد که ایشان در مجلسی برای نوشتنِ تاریخ بعد از اورنگزیب فرمایش کردند۔ در مقدمۀ سه نسخه های خطی که دو ازان در کتابخانه موزه بریتانیا و یکی در کتاب خانه اندیا آفیس نگهداری می شود، سبب تالیف چنین آمده است:

۱. وی این کتاب را حسب الارشاد سرپرستِ خود نوشت[2]۔

۲. او این اثر را در آگره بر گزارشِ یکی از دو پسرانِ آقای خود نوشت[3]۔

۳. بر گزارشِ صورت سینگ و پسرش و دوستان ایشان، مولف این کتاب را تالیف کرد[4]۔

دکتر محموده هاشمی در تحول نثر فارسی در دوره تیموریان متاخر نوشته است: 'محمد قاسم این کتاب را به فرمایشِ امیرالامرا حسین علی وابسته عهد فرخ سیر نگاشت۔ زمانی که حسین علی به جنگ نیکو سیر همراه با مؤلف به اکبر آباد می رفت از او خواست که کتابی تاریخی در باره سادات بارهه و دوران آنان بنویسید'[5]۔

ممکن است که صورت سینگ یا پسرانش در مجلسِ حسین علی خان نوشتنِ این کار را فرمایش کردند و حسین علی خان هم این چیز را تایید کرده، مؤلف را برای این کار

۱ـ عبرت،محمد قاسم،عبرتنامه،با تصحیح دکتر ظهور،ص۹٤

۲ـ ریو،ج۱،ص۲۷۳(درین نسخه خطی نام مولف نیامده است)

۳ـ همان،ج۳،ص۹۳۹

٤ـ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون ١٤٦،ش۳۹۳(درین نسخه خطی هم نام مولف نیامده است)

۵ـ محموده هاشمی،دکتر،تحول نثر فارسی...،ص۵۱

آماده کرده بود۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب را 'تاریخ بهادر شاهی'[۱] و 'تاریخ سلطنت فرخ سیر'[۲] هم می خوانند۔ این کتاب دارندۀ تاریخ از وفات عالمگیر تا عزل و وفات سید برادران است۔ احمد منزوی محتویات این کتاب چنین بیان نموده است؛ احوال واقعه عالمگیر پادشاه غازی، جلوس محمد بهادر شاه بر تخت سلطنت، کوچ کردن محمد اعظم شاه به عزم جنگ با بهادر شاه، جنگ محمد اعظم شاه با محمد معظم بهادر شاه، بر تخت نشستن بهادر شاه عنایت و سرفرازی کردن بر نوکران، در احوال از سوانحات گورو تیغ بهادر و گورو گوبند سینگ وغیره، وفات حضرت بهادر شاه، در بیان جنگ و جدل برادران و در تقسیم کردن ملك و قتال و برپا شدن فساد و کشته شدن شاهزاده محمد عظیم الدین، فساد شدن هر سه برادران در تقسیم اسباب موروثه محمد عظیم و باهم تکرار فساد کردن، جلوس بر تخت فرمانروای حضرت جهاندار شاه محمد معزالدین، احوال فتح و نصرت فرخ سیر بر معزالدین، جلوس کردن بر تخت سلطنت حضرت محمد فرخ سیر،احوال تلون طبیعی بادشاه فرخ سیر و خلل افتادن در کار سلطنت و کشته شدن بادشاه وغیره احوال مختلفه[۳]۔ ریو بعد ازین محتویات دعوٰی پادشاهتِ نیکو سیر در آگره، دعوٰی پادشاهتِ رفیع الدوله در دهلی،جلوس کردن محمد شاه بر تخت و کشاکش میان سادات و نظام الملك و شکست آنان و مرگ قطب الملك در ۱۱۳۷ هـ.ق بیان نموده است[٤]۔

سبكِ کتاب:

بیان مؤلف گاهی ادیبانه و مترسلانه می شود و گاهی واژه های محلی و هندی و

۱۔ الیوت،ج۷،ص٥٦٩

۲۔ ریو،ج۱،ص۲۷۳

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٤٨٦ (برای تفصیل محتویات این کتاب مراجع شود به الیوت،ج۷،ص٥٦٩ تا ٥٧١)

٤۔ ریو،ج۱،ص۲۷۳

ترکی و عربی به کار برده است اما از حدِ اعتدال خارج نشده است۔ اسلوبِ 'اکبر نامه' و 'بادشاه نامه' پیشِ محمد قاسم بود و او عبرتنامه را در تتبع آن نگاشت۔ بعضی جا جمله معترضه، جمله وصفی و جمله موصوله پی در پی این طور به کار برده است که مبتدا از خبر و فاعل از فعل تا سه چهار جمله دور می ماند(۱)۔

بر مواقع صدمه یا مرگ یك لخت اسلوب خود را تبدیل کرده جمله های کوتاه می نویسد، چون: **'آسمان بر خود لرزید، زمین را جگر ترقید۔ درو دیوار فریاد برآورد، دولت و حشمت خون می خورد۔ قوایم تخت خلافت شکست، بنای مردی از پا نشست'**(۲)

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب از وفاتِ اورنگزیب عالمگیر تا عزلِ برادرانِ سادات است۔ این عهد در شبه قاره خیلی مهم است چون ازین عهد، به علتِ جنگ های پی در پی برای تخت نشینی ، زوال سلطنتِ تیموریان آغاز شده بود۔ خود مؤلف با عبدالصمد خان استان دار لاهور و امیر الامرا سید حسین علی خان پیوسته بود و در امور و اخبارِ دربار دسترس می داشت۔

آغاز:

در مختلف نسخه های خطیِ عبرت نامه آغازِ این اثر مختلف آمده است۔

آغاز دیباچه: **'رسمی است قدیم و طریقتی است مستقیم که هرچه از تقلب روزگار و نوادر اعصار رقم طرفگی و طراز عجوبت داشته باشد**..........'(۳)

'**حمد و سپاس بی منتها و شکر و ثنای لا تحصی نثار بارگاه معبود لا شریك**.......'(٤)

آغاز متن: '**حمد بیعد و ثنای خداوند کارساز حقیقی را که سلطان روح انسان را از کتم عدم**..........'(٥)(٦)

۱۔ ظهورالدین احمد، دکتر، مقدمه عبرت نامه ، ص۳۷

۲۔ همان

۳۔ نوشاهی، خضرعباس، گنجینه آذر، ص ٤۱۱

٤۔ عبرت، محمد قاسم، عبرتنامه، با تصحیح دکتر ظهور، ص۹۳

٥۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱ ، ستون ۱٤٦ ، ش۳۹۳/ ریو، ج ۱ ، ص ۲۷۳

٦۔ در فهرستِ کتاب خانه عمومی پنجاب، ص۷۱٤ و کتاب چاپی با تصحیح دکتر ظهورالدین احمد، آغاز مقدمه **'حمد و سپاس بی منتها و شکر و ثنای لا تحصی نثار بارگاه معبود لا شریك**' و آغاز کتاب '**رسمی است قدیم و طریقتی است مستقیم**' داده شده است۔

نسخه های خطی:

دستنویس های عبرتنامه از محمد قاسم عبرت در کتاب خانه جهان فراوان است ـ برای تفصیل نسخه های خطی این کتاب مراجع شود به استوری،صص٦٠٧ـ٦٠٨ ومارشال ـ١٩٧

در پاکستان دو نسخه این کتاب در دانشگاه پنجاب و سه در کتابخانه عمومی لاهورموجود است [1]ـ

تراجم و چاپ:

این کتاب با تصحیح و حواشی ومقدمه دکتر ظهورالدین احمد از سوی اداره تحقیقات پاکستان،دانشگاه پنجاب،لاهور در دسامبر ١٩٧٧م به چاپ رسیده است ـ قسمتی ازین کتاب به توسط الیوت به زبانِ انگلیسی ترجمه شده است و در جلد هفتم تاریخ وی از ص٥٦٩ تا ٥٧٣ موجود است ـ

١ـ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج١٠،ص٤٨٧

سعیدنامه از جسونت رای

شرحِ احوالِ مؤلف:

جسونت رای(Jaswant Rai) پسر بگونت رای(Bhagwant Rai) پسر سندر داس رای پسر مالك هری داس، منشیّ تخلص می کرد [1]۔ جسونت رای از لاهور تعلق داشت و در زمانِ اورنگزیب در خانوادۀ کایسته متولد شد[2]۔ پدرش بگونت رای در لاهور به طور منشی وابسته به پُردل خان بود[3]۔ جسونت رای خود در ۱۱۱۸هـ.ق/۷ـ۱۷۰٦م از لاهور به کرناتك رفت[4] و قصیده ای در مدح سعادت الله خان استان دار کرناتك پرداخته، به خدمتِ او به طور منشی پیوست [5]۔ در ۱۱۲٤هـ.ق دیوانِ خود را نگاشت [6]۔ جسونت رای نسخه خطی این دیوان را که نوشته خود اوست، به مقامِ 'سرا' که در استانِ بیجاپور واقع است، نگاشته بود که اکنون در کتاب خانه انجمن آسیای بنگال نگهداری می شود[7]۔

از سال مرگِ وی هیچ اطلاعی در دست نیست اما اگر اشتباهِ اسپرنگر (آینده ذکر می آید) درست است و همین جسونت رای منشیّ، نگارندۀ مثنوی 'سسی پنون' است، حتماً بعد از ۱۱٤۰هـ.ق فوت شده بود که این مثنوی در همان سال نگاشته شده بود۔

سال تالیف:

سعید نامه در شرحِ احوال تا ۱٦ رمضان ۱۱۳۵هـ.ق/۱۷۲۳م است[8]۔ ازین رو سعیدنامه بر همین تاریخ یا بعد ازین تاریخ نوشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

۱ـ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱۵٤۲، ش ۲۸٤۳

۲ـ نبی هادی، ص ۲۸۳

۳ـ ریو، ج ۱، ص ۳۳۱

٤ـ استوری، ص ۷۷۷

۵ـ مارشال، ص ۲۲۹

٦ـ اسپرنگر، شاهان اوده، ج ۱، ص ۵۰۷

۷ـ استوری، ص ۷۷۷

۸ـ ریو، ج ۱، ص ۳۳۱/ استوری، ص ۷۷۸

سعیدنامه از جسونت رای دارندۀ تاریخ محمد علی پسر احمد مخاطب به سعادت علی خان و محمد سعید است۔ این کتاب مشتمل بر یك مقدمه و سه دفتر است۔ در مقدمه مؤلف خود و اجدادِ خودش را معرفی نموده است۔ ریو چکیده ای از ترجمه انگلیسی این مقدمه در فهرستِ موزه بریتانیا داده است[۱]۔ این کتاب از ولادتِ محمد علی پسرِ احمد سعادت الله خان در ۱۰٦۱ھ.ق آغاز شده در شرحِ حال تا ۱۱۳۵ھ.ق به انجام می رسد[۲]۔

سبكِ کتاب:

این کتاب در سبك مسجع و مقفیٰ بـه زبانِ درباری نوشته شده است[۳]۔ (برای بررسی سبك این کتاب، نسخه خطی به دست نیامده است)۔

آغاز:

۔ 'این نامه که از نام سعید است سعید
از چشمِ بدِ دهر، بعید است بعید'[٤]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی سعید نامه در کتاب خانه موزه بریتانیا بر شماره Or. ۱٤۰۹ و دو نسخه در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۰۰ و ۲۸٤۳ موجود است۔ نسخه اندیا آفیس به شمارۀ فهرست۵۰۰ مختصر و ناقص الآخر است۔ درین نسخه خطی نام مولف نیامده البته وی تخلص منشیؔ به کار برده است[۵]۔

آثار دیگر مؤلف:

جسونت رای منشیؔ تخلص می کرد و دیوان ازو یادگار است که نسخه خطی آن در کتاب خانه شاهان اوده و کتاب خانه اندیا آفیس موجود است[٦]۔اسپرنگر در فهرستِ

۱۔ ر.ك ریو،ج۱،ص۳۳۱
۲۔ همان
۳۔ همان
٤۔ ریو،ج۱،ص۳۳۱/ اته،اندیاآفیس، ج۱،ستون۱۹۵،ش۵۰۰
۵۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۹۵،ش۵۰۰
٦۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۵۰۷/اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۹۱۷،ش۱٦۹۵

کتابخانه شاهان اوده دیوان منشیّ را ذکر نموده است و اشتباه کرده است که شاید مثنوی 'سسی پنون' نیز از همین شاعر متخلص به منشیّ و معروف به 'اندرجیت' است[۱]۔

اما در نسخه اندیا آفیس مؤلف دو آثار دیگرِ خود به نام 'قصه سیف الملك و بدیع الجمال' و 'قصه لال و هیرا' را تذکر نموده است[۲]۔ علاوه برین نبی هادی اثری به نام 'مسودات' هم ازو منسوب کرده است که مجموعه مسوده های متفرقه است[۳]۔

۱۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج۱، ص۵۰۸

۲۔ اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۱۹۵، ش۵۰۰

۳۔ نبی هادی، ص۲۸۳

هفت گلشن(۱)/ هفت گلشن محمد شاهی(۲)/ هفت گلشنِ الٰهی(۳)

از محمد هادی کامور خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد هادی مخاطب به کامور خان (٤) از هندو مسلمان گردیده بود (٥)۔ نام هندوی وی چندی داس بود(٦)۔ در زمان اورنگزیب وی به ملازمان اورنگزیب عالمگیر شامل گشت و در دکن مانده بود (۷)۔ بعد ازان بر سفارش عنایت الله خان، وی از اورنگزیب عالمگیر رخصت یافت و دوباره به دارالسلطنت دهلی رفت و به مطالعه تاریخ مشغول شد (۸)۔ همان زمان به بلای ناگهانی گرفتار شد و برای زدودنِ غمِ این بلای، به نوشتن این کتاب مشغول گشت(۹)۔ اما بعد از وفاتِ اورنگزیب در سال دوم جلوس بهادر شاه، به خدمتِ شاهزاده محمد ابراهیم پسر رفیع الشان 'میر سامان' مامور شده، به لقب 'کامور خان' سرافراز گشت(۱۰)۔ خود می گوید؛ **'راقم این سانحات حسب العرض بادشاهزاده والاگهر شاه رفیع الشان بهادر به اضافه صدی ذات بیست سوار و به خطاب کامور خان و میر سامانی سرکار شاهزاده محمد ابراهیم سرمایه به دست آورد'**(۱۱)۔ همان سال کامور خان از بهادر شاه خلعت گرفت (۱۲)۔ کامور خان بر مناصب مختلفه در خدمت تیموریان مانده بود۔ در زمانِ بهادر شاه وی بر منصب دیوان، بخشی و خانسامان بود و پس ازان به طور داروغۀ خزانۀ احدی نیز خدمت انجام داد(۱۳)۔

در ۱۱۳٦ هـ۔ق در شاه جهان آباد بود چون نسخۀ اندیا آفیس که نوشتۀ به دستِ

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱٤۷، ش ۳۹٤

۲۔ ریو، ج ۳، ص ۹۰۸/ الیوت، ج ۸، ص ۱۳

۳۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۷، ص ۱۰۳

٤۔ ریو، ج ۳، ص ۹۰۸ ۵۔ استوری، ص ٤٥۹ ٦۔ ریو، ج ۳، ص ۹۰۸

۷۔ الیوت، ج ۸، ص ۱۳ ۸۔ ریو، ج ۳، ص ۹۰۸

۹۔ الیوت، ج ۸، ص ١٤ اشتباه کرده است که این بلای ناگهانی شاید وفات همسرش بود۔

۱۰۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۷، ص ۱٥ ۱۱۔ همان

۱۲۔ الیوت، ج ۸، ص ۱۸ ۱۳۔ همان

مولف است، در ١١٣٦ هـ.ق در شاهجهان آباد نوشته شده بود[١]۔

چون درین کتاب مؤلف تاریخ تیموریان را بعد از بابر نپرداخت و در خاتمۂ احوالِ بابر، مؤلف عهد کرده که تاریخ تیموریان را در کتابی جداگانه با تفصیل خواهم پرداخت، پس چهار سال بعد از نوشتن این کتاب محمد هادی 'تذکره سلاطین چغتا' نوشت[٢]۔

سال تالیف:

هفت گلشنِ محمد شاهی در ١١٣٢ هـ.ق/٢٠-١٧١٩م نوشته شده بود [٣]۔ اما نسخه اندیا آفیس که نوشتۂ خود مؤلف است، در ١١٣٦ هـ.ق نوشته شده بود که شاید مؤلف پس از آن افزوده باشد[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

هفت گلشن کامور خان تاریخ عمومی هندوستان از آغاز تا ١١٣٢ هـ.ق است [٥]۔

چون از نام این کتاب ظاهر است ،هفت گلشن در هفت باب نوشته شده است و مولف هر باب را گلشن نام داده است۔کامور خان هر گلشن را مزید در گلبن تقسیم کرده است۔الیوت ترتیب این باب ها چنین داده است: **گلشن اول:** در سه گلبن منقسم است۔ ١)شاهان دهلی، ٢)شاهان شرقی جونپور، ٣)سلاطین مالوه۔ **گلشن دوم:** در دو گلبن منقسم است۔ ١) شاهان گجرات، ٢) شاهان مالوه۔ **گلشن سوم:** فقط در یك گلبن که در باره شاهان بنگاله است۔ **گلشن چهارم:** در شش گلبن منقسم است؛١)سلاطین بهمنی دکن، ٢) عادلشاهیان بیجاپور، ٣) نظام شاهیان احمد نگر، ٤) قطب شاهیان حیدرآباد، ٥) عماد شاهیان برار، ٦) بریدشاهیان بیدر۔ **گلشن پنجم:** در دو گلبن؛ ١) جام های سند، ٢) حاکمان مولتان۔ **گلشن ششم:** فقط یك گلبن دارد که در باره شاهان کشمیر است۔ **گلشن هفتم:** این

١۔ اته،اندیا آفیس، ج ١،ستون ١٤٧،ش ٣٩٤

٢۔ الیوت،ج٨،ص ١٤

٣۔ همان،ص ١٣

٤۔ اته،اندیا آفیس، ج ١،ستون ١٤٧،ش ٣٩٤

٥۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص ١٥

گلشن هم منقسم در یك گلبن است و درباره صوفیا و مشایخ هندوستان است[۱]۔

گلشن هفتم، درنسخه اندیا آفیس که نوشته خود مؤلف است، همان **'گلدسته سعادت'** است که مؤلف در ذکرِ نبی کریم صلی الله علیه وآله وسلم و خلفای اسلام و امامینً و صوفیا و مشایخ در ۱۱۳۳ھ.ق نوشته بود۔ این نسخۀ اندیا آفیس به سال ۱۱۳٦ھ.ق نوشته شده بود[۲]۔

سبكِ کتاب:

مقدمه این کتاب در سبك مصنوع نگاشته شده است[۳]۔ ترجمه اقتباس ها که الیوت از مقدمه در کتاب خود نقل کرده است می توان قیاس بزند که این کتاب در سبك مصنوع نوشته شده بود۔(برای بررسی سبك کتاب، نسخه خطی به دست نیامد)

ارزشِ ادبی و تاریخی:

محمد هادی کامور خان خود از دربار وابسته بود۔ این کتاب ازین رو که گلشنِ هفتمِ این دارنده تذکرهِ صوفیا و مشایخ هندوستان است، خیلی پُر ارزش است۔ علاوه بر این مولف در کتابِ مذکور شاهانِ محلی را هم به تفصیل ذکر نموده است۔ در مقدمه مولف دعوٰی کرده است که بعد از مطالعۀ کتاب مذکور، ضرورتِ خواندنِ کتابی دیگر بر موضوع تاریخ این دوره نباشد [٤]۔ می توان گفت که این کتاب تکمله تاریخ فرشته است [٥]۔ مؤلف از تاریخ فرشته و برای دوره بعدی از 'لُب التواریخ' بهره برده است[٦]۔

آغاز:

'الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین که قدرت بالغه..........'[۷]

۱۔ الیوت،ج۸،ص۱۵

۲۔ اته،اندیا آفیس، ج۱،ستون۱٤۷،ش۳۹٤

۳۔ الیوت،ج۸،ص۱۳

٤۔ همان، ص۱٤

٥۔ همان

٦۔ ریو،ج۸،ص۹۰۸

۷۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۵

’آیات توحید و بیّنات تمجید او سبحانه تعالیٰ و تقدس از غایت وضوح محتاج...‘[١]

نسخه های خطی:

دستنویسِ این اثر در کتاب خانه های جهان فراوان است که مهم ازان در موزۂ بریتانیا، اندیا آفیس و بانکیپور موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص٤٥٩ ومارشال٢٤٢۔

تراجم و چاپ:

سدا سك لال(Sada Sukh Lal) چکیدۂ این کتاب به زبانِ انگلیسی برگردانده است که در موزه بریتانیا به شماره Add.٣٠٧٨٢ از برگ ٣ تا ٦٠ موجود است[٢]۔

آثار دیگر مؤلف:

١۔ تذکره سلاطین چغتا: چون درهفت گلشن محمد شاهی مؤلف تاریخ تیموریان رابعد از بابر نپرداخت و در خاتمۂ احوال بابر، مؤلف با خواننده عهد کرده که تاریخ تیموریان را در کتابی جدا به تفصیل خواهم پرداخت، پس چهار سال بعد از نوشتن این کتاب محمد هادی ’تذکره سلاطین چغتا‘ نوشت [٣]۔ این طور این اثر در ١١٣٧هـ.ق نوشته شده باشد چون نسخه خطی ’تذکره سلاطین چغتا‘ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add.٢٥٧٨٧ دارندۂ احوال تا ١١٣٧هـ.ق است[٤]۔

٢۔ گلدسته سعادت: در ذکرِ نبی کریم صلی الله علیه وآله وسلم و خلفای اسلام و امامینً و صوفیا ومشایخ در١١٣٣هـ.ق نوشته شده است۔ تاریخ تالیف این کتاب از [گلدسته سعادت لایزال] به دست می آید[٥]۔

١۔ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون ١٤٨،ش٣٩٤

٢۔ ریو،ج٣،ص٩٠٩

٣۔ الیوت،ج٨،ص١٤

٤۔ ریو،ج١،ص٢٧٤

٥۔ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون ١٤٧،ش٣٩٤

نوادرالاخبار از رفیع الدین احمد غافلؔ کشمیری

شرحِ احوالِ مؤلف:

ابا رفیع الدین احمد بن عبدالصبور بن خواجه محمد بلخی کشمیری المتخلص به غافلؔ [۱] نگارنده نوادر الاخبار است۔ شاید 'خوارق السالکین' که تذکرۂ اولیای کشمیر معروف به 'تاریخ هادی' از احمد بن صبور، هم ازوست[۲]۔ از احوال زندگانی اش اطلاعِ چندانی در دست نیست الا که وی نگارندۂ این کتاب را است۔ چون غافلؔ تخلص داشت حتماً شعر هم سروده بود اما هیچ یادگارِ شعری از وی در دست نیست۔ معلوم می شود که او مردی مذهب پرست بود چون در مقدمه این کتاب بر اساسِ مذهب بر راج ترنگینیِ پاندیت کلهن انتقاد نموده است۔

سال تالیف:

این اثر در صفر ۱۱۳٦ ه.ق / ۱۷۲۳ م در شاه جهان آباد دهلی نوشته شده بود[۳]۔ همین تاریخ از 'ختم نامه' به دست می آید که مؤلف در آخر کتاب ذکر نموده است[٤]۔

سبب تالیف:

چون تاریخ نگاران کشمیر از قدیم تا اکنون از کتاب راج ترنگینیِ پاندیت کلهن بهره برده بودند، غافلؔ در دیباچه می گوید: 'کلهنا بت پرست و مخالف اسلام بود و خیالات منکران را ملحوظ نکرده، باید تاریخ شاهان کشمیر بنویسد'[٥]۔

محتویاتِ کتاب:

۱۔ ریو، ج ۱، ص ۲۹۹

۲۔ ظهورالدین، احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج ٤، ص ۳٦۹

۳۔ استوری، ص ٦۸۲ (نبی هادی، ص ۱۸۷ تاریخ تالیف این کتاب ۱۱۳۷ ه.ق بیان نموده است)

٤۔ ریو، ج ۱، ص ۲۹۹

٥۔ ظهورالدین، احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج ٤، ص ۳٦۹

نوادر الاخبار دارنده تاریخ کشمیر از آغاز تا فتح کشمیر به دست جلال الدین محمد اکبر در ۹۹۵ه.ق است۔ مؤلف آغازِ تاریخِ خطۂ کشمیر با سلیمانؑ پیامبر مربوط کرده است[(۱)] بعد ازان ذکر شاهان مسلمانان کشمیر از شاه میر بیان نموده است۔ گزارش رویدادهای تاریخی با ذکر بازگشت جلال الدین اکبر به آگره و مرگ یعقوب خان چك پایان می پذیرد[(۲)]۔ علاوه بر تاریخ کشمیر مؤلف درین کتاب زیبایی و محاسنِ استانِ کشمیر هم بیان کرده است[(۳)]۔

سبكِ کتاب:

مؤلف ذکر راجه های هندووان را به اجمال تذکر نموده است و از راج ترنگینی پاندیت کلهن بنا بر تعصب بهره نبرده است[(٤)]۔ در مورد سبك این کتاب برزگر کشتلی در دانشنامه ادب فارسی نوشته است: 'غافلّ احوال راجگان را بسیار اندك و کوتاه آورده و برخی خانواده های هندو را یکسره از قلم انداخته، در ذکر زمان پادشاهی راجگان دقت کافی نبرده ودر تصحیح اشتباهات راج ترنگینی نیز موفق نبوده است'[(٥)]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

نوادر الاخبار کتابی بسیار ارزش مند در باره تاریخ کشمیر است۔ پیشتر ازین کتاب، همه کتاب های تاریخ کشمیر از 'راج ترنگینی' برده شده بود۔ اما مؤلف درین اثر، بر راج ترنگینی انتقاد نموده، تاریخ کشمیر پرداخته اما منابع خود را ذکر ننموده است۔

آغاز:

'شکر و سپاس جناب مالك الملك وداور........'[(٦)]

۱۔ ریو، ج۱، ص۲۹۹
۲۔ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، ص۱۸۵۲
۳۔ ریو، ج۱، ص۲۹۹
٤۔ ظهورالدین، احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج٤، ص۳٦۹
٥۔ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، صص۱۸۵۲ و۱۸۵۳
٦۔ ریو، ج۱، ص۲۹۹

نسخه های خطی:

نسخه خطی نوادر الاخبار که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره۲٤۰۲۹ .Add نگهداری می شود۔

آثار دیگر مؤلف:

۱ ۔ تاریخ هادی:

نویسندۂ این کتاب از نامِ احمد بن صبور کشمیری معروف است[۱]۔نام اصل این کتاب 'خوارق السالکین' بود اما به نام 'تاریخ هادی' معروف شده است [۲]۔ تاریخِ هادی در اصل این تذکره اولیای کشمیر است[۳]۔

---

۱ ۔ ظهورالدین،احمد، دکتر،پاکستان مین...،ج ٤،ص٣٦٩

۲۔ همان

۳۔ همان

کیگوهرنامه از رایزاده دونی چند

شرحِ احوالِ مؤلف:

مـؤلف کیـگـوهـر نـامـه دونی چند عرف بالیّ فرزند میگهراج است[(۱)]۔ دونی چند در آغـازِ کیـگـوهـرنـامـه برخـی از زنـدگـانـی خـود ذکر نموده است کـه علاوه بران در موردِ زنـدگـانیش اطلاعِ چـنـدانـی در دست نیست ۔ در مقدمه کتاب دونی چند می گوید که در هـفت سـالـگی پدرش فوت شد۔ در سیر و شکار و صحرا نوردی به سر برد۔ در پانزده سالگی در عـلـم موسیقی کمال یافت و در رباب و طنبوره مهارت گرفت۔ علمِ طب نیز خوانده بود۔ به خدمتِ سلطان دلاور خان حاضر شد و در متصدیان او شامل گردید ۔ به سخت گیری و بد قـولیِ مدارالمهام اسیر شد و بعد از رهایی برای زیارتِ غوث الثقلین به بغداد رفت۔ دوازده سـال در بـغـداد اقـامت اختیار کرد۔چو ن بازگشت از راهِ جمون در قلعه ماکیاله در خدمت سـلـطان بورها خان حاضر شد۔ بعد از مدتی سلطان مبارز خان او را برخواند و برای نوشتن این تاریخ فرمایش کرد[(۲)]۔ از سال وفاتِ او اطلاعی در دست نیست۔

سال تالیف:

ریـو سـالِ تالیفِ کیگوهر نامه از نسخۀ خطی موزۀ بریتانیا ۱۱۳۷هـ.ق بیان کرده است و در آخر این دستنویس تاریخِ مذکور از جملۀ زیر استخراج شده است:

’چو گوهر پاك حرف زر بنامه کیگوهر زیبا‘[(۳)]

۱۱۳۷هـ.ق

در تـرقـیـمـۀ نسخۀ خطی دانشگاه پنجاب که در گنجینۀ آذر به شماره ۱۱۲ -H موجود

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج ۳،ص ۴۳۳

۲۔ این احوالِ مختصر از ترجمه دیباچه کیگوهر نامه چاپی،ص یکم تا ۱٤ برده شده است۔

۳۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱۳

است، تاریخِ نگارش چنین نوشته است:

ـ 'همچو جوهر خوش نماید در نظر اهل هنر
کیگهر نامه همه جا پر بگوهر نامور'[۱]

۱۱۳۷ھ.ق

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در شرح احوال قوم گکر(Gakkhar) در یك دیباچه و پنجاه و سه عناوین گوناگون نگاشته شده است [۲]ـ مؤلف در تمهیدِ این کتاب احوالِ خودش را بیان کرده و بعد ازان مثنوی را آغاز کرده است که عنوان هایش در تعریف قلم، در صفت کاغذ، در شکوه و شکایتِ فلك، حکایتِ یوسف و زلیخا و دیگر قصه های عاشقان است۔

دونی چند موسسِ خانوادۂ گکر 'کیگوهر' را بیان نموده است که حکمرانِ اصفهان و همعصرِ کیقباد و کیکاووس بود [۳]ـ بعد از کیگوهر از خانوادۂ او بسیار کسان حکمران بودند که یکی ازان قابل خان پسر رستم خان بود۔ چون در ۳٦۵ھ.ق سبکتگین بر لمغان حمله کرد ، قابل خان مقابل آمد ولی میانِ ایشان مصالحت شد و چون سلطان محمود بر هندوستان لشکر کشی کرد، گکرخان پسر قابل خان شریكِ سلطان محمود بود۔محمود غزنوی گکر شاه را دوآب میانِ رود های سند وجهلم عطا کرد و از سال ٤۱۲ھ.ق تا ۱۱۸٦ھ.ق این خطه در تصرفِ گکران می ماند[٤]ـ مؤلف اوصافِ عدالت گکران و صفت پوتوهار(Pothohar) و اوصاف مستورات گکران را هم بیان کرده است۔ علاوه بر این دونی چند درین کتاب کرسی نامه (نسب نامه) های گکران را هم ذکر کرده است[۵]ـ این اثر عمدتاً بر نام های مردم مشتمل است[٦]ـ

۱ـ نوشاهی،خضر عباس،گنجینه آذر،ص٤۱٦
۲ـ همان
۳ـ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...، ج۳،ص٤۳۵
٤ـ همان
۵ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٤۸۷
٦ـ اته،اندیا آفیس،ج۲،ستون ۱۰،ش۳۰۲۱

در خاتمۀ کتاب قصیده ای به نام سرپرستِ خاص خوددیوان غلام محمد خان برادرِ سلطان دلاور خان سردارِ قبیله هم نوشته است(۱)۔

سبکِ کتاب:

دونی چند انشا پردازِ خوب به نظر می رسد۔ در توصیفِ موصوف عبارت های مسجع ومقفیٰ به کار می برد۔ در نثر شعر هم می آرد۔ در کیگوهر نامه اشعار از مثنوی و غزل و قصیده و قطعات هم موجود است۔ بعضی جا شعر از وزن عاری است۔ بعضی جا واژه های محلی هم به کار می برد و بعضی جا شعر های هندی هم نقل کرده است۔ برای آشنایی به سبك این کتاب، یکی اقتباس اینجا نقل شده است:

'زبان دانان عالم انسان قلم بی زبان به معنی دو زبان را چنین به بیان آوردند که سلطان سارنگ بیست و دو پسر داشت۔ شانزده در جنگ رنگ شهادت یافتند و سلطان کمال خان را از آن معرکه قتال دستگیر کرده به مثل اسیران برده بودند و علاول خان که مرید شاه مونگا بود، به لباس فقیری از عرصه دارو گیر بدر رفت'(۲)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

کیگوهر نامه تاریخ مرتب و مسلسل نیست۔ مؤلف در بیان وقایع سنین را ذکر ننموده است۔ دونی چند مآخذ و منابع را نیز ذکر نکرده اما جایی تاریخِ فتح خانی از مرزا قابل خان و 'تاریخ هدهالان' را ذکر نموده است۔ اما ارزشِ مهمی این کتاب این است که به توسطِ این کتاب نه تنها نامِ شهرها و قصبه ها و روستای ها و قلعه ها محفوظ مانده بلکه ما ازین کتاب آنرا سالِ تعمیر و محلِ وقوع و کیفیتِ جغرافیایی را نیز به دست داریم۔ علاوه بر این از فرهنگِ این خطه هم آشنایی داریم(۳)۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱۳

۲۔ کیگوهر نامه چاپی به اهتمام دکتر محمد باقر،ص ۱۰۹

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...، ج۳،ص٤۳٦

این تاریخ ازین نظر هم خیلی مهم است که بعد از دونی چند پسرش برج نات از زمانِ سلطان مکرم خان تا غلام حیدر خان افزوده و بعد ازان رتن چند از روزگارِ کرم الله خان تا ۱۱۸٦ هـ.ق، ادامه داد[۱]ـ آنجا که مؤلف هیچ چیزی برای نوشتن ندارد، اشعارِ خود را دراندازد[۲]ـ

آغاز:

در مختلف نسخه های خطی کتابِ مذکور آغاز این کتاب یك کمی مختلف است؛

'راویان اخبار و حاکیان هر دیار.........'[۳]

ـ **'ای رزق رسان ز غیب لاریب**
غفار و کریم و ساتر العیب'[٤]

'در بیان حقیقت خاندان گهکران ابتدای خلافت کیگوهر و ذکر محاربات.........راویان اخبار و حاکیان دیار....'[٥]

اما آغازِ کتاب چاپی چنین است: ـ **'به نام خدا مالك دو جهان**
شروع کرده ام قصه کگهران

.... زهی پادشاه والا جاه که در بارگاه کبریایش چه عابد شب خیزطاعت پناه و چه عاصی اشك ریز...........'[٦]

نسخه های خطی:

در کتاب خانه های جهان فراوان است ـ برای تفصیل مراجع شود به فهرستِ مشترك نسخه های خطی پاکستان از احمد منزوی، جلد ۱۰، صص٤٨٨ـ٤٨٩ـ و استوری، ص٦٧٥ـ

کاتبِ سه از پنج نسخه های خطی موجود درگنجینه آذر، رتن چند فرزند رایزاده

---

۱ ـ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج۳، ص٤٣٦

۲ـ اته، اندیا آفیس، ج۲، ستون۱۰، ش۳۰۲۱

۳ـ ریو، ج۳، ص۱۰۱۲

٤ـ ایوانوف، ولدمیر، انجمن آسیای بنگال، ص٥٩/ نوشاهی، خضرعباس، گنجینه آذر، ص٤١٦

٥ـ اته، اندیا آفیس، ج۲، ستون۹، ش۳۰۲۱

٦ـ کیگوهر نامه چاپی به اهتمام دکتر محمد باقر، ص یکم و ۲

سلامت رای است[1]- این همان رتن چند است که 'خالصه نامه' را تالیف کرده بود(ر.ک: ص٥٤٣ در همین مقاله)-

تراجم و چاپ:

کیگوهر نامه از رایزاده دونی چند مرتبه دکتر محمد باقر در ١٩٦٥ م از سوی پنجابی ادبی اکادمی لاهور، با مقدمه انگلیسی، چاپ گردیده است- اما چون بالا ذکر شده است که بعد از دونی چند پسرش برج نات درین کتاب افزوده بود و بعد ازان رتن چند این اثر را ادامه داده بود- درین کتاب چاپی' باعث تصنیف این کتاب' چنین نوشته است:

'نیازمند بنده رتن چند که از اولاد صاحب بابا دونی چند جیو ایم، چنان عرض دارم که درعملداری گکهران یکی تواریخ گکهران رایزاده صاحب دونی چند ویکی کتاب رایزاده برج نات ولد رایزاده موصوف تصنیف نموده بودند- بالفعل بنده از مضمون هر دو نسخه بالا واقف گشته و نیز بعضی احوالات گکهران از واقفکار دریافت نموده ، داخل تواریخ مذکوره ساخته است،فقط'[2]-

سید ابو ظفر به فرمایشِ راجه گلزار احمد خان کیگوهر نامه را ترجمه اردویی کرده است[3]-

---

١- منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج١٠،ص٤٨٨

٢- کیگوهر نامه چاپی به اهتمام دکتر محمد باقر،ص ١٤

٣- ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...، ج٣،صص٤٣٨-٤٣٩

تاریخ قپچاق خانی　　از　　قپچاق خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

قپچاق خان عرف خواجم قلی بیگ بلخی بن قپچاق خان مرحوم عرف امام قلی [۱] نویسنده تاریخ قپچاق خانی است۔ پدرِ وی امام قلی خان قوش بیگیِ سبحان قلی خان والی توران بود[۲]۔ قپچاق خان از بلخ تعلق داشت[۳]۔ او مردِ عالم بود و در ملک خود یعنی بلخ بر عهده های مهمی مامور بود [٤]۔ چون تیموریان در اواخر دوره اورنگزیب برای گرفتنِ ملکِ خود کوشش کردند[٥]، قپچاق خان در ۱۱۰۷ھ۔ق/٦۔۱٦۹٥م اسیر شده از بلخ به هندوستان آمد [٦]۔ در لاهور ماندگار شد و در ۱۱۲٥ھ۔ق در عهد فرخ سیر ملازمتِ عبدالصمد خان والی لاهور اختیار کرد[۷]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۳٤ھ۔ق/۲۔۱۷۲۱م تکمیل یافته، در ۱۱۳۷ھ۔ق/٥۔۱۷۲٤م نظر ثانی شده و در ۱۱۳۸ھ۔ق/۱۷۲٦م بر آن افزوده شده بود [۸]۔ سال تالیف این کتاب از **'خاتمه کلام' ۱۱۳۷ھ۔ق** به دست می آید[۹]۔

'قد فرغ هذه النسخة المبارکه المسمّی تاریخ قپچاق خانی فی یوم الاربعا خامسا من ربیع الاوّل به حسب الارشاد .... قپچاق خان بهادر سلمه الله و ابقاه انه قد تمّ فی التاریخ سنه اربع و ثلثین الف ومائة وحاسب تاریخه من اسم الشریف [؟] مؤلف الکلام قپچاق خان والآن جاء فی نظر الثانی وصار تاریخ 'خاتمه کلام' فی سنه سبع و ثلثین الف[؟]

۱۔ اته، بادلین، ج ۱، ستون ٥۷، ش ۱۱۷
۲۔ استوری، ص ۱۳٦
۳۔ اته، بادلین، ج ۱، ستون ٥۷، ش ۱۱۷
٤۔ نبی هادی، ص ٤۹۲　　٥۔ همان
٦۔ استوری، ص ۱۳٦
۷۔ اته، بادلین، ج ۱، ستون ٥۷، ش ۱۱۷
۸۔ مارشال، ص ۳۹۸/ استوری، ص ۱۳٦
۹۔ اته، بادلین، ج ۱، ستون ٥۸، ش ۱۱۷

من بنای حضرت شیخ الشیوخ اخی فرخ زنجانی......'[۱]

در آخر نسخه خطی کتابخانه بادلین به شماره ۱۸۵، احوال بیست و هفت شوال ۱۱۳۸ه.ق نوشته شده است که ازان معلوم می شود که مؤلف بعد از نوشتنِ این کتاب نظر ثانی کرد ه بود اما درین نسخه خطی هیچ جای نشانِ قلم اندازی یافته نمی شود[۲]۔ شاید این نسخه از دستنویسِ تجدیدِ نظر شده نقل گردیده است۔

'چون اتمام اوراق غره ماه ربیع الاول سنه سبع و ثلثین الف ومائة صورت انجام پذیرفته امروز که بیست و هفتم ماه شوال شد جلوس محمد شاهی مطابق سنه ۱۱۳۸ هجری است از مقابله و نظردید ثانی مجمل فراغی حاصل شد'[۳]

محتویاتِ کتاب:

این کتاب مشتمل بر یك فاتحه، پنج باب و یك خاتمه است۔ اته در فهرستِ کتاب خانه بادلین محتویاتِ کتاب چنین بیان نموده است؛ **فاتحه** مشتمل بر تخلیق کاینات و فهرستِ کتاب است۔ **باب اول** در باره انبیا پیش از نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم است۔ **باب دوم** در چهار 'طبقه' بیان شده است و دارندۀ ذکر شاهان قدیم به ویژه شاهان ایران است۔ **باب سوم** دارنده نُه 'طایفه' است و در بارۀ سلاطین قدیم است که معاصر شاهان ایران بودند۔ **باب چهارم** در ذکر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و دوازده امامینً و خلفای راشدین و خلفای بنی امیه و بنی عباس و چهار امام فقه بیان شده است۔ **باب پنجم** دارنده نُه 'فصل' است۔تفصیلِ این فصل ها چنین است؛ *فصل یکم* در پنج طایفه درباره طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان و غوریان است۔ *فصل دوم* در دو طایفه در مورد آل بویه و سلجوقیان بیان شده است۔ *فصل سوم* هم در دو طایفه یعنی خوارزم

۱۔ اته،بادلین،ج ۱،ستون ۵۸،ش۱۱۷

۲۔ همان

۳۔ همان

شاهیان و اتابکان بیان شده است. *فصل چهارم* در باره اسماعیلیان است. *فصل پنجم* دارنده احوال سلطنت تاتار و مغول است. *فصل ششم* مشتمل بر شش طایفه در شرحِ احوال مظفریان و ایلخانیان و چوپانیان و کرت و شهزادگان ترک در آسیای کوچك وغیره است. *فصل هفتم* در پنج طایفه در موردِ شاهان سند تا زمان اکبرِ اعظم بیان شده است. *فصل هشتم* مشتمل بر شش طایفه است در بیانِ سلاطین مملوك، خلجی ها، تغلق ها، سیدها، لودی ها، و سلاطین دکن است. *فصل نهم* در موردِ تیمور و جانشینانش، قرا قونلو و آق قونلو، صفویان و شیبانیانِ ترکستان تا سید ابوالفضل خان در پنج طایفه بیان شده است. **خاتمه** درباره احوال مؤلف است(۱).

مآخذ ومنابع تاریخ قبچاق خانی:

مؤلف مذکور علاوه بر تاریخ فیروز شاهی از ضیا الدین برنی منابع خود را ذکر نکرده است(۲).

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مؤلف در روزگارِ فرخ سیر به ملازمت عبدالصمدخان ناظمِ لاهور بود و ازان روی خود شاهدِ برخی از رویدادهای آن دوره بود. افزون بران قبچاق خانی تاریخ جهان از آغاز تا زمان مؤلف است. مؤلف چون خود از ترکستان بود، درین کتاب به ویژه تاریخ شاهانِ ترکستان را ذکر نموده است. تاریخ شاهانِ شبه قاره از سلاطین دهلی تا زمان خود به اختصار گراییده است.

آغاز:

ـ کند خردم به جز اثبات تو نیست
اندیشه من به جز مناجات تو نیست

۱ـ اته، بادلین، ج ۱، ستون ۵۷و۵۸، ش ۱۱۷

۲ـ همان، ستون ۵۷

من ذات ترا به واجبی کی دانم
داننده ذات تو، به جز ذات تو نیست‹[۱]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تاریخ قپچاق خانی در کتاب خانه بادلین و کتاب خانه ملی پاریس موجود است[۲]. نسخه بادلین مشتمل بر دو جلد به شماره ۱۸٤ و ۱۸۵ نگهداری می شودو علی الترتیب ۲۹٦ و ۳۰۲ برگ دارد[۳].

۱ـ اته،بادلین،ج ۱،ستون۵۷،ش۱۱۷

۲ـ استوری،ص۱۳٦

۳ـ اته،بادلین،ج ۱،ستون۵۸،ش۱۱۷

تذکره سلاطین چغتا/ تواریخ چغتا[۱] از محمد هادی کامور خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

برای شرح احوال کامور خان مراجع شود به 'هفت گلشن' در همین مقاله ص۶۵ـ

سال تالیف:

این اثر دارندۀ احـوالِ سیاسی تا ششم سال جلوسِ محمد شاه ۱۱۳۶هـ.ق/ ۱۷۲۳م است[۲]ـ محـمـد هـادی کـامـور خـان در ۱۱۳۲هـ.ق 'هـفـت گلشنِ محمد شاهی' در تاریخ سلاطینِ دهلی و سلاطین محلی، تکمیل کرده بود و سپس نوشتنِ این تاریخ را آغاز کرد.

به مطابق نسخۀ خطی 'هفت گلشن' در کتاب خانۀ اندیا آفیس کامور خان گفته است کـه وی نـگارشِ تذکره سلاطین چغتا را در ۱۱۳۵هـ.ق/ ۳-۱۷۲۲م آغاز کرده بود[۳]ـ این اثر در ۱۱۳۷هـ.ق نـوشته شـده بـاشـد چـون نسخـه خطی 'تذکره سلاطین چغتا' در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۲۵۷۸۷ دارندۀ احوال تا ۱۱۳۷هـ.ق است[٤]ـ

سبب تالیف:

در مـوردِ سبـب تـالیف ایـن کتـاب مـؤلف در مـقدمـه می گوید: **'بر دانشوران ذوی الـفطـرت ..... مـخفی و مستور نماند که چون این کمترین مخلوقات محمد هادی الموسوم مـوهـوم بـه کـامـور خـان از تـصنیفِ 'هـفت گلشنِ الٰهی' که نسخه ایست مشتمل بر حکایات سـلاطین دهلی و مالوه و بنگاله و دکن و مولتان و ته و کشمیر وغیره ممالك هندوستان فارغ گشـت، شـروع بـه تسـطیر حـالات میـمـنت آیاتِ دودمـان علیـه اولاد امجاد حضرت تیمور گـورگـان صاحبقران نمود و به پاس ادبِ نمك خوارگی و نعمت رسیدگی کتابی علاحده به**

۱ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص۱۰٤

۲ـ همان، ص۱۰۳

۳ـ اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون ۱٤۷، ش۳۹٤

٤ـ ریو، ج۱، ص۲۷٤

هزاران کد و سعی تصنیف و تالیف نموده مسمی به 'تذکره سلاطین چغتا' ساخت و به جهتِ تخفیفِ ضخامت کتاب این کتاب را به دو جلد مرتب کرد'[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

تذکره سلاطین چغتا تاریخِ خانواده تیموریان به اختصاصِ تیموریان هند است۔ چون بالا ذکر آمده، این کتاب مشتمل بر دو جلد است۔

جلد اول: از یافث پسر نوحٔ آغاز می شود۔ سپس احوال چنگیز خان، تیمور، شاهرخ، الغ بیگ، عبداللطیف و جانشینانش تا مرگِ سلطان حسین، عروج صفویان و بعد ازان ذکرِ بابر، همایون، اکبر و جهانگیر پایان می یابد[۲]۔ **جلد دوم:** از همانجا دنبال می شود و دارنده تاریخ شاه جهان، اورنگزیب و جانشینانش شاه عالم بهادر شاه، جهاندار شاه، فرخ سیر، رفیع الدرجات، رفیع الدوله تا سال ششم تخت نشینی محمد شاه است[۳]۔

سبکِ کتاب:

چون متن کامل کتاب به صورتِ چاپی یا خطی در دسترسِ راقم نیست، قضاوتِ حتمی درباره سبکِ این کتاب ممکن نیست۔ البته سطوری که در فهرستِ کتاب خانه بانکیپور نقل شده است، می توان حدس زد که سبکِ انشای آن متین و استوار و خالی از تکلفِ بی جا است۔ اگرچه نویسنده گاهی کلمات متوازن و مسجع نیز به کار برده اما از حد اعتدال خارج نشده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تذکره سلاطین چغتا از نظرِ ادبی و تاریخی بسیار ارزش مند است۔ مؤلف این کتاب، محمد هادی کامور خان، خود به دربار وابسته بود و با اغلب مردم سیاسی نسبت داشت و

۱۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص۱۰٤

۲۔ رضوی، قاسم حصیروعبدالمقتدر، مولوی، بوهار، ج۱، ص۵۵

۳۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص۱۰۵

از اخبار آنزمان خوب آگاه بود۔علاوه بر این کتابِ مذکور در بیانِ تاریخِ تیموریان به ویژه تیموریان هند است و مؤلف این تاریخ را آنزمان نگاشته بود که بعد از تیموریان بزرگ زوالِ تیموریانِ هند آغاز شده بود۔ چون هادی کامور خان 'هفت گلشن' را در بیان شاهانِ محلی هند پرداخته بودو عهد کرده که کتابی در موردِ تیموریان هند هم خواهد نوشت، این کتاب را از بابر تا سالِ ششمِ جلوس محمد شاه پرداخته بود۔

آغاز:

آغاز جلداول:**'چون صفحه کاغذیاراستم و خامه دوزبان برداشتم و خواستم که فقرهٔ چند در حمد و سپاس حضرت آفریدگار مقدس و منزه تعالیٰ شانه به معرضِ بیان در آوردم.....'**[1]

آغاز جلددوم: **'بر ارباب خیرت مخفی ومحتجب نماند که چون خداوند ازل و ابد و بادشاه لا یزال ولم یزال خواست....'**[2]

منابع تذکره سلاطین چغتا:

در موردِ منابع این کتاب ریومی گوید که بخشی این کتاب در باره تیموریان ایران از 'روضة‌الصفا' و 'حبیب السیر' برده شده است[3]۔

نسخه های خطی:

در کتاب خانه های جهان فراوان است که مهم ازان نسخه کتاب خانه بوهار و بانکیپور است که این دو نسخه دو جلدِ کامل این کتاب دارد۔ برای تفصیل دیگر نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۵۱۸ و مارشال،ص۲٤۲۔

تراجم و چاپ:

بخشی ازین کتاب در ذکرِ وفاتِ بهادر شاه، به توسطِ الیوت ترجمه شده است[4]۔

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۰۳

۲۔ همان،ص۱۰٤

۳۔ ریو،ج۱،ص۲۷۵

٤۔ الیوت،ج۸،صص۱۷ تا ۲۰

اسرار صمدی از عاصی کلانوری

شرحِ احوالِ مؤلف:

از شرحِ احوال رام سهای منشی نویسندۀ تاریخ اسرار صمدی اطلاع کافی در دست نیست البته این قدر معلوم شده است که اسم کامل وی رام سهای منشی زرگربچه بود و وی از 'کلانور' علاقه داشت[1]۔ شاعر هم بود و عاصیّ تخلص می کرد۔ از منشیانِ دربارِ نواب عبدالصمد خان دلیر جنگ ناظمِ لاهور بود[۲]۔ به نام همان عبدالصمد خان دلیر جنگ این اثر را تالیف کرد۔

سال تالیف:

عاصی کلانوری اسرار صمدی را در ۱۱٤۱ھ۔ق نگاشته بود۔ سال تالیف ازین شعر نیز به دست می آید:

۔ چنین گفت از سال تاریخ هاتف
"**بگو نام احرار و اسرار صمدی**"[۳]
۱۱٤۱ھ۔ق

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در بیان جنگ ها و شورش ها که عبد الصمد خان فرو نشاند، نوشته شده است۔ عاصی کلانوری این کتاب را در هفت فصل نگاشته است ۔**فصل یکم** در موردِ سرکوبی بنده بیراگی است؛ **فصل دوم** دارندۀ احوال عیسیٰ خان معین زمیندار تهاره(شهرستان سرهند) و کشته شدن پدر و پسر؛ **فصل سوم** در بیان سرکوبی حسین خان

۱۔ منزوی،احمد،فهرستِ مشترک،ج۱۰،ص٤۸۹

۲۔ فتح نیا طبری،مژگان،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش یکم،ص۱۹٤

۳۔ نوشاهی،خضرعباس، گنجینه آذر ،ص۳۸۷

افغان قصور؛ **فصل چهارم** فرو نشاندن شورش شرف الدین کشمیری و احوال کشمیر است؛ **فصل پنجم** در بیان تشریف آوردن نواب دلیر جنگ به صوبه داری مولتان و فرو نشاندن شورش دهرپ دیو زمیندار جمون؛ **فصل ششم** در مورد بغی ورزیدن کوهیان جمون و جنگ کردن دلیر جنگ و زکریا خان با ایشان؛ **فصل هفتم** در باره محاسن منعمی و قبایح درویشی۔ در آخر این اثر **تتمه کتاب** هم دارد[۱]۔ درین کتاب مؤلف شعر های مدحیه و وصفیه مثنوی بسیار به کار برده است[۲]۔

سبكِ كتاب:

سبك این کتاب منشیانه و ادیبانه است و جمله از بیان و بدیع آراسته است۔ اگرچه عبارت این کتاب یك کمی پرتکلف و تصنع است اما در جمله های کتاب روانی دیده می شود[۳]۔ چون مؤلف شاعر هم بوده، درین کتاب بسیاری شعر های برابر نثر هم نوشته است۔ تقریباً نصف این کتاب مشتمل بر اشعار است[٤]۔ برای نمونه سبك این کتاب یکی اقتباس اینجا نقل می شود که دران مؤلف اصطلاحات شطرنج را به کار برده است:

'افغان قصوریه که شطرنج باز عرصهٔ نبرد بود، چون بازی خود را مات دید، اسپ اندیشه را در خاطر دوانید و منصوبه برد که اگر چون فرزین رو در عقب می کنم، آب رخ نمی ماند وجای که پادشاهی کرده ام به پیادگی نمی گذراند۔ شایستهٔ همت و خلاصه شجاعت همان است که تخم جان را در خاك میدان باید کشت'[٥]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

عبدالصمد خان یکی از استاندارهای برجستهٔ تیموریان متاخر بود۔ مولف رام سهای عاصی کلانوری خود منشی و معاصر نواب عبدالصمد خان بود و بیشتر وقایع که درین کتاب

۱۔ منزوی، احمد، فهرستِ مشترك، ج ۱۰، ص۴۸۹

۲۔ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج ۳، صص۴۱۸۔۴۱۹

۳۔ همان، ص۴۱۸

٤۔ همان، ص۴۱۹

٥۔ اسرار صمدی چاپی، با تصحیح پرفسور محمد شجاع الدین، ص۲۸

ذکر شده است، وی با چشم خود ملاحظه کرده باشد، به این علت بیانِ او، مستند و قابل اعتماد است[۱]۔

آغاز:

'آغاز گفتار به نام صمدی که آبداری ابر گوهر بار به مشت قبضه سیف جوهر دار بهادران دلیر جنگ عطا فرموده از آبیاری عدالتش چار چمن چار دانگ عالم را......'[۲]

نسخه های خطی:

سه نسخه خطی اسرار صمدی در کتاب خانه دانشگاه پنجاب موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به فهرستِ مشترك منزوی، ج۱۰، ص۴۸۹۔

تراجم و چاپ:

این اثر با تصحیح و پیشگفتار پرفسور محمد شجاع الدین و نظر دوم دکتر محمد بشیر حسین از سوی اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب لاهور،۱۹٦۵م به چاپ رسیده است[۳]۔

اثر دیگر مؤلف:

علاوه بر اسرار صمدی رام سهای کتابی به نام **'قانوس خیال'** هم نوشته است ۔ روزی مؤلف همراه دوستانش به جای دلفریب رفت و این کتاب را در وصفِ همان جای نگاشته است[٤]۔ شاید فانوس خیال یکی مثنوی است چون آغازِ این کتاب از اشعار مثنوی است که دکتر ظهور رقم کرده است ۔ اما دکتر ظهور ذکر نکرده است که این رساله مثنوی است یا در نثر نوشته شده است۔

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج۳،ص٤۱۷

۲۔ اسرار صمدی چاپی،با تصحیح پرفسور محمد شجاع الدین،ص یکم

۳۔ منزوی،احمد،فهرستِ مشترك،ج۱۰،ص۴۸۹

٤۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج۳،ص٤۲۰

مجموعه میرزا مهدی خانی از مرزا مهدی خان صفوی

شرحِ احوالِ مؤلف:

برای شرح احوال میرزا مهدی خان صفوی در همین مقاله به صفحه ۱۲٦ 'قضایای سلاطین دکن' مراجع شود۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱٤۲ھ۔ق/۳۰-۱۷۲۹م نوشته شده بود[۱]۔ سال تالیف این کتاب از '**مجموعه میرزا مهدی خانی**'**۱۱٤۲ھ۔ق** به دست می آید[۲]۔ در متن کتاب هم این تاریخ تالیف آمده است؛ '... **مجموعه مرزا مهدی خان مطابق ۱۱٤۲ھ۔ق یك هزار و یکصد و چهل و دو هجریه مقدسه مرقوم گردید**'[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

'مجموعه میرزا مهدی خانی' کتابی کوتاه در موردِ تیموریان هند است۔این کتاب، از ذکر تیمور گورگانی آغاز شده است و دارندهٔ ذکر دوازده پادشاهان تیموریان است و بر ذکر محمد معظم بهادر شاه اختتام می پذیرد۔ ترتیب عنوان های کتاب از دستنویسِ خیرپور چنین است: دیباچه مختصر که دران کتاب را به نظام الملك آصف جاه معنون کرده است و سال تالیف این کتاب بیان نموده است۔

۱. فصل در بیان کنیت و نام نامی و اسم گرامی ابوالمنصور امیر تیمور صاحبقران
۲. فصل در بیان کیفیت و نام جلال الدین میران شاه بن امیر تیمور
۳. فصل در بیان کیفیت سلطان محمد مرزا بن میران شاه بر سریر جهانبانی

۱۔ استوری،ص۵۱۹

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۱۵٦،ش٤١٤

۳۔ مهدی خان صفوی،نسخه خطی مجموعه میرزا مهدی خانی، کتاب خانه سچل سرمست خیرپور،نوشتهٔ غلام امام حسن رضوی،برگ یکم(ب)

٤. فصل در بیان احوال سلطان ابو سعید مرزا بن سلطان محمد مرزا
٥. فصل در بیان کیفیت سلطان عمر شیخ مرزا بن سلطان ابوسعیدمرزا
٦. فصل در بیان دولت اشتمال ظهیرالدین محمد بابر
٧. فصل در احوال دولت اشتمال نصیرالدین محمد همایون بادشاه
٨. فصل در بیان احوال ابوالفتح جلال الدین محمد اکبر بادشاه
٩. کیفیت سلطنت ابوالمظفر نورالدین محمد سلیم جهانگیر بادشاه
١٠. کیفیت شهاب الدین محمد خورم شاه جهان بادشاه
١١. کیفیت ابوالمظفر محمد اورنگزیب عالمگیر بادشاه
١٢. کیفیت خلافت ابوالنصر سید قطب الدین محمد معظم شاه عالم بهادر بادشاه۔

در مورد وفات شاه عالم بهادر شاه یکم، درین کتاب چنین ذکر می کند؛

'بیستم محرم ١١٢٤ه‍.ق یك هزار و یکصد و بیست و چهار هجریه در بلده لاهور انتقال شد۔ در شاه جهان آباد در جوار مرقد فایض الانوار قطب العارفین حضرت قطب الدین بختیار اوشی کاکی قدس سره مدفون گردید'[(١)]۔

مؤلف درین کتاب ذکر مختصر سلاطین به ترتیبِ زیر پرداخته است؛نام پدر و مادر، تاریخ و جای ولادت،تاریخ و جای به پادشاهی رسیدن، مدت زندگانی و مدت پادشاهی، کشور های مفتوحه، وکیلان نامدار، نام های اولاد، سبب مرگ، تاریخ مرگ، جای مرگ وخاك جای وغیره۔

منابع و مآخذ مجموعه مرزا مهدی خان:

منزوی در فهرست مشترك می گوید که بیشتر درین کتاب از تاریخ فرشته بیرون کشیده است[(٢)]۔ در مورد منابع این کتاب مرزا مهدی خان می گوید که او این کتاب را از

١۔ مهدی خان صفوی،نسخه خطی مجموعه میرزا مهدی خانی، کتاب خانه سچل سرمست خیرپور،نوشتۀ غلام امام حسن رضوی،برگ٩ (الف)

٢۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٤٩٠

کتاب های سیرت و تاریخ جمع کرده است۔

'... میرزا مهدی خان صفوی از کتب سیر و تواریخی که به نظر رسیده بود استنباط و استخراج نموده بر نهج مسطور ذیل ترسم و ترقم آن پرداخت و تحفه مجلس بهشت آمین و هدیه محفل خلد تزیین نواب والا جناب .... آصفجاه نظام الملك .....ساخت'[۲]۔

سبكِ کتاب:

علاوه بر دیباچه، این کتاب در سبك ساده و روان نوشته شده است۔ البته گاهی، چون ذکر بادشاه آغاز شده ،مؤلف واژه های متکلف به کار برده است۔

'..... از بطن فیض موطن ماهم بیگم از اولاد و اعیان خراسان شب سه شنبه چهارم ذی قعده۹۱۳ .... و بر مسند ریاست و ارشاد اجلاس فرموده'[۳]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

از لحاظِ تاریخی این کتاب بسیار ارزشمند است۔مؤلف درین کتاب نه تنها شاهان تیموری را ذکر نموده بلکه اولاد و وکیلان شان را هم ذکر کرده است۔در ذکر وکیلان نخست نام امیرالامرا و بعد ازان دیگر کارگردان سرکرده را بیان می نمود۔ درین کتاب مختصری مؤلف در باره شاهان تیموریان از تیمور گورگانی تا شاه عالم بهادر شاه از زندگانی ایشان بیان نموده است۔ 'جام جم' از سر سید احمد خان هم این طوری اثری است۔

آغاز:

'سپاس بی قیاس سزاوار مالك الملکی است که انتظام جهان به وجود فایض الجود پادشاهان منتظم ساخته و درود نا معدود شایسته جناب نبوت مآب است که ....'[۳]

۱۔ مهدی خان صفوی،نسخه خطی مجموعه میرزا مهدی خانی، کتاب خانه سچل سرمست خیرپور،نوشتۂ غلام امام حسن رضوی،برگ یکم (الف و ب)

۲۔ همان، برگ ٥(الف)

۳۔ همان،برگ یکم(الف)

نسخه های خطی:

نسخه های خطی مجموعه میرزا مهدی خان در کتابخانه اندیا آفیس(چهارنسخه)، کتابخانه آصفیه، دانشگاه بمبئی و انجمن آسیای بنگال موجود است برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۵۱۹ ومارشال،ص۲۷۷۔ در پاکستان نسخه های این کتاب در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، موزه ملی کراچی و دو نسخه در کتابخانه عمومی خیرپور موجود است۔

نسخۀ خیرپور که عکس آن زیر مطالعه نگارندۀ این مقاله است باب ندارد (چون منزوی هفت باب را ذکر نموده است) بلکه ذکر شاهان به ترتیبِ زمانی بیان شده است۔ در کتابی که هجده صفحه دارد چطور هفت باب ممکن است؟ دراصل 'قضایای سلاطین دکن' از همین مؤلف هفت باب دارد۔

نسخه دستنویس در فهرست اندیا آفیس به شماره۴۷۰ مشتمل بر دو کتاب است یکی 'احوال صوبه جات دکن به قید جمع بندی' و دیگری 'مجموعه مرزا مهدی خان' ۔ درین کتاب احوال پادشاهان تا ۱۱۷۳ ه.ق مندرج است:

"On ff. 177b-189b follow the same chronological tables of the Moghul emperors from Timur to the accession of Shah 'Alam, A.H. 1173 (A.D.1759), entitled **مجموعه مرزا مهدیخان**"[1]۔

۱۔ اته،اندیاآفیس،ستون ۱۸٤،ش۴۷۰

منتخب اللباب از محمد هاشم خوافی خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد هاشم خوافی ملقب به هاشم علی خان و خوافی خان نظام الملکی پسر خواجه میر خوافی [۱] شاهدِ روزگارِ چهار پادشاهان تیموری یعنی اورنگزیب، شاه عالم، فرخ سیر و محمد شاه روشن اختر را ملاحظه کرد۔ پدرش خواجه میر خوافی از ملازمانِ عالی شاهزاده مراد بخش بود و پس از اسارت و قتلِ وی به دستِ اورنگزیب، به خدمت او پیوست[۲]۔ بیورج (H.Beveridge) در موردِسال تولد او ۱۰۷٤ھ.ق گمان برده است[۳]۔

اطلاع حتمی پیرامونِ جای ولادت او نیز در دست نیست اما معلوم می شود که در آغازِ زندگانی در دکن بود و در سال بیست و دوم جلوس اورنگزیب، در تدفین شیخ برهان برهانپوری شرکت کرد و همانجا با میر ناصر الدین هروی دستِ ارادت داشت [٤]۔استادِ وی میر سید محمد که ویرا عالم معروف و ریاضی دانِ بی بدل می گوید،معاصرِ جهانگیر بود[٥]۔

تا ۱۰۹۳ھ.ق خوافی خان به ملازمت اورنگزیب شامل گردیده بود چون در همین سال او تحت شهاب الدین خان در لشکر کشی قلعه رام سیج شرکت کرد[٦]۔ در ۱۱۰۵ھ.ق/ ٤-۱٦۹۳ م وما بعد چند بار به سورت رفت[۷]۔ بعد از وفات اورنگزیب خوافی خان در مصاحبت مراد خان آمد که وقایع نگار و سوانح نگار استان احمد آباد و فوجدارِسرکار تاسره(Thasrah) و گودره بود[۸]۔ در ۱۱۲۰ھ.ق/ ۱۷۰۹ م در جنگ بهادر

۱۔ استوری،صص ٤٦۰-٤٦۱

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۰٦/ الیوت،ج۷،ص۲۰۷

۳۔ استوری،ص٤٦۱

٤۔ همان،صص ٤٦۱-٤٦۲

٥۔ همان،ص٤٦۲

٦۔ همان

۷۔ همان

۸۔ همان،صص٤٦۳-٤٦٤

شاه با کام بخش نزدِ حیدرآباد شامل بود و در اوایل روزگارِ بهادر شاه قلعه دارِ چنپانیر در گجرات بود[۱]۔ در ۱۱۲۱ه.ق/۱۰-۱۷۰۹ م در استانِ احمد آباد دیوان و مهماندار بود[۲]۔ از بهادر شاه خطاب خوافی خان یافت[۳]۔

مورلے، الفنستون و چند دیگر مورخین غرب اشتباه کردند که این واژه 'خافی' از خفا به معنی 'پنهان' است[٤] و چون اورنگزیب در زمانِ پادشاهی خود تاریخ نویسی را ممنوع کرده، خوافی خان تاریخِ خود را مخفی نوشته بود۔ اما در اصل نسبتِ این از 'خواف' است که قصبه ای در خراسان بود[٥]۔ خود خوافی خان می گوید که او این وقایع را در قفل داشته بود اما این قفلِ یادداشتِ وی بود[٦]۔ در مورد خافی الاصل شدنِ خود، وی می گوید:

'صورت عبارت محمد هاشم بن خواجه میر محرر تاریخ که خوافی الاصل از زمره نمك پروران صاحب قران ثانی شاه جهان بادشاه و او و پدرش رفیق سلطان مراد بخش بودند و تاریخی که متضمن احوال اکثر سلاطین هند عموماً و خصوصاً بادشاهان تیموریه نگاشته تا ابتدای عهد محمد شاه بن بهادر شاه به حیطه تحریر در آورده'[۷]

ازین عبارت این چیز هم روشن می شود که او خوافی الاصل بود یعنی از خواف خراسان علاقه داشت۔ در آغاز دوره فرخ سیر(٥-١١٢٤ه.ق) در استان داری نظام الملك، خوافی خان دیوانِ وی بود[۸]۔ در ۱۱۳۱ه.ق/ ۱۹-۱۷۱۸م او را امین و فوجدار محلات شاهی در مصطفی آبادِ خاندیش مقرر کردند[۹]۔ اما زود حسین علی خان او را همراهِ خود در ۱۱۳۱ه.ق/ ۱۹-۱۷۱۸م به دهلی برد[۱۰]۔ وی با شاهنواز خان هاشمی روابط دوستی

۱۔ استوری،ص٤٦٤ ۲۔ همان،ص٤٦٥

۳۔ ریو،ج۱،ص۲۳۲

٤۔ همان/الیوت،ج۷،ص۲۰۸/عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۰٦

٥۔ الیوت،ج۷،ص۲۰۸/عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۰٦

٦۔ الیوت،ج۷، ص۲۰۹

۷۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۰۲

۸۔ ریو،ج۱،ص۲۳۲ ۹۔ استوری،ص٤٦٥

۱۰۔ همان،صص٤٦٥-٤٦٦

داشت[۱]۔ خوافی خان شانزه هفده سال در نوشتنِ این تاریخ به ویژه تاریخ آخرین چهل سالهٔ اورنگزیب عالمگیر صرف نمود[۲]۔ شاید در سال ۱۱۴۴ ه.ق مؤلف وفات یافته[۳]۔

سال تالیف:

منتخب اللباب در ۴_۱۱۴۳ ه.ق نوشته شده بود[۴]۔ آخرین باب این کتاب احوال مفصلِ از سال هشتم تا سیزدهم سال تخت نشینی محمد شاه دارد و درین باب مرگ اشرف و باز به تخت آمدنِ شاه طهماسپ در اصفهان در ۱۱۴۲ه.ق به اختصاص بیان شده است[۵]۔ به همین علت گمان می شود که این اثر در ۴_۱۱۴۳ ه.ق تالیف شده بود۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در سه جلد نگاشته شده بود که جلد یکم آن از کشودن سند به دست عرب تا ابراهیم لودی است۔ جلد دوم در باره تیموریان هند از بابر تا محمد شاه است و جلد سوم این کتاب دارنده تاریخ دیگر پادشاهان محلی به ویژه دکن است۔

جلدِ اولِ این کتاب شاید تکمیل نشده بود چون مولف در نسخه خطی جلد دوم این کتاب که در موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷٦ موجود است، گفته است که جلد اول این کتاب دارنده تاریخِ شاهان قدیم از ورودِ مسلمانان تا لودیان، هنوز در حالت خام تکمیل شده و وی فرصت نیافته که او را پاك نوشته باشد[٦]۔ **جلد دوم** این کتاب که مهم ترین بخشِ این کتاب است دارنده تاریخ تیموریان هند از بابر تا محمد شاه است۔ در مقدمه این جلد مؤلف درباره تاریخ تیموریان از ترك بن یافث آغاز می کند و معرفی اجداد و اولاد تیمور تا محمد شاه پرداخته است[۷]۔ **جلد سوم** منتخب اللباب در ذکرِ شاهان محلی استان های هند به ویژه دکن است۔ دراین جلد تاریخِ شاهان بهمنی، نظام شاهیان، عادلشاهیان،

۱۔ استوری، ص٤٦٧
۲۔ ریو، ج۱، ص۲۳٤
۳۔ اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۱٤۹، ش۳۹٦
٤۔ ایوانوف، ولدمیر، انجمن آسیای بنگال، ص۵۲
۵۔ ریو، ج۱، ص۲۳۳
٦۔ همان
۷۔ همان

فاروقیان خاندیس، قطبشاهیان، عمادشاهیان و بریدیان بیان شده است[۱]۔

منابع منتخب اللباب:

دربیانِ منابع این کتاب مؤلف می نویسد که او علاوه بر کارِ مستعد خان که مشتمل بر معرکه های دکن اورنگزیب است هیچ نوشته در تاریخ دوره اورنگزیب نیافت۔سپس او بر 'دفتر وقایع کل حضور' که نوشته مردم های معتبر بودند و یادداشت های خودش اکتفا نمود[۲]۔

سبکِ کتاب:

نثر کتاب روان و دلنشین است و مانند بسیاری از تاریخ های رسمی مانع از درکِ مطالبِ تاریخی نیست، هرچند به شیوه تاریخ نگارانِ آن زمان در انشای مقدمات فصول و ابواب از صنایع لفظی بسیار استفاده شده است [۳]۔ برای نمونۂ سبك یکی اقتباس اینجا نقل می شود: **'دریں آوان خبر آمدن همایون پادشاه از طرف ایران و محاصرۂ کابل و تنبیه برادران که به مددِ خامۂ تیز رفتار به تسطیرِ آن خواهد پرداخت زبان زدِ خواص و عام گردید و هر طرف فتنۂ تازه برپا گردید'**[٤]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

منتخب اللباب از ارزش مند ترین منابع تاریخ هند، به ویژه دورۂ اورنگزیب و جانشینان وی به شمار می آید که مؤلف خود شاهد بسیاری از رویدادهای این دوره بود و تنها تاریخِ کامل و پیوستۂ دورۂ اورنگزیب است [۵]۔ اگرچه مآثر عالمگیری از مستعد خان هم تاریخ کامل روزگارِ اورنگزیب است اما آن کتاب وقایع دکن را بیشتر دربردارد۔ خوافی خان نه تنها وقایع زمانِ اورنگزیب را ملاحظه کرده بود بلکه بر وقایع آن زمان آگهی های

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۳۵

۲۔ همان،ص۲۳٤

۳۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱۰۸۷

٤۔ خوافی خان،منتخب اللباب،ج۱،باتصحیح مولوی کبیر الدین احمد،ص۱۱۲

۵۔ همان

بیشتری هم داشت۔ افزون بران تراجم و چاپ های این اثر خود شاهد ارزشِ این کتاب است۔

آغاز:

جلد یکم: **'ذکر سلطنت پادشاه حق شناس عدالت اساس سلطان بهلول لودی که اول سلاطین طبقه افغانان در دهلی فرمان فرما گردید'**[۱]۔

جلد دوم: **'جهان جهان شکر و سپاس افزون از قیاس ......'**[۲]

جلد سوم: **'حمد بی حد و ثنای لا تعد پادشاهی را سزاوار است که فرمان فرمایان هفت اقلیم........'**[۳]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی منتخب اللباب در کتاب خانه های جهان فراوان است اما این همه دستنویسِ جلد دوم و بعضی از جلد سومِ این کتاب است۔ البته بخشی از انجامِ جلد اولِ در دستنویسِ موزه بریتانیا به شماره Add. ٢٦٢٢٧ با جلدِ دوم یافته می شود۔ این دستنویس، مشتمل بر ٣٧٤ برگ، از آغاز افتاده است ۔ جالب است که جلدِ اولِ منتخب اللباب درین دستنویس از برگِ ٣٦٤ آغاز شده است[٤]۔ ازین بر می آید که جلدِ اول این کتاب نیز ضخیم بود۔

برای نسخه های خطی این اثر در کتابخانه جهان مراجع شود به استوری،ص٤٦٨ تا ٤٧٠ و مارشال،ص٢٥٢۔ و برای نسخه های خطی موجود در پاکستان رجوع کنید به فهرست مشترك منزوی،جلددهم،ص٤٩٢۔

تراجم و چاپ:

۱۔ ریو، ج۱،ص٢٣٥

٢۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون١٤٩،ش٣٩٦

٣۔ همان،ستون١٥٣،ش٤٠٧

٤۔ ریو،ج۱،صص٢٣٤۔٢٣٥

بخشِ دومِ منتخب اللباب با تصحیح مولوی کبیر الدین احمد و غلام قادر[1] در کلکته در ببلیو تیکا اندیکا در ۷۴_۱۸٦۸م به چاپ رسیده است[2] [3]ـ اگرچه مولوی کبیر الدین این کتاب را به نام بخشِ اول و دوم ترجمه کرده است اما این تنها بخشِ دوم است و این را در دو باب تقسیم کرده حاوی بر بخشِ یکم و دوم گمان کرده است[4]ـ

جلدِ سوم این کتاب که در باره حکومت های محلی است ، قسمتی ازان که در باره شاهان دکن است با تصحیح سر وولزلی هیگ در کلکته ۲۵_۱۹۰۹ م در ببلیوتیکا اندیکا به چاپ رسیده است[5]ـ قسمتی از جلد دوم منتخب اللباب که از تاجگزاری شاه جهان تا ۱۰٦۷ ه.ق/۷_۱٦۵٦م است، به قلم ویلیام ارسکاین به زبان انگلیسی ترجمه شده است_ دستنوشتۀ این ترجمه که دارندۀ تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۸۱۱ م به مقام بایکوله است، در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره ۱٤_Add. ۲٦٦۱۳ نگهداری می شود[6]ـ یکی دیگر ترجمه که دارنده همین و ترجمه دیگر که از ۱۰۷۰ه.ق تا ۱۱۳۰ه.ق ادامه دارد،است به شماره ۱٦_Add. ۲٦٦۱۵ در موزه بریتانیا نگهداری می شود[7]ـ

قسمتی از آغازِ جلد دوم تا اسارت جهانگیر به دستِ مهابت خان به توسط کاپتان گوردون(Capt.Gordon) ترجمه شده است_ نسخه های خطی این ترجمه که دارنده تاریخ ۱۸۲۱ م به مقام ناگپور است، درکتابخانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۲٦٦۱۷ و۱۹_Add. ۲٦٦۱۸ نگهداری می شود[8]ـ قسمتی از منتخب التواریخ که کما بیش همه متعلقه به دوره اورنگزیب است به توسطِ داووسن در تاریخِ الیوت درجلد هفتم از ص۲۱۱ تا ۵۳۳ به زبان انگلیسی ترجمه شده است_این کتاب به کوشش محمود احمد فاروقی در سه جلد به زبان اردو ترجمه شده در کراچی چاپ گردیده است[9]ـ

۱_ استوری،ص۴۷۰

۲_ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱٤۹،ش۳۹٦/ریو،ج۱،ص۲۳۳

۳_ در باتکیپور،ج۷،ص۱۰۷، نام مصحح تنهامولوی کبیر الدین نوشته است_ استوری،ص۴۷۰، سالِ تالیف این چاپ ۷۴_۱۸٦۰م نوشته است_

٤_ استوری،ص۴۷۰

۵_ همان

٦_ ریو،ج۱،ص۲۳۳

۷_ استوری،ص۴۷۰

۸_ ریو،ج۱،ص۲۳۳

۹_ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٤۹۱

مرآت واردات از محمد شفیع واردؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد شفیع پسر سید محمد شریف متخلص به واردؔ[1] از آن خانوادۀ سادات تعلق داشت که در مشهدِ تهران حاکم بودند[2]۔ چون اورنگزیب عالمگیر ملا سلیم تهرانی را به هندوستان برخواند، پدرِ مؤلف محمد شریف با ملا سلیم تهرانی عازمِ هندوستان گردید اما در راه ازو جدا شده به سورت آمد و از آنجا به حیدر آباد رفته و همانجا اقامت اختیار کرد[3]۔ زود در خدمتِ عبدالله قطب شاه ملازمت گرفت و چندی بعد با شهزاده بهادر شاه، شاه عالم پیوست[4]۔ محمد شریف پدرِ مولف به نظامتِ نگینه رسید که روستایی در مضافاتِ سنبل(Sanbhal) و مراد آباد است و همانجا محمد شفیع در ۱۰۸۷ھ.ق چشم به جهان کشود[5]۔تا وفاتِ پدرش در ۱۱۱۷ھ.ق به آرام به سر برد اما چندی بعد ازان به شاهزاده محمد عظیم ملازم شد[6] ولی زود تحتِ سرپرستی مرزا باقر خان معروف به بیرم خان به تصنیف و تالیف مشغول شد[7]۔

محمد شفیع در کتابِ تاریخ چغتایی می گوید که تا چهل و یك سالگی برای ابدیت دادنِ نام خود هیچ کاری نکرد، درین فکر به دوست عزیز مرزا عنایت الله عاطفت خان رفت و عاطفت خان او را برای نوشتن کتابی آماده کرد[8]۔ شاید درین وقت به عمر چهل و یك سال، مؤلف به نوشتاری مایل گشت و به تصنیف و تالیف پرداخت۔به واژه خود وی که الیوت در مورد تاریخ چغتایی نقل کرده است؛ **'تا سال ۱۱۰۰ھ.ق بسیاری که من خود**

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۷۵

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ همان

۵۔ همان

٦۔ همان،صص۲۷۵۔۲۷٦

۷۔ همان،ص۲۷٦

۸۔ الیوت، ج۸،ص۲۱

دیدم نوشتم یا که از اصحاب معتبر شنیدم بعد از رنج بردنِ بسیار تحقیق که اگر در چیزی کمترین اشتباه داشتم، رد کردم اما بعد از جنگ سلطان محمد اعظم تا حال یعنی بیست و دو سال من هر واقعه را با چشمِ خود ملاحظه کردم'[۱]

محمد شفیع شاعر هم بود و وارِد تخلص می کرد۔ از نُه سالگی سرودن شعر را آغاز کرد[۲] و علاوه بر دیوان چهار مثنوی به نام گلستان نیرنگ، مرآة‌فرخی، چمن دیدار و یکی ساقی نامه ازو یادگار است[۳]۔

سال تالیف:

نسخه خطی موزه بریتانیا که ظاهراً طبقه اول این کتاب است در ۱۱۴۲ ھ۔ق تکمیل یافته بود اما این نسخه از ۱۱۴۱ ھ۔ق تا ۱۱۴٦ ھ۔ق افزوده شده است[٤]۔ نسخه بادلین که به ظاهر طبقه چهارم این کتاب است در ۲۷ شعبان۱۱۴۲ ھ۔ق/۱٦مارس ۱۷۳۰م نگاشته شده بود[۵]۔ این طور می توان گفت که این کتاب بعد از ۱۱۴٦ ھ۔ق نوشته شده بود۔

محتویاتِ کتاب:

مؤلف می خواست که این اثر را در چهار طبقه به نام پادشاهان، امیران، فقرا و علما و شعرا می نوشت [٦]۔ اما هیچ نسخه خطی این کتاب در کتابخانه های جهان کامل نیست۔

در نسخه موزه بریتانیا بعد **مقدمه** احوال بیرم خان و خانوادهٔ او ست، **طبقه اول** در باره تیمور و جانشینانش، بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاه جهان، عالمگیر، شاه عالم بهادر شاه، جهاندار شاه، فرخ سیر، روشن اختر محمد شاه۔ نخست مؤلف تاریخِ دورهٔ روشن اختر محمد شاه تا شعبان ۱۱۴۰ ھ۔ق بیان نموده بود ولی پس ازان تا شوال ۱۱۴٦ ھ۔ق ادامه داده است[۷]۔ در آخر کتاب جنگ میان مبارز الملك سربلند خان با راجه ابی(Abhay)

۱۔ الیوت،ج۸،ص ۲۱ به حواله تاریخ چغتایی

۲۔ ریو،ج۱،ص۲۷٦

۳۔ مارشال،ص٤۸٦/استوری ٦۱۱

٤۔ ر۔ك ریو،ج۱،ص۲۷٦

۵۔ اته،بادلین،ج۱،ستون٤۱٦،ش٤۲٤

٦۔ ریو،ج۱،ص۲۷۵

۷۔ همان،ص۲۷٦

سینگ فرزند اجیت سینگ در احمدآباد گجرات در ۱۱٤۱هـ.ق بیان شده است[1]۔ مؤلف در آخر کتاب گوید که این جلد اول در چهاردهم ذی القعده ۱۱٤٦هـ.ق تکمیل یافت [2]۔ نسخه کتاب خانه بادلین مشتمل بر احوال جغرافیای و تاریخ کوتاه و زندگینامه شاعران و نویسندگان است[3]۔

سبکِ کتاب:

ریو در فهرست موزه بریتانیا در مورد سبك این کتاب نوشته است که این تاریخ در سبك مصنوع نگاشته شده است[4]۔(برای بررسی سبك کتاب، نسخه خطی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مرآت واردات ازین رو بسیار ارزش مند است که علاوه بر تاریخ دارنده احوال امرا، فقرا و شاعران است۔ افزون بران مؤلف بسیاری از جزیره های هندوستان را معرفی نیز نموده است که در هیچ تاریخِ دیگرِ آن دوره یافته نمی شود۔

آغاز:

۔ 'ای حمد تو در بیان نگنجد
توصیف تو در دهان نگنجد'[5]

'جهان جهان ستایش و آفرین پادشاهی را سزاست ....'[6]

'الحمد لله رب العالمین و العاقبت للمتقین والصلوة والسلام علی رسوله....بر دشخوار پسندان و برف نگاهان پوشیده نماند که بعد....'[7]

نسخه های خطی:

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۷٦
۲۔ همان
۳۔ اته بادلین،ج۱،ستون٤۱٦،ش٤۲٤
٤۔ ریو،ج۱،ص۲۷۵
۵۔ همان
٦۔ شوکت علی،راجستان تونك،ج۱،ص۱٦۸[اما این آغاز تاریخ چغتایی است]
۷۔ اته،بادلین،ج۱،ستون٤۱٦،ش٤۲٤

دستنویسِ مرآت واردات در موزه بریتانیا، بادلین و کتابخانۀ راجستان تونک موجود است۔ به مطابق شوکت علی نسخه راجستان تونک بر سه طبقات مشتمل است که طبقه اول در موردِ جغرافیا و تاریخ چند ممالك است، طبقه دوم در مورد زندگینامه های مردم سیاسی هندوستان است و طبقه سوم یادداشت های شاعران و نویسندگان هندوستان دارد و در ۱۱٤٦ هـ.ق تکمیل یافته بود[1]۔

---

۱ ۔ شوکت علی،راجستان تونك، ج ۱،ص۱٦۸

برهان الفتوح از محمد علی الحسینی نیشاپوری

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد علی فرزند محمد صادق الحسینی النیشاپوری النجفی[۱] تاریخ نگار فارسی نویس شبه قاره هند بود۔ از شرحِ حال وی ظاهراً آگاهی های بیشتری نیست الا که او مذهب شیعه می ورزید[۲]۔ از نسبت های جای که با نامِ وی توام است معلوم می شود که پیش از وابسته شدن به برهان الملك، خانواده اش به بسیار شهر ها زندگی کرده بود۔ وی برهان الفتوح را در ۱۱٤۸ هـ.ق نوشته بود اما نتوانست که این کتاب را برهان الملك سید سعادت خان پذیرفت۔ سپس در ۱۱۵۳ هـ.ق این کتاب را به پسرِ برهان الملك، احمد خان بهادر ناصر جنگ پیش کر د، اما هیچ صله ای نیافت[۳]۔ پس کتاب را بار دیگر به دست گرفت و مطالب تازه ای بدان افزود و تحریر جدید را 'مرآت الصفا' نامید و با نوشتن مقدمه ای تازه به صمصام الدوله شاهنواز خان بهادر نویسنده مآثرالامرا پیش کرد، گرچه پس ازان نیز مطالبی به کتاب افزود و دنباله رویدادها را تا ۱۱۷۹ هـ.ق کشاند[٤]۔ شاید در ۱۱٦۹ هـ.ق به صمصام الدوله شاهنواز خان هاشمی نویسنده مآثر الامرا پیش کرد، چون نسخه اندیا آفیس به نام مرآت الصفا که دستنوشته مؤلف است، همان سال تالیف شده بود[۵]۔ وی حتماً بعد از ۱۱۷۹ هـ.ق فوت شده بود چون مرآت الصفا رویدادهای تا همین سال دارد۔

سال تالیف:

این کتاب در ۱۱٤۸ هـ.ق نوشته شده بود[٦]۔ محمد علی خان برهانپوری این اثر را نخست به نواب برهان الملك سید سعادت علی خان استاندارِ اوده و سپس در ۱۱۵۳ هـ.ق

۱۔ ریو،ج۳،ص۸۹۳

۲۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۵۰

۳۔ ریو،ج۱،ص۱۲۹

٤۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۵۰

۵۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۵٤،ش۱۳۰

٦۔ الیوت،ج۸،ص۲٦

به نواب نظام الدوله میر احمد خان بهادر ناصر جنگ فرزند و جانشین نظام الملك آصفجاه پیش کرد، اما کوچك ترین پاداشی نیافت[1]۔

محتویاتِ کتاب:

برهان الفتوح تاریخ عمومی جهان است و مشتمل بر یك مقدمه، هجده باب و یك خاتمه است[2]۔ در مقدمه مؤلف فواید نوشتن و خواندن تاریخ بیان نموده است۔ الیوت تفصیل محتویات کتاب چنین بیان نموده است؛ **باب یکم** در چهار فصل منقسم است و آن در آفرینش دنیا، ذکر پیامبران و فرزانگان و نخستین شاهان ایران از پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان بیان شده است، **باب دوم** مشتمل بر هفده فصل که دران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، دوازده امامؑ و اصحابؓ و تابعینؒ را ذکر کرده است، **باب سوم** مشتمل بر چهار فصل است و دارندهٔ ذکر خلفای اسلام یعنی خلفای راشدین، خلفای امیه، خلفای عباسیه و خلفای اسماعیلیان است، **باب چهارم** ذکر سادات ها که بر اندلس حکومت کردند، **باب پنجم** در نوزده فصل در ذکر شاهان ایران از طاهریان تا شروانشاهیان، **باب ششم** در شش فصل در ذکر شاهان عرب که دران ذکر سلاطین یمن و مصر و شام و همدانیان و اسدیان شامل است، **باب هفتم** ذکر خانواده چنگیز خان و شاهان مغول دارد، این باب مشتمل بر هشت فصل است که در مورد خانواده چنگیز خان، ایلخانیان، قراختاییان، مظفریان، شاهان سبزوار، قراقونلو و آق قونلو است، **باب هشتم** در مورد تیمور و جانشینانش که بر ایران و توران حکومت کردند، **باب نهم** پادشاهان صفویان، **باب دهم** عثمانیان روم، **باب یازدهم** در موردِ شیبانیان، **باب دوازدهم** پیرامون ذکر شاهان دهلی در دو فصل است،یکی پادشاهان که پیش از تیمور حکومت کردند و دیگری جانشینان تیمور که بر هندوستان حکومت کردند، **باب سیزدهم** حکومت های محلی هندوستان در یازده فصل

۱۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۵۰

۲۔ استوری،ص۱۳۷

که در خصوص ذکر شاهان بهمنیان دکن، نظام شاهیان، عادلشاهیان بیجا پور، قطب شاهیان حیدرآباد، عمادشاهیان برار، شاهان گجرات، شاهان مالوه، سلاطین خاندیس و برهانپور، سلاطین بنگال، سلاطین جونپور، سلاطین سند، سلاطین مولتان، سلاطین کشمیر و سلاطین تبت است، **باب چهاردهم** منقسم در دو باب است که یکی در مورد علمای شیعه و دیگری پیرامون علمای تسنن است، **باب پانزدهم** در شرح احوال پیران و مشایخ است، **باب شانزدهم** در مورد شاعرن عرب و فارس است، **باب هفدهم** دارنده برخی رویدادهای مهم از آغاز هجرت تا روزگار نگارش این کتاب است، **باب هجدهم** مشتمل بر دو فصل است که یکی در باره قبایل عرب و دیگری در مورد قبایل فارس است، در **خاتمه** مؤلف جدول های زمانی دودمان های حاکم به ترتیب زمانی داده است[۱]ـ

منابع برهان الفتوح:

مؤلف در منابع این اثر، روضة الصفا، حبیب السیر، تاریخ فرشته، روضة الاحباب، عالم آرا، جهانگشا، تذکرة الفقها، تذکرة الشعرا، ظفرنامه، طبقات اکبری، فتوح عاصم کوفی، گزیدهٔ حمد الله مستوفی، تاریخ مسعودی، افضل التواریخ، جهان آرای نظامیه، تاریخ وصاف، المعجم، مجالس المومنین، لب التواریخ و تاریخ عالمگیری را نام برده است[۲]ـ

سبك کتاب:

چون متن کامل کتاب به صورت چاپی یا خطی به دسترس نگارنده این سطور نیست، قضاوتِ حتمی در موردِ سبك انشای این کتاب ممکن نیست ـ البته از ترجمه انگلیسی که الیوت در کتاب خود درج کرده می توان حدس زد که سبك این کتاب ساده و خالی از تکلف بی جا است ـ افزون بران مؤلف تاریخ چند هزار ساله جهان را در چند صد صفحات گنجانیده است و بنا برین می توان قیاس نمود که مؤلف در نوشتنِ این کتاب از

۱ـ الیوت،ج۸،صص۲۷تا۳۰

۲ـ همان،ص۲٦

ایجاز و اجتناب از تطویل و عدم ورود از جزییات به کار برده باشد۔ اما رد یا قبول این امر منحصر به بررسی نسخه خطی است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

برهان الفتوح یکی از اثرِ پُر ارزشِ دورۂ تیموریان متاخر است۔ محمد علی حسینی در نوشتنِ این تاریخ عمومی از منابع های مستند رجوع کرده بود۔ باب هفدهم این کتاب که در موردِ برخی رویدادهای مهم از آغاز هجرت تا سالِ نگارش این کتاب است،دارنده وقایع مهمی است و بسیار ارزشمند است [١]۔علاوه بر این برهان الفتوح به سبب دقت در نوشتنِ سال ها و رویدادها ارزش فراوان دارد۔ همین چیزی را الیوت چنین ستایش کرده است:

"The Burhanu-l Fatuh has certainly great merit in its close attention to dates, which make it a very useful book of reference, though in other respects it is too short to be of any perticular value."[٢]

افزون بران مؤلف علاوه بر وقایع تاریخی پادشاهان، شرحِ احوالِ علما و پیران و مشایخ و شاعران عرب و عجم نیز بیان کرده است که این شرح احوالشان ارزش این کتاب را فراوان تر می کند۔ مرآت الصفا که تجدید برهان الفتوح بود، یکی از منابع مآثر الامرای شاهنواز خان به شمار می آید[٣]۔

آغاز:

'نیکو ترین سخنی که قافله سالار کلمه و کلام...'[٤]

نسخه های خطی:

١۔ الیوت،ج٨،صص ٣١ تا ٣٦

٢۔ همان،ص٢٧

٣۔ ریو،ج١،ص١٢٩

٤۔ همان،ج٣،ص٨٩٣

مهم ترین نسخه خطی برهان الفتوح در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٨٨٤ نگهداری می شود و دارندۀ ٢١٥ برگ ١٨ سطری است [١]. این نسخه خطی دستنوشته مؤلف است و شاید همان نسخه است که مولف به برهان الملك پیش کرده بود [٢]. همین نسخه مورد الیوت بود که از کتابخانه نواب سعادت علی خان دُزد شده بود و الیوت این نسخه را در بازارِ لکنو دریافت کرده بود [٣]. یکی نسخۀ خلاصۀ این کتاب در همین کتاب خانه به شماره Or. ٢٠٥٥ از برگ ١٩٠ تا ٢١٧ هم نگهداری می شود [٤]. نسخه دیگر این کتاب که ناقص است، در کتاب خانه برلین نگهداری می شود [٥].

تراجم و چاپ:

بخشی از برهان الفتوح به توسط الیوت به زبانِ انگلیسی ترجمه شده است و در تاریخ الیوت، جلد٨ از صفحه ٢٥ تا ٣٦ موجود است. نسخه خطی ترجمه و چکیده این کتاب که برای الیوت ترجمه شده بود، در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٣٠٧٨٠ از برگ ٧٤ تا ١٠٥ نگهداری می شود [٦]. اما تا اکنون این اثر به زیور طباعت آراسته نشده است.

آثار دیگر مؤلف:

١. مرآت الصفا:

چون بالا ذکر آمده، این کتاب تکمله و تحریر جدید برهان الفتوح است. نسخه دستنویس مرآت الصفا در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ١٣٠ که دفترِ دوم این کتاب است، نوشتۀ خود مؤلف است و تاریخِ ١١٦٩ هـ.ق دارد [٧]. همین سال تالیف این کتاب باشد اگرچه نسخه موزه بریتانیا به شماره ٦٥٣٩ و Add. ٦٥٤٠ دارندۀ احوال تا ١١٧٩ هـ.ق است.

١. ریو، ج٣، ص٨٩٣
٢. همان
٣. الیوت، ج٨، ص٣٠
٤. ریو، ج٣، ص١٠٥٠
٥. استوری، ص١٣٧
٦. ریو، ج٣، ص٨٩٤
٧. اته، اندیا آفیس، ج١، ستون ٥٤، ش١٣٠

٢. تاريخ راحت افزا:

محمد علی حسینی این اثر را به دستور نواب میر نجف علی خان شمشیر جنگ تالیف کرده بود[١]. این اثر در تاریخ دکن است و مشتمل بر دو بخش است [٢]. بخشِ دوم در احوال تیموریان است و مؤلف درین بخش زمانِ آصفجاه یکم، نواب ناصر جنگ، صلابت جنگ و دیگران را با تفصیل بیان کرده است [٣]. تاریخ راحت افزا در ١٩٤٧م با مقدمه اردویی از خورشید علی در حیدرآباد دکن به چاپ رسیده بود[٤].

---

١. استوری،ص١٣٨

٢. مارشال،ص٣٠٣

٣. همان

٤. همان

تذکرة‌الملوك از یحییٰ خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

درباره مولفِ تذکرة‌الملوك یحییٰ خان پسر سید حسین [1] اطلاع زیادی در دست نیست۔ فقط این قدر معلوم شده است که وی در عهد فرخ سیر میر منشی بود[2] و حسب خواهشِ دوستانِ خود این تاریخ را نوشته بود[3]۔

سال تالیف:

این تاریخ دارندۂ شرحِ احوال تا ۱۱۴۹ھ.ق/۷-۱۷۳۶م است[4]۔ در آخر این کتاب مؤلف هم چنین ذکر کرده است؛ '**حال که سنه یك هزار و یکصدو چهل و نهم است**' [5] این طور می توان حدس زد که این تاریخ در همان سال نوشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

تذکرة الملوك تاریخ عمومی هند از ورود عرب ها درین دیار تا ۱۱۴۹ھ.ق است۔ مقدمه این کتاب دارندۂ احوال نوشیروان و جانشینانش، نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم و خلفای راشدین و بنی امیه و بنی عباس است۔ بعد ازان مؤلف ذکر سلاطین غزنوی از ناصرالدین سبکتگین تا خسرو ملك پرداخته است ۔ سپس بخش مهم این کتاب آغاز می شود که درباره سلاطین دهلی از معزالدین بن محمد سام غوری تا دوره محمد شاه تیموری تا ۱۱۴۹ھ.ق است۔ علاوه برسلاطین دهلی یحییٰ خان درین کتاب ذکر شاهان محلی هم پرداخته است که دران سلاطین دکن از بهمنیان، نظام شاهیان، عادلشاهیان و قطب شاهیان، سلاطین گجرات، مالوه، بنگاله، شاهان شرقی جونپور، سلاطین سند،

۱۔ منزوی، احمد، فهرستواره کتاب های فارسی، ج۲، ص۱۲۲۸

۲۔ استوری، ص۴۷۱

۳۔ اته، اندیا آفیس، ستون۱۵۴، ش۴۰۹

۴۔ استوری، ص۴۷۱

۵۔ اته، اندیا آفیس، ستون۱۵۴، ش۴۰۹

حکمران های مولتان و کشمیر شامل اند[۱]۔

منابع تذکرة الملوك:

محمد یحییٰ این کتاب را بر اساس طبقات اکبری نوشته بود[۲] و در نوشتنِ این کتاب مؤلف همان روشِ طبقات اکبری به کار برده است۔

سبكِ کتاب:

چون نسخه خطی این کتاب که منحصر به فرد است، در دسترسِ راقم این سطور نیست، قضاوت حتمی در مورد سبك این کتاب امکان پذیر نیست۔ البته ازین نظر که این کتاب در تاریخ عمومی هند نوشته شده بود و مشتمل بر ۱۸۷ برگ است، می توان حدس زد که مؤلف این اثر را به سبکی ساده و بی تکلف نوشته باشد و یکی از اختصاصاتِ سبكِ این کتاب ایجاز و عدم ورود جزییات باشد۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تذکرة الملوك از نظر ادبی و تاریخی ارزشِ فراوان دارد۔ مؤلف این کتاب خود در روزگارِ فرخ سیر میر منشی بود، بیشتر کتاب های کتاب خانه شاهی را در دسترس داشته باشد۔ مؤلف خود شاهدِ برخی از رویداد های آن دوره بوده و با رجال سیاسی آن زمان نسبت هم داشته باشد۔ شاید به همین علت این اثر را بر اساس طبقات اکبری تالیف کرده است۔ افزون بران این کتاب در تاریخ عمومی شبه قاره نوشته شده است اما مؤلف در آغاز این کتاب تاریخ اسلام را هم ذکر نموده است، این کتاب بسیار ارزشمند است۔

آغاز:

"کشور کشایی اقالیم سخن به تایید محامد شاهنشاهی است که جوهر فتح و ظفر.."[۳]

۱۔ اته،اندیا آفیس،ستون ۱۵٤،ش۴۰۹

۲۔ استوری،ص ٤۷۱

۳۔ اته،اندیا آفیس،ستون ۱۵٤،ش۴۰۹

نسخه های خطی:

نسخه خطی تذکرة الملوك از یحییٰ خان در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٤٠٩ نگهداری می شود ـ این نسخه خطی مشتمل بر ۱۸۷ برگ است[1] ـ

---

۱ ـ اته، اندیا آفیس، ستون ١٥٤، ش ٤٠٩

احوال خواقین از محمد قاسم

شرحِ احوالِ مؤلف:

نویسنده این کتاب محمد قاسم از محمد قاسم عبرتؔ، نویسنده عبرتنامه مختلف است[۱]۔ در دوره شاه عالم بهادر، محمد قاسم با یکی از پسر وی پیوسته بود و در بِهار اقامت داشت[۲]۔ بعد ازان در فوج نظام الملك به عهده 'بخشی' سرافراز گشت[۳] و در جنگ های دکن خدمت انجام داد[٤]۔ نظام الملك وی را با ۱۷۰۰ سوار و ۲۰۰۰ ذات برای کملِ حفیظ الدین خان فرستاد و محمد قاسم، تحت سید لشکر خان که هم درسِ او نیز بود، در جنگ خلاف سردار مرهته سومنا برادرِ اپا راو کار های نمایان انجام داد[٥]۔ محمد قاسم با متوصل خان مراسم دوستی داشت[٦] که داماد نظام الملك و فوجدار بنگاله بود و در آخر این کتاب مؤلف وی را مفصل ذکر پرداخته است[۷]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۵۱ھ.ق/ ۹-۱۷۳۸م نوشته شده بود[۸]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارنده تاریخ جانشینان اورنگزیب تا سال تالیف این کتاب یعنی ۱۱۵۱ھ.ق است۔ احوال خواقین در دوبخش نگاشته شده بود۔ **بخش یکم** دارنده احوال از مرگ اورنگزیب عالمگیر تا عُزلِ فرخ سیر است و **بخش دوم** از جلوس رفیع الدرجات آغاز می شود۔ این بخش واقعاً دارنده احوال نظام الملك و جنگ های او با برادران سادات و

۱۔ استوری،ص۶۰۹
۲۔ ریو،ج۱،ص۲۷۶
۳۔ استوری،ص۶۰۹
٤۔ ریو،ج۱،ص۲۷۶
٥۔ همان،صص۲۷۶-۲۷۷
٦۔ استوری،ص۶۱۰
۷۔ ریو،ج۱،ص۲۷۷
۸۔ استوری،ص۶۱۰

مرهته ها است[۱]۔

ریو تفصیل مندرجاتِ این کتاب چنین بیان نموده است؛مرگ اورنگزیب، جنگ های پسرانش برای پادشاهت، دوره شاه عالم، مرگ شاه عالم و دوره جهاندار شاه، دوره فرخ سیر(با تفصیل)، تخت نشینی رفیع الدرجات، عروج نظام الملك در دکن، تخت نشینی محمد شاه و زوال برادرانِ سادات، مبارز خان و شکست وی به دست نظام الملك، جنگ های نظام الملك با مرهته ها، تهاجمِ کرناتك، جنگ با باجی راو و خاتمه در مورد معاهده که تحتِ آن نظام الملك مالوه را گرفت[۲]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب در شرحِ تاریخ آن وقایع است که بعد از مرگِ اورنگزیب عالمگیر رونما شده بود۔ علاوه برین احوال خواقین دارندۂ وقایع متوصل خان است که یکی از امرای آن زمان بود۔ درین کتاب مؤلف احوال نظام الملك هم با تفصیل بیان کرده است که وی چطور برادرانِ سادات و رسوخ ایشان را خاتمه کرده بود۔

آغاز:

’سلطنت کونین و صیانت دارین به ذات مقدس حضرت خداوند خرد بخش را...‘[۳]

نسخه های خطی:

استوری فقط یك نسخه خطی احوال خواقین را ذکر کرده است که در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۲٦۲٤٤ موجود است و ۲٦۰ برگ دارد اما یکی نسخه این کتاب در کتاب خانه موزه سالار به شماره ۳۱٦ هم موجود است[٤]۔

در پاکستان نسخه خطی این اثر در کتابخانه انجمن ترقی اردو،موجود است و انجام

۱۔ استوری،ص ٦۱۰

۲۔ ریو،ج ۱،ص ۲۷۷

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج ۱۰،ص ٤۹٦

٤۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج ۲،ص ۱۱۱۹

آن نسخه افتاده است ـ منزوی در فهرست مشترک تفصیل آن نسخهٔ خطی چنین بیان نموده است؛

کراچی، انجمن ترقی، ٤ق ف ۳۲: نستعلیق، سده ۱۲ ه، آغاز برابر، انجام افتاده، ۲۰۰ص[1]ـ

---

۱ ـ منزوی، احمد، فهرست مشترک، ج۱۰، ص٤۹٦

تاریخ مفضلی از سید مفضل خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

در بارۂ زندگی مفضل خان هیچ آگاهی در دست نیست جز اینکه در اثر دیگر خود به نام 'تیمور نامۂ مفضلی' خود را خانه زاد محمد شاه خوانده است[۱] اما در دیباچۂ نسخه خطی 'تیمور نامه مفضلی' که در کتابخانۂ عمومی پنجاب لاهور نگهداری می شود، مؤلف خود را 'از خانه زادان نورالدین محمدهمایون بادشاه خلد الله ملکۂ و سلطنتۂ' نوشته است[۲] که شاید سهو مقدمه نگار یا کاتب است چون زادن مؤلف در عهد همایون بعید از قیاس است و اغلباً مؤلف یکی از مؤرخین عهد محمد شاه المتوفی ۱۱٦۷ھ ق است[۳]۔ خانه زاد شدن مؤلف هم عجیب است چون از نام او ظاهر است که از خانوادۂ سادات تعلق داشت۔

سال تالیف:

تاریخ مفضلی نزد ۱۱۵۳ھ ق / ۱۷٤۰ م نگاشته شده بود[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ مفضلی تاریخ عمومی جهان است و مؤلف این اثر را از آفرینش جهان تا روزگارِ فرخ سیر در هفت مقاله نوشته است۔ مقاله ششم و هفتم در موردِ احوال بادشاهان هندوستان است ۔ تفصیل کتاب چنین است: مقاله یکم در بارۂ آفرینش جهان، مقاله دوم در بارۂ آدمؑ و پیامبران، مقاله سوم در بارۂ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، مقاله چهارم در بارۂ ایران باستان، مقاله پنجم در بارۂ خلفای عرب، مقاله ششم در بارۂ سامانیان، غزنویان،

۱۔ استوری، ص ۱۳۵

۲۔ عباسی،منظور احسن، فهرست کتابخانه عمومی پنجاب، ص ٦۷۸

۳۔ همان

٤۔ نبی هادی ،ص ۳٦۲

سلجوقیان، خوارزمشاهیان، غوریان و بادشاهان هند از تاج الدین یلدوز تا ناصرالدین قباچه ، بادشاهان لکنو، شمس الدین ایلتمش و جانشینان او، بادشاهان دهلی و لودیان است ـ مقاله هفتم دارندۀ احوال چنگیز خان و تیمور و جانشینان او تا نصیرالدین محمد شاه است[1] ـ

سبکِ نویسندگی:

به علت عدم دسترسی نسخه خطی این کتاب قضاوت حتمی در بارۀ سبك کتاب برای نگارنده این سطور امکان پذیر نیست البته از جمله آغاز کتاب که دران مؤلف خود می گوید که او مختصری از احوال انبیاء و سلاطین را بیان می کند، می توان حدس زد که مؤلف در شرح حوادث به اختصار گراییده است ـ ترجمه گزیده انگلیسی آن که الیوت داده است، معلوم می شود که مؤلف این اثر را به سبکی ساده و بی تکلف نگاشته است و سبك انشای آن بسیار متین و استوار باشد ـ اما رد یا قبول این امر منحصر به پیدا شدن اسناد دیگر است ـ

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تاریخ مفضلی یکی از کتاب های پُر ارزشِ تاریخی دورۀ تیموریان متاخر است ـ مؤلف درین کتاب علاوه بر تاریخ انبیا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، تاریخ شاهان ایران و عرب و شاهان هند داده است ـ این طور این اثر بر تاریخ جهان به ویژه تاریخ تیموریان متاخر ارزشِ فراوان دارد ـ

آغاز:

'الحمد لله ... من بعد ، احقر العباد سید مفضل خان مختصری از احوال انبیاء مرسل

---

١ ـ برزگر کشتلی ،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج ٤،بخش ١ ،ص٦٣٨

و سلاطین اولوالعزم...»[۱]

نسخه های خطی:

تنهانسخه کامل شناخته آن در کتابخانه شاهان اوده در لکنو وجود داشته است[۲]۔

در موزه بریتانیای نیز نسخۂ این اثر به شماره Or. ۱۸۳٦ نگهداری می شود که دارنده بخشی از متن کتاب شامل مقاله ششم از سامانیان تا ابراهیم لودی و بخش نخستِ مقاله هفتم در موردِ تیمور و شاه رخ در بر دارد[۳]۔

تراجم :

فقط گزیده ای از تاریخ مفضلی که در موردِ دوره شاهجهان است به توسط الیوت به زبان انگلیسی ترجمه شده است۔ این ترجمه یکی منشی کرده بود و الیوت بران ترجمه نظر ثانی کرده بود[٤]۔

آثار دیگر مؤلف:

مفضل خان کتابی دیگر به نام 'تیمور نامۂ مفضلی' هم نوشت که تاریخ تیموریان شبه قاره از بابر تا فرخ سیر است[٥]۔ ذکر این کتاب در همین مقاله درتواریخ متفرقه می آید۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۸۹۲

۲۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲٤۰۸

۳۔ ریو،ج۳،ص۸۹۲

٤۔ الیوت،ج۷،ص۱٤۱

٥۔ مارشال،ص۲۹۹

جوهر صمصام از محمد محسن صدیقی

شرحِ احوالِ مؤلف:

از محمد محسن پسر حنیف صدیقی[(١)] آگاهی بیشتری در دست نیست و آنچه که درباره خود درمقدمه این کتاب نوشته است آن هم کافی نیست۔ البته این قدر معلوم شده است که وی از بجنور که در اوده واقع است، تعلق می داشت [(٢)]۔ محمد محسن در افواج والا شاهی بود[(٣)]۔ او با شاه بدرِ عالم خلیفه حافظ ابوالقاسم دستِ ارادت داشت [(٤)]۔ در مقدمه مؤلف می گوید که بعد از بیان تاراج دهلی وی اراده کرد که این 'جوهر صمصام' [(٥)] را به نیام گذاشت، اما به نصیحت مرشد روحانی شاه بدر عالم، تاریخِ روزگارِ معاصر هم شامل کرده بود[(٦)]۔

سبب تالیف:

محمد محسن این کتاب را حسبِ درخواست شیخ علاالدین نگاشته بود که رفیقِ امیرالامرا صمصام الدوله خان دوران بود، ومؤلف اکثر از وی وقایع سیاسی آن زمان شنید که درین کتاب بیان کرده است[(٧)]۔

سال تالیف:

سال تالیف این کتاب ١١٥٣ ھ.ق در آخر کتاب در قطعه های تاریخ مذکور است [(٨)]۔ این تاریخ در ١١٥٣ ھ.ق/ ١-١٧٤٠ م نوشته شده بود[(٩)]۔

١۔ الیوت،ج٨،ص٧٢
٢۔ ریو،ج٣،ص٩٤١
٣۔ الیوت،ج٨،ص٧٢
٤۔ ریو،ج٣،ص٩٤١
٥۔ یعنی این تاریخِ جوهر صمصام را
٦۔ ریو،ج٣،ص٩٤١
٧۔ استوری،ص٣٢٥
٨۔ ریو،ج٣،ص٩٤١ ٩۔ استوری،ص٣٢٥

محتویاتِ کتاب:

جوهر صمصام مشتمل بر وقایع یورش نادر شاه بر هندوستان است۔ علاوه بر این مؤلف درین کتاب تاریخ مختصر جانشینان اورنگزیب هم بیان نموده است[۱]۔

در **بخش اول** این کتاب مؤلف یورش نادر شاه و تاخت و تاراج دهلی و بازگشتن او به روز ۷ صفر ۱۱۵۲ هـ.ق را با تفصیل بیان کرده است۔ مؤلف درین کتاب امیر الامرا صمصام الدوله خواجه محمد عاصم که درجنگِ کرنال سپه سالار شکست خورده بود، را بسیار ستایش کرده است که او با پایمردی جان خود را به تادیب نادر شاه نثار کرد[۲]۔

بخش دوم این کتاب دارنده احوال جانشینان اورنگزیب تا زمان تالیف این کتاب است۔ این بخش دارنده احوال مرگ اورنگزیب، دوره بهادر شاه، جنگ تخت نشینی میان فرزندانش، جلوس فرخ سیر و مرگ وی، تاج گزاری رفیع الدوله و دوره محمد شاه تا مرگ سید حسین علی خان و زوال قطب الملك ذوالفقار خان است[۳]۔ در آخر کتاب مؤلف قصیده ای در مدح شاه بدر عالم سروده است [٤]۔ محمد محسن درین کتاب سازش های وزرای محمد شاه به ویژه نظام الملك آصف جاه و برهان الملك سعادت خان را هم ذکر نموده است[۵]۔

منابع جوهر صمصام:

چون بیان شده است که محمد محسن این کتاب را حسبِ درخواستِ شیخ علاالدین نگاشت که اکثر با مؤلف وقایع یورشِ نادر شاه را ذکر می کرد۔ علاوه بر این محمد محسن وقایع تاریخ را بر اساسِ اطلاعات شخصی خود نوشته است[٦]۔

۱۔ استوری،ص٦١٤
۲۔ نبی هادی،ص٤٠٢
۳۔ ریو،ج۳،ص٩٤١
٤۔ همان
۵۔ نبی هادی،ص٤٠٢
٦۔ همان

سبکِ کتاب:

محمد محسن این کتاب را در سبك مصنوع و مسجع و مقفیٰ نگاشته است[1]۔ درین کتاب القاب و آداب را بسیار به کار برده است۔مؤلف درین کتاب مبالغه را بسیار به کار برده است[2]۔ به عنوانِ مثال جای می گوید که فوج نادر شاه مشتمل بر دویست هزار سواران قزلباش بود[3]۔همچنین در بیان معزولی و قتل فرخ سیر حکایت طولانی و خوف آور آورده است[4]۔ این کتاب نمونه سبكِ مصنوع دوره تیموریان متاخر است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

یورش نادر شاه بر هندوستان یکی از وقایع مهمی این دیار است۔ محمد محسن بجنوری درین کتاب نه تنها یورشِ نادر شاه را بیان نموده است بلکه وقایع را به ویژه صمصام الدوله نگاشته است۔ علاوه برین وی درین تاریخ برابر یورش نادر شاه وقایع روزگار خود را هم ذکر کرده است۔ بیشتر وقایع که محمد محسن درین کتاب بیان نموده، با چشم خود ملاحظه کرده بود۔ این طور این کتاب یکی از تواریخ مهمی عهد تیموریان متاخر به شمار می آید۔

آغاز:

'حمدی که آفریننده را سزد، آفریده را چه یارا که طایر اندیشه.....'[5]

نسخه های خطی:

نسخه خطی جوهر صمصام در کتاب خانه موزه بریتانیا، کتاب خانه انجمن آسیایی بنگال موجود است۔ برای نسخه دیگر مراجع شود به استوری،ص۳۲۵ و ٦۱٤۔

۱۔ استوری،صص۳۲۵ و ٦۱٤/ ریو،ج۳،ص۹٤۱

۲۔ وحیدمرزا،دکتر،پاکستان و هند،ج٥،ص٤۳۸

۳۔ الیوت،ج۸،ص۷۲

٤۔ همان

٥۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٤۹٦

در پاکستان نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه انجمن ترقی اردو،موجود است و ۱۵٦ صفحه دارد۔ منزوی در فهرست مشترك تفصیل آن نسخه چنین بیان نموده است؛ کراچی،انجمن ترقی،۳ق ف ٤۱: نستعلیق،سنبهولعل جیپوری قانونگوی پرگنه چلهوتر، به فرمایش دیوان صاحب بشن سهای،۲۱ رجب ۱۲۲۵ ه،۱۵٦ ص[1]۔

تراجم و چاپ:

میجر فلر(Major. A. R. Fuller) برای الیوت این اثر را ترجمهٔ کامل کرده بود [2]۔

میجر فلر واژه های طویلِ صنایع بدایع را گذاشته فقط وقایع تاریخی را ترجمه کرده بود[3]۔ نسخه خطی این ترجمه فلر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۲٤ از برگ یکم تا ۸۰ نگهداری می شود[4]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٤۹۷

۲۔ الیوت،ج۸،ص۷۳

۳۔ ریو،ج۳،ص۹٤۱

٤۔ همان

تاریخ هندی از رستم علی شاه آبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احـوال رستم علی بن محمد خلیل شاه آبادی [۱] اطـلاعِ کافی در دست نیست۔ آنچه که از زندگانی وی معلوم شده است بسیار اندك است و جز این نیست که چون باجی راو در ۱۱۵۰ه‍.ق/۸۔۱۷۳۷م بـر مـالـوه تسلـط گـماشت، وی در فوج باجی راو خدمت می کرد[۲]۔ بعد ازان او به بوپال (Bhopal) رفـت و به سرپرستی نواب یار محمد خان گزراند[۳]۔ نـواب محـمـد یار خان وی را بسیار تکریم کرد و رستم علی آنجا، این اثر معروف خود را در عرصه سه سال تالیف کرد[٤]۔

سال تالیف:

رستم علی این اثر را در ۱۱۵٤ه‍.ق/۲۔۱۷٤۱م نگاشته بود[٥]۔

سبب تالیف:

مـؤلف در مـوردِ تـالیف ایـن کـتـاب بیـان کرده است که درین زمان مـردم ها بـه دنیا دوستی فراوان دارنـد پس وی بـرای نـوشتن احوال شاهانِ عادل تهیه کرده تا برای مردم های دانشمند نصیحت باشد[٦]۔

محتویاتِ کتاب:

ایـن کـتـاب در تـاریـخ عـمـومـی هـند از آغـاز تـا ۱۱۵۳ه‍.ق/۱۔۱۷٤۰م نوشتـه شده است[۷]۔ ایـن کـتـاب مشتـمـل بر یك مقدمه، ده طبقه و یك خاتمه است [۸]۔ ریـو تفصیل این

۱۔ الیوت، ج۸، ص ٤۰
۲۔ ریو، ج۳، ص۹۰۹
۳۔ استوری، ص ٤۷۱
٤۔ الیوت، ج۸، ص ٤۰
٥۔ استوری، ص ٤۷۱
٦۔ الیوت، ج۸، ص ٤۰
۷۔ استوری، ص ٤۷۱
۸۔ ریو، ج۳، ص۹۰۹

کتاب چنین بیان نموده است؛ **مقدمه** درباره آفرینش و بی ثباتی جهان و جغرافیای هندوستان است۔ **طبقه یکم** دربارۀ راجه های هندووان از راجه جودهشتر تا پرتوی راج(Pirthawi Raj)، **طبقه دوم** دارنده احوال غزنویان و غوریان، **طبقه سوم** در مورد خلجیان، **طبقه چهارم** درباره تغلق ها، **طبقه پنجم** در ذکر خضر خانیان، **طبقه ششم** دربیان لودیان، **طبقه هفتم** درباره آغاز تیموریان، **طبقه هشتم** در مورد سوریان افغانیان، **طبقه نهم** دارنده احوال سلطنت های محلیِ جونپور، مالوه، گجرات، بنگاله، کشمیر، تته(Thatta) و دکن است۔ **طبقه دهم** دارندۀ تاریخ تیموریان از جلوس دوم همایون تا اختتام سالِ بیست و سومِ جلوس محمدشاه است[۱]۔ **خاتمه** کتاب درباره شیوخ و دانشمندان و سرایندگانِ معاصر است که وی خود با ایشان صحبت کرده یا از کسی ذکر ایشان شنیده بود[۲]۔

منابع و مآخذ تاریخ هندی:

اگرچه در تالیف این کتاب مؤلف از بسیار کتاب های تاریخی استفاده می کرد اما از 'سیّر هندی' و 'فیوضات اکبری' بسیار استفاده برده است که امروز هر دو به دست نیست۔ 'سیّر هندی' در تاریخ عمومی هند و 'فیوضات اکبری' از شاه غلام محی الدین کتاب تاریخی معلوم می شود[۳]۔ علاوه بر دو کتابِ مذکور مؤلف در نوشتن این تاریخ از تاریخ بدایونی، حبیب السیر، خلاصة التواریخ، تاریخ اکبرشاهی، تاریخ فرخ سیر، تاریخ جهانگیری، مرآةمسعودی، تاریخ شهابی و تاریخ محمودی هم استفاده کرده است[٤]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تاریخ هندی از رستم علی ازین نظر ارزشِ فراوان دارد که بسیار وقایع تاریخی که درین کتاب ذکر شده است، هیچ تاریخ نویس دیگر آنرا ذکر نکرده است[٥]۔ یکی از 'سیّر

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۰۹

۲۔ الیوت،ج۸،ص٤۲

۳۔ همان،ص٤۱

٤۔ همان

٥۔ نبی هادی،ص٥۲۱

هـندی' و'فیوضات اکبری' که منابع اساسی این اثر اسـت از همین تالیف آگاه می شوند، چـون این هر دو کتاب امروز نـاپیدا است و فقط چند اقتباس ازین کتاب در تاریخ هندی یافته می شود ـ رستم علی شاه آبادی مزید گفته است که 'فیوضات اکبری' تالیف شاه غلام محی الدین است و او این اثر را به مرشدِ خود سید شاه علی اکبر معنون کرده بود و همین وجه تسمیه این کتاب است [۱]ـ خـاتمهٔ این کتاب که دارندهٔ احوالِ مشایخ و علما و شاعرانِ زمانِ خودِ مؤلف وچند نسلِ پیشین است[۲]، از روی شهادت معاصر بسیار ارزش مند است ـ

آغاز:

'حمد و سپاس مر داوری که بر داور دور ملك...'[۳]

نسخه های خطی:

در کتابخـانـهٔ مـوزه بریتـانیا دو نسـخـهٔ ایـن اثر موجود است و ازان دستنویس به شماره۱٦۲۸ .Or، دارندهٔ۲۳۳ برگ، مشتمل بر مقدمه وده باب و یك خاتمه است[٤]ـ جالب اسـت کـه ریـو در بررسی این نسخهٔ خطی بیان نموده است که طبقهٔ دهمِ این کتاب دربیانِ تیـموریـان، از جلوسِ دوم همایون تا بیست و سوم سالِ جلوسِ محمد شاه، از برگ **۲۳۷ تا ۲۹۹** در مـوردِ دورهٔ مـحمد شاه است حالانکه این نسخهٔ دستنوشته فقط ۲۳۳ برگ دارد [٥]ـ دیـگـر نسـخـهٔ دسـتـنـوشـتـه در همین کتاب خانه به شماره Or.۲۰٦۲ از بـرگ ۱۲۹ تا ۱٤٦ نگه داری مـی شود و دارندهٔ وقایع دورهٔ محمد شاه از سال هفتم تا بیست و یکم سالِ جلوس او است[٦]ـ

در پـاکستـان نسـخـه خـطـی ایـن کتـاب در مـوزه مـلـی پـاکستـان بـه شـمـاره N.M. ۱۹٥۸_۲٥۳/۲ موجود است و ۳۰٤ صفحه دارد[۷]ـ

۱ـ البیوت،ج۸،ص٤۱

۲ـ ریو،ج۳،ص۹۰۹

۳ـ همان

٤ـ همان

٥ـ همان

٦ـ همان،ص۱۰٥۷

۷ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٤۹۷

تراجم و چاپ:

بخشی ازین اثر به توسط الیوت به زبان انگلیسی ترجمه شده است و در تاریخ الیوت،ج۸،بیست و هفت صفحه این ترجمه داده شده است.نسخه خطی این ترجمهٔ انگلیسی در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add.۳۰۷۸۰ از برگ ۱۱۸ تا ۱۶۰ نگهداری می شود[1].

۱ـ ریو،ج۳،ص۹۰۹

وقایع مهابت جنگ از محمد وفاؔ عظیم آبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال محمد وفاؔ اطلاعِ چندانی در دست نیست الا که از نام وی معلوم می شود که از مردمِ عظیم آباد بود ـ محمد وفا عظیم آبادی، قصیده گوی مهابت جنگ بود و این اثر را به مهابت جنگ معنون کرده بود[1]ـ

سال تالیف:

این تاریخ در ۱۱۵٦ ﻫ.ق نگاشته شده بود ـ مولوی عبدالمقتدر در فهرست کتاب خانه بانکیپور سال تالیف این اثر از واژه های زیر بیان نموده است؛ '[یا فیاض الاکبر ۱۱۵٦ ﻫ.ق]،[وقایع فتح بنگالا برسم اجمال ۱۱۵٦ ﻫ.ق]............[مسبب الاسباب بی همال تعالیٰ شانه۱۱۵٦ ﻫ.ق]،[و منان الواحدذوالجلال جل احسانه۱۱۵٦ ﻫ.ق]'[2]ـ

محتویاتِ کتاب:

این اثر مشتمل بر وقایع اله وردیخان مخاطب به مهابت جنگ ناظم بنگال است که در ۱۱۵۳ ﻫ.ق/ ۱۷٤۰ م تخت نواب سرفرازخان را برگرفت و ناظم بنگال و بهار و اوریسه شده بود[3]ـ این تاریخ چندی قبل از رسیدن مهابت جنگ به نظامت بنگاله آغاز می شود و تا ۱۱٦۱ ﻫ.ق/ ۱۷٤۸م ادامه دارد و در آخر کتاب چند مکتوب و تهنیت و تعزیت نامه داده شده است[4]ـ

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب ازین رو خیلی جالب است که از هر جمله این کتاب تاریخ آن واقعه به

۱ـ استوری،ص۷۱٤

۲ـ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۳۷

۳ـ همان

٤ـ همان

دست می آید [۱]۔ این طوری کتاب دیگر در تاریخ الیوت هم ذکر شده است و آن هم در باره تاریخ بنگاله است و از هر جملۀ آن کتاب ۱۱۷۰ ه.ق به دست می آید[۲]۔ موردِ الیوت شاید 'عبرت ارباب بصر' بود که ذکرش درین مقاله آینده (ص٦٦٧) می آید۔

آغاز:

'یا فیاض الاکبر،وقایع فتح بنگالا به رسم اجمال .... مسبب الاسباب بی همال تعالیٰ شانه ومنان الواحد ذوالجلال جل احسانه........'[۳]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی وقایع مهابت جنگ در کتاب خانه بانکیپور و دانشگاهِ کامبریج موجود است [٤]۔ برای تفصیل این نسخه ها و یك نسخه دیگر مراجع شود به استوری،ص۷۱٥۔

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۳۷

۲۔ الیوت،ج۸،ص٤٤۳

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۳۷

٤۔ استوری،ص۷۱٥

قضایای سلاطین دکن از مرزا مهدی خان صفوی

شرحِ احوالِ مؤلف:

ابوالمفاخر نظام الدین محمد هادی پسر محمد مهدی الحسینی الصفوی معروف به شاه مرزا و مرزا مهدی خان صفوی(۱) از اصفهان به هند آمد و در حیدرآباد دکن مقیم شد(۲)۔ اته نوشته است که 'مرزا مهدی خان صفوی' لقب وی بود (۳)۔ مرزا مهدی خان پیش ازگرفتنِ سلطنتِ دکن به دستِ اورنگزیب، آخرین دورهٔ سلطنت های دکن رابه نظرِ خود ملاحظه کرده بود(٤)۔ در ۱۱۱٤ھ.ق وی در حیدر آباد بود و آنجا کتابی به نام 'ضیاالعیون' نوشت (۵)۔ باید دانست که مهدی خان صفوی از مهدی خان استرآبادی جدا است که 'تاریخ جهانگشای نادری' نوشته بود۔

سال تالیف:

سال تالیف این کتاب با نام این کتاب **'قضایای سلاطین دکن'** به دست می آید یعنی نام این کتاب، نامِ تاریخی است و این اثر در ۱۱۵٦ھ.ق/ ۱۷٤۳ م نگاشته شده بود(٦)۔

محتویاتِ کتاب:

دستنویس این کتاب که منحصر به فرد است در کتاب خانه اندیا آفیس نگهداری می شود اما آن هم کامل نیست و مشتمل بر فقط باب یکم و بخشی زیاد از باب دوم این کتاب است اما به مطابق فهرست که بر صفحه دوم آن داده شده است، این اثر مشتمل بر هفت باب به نام ؛۱. سلاطینِ بهمنيِ گلبرگه، ۲. عادلشاهیان بیجاپور، ۳. نظام شاهیان احمد نگر، ٤. قطبشاهیانِ تلنگ، ۵. عمادشاهیان برار، ٦. شاهان بیدر، ۷. سلاطین فاروقیه خاندیس

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون ۱۲٤۱،ش ۲۲۷۲
۲۔ نبی هادی،ص۳۲۹
۳۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون ۱۵۵،ش ٤۱۲
٤۔ نبی هادی،ص۳۲۹
۵۔ استوری،صص ۵٤ و ۵۱۹
٦۔ همان،ص۷۳۸

است و در آخر يك خاتمه در مورد تاريخ مالابار و سرانديپ و قيامِ اروپيان در هند[۱] است۔

منابع قضاياى سلاطين دكن:

در مورد 'قضاياى سلاطينِ دكن' از مرزا مهدى خان صفوى، هرمان اته در فهرست كتاب خانه انديا آفيس مى نويسد كه اين كتاب بر اساس كتاب فرشتۃ به نام 'گلشنِ ابراهيمى' نوشته شده است[۲]۔ استورى هم 'تاريخِ فرشتۃ' را در منابع اين كتاب نام برده است[۳]۔

آغاز:

'سپاس و ستايش بى قياس پادشاه ازل و ابد بارگاه به حكم كل يوم و هو فى الشان........'[٤]

نسخه هاى خطى:

نسخه خطى قضاياى سلاطين دكن چون بالا ذكر شده كه منحصر به فرد است و در كتاب خانه انديا آفيس به شماره فهرست٤٤٦ نگهدارى مى شود۔ اين نسخه ناقص است و فقط بابِ يكم كامل و بخشى زياد از باب دوم دارد[٥]۔

آثار ديگر مؤلف:

۱۔ضيا العيون:

بر موضوع قرآن در حيدرآباد در ١١١٤هـ.ق/٠٣-١٧٠٢م نوشته شده بود[٦]۔

۲۔احوال صوبه جات دكن با قيد جمع بندى:

اين كتاب درمورد محاصل استان دكن است[۷]۔

۱۔ اته،انديا آفيس،ج ۱،ستون ۱۷۱،ش٤٤٦
۲۔ همان
۳۔ استورى،ص٧٣٨
٤۔ اته،انديا آفيس،ج ۱،ستون ۱۷۱،ش٤٤٦
٥۔ استورى،ص٧٣٨
٦۔ اته،انديا آفيس،ج ۱،ستون ١٢٤١،ش ٢٢٧٢
۷۔ همان،ستون١٨٤،ش٤٧٠ و ٤٧١

۳. مجموعه مرزا مهدی خان [1] :

تاریخ کوتاه در مورد تیموریان هند است که ذکرش در همین مقاله بر صفحه ۸۷ آمده است۔

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱۵۵، ش ۴۱۲ و ستون ۱۵۶، ش ۴۱۴

تاریخ محمد شاهی/نادرالزمانی[۱] از خوشحال چند

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احـوالِ نـویسـندۀ ایـن کتاب خوشحال چند پسر جیون رام پسر آنند رام کایسته[۲] اطلاعی زیاد در دست نیست۔ اما این قدر معلوم شده است که خوشحال چند و پدرش در دیوانی دهلی ملازمت داشتند[۳]۔ به وقتِ وفاتِ پدرش در زمانِ فرخ سیر، خوشحال چند در سـرکـارِ امیـرالـملك صفدر جـنگ نـاظم استان مولتان، ملازم بود[٤]۔ بـعد از وفات پدرش، خـوب چـنـد کـه بـرادرِ بزرگِ خوشحال چند بود، به جای پدرش مامور گردید، اما چندی بعد خوشحال چند خود به آن عهده فایز گردیده بود[٥]۔

خـوشـحـال چند جلوس فرخ سیر را در دهلی با چشم خود ملاحظه کرد[٦]۔ در سال دوم و سـوم جـلـوس فـرخ سیـر وی در مـلازمـتِ سید نور خـان مشرف غسل خـانـه شـاهـی بود[۷]۔ اما در هـمـان سـال پدرش در دیوانی صوبه تحت فخرالدین خان رفت و خوشحال چند هم با پدرش دران دیوانی رفته بود[۸]۔ منظور احسن عباسی تاریخ مرگ وی به حواله قاموس المشاهیر ١١٦٤ ه.ق بیان نموده است[۹]۔

سال تالیف:

در مـوردِ سال تالیف این کتاب در فهارسِ نسخه های خطی اختلاف دیده می شود۔ به گفتۀ منزوی مقالۀ اول ایـن کـتـاب به نام 'مجمع الاخبار' نگاشتۀ ١١٥٤ ه.ق و مقالۀ دوم به نـام'زبدۃالاخبار' نگاشتۀ ١١٥١ ه.ق است[۱۰]، امـا در دانشـنـامه ادب فارسی نوشته است که

۱۔ الیوت،ج۸،ص۷۰

۲۔ ریو،ج۱،ص۱۲۸

۳۔ همان،ج۳،ص۸۹٤

٤۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۹٤

٥۔ همان

٦۔ ریو،ج۳،ص۸۹٤ ۷۔ همان ۸۔ همان

۹۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۹٤

۱۰۔ منزوی،احمد، فهرست مشترك،ج۱۰،ص۱۳۰

مطلع اولِ مقاله دوم یعنی زبدة الاخبار در ۱۱۵۱ھ.ق و مطلع دوم در ۱۱۵۹ھ.ق نگاشته شده بود[۱]۔ البته نسخه خطی این اثر در کتابخانهٔ موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۴۴ از برگ ۱۰۹ تا ۲۰۰، دارندهٔ وقایع تاریخی تا سیم سال جلوس محمد شاه یعنی ۱۱۶۱ھ.ق است[۲]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در دو مقاله نوشته شده بود که ازان مقالهٔ اول به نام مجمع الاخبار و مقاله دوم به نام زبدة الاخبار است۔ در مختلف نسخه های این کتاب محتویات فرق داشته باشد۔ این دو مقاله مزید در حقایق، دقایق و کیفیات تقسیم شده است[۳]۔ تفصیل کتاب چنین است؛

مجمع الاخبار: در دو کیفیت نگاشته شده است و هر کیفیت مزید در حقایق و دقایق تقسیم شده است۔ این مقاله در ۱۱۵۴ھ.ق نوشته شده بود و در آخرِ این مقاله سال تالیف ازین شعر به دست می آید؛

۔'تاریخ ازین مقاله جستم
شد دفتر عشق[۱۱۵۴] سر نوشتم'[۴]

کیفیت اول در باره پیامبران از آدمؑ تا نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم، شاهان ایران و توران و روم و شام، دانایان قدیم و اولادِ یافث تا نبیره تیمور عمر شیخ مرزا است[۵]۔ *کیفیت دوم* در مورد شاهان هندِ باستان از راجه جدهشتر تا ابراهیم لودی است و درین کیفیت مؤلف ذکرِ تعبیر خواب، نجوم، موسیقی و فلسفه هندووان هم پرداخته است[۶]۔ علاوه بر این درین کیفیت خوشحال چند احوالِ صوفیای اسلام چون معین الدین چشتیؒ، قطب الاقطابؒ و دیگر ان[۷] و بزرگان هندووان، رامانند، کبیر، رای داس و سورداس[۸] و نانك

۱۔ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج ٤، بخش ۱، ص ٦۳۷
۲۔ ریو، ج ۳، ص ۱۰۳۱
۳۔ عبدالله، دکتر سید، سهم هندووان...، ص ۱۰۲
٤۔ ریو، ج ۱، ص ۱۲۸
۵۔ همان
٦۔ همان
۷۔ الیوت، ج ۸، ص ۷۱
۸۔ همان

وغیره و کتاب های شان شاسترا و ویدانت را هم ذکر کرده است[۱]۔

زبدة‌الاخبار: این کتاب در دو 'مطلع' نگاشته شده است که از ان *مطلع اول*' دارندۀ احوال تیموریان هند از بابر تا رفیع الدوله جهاندار شاه است که در ۱۱۵۱ھ.ق/۱۷۳۸م نوشته شده بود و *مطلع دوم* دارندۀ تاریخ محمد شاه است[۲]۔ درین مقاله زندگی نامه کوتاهی درباره ۲۵۸ تن از شاعران نیز آمده است[۳] که بیشتر از ان از 'مرآة‌العالم' گرفته شده است[٤]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

خوشحال چند درین کتاب تاریخ از آفرینش جهان تا زمانِ خود به ویژه هندوستان پرداخته است۔ وی این کتاب را علاوه بر تاریخ معلومات های دیگر چون ریاضیات، نجوم، رمل و فال و علم عروض وغیره مزین کرده است۔ در جلد یکم این کتاب هیچ چیزی مهمی نیست، فقط آن بخش کتاب کارآمد است که دارنده احوال محمد شاه است[۵]۔ البته مؤلف کاوش کرده است که این کتاب را با اطلاعاتِ عمومی پُر کند[٦]۔

آغاز:

جلد یکم: **'بهترین بیان و خوشترین ذکر انسان حمد حمیدی است...'**[۷]

جلد دوم: **'در زمان سعادت آن پادشاه در یانوال به تاریخ بیست و ششم دی ماه الهی سنه سی و هفتم از جلوس حضرت جلال الدین اکبر بادشاه مطابق سنه هزار هجری از بطن فیض مواطن سکنه...'**[۸]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این اثر در کتاب خانۀ موزه بریتانیا و کتاب خانه برلین نگهداری

۱۔ الیوت،ج۸،ص ۷۱

۲۔ استوری،۱۳۷/منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۱،ص۵۸۸

۳۔ وحیدمرزا،دکتر،پاکستان و هند...،ج۵،ص۱۳٦

٤۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،صص٦۳۷۔٦۳۸

۵۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان...،ص۱۰۲

٦۔ همان،ص۱۰۳

۷۔ منزوی،احمد، فهرست مشترك،ج۱۰،ص۱۳۰

۸۔ عباسی،منظوراحسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۹۵

می شود۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۱۳۷ ومارشال۲٦۰۔ علاوه بر این یکی دستنویس این اثر در کتابخانۀ راجستان تونك هم موجود است[۱]۔

در پاکستان دستنویسِ این اثر در کتاب خانۀ عمومی پنجاب به شماره ۹۰۹خو موجود است و دارندۀ ٤۸٥ برگ ِ ۱۹ سطری است[۲]۔

تراجم و چاپ:

بخشی ازین اثر که دارنده مطلع اولِ مقاله دوم است ومشتمل بر دوره بهادر شاه تا جلوس جهاندار شاه است به توسط آر پی ایندرسن (R.P.Anderson) به زبان انگلیسی ترجمه شده است و نسخه خطی این ترجمه در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add.۳۰۷۷۸ از برگ ۳٦٥ تا ٤۰۱ نگهداری می شود [۳]۔ این ترجمه مشتمل بر شجره نامه محمد شاه، تاریخ بابر، وصف بیست و یك استان هند و تاریخ فرمانروای همایون، جلال الدین اکبر، جهانگیر، شاه جهان و اورنگزیب عالمگیر است[٤]۔

۱۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱٤

۲۔ منزوی،احمد، فهرست مشترك،ج۱۰،ص۱۳۰

۳۔ ریو،ج۳،ص۸۹٤

٤۔ مارشال،ص۲٦۰

واقعات کشمیر/تاریخ اعظمی[۱] از محمد اعظم دیده مری

شرحِ احوالِ مؤلف:

خواجه محمد اعظم دیده مری پسر خیرالزمان خان کشمیری مجددی[۲] تا سال ۲ـ۱۱۰۱ هـ.ق/۹۱ـ۱۶۸۹ م زاده شده بود[۳]ـ اما دکتر ظهور سال تولدش ۱۱۰۳ هـ.ق در سرینگر به محله 'دیده مر' نوشته است[٤]ـ پدرش خواجه خیر الدین از اورنگزیب لقب 'خیرالزمان خان' و چند روستای به طور جاگیر یافته بود[۵]ـ

دکتر ظهور در مورد استاد های وی ذکر کرده است که سه سال در مدرسه اخوند ملا عبید اللـه شهید سعید می خواندـ ادب، دینیات و منطق از ملا ابوالحسن کاوه داری خوانده بودـ شاگرد ملا عبدالرزاق هم بوده و در سخنوری از مرزا نورالدین شارق اصلاح گرفتـ علاوه برین از محمد رضای مشتاق و عبدالحکیم ساطع هم صحبت یافت[٦]ـ استوری در ضمن استادهای وی علاوه بر ملا عبدالله نام های مراد بیگ، کامل بیگ، میر هاشم و دیگران برده است[۷]ـ

در ۱۱۱۹ هـ.ق در ایام جوانی مایل به تصوف و سلوك شد و در سلسله مجددیه مرید شیخ محمد مراد[۸] شدـ شش سال در خدمتِ مرشد خود گذراندـ پنج ماه از صحبت مرزا اکمل الدین محمد کامل بیگ فیض یافتـ در ۱۱۳۰ هـ.ق از قاضی دولت بخاری فیض باطنی یافتـ در ۱۱۳۸ هـ.ق از مجالسِ خلیفه عبیدالله بخاری فاروقی، بابا قایم، محمد علی رضا دهلوی سرهندی، عبدالرحیم قادری، عبداللطیف کوسه(Khosa) و خواجه

۱ـ استوری،ص ٦٨۳

۲ـ همان

۳ـ همان

٤ـ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین..، ج۳، ص ٥٩٤

۵ـ همان

٦ـ همان

۷ـ استوری، ص ٦٨۳

۸ـ استوری، ص ٦٨۳ شیخ مراد را نقشبندی گفته استـ

محمد زاهد بلخی کسب فیض کرد[۱]۔

در۱۱٤۸ھ.ق نوشتنِ 'واقعات کشمیر' را آغاز کرد و در ۱۱٦۰ھ.ق این را به تکمیل رساند[۲]۔ در ۱۱٦٦ھ.ق کتابی دیگر به نام 'لب التواریخ' در تاریخ کشمیر نگاشت[۳]۔ استوری سال وفات وی ۱۱۸۵ھ؛ق/۲-۱۷۷۱ م نوشته است[٤]۔ اما نزد دکتر ظهور سال وفاتش ۱۱۷۹ھ.ق است و برای این او تاریخِ وفات که محمد اعظم برای خود گفته بود،هم بیان کرده است:

"اگر پرسند اعظم از چه مرده؟ بگو سال وفاتش: **ضعف گرده**'[۵]

۱۱۷۹ھ.ق

محمد اعظم علاوه بر تاریخ نگار و صوفی، شاعر هم بود و بسیاری کتاب ها از وی یادگار است که ذکر آن پایان می آید۔

سال تالیف:

محمد اعظم دیده مری این اثر را در ۱۱٤۸ھ.ق آغاز کرد و در یا بعد از ۱۱٦۰ھ.ق به تکمیل رسانده بود[٦]۔ سالِ آغازِ نوشتنِ این کتاب از '**واقعات کشمیر =۱۱٤۸ھ.ق**' به دست می آید[۷]۔ منزوی سال تالیف این کتاب به حواله این شعر ۱۱۵۹ھ.ق گفته است:

ـ 'اگر پرسند تاریخش چسان بود
بگو[**ترتیب ابواب الجنان**] یافت'[۸]

۱۱۵۹ھ.ق

اما از '**زیب وزینت کشمیر افزود**' ۱۱٦۰ھ.ق به دست می آید و ریو و استوری و مارشال و اته همین سال نگارش نوشته اند۔

۱ـ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...، ج۳،ص۵۹٤

۲ـ اته،بادلین،ج۱،ش۳۱۹،ستون۱۷۱

۳ـ استوری،ص٦۸٤

٤ـ همان،ص٦۸۳

۵ـ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...، ج۳،ص۵۹۵

٦ـ ریو،استوری،اته،مارشال برین متفق اند که این اثر پیش از ۱۱٦۰ھ.ق نگاشته نشده بود۔

۷ـ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص٤۹۸

۸ـ همان

سبب تالیف:

در سبب تالیف این کتاب مولف در مقدمه می گوید که ملا حسین قاری و حیدر ملك چاوره و دیگر مورخان، تاریخ کشمیر از راج ترنگینی گرفتند و از مشایخ و علمای زمان صرف نظر بردند و وقایع جدید را هم ذکر نکردند۔ پس مؤلف اراده کرد که احوال صوفیا و علما و شاعران را با وقایع تاریخی و هم تاریخ جدید بیان کند[١]۔

'به خاطر احقر امم محمد اعظم ولد خیر الزمان خان رسید که ورقی چند در احوال این بلده دلپسند مشتمل بر وقایع کلیه ای که در هر وقت ظهور کرده، اجمالاً به تسوید رساند و در ضمن این وقایع تذکار اسامی حضرات صوفیا و علما و عرفای هر عهد به صفحه تحریر بگذارند، امور کلیه که درین قرون درین بلده سانح شده است، ایجازاً مرقوم سازد و برنگارد تا برای متتبعان حالات یادگاری باشد و ارباب عبرت را تذکاری بود'[٢]

محتویاتِ کتاب:

واقعات کشمیر از محمد اعظم دیده مری، دارنده تاریخ کشمیر از آغاز تا ١١٦٠ه.ق است[٣]۔ در عنوان های نسخه اندیا آفیس و بانکیپور اختلاف است و می توان حدس زد که این اختلاف در متن هم می باشد۔ هرمان اته در فهرست کتابخانه اندیا آفیس و کتابخانه بادلین محتویات کتاب چنین بیان نموده است؛ **مقدمه:** در بیان احوال و صفات این شهر، **قسم اول:** در حالات ارباب حکومت که پیش از دور ظهور اسلام درین ملك حکمرانی کردند، **قسم دوم:** در حالات سلاطین که بعد سطوع فروغ اسلام به سلطنت رسیده اند و از کشمیر برخاستند، **قسم سوم:** در ذکر سلاطین دودمان علیه چغتاییه که متصرف این شهر شدند تا زمان اختتام این رساله، **خاتمه:** در بیان بعض عجایب و غرایب که

١۔ ریو،ج١،ص٣٠٠

٢۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣،ص٢٢٠١

٣۔ ریو،ج١،ص٣٠٠

خاصه این شهر است[1]۔

مولوی عبدالمقتدر در فهرست کتابخانه بانکیپور محتویات کتاب را چنین ذکر کرده است؛ **مقدمه:** در احوال و صفات کشمیر به طریق اجمال، **قسم اول:** در ابتدای بنای این صوبه و سلطنت بعض راجه ها که درین شهر حکمرانی کردند، **قسم دوم:** در احوال سلاطین اسلام درین شهر نزهت مقام، **قسم سوم:** بیان آغاز تصرف سلاطین سلسله تیموریه در صوبه کشمیر، **خاتمه:** در تذکار بعض عجایب و غرایب کشمیر و احوال پرگنه جات این خطه دلپذیر[2]۔

مؤلف احوال سلاطین پیش از اسلام به اختصار نوشته است و سلاطین بعد را به تفصیل ذکر کرده است۔ نام و سنینِ استاندار و نایب استاندار از روزگارِ هر پادشاه رقم کرده است[3]۔ برابر تاریخ مؤلف درین تاریخ صوفیا و علما و مشایخ و شعرا وغیره را هم ذکر نموده است[4]۔

منابع و مآخذ واقعات کشمیر:

تاریخ سید علی، تاریخ رشیدی از مرزا حیدر، منتخب التواریخ از احسن بیگ، تاریخ حیدر ملك چاوره، رشی نامه از ملا نصیب، درجات السعادت از خواجه اسحق ناوچو، اسرارالابرار از باباداوود مشکوبی، تحفة الفقرا و دیگر رساله ها از شیخ ومرشد وی، مآثر عالمگیری وغیره[5]۔ اما برای وقایع پنجاه،شصت سالِ گذشته، مؤلف بر تاریخ شفاهی و یادداشت های خود انحصار کرده است[6]۔

سبكِ کتاب:

نثر این کتاب ساده و روان است و تراجم عرفا و علما و شعرا به ترتیب تاریخ، در پایان

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون ٥-٤٠٢،ش٥١٣/ اته،بادلین،ج ۱،ستون ۱۷۱،ش۳۱۹

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۲۸

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین.. ج۳،صص ٦٠١-٦٠٢

٤۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۲۸

٥۔ ریو،ج۱،ص۳۰۰

٦۔ همان

دوره هر حکومتی به اختصار آمده است[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

علاوه بر وقایع تاریخی مؤلف درین کتاب ذکر علما و شعرا وغیره هم پرداخته است که ارزش این کتاب را فراوان می کند۔ اته در فهرست بادلین از نسخه خطی سرنامه این چنین نقل کرده است؛ **'ذکری جمعی از شعرای سخندان که از ابتدای عهد چکان تا اوایل تسخیر سلاطین چغتاییه بزم آرای کمال و چمن پیرایی گلشن قیل وقال بودند'**[2]۔

افزون بران اگر ما همه تواریخ کشمیر را ملاحظه کنیم، واقعات کشمیر از محمد اعظم یکی از عالی ترین اثر در تاریخ کشمیر به شمار می آید۔

آغاز:

'زینت صفحات دفتر ابداع و ایجاد نزهت طبقات منظر عالم کون و فساد به نام مالك الملکی است...'[3]

نسخه های خطی:

در کتابخانه جهان فراوان است که ازان در موزه بریتانیا، انجمن آسیای بنگال، بادلین، بانکیپور، بوهار وغیره معروف است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص٦٨٣ و مارشال٣٠٨۔ در پاکستان چند نسخه های خطی واقعات کشمیر از محمد اعظم دیده مری در دانشگاه پنجاب لاهور و موزه ملی پاکستان کراچی موجود است که برای تفصیل آن مراجع شود به فهرست مشترك منزوی،ج١٠،صص٤٩٩و٥٠٠۔

تراجم و چاپ:

واقعات کشمیر از محمد اعظم دیده مری به نام 'تاریخ کشمیر اعظمی' در

۱۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣، ص ٢٢٠١

۲۔ اته،بادلین،ج١،ستون١٧٢،ش٣١٩

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٢٦

۱۳۰۳ هـ.ق/۱۸۸٦ م در لاهور[1] در مطبع محمدی[2] به چاپ رسیده است.

منشی اشرف علی که از دانشکدۀ دهلی بود، ترجمه اردویی واقعات کشمیر از محمد اعظم دیده مری را به نام 'تاریخ کشمیر' در ۱۸٤٦ م در دهلی به چاپ رساند[3]. یکی دیگر ترجمه اردویی این کتاب با ترجمه و حواشی دکتر خواجه عبدالحمید یزدانی، از سوی اقبال اکادمی پاکستان لاهور در ۱۹۹۵ م به چاپ رسیده است.

آثار دیگر مؤلف:

۱. فیض مراد:

نوشته ۱۱۳۵ هـ.ق در بیانِ احوال و آثار شیخ محمد مراد[4].

۲. قواعدالمشایخ:

نوشته ۱۱۳٦ هـ.ق در باره آداب طریقت[5].

۳. رساله اثبات الجهر:

دلایل و فواید ذکر جهر به مطابق طریقه یسویه[6].

٤. تجربة الطالبین:

در احوال پیران در شش شجره قادریه، نقشبندیه، یسویه، کبرویه، چشتیه و شطاریه[7].

۵. اشجارالخلد:

در ۱۱۳۹ هـ.ق نگاشته شده بود[8].

٦. ثمرة الاشجار:

در ۱۱٤۰ هـ.ق نگاشته شده بود[9].

---

۱. استوری، ص ٦۸۳

۲. منزوی، احمد، فهرست مشترک، ج ۱۰، ص ٤۹۸

۳. ریو، ج ۱، ص ۳۰۱/ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۷، ص ۱۲۷

٤. ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین..، ج ۳، ص ۵۹۵

۵. همان (استوری، ص ٦۸۳ نام این کتاب فواید المشایخ نوشته است)

٦. بزرگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج ٤، بخش ۳، ص ۲۲۰۱

۷. همان

۸. ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین..، ج ۳، ص ۵۹۵

۹. همان

۷.شرح کبریت احمر:

به نام 'وسایل الاعظم' در شرح کبریت احمر شیخ عبدالقادر جیلانی[1]_

۸.لب التواریخ:

تاریخ کشمیر از آغاز تا ١١٦٦ ه.ق[2]_

۹.فراق نامه:

مجموعه مراثی و ترکیب بند در سوگ مرگ خلیفه عبیدالله بخاری فاروقی فرزند شیخ محمد الیاس فاروقی عمری است[3]_

۱ـ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۰۱

۲ـ مارشال،ص۳۰۸

۳ـ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۰۱

ظفر نامه از غلام محی الدین

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال غلام محی الدین اطلاعی در دست نیست۔ حتٰی تنها اسمِ خود او معلوم است در باره نامِ پدرش هم هیچ اطلاعی نیست۔ اما می توان اندازه بزند که او دردورۀ محمد شاه(١١٣١ـ١١٦١ه.ق) و احمد شاه (١١٦١ـ١١٦٧ه.ق) زندگی می کرد۔ چون غلام محی الدین این اثرِ خود را به استان دار لاهور میر منّو معنون کرده است، ازین معلوم می شود که او در لاهور زندگی کرده باشد و از میر منّویا حکامِ دیگر علاقه داشته باشد۔ ظاهراً در لاهور در خدمتِ حکامِ آنجا به سر می برد[1]۔

سال تالیف:

چون این کتاب دارندۀ احوال یورشِ احمد شاه به هند است و غلام محی الدین این کتاب را به اعتماد الدوله قمر الدین خان معروف به میر منّو صوبیدار لاهور و مولتان پیش کرده، و احمد شاه درانی در ١١٦١ه.ق اولین یورش به هند کرد و میر منو در ١١٦٧ه.ق در گذشت۔ این طور این اثر میان ١١٦١ه.ق تا ١١٦٧ه.ق نگاشته شده بود۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در شرحِ احوالِ یورشِ احمد شاه درانی به هند است۔ منزوی در فهرستِ مشترك و فهرستواره کتاب های فارسی نوشته است که این کتاب دارنده احوالِ یورشِ نخستینِ احمد شاه درانی (١١٧٠ه.ق/١٧٥٧ م) به هند است[2]۔ اما این چیزی اشتباه دارد۔ چون احمد شاه درانی قبل ازین هم به هند آمده بود و بهکهاری خان پدرِ غلام علی

١ـ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣،ص١٨٩٥

٢ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٠٣/فهرستواره کتاب های فارسی،ج٢،ص١٢٩٤

مؤلفِ شاه عالم نامه در ۱۱٦۲ ه.ق میر منّو را خلاف پیش روی احمد شاه درانی کمك کرده بود[۱]۔ استوری هم بر این چیز اشتباه کرده است که این اثر فقط دارندۂ احوالِ یورشِ نخستین احمد شاه درانی است[۲]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

یورش که از حملۂ احمد شاه درانی و نادر شاه در شبه قاره برپا شده بود، در تاریخ این دیار خیلی مهم است و این کتاب ازین رو خیلی مهم است که محی الدین درین کتاب یورشِ احمد شاه را با تفصیل ذکر نموده است۔

آغاز:

۔'یا رب ز کرم، معین هر کار تویی
در هر دو جهان نصرت(ناصر؟) دادار تویی'[۳]

نسخه های خطی:

نسخه خطی ظفر نامه از غلام محی الدین در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور به شماره ٤۳/Pell/ ٤۷۳ نگهداری می شود[٤]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱. **فتوحات نامه صمدی:** این اثر زندگی نامۂ سیف الدوله عبدالصمد خان بهادر دلیر جنگ استان دار لاهور و مولتان است[٥]۔

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۷۸

۲۔ استوری،ص٦۱۸

۳۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲ص۱۲۹٤

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥۰۳

٥۔ مارشال،ص۱٦۱

تاریخ جهانگشای نادری از مرزا مهدی خان استرآبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

مهدی خان استرآبادی از مهدی خان صفوی جدا است۔ نام نویسنده این تاریخ مرزا محمد مهدی خان کوکبّ پسر محمد نصیر استرآبادی[1] بود۔ وی به ملازمت نادر شاه پیوسته بود و درباره خود می نویسد که چون در ١١٤٦ ﻫ.ق نادر شاه به اصفهان رفته بود و خوشخبری ولادت شاهرخ پسرِ بزرگ خود یافت، وی همراه نادر شاه بود[2]۔ در سال ١١٦٠ ﻫ.ق وی با مصطفٰی خان شاملو از سوی نادر شاه به سلطان ترکی فرستاده شده بود[3]۔ چون نادر شاه با محمد شاه صحبت کرد، وی هم به طور معتمدِ خاصِ نادر شاه آنجا موجود بود[4]۔

سال تالیف:

این اثر در ١١٧١ ﻫ.ق/٨۔١٧٥٧م نوشته شده بود[5]۔ اته می گوید که مرزا مهدی خان استرآبادی چهارده سال در نوشتن این تاریخ صرف کرد و در ١١٧١ ﻫ.ق/١٧٥٧م به تکمیل رسانده، این کتاب را به محمد حسن خان قاچار نامیده بود[6]۔

محتویاتِ کتاب:

چون از نامگذاری این کتاب ظاهر است که مؤلف این کتاب را در بیان وقایع تاریخی نادر شاه نگاشته بود۔ بعد از بیانِ آن وقایع که نادر شاه را به تخت ایران رساند، مؤلف تاریخ مفصل دوره نادر شاه تا مرگ وی در ١١٦٠ ﻫ.ق/١٧٤٧م بیان نموده است و در

١۔ استوری،ص٣٢٢

٢۔ ریو،ج١،ص١٩٢

٣۔ همان

٤۔ همان

٥۔ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون٢١٨ و ٢١٩،ش٥٥٨

٦۔ اته،بادلین،ج١،ستون١٥٩،ش٣٠٢

خاتمه احوال مختصر علی شاه و ابراهیم شاه بیان نموده است[١]ـ این طور این اثر دارنده تاریخ از ١١٣٤هـ.ق تا مرگ نادر شاه در ١١٦٠هـ.ق است.

سبکِ کتاب:

اگرچه این اثر در سبك ساده و متین نوشته شده است اما گاهی چون بیان جنگ وغیره می آید، سبکِ وی پُر زور می شود. گاهی از آیات و احادیث استفاده هم برده است. بعضی جا شعر هم نقل کرده است. مؤلف بر زبان و بیان خیلی دسترس داشته بود و تاریخ دیگری در مورد نادر شاه به نام 'دره نادره' در سبك مصنوع نوشته بود. برای آگهی سبك این کتاب اینجا دو اقتباس نقل می شود:

نمونه سبك ساده؛ **'بعد ازان که دارالسلطنت لاهور به حیطه تسخیر درآمد، به عرض ایستادگان پایه سریر گردون نظیر رسید که حضرت محمدشاه بادشاه والا جاه هندوستان از اطراف ممالك مشغول به جمع آوری سپاه و عازم مقابله کوکبه نصرت پناه است. شرحی نگارش یافت مشتمل بر این مضمون :.....بنا بر آنکه از افاغنه نسبت به هندوستان بیشتر از ایران بی اعتدالی واقع شده بود، مظنون خاطر ما اینکه البته تنبیه آن طایفه مرغوب طبع امنای آن دولت خواهد بود'**[٢]

نمونه سبك مسجع؛ **'آنکه کلانتران و اهالی و اعیان ممالك محروسه که به توفیقات یزدانی موفق، و به توجهات خاطر والا مستوثق بوده، بدانند که از آنجا که به برکات و عنایات ایزد داور جل شانه الوزیز و یمن تولای خاندان آیمه اثنی عشر علیهم السلام تیغ فلك سای هلال آسای والا را در دفع دشمن و فتح شهرها خاصیت ماه نو و موکب سعادت قرین را همیشه نصرت و ظفر پیشرو و جیوش اقبال نیوش را سروش عیسی رهبر و بازوی با نیروی**

١ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٦، ص ١٨٣، ش٥٢٤

٢ـ تاریخ جهانگشای نادری چاپی، به اهتمام سید عبدالله انوار، ص٣١٩

بخت فیروزرا در گشایش قلاع و بلاد دست دیگر است'[1]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تاریخ جهانگشای نادری کتاب مهمی از مرزا مهدی خان استرآبادی است۔ وی این کتاب را اگرچه در سبك متین نوشته است اما سجع بندی هم کرده است۔ مولف خود معتمد خاص نادر شاه بود و بر وقایع آنزمان آگاهی بیشتری داشت، این کتاب را تقریباً ده سال بعد از وفات نادر شاه نوشته بود۔ مؤلف خود در گفتگوی نادر شاه با محمد شاه تیموری موجود بود، ازین رو نوشته وی خیلی اهمیت دارد۔ از نظر ادبی هم این کتاب خیلی مهم است و نشان گرِ روش تاریخ نویسی میان ایران و هند است۔

آغاز:

'بر دانایان رموز آگاهی و دقیقه شناسان حکمت های الهٰی واضح ومبرهن است که در هر عهد و اوان که اوضاع جهان منقلب وپریشان و چرخ ستمگر به کام ستم کیشان گردد...'[2]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تاریخ جهانگشای نادری در کتاب خانه جهان فراوان است که مهم ازان در موزه بریتانیا، اندیاآفیس، بادلین، انجمن آسیایی بنگال، آصفیه،بانکیپور،بوهار،رهاتسك، لینین گراد وغیره موجود است۔برای تفصیل نسخه ها مراجع شود به استوری، صص٣٢٢و٣٢٣۔

در پاکستان هم بسیارنسخه های خطی این کتاب موجود است۔ منزوی در فهرست مشترك خود،جلد دهم ٢١ نسخه های موجود در پاکستان را معرفی داده است[3]۔

١۔ تاریخ جهانگشای نادری چاپی،به اهتمام سید عبدالله انوار،ص١٧٥

٢۔ همان،ص یکم

٣۔ ر.ك منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،صص١٧٦۔١٧٨

تراجم و چاپ:

سر ویلیام جونز(Sir. William Jones) این اثر را در ۱۷۷۰م در پاریس به زبان فرانسوی(Histoire de Nader Chah) گردانده بود[۱]۔

سر ویلیام جونز این اثر را به انگلیسی هم ترجمه کرده بود و آن ترجمۀ انگلیسی در ۱۷۷۳ م در لندن به چاپ رسیده بود[۲]۔استوری یکی ترجمه انگلیسی، از عبدالغفار سید، را هم ذکر نموده است که مشتمل بر وقایع تا ۱۱۳۹ھ.ق است و در ۱۹۰۸م در احمد آباد چاپ شده بود[۳]۔

ترجمه آلمانی این کتاب از ایچ گادی بوش(H. Gadebusch) در ۱۷۷۳م در گریفس والد(Greifswalde) به چاپ رسیده بود[٤]۔

این کتاب بارها در تهران، تبریز، بمبئی، کلکته ، لاهور وغیره به چاپ رسیده است۔مورد نگارندۀ این مقاله زیر قرار دو کتاب چاپی است؛

۱)مهدی خان،مرزااسترآبادی،جهانگشای نادری،به اهتمام سید عبدالله انوار، تهران،١٣٤١ھ.ش۔

۲)مهدی خان،مرزا استرآبادی، تاریخ جهانگشای نادری،مطبع دین محمدی لاهور،١٩٢١م۔ این هر دو چاپ دارنده وقایع تا ١١٦١ھ.ق است۔

روز و براوون(Ross & Browne) یکی ترجمه اردویی این کتاب را معرفی داده اند که نسخه خطی این ترجمه مشتمل بر ۱۷۸ برگ، در کتاب خانه اندیاآفیس نگهداری می شود[٥]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔ ریو،ج۱،ص۱۹۲(استوری و اته دربادلین، چاپ این ترجمه به زبان فرانسوی، در لندن نگاشته اند)

۲۔ همان

۳۔ استوری،ص٣٢٤

٤۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۵۹،ش۲۰۳/۱،اته،اندیاآفیس،ج۱،ش٥٥٨

٥۔ روز و براوون،اندیاآفیس هیندلیست،ص١٢٦،ش٢١١

١. دره نادره:

این کتاب هم در تاریخ نادر شاه در سبك مصنوع به پیروی 'تاریخ وصاف'، نوشته شده بود[١]۔

٢. انشای مرزا مهدی خان:

این اثر مجموعه نامه های مرزا مهدی خان است[٢]۔

٣. سنگلاخ:

این اثر یکی لغت ترکی و فارسی است و بر اساسِ کارِ علی شیر نوایی پرداخته شده بود[٣]۔

٤. مبانی اللغات:

این اثر در زبان فارسی بر دستور زبان ترکی است که مؤلف به طور مقدمه 'سنگلاخ'نوشته بود[٤]۔

١۔ استوری،ص٣٢٤

٢۔ مارشال،ص٣٢٧

٣۔ همان

٤۔ همان

تواریخ متفرقه(از ۱۱۱۹ تا۱۱۷۲هـ.ق)

☆بدایع وقایع:

بدایع وقایع در تاریخ شبه قاره از ۱۱٤۱ تا ۱۱٦۱هـ.ق/۱۷۲۸ تا۱۷٤۸م است[۱]۔ نویسنده این اثر آنند رام مخلص پسر راجه هردی رام کتری(Khatri) لاهوری [۲] شاعر معروف شبه قاره هند بود۔ در شاعری وی شاگردِ بیدلؔ و دوست آرزوؔ بود [۳] و در ۱۱٦٤هـ.ق/ ۱۷٥۱م در دهلی فوت شده بود[٤]۔ این اثر مشتمل بر یادداشت های زندگانی مؤلف و وقایع است که در شمالِ هندوستان وقوع پذیر شده بود [٥]۔ درین کتاب آنجا که مؤلف با فرزندِ خود سخن می گوید، آداب و رسومِ مردمِ این سرزمین از مراسم زناشویی، زایش، جشنِ هولی، پوشاك، زیور و جهیز وغیره، را دران روزگار به دست می دهد[٦]۔ این کتاب به علت احوال یورش نادر شاه زیاد معروف است۔

آغاز: '**خداوندا چون گل چینی بهارستان حمدت که جواهر عقول...**'[۷]۔

منزوی در فهرست مشترك چهار نسخۀ خطی این کتاب را در پاکستان نشان داده است که دو ازان در موزه ملی پاکستان نگهداری می شود[۸]۔

☆تاریخ اورنگزیب و جانشینانش[۹]/ تاریخ اورنگزیب[۱۰]/احوال اورنگزیب[۱۱]:

نام کامل نویسندۀ این تاریخ شیخ محمد مراد پسر الشیخ شهاب الدین پسر الشیخ شمس الدین پسر الشیخ سراج الدین پسر قطب الاقطاب الشیخ محمد الچشتی[۱۲] است۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۰۰ ۲۔ استوری،ص٦۱۲
۳۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱٦۹
٤۔ استوری،ص٦۱۲ ٥۔ همان،ص۱۳۱۹
٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۰۰
۷۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱۷۰
۸۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۰۰
۹۔ استوری،ص٦۱۰ ۱۰۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۱٦۰
۱۱۔ مارشال،ص۳۳۱ ۱۲۔ اته،بادلین،ج۱،ستون ۱۳۸،ش۲٦۲

ویلیام فریزر(William Fraser) در کامبی(Cambay) نزدِ وی درس می خواند و شیخ محمد مراد حسبِ خواهشِ ویلیام فریزر این کتاب را نگاشته بود[١]۔ ویلیام فریزر او را به علت دانش وی در قانونِ مدنی و شرعی، مرد معروفِ آن دیار می شمارد [٢]۔ این تاریخ پیرامون تاریخ اورنگزیب و جانشینانش تا ١١٥١ ھ.ق/١٧٣٨ م، بیست و یکم سال جلوس محمد شاه بیان شده است [٣]۔ افزون بران این اثر وصیت نامۀ اورنگزیب و چند دستاویز های مهمی هم دارد[٤]۔

آغاز مقدمه: 'درر ستایش و لآلی نیایش سزای نثار بارگاه...'[٥]

آغاز کتاب: 'الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوٰة و السلام علی رسول محمدٌ و آله و صحبه اجمعین، اما بعد چون زینت افزای سریر سلطنت و زینت انتمای اورنگ خلافت هزبر...'[٦]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه بادلین به شماره٢٦٢ نگهداری می شود و مشتمل بر ١٩٨ برگ است۔ این نسخه خطی نوشتۀ خودِ مؤلف است[٧]۔

☆تاریخ شاهنشاهی:

این تاریخ دارندۀ وقایع تاریخی از مرگ اورنگزیب تا آغاز دورۀ فرخ سیر است [٨]۔ نویسندۀ این تاریخ خواجه محمد خلیل است که در ارتشِ برادرانِ سادات کار می کرد [٩]۔ درباره مؤلف اطلاعی زیاد در دست نیست البته این قدر معلوم شده است که وی در وقایع جنگی که درین کتاب بیان شده است، کارهای نمایان انجام داد [١٠]۔ مؤلف درین کتاب با

١۔ استوری،ص٦١٠

٢۔ اته،بادلین،ج١،ستون ١٣٨،ش٢٦٢

٣۔ استوری،ص٦١٠

٤۔ مارشال،ص٣٣١

٥۔ اته،بادلین،ج١،ستون ١٣٨،ش٢٦٢

٦۔ همان

٧۔ همان،ستون ١٣٩،ش٢٦٢

٨۔ استوری،ص٦٠٤

٩۔ نبی هادی،ص٣٩٨

١٠ ۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج١،ص٥٦،ش٧٩

برادرانِ سادات یعنی سید حسین علی خان و سید عبدالله خان، اظهارِ حمایت کرده است(١)۔

آغاز: '**الحمد لله و الصلوٰة علی رسول الله....و آین سادات تمکین...**'(٢)

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه بوهار به شماره ٧٩ موجود است و ٣٩ برگ دارد۔ نویسنده برای این تاریخ هیچ نام معین نکرده بود اما بر برگِ سفیدِ نسخه خطی 'تاریخ شاهنشاهی' نوشته شده است(٣)۔

☆**تحفة الهند:**

لال رام پسر رای دوله رام پسر رای کنجامن(Kunjaman) خلد مکانی (٤) درخدمت محمد شاه بود و در سال هیجدهمِ تخت نشینی وی تحفةالهند را در ١١٤٨ه.ق/٦-١٧٣٥م به رشته تحریر سفته بود (٥)۔ وی خود را غلامِ خانه زادِ شاهی گفته است و در دکن مونگی پتن(Mungi Patan) به طور جاگیر داشت(٦)۔ این اثر در تاریخ عمومی هند از باستان تا عهدِ فرخ سیر ادامه دارد ومنقسم در چهار فصل و یك خاتمه است(٧)۔ **فصل اول** دارندۀ احوال آدمؑ و خلقت و پیدایشِ عالم به عقیده هندووان، **فصل دوم** در نوزده 'قسم' درباره استان های هند، **فصل سوم** در دو 'باب' در موردِ شاهان قدیم ایران از کیومرث تا یزدگرد و فلاسفه یونان و **فصل چهارم** در دو 'ذکر' بیان شده است و دارندۀ اعلامیه های متفرقۀ تاریخی و خاتمه است(٨)۔

در منابع این کتاب لال رام اکبر نامه، طبقات اکبری، فتوحات اکبری از فیضیؔ، تاریخ فرشته، شاهنامه، تاریخ شمشیرخانی، خلاصةالاخبار، عجایب المخلوقات،

١۔ استوری،ص٦٠٤
٢۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی، بوهار،ج ١،ص٥٦،ش٧٩
٣۔ همان
٤۔ ریو،ج١،ص٢٣٦
٥۔ استوری،ص٤٧٠
٦۔ ریو،ج١،ص٢٣٦
٧۔ مارشال،ص٢٧١
٨۔ ریو،ج١،ص٢٣٦

جهانگیرنامه، شاه جهان نامه، عالمگیرنامه و لُب التواریخ هند از رای بندرابن را ذکر نموده است[۱]ـ

آغاز: **'معموری بلاد سخن به معماری حمد مالك الملکی است...'**[۲]

نسخه های خطی تحفة‌الهند در کتابخانهٔ دانشگاهِ ایدنبرگ(Edinburgh) و موزه بریتانیا موجود است[۳]ـ

☆تذکرة‌الاحوال:

این کتاب دراصل زندگی نامه حزین لاهیجی،شاعرِ معروفِ ایران، است ـ تذکرة الاحوال در ۱۱۵٤ه.ق/۱۷٤۱م در دهلی نوشته شده بود[٤]ـ این تذکره دارندهٔ احوالِ پر ارزش در موردِ یورشِ افغانیان بر ایران و یورشِ نادر شاه بر هندوستان است[٥]ـ

آغاز: **'نحمده و نسأله التقی و نعتصم بعروة الوثقیٰ و نصلی علی سیدنا المصطفیٰ و آله...'**[٦]

نسخه خطی تذکرة احوال در کتاب خانه های جهان فراوان است ـ برای تفصیل نسخه های خطی مراجع شود به استوری،ص۸٤۷ ـ

این اثر در ۱۸۳۱م در لندن، در ۱۸۵۱م در بنارس و بعد ازان نیز بارها به چاپ رسیده است[۷]ـ ترجمهٔ انگلیسی این کتاب از ایف سی بیلفور(F.C.Belfour) در ۱۸۳۰م در لندن و از ایم سی ماستر(M.C.Master)در ۱۹۱۱م در بمئی به چاپ رسیده است[۸]ـ

☆تیمور نامه مفضلی:

۱ـ ریو،ج۱،ص۲۳٦

۲ـ همان

۳ـ استوری،ص٤۷۱

٤ـ همان،ص۸٤۷

٥ـ همان،ص۳۲٦

٦ـ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۳۵۰،ش٦۷۷

۷ـ استوری،صص۸٤۷ـ۸٤۸

۸ـ همان،ص۸٤۸ (برای تراجم دیگر مراجع شود به استوری)

احوالِ نویسندۂ این کتاب، مفضل خان، در تاریخ مفضلی ص۱۱۳ گذشته است۔ مولف ادعا می کند که وی در تالیفِ این اثر از طبقات تیموریه،ملفوظات بابری، همایون نامه، اکبرنامه، اقبال نامه، شاه جهان نامه و عالمگیرنامه بهره برده است[۱]۔

آغاز: 'سپاس بی قیاس مر حضرت صمدیت را که عالم...'[۲]

نسخه خطی این اثر در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۰۳، دارندۂ ۲۶۳ برگ نگهداری می شود و این نسخه ناگهان به عهد فرخ سیر خاتمه می شود و به همین علت معلوم نشده است که این کتاب کی نوشته شده بود۔ البته مولف خود را خانه زاد محمد شاه گفته است[۳]۔ چکیده ای ازین اثر در همین کتابخانه به شماره Or. ۲۰۵۹ از برگ ۲۰۶ تا ۲۳۵ نگهداری می شود۔

☆حالات نادر شاه:

این رسالۂ مختصر دارندۂ ۹ برگ در ذکرِ یورشِ نادر شاه بر هند است[٤]۔ اگرچه این اثر در نثر فارسی نوشته شده است اما مؤلف در بیانِ وقایع شعر های هندی هم به کار برده است[٥]۔ این اثر در ۱۷۳۸م نوشته شده بود و نویسنده این رساله مسمی به امر(Amar)[شاید امر سینگ یا امر نات] بود که از چندیری علاقه داشت[٦]۔ نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره ٤۰۰۸ موجود است۔

☆شمه ای از احوال مرهته سیواجی[۷]:

اگرچه از نام این رساله گمان می شود که درباره سیواجی باشد اما نویسنده، این اثر

۱۔ ریو،ج۳،صص۹۲۳۔۹۲٤
۲۔ همان،ص۹۲۳
۳۔ همان
٤۔ استوری،ص٦۱۸
٥۔ همان
٦۔ همان
۷۔ استوری،ص۷٦٥

را درست نام نداده است۔ این اثر دارندۂ احوالِ باجی راودوم از تاجگزاری وی تا اختتام حکومت او[۱] بر معاهدۂ وظیفۂ صدهزار روپیه ماهانه واجازه به اقامت در بیتور(Bithur)وگایا(Gaya) است[۲]۔ نویسنده این رساله میر بدرالدین از چچوند(Chachund) در نواح احمد نگر علاقه داشته بود[۳]۔ در فهرست دانشگاه بمئی این اثر به نام 'احوال مرهته سیواجی' آمده است[٤]۔

آغاز: **'شمه ای از احوال مرهته سیوا جی راجه سطارا واله راقم این مقال میر بدرالدین سکنه چچوند اگرچه در فن تحریر تاریخات مهاورت نداشت اما از معاینه قلیل احوال مشاهده حادثه رئیس...'**[۵]

نسخه خطی این رساله که منحصر به فرد است در کتاب خانه دانشگاه بمئی نگهداری می شود و فقط ۹ برگ دارد۔

☆**مختصر التواریخ:**

نویسنده ای عبدالسلام در ۱۱٦۱ھ.ق/۱۷٤۸م این اثر را تالیف کرده بود[٦]۔ اگرچه استوری نسخه خطی این کتاب در دانشکده ایتون(Eton) انگلستان بیان نموده است اما هیچ چیزی دیگر درباره این کتاب ذکر نکرده است[۷]۔

☆**واقعات ایران و هند:**

شاعرِ معروف حزیّن لاهیجی در موردِ تاریخ ایران و هند نیز کتابی نوشته بود که

۱۔ استوری،ص۷٦۵

۲۔ سرفراز،شیخ عبدالقادر،فهرست دانشگاه بمئی،ص۲۳۹

۳۔ استوری،ص۷٦۵

٤۔ سرفراز،شیخ عبدالقادر،فهرست دانشگاه بمئی،ص۲۳۹

۵۔ همان

٦۔ استوری،ص۱۵٦

۷۔ همان

نامش واقعات ایران و هند است۔ این اثر دربیان وقایع مهمیِ ایران و هندوستان است که میانِ بیست سالِ۱۱۳٤ھ.ق/۱۷۲۲م تا ۱۱۵٤ھ.ق/۱۷٤۱م وقوع یافت[۱]۔ در آغازِ این کتاب حزیّن لاهیجی 'حادثات اصفهان و استیلای افاغنه' بیان نموده است[۲]۔

آغاز: **'الحمد لولیه و نشکر علی نعمایه ونسأله الفی و نعتصم........'**[۳]

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۱۷۱٤ موجود است و ٦۰ برگ دارد۔

نتیجه گیری باب اول:

درین دوره بیش از پنجاه تواریخ نوشته شده بود که بسیار ازان در موردِ جنگ های اورنگزیب در دکن و تخت نشینی میان فرزندان اورنگزیب عالمگیر است۔ افزون بران بعضی تواریخ دارندۀ تاریخ جهان و تاریخ هند و تاریخ استان های هندوستان و بعضی پیرامونِ یورشِ نادر شاه هم است۔ اگرچه درین دورۀ بعضی کتب تاریخی در سبك مصنوع هم نگاشته شده بود اما در تاریخ نویسی این دوره سبك ساده رایج بود البته گاهی مولفین در مقدمه سبكِ مصنوع هم به کار می بردند۔

۱۔ استوری،ص٦۱۵

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۹۳۰،ش۱۷۱٤

۳۔ همان

باب دوم

(از ۱۱۷۳تا۱۲۲۱ه.ق/۱۷۵۹تا۱۸۰۶م)

چتر گلشن/اخبار النوادر[۱]/تاریخ نیك گلشن[۲] از رایزاده چترمن

شرحِ احوالِ مؤلف:

در موردِ رای چترمن کایسته قوم سکسینه لقب رایزاده [۳] اطلاعی خیلی کم به دست آمده است و آن جز این نیست که وی در سلكِ ملازمتِ نوابِ اوده برهان الملك بود [٤]۔ وی نیز شاگردمیر محمد علی بود [٥]۔ چترمن، بعد از نگاشتنِ این کتاب، در یك هفته فوت شده بود[٦]۔ بر برگِ سفیدِ نسخهٔ کتاب خانهٔ بادلین هم آمده است که **'بعد ترتیب و تصنیف این کتاب به فاصله یك هفته به عالم جاودانی شتافت'**[۷]۔

سبب تالیف:

چترمن این کتاب را در آخرین سال عمر خود به فرمایش وزیر غازی الدین حیدر نگاشته بود[۸]۔

سال تالیف:

این کتاب در ۱۱۷۳ھ.ق/۱۷۵۹م نوشته شده بود۔سال تالیف این کتاب ازین قطعه تاریخ هم به دست می آید:

ـ 'ز دل گفتم بگو تاریخ روشن
ندا آمد[**چترمن نیك گلشن**]۱۱۷۳ھ.ق
بود نام تو در تاریخ داخل
هم از مجموعه شد تاریخ حاصل

۱ـ الیوت ج۸،ص۲۵۵
۲ـ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۳۹،ش۲٦٤
۳ـ ریو،ج۳،ص۹۱۰
٤ـ نبی هادی،ص۱٤۸
۵ـ نوشاهی،عارف،فهرست موزه ملی پاکستان،ص۷۲٦
٦ـ استوری،ص٤۷۱
۷ـ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۳۹،ش۲٦٤
۸ـ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص۹۸

چو کردی چار گلشن در بطونش
چتر گلشن بود نام و سکونش‘[١]

بعد از وفات چترمن نبیره مؤلف چندربهان منشی در ١٢٠٤هـ.ق/٩٠_١٧٨٩م این کتاب را گرد آورده است و مقدمه ای برین کتاب افزود[٢]_مقدمه چندر بهان چنین آغاز می شود؛ **’اجزای چند مسمی به چار گلشن مؤلفه مظهر دانش و بینش، منتخب نسخه آفرینش، مجموعه فهرست معانی و فهرست مجموعه سخندانی، برگزیده زمن، رای چترمن که مشتمل است...‘**[٣]_ چندر بهان منشی تاریخِ گردآوری کتاب از **”دایماً سیراب بادا چار گلشن در جهان“** [١٢٠٤هـ.ق] بیان نموده است[٤]_

محتویاتِ کتاب:

این کتاب به نام ’چهار گلشن‘ و ’اخبارالنوادر‘ هم معروف است[٥]_ این کتاب تاریخ عمومی هند از عهد باستان تا روزگار نگارش یعنی ١١٧٣هـ.ق/١٧٥٩م است[٦]_ چون بعد از وفاتِ چترمن، چندربهان بران مقدمه ای افزوده بود، این طور چتر گلشن مشتمل بر دو مقدمه و چهار گلشن است_

گلشن اول؛ در احوال پادشاهان هندوستان که در استان ها تقسیم شده است_ اته در فهرست بادلین تفصیل این گلشن چنین بیان نموده است؛ صوبه شاه جهان آباد دهلی، صوبه مستقرالخلافت اکبرآباد عرف آگره، صوبه دارالسلطنت لاهور، صوبه دارالامان مولتان، صوبه جنت نظیر کشمیر، صوبه اله آباد، صوبه گجرات، صوبه مالوه[٧]_

گلشن دویم؛ در بیان صوبه جات جنوبستان(از ملك دکن) [٨] است و دارنده تقسیم جغرافیایی استان دکن یعنی برار، خاندیس، اورنگ آباد، بیجاپور، گولکنده

١_ اته،بادلین،ج١،ستون١٣٩،ش٢٦٤
٢_ الیوت،ج٨،ص٢٥٥
٣_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٧
٤_ همان
٥_ الیوت،ج٨،ص٢٥٥
٦_ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج٢،ص١٢٤٧
٧_ اته،بادلین،ج١،ستون١٣٩،ش٢٦٤
٨_ همان،ستون١٤٠،ش٢٦٤

ومحمدآباداست و بعد ازان تاریخ سلطنت های محلی از بهمنیان، عادلشاهیان، نظامشاهیان،قطبشاهیان، عمادشاهیان، بریدیان، شیواراو و سانباراو بیان شده است و این باب بر احوال قلعه های دکن و احوال بزرگانِ آنجااختتام می پذیرد[١]۔

گلشن سیوم؛ در بیان مسافت منازل چهارسو از شاه جهان آباد دهلی و **گلشن چهارم؛** در ذکر سلاسل فقرا و درویشان هنود است[٢]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب در تاریخ عمومی هندوستان از عهد باستان تا زمان شاه جهان دوم نوشته شده است۔ یکی مزایای مهمی چتر گلشن اینست که مؤلف درین کتاب استان های دکن را به تفصیل بیان نموده است۔ اما الیوت می گوید که بخشِ تاریخی این کتاب هیچ ارزش ندارد و مؤلف منابع خود را هم ذکر نکرده است [٣]۔ ولی زندگی نامه صوفیان اسلام و هندووان و فهرست های مسافت و منازل که درین کتاب بیان شده بسیار ارزشمند است[٤]۔

آغاز:

'سپاس بیرون از قیاس پادشاهی را سزا که کورهِ تمام زمین نقطه از محیط مملکت اوست...'[٥]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی چتر گلشن در کتاب خانه جهان فراوان است که مهم ازان نسخه بادلین،اندیا آفیس، موزه بریتانیا، بانکیپور است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص٤٧٢ و مارشال،ص١٢٣ ۔ چهار نسخه های خطی این کتاب، در کتاب خانه راجستان تونك از شماره ٢٠٢ تا ٢٠٥ هم موجود است[٦]۔

١۔ ریو،ج٣،ص٩١٠
٢۔ اته،بادلین،ج١،ستون ١٤٠،ش٢٦٤
٣۔ الیوت،ج٨،ص٢٥٥
٤۔ همان،صص٢٥٥۔٢٥٦
٥۔ اته،بادلین،ج١،ستون ١٤٠،ش٢٦٤
٦۔ شوکت علی،راجستان تونك،ج١،صص١١٠ و ١١١

در پاکستان دو نسخه این کتاب در دانشگاه پنجاب لاهور، دو در موزه ملی پاکستان کراچی و یکی در کتاب خانه انجمن ترقی اردو کراچی موجود است۔ برای تفصیل نسخه های خطی در پاکستان مراجع شود به فهرست مشترک منزوی، ج۱۰، ص۵۰۵۔

تراجم و چاپ:

جادونات(Jadunath) سرکار در ۱۹۰۱م بخشی ازین کتاب را در کتابِ خود هندوستانِ اورنگزیب(The India of Aurangzib) ترجمه کرده است[۱]۔

آثار دیگر مؤلف:

علاوه بر چتر گلشن مجموعه نامه هابه نام **'انشای چترمن'** از چترمن کایسته هم یادگار است[۲]۔

۱۔ استوری، ص۴۷۲

۲۔ نبی هادی، ص۱٤۸

تواریخ کاهر والان/ کارنامه[1] از رایزاده بهادر سینگ

شرحِ احوالِ مؤلف:

در مورد نویسنده این کتاب اطلاعی زیاد به دست نیامده است الا که نامش رایزاده بهادر سینگ بود و وی نبیرۀ رایزاده دونی چند، نگارندۀ کیگوهر نامه بود[2]۔ بهادر سینگ در موضع گلیانه زندگی می کرد[3]۔

سال تالیف:

بهادر سینگ در دیباچه گفته است که وی این کتاب را در روزگار مکرم خان در ۱۱۷۵ ه.ق نگاشته بود[4]۔

سبب تالیف:

مؤلف در تمهید این کتاب گفته است که روزی چاند میراثی تیره نامۀ قبیلۀ کاهروالان را بیان نموده و حاضرین برای تالیف تاریخِ بزرگانِ این قبیله اصرار نمودند[5] و به همین سبب مؤلف در تألیف این کتاب مشغول گشت۔

محتویاتِ کتاب:

به گفته دکتر ظهور الدین احمد سلسله کاهروالان تا پاندوان و کوروان می رسد۔ موسس این قبیله یکی 'بیر کالا' بود و نامِ زنش 'رای کاهو' بود که اولاد ایشان را کاهروال می گویند۔ درین کتاب ازین قبیله احوال سرداران ناموران اردر خان، سردار امیر خان، دولو خان، مرزا خوشحال خان وغیره بیان شده است۔ افزون بران این کتاب دارنده نسب

۱۔ نوشاهی،خضرعباس،گنجینه آذر، ص ۴۰۱

۲۔ احمد منزوی، فهرست مشترك، ج ۱۰، ص ۵۰۸

۳۔ نوشاهی،خضرعباس،گنجینه آذر، ص ۴۰۱

۴۔ همان

۵۔ ظهورالدین احمد،دکتر، پاکستان مین..،ج ۴، ص ۸۵

نامه های سرداران زیر قرار است؛ توبر خان(Thobar Khan)، مجاهد خان، رنگ خان، اولاد منگو خان، اولاد شاه زبیر خان۔ علاوه بر این احوال مختصر چند اقوام دیگر چون کودالان، اقوام جونان، اقوام ستیان وغیره هم داده شده است[1]۔ منزوی در فهرست مشترک سربندهای کتاب چنین بیان نموده است؛ در احوال قوم کاهروالان، داستانی در احوال دوله خان، احوال خوشحال خان، داستان ولادت پت رای ولد بیر کالا و شجره های قوم کاهروالان[۲]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب در تاریخ قوم کاهروالان نوشته شده است که نسب ایشان از پاندووان و کورووان در پیوند است۔ مؤلف در ین کتاب سرداران ناموران آن قبیله را ذکر نموده که در هیچ کتاب دیگر یافته نمی شود۔ این کتاب ازین رو هم ارزش مند است که علاوه بر کاهروالان مؤلف احوال مختصر قبایل دیگر آن دیار را هم بیان کرده است۔ در آخرین عنوان کتاب از راجه های قدیم هندوستان تا اکبر شاه دوم، مولف نام و کنیت وماه و سالِ زمانِ این بادشاهان را منضبط کرده است[۳] و این طور ارزش این کتاب افزون تر می شود۔

آغاز:

'هزاران شکر و سپاس به درگاه قادر ---- که از تقد مالا مال خویش--- خصوص بنی آدم را نعمت های گوناگون و چاشنی های بوقلمون از خزانه غیب---'[٤]

نسخه های خطی:

نسخه خطی تاریخ کاهر والان یا کارنامه که منحصر به فرد است در کتابخانه دانشگاه پنجاب در گنجینه آذر به شماره H-۵٦/ ۷۸۰۱ موجود است و هفتاد صفحه دارد[۵]۔

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر، پاکستان مین...، ج ٤، ص ۸۵

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج ۱۰،ص۵۰۸

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر، پاکستان مین...، ج ٤، ص ۸٦

٤۔ نوشاهی،خضرعباس، گنجینه آذر، ص ٤۰۱

۵۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج ۱۰،ص۵۰۸

مرآت احمدی از مرزا محمد حسن ملقب به علی محمد خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

مرزا محمد حسن پسر محمد علی ملقب به علی محمد خان[1] در ۱۲_۱۱۱۱ه.ق/۱۷۰۰ م در برهانپور متولد شد_به مطابق ریو و استوری مؤلف در مقدمهٔ کتاب گفته است که در ۱۱۲۰ه.ق به عمرِ هشت، نُه سال او از برهانپور به گجرات رفته بود[۲]_ به این دلیل سالِ ولادتش ۱۱۱۱ه.ق یا ۱۱۱۲ ه.ق و جای زایش برهانپورباشد_ پدرش در گجرات وقایع نگار رسمی احمدآباد که جاگیرِ شاهزاده معزالدین جهاندار شاه بود، گماشته شد[۳]_ در ۱۱۵۷ ه.ق/ ۱۷٤٤ م بعد از مرگِ پدرِ خود، مرزا محمد حسن جاگیرو عهدهٔ'امین' (داروغهٔ بازارِ پارچه) ولقبِ پدرِ خود 'علی محمد خان' گرفت[٤]_ در ۱۱۵۹ه.ق/۱۷٤٦ م به عهدهٔ دیوانِ گجرات سرافراز گشت[٥] و در ۱۱٦۳ه.ق/ ۱۷۵۰ م لقبِ بهادر یافت[٦]_

در ۱۱٦۱ ه.ق/۱۷٤۸ م مؤلف ،با کمکِ میتالال(Mittha Lal) که از سه نسل در نوشتنِ محاصل استان احمدآباد مامور بود[۷]، گوشواره های محاصل را جمع کرده آن تالیف را *'مرآت احمدی صوبه احمد آباد گجرات'* نام نهاد[۸]_ اما بعد از مشاورتِ دوستان، مرزا محمد از آن اثرِ *'مرآت احمدی صوبه احمد آباد گجرات'* وقایع تاریخی را چنیده که ضمیمهٔ آن کتاب بود و این وقایع تاریخی را با تفصیل درین کتاب تالیف نمود و در ۱۱۷۰ ه.ق سالِ چهارم جلوس عالمگیر دوم این تالیف را آغاز کرد[۹]_

۱_ نبی هادی،ص۳۸۸

۲_ ریو،ج۱،ص۲۸۹/استوری،ص۷۲۹

۳_ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱۸۲۷/استوری،ص۷۲۹

٤_ استوری،ص۷۲۹

۵_ همان ٦_ همان

۷_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٤۵

۸_ ریو،ج۱،ص۲۸۹

۹_ همان

سال تالیف:

علـی محمد خان نوشتنِ مقدمه این کتاب را در ١١٧٠هـ.ق/١ـ١٧٦٠ م آغاز کرد[١]ـ اما کتاب دردهم صفر ١١٧٥هـ.ق/١٧٦١ م تالیف شده بود[٢]ـ

محتویاتِ کتاب:

مـرآت احـمـدی دارنـدۀ تـاریـخ استـان گجرات از آغاز تا شکسـت مـرهتـه ها در ١١٧٤هـ.ق/١٧٦١ م است[٣]ـ مـولوی عبدالمقتدر در فهرست کتاب خانه بانکیپور محتویات این کتـاب چـنیـن بیـان نموده است؛ مقدمه در معرفی گجرات و محاصلِ آن در دوره قدیم اسـت ـ تـاریـخ راجه های هندووان، حمله سلطان محمود بر سومنات، آمدن اسلام و تاریخ شـاهـان اسلام در گجرات از ٦٩٦هـ.ق/١٢٩٦ م، تاریخ شاهان گجرات (از مرآت سکندری)، معرفی تیموریان از آغاز تا ١١٧٣هـ.ق/١٧٥٩ م،فتح گجرات به دست اکبر بادشاه و دوره او (از اکبـر نـامه)، تاریخ گجرات در زمان جهانگیر(از اقبال نامه معتمد خان)، تاریخ گجرات در دوره شـاهـجهـان(از پادشاه نامه وغیره)، روزگارِ اورنگزیب (ده سال نخست از تاریخ محمود کـاظم و دیگر فرامین شاهی)ـ همین طور تاریخ گجرات در دوره تیموریان متاخر ازان میان بهـادر شـاه، جهـانـدار شـاه، فـرخ سیـر، رفیـع الدرجات، رفیع الدوله، محمد شاه، احمد شاه، عالمگیر دوم ومحی السنه عالمگیر دوم تا پایان ١١٧٤هـ.ق/١٧٦٠ م[٤]ـ

خـاتـمـۀ کتـاب دارنـدۀ آگهـی ها درموردِ احمد آباد و توابع آن، مزارهای صوفیه و سـادات هـا، مـعـرفـی مـردمِ گـجـرات، قبیـلـه هـا و جاهای عبادت هندووان، اوزان و اندازه هـا،کـلانتـری هـا، مـلازمیـن سـرکـار و کـارهـای شـان، شهرسـتـان و پـرگنـه هـای استـان گجرات،بندرها، رود ها و دیگر معرفی جغرافیایی و مهمی در بارۀ استان گجرات است[٥]ـ

١ـ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون ١٧٠،ش٤٤٤

٢ـ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٤٦

٣ـ ریو،ج١، ص٢٨٨

٤ـ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٤٦

٥ـ ریو،ج١،ص٢٨٩

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مرآت احمدی اثری ارزشمند و معتبر در تاریخ گجرات به شمار می آید۔ این کتاب حاوی برخی فرامین های اورنگزیب گورگانی است که در شناخت نظام ارضی بسیار سود منداست[١]۔ فرامین شاهی در دسترسِ مؤلف بودند۔ مؤلف تاریخ و جغرافیا و نظام آن استان را خوب می دانست و بر وقایع زمان نظر قابلیت مندانه داشت[٢]۔

جادو نات سرکار(Jadunath Sarkar)، تاریخ نگارِ معروفِ هندوستان می گوید که 'مرآت احمدی' بعد از آیین اکبری، به طور ماخذِ اطلاعات دقیق و متنوعۀ دورۀ تیموریان، بهترین کارِ تاریخی به شمار می آید۔ به واژه خودِ وی:

"In short, the Mirat-e-Ahmadi is the only work of the class after Abul Fazl's justly famous Ain-e-Akbari, as the source of accurate information of diverse kinds relating to the Mughal empire."[٣]

آغاز:

'فهرس نسخه دفتر کل حمد پادشاه مالك الملکی که نصب و عزل فرمانروایان ممالك هفت اقلیم و والیان تخت و دیهیم و اورنگ نشینان کج کلاه ....'[٤]

نسخه های خطی:

نسخه خطی مرات احمدی در کتاب خانه های جهان فراوان است۔ازان میان نسخه موزه بریتانیا، اندیا آفیس، بانکی پورمعروف است۔ برای تفصیلِ نسخه های خطی 'مرآت احمدی' مراجع شود به استوری،ص ٧٣٠، مارشال، صص ٦٤_٦٥۔

در پاکستان فقط یك نسخۀ مرآت احمدی در کتابخانه موزه ملی پاکستان کراچی به

١۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٢،ص١٨٢٧

٢۔ نبی هادی،ص٣٨٨

٣۔ مارشال،ص٦٤

٤۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٤٥

شماره۲/۹٤۷-۱۹۵۷ N.M. موجود است۔این نسخه که در ۱۱۷۵ ه.ق نوشته شده بود مهر "تاریخ مرات احمدی، مالکه مؤلفه علی محمد خان بهادر ۱۱٦٤ه" دارد و شاید به قلم مؤلف نوشته شده است[۱]۔

تراجم و چاپ:

مرآت احمدی بارها به زبان انگلیسی و اردو و گجراتی چاپ گردیده است۔متن فارسی این کتاب به تصحیح سید نواب علی در سه جلد در۱۹۲۷، ۱۹۲۸ و ۱۹۳۰ م در کلکته به چاپ رسیده است[۲]۔

بخشی ازین کتاب به توسط دکتر جیمس برد(Dr. James Bird) به زبان انگلیسی، به نام Political and Statistical History of Gujrat در ۱۸۳۵م در لندن به چاپ رسیده بود[۳]۔ترجمه های اردوی مرآت احمدی از رضی الحق عباسی با عنوان آیینه گجرات در ۱۳۲٤ه.ق در بمئبی و از سید ابوظفر ندوی در ۱۳۵٦ه.ق در احمد آباد گجرات به چاپ رسیده است[٤]۔ برای تفصیل چاپ و تراجمِ دیگر مراجع شود به مارشال،صص ٦٤ و ٦۵۔

۱۔ نوشاهی،عارف،فهرست موزه ملی پاکستان ،ص۷٤٤

۲۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱۸۲۷

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٤۷

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۵۰٦

تاریخ بنگالا از منشی سلیم الله

شرحِ احوالِ مؤلف:

درباره احوال منشی سلیم الله نویسنده تاریخ بنگاله اطلاعی زیاد در دست نیست، البته این قدر معلوم شده است که وی به ناظم بنگال میر محمد جعفر خان از۷٤_۱۱۷۰ ھ.ق/ ٦۰_۱۷۵۷م به طور منشی خدمت می کرد(۱)_ میان ۱۷٦۰م تا ۱۷٦۳م وی به طور منشی به ناظم فورت ویلیام، هنری وانسیتارت(Mr. Henry Vansittart)، کار می کرد (۲)_ وی هنری وانسیتارت را به خطاب نواب ناصرالملك شمس الدوله تهور جنگ یاد کرده است (۳)_ منشی سلیم الله این کتاب را حسب خواهش همان هنری وانسیتارت نوشته بود و به همین علت این کار 'تهوّرنامه' هم خوانده می شود که خطاب وی بود(٤)_ اما پس ازان در۷۸_۱۱۷۷ ھ.ق/ ٦۵_۱۷٦۳م باز به خدمتِ میر جعفر خان آمده بود(۵)_ اعتصام الدین بجنوری نویسنده 'شگرفنامه' یکی از شاگردانِ منشی سلیم الله بود(٦)_

سال تالیف:

این اثر در ۱۷٦۳م تکمیل یافته بود(۷)_

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در تاریخ بنگال از بغاوتِ سوبا سینگ(Subha Singh) در ۱۱۰۷ھ.ق/ ٦_۱٦۹۵م تا مرگ علی وردی خان در ۱۱٦۹ھ.ق و آغاز کار سراج الدوله به طور ناظم بنگال است (۸)_ این کتاب در باب ها تقسیم نشده است بلکه مؤلف وقایع را تحت سرنامۀ

۱_ استوری،ص۷۱۵
۲_ امام الدین،سید محمد،مقدمه تاریخ بنگاله،ص یازده
۳_ ریو،ج۱،ص۳۱۲
٤_ امام الدین،سید محمد،مقدمه تاریخ بنگاله،ص یازده
۵_ استوری،ص۷۱۵
٦_ امام الدین،سید محمد،مقدمه تاریخ بنگاله،ص یازده
۷_ همان،ص دوازده
۸_ اته،اندیا آفیس،ج۲،ستون۷،ش۳۰۱۷

آن نوشته است۔ بعد از تمهید اولین سرنامه 'متوجه شدن اورنگزیب سمت دکن جهت تنبیه مخالفان درین ضمن هرج واقعه شدن در بنگاله' است و بعد ازان تفصیل بغاوت سوبا سینگ زمیندار چتوه و بردع بیان نموده است۔ این تاریخ شصت سالۀ شش نظامِ بنگال ازان ابراهیم خان، محمد عظیم الدین، جعفر خان، سرفراز خان، شجاع الدین محمد خان و اله وردی خان، است[1]۔ آخرین عنوان کتاب 'مسلط شدن مهابت جنگ بر صوبه بنگاله و بهار و تاخت آوردن او بر مرشد قلی خان و هزیمت نصیب شده راه دکن...' است و آخرین عبارت کتاب چنین است؛

'و از مهم مرهته فارغ البال شده به سیر و شکار پرداخت و در سنه یك هزار و یکصدو شصت و نُه هجری به مرض اسهال رحلت نمود و سراج الدوله به مسند نظامت جانشین او شد'[2]

سبكِ کتاب:

منشی سلیم الله این کتاب را در سبك ساده و روان نگاشته است۔ در بعضی مواردِ این کتاب واژه های عربی و گاهی واژه های محلی هم به کار برده شده است، چون جهالردار،پرکاله های،تهانه دار وغیره۔ مؤلف در نثر این کتاب پیوند اشعار هم می آرد۔برای نمونه نثر این کتاب یکی اقتباس اینجا داده می شود؛

'نقارچیان و سرناچیان و جلاجل زنان و توری نوازان از نقاره های گردون صدای فیلی و اسپی و شتری و قرنا و سرنا و نفیری و جلاجل های روین و سیمین و زرین به آوازِ بم وزیر نوبت زنان و رامش کنان و ترنم و حزین نغمه سرایان نوبت شادیانه به فلك می رسانیدندو پنج نوبت بر آسمان می زدند'[3]۔

۱۔ امام الدین،سید محمد،مقدمه تاریخ بنگاله،ص دوازده

۲۔ سلیم الله،منشی،تاریخ بنگاله چاپی،ص۱۷۵

۳۔ همان،ص۱۰۲

بیان جنگ ملاحظه شوید؛

'میر جعفر مورچال را پیش برده از ضرب گوله و بان و تیر و تفنگ کار بر الیمان تنگ ساخت و از خشکی و تری رسد او بند کرد۔ نوکران ملکه راه فرار پیمودند۔ جندرال با سیزده کس الیمان در کوتهی ماند و به دست خود توپ و حقه و بان می زد و مردم مورچال را فرصت بر آمدن و یورش نمودن بر کوتهی نمی داد و مدتی جنگ درمیان آنها ماند۔ از قضا گوله مورچال میر جعفر بر دست راست جندرال رسید و بازوی او بشکست و از کار رفت۔ ناچار درمیان شب با رفقا، خود را از کوتهی به در زد و بر جهاز سوار شده راه ولایت گرفت'(۱)

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این اثر دارنده تاریخ شصت ساله بنگال است۔ مؤلف خود منشی میر جعفر خان و هنری وانسیتارت بود و بر وقایع زمان اطلاع بسیار داشته بود۔ ارزشِ این کتاب ازین عیان است که فرانسیس گلادوین این کتاب را به زبان انگلیسی به نام " Narrative of the transactions in Bengal," در ۱۷۸۸ م ترجمه کرده بود(۲)۔

آغاز:

'حمد نامعدود واجب الوجود، بحریست بی ساحل و ثنای بی منتهای خالق کن فیکون عمانیست هایل ناخدای عقول عشره به سفاین افکار و اوهام......'(۳)

نسخه های خطی:

نسخه خطی تاریخ بنگاله از سلیم الله در کتاب خانه جهان بسیار است و در موزه بریتانیا، اندیا آفیس، انجمن آسیایی بنگال در گنجینه کرزن، کتاب خانه آصفیه، برلین و

۱۔ سلیم الله،منشی،تاریخ بنگاله چاپی،ص۸۱

۲۔ استوری،ص٧١٦

۳۔ سلیم الله،منشی،تاریخ بنگاله چاپی،ص۱

ایدن برگ نگهداری می شود [1]۔ در کتابخانۂ اندیا آفیس نسخه ای به شمارۂ فهرست٤٧٨ دارندۂ ١٣١ برگ ودیگری به شمارۂ فهرست٣٠١٧ دارندۂ ١٠٤ برگ است۔ نسخه ای در کتاب خانۂ موزه بریتانیا به شماره Or. ١١١٨موجود است و ٩٣برگ دارد۔بخشی ازین کتاب در موزه بریتانیا به نسخه خطيِ شماره Or. ١٩٦٣ از برگ ١٣٧ تا ١٥١ نگهداری می شود[2]۔

تراجم و چاپ:

این کتاب با تصحیح و مقدمۂ انگلیسی ازدکتر سید محمد امام الدین در ربیع الثانی ١٣٩٩ھ.ق/مارس١٩٧٩م در داکه؟،بنگله دیش به چاپ رسیده است و همین کتاب چاپی موردِ نگارنده این مقاله است۔

فرانسیس گلادوین(Francis Gladwin) این تاریخِ 'بنگالا' را به زبان انگلیسی به نام(Narrative of the transactions in Bengal) ترجمه کرده بود و این ترجمه در ١٧٨٨م در کلکته به چاپ رسیده بود [3]۔ ریو سال چاپ این ترجمه ١٨٨٨م نوشته است[4] که غلط است و استوری سالِ چاپِ این ترجمه درست داده است۔

۱۔ استوری،صص٧١٥_٧١٦

۲۔ ریو،ج٣،ص١٠٣٩

۳۔ مقدمه امام الدین،ص نهم/اته،اندیاآفیس،ج١،ستون١٨٥،ش٤٧٨/استوری،ص٧١٦

٤۔ ریو،ج١،ص٣١٢

تاریخ مهابت جنگ یاتاریخ علی وردیخان[١]/ تاریخ بنگالا مهابتجنگی[٢]

از یوسف علی خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

نویسندهٔ 'تاریخ مهابت جنگ' یوسف علی خان پسر غلام علی خان[٣] است۔ پدرش غلام علی خان در پتنه 'دیوان خالصه' بود[٤]۔ غلام علی خان یکی از اشراف زمانِ خود بود و به طور سپه سالار صمیمِ و 'ارد بیگیِ' علی وردی خان می گزراند و در زمان نواب موصوف، یوسف علی خان هم مانند پدرِ خود مقام ارزشمند داشت و درباری و سرهنگ بود[٥]۔ خود یوسف علی خان دوست صمیمِ اله وردی خان بود[٦]۔ او با دختر علا الدوله سرفراز خان ازدواج کرده بود[٧]۔ یوسف علی خان تحتِ سر پرستی علی وردی خان مهابت جنگ و سراج الدوله مانده تاریخ این استان داران تالیف کرد و برای خوشنودی انگلیسیانِ شرکت هندِ شرق، در نوشتنِ تاریخِ سراج الدوله عصبیت را به کار برده است[٨]۔

یوسف علی خان در ١١٧٠ه.ق/١٧٥٦م آغازِ نوشتن تاریخ عمومی به نام 'حدیقة الصفا' کرد و درین کتاب وقایع تاریخی تا سال ١١٧٣ه.ق/١٧٥٩م بیان نموده است[٩]۔ در ١١٧٧ه.ق/٤-١٧٦٣م یوسف علی خان در اله آباد به حالت بیماری بود و همانجا 'تاریخ مهابت جنگ' را تالیف کرد[١٠]۔ یوسف علی خان درموردِ وقایع سیاسیِ هندوستانِ شرق از ١٧٦١م تا ١٧٦٧م که وی با چشم خود ملاحظه کرده بود، کتابی به نام 'مجموعهٔ یوسفی' نیز نگاشته است[١١]۔ میان ١١٨٠ه.ق تا١١٨٤ه.ق/١٧٦٦م تا١٧٧٠م در مرشدآباد بود و آنجا 'تذکرهٔ یوسف علی خان' در ذکرِ شاعرانِ قدیم و جدید تالیف کرد[١٢]۔در اواخر عمرِ

١۔ استوری،ص٧١٧ ٢۔ ریو،ج١،ص٣١٢

٣۔ استوری،صص١٣٩ و ٧١٧ ٤۔ مارشال،ص٤٩٤

٥۔ عبدالسبحان،مقدمه تاریخ بنگالا مهابت جنگی،ص ده

٦۔ ریو،ج١،ص٣١٢

٧۔ ریو،ج٢،ص٨٠٦/استوری،ص١٤٠

٨۔ نبی هادی،ص٦٢٨ ٩۔ مارشال،ص٤٩٤

١٠۔ ریو،ج١،ص٣١٢ ١١۔ مارشال،ص٤٩٤

١٢۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج١،ص١٩٢

خود از مرشدآباد هجرت کرده به اله آباد اقامت گزید[۱]۔

درباره تاریخ وفاتِ یوسف علی خان اطلاعی حتمی در دست نیست اما اسپرنگر می گوید که یوسف علی خان پیش از ۱۱۹۵ھ.ق/ ۱۷۸۱م فوت کرد[۲]۔ استوری هم ازو اتفاق می کند۔

سال تالیف:

تاریخ مهابت جنگ در ۱۱۷۷ھ.ق/ ٤-۱۷٦۳م در اله آباد نوشته بود[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب مشتمل بر شرحِ احوالِ زندگانی و حکمرانی اله وردی خان و جانشینانش سراج الدوله است[٤]۔ این کتاب از اوایل زندگانی مهابت جنگ آغاز شده است۔ بعد از بیانِ وفاتِ جعفر خان و شجاع الدوله وغیره، ذکر نهضت نواب معلی القاب علی وردی خان داده شده است و آخرین عنوان **'احوال متمکن شدن سراج الدوله بر مسند ایالت بنگاله و سوانحی که در دوره حکومتش روی نمود '** است[٥]۔ آخرین واقعه که درین کتاب درج شده است، وفاتِ سراج الدوله به پانزدهم شوال هزار و یك صد و هفتاد ویك هجری است[٦]۔

این کتاب به نام 'تاریخ مهابت جنگ'، 'احوال علی وردی خان'، 'احوال مهابت جنگ' و 'کتاب تواریخ نامه' هم معروف است[۷]۔

منابع و مآخذ تاریخ مهابت جنگ:

در باره منابع خود مولف گاهی نام های عبدالهادی خان بخشی و میر محمد جعفر

۱۔ نبی هادی،ص٦۲۸

۲۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۱۹۲

۳۔ عبدالسبحان،مقدمه تاریخ بنگالا مهابت جنگی،ص۹/یوسف علی خان،تاریخ بنگاله مهابت جنگی چاپی،ص٥۱

٤۔ مارشال،ص٤۹٤

٥۔ فهرست تاریخ بنگالا مهابت جنگی چاپی،صص هفتم تا نهم

٦۔ یوسف علی خان،تاریخ بنگاله مهابت جنگی،ص ۱۷۰

۷۔ مارشال،ص٤۹٤

خان را ذکر نموده است کـه آنان در وقایع مذکورِ این کتاب، کارهای مهمی انجام دادند[1]۔ علاوه بر این مؤلف بیشتر وقایع را با چشم خود ملاحظه کرده بود۔

مؤلف خود از دوستان صمیم اله وردی خان بود۔ دربیان وقایع مؤلف سندِ آن وقایع هم بیان نموده است، به طور مثال درین کتاب جمله ها چون **'در عرض یك سال حکومت که محرر سطور شام و صباح همواره در آنجا حاضر بود'، 'راقم بلاواسطه از آنجناب شنید'، 'به حسب اتفاق مسود این اوراق دران روز حاضر بود'، 'از ثقات به استماع رسید که باعث برین داعیه هیبت جنگ را دو امر شد'، 'راقم از مهدی نثار خان مرحوم که بخشی فوج هیبت جنگ بود، بلا واسطه شنیده که...'، 'چنانچه راقم بلا واسطه از خواجه عبدالهادی خان بخشی شنید که...'، 'لیکن راقم حروف خود بلا واسطه از زبان میر محمد جعفر خان بهادر شنید که...'** دیده می شود[2]۔

سبكِ کتاب:

این اثر در سبك ساده و روان نوشته شده است۔ گاهی مؤلف کلمات متوازن و مسجع هم به کار برده است اما از حد اعتدال خارج نشده است۔ به روش آن زمان واژه های عربی هم به کار برده است۔ گاهی عبارت را از آیات هم می پردازد۔ گاهی نثر را با اشعار مزین ساخته است۔ بعضی جا جمله های طویل به کار برده است۔ مهابت جنگ را درین تاریخ نواب معلی القاب خوانده است۔ برای نمونه یکی اقتباس ازین کتاب داده می شود۔

'بعد ازانکه مراسلات مزور ارباب تزویر به حد افراط رسید از آنجا که حفظ ناموس از جمله لوازم ارباب ناموس است، نواب معلی القاب که به قصد ضبط و نسق صوبه بهار کنار تالاب وارث خان بلده عظیم آباد رحل اقامت داشت، درین سفر سراپا خطر مجبور گشته به

۱۔ ریو، ج۱، ص۳۱۲

۲۔ عبدالسبحان، مقدمه تاریخ بنگالا مهابت جنگی، ص بیست و دو

جمعیت هفت هشت هزار سوار ازموضع مذکور کوچ کرده طرف شرقی بلده مسطور محل باغ جعفر خان به عزم سفر بنگاله رایت اعتلا بر افراشت، و بعد طی منازل از دره سکریگلی که دران زمان عطاالله خان داماد حاجی احمد از قبل نواب مستغنی القاب در تصرف داشت و بنا بر پاس قرابت متفق با او بود عبور فرمود'[۱]-

گاهی چون نام جای یا شخصی محلی می آید ،آنجا مؤلف واژه های محلی به کار می برد- به طور مثال بهاگلپور، بهدرك، مور بهنج، بهاسکر، راجه درلبه رام، رگهو بهوسله وغیره- همین طور چکرا(Chhakra یعنی ارابه)، کوتی(Kothi یعنی ساختمان)، رت(Rath)، کرکی(Khirki یعنی پنجره)، کتاری(Katari یعنی خنجر)،کچری(Khichri یعنی چلو) وغیره[۲]-

در برخی موارد این کتاب جمله های عالی هم دیده می شود چون 'صبح دیگر که شام عمر بهاسکر بود' یا ' و بعد ورود به اکبر نگر چون کارکنان قضا و قدر کشتی سواری و سفینه عمر او را به ساحل ناامیدی رسانده بودند از اتفاقات به سبب کمی آب سفینه اش بر خاك نشست' - گاهی کلمات مسجع و مقفیٰ را به کار برده است، به طور مثال این اقتباس را ملاحظه کنید:

'طرفین ادای شکر منعم حقیقی از دست و زبان و جنان و لسان پرداختند و خاصه و عامه سکنه شهر از ورطه هلاك نجات یافته به عز بساط بوس فایز شدند و بعد یك دو مقام آن والا مقام، قرین فتح و ظفر و رایت نهضت و اعتلا بر افراشته، در کمال تنعم و ناز دشمن گداز، دوست نواز، بعد طی مراحل وارد شهر عظیم آباد شده ظلال رأفت و عاطفت، بر مفارق سکنه آن دیار انداخت و کرةبعد اخری به ادای شکر واهب النعم پرداخته ایصال و ارسال نذور و صدقات به سادات و مومنین و فقرا و مساکین فرمود'[۳]-

---

۱- یوسف علی خان،تاریخ بنگاله مهابت جنگی،ص ۱۳

۲- عبدالسبحان،مقدمه تاریخ بنگالا مهابت جنگی،ص سی و دو

۳- یوسف علی خان،تاریخ بنگاله مهابت جنگی،ص۱۰۸

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه مؤلف از دوستان اله وردی خان و دامادِ علاالدوله سرفراز خان بود اما در بیانِ تاریخ وی بسیار راست گو است۔جوناتن اسکات و جادونات سرکار این کار را ترجمه کرده اند که دلیل بر ارزش تاریخی و ادبی این کتاب است۔ نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه جهان هم یکی از سبب ارزشِ این کتاب است۔

آغاز:

'اجداد آن معلی القاب از قوم اتراك بودند و جدش نسبتِ رضاع با عالمگیر بادشاه داشت........'[1]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تاریخ مهابت جنگ از یوسف علی خان در کتاب خانه جهان فراوان است۔مهم ازان نسخه های خطی در کتاب خانه موزه بریتانیا،انجمن آسیایی بنگال، اندیا آفیس،کتابخانه باد لین، دانشگاه پتنه،کتابخانه رضا رامپور،موزه سالار جنگ، کتابخانه دانشگاهِ ایدنبرگ موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۷۱۷ و مارشال ص٤٩٤۔

تراجم و چاپ:

این اثر به سعی و اهتمام و مقدمه انگلیسیِ عبدالسبحان، از سوی انجمن آسیای بنگال کلکته در ۱۹٦۹م به چاپ رسیده است۔

این اثر به توسط جوناتن اسکات در کتابش 'تاریخ دکن فرشته' در انگلیسی ترجمه شده در ۱۷۹٤م در شروس بری (Shrewsbury) به چاپ رسیده است[2]۔ ترجمۀ دیگر این

۱۔ عبدالسبحان،مقدمه تاریخ بنگالا مهابت جنگی،ص۱

۲۔ استوری،ص۷۱۷

کتاب از جادونات سرکار در کتابش 'نوابان بنگال' در ۱۹۵۲م در کلکته چاپ گردیده است[۱]۔بخشی ازین تاریخ بنگالۀ مهابت جنگی که درباره تاریخ سراج الدوله است، آرتر هیجز(Arthur Hughes)هم به زبانِ انگلیسی ترجمه کرده بود[۲]۔

آثار دیگر مولف:

۱۔ **حدیقة الصفا:** که تاریخ عمومی از آغاز تا ۱۱۷۳ھ.ق/۱۷۵۹م است۔ این اثردر سه جلدو یك خاتمه نوشته شده بود۔ خاتمه کتاب در باره ذکر شاعران معاصر است[۳]۔

۲۔ **تذکرۀ یوسف علی خان:** تذکره شاعران است که در ۱۱۸٤ھ.ق/۱۷۷۰م در مرشدآباد تکمیل یافت۔این کتاب دارنده احوال سه صد شاعران قدیم و جدید و بیست شاعران معاصر است[٤]۔

۳۔ **مجموعۀ یوسفی:** روزنامچه یوسف علی خان است۔ درین کتاب مولف وقایع سیاسیِ هندوستانِ شرق،از ۱۷٦۱م تا ۱۷٦۷م را ذکر نموده است که با چشم خود ملاحظه می کرد[۵]۔

٤۔ **تاریخِ نظامتِ میرمحمدقاسم:** ریو در ذیلِ 'تاریخ مهابت جنگ' اشاره به این تاریخ کرده است که در نسخه خطی موزه بریتانیا به شماره ۲۷۳۱٦ .Add بر برگ ۱۰۱ب، مؤلف 'تاریخ نظامت میر محمد قاسم' راذکر نموده است[٦]۔

۱۔ مارشال،ص٤۹٤

۲۔ عبدالسبحان،مقدمه تاریخ بنگالا مهابت جنگی،ص چهل و شش

۳۔ مارشال،ص٤۹٤

٤۔ همان

۵۔ همان

٦۔ ریو،ج۱،ص۳۱۲

ریاض الملوك از محمد غوث پشاوری

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوالِ محمد غوث بن محمد فایق قطب شاهی پشاوری[۱] اطلاعِ کافی در دست نیست و آنچه که او در باره خود درین کتاب ذکر کرده است هم کافی نیست۔ البته از دیباچه کتاب این قدر معلوم شده است که مؤلف در حالتِ بیکاری و پریشانی به حسن ابدال رسید و آنجا یکی دوستِ صمیمش، وی را به خدمتِ احمد خان درانی بُرد و بنای ارادت و اتحاد استوار گشت و آنجا با تیمور شاه درانی هم صحبت می کرد[۲]۔ نبی هادی گفته است که محمد غوث بن محمد فایق در ملازمت احمد شاه ابدالی به طورِ اتالیقِ پسر وی بود و این وقایع و حکایات را برای شاگردِ برنای خود نگاشته بود[۳]۔ از تاریخ مرگ وی اطلاعی در دست نیامده است۔

سال تالیف:

اگرچه در منابع سال تالیف این اثر به دست نیامد البته چون محمد غوث پشاوری این کتاب را برای تیمور شاه پسر احمد شاه ابدالی تالیف کرده بود، می توان اندازه بگیرد که این اثر در دورۂ شاه عالم نگاشته شده باشد۔ بر نسخۂ خطی 'ریاض الملوك' که منحصر به فرد است، تاریخ ۱۲٤۹ھ.ق/۱۸۳۳م نگاشته شده است[٤]۔ البته نبی هادی سال تالیف این اثر در حدود ۱۱۸۰ھ.ق/۱۷٦٦م بیان نموده است[٥]۔

سبب تالیف:

مؤلف در مقدمه می گوید که روزی چند وکلای دربار به وی فرمایش کردند که بر

۱۔ ظهور الدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج۳، ص۸۸۵

۲۔ همان

۳۔ نبی هادی، ص۳۸۵

٤۔ استوری، ص٦٤٩

٥۔ نبی هادی، ص۳۸۵

احوال و کوایفِ سلاطین و امرا، باید کتابی را مرتب بسازد که به بادشاه پیش کنند چنانچه وی این کتاب را به رشته تحریر درآورد[1]۔

محتویاتِ کتاب:

محمد غوث بن محمد فایق ریاض الملوك را در یك مقدمه، دو ریاض که هر یك ازان در چهار گلدسته منقسم است و یك خاتمه نگاشته است۔ محمد غوث بن محمد فایق شاعر هم بود و در تمهیدِ این کتاب از حمد و نعت و مدح شاه اشعارِهم گفته است[2]۔ مقدمه در مورد قوانینِ ریاست و سلطنت است۔ روضهٔ یکم در ذکر بعضی از سلاطین سلف و روضهٔ دوم در بعضی از امرای نامدار است۔ مؤلف می نویسد که برای بادشاه پنج قسمِ سیاست لازم است؛سیاستِ نفس،سیاستِ بدن، سیاستِ خواص، سیاستِ جمهوریت و سیاستِ جنگ[3]۔ در هر روضه چهار گلدسته به عنوان؛ عدل، مروت، سخاوت، غیرت و همت است[4]۔ در هر عنوان حکایات و وقایع از سلاطین و امرا آورده شده است۔ خاتمه کتاب در وصایای ضروری برای شاهان است و چون نظامی عروضی سمرقندی در چهار مقاله چهار اشخاص را برای بادشاه لازم قرار داده است، صاحبِ ریاض الملوك محمد غوث هم ده اشخاص را لازم گردانیده که برای نظم و نسقِ سلطنت ناگزیر است؛ ۱۔حاکم عادل، ۲۔وزیر عامل، ۳۔کاتب عارف، ٤۔حاجب عاقل، ٥۔عامل کافی، ٦۔اعوان و انصار، ۷۔طبیب حاذق، ۸۔آشپز، ۹۔لشکرقوی، ۱۰۔مال بسیار[5]۔

سبكِ کتاب:

محمد غوث پیشاوری آغاز این کتاب با اشعار حمد و نعت و مدح پادشاه کرده است۔ وی این اثر را با حکایات ووقایع تاریخی مزین ساخته است که ازان خواننده این کتاب

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۳،ص۸۸۵

۲۔ همان،ص۸۸٦

۳۔ همان،ص۸۸۵

٤۔ فتح نیاطبری،مژگان،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۵۷

۵۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۳،ص۸۸٦

خسته نمی شود۔(برای بررسی سبك كتاب، نسخه خطی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

چون مؤلف از احمد شاه درانی و تیمور شاه و به حکام و امرای ایشان وابسته بود وقایع آنان، دیده و شنیدۂ مؤلف است، ازین نظر این کتاب ارزشِ فراوان دارد که حکایات و وقایع را از منابع مستند گرفته است۔

مآخذ و منابع:

در بیانِ وقایع سلاطین سابق مؤلف تواریخِ مستند چون روضة الصفا، روضة الاحباب، اکبر نامه، واقعات شیر شاهی، واقعات اکبری، اقبالنامه جهانگیری، شاهنامه شاهجهانی، روضة الطاهرین، تذکره دولتشاه، تاریخ فرشته، سراج القلوب،تاریخ هندی و چمنستان را به طور مآخذ بیان نموده است[۱]۔

آغاز:

'غواصی خامه سحر کاردر قعر بحر فکر و به دست آوردن.....' [۲]

نسخه های خطی:

نسخه خطی ریاض الملوك که منحصر به فرد است در دانشگاه پنجاب به شماره ۱/٤۳ Pe/۷۰۹ نگهداری می شود[۳]۔

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۳،ص۸۸٦

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۲۲

۳۔ همان

جام جهان نما از مظفر حسین مهارت

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد مظفر حسین خان المخاطب به مهارت خان متخلص به وصفیؔ[۱] یا یوسفیؔ[۲] پسر حکیم غلام محمد خان به روز شنبه ۲ ربیع الثانی ۱۱۱۸ ه.ق/۱۷۰۶م در اورنگ آباد به دنیا آمد[۳]۔ وی از اولاد صوفی معروف خواجه کوهی بود[٤]۔ جدِ بزرگِ وی مولانا محمد اسلم در دوره جهانگیر از هرات به هندوستان آمد[٥]۔ پدرش حکیم غلام محمد خان در دوره فرخ سیر به توسط اعتماد خان جاگیر و منصب پانصدی گرفت[٦]۔

مظفر خان مهارت به عمر هفت سال از پدرش قرآن کریم خواند و پس ازان از شاه عبدالحکیم کتاب های رسمی فارسی خواند و از مولانا مرزا نذر علی دستور زبان عربی و منطق و علم بیان آموخت[۷]۔ به عمر پانزده سالگی برای خواندن علم پزشکی از حکیم محمد حسین ملقب به بقراط خان پسر حکیم معصوم خان پیوست[۸]۔حکیم محمد حسین ملقب به بقراط خان در زمان محمد شاه طبیب شاهی بود و بعد از چند سال مظفر حسین مهارت هم یکی از طبیبان شاهی گردیده شد[۹]۔ وی شش سال نزدِ استادِ خود مشقِ پزشکی کرد و دوران کسب علوم پزشکی تحتِ رهنمایی مولانا غیرت الله کسبِ فلسفه، الهیات، ریاضی، نجوم، موسیقی و علومِ دیگر کرد[۱۰]۔

از تاریخ مرگِ مظفر حسین اطلاعِ دقیق در دست نیست ، اما چون وی در ۱۱۱۸ه.ق به دنیا آمده و در ۱۱۸۰ه.ق این کتاب را نگاشته بود، قیاس است که در اواخرِ قرن

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱٤

۲۔ الیوت،ج۸،ص۱۵۸

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱۲ ٤۔ همان،ص۱۱

۵۔ الیوت،ج۸،ص۱۵۹

٦۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱۱

۷۔ الیوت،ج۸،ص۱٦۰ ۸۔ همان،ص۱٦۰

۹۔ استوری،ص۱۳۹

۱۰۔ الیوت،ج۸،ص۱٦۱

دوازدهم هجری فوت شده باشد۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۸۰ھ.ق/۷_۱۷٦٦م به تکمیل رسیده بود[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب که یك گونه دایرة المعارف است، دریك مقدمۀ مختصر و پنج باب یا گفتار تقسیم شده است۔ ترتیب و محتویاتِ این گفتار ها چنین است؛ **گفتار اول** مشتمل بر چهار کلمه است[۲] که بر هنر سخن گفتن، آداب، فراست و فطانت وغیره است[۳]۔ **گفتار دوم** مشتمل بر شش کلمه دارندۀ احوال تاریخی از شاهان امویان، عباسیان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، دیلمیان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، اتابکان، اسماعیلیان، قراختاییان و شاهان روم و شریفان مکه و مدینه، ترکان، چنگیز خان و جانشینانش، ملوك الطوایف و مظفریان و کرت و سربداران و تیمور و جانشینانش و قراقونلو و آق قونلو و صفویان[٤] است۔ **گفتار سوم** دارندۀ یك مقدمه، دو کلمه و یك خاتمه است[٥] که درموردِ جغرافیای هفت اقلیم، عجایبات وزندگی نامه مردم های معروف هر دیار و شاعران هندوستان از دوره اکبر تا ۱۱۸۰ھ.ق با نمونۀ کلامِ ایشان[٦] است۔ **گفتار چهارم** مشتمل بر دو مقاله[۷] درذکرِ فرشتگانِ بهشت و زمین، عناصر، مبدای رودها، جانوران و پرندگان وغیره است[۸]۔ **گفتار پنجم** دربیان نوشتاری و زبان و دستورِ زبان، معانی و بیان، نثرو انشا و تفسیر و حدیث و قانون[۹] فلسفه ونظام حکومت وغیره است[۱۰]۔

منابع جام جهان نما:

۱۔ استوری،ص۱۳۹/ الیوت،ج۸،ص۱٦۱

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱۲

۳۔ الیوت،ج۸،ص۱٦۲

٤۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،صص۱۲ و۱۳ ٥۔ همان،ص۱۳

٦۔ الیوت،ج۸،ص۱٦۲

۷۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱٤

۸۔ الیوت،ج۸،ص۱٦۲

۹۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱٤ ۱۰۔ الیوت،ج۸،ص۱٦۲

مؤلف منابع و اسناد تاریخی خود را ذکر نکرده است، ولی قسمت بزرگِ این کتاب گرفته از 'مدینة‌العلوم' و 'نفایسِ الفنون' معلوم می شود[۱].

سبك كتاب:

این کتاب هنوز به زیورِ چاپ آراسته نشده است و به علتِ عدم دست یابی نسخهٔ خطی 'جامِ جهان نما' نگارندهٔ این سطور از قضاوت حتمی در مورد سبك این کتاب قاصر است. اما چون این کتاب در مورد تاریخ جهان است، امکان غالب است که به روشِ تاریخ نویسی دورهٔ تیموریانِ متاخر در سبك ساده و متین نگاشته شده باشد. البته گفتار اول که پیرامون هنرِ سخن گفتن است ممکن است که در سبك متکلف نگاشته شده باشد. اما رد یا قبولِ این امر منحصر به بررسی نسخه خطی این کتاب است.

ارزشِ ادبی و تاریخی:

جام جهان نما کتابی بسیار ارزشمند از مظفر حسین مهارت است. چون مظفر حسین در علم فلسفه و پزشکی و نجوم و بسیار علوم دیگر مهارت بسیار داشت، درین کتاب هم برابر تاریخ معلومات پر ارزش رقم کرده است. این طور این کتاب یك گونه دایرة‌المعارف محسوب می شود. دراصل فقط گفتارِ دوم این کتاب در موردِ تاریخ شاهان اسلام از امویان تا تیموریان است. از نظر ادبی گفتارِ سوم این کتاب خیلی مهم است که دران مؤلف شاعران هندوستان از دوره اکبر تا زمان خود پرداخته است. مؤلف چون خود از دربار وابسته بود و از خانوادهٔ علمی تعلق داشت، بر اخبارِ آنزمان خیلی واقفیت داشت. اما از نظرِ تاریخی این کتاب زیاد مهم نیست.

آغاز:

'افتتاح سخن سخن سنجان به حمد صانع شایان و آغاز کلام متکلمان به ثنای سخن

۱ـ الیوت، ج۸، ص ۱۶۱

آفرینی سزاوار...‘[۱]

نسخه های خطی:

واحد نسخه کامل جام جهان نما از مظفر حسین مهارت در کتاب خانه بانکیپور در دو جلدبه شماره ۱۷۵۲ و ۱۷۵۳ موجود است ـ این دو جلد بالترتیب ۲۳۹ و ۳۰۸ برگ دارد [۲]ـ

این نسخه خطی تصحیح کرده مولف معلوم می شود چون در آخرِ جلد دومِ این نسخه عبارتِ زیر قرار نوشته شده است: **’تمام شد کتاب مسمی به جام جهان نما من تصنیف افضل المتاخرین محمد مظفر حسین الطبیب المخاطب به مهارت خان متخلص بیوصفی[؟] در سنه یك هزار و یك صد و هشتاد من السنه النبویهٔ به فضل الوهاب در بلده فاخره محمد آباد بنارس به یدالمولف...‘**[۳] ـ به همین خط بر ین نسخه خطی تصحیح شده است[٤]ـ

در کتاب خانه موزه بریتانیا هم چکیده ای ازین کتاب به شماره Or. ۱۷۵۵ از برگ ۲ تا ۲۳ و به شماره Or. ۱۷٦۲ از برگ ٤۷۷ تا ۵۰۲ موجود است ـ نسخه ای که مورد استفاده الیوت بود به تصرف راجه بنارس بود و دارندهٔ ۱۳۳۲ صفحه بود[۵]ـ

تراجم و چاپ:

بخشی از ترجمه انگلیسی این کتاب به موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸۰ از برگ ۱۹۵ تا ۲۱٤ نگهداری می شود[٦]ـ اما الیوت در تاریخ خود ازین اقتباس نقل نکرده است ـ

آثار دیگر مؤلف:

علاوه بر جام جهان نما مظفر حسین مهارت کتابی ’اصول طب‘ ، ’سراج الطب‘ ، ’منهاج الطب‘ و چند رساله های دیگر هم نگاشته بود[۷]ـ

۱ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۳۱، ص ۱۱

۲ـ همان، صص ۱۰ و ۱۳

۳ـ همان، ص ۱٤

٤ـ همان

۵ـ الیوت، ج۸، ص ۱٦۲

٦ـ ریو، ج۳، ص ۱۰۱۹

۷ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۳۱، ص ۱۲

ملاحت مقال از دلپت رای

شرحِ احوالِ مؤلف:

دلپت رای ملقب به راو دلپت سینگ پسر گلاب رای[1] در خاتمه کتاب می گوید که او در احمد بادِ گجرات متولد گردید[2]۔ پدر او گلاب رای از متصدیانِ آنجا بود[3]۔ دلپت رای به زبان عربی، فارسی، سانسکریت، پراکرت وغیره مهارت حاصل کرد[4]۔ هفت سال در خدمتِ مهاراجه جگت سینگ(۱۱٤۷ه.ق تا ۱۱٦٥ه.ق) در اودی پور به سر برد و برای او ترجمۀ دیوان حافظ به زبان هندی پرداخت[5]۔ بعد از وفاتِ جگت سینگ او به ملازمان راجه مادهو راو(Madhu Rao) پیوست۔راجه مادهو سینگ او را به دربارِ احمد شاه و عالمگیر دوم، وکیل نامزد ساخت[6] اما به سبب یورشِ احمد شاه ابدالی در ۱۱۷۳ه.ق باز به جی پور آمد[7]۔به فرمایش همان راجه مادهو راو، دلپت رای این اثر را به پنجاه و هفت سالگی در ۱۱۸۱ه.ق بعد از وفاتِ آن راجه پرداخت[8]۔

سبب تالیف:

اگرچه این کتاب حسبِ فرمایشِ راجه مادهو راو مرتب شده بود[9] اما بعد از وفات راجه موصوف این کتاب را برای پسرِ خود سانپت رای تالیف کرد[10]۔

سال تالیف:

این اثر نزدِ ۱۱۸۱ه.ق نوشته شده بود۔ چون بالا ذکر آمده که این کتاب بعد از وفاتِ راجه مادهو راو تکمیل یافته بود و مادهو راو در ۱۱۸۱ه.ق/۸۔۱۷٦۷م فوت شده

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰٦ ۲۔ همان
۳۔ همان ٤۔ همان
۵۔ استوری،ص۵۱۹
٦۔ نبی هادی،ص۱٤۹
۷۔ استوری،ص۵۱۹
۸۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰٦
۹۔ عبدالله، دکتر سید،سهم هندووان...،ص۱۱۸
۱۰۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰٦

بود[۱]۔ منزوی نوشته است که دلپت رای به دستورِ همین مادهو سینگ بدان پرداخته و کمی پس از مرگش به انجام رسانده است[۲]۔

محتویاتِ کتاب:

ملاحت مقال در تاریخ تیموریان هند و امیرانِ ایشان بیان شده است۔ کتابِ مذکور مشتمل بر دو فصل منقسم شده است۔ فصل یکم در باره شاهانِ تیموریان است۔ علاوه بر این مؤلف درین فصل ذکر امیران از عهدِ اکبر اعظم تا زمانِ محمد شاه تاریخ وار بیان نموده است [۳]۔ درین فصل مؤلف احوالِ سرپرست های خود یعنی جگت سینگ(Jagat Singh) و مادهو راو را هم ذکر کرده است [٤]۔ فصل دوم در مواردِ مختلفه است که تحت عنوان ها بیان شده است[٥]۔

سبکِ کتاب:

چون متن کامل این کتاب به صورت چاپی یا دستنویس در دسترسِ نگارنده این سطور نیست، قضاوتِ حتمی در موردِ سبکِ این کتاب امکان پذیر نیست۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

ملاحت مقال مشتمل بر داستان های تاریخی و لطایف است [٦]۔ این کتاب ازین نظر بسیار ارزش مند است که علاوه بر شاهان تیموریان دارندۀ احوال امیران آن روزگار نیز است۔

آغاز:

'ملاحت مقال از مدح ممدوحی ست که جلوه اش مستغنی ست از خط و خال و کم

۱۔ استوری،ص۵۱۹
۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج٦،ص۱۰۵۸
۳۔ مارشال،ص۱۲٤
٤۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰٦
٥۔ استوری،ص۵۱۹
٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج٦،ص۱۰۵۸

و کیف و قدرتش مبراست از شایبهٔ میل و حیف.....»[1]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی ملاحت مقال در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۲۸ و در کتاب خانه انجمن آسیای درگنجینه کرزن موجود است ـ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،صص۵۱۹ و ۱۳۱۲ و مارشال،ص۱۲٤ ـ در پاکستان پنج نسخه های خطی ملاحت مقال در کتاب خانه دانشگاه پنجاب موجود است ـ برای تفصیل نسخه های موجود در پاکستان مراجع شود به فهرست مشترک منزوی،ج٦،ص۱۰۵۸ ـ

---

۱ ـ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج٦،ص۱۰۵۸ ـ

تحفة‌الکرام از علی شیر قانع تتوی

شرحِ احوالِ مؤلف:

میرعلی شیر قانع پسر سید عزت الله تتوی(Thattwi) در ١١٤٠ ھ.ق/٨-١٧٢٧م متولد گردید[١]- وی پسرِ چهارم سید عزت الله بود که در ١١٦١ ھ.ق فوت شده بود[٢]- وی قاضی شکرالله را از نیای خود بیان نموده است که از سادات شیراز بود و در ٩٢٧ھ.ق به تته اقامت اختیار کرد[٣]- میرعلی شیر در تته نزد علمای جید چون میان نعمت الله،میان محمد صادق، میان عبدالجمیل[٤]، آخوند محمد شفیع، آخوند ابوالحسن بی تکلفؔ تتوی و مرزا جعفر شیرازی درس خواند[٥]- علی شیر در دوازده سالگی گفتن شعر را آغاز کرده بود و مظهرؔی تخلص می کرد، اما این تخلص را، به قانعؔ تبدیل ساخت [٦]- چنانکه به گفته خودش، در دوازده سالگی 'دیوانی قریب به هشت هزار بیت از هر قسم تدوین نموده که بالآخره به سبب موانع چندی آن را داخل آب ساخته'[٧]- همچون بیشتر نیاگانش، علی شیر قانعؔ هم به دربار فرمانروایان سند پیوست[٨]- هم درین اثنا به نوشتاری پرداخت و شغلِ سخن سرایی داشت - در ١١٥٧ ھ.ق مثنوی قضا و قدر نوشته بود[٩]- در ١١٦٥ھ.ق نظم به عنوان 'شمه از قدرت حق' نوشت[١٠]- در ١١٦٩ ھ.ق در ٣٠٠٠ بیت مثنوی 'کامروپ' نوشته بود [١١]- در ١١٧١ھ.ق دیوان خود را تدوین کرده بود [١٢]- در ١١٧٤ھ.ق/١-١٧٦٠م 'مقالات الشعرا' دربارۀ شاعران فارسی گویان سند نوشته بود[١٣]-

در ١١٧٥ھ.ق غلام شاه کلهوره والی سند، قانعؔ را به تاریخ نویسی گماشت و نوشتن

١- استوری،ص١٣٨

٢- ریو،ج٢،ص٨٤٦ ٣- همان

٤- برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣،ص٢٠٢٨

٥- ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...ج٣،ص٦٥٠

٦- ریو،ج٢،ص٨٤٦

٧- برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣،ص٢٠٢٨ ٨- همان

٩- ریو،ج٢،ص٨٤٦ ١٠- همان ١١- همان

١٢- همان ١٣- مارشال،ص٦٧

دو تاریخ کلهوره، یکی در پیروی شاهنامه و دیگری به نثر دستور داد. اگرچه علی شیر قانع این کار را آغاز کرد ولی پس از یك دو سال ازین کار دست کشید و ترك ملازمت کرده به تته بازگشت(۱). تحفة الکرام، کتاب مورد نظر' در ۱۱۸۱ه.ق در تته نوشته بود. این طور همه عمر در تته به سر برد و به نگارش کتاب های گوناگون از نظم و نثر پرداخت. به گفتهٔ حسام الدین راشدی؛ **'قانع چهل و سه کتاب مهم و زنده جاویدی را درین موضوعات از خود به یادگار گذاشته است'** (۲). آخرین اثر از وی 'معیار السالکین طریقت' یادگار است که در ۱۲۰۲ه.ق/۸-۱۷۸۷م به تکمیل رسانده بود(۳). قانع در عمر شصت و چهار سال در ۱۲۰۳ه.ق فوت شده بود و در گورستان مکلی مدفون است(٤).

سال تالیف:

علی شیر قانع این اثر را در ۱۱۸۰ه.ق به عمر چهل سالگی آغاز کرد و از نام این کتاب هم ۱۱۸۰ه.ق به دست می آید(٥). ریو در آخر کتاب دو قطعه های تاریخ را ذکر کرده است که ازان سال تکمیل این کتاب ۱۱۸۱ه.ق به دست می آید(٦). البته دکتر ظهور در پاکستان مین فارسی ادب، جلد سوم این قطعه های تاریخ بیان کرده است و آن قطعه های تاریخ چنین است؛

- 'شکر خدا که تذکره تحفةالکرام
اندر سه جلد یافته تزیین اختتام

سال تمامیت چو نمود از خرد سوال
'اینك چه منتخب' [۱۱۸۱] ز دل آمد مرا پیام'(۷)

و دیگر چنین است:

۱- برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، ص۲۰۲۸

۲- راشدی، حسام الدین، حرف آغاز تحفة الکرام، ج۳، ص۱۷

۳- استوری، ص۱۳۸

٤- ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج۳، ص٦٥٤

٥- ریو، ج۲، ص٨٤٦

٦- همان

۷- ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج۳، ص٤-٦٦٣

ـ 'شکر خدا که یافته تزیین انتخاب
این '**تحفة الکرام**'[١١٨٠] به آذین انتخاب
سال تمامیت چو نمودم ز دل سوال
هاتف زده ندا که '**نو آیین انتخاب**'[١١٨١]'[١]

اصلاً تحفة الکرام در ١١٨٠ هـ.ق آغاز گردیده و در **١١٨١ هـ.ق** به تکمیل رسیده بود امادرین کتاب احوال تا ١١٨٨ هـ.ق بیان شده است[٢]ـ

محتویاتِ کتاب:

تحفة الکرام در بیانِ تاریخ جهان دایرة المعارف گونه کتابی است. این اثر مشتمل بر سه جلد است و تفصیل این کتاب چنین است؛

جلد اول: مشتمل بر ذکر احوال انبیا و اوصیا و حکما و ملوك و خلفا و سلاطین اسلام است[٣]ـ این جلد در یك مقدمه و سه دفتر منقسم است که دفتر اول در سه طبقه درذکرِ پیامبرانِ پیش از نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم، پادشاهان ایران باستان و فیلسوفان و سرایندگان پیش از اسلام است. دفتر دوم در چهار مقاله در مورد خانوادۀ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم، سرگذشتِ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم، دوازده امامٍ و اعقاب امامین است. دفتر سوم در سه طبقه امویان و عباسیان و خانواده های هم زمان عباسیان تا صفویان است[٤]ـ

جلد دوم: به روش هفت اقلیم نگاشته شده است و مشتمل بر ذکر احوال ملوك و امرا و اعیان و اولیا و سادات و فضلا و اهل هنر بلده به ترتیب اقالیم سبعه است[٥]ـ این جلدمشتمل بر یك مقدمه و هفت مقاله و یك خاتمه است[٦]ـ

١ـ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج٣، ص ٦٦٤
٢ـ استوری، ص١٣٨، ٦٥٦
٣ـ راشدی، حسام الدین، حرف آغاز تحفة الکرام، ج٣، ص ١٧
٤ـ منزوی، احمد، فهرستواره کتاب های فارسی، ج١، ص٥٩٥
٥ـ راشدی، حسام الدین، حرف آغاز تحفة الکرام، ج٣، ص ١٧
٦ـ منزوی، احمد، فهرستواره کتاب های فارسی، ج١، ص٥٩٥

جلد سوم: مشتمل بر تاریخ و احوال مشاهیر سند در سه قسمت زیر؛

الف: در تاریخ سیاسی پیش از اسلام تا زمان کلهوره(۱۱۸۱هـ.ق)

ب: در ذکر شهرها و قصبات سند و شرح حال مشاهیر و رجال علمی و ادبی آنجا

ج: در ذکر احوال دارالحکومت تته و مشاهیر و ادبا و شعرا و علما و اولیای آنجا و در ذکر کسانیکه در گورستان مکلی دفن شده اند[۱]۔

منابع تحفة‌الکرام:

علی شیر قانع در تالیف این کتاب ازین منابع استفاده برده است؛مسودۀ قدیمِ 'تاریخِ سند' که آنرا علی بن حامدبن ابی بکر کوفی از مردم 'اُچ' ،در ۶۱۳هـ.ق از عربی به فارسی ترجمه کرده بود و علاوه بر این تاریخ میر معصوم بکری(Bakkhari)،تاریخ میر محمد طاهر نسیانی، ارغون نامه، ترخان نامه و بیگلار نامه[۲]۔

سبکِ کتاب:

این کتاب به سبک ساده و روان نگاشته شده است۔چون مؤلف خود شاعر بود درین کتاب هم نثر را با اشعار مزین کرده است۔ برای نمونه سبک این کتاب اینجا دو اقتباس داده می شود؛

'در ابتدای ماه شوال محمد مرا دیاب خان از تته رفته به پدر رسید۔ خدایارخان به عمر کوت شده، کوچ و بن را به تلهار روانه کرده۔ در شبی که فردایش اراده بر آمدن خود هم داشت، صبحی ناگاه چون قضای آسمان، پادشاه خود برون قلعه عمر کوت رسید۔ ازانجا که کار از دست رفته بود، لاچار خدایارخان به عنوان عاصیان دست بسته حاضر گردید'[۳]۔

۱۔ راشدی،حسام الدین،حرف آغاز تحفة‌الکرام،ج۳،ص۱۷

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۶،ص۶۵/ریو،ج۲،ص۸۴۷

۳۔ قانع،میر علی شیر،تحفة‌الکرام چاپی،با تصحیح حسام الدین راشدی،ج۳،ص۴۴۹

'پس آن صغیر بزرگ فطرت کار خود را روزبه روز تقویت داده، اول شهبازی را که خبرداری کبوتر و سگ می کرد، نواخته، خطاب شهباز خانی داده مدار المهام ساخت۔ ولی آنچه دانست نشده به آنگاه احمد بیگ را وکیل کل ساخته و موله هندو خدمتگارر ا دولترای لقب بخشیده به دیوانی گزید'[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

با ذکر شاعران نمونه کلام ایشان هم داده است۔ نسب نامه های خانواده های مختلفۂ سندهم داده شده است۔ اگرچه برای تاریخ جهان اسلام این کتاب خیلی کم اطلاعات دارد اما از لحاظ تاریخ سند و معرفی این سر زمین این کتاب بسیار ارزشمند است۔ مؤلف این کتاب میر علی شیر قانعؔ، یکی از علمای سند در زمان خود بود و بسیاری آثار ادبی ازوی یادگار است۔ اگرچه در ۱۱۷۵ھ۔ق والی سند او را برای نوشتن تاریخ خانواده کلهوره مامور کرد اما وی برای نوشتنِ تاریخ جهان اسلام یعنی تحفة الکرام به تته باز گشت و نوشتنِ این تاریخ را بران ترجیح داده بود۔

آغاز:

'بعد حمد خالقی که آثارات کون و مکان....'[2]

جلد سوم چاپی: **'بعد حمد احد بیچون تعالیٰ شانه عما یصفون، که این هیچمدان خوشه چین ارباب خیر را به تالیف دو مجلد تحفة الکرام موفق نموده...'**[3]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه موزه بریتانیا و بانکیپور و اندیا آفیس نگهداری می شود۔ در پاکستان نسخه خطی این کتاب در کراچی، لاهور، اسلام آباد، چشتیان و

۱۔ قانع،میر علی شیر،تحفة الکرام چاپی،با تصحیح حسام الدین راشدی،ج۳،ص۱٦٦

۲۔ ریو،ج۲،ص۸٤٦

۳۔ قانع،میر علی شیر،تحفة الکرام چاپی،با تصحیح حسام الدین راشدی،ج۳،ص۳

بکر(Bakkhar) موجود است که برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به فهرست مشترک منزوی، ج۱۰،ص۵۱۱۔

تراجم و چاپ:

بخشی ازین کتاب به توسط تی.پوستنز(T. Postans)ترجمه شده در مجله انجمن آسیایی بنگال شماره ۷، از برگ ۹۶تا ۱۰٤ و۲۹۷تا ۳۱۰ به چاپ رسیده بود [۱]۔ این ترجمه در ۱۸۳۸م به چاپ رسیده بود[۲]۔الیوت هم در تاریخ هندوستان جلد یکم از صفحه ۳۲۷ تا ۳۵۱ ترجمه انگلیسی ازین کتاب داده است۔ ترجمه بخشی از تحفةالکرام از تی.پوستنز(T. Postans)ترجمه شده در مجله انجمن آسیایی بنگال شماره۱٤، از صفحه ۷۵ تا ۹۹ و ۱۵۵ تا ۱۷۳ در ۱۸٤۵م چاپ شده است[۳]۔ ترجمه سندی و اردویی جلد سوم نیز در ۱۹۵۷م به همت انجمن ادبی سندی انتشار یافته است[٤]۔ترجمه اردویی از اختر رضوی،با تصحیح و حواشی مخدوم امیر محمد و دکتر نبی بخش بلوچ، بار سوم در ۲۰۰٦م از سوی انجمن ادبی سندی جامشورو به چاپ رسیده است۔

بخش اول از جلد سومِ تحفةالکرام که در تاریخ سند است، با تصحیح حسام الدین راشدی درحیدرآباد(پاکستان)آکتوبر ۱۹۷۱م به چاپ رسیده است۔

۱۔ ریو،ج۲،ص۸٤٦

۲۔ استوری،ص۱۳۹

۳۔ همان

٤۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص۷۲٤

انتخاب خلاصة التواریخ از دل محمد دلشادؔ پسروری

شرحِ احوالِ مؤلف:

دل محمد متخلص به دلشادؔ در پسرور متولد شد[۱]۔ شاعر و نویسندۂ معروفِ شبه قاره بود۔ از احوالِ زندگانی اش اطلاعی دقیق در دست نیست اما از اشعارش این قدر معلوم شده است که او هیچ برادر نداشت چون می گوید:

۔ 'چه کشید از برادران یوسفؑ
شکر لله مرا برادر نیست'[۲]

او یك پسر هم داشت که اسمِ او اخلاص بود:

۔ 'در جهان بسکه به اولاد مرا دوستی است
نامِ فرزند نهادیم به دوران اخلاص'[۳]

او علومِ متداوله در شعر و منطق و فقه و سلوك را هم تحصیل کرد:

۔ 'از علم شعر و منطق و فقه و سلوك و اخلاق
دارد تمام لیکن دلشادؔ زر ندارد'[٤]

دل محمد دلشادؔ با اهل بیت اطهارؑ عقیدتِ فراوان داشت و در مدح ایشان مناقب هم نوشته بود۔ در شعری می گوید:

ع 'ذکرِ مدحِ پنجتنؑ داریم وردِ پنج وقت'[٥]

دکتر ظهور گمان برده است که او از اهل تشیع بود و انتظارِ مهدی زمان می کرد که از آشوبِ زمانه خواهم رهاند:

۱۔ ظهور الدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج ۳، ص ۱٤٥

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ همان

٥۔ همان، ص ۱٤٧

ع 'جز مهدئ زمان که رهاند ازین عذاب'[۱]

دلشاد در مدح سلاطین و امرا اشعار هم گفت۔ علاوه بر این او قتلِ عامِ نادر شاه را در دهلی نیز با چشم خود دید۔ در شعری می گوید:

۔ 'قتل عام است در جهان آباد
آخر این غمزه تو نادر نیست'[۲]

سالِ وفاتِ او همچنین سالِ ولادت از منابع دقیقی معلوم نیست۔ البته در روزنامه 'امروز' به تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹٦۹م که عکسِ مزارِ دلشاد منتشر کردند،سالِ وفاتِ او ۱۱۹٤ه.ق/ ۱۷۷٦م بیان کردند[۳]۔ اما این قدر مسلّم است که عمرِ طویل داشت و از پیریِ خود نالان بود:

ع 'میرم از پیری بیا دلشادِ من، نامِ خدا'[٤]

سال تالیف:

در دیباچه دلشاد می نویسد؛ **'نعتِ مبارک محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و برخی به تواریخ بعض انبیا علیهم الصلوٰة و السلام به طریق اجمال در سنه ۱۱۸۲ه به طریق خطبه لاحق این کتاب ساخت و مزین به مسلمانی گردانید'**[٥]۔ این طور این اثر در ۱۱۸۲ه.ق نوشته شده بود۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در اصل انتخابِ همان خلاصة التواریخِ سجان رای است۔مؤلف درین کتاب دعوٰی نکرده که وی این کتاب را تالیف کرده است بلکه خود ذکر کرده است که این اثر از اصلِ خلاصة التواریخ است:

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج۳،ص۱٤۷

۲۔ همان،ص۱٤٦

۳۔ همان،صص۱٤٥۔۱٤٦

٤۔ همان،ص۱٤٦

٥۔ همان،ص۱٥۸

'لله الحمد که انتخاب این خلاصة التواریخ که اصلش تا همین جا بود به سر انجام رسید'[۱]

دل محمد دلشاد فقط مقدمه ای بر خلاصة التواریخ افزوده است[۲] و به اصطلاحِ خودش آن متن 'هندو' را 'مزین به مسلمانی گردانیده'۔ وی درین مقدمه احوالِ پیامبران، عقایدِ مسلمانان و هندووان در موردِ آفرینشِ جهان و مدت عمرِ آن به ویژه اوضاع جغرافیای پسرور آورده است[۳]۔

آغاز:

'اول سر حمد نام خدا آینۀ صد هزار تاریخ شرعش غرض هر امر و هر دور این نسخه خلاصة التواریخ دنیا که مقتضای این معنی......'[٤]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این اثر درموزه ملی پاکستان، کراچی به شماره ۱۹۷۸ـ۳٦ .N.M نگهداری می شود۔

تراجم و چاپ:

این کتاب را بشرٰی شفیع در فوق لیسانس با اضافه تعلیقات در رهنمایی دکتر محمد باقر و دکتر محمد اکرم تصحیح کرده است[٥]۔

آثارِ دیگر مؤلف:

۱۔دیوان:

تا ردیفِ عین که ادارۀ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاهور با ترتیب و تصحیح پرفسور غلام ربانی عزیز در ۱۹۷۰م شایع کرده است[٦]۔

۱ـ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۳،ص۱۵۷

۲ـ نوشاهی،عارف،فهرست موزه ملی پاکستان،ص۷۲۸

۳ـ همان

٤ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٤٦٤

٥ـ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۳،صص۱٥٦ـ۱۵۷

٦ـ همان،ص۱٤۸

۲۔محمود نامه:

تحت هر حرفِ الفبای یك غزل است اما تحت ج، س ، گ دو دو غزل است[۱]۔

۳۔اشعارِ هندی:

بعد از تلاشِ بسیار حافظ محمود شیرانی دو غزل اردوی دل محمد دلشادؔ محفوظ کرده است[۲]۔

---

۱ ۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۳،صص۱٤۸ ـ ۱٤۹

۲ ۔ همان،ص۱٤۹

تاریخ شاکر خانی از شاکر خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

شاکر خان بن شمس الدوله لطف الله خان بهادر صادق نیکنام متهوّر جنگ [١] تاریخ نگار فارسی نویس شبه قاره بود۔ پدر وی لطف الله خان در روزگارِ محمد شاه به خانسامان و منصب شش هزاری و خطاب شمس الدوله بهادر متهور جنگ سرافراز گردید[٢] و وقتی که نادر شاه دهلی را تاراج کرد وی ناظم دهلی بود[٣]۔ میان شش پسران لطف الله خان وی پسرِ چهارم بود[٤]۔ شاکر خان از خانواده صاحب علم و هنر بود ۔ برادرش عنایت الله خان راسخ نامه های پادشاهان و امیران از بابر تا بهادر شاه جمع کرده بود [٥]۔ محمد علی خان انصاری که پسر برادرش هدایت الله خان بود، هم تاریخِ معروفِ دورۀ تیموریان به نام 'بحرالموّاج' و 'تاریخ مظفری' تالیف کرده بود۔

شاکر خان به گفته خود در 'حدیقه حادق گنجینه صادق' در ١١٢٨ھ.ق/١٧١٦م در پانی پت زاده شده بود [٦]۔ وی در زمان یورش نادر شاه در دهلی بخشی رساله سلطانی بود[٧]۔ چون احمد شاه ابدالی در ١١٧٠ھ.ق بر دهلی حمله کرد، شاکر خان به بنارس گریخت و پس ازانکه از تقاضای کمك از میر قاسم علی خان،نواب بنگاله پاسخی نیافت به مقامات انگلیسیان پناه برد و در حفاظت و حمایتِ آنان قرار گرفت[٨]۔

سال تالیف:

اگرچه نسخه موزه بریتانیا دارندۀ وقایع تا ١١٧٤ھ.ق است اما نسخۀ موزۀ ملی

١۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥١١

٢۔ هاشمی،شاهنوازخان،مآثر الامرا،ج٣،ص١٧٨

٣۔ ریو،ج١،ص٢٧٩

٤۔ همان

٥۔ اته،اندیا آفیس،ج١،ستون١٥٥،ش٤١١

٦۔ همان،ستون١٢١٨،ش٢٢٢٨

٧۔ استوری،ص٦٢١

٨۔ ریو،ج١،ص٢٨٠

پاکستان وقایع تاریخی را تا ۱۱۸۲هـ.ق دربردارد۔ منزوی و عارف نوشاهی هم سال تالیف این کتاب ۱۱۸۲هـ.ق بیان نموده اند[1]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ شاکر خانی ، تاریخ دورۂ محمد شاه (۱۱۳۱ـ٦۱هـ.ق) تا سال نهم جلوس شاه عالم دوم(۱۱۸۲هـ.ق) است[2]۔ در بیانِ وقایع تاریخی وی فرامین و نامه های شاهی نیز نقل کرده است۔ افزون بر وقایع تاریخی، شاکر خان در آخر این کتاب نام های علما و مشایخ، امیران ازنُه هزاری تا پنج هزاری، خواجه سرایان، راجه ها، حکما، شعراء، منجمان، خوشنویسان، مصوران، ماهران فن غنا و رقاصان وغیره هم بیان نموده است۔ آخرین عبارتِ کتاب چنین است؛ '...**لهذا از طلوع نیر دولت صاحب قرانی و اختتام بر احوال محمد شاه فردوس آرامگاه تا سنه نُه شاه عالمی گوهر فریدون فر، به قلم آورده که اقبال را .... امید که از چشم اغیار پوشیده دارند که وقایع تازه است متبدل نشود و اگر زمانه فرصت دهد و در کنار حمایت و الطاف جا دهند و التجای قبول باشد، تمام سلاطین را به نگارش آرم بلکه از ایجاد عالم قلمی نمایم و این نسخه به نام نامی شد**'[3]

سبکِ کتاب:

این کتاب به نثر ساده و روان نوشته شده است ولی گاهی مؤلف نثر تکلف آمیز و مصنوع هم به کار برده است۔ گاهی کلمات متوازن ومسجع را نیز به کار برده است۔عبارت را با شعر هم آرایش داده است۔ شاکرخان در بعضی موارد آیاتِ قرآنی هم به کار برده است ۔ بعضی جا در بیان تاریخ، برای توضیح مطالب،حکایت هم آورده است چون بر برگِ ۵۳ الف نسخه موزه ملی پاکستان،حکایتی منظوم به نام'تنها کردنِ باغبان

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۵۱۱/ نوشاهی،عارف،فهرست موزه ملی پاکستان،ص۷۱۰

۲۔ نوشاهی،عارف،فهرست موزه ملی پاکستان،ص۷۱۰

۳۔ شاکر خان،تاریخ شاکر خانی،نسخه موزه ملی پاکستان، برگ٦۳(ب)

صوفی و شریف و فقیهه را' هم بیان شده است۔ برای نمونۀ سبکِ کتابِ مذکور یکی اقتباس اینجا نقل شده است؛

'ظلم فلك کهن و بیان حادثه نو که بر من و اهل زمن گذشته نگارش می شود۔ مدت ها شده بود که در حضر و سفر از عوالیقات و آفات فتنه های گوناگون نزاعت فرصت نمی یافت۔ چه هر روز فتنه به نوعی ظاهر می شد که موجب تفرقه دل و توزع خاطر می بود که خود گویا دران دیار وطن دارد و آن چنین بود چون والد علیه الرحمة رحلت نمود، احمد شاه بهادر ما هر شش برادر را به حضور طلب فرموده به عنایتِ خُلاعِ شش شش پارچه و سرپیچ ها و ....'[1]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

چون مؤلف و خانواده اش به دربار شاهی وابسته بودند، درین کتاب وی بسیار نقل های فرامین و نامه ها داده است۔ عنایت الله خان راسخ برادرِ شاکر خان، هم نامه های شاهان تیموریان از بابر تا بهادر شاه جمع کرده بود و نسخۀ خطی آن مجموعۀ نامه ها در کتاب خانۀ اندیا آفیس به شماره فهرست ٤١١ به نام 'عنایتنامه' موجود است[2]۔ افزون بران شاکر خان درین کتاب اسامی مردم را هم ذکر کرده است که وابسته به دربار بودند یا در کشورِ هندوستان نامور بودند۔ علاوه بر این مؤلف نام های مشایخ و علما و فضلا و امیران از نُه هزاری تا پنج هزاریان، خواجه سرایان، راجه ها، حکما، شعرا، متصدیان، منجمان، خوش نویسان، مصوران، ماهران فن غنا و رقاصان وغیره که دران زمان می زیستند، هم بیان نموده است۔ درین ضمن مولف فقط به نام های ایشان اکتفا نموده است اما تفصیل را بیان نکرده است۔ ولی با این همه محاسن، این اثر نظم و دقت بسیار اندکی دارد و تاریخ

١۔ شاکر خان،تاریخ شاکر خان،نسخه موزه ملی پاکستان،برگ٥٤(الف)

٢۔ اته،اندیا آفیس،ج١،ستون١٥٥،ش٤١١

رویدادها درآن به کلی افتاده است[۱]۔

آغاز:

'بعضی از وقایع روزگار که در عمر ضایع شده به چشم درآمده و به سرم آمده الوف محامد هر حامدی مختص ذات...'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add.٦٥٨٥ موجود است و۱۵۵ برگ دارد۔ نسخۂ دیگر ازین اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره ۳۹۷۳ هم نگهداری می شود[۳]۔

در پاکستان نسخه خطی این کتاب در موزه ملی پاکستان کراچی به شماره ۱۹۰ـ۱۹۷۱ .N.M موجود است که مورد نظر راقم این سطور است۔ این نسخه دستنویس بسیار کرم خورده است۔

آثار دیگر مؤلف:

علاوه بر تاریخ شاکر خانی، شاکر خان یکی دانشنامه به نام 'گلشنِ صادق' در مورد ادبیات، علوم و فنون اسلامی هم نگاشته بود که به نام 'حدیقه حادق گنجینه صادق' نیز معروف است[٤]۔

۱ـ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱٤٥٤

۲ـ شاکرخان،تاریخ شاکر خان،نسخه خطی موزه ملی پاکستان،ص یکم(الف)

۳ـ استوری،ص٦۲۲

٤ـ مارشال،ص٤٤٠

تبصرة‌الناظرین از سید محمد بلگرامی

شرحِ احوالِ مؤلف:

سید محمد بن میر عبدالجلیل بن سید احمد حسینی واسطی بلگرامی[1] در ۱۱۰۱ه‍.ق/۱٦۸۹م در بلگرام به دنیا آمد[۲]۔ وی به نام شاعر بلگرامی هم معروف است که شاید تخلص وی بود[۳]۔ وی از خانوادۀ ساداتِ واسطی بلگرام بود که درین دیار در ٦۱٤ه‍.ق اقامت اختیار کردند[٤]۔ پدر وی میر عبدالجلیل بلگرامی عالم معروف عربی بود[٥]۔ سید محمد در ۱۱۰۱ه‍.ق/۱٦۸۹م در بلگرام به دنیا آمد[٦]۔ وی کتاب های درسی را نزد میر طفیل محمد بلگرامی خواند و از پدر خود نیز کسب کمالات کرد و به ویژه زبان عربی و لغت را از وی فرا گرفت[۷]۔پدرش سید عبدالجلیل در زمان اورنگزیب عالمگیر در سرکار بکر(Bhakkar) و سیوستان 'بخشی' و 'وقایع نویس' بود[۸]۔ سید عبدالجلیل از ۱۱۱۲ه‍.ق تا ۱۱۱٦ه‍.ق در گجرات و از ۱۱۱۷ه‍.ق تا ۱۱۳۰ه‍.ق در بکر(Bhakkar) و سیوستان به آن کار پرداخت[۹]۔ اما در ۱۱۳۰ه‍.ق ازین شغل کناره گرفت و سید محمد بلگرامی به جای پدرِ خود از عهد فرخ سیر تا یورشِ نادر شاه افشار،این خدمت را انجام می داد[۱۰]۔وی در ۱۱۵۵ه‍.ق سیوستان را خیرباد گفته باز به بلگرام آمد و تا دیر همانجا اقامت می کرد[۱۱]۔ نویسندۀ معروف میر غلام علی آزاد بلگرامی خواهر زاده وی بود[۱۲]۔

سال تالیف:

'تبصرة الناظرین' در ۱۱۸۲ه‍.ق/۱۷٦۸م نگاشته شده بود[۱۳]۔

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۳۷ ۲۔ استوری،ص۷۱۲
۳۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱٤۵۱
٤۔ ریو،ج۳،ص۹٦۳
۵۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۳۷ ٦۔ همان
۷۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱٤۵۱
۸۔ استوری،ص۷۱۲ ۹۔ ریو،ج۳،ص۹٦۳
۱۰۔ استوری،ص۷۱۲ ۱۱۔ ریو،ج۳،ص۹٦٤
۱۲۔ همان ۱۳۔ استوری،ص۷۱۳

محتویاتِ کتاب:

تبصرة‌الناظرین دارنده تاریخ هندوستان به ویژه بلگرام است۔ این کتاب مشتمل بر یك مقدمه،یك مقاله و یك خاتمه است۔ **مقدمه** کتاب دارندۂ احوال و زندگینامه های هفت تن از ساداتِ معروفِ بلگرام است که پیش از ۱۱۰۰ھ.ق می زیستند [۱]۔ نامِ این هفت سادات کرام زیر قرار است؛ (یکم) نیای سادات واسطی میر سید ابوالفرح واسطی، (دوم)میر عبدالوحید بن سید ابراهیم متوفی ۱۰۱۷ھ.ق/۱٦۰۸م، (سوم) میر سید طیب بن عبدالوحید متوفی ۱۰٦٦ھ.ق/۱٦۵۵م، (چهارم) میر سید محمود بن سید حسین متوفی ۱۰۲٤ھ.ق/ ۱٦۱۵م، (پنجم) میر سید کرم الله بن سید لطف الله متوفی۱۰۷۳ھ.ق/۱٦٦۲م، (ششم) میر سید اسمٰعیل بن سید قطب عالم متوفی۱۰۸۸ھ.ق/۱٦۷۷م و (هفتم) میر سید احمد بن سید عبدالله که پدرِ بزرگِ مؤلف بودند و در ۱۰۹٦ھ.ق/۱٦۸٤م فوت شده بودند[۲]۔ **مقاله** که بیشتر ضخامتِ کتاب مشتمل بران است [۳]، مشتمل بر احوال تاریخی و زندگانی های مردم معروف بلگرام و جوارِ آن، برابر وقایع معاصر هندوستان است که از ۱۱۰۱ھ.ق(سال تولدِ مؤلف) تا ۱۱۸۲ھ.ق(سال تالیف کتاب) سال به سال درج شده است[٤]۔ **خاتمه** کوتاه مشتمل بر تاریخ های کسوف ها و ملاحظاتی درمورد ماده تاریخ ها و رویدادهای گوناگون است[٥]۔

سبكِ کتاب:

به علت عدم دسترسی به نسخه خطی که هیچ یك ازان در پاکستان نیست، راقم از اظهار نظر درباره سبكِ این کتاب قاصر است۔ اما از آغاز کتاب که در عربی است می توان حدس زد که وی درین کتاب واژه های عربی به کار برده باشد۔ پدرِ مؤلف میر عبدالجلیل

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ش٦۰٦،ص۱۳۸

۲۔ همان

۳۔ ریو،ج۳،ص۹٦٤

٤۔ استوری،ص۷۱۳

۵۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱٤۵۲

از علمای معروف عربی بود و مؤلف خود شاعر عربی و فارسی و اردو بود، به روشِ تاریخ نویسی آن زمان شعر درین کتاب هم آورده باشد۔ اما رد یا قبول این امر به ملاحظه کردن نسخه خطی این کتاب است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

ازین نظر که مؤلف در مقدمهٔ تبصرة‌الناظرین، احوالِ هفت بزرگان بلگرام را بیان کرده است، این کتاب خیلی مهم است۔ علاوه بر این تبصرة‌الناظرین برابر تاریخ بلگرام دارنده تاریخ هندوستان هم است ـ از نظر تاریخی این کتاب به این علت بسیار ارزشمند است که مؤلف وقایع تاریخی را سال به سال بیان نموده است۔ مؤلف درین کتاب وقایع تاریخی را که اکثر با چشم خود ملاحظه کرده بود، بیان نموده است[1]۔ چون پدر مؤلف بخشی و وقایع نگارِ اورنگزیب بود و بعد ازان وی خود به همان عهده کار کرده بود، به وقایع سیاسی آنزمان آگاهی بیشتری داشته باشد۔

آغاز:

'الحمد لله محمول الشهود و الاعوام و مقلب اللیالی و الایام و الصلوٰة والسلام....'[2]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تبصرة الناظرین در کتاب خانه موزه بریتانیا، انجمن آسیایی بنگال، بانکیپور(دو نسخه به شماره ۱۴۲۲، ۱۴۹۴)،آصفیه و اندیا آفیس موجود است ـ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۷۱۳ و مارشال،ص۳۰۹۔

آثار دیگر مؤلف:

سید محمد بلگرامی در عربی و فارسی و اردو مهارت داشت۔ وی به هر سه زبان شعر

---

۱ ـ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱۳۷

۲ـ همان

می سرود [۱]۔ یکی دیوان شعر، مثنوی به نام **'نازونیاز'** در داستان عشقِ شاه فیض با سید حسن بلگرامی ازوی یادگار است [۲]۔ وی یکی تتمه المستطرفِ شیخ زین العابدین محمد بن احمد خطیب[۳] به نام **'الجوز الشرف من المستطرف'** ومجموعه کوتاهِ نامه های پدرِ خود نیز تالیف کرده بود[٤]۔

۱۔ استوری،ص۷۱۲

۲۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱٤٥۱

۳۔ همان

٤۔ استوری،صص۷۱۲۔۷۱۳

تاریخ نجیب الدوله/سرگزشت نواب نجیب الدوله[1]

از نورالدین حسین فخریؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال سید نورالدین حسین خان بهادر فخریؔ[2] اطلاعِ بیشتری در دست نیست۔ حتیٰ نام وی هم بر برگِ سفیدِ نسخه موزه بریتانیا آمده است۔ نبی هادی کتاب دیگرش که مجموعه ملفوظاتِ مولانا فخرالدین دهلوی به نام 'فخرالطالبین' است هم ذکر کرده است[3]۔ درین صورت از دهلی بوده یا در دهلی آمدو رفت داشته باشد۔ازمولانا فخر الدین دهلوی صحبت کرده باشد که ملفوظات را ترتیب داد۔اگر فخری تخلصِ وی است، حتماً شاعر هم باشد۔

سال تالیف:

چون این کتاب دارنده احوال نجیب الدوله تا مرگ وی در ۱۱۸۴ھ۔ق/۱۷۷۰م است[4]، حتماً این کتاب نزدِ ۱۱۸۴ھ۔ق نوشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

'تاریخ نجیب الدوله' در سرگذشتِ سردار روهیله نجیب الدوله است۔این کتاب دارنده احوالِ مفصل سردار روهیله، نجیب الدوله است۔تاریخ نجیب الدوله، از آغازِکارِ نجیب خان بدون مقدمه آغاز شده، بر مرگِ او اختتام می پذیرد[5]۔ احمد شاه درانی نجیب الدوله را در ۱۱۷۰ھ۔ق به عهده امیر الامرا رسانید[6]۔ و بعد از جنگ پانی پت او را

۱۔ نبی هادی،ص۱٦٦
۲۔ ریو،ج۱،ص۳۰٦
۳۔ نبی هادی،صص۱٦٦۔۱٦۷
٤۔ استوری،ص٤۹٦
۵۔ ریو،ج۱،ص۳۰٦
٦۔ همان

استاندارِ دهلی مقرر کرد[۱]۔نجیب الدوله در جنگ های خلاف مرهته ها و جات هاکارهای نمایان سر انجام داد و تا مرگ خود در ۱۱۸۵ ھ.ق مطلق العنان دهلی بود[۲][۳]۔

سبکِ کتاب:

این کتاب در سبک ساده ومتوازی نوشته شده است۔ ریو درین مورد می گوید:

"The narrative is circumstantial, and written in a plain and unpretending style."[٤]

(نسخۂ خطی برای بررسی سبکِ کتاب به دست نیامد)۔

آغاز:

'در نیابت علی محمد خان نجیب خان نام روهله .....'[٥]

نسخه های خطی:

واحد نسخۂ خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیابه شماره Add.۲٤٤۱۰ نگهداری می شود۔این نسخه بدون مقدمه آغاز شده است و به همین علت درباره مؤلف اطلاعی زیاد در دست نیست۔ چون به روش تاریخ نویسی آن زمان مؤلفین در مقدمه در باره خود ذکر می نمودند۔

تراجم و چاپ:

این اثر به نام 'سرگذشت نواب نجیب الدوله' با مقدمه اردویی از محمد عبدالسلام خان عمر خیل از علی گره در ۱۹۲٤م به چاپ رسیده است[٦]۔

ترجمۂ ملخصِ انگلیسیِ این کتاب از جادو نات سرکار(Jadunath Sarkar) درمجلّه 'فرهنگ اسلام'(Islamic Culture) حیدر آباد در سه بخش به چاپ رسیده است[۷]۔ به مطابق استوری عنوان های این سه ترجمه زیر قرار است:

۱۔ نبی هادی،ص۱٦٦

۲۔ ریو،ج۱،ص۳۰٦

۳۔ مارشال و استوری مرگ نجیب الدوله در ۱۱۸٤ ھ.ق/۱۷۷۰م بیان نموده اند۔

٤۔ ریو،ج۱،ص۳۰٦

٥۔ همان

٦۔ استوری،ص٦۹٥

۷۔ همان

۱. احوال مهم های احمد شاه ابدالی در هندوستان و جنگ پانی پت(تاریخ چاپ ژولایی ۱۹۳۳م)

An original account of Ahmad Shah Durrani's campaigns in India and the Battle of Panipat.

۲. نجیب الدوله به طور آمرِ دهلی ۱۷٦۱ تا ۱۷۷۰م(تاریخ چاپ آکتوبر ۱۹۳۳م)

Najib-ud-daula as the dictator of Delhi,1671-0771.

۳. زندگانی نجیب الدوله؛ آخرین دوره(تاریخ چاپ آپریل ۱۹۳٤م)

Life of Najib-ud-daula: the last phase.[1]

آثار دیگر مؤلف:

علاوه بر تاریخ نجیب الدوله مجموعۀ ملفوظاتِ مولانا فخرالدین دهلوی به نام 'فخرالطالبین' از نور الدین حسینی هم یادگار است[۲]۔

۱۔ استوری،ص ٦۹٥

۲۔ نبی هادی، ص ۱٦۷

فرحت الناظرین از محمد اسلم پرسروری

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد اسلم بن محمد حفیظ عصمت الله[۱] پرسروری انصاری قادری[۲] در ۱۱۵۰ه‍.ق به دنیا آمد[۳]. وی از پسرور علاقه داشت که در توابع سیالکوت است(پرسرور را اکنون پسرور می گویند). پدرِ بزرگِ وی ملا عبدالوهاب قادری شاگردِ ملا عبدالحکیم سیالکوتی بود و مدتی در لشکرِ اورنگزیب عالمگیر به طور قاضی خدمت انجام داد[٤]. می گویند که حاجی سعدالله سجاده نشین درگاه شاه نورالدین کلانوری، محمد اسلم را سوی تحصیلات رغبت دادند. چون تحصیلاتش را فرا گرفت در ۱۱۸۲ه‍.ق به فیض آباد رفت و به توسطِ نظامِ جنگ، مدیرالملك رفیع الدوله موسیو جنتیل(Monsieur Gentil) در خدمتِ نواب شجاع الدوله ملازمت گرفت[٥]. همین موسیو جنتیل او را برای نوشتنِ این تاریخ تشجیع کرد[٦] و محمد اسلم این اثر را در ۱۱۸٤ه‍.ق به تکمیل رسانده به نام نواب شجاع الدوله معنون کرد[۷].

سال تالیف:

فرحت الناظرین دارندۀ شرحِ احوال از حضرت آدمؑ تا ۱۱۸٤ه‍.ق/۷۱-۱۷۷۰م است. مؤلف می گوید که او این مقدمه را در ۱۱۸٤ه‍.ق نوشته و این کار را به شجاع الدوله معنون کرده است[۸]. اما به مطابق فهرستِ کتابخانۀ بادلین آخرین تاریخ که درین اثر ثبت نموده، ۱۱۹٦ه‍.ق است[۹].

۱- شوکت علی، مولوی، راجستان تونك، ج۱، ص۱۸
۲- استوری، ص۱٤۰
۳- ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج۳، ص٤۳۱ ٤- همان
٥- الیوت، ج۸، ص۱٦٤
٦- استوری، ص۱٤۰
۷- الیوت، ج۸، ص۱٦٥/ اته، بادلین، ج۱، ستون٦٥، ش۱۱۹/ مارشال، ص۳۰۸
۸- ریو، ج۱، ص۱۳۱
۹- اته، بادلین، ج۱، ستون٦٥، ش۱۱۹

سببِ تالیف:

در سببِ تالیف این کتاب محمد اسلم، نویسندهٔ این تاریخ، در مقدمه می گوید که در ایامِ جوانی چون وی در لکنو بود، بسیار بار در گوشِ او برای نوشتنِ کتابِ تاریخی آوازِ غیبی آمده بود و ازین به بعد مؤلف افادیت و اهمیتِ علمِ تاریخ را نشان داده است که ازان برای نوشتنِ این کتاب تحریك گرفت[۱]۔ اما سببِ فوری برای نوشتنِ این اثر تحریكِ موسیو جنتیل فرانسوی بود[۲]۔

محتویاتِ کتاب:

فرحت الناظرین تاریخی از آغازِ آفرینش تا عهدِ مؤلف است۔ محمد اسلم این اثر را در یك مقدمه، سه مقاله و یك خاتمه نگاشته است۔ تفصیل کتاب چنین است؛ مقدمه در باره خلقتِ جهان و آدمؑ است۔ در مقدمه مؤلف قصیده ای درمدح شاه عالم هم نوشته است[۳]۔

مقاله یکم در موردِ انبیا تا حضرت محمدؐ و خلفای راشدین و دوازده امامینؑ و چهار امام فقه اهل سنت است۔ مقاله دوم دارندهٔ احوالِ راجه ها و سلاطینِ هندوستان از هند بن حام بن نوح تا روزگارِ ابراهیم بن سکندر لودی است۔ مقاله سوم تاریخ تیمور و تیموریانِ هند تا شاه عالم را در بردارد۔ خاتمه کتاب در موردِ جغرافیهٔ هند و احوال مشایخ و علما از دورهٔ اورنگزیب تا زمانِ خود و خانوادهٔ وزیر شجاع الدوله است۔ درین خاتمه مؤلف ۳٦ مشایخ، ۳۱ علما و ٤۵ شعرا را ذکر نموده است[٤]۔ احوال مشایخ از ذکر ملا عبدالحکیم سیالکوتی آغاز می شود[۵]۔

منابع فرحت الناظرین:

محمد اسلم در تالیف فرحت الناظرین از تاریخ نظام الدین احمد بخشی، تاریخ

۱۔ الیوت، ج۸، صص ۱٦۳۔۱٦٤

۲۔ استوری، ص ۱٤۰

۳۔ اته، بادلین، ج۱، ستون ٦۵، ش ۱۱۹

٤۔ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج۳ ص ٤۳۲

۵۔ اته، بادلین، ج۱، ستون ٦٦، ش ۱۱۹

فرشته، مرآت العالم، ترجمه تاریخ یمینی، تاج المآثر، تاریخ بهمنی، طبقات اکبری، تاریخ فیروزشاهی، تاریخ الفی، حبیب السیر، روضة الصفا، تیمور نامه، واقعاتِ بابری، واقعاتِ همایونی، اکبرنامه، جهانگیرنامه، شاهجهان نامه، عالمگیر نامه، تاریخ بهادر شاه وغیره استفاده برده است[۱]۔ علاوه بر این کتاب ها که بالا ذکر شده، دکتر ظهور در منابع این کتاب نامِ تاریخ فرخ سیری، تاریخ قپچاق خانی، تاریخ خوافی خان، منظومه محمد شاهی، تاریخ نادری و تاریخ احمد ابدالی هم برده است[۲]۔ اته می نویسد که مؤلف درین مورد هفتاد منابع را ذکر نموده است[۳]۔

سبکِ کتاب:

اگرچه در عهد تیموریان متاخر بیشتر تواریخ در سبك ساده و متوازی نگاشته شده بود اما مؤلف این اثر را در سبکِ مصنوع نوشته است[٤]۔ از آغاز این کتاب معلوم می شود که مؤلف درین کتاب واژه های عربی هم به کار برده باشد۔(برای بررسی سبکِ این کتاب نسخه خطی به دست نیامد)۔

آغاز:

'لك الحمد یا ذی الجود و المجد العلی تبارکت تعطی من تشاء و تمتع تعالیٰ شانه و تعظّم برهانه .....'[٥]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی 'فرحت الناظرین' در کتابخانه های شبه قاره خیلی کمیاب است[٦] اما در کتابخانه های اروپا بسیار دیده می شود که ازان نسخۀ کتابخانۀ بادلین، کتابخانۀ موزه بریتانیا و کتابخانۀ پاریس مهم است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود

۱۔ الیوت،ج۸،ص ١٦٤
۲۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج ۳،ص ٤۳۲
۳۔ اته،بادلین،ج ۱،ستون ٦٦،ش ١١٩
٤۔ الیوت،ج۸،ص ١٦۳
٥۔ اته، بادلین،ج ۱،ستون ٦٥،ش ١١٩
٦۔ الیوت،ج۸،ص ١٦٦

به استوری،ص١٤١ ومارشال،ص۳۰۸ـ

تراجم و چاپ:

قسمتی از فرحت الناظرین توسطِ الیوت که دارندۀ احوال احمد شاه ابدالی، عالمگیر دوم، شاه عالم ثانی و نواب اوده است، به زبان انگلیسی ترجمه شده است۔ الیوت در جلدِ هشتم کتابِ خود بسیاری اقتباس ها از مقدمۀ فرحت الناظرین را هم ترجمه کرده است۔

ترجمۀ اردویی قسمتی از فرحت الناظرین در باره مشایخ، علما و شعرای عهدِ اورنگزیب در مجله دانشکده خاورشناسی لاهور با حواشی محمد شفیع در مئی ۱۹۲۸م چاپ شده است(۱)۔

۱ـ استوری،ص١٤١

حدیقة الصفا از یوسف علی خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

برای شرح حال یوسف علی خان ببین تاریخ مهابت جنگ در همین مقاله ص۱٦۸ ـ

سال تالیف:

یوسف علی خان می گوید که در عهدِ حکومت علی وردی خان او منابع این تاریخ را جمع کرده بود و در ۱۱۷۰ هـ.ق/۱۷۵٦م این کار را آغاز کرد 'بنا بر بعضی موانع که تفصیل آن لایق این مقام نیست، در حجاب تعویق ماند تا بعد فوت آن مبرور در سنه هزار و صد و شصت و نُه ....در سنه هزار و صد و هفتاد شروع آن نمود' [۱]ـ اما این کتاب در ۱۱۸٤ هـ.ق/۱۷۷۰م تکمیل یافت [۲]ـ خاتمهٔ این کتاب تنها خود به نامِ 'تذکره یوسف علیخان' هم معروف است[۳]ـ

منابع و مآخذ حدیقة الصفا:

در مورد مآخذ این کتاب ریو می گوید که ترتیب و عنوان های این کتاب از تاریخ فرشتۀ برده شده است و مؤلف همان روشِ فرشتۀ به کار برده است[٤]ـ

محتویاتِ کتاب:

این اثر در سه جلد و یك خاتمه نگاشته شده است. تفصیل کتاب چنین است:

جلد اول: از مقدمه آغاز می شود و این مقدمه در موردِ آفرینشِ جهان و عنوان های مکمل جلد اول است.این جلد دارنده چند روضه است وهر روضه در' ضوها' تقسیم شده است.

۱ـ اته،بادلین،ج ۱،ستون۵۹،ش ۱۱۸

۲ـ استوری،ص۱٤۰

۳ـ مارشال،ص٤۹٤/نبی هادی،ص٦۲۸/استوری،ص۱٤۰

٤ـ ریو،ج۲،ص۸۷۲

روضه اول در دو ضو یکی در باره انبیا پیش از نبی کریم صلی الله علیه و آله و سلم و دیگری در مورد شاهان پیش از نبی کریم صلی الله علیه و آله و سلم که پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان، ساسانیان، شاهان کلدانی شام، شاهان حبش، غسانی ها و شاهان روم وغیره است- **روضه دوم** در پنج ضو در باره نبی کریم صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای اربعه است- **روضه سوم** در ده ضو منقسم است و دارنده تاریخ دوازده امامینً، صحابهٌ به ترتیب الفبایی، تابعین و تبع تابعین، صوفیا،علما، چهار مجتهدین، قاریان قرآن، بنو امیه، شهادت امام حسین علیه السلام و عباسیان وغیره است- **روضه چهارم** در دوضو است که یکم ازان در مورد حکمران های معاصر و صوبه دار ها که در غرب بغداد بودند ازان میان عباسی ها که به مصر فرار کردند، ساداتِ اندلس، سادات یمن، شریف های مکه، بنو غالب افریقه، آل همدان، بنو اسد، بنو طی، اسماعیلیان مصر، آل ایوب، سلجوقیان، آل عثمان روم و آل ذوالقدر وغیره است- باب دوم دربیانِ حکمران های معاصر در شرق بغداد و ایران و توران، دارنده احوال بنو حسن و حسین در طبرستان و گیلان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل زیار که درین باب بوعلی سینا را به تفصیل ذکر نموده است، غزنویان، غوریان، دیلمیان، کاکویه، سلجوقیان ایران و توران و عراق و کرمان، اتابکان موصل و آذربایجان و فارس و لرستان وغیره است- **روضه پنجم** در سیزده ضو در ذکر ترکان و تاتار و مغول و چنگیز خان و هلاکو خان و جانشینان هلاکو تا ابو سعید بهادرخان، چوپانیان، ایلخانیان و سربداریان وغیره بیان شده است[۱]- **روضه ششم** در سه ضو در بیان قراقونلو، آق قونلو و صفویان تا مرگ شاه عباس در ۱۰۷۷ هـ.ق است[۲]-

جلد دوم: مشتمل بر تاریخ تیموریان از تیمور تا محمد شاه است[۳]- این جلد مشتمل بر ده روضه است- **روضه اول** دارندۀ احوال تیمور و جانشینانش پیش از بابر است- این روضه

۱- اته،بادلین،ج۱،ستون ۶۰و۶۱،ش۱۱۸

۲- همان،ستون۶۱

۳- استوری،ص۱۴۰

مزید در سه ضو تقسیم شده است۔ **روضه دوم** درمورد بابر است و همین طور **روضه سوم** در احوال همایون، **روضه چهارم** درباره اکبر و امرا و علما و شعرا و منصفانِ آن زمان است، **روضه پنجم** درذکر جهانگیر، **روضه ششم** درباره شاه جهان و شیوخ و طبیب و شاعرانِ معاصر وی، **روضه هفتم** در موردِ عهد عالمگیر، **روضه هشتم** در باره بهادر شاه و جهاندار شاه، **روضه نهم** در ذکرِ تاریخ فرخ سیر، رفیع الدرجات و رفیع الدوله، **روضه دهم** در باره محمد شاه۱۱۳۱هـ.ق تا ۱۱٦۱هـ.ق است[۱]۔

جلد سوم: دارنده تاریخ شاهان محلی هند است۔به مطابق ریو این جلد از مقدمه آغاز می شود که در باره عقاید هندووان است و بعد ازان مؤلف در مورد جنگ های کورووان و پاندووان و راجه های قدیم هندو ظهور اسلام در هندوستان، پرداخته است۔مؤلف این جلد را در چهارده روضه نوشته است[۲]۔ **روضه اول** در بیان سلاطین لاهور یعنی غزنویان از سبکتگین تا خسرو ملك و شکستِ او به دست شهاب الدین غوری است[۳]۔ **روضه دوم** در باره سلاطین دهلی در شش ضو است که اول ازان در ذکرِ سلاطینِ مملوك از قطب الدین ایبك تا معزالدین بن کیقباد، دوم خلجی ها از جلال الدین خلجی تا قطب الدین مبارك، سوم تغلق ها از غیاث الدین تا محمد شاه ، چهارم یورش تیمور بر هندوستان در ۸۸۰هـ.ق، پنجم سادات ها از خضر خان تا علاوالدین بن محمد شاه و ششم لودیان و سوریان از بهلول لودی تا سکندر شاه سور بیان شده است[٤]۔ **روضه سوم** در بیان سلاطین دکن در شش ضو است۔ که ازان یکم در باره بهمنیان و دوم احوالِ عادلشاهیان، سوم نظام شاهیان، چهارم قطب شاهیان، پنجم عماد شاهیان و ششم احوالِ برید شاهیان را دربردارد[٥]۔ **روضه چهارم** در بیان سلاطین گجرات از ظفر خان تا مظفر شاه سوم و سلطان اکبر است[٦] و همانطور به

۱۔ اته،بادلین،ج۱، ستون ٦۱،ش۱۱۸
۲۔ ریو،ج۲،ص۸۷۲
۳۔ اته،بادلین،ج۱،ستون ٦۲،ش۱۱۸
٤۔ همان
٥۔ همان
٦۔ همان

روش فرشته تا روضه سیزدهم پرداخته است و آخرین روضه دربیان احوال شاهان مالابار است[۱]۔ **روضه پنجم** درذکرِ سلاطین مالوه، **روضه ششم** درباره فرخ شاهیان خاندیس، **روضه هفتم** درمورد سلاطین بنگاله، **روضه هشتم** دربیان شرقشاهیان جونپور، **روضه نهم** دراحوال حکمران های تته، سند، و مولتان است و در ذکر ناصر الدین قباچه اختتام می پذیرد[۲]۔ **روضه دهم** در ذکرِ سلاطین سومرا یا جام های سند است۔ **یازدهم** در بیان تاریخ سلاطین مولتان، **دوازدهم** درمورد سلاطین کشمیر و در آغاز این روضه مؤلف مختصری درباره عجایب و غرایب کشمیر و طلوع اسلام درین دیار را هم ذکر نموده است [۳]۔ **آخرین روضه** چون ریو بیان نموده است درباره سلاطین مالابارتا ابتدای تسلط انگلیسیان است [٤]۔ از روضه چهارم تا روضه دوازدهم مؤلف همان روشِ فرشتۃ را به کار برده است و احوالِ این استان ها تا فتح به دست اکبر اعظم، ذکر نموده است۔

خاتمه: خاتمه مشتمل بر سه قسم درذکر حکمت وحکیمان، ذکر شیوخ و فلاسفه و سلاطین قدیم و تذکره شاعران است۔ این خاتمه در ۱۱۸٤ هـ.ق/۱۷۷۰م درمرشدآباد تکمیل یافت۔این خاتمه دارنده احوال سه صد شاعران قدیم و جدید و بیست شاعران معاصرِ مؤلف است که در تذکره' مجموعه نفایس' آرزوؔ هم ذکر نشده است[٥]۔

سبكِ کتاب:

در مورد سبك این کتاب قیاس غالب است که به روش تاریخ نویسی آن دوره در سبك ساده نوشته شده بود۔ اما رد یا قبول این امر بر دستیابی نسخه خطی این کتاب است که هیچ یك ازان در پاکستان موجود نیست۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

۱۔ ریو،ج۲،ص۸۷۲

۲۔ اته،بادلین،ج۱،ستون ٦۲و ٦۳،ش۱۱۸

۳۔ همان،ستون ٦۳

٤۔ همان

٥۔ مارشال،ص٤۹٤

ازین نظر این تاریخ بسیار مهم است که تاریخِ وقایع که درین کتاب بیان شده است، خیلی درست است و چون این کتاب دارنده تذکره شاعران، علما وغیره هم است، این کتاب بسیار ارزشمند است ـ جلد دوم و سوم حدیقة الصفا بسیار مفصل است و جلد سوم این کتاب بر اساس تاریخ فرشته نگاشته شده است[۱] ـ

آغاز:

آغاز جلد اول: 'حمد وافر و ثنای متکاثر مخصوص جناب بی مثلی است که ذرات انبیا و رسل را...'[۲]

آغاز جلد دوم: 'قطب الدین امیر تیمور گورگان ....'[۳]

آغاز جلد سوم: 'بدان که مدار روزگار بوقلمون بر چهار دور است..........'[٤]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتابخانه موزه بریتانیا، کتاب خانه بادلین، کتاب خانه بانکیپور، کتاب خانه انجمن آسیای بنگال و کتابخانه اندیا آفیس موجود است ـ نسخه بادلین که دستنوشته خود مؤلف است، در دو جلد به شماره ۱۵۵ و ۱٥٦ موجود است ـ نسخه یکم دارندۂ ۳۱٤ برگ و نسخه دیگر دارندۂ ٤٤٦ برگ است ـ

تراجم و چاپ:

بخشی از چکیدۂ حدیقة الصفا که در مورد معرکۂ آسام است، در 'سه ماهی مجله اشراق' (Quarterly Oriental Magazine) شماره ۳، س.ن، از صفحه ۲٦۷ تا ۲۸۵ به چاپ رسیده است[۵] ـ

---

۱ ـ اته، بادلین، ج ۱، ستون ٦۵، ش ۱۱۸

۲ ـ همان، ستون ٦۱

۳ ـ ایوانوف، ولدمیر، انجمن آسیای بنگال، ص ۱٤، ش ٤۵/اته، بادلین، ج ۱، ستون ٦۳، ش ۱۱۸

٤ ـ اته، بادلین، ج ۱، ستون ٦۳، ش ۱۱۸

۵ ـ ریو، ج ۲، ص ۸۷۲/ استوری، ص ۱٤۰/ مارشال، ص ٤۹٤

اخبار محبت از نواب محبت خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

نواب محبت خان[1] پسر فیض عطاخان پسر صالح محمد خان بهادر پسر مرتضیٰ خان پسر فتح معمور خان پسر دلیر خان [2]از اولاد سالار روهیله دلیر خان داوودزیی بود و دلیر خان خود به عالمگیر پیوسته بود[3]۔ دلیر خان داوودزیی همراه برادرِ خود بهادر خان، در جنگ های عالمگیر کارهای نمایان انجام داد [4]۔ بهادر خان شهر 'شاه جهان پور' بنا کرده بود[5]۔ از احوال خود مؤلف اطلاعی زیاد در دست نیست اما ریو از بیان احوال بنگال درین تاریخ،احتمال کرده است که مؤلف مدتی طویل از زندگانی خود درین استان گزرانده بود[6]۔

سال تالیف:

این اثر دارنده تاریخ تا١١٨٦ھ۔ق/ ١٧٧٢م است[7]۔ این طور می توان گفت که این اثر در حدود همان سال نوشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

اخبار محبت تاریخ عمومی هند از آغاز تا ١١٨٦ھ۔ق است[8]۔مؤلف درین تاریخ ذکر اجداد خود بسیار پرداخته است[9]۔ در آغاز کتاب مؤلف ذکر نوحؑ و سه پسرانش داده است۔ در ذکر یافث وی نسب نامه ترک ومغول و در ذکر حام تاریخ عمومی بنگال از آغاز تا عُزل محمد رضا خان از نظامت بنگال در ١١٨٦ھ۔ق بیان نموده است[10]۔ پس ازان ذکر

١۔ الیوت،ج٨،ص٣٧٦

٢۔ ریو،ج٣،ص٩١١

٣۔ استوری،ص٤٧٣

٤۔ ریو،ج٣،ص٩١١

٥۔ استوری،ص٤٧٣

٦۔ ریو،ج٣،ص٩١١

٧۔ استوری،ص٤٧٣

٨۔ ریو،ج٣،ص٩١١

٩۔ الیوت،ج٨،ص٣٧٦

١٠۔ ریو،ج٣،ص٩١١

سلاطین دهلی از پاندو تا ابراهیم لودی(Ibrahim Lodhi) بیان شده است و شاهان گجرات را ذکر کرده به تیموریان می رسد[۱]۔ سپس مؤلف ذکر بنگال به تفصیل گراییده است۔ اگرچه در آخر این کتاب جلوسِ اکبرشاه ثانی(۱۲۲۱ھ.ق) هم بیان شده است اما این تتمه بعداً درین کتاب شامل شده باشد [۲]۔ مؤلف درین کتاب ذکر اجدادِ خودش و شاه جهان پور و بنگال را به ویژه بیان کرده است[۳]۔

منابع اخبار محبت:

در مقدمه کتاب مؤلف درضمن منابع خود اکبر نامه از ابوالفضل، تاریخ شهاب الدین غوری از نویسنده نامعلوم، تاریخ علاالدین خلجی از نویسنده نامعلوم، تاریخ افاغنه از حسین خان، ظفرنامه از شرف الدین، تیمورنامه هاتفی، تزك بابری، تاریخ اکبری از عطا بیگ قزوینی، کتاب اکبرشاهی از شیخ اله آباد فیضی، طبقات اکبری از نظام الدین احمد، اقبال نامه معتمد خان، تزك جهانگیری، تاریخ شاه جهانی از وارث خان، تاریخ عالمگیری از محمد کاظم، تاریخ بهادر شاهی، تاریخ محمد شاهی، تاریخ احمد شاهی، عالم شاهی، تاریخ کشمیری از مولانا شاه آبادی، مهابارت(Maha Bharat)، رامایِن، وشنو پران، بگوت گیتا(Bhagwat Gita)، جوگ باششت(Jog Bashisht)، سنگاسن بتیسی، پدماوت، راجاولی و راج ترنگینی را نام برده است[٤]۔ مؤلف مزید گفته است که وی در بیانِ بخشِ آخر این تاریخ از شنیده های پدر و عمو و برادرانِ خود و مردم های معتبر بهره برده است[۵]۔

سبكِ کتاب:

این کتاب هنوز به زیور طباعت آراسته نشده است و برای بررسی سبكِ این کتاب نسخه خطی هم به دست نیامده است البته در موردِ سبك این کتاب پرفسور داووسن(Prof.

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۱۱

۲۔ همان،ص۹۱۲

۳۔ استوری،ص٤۷۳

٤۔ الیوت،ج۸،ص۳۷۷

۵۔ همان،ص۳۷۸

Dowson) در تاریخ الیوت می گوید که سبك مؤلف مانند نویسندگان افغانیه در هندوستان پراگنده و نادرست است، به واژه های خود وی:

"The style of the author of the Akhbar-i-Muhabbat is slovenly and inaccurate, as is often observable in works written in India by foreigners from Afghanistan."[1]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب از نظر تاریخی و ادبی بسیار ارزشمند نیست۔ مؤلف اگرچه در مقدمه این کتاب،فهرست طویل در منابع خود پرداخته است اما دران زمان نویسندگان در مقدمه، بدون خواندن این کتاب ها، نام این درج می نمودند[۲]۔ مؤلف درباره اجداد خود درین کتاب بسیار ذکر نموده است البته احوال سیزده سال از روزگارِ شاه عالم که چشم دیدۀ خود مؤلف است، مهم است۔ در مقدمه هم مؤلف درباره احوال خود معرفی نداده است۔

آغاز:

'به حمد و سپاس مر قادری را که به قدر خود نیستی را..........'[۳]

نسخه های خطی:

نسخۀ خطی اخبار محبت در ملك اولادِ مؤلف بود و ازان نسخۀ دیگری برای هنری الیوت گرفته شده بود که در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۱٤ نگهداری می شود و دارندۀ ۳۳۵ برگ است[٤]۔ استوری یکی نسخه در کتاب خانه اندیا آفیس را هم ذکر کرده است[٥]۔

تراجم و چاپ:

بخشی ازین کتاب به توسط الیوت به زبان انگلیسی ترجمه شده است و در تاریخ

۱۔ الیوت،ج۸،ص۳۷٦

۲۔ همان،ص۳۷۷

۳۔ ریو،ج۳،ص۹۱۱

٤۔ همان

٥۔ استوری،ص٤۷۳

الیوت در جلد هشتم از صفحه ۳۷۸ تا ۳۹۳ موجود است ـ این ترجمه که الیوت بران تجدیدِ نظر نیز کرده بود[۱] به صورت نسخه خطی از ترجمهٔ منشی سدا سُك(Sada Sukh) در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ۳۰۷۸۲ .Add از برگ ۳۰۹ تا ۴۱۵ نگهداری می شود[۲]ـ

---

۱ ـ الیوت،ج۸،ص۳۷۸

۲ـ ریو،ج۳،ص۹۱۱

مظفرنامه از کرم علی

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال زندگانی کرم علی اطلاعِ بیشتری در دست نیست الا که در بنگال به سر می برد[۱] و از خانواده نظام بنگال بوده[۲] و نخست با سیف الدوله پیوسته بود و بعد ازان به ملازمت سید محمد رضا خان مظفر جنگ شامل گردید[۳]۔

در ۳۰ صفر ۱۱۸٤ ه.ق مادر کرم علی انتقال یافت [٤]۔ مؤلف چون خود از خانواده نظام بود، در بیان وقایع بعضی جا ذکر آن هم آمده است۔مؤلف با مستر امیت(Mr.Amith)که ناظمِ عظیم آباد بود،مراسم دوستی داشت چون وی اکثر در تحقیق واژه های فارسی مشغول می ماند[۵]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۸٦ ه.ق/ ۳۔۱۷۷۲ م نوشته شده بود[٦]۔

سبب تالیف:

در موردِ سبب تالیفِ کتاب مؤلف در دیباچه گفته است که از اسیری مظفر جنگ در تمام بنگال هوای غم و حزن و بی چینی وزید و او این کتاب را برای برکنیِ غم ها نوشته است که از گرفتاری مظفر جنگ به ایشان رسیده است[۷]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ استان بنگال از نواب علی وردی خان مهابت جنگ تا عُزلِ نواب سید محمد

۱۔ نبی هادی،ص۲۹۷

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱٤۳ / استوری،ص۷۱۸

۳۔ ریو،ج۱،ص۳۱۳

٤۔ کرم علی،مظفر نامه،ترجمه اردویی،مترجم حکیم سید یوسف علی،ص ۲۲۲

۵۔ همان،ص۱٦۷

٦۔ استوری،ص۷۱۸

۷۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱٤۳

رضا خان مظفرجنگ در ۱۱۸٦ھ.ق/۱۷۷۲ م به دستِ انگلیسی ها[۱]۔ ریو محتویات کتاب چنین بیان نموده است: تاریخ مهابت جنگ از اوایل زندگانی تا وفات او در ۹ رجب ۱۱٦۹ھ.ق، حکومت نبیره وی سراج الدوله، نظامت میر محمد جعفر خان از تاجگزاری در چهاردهم شوال ۱۱۷۰ھ.ق تا عُزل وی، نظامت میر محمد قاسم خان از دهم ربیع الاول ۱۱۷٤ھ.ق، میر محمد جعفر خان از استقرار مجددِ او در دهم ربیع الاول ۱۱۷۷ھ.ق تا مرگ وی در چهاردهم شعبان ۱۱۷۸ھ.ق، دوره پسرش نجم الدوله از آغاز نظامت و نیابت محمد رضا خان تا مرگ نجم الدوله در ذی القعد ۱۱۷۹ھ.ق، نظامتِ برادرِ نجم الدوله ،سیف الدوله در نهم ذی الحج ۱۱۷۹ھ.ق تا مرگِ وی، نظامت مبارك الدوله در ذی القعد ۱۱۸۳ھ.ق تا خاتمۀ نظامت در ۱۱۸۵ھ.ق۔ خاتمۀ کتاب در مورد گرفتاری سید محمد رضا خان در بیست و سوم محرم الحرام۱۱۸٦ھ.ق [۲] و احوال که بعد ازان پیش آمدند و نظامت موقتِ مانی بیگم و خاتمه فوج بنگال در یکم جمادی الثانی ۱۱۸٦ھ.ق[۳]۔

سبكِ کتاب:

کرم علی درین کتاب علی وردی خان را هر جا به واژه 'جناب عالی' ذکر نموده است[٤]۔ در ذکر احوال اشعار هم نوشته است۔از آیات و احادیث هم درین کتاب استفاده نموده است ۔ از ترجمه اردویی مظفرنامه معلوم می شود که این کتاب به سبك ساده نگاشته شده بود۔ (برای بررسی سبك کتاب، نسخه خطی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

درین کتاب مؤلف التزامِ تاریخ های وقایع را به کار برده است و ازین رو این کتاب در تاریخ بنگال خیلی مهم و بسیار ارزشمند است۔ مؤلف هرچه که با نظر خود ملاحظه کرد

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٤۳

۲۔ ریو،ج۱،ص۳۱۳

۳۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۸٦،ش٤۷۹

٤۔ چغتایی،حبیب الرحمن،مقدمه 'مظفر نامه' ترجمه اردویی،مترجم حکیم سید یوسف علی

و یا از بزرگان شنید، درین کتاب رقم کرده است [۱]۔ علاوه بر تاریخ علی وردی خان مؤلف درین کتاب ذکر ملازمان و غلامان و فرزندان و دیگر کسان هم پرداخته است۔

آغاز:

'حمد نا محدود و شکر نا معدود سزاوار صانعی است که به یك امر کن نسخه دو کون پرداخت ......' [۲]

نسخه های خطی:

نسخه های مظفر نامه در کتابخانه موزه بریتانیا، اندیا آفیس و بانکیپور موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری، ص۷۱۹ و مارشال، ص۲٤۳۔

تراجم و چاپ:

قسمتی ازین کتاب به توسطِ جاودنات سرکار(Jadunath Sarkar) در Bengal Past & Present در ۱۹٤۸م به زبان انگلیسی ترجمه شده است [۳]۔

ترجمه اردویی این کتاب از حکیم سید یوسف رضوی از سوی کتاب خانه خدا بخش، پتنه در ۱۹۹۸م به چاپ رسیده است و همین ترجمه موردِ نویسنده این مقاله است۔

۱۔ کرم علی، مظفر نامه، ترجمه اردویی، مترجم حکیم سید یوسف علی، ص۲

۲۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص۱٤۳ / اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۱۸٦، ش٤۷۹

۳۔ مارشال، ص۲٤۳

تاریخ گکران از برج نات

شرحِ احوالِ مؤلف:

برج نات(Brij Nath) پسر رای زاده دونی چند عرف بالی[1] متوطن قصبه گلیانه(در گوجر خان، شهرستانِ راول پندی) بود[2]۔ برج نات از خانوادۀ معروفِ تاریخ نگار شبه قاره بود۔ پدرش دونی چند عرف بالیؔ نویسنده معروف بود و ازو 'کیگوهرنامه' یادگار است۔ باید دانست که مصنفِ کیگوهر نامه اصلاً دونی چند است و وی وقایع تاریخی را فقط تا سال ۱۱۳۷ھ.ق قلمبند کرد و سپس برج نات بر آن تاریخ کیگوهرنامه از سلطان مکرم خان تا غلام حیدر خان افزوده بود[3]۔ بعد از برج نات رایزاده رتن چند فرزند برج نات وقایع تیرۀ گکران را تا سالِ ۱۱۸٦ھ.ق/ ۱۷۷۲م نگاشته بود[4]۔

بعضی این کتاب را با کیگوهر نامۀ دونی چند اشتباه کرده اند اما این اثر مختلف است و نام این 'تاریخ گکران' است۔ به گفته خضر نوشاهی در موردِ نسخه دانشگاه پنجاب،گنجینه آذر،در ترقیمه نسخه خطی هم کیگوهر نامه نوشته است که درست نیست[5]۔

سال تالیف:

در موردِ سال تالیف این کتاب اطلاعی دقیق در دست نیامده است۔ البته چون دونی چند در ۱۱۳۷ھ.ق کیگوهر نامه را نگاشته بود و رتن چند پسر برج نات در ۱۱۸٦ھ.ق بران افزوده بود، این طور اندازه می شود که این اثر میان ۱۱۳۷ھ.ق تا ۱۱۸٦ھ.ق نگاشته

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۵۰۷

۲۔ نوشاهی،خضرعباس، گنجینه آذر،ص۳۹۸

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج۳،ص٤۳٦

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۵۰۷

۵۔ نوشاهی،خضر عباس،گنجینه آذر،ص۳۹۸

شده باشد۔

سبب تالیف:

برج نات این رساله را حسب فرمایش سلطان مکرم خان مرتب کرد[1]۔

محتویاتِ کتاب:

چون از نام این کتاب ظاهر است که این اثر دارندۂ تاریخ مختصرِ قبیلۂ گکران است۔نسخۂ خطی تاریخ گکران در گنجینه آذر، تاریخ تالیف ندارد البته تاریخ کتابتِ نسخه خطی ۱۸۹٦ بکرمی درج است که برابر ۴۰_۱۸۳۹ م است۔ این کتاب دارنده کرسی نامه تیره گکر(Gakkhar) است و تاریخ کوتاهِ این تیره، جزوِ 'کیگوهرنامۂ'دونی چند به شمار می آید[2]۔ در آغاز از سلطان سارنگ تا سلطان آدم نسب نامه درج شده است۔سپس احوال مختصر سرداران قبیله و اولادشان را ذکر کرده است۔ مؤلف درین کتاب روابط های گکران با شاهان افغان و شاهان لودی را بیان نموده کارگزاری های شان را در دوره تیموریان با تفصیل رقم کرده است۔ بعد ازان احوال چندی از سردارانِ قبیله بیان کرده است[3]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تاریخ گکران یکی از مهم تاریخ محلی تیره ی گکران است۔ چون دونی چند نخست کیگوهر نامه در تاریخ تیره ی گکران نگاشته بود و برج نات بعد ازان آن تاریخ را ادامه داد، این طور این کتاب تتمه کیگوهر نامه دونی چند باشد و به همین علت ارزش فراوان دارد۔ علاوه بران چون در مورد تاریخ گکران، تاریخ گکران وقایع از شاهان افغان و لودیان و تیموریان هم دارد، این کتاب بسیار ارزش مند است۔

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج ٤،ص ۸۳

۲۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۳۱۹

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج ٤،صص ۸۳_ ۸٤

آغاز:

'سپاس بی قیاس بر ناطقه زبان و ذایقه کام ودهان ....را می سزد که از فضل و کرم درگاه کبریای بادشاه هستی'[۱]

نسخه های خطی:

نسخه خطی ' تاریخِ گکران' در دانشگاه پنجاب در گنجینه آذر موجود است و نوشته رتن چند فرزند رایزاده سلامت رای است[۲]۔این همان رتن چند فرزند سلامت رای است که کتابی درباره سیك ها به نام 'خالصه نامه' نگاشته بود۔رتن چند فرزند سلامت رای از خانوادۂ دونی چند بود۔ معلوم می شود که این دستنوشته منحصر به فرد است چون نشان از هیچ دیگر نسخۂ خطی به دست نیامده۔

۱۔ نوشاهی،خضرعباس، گنجینه آذر،ص۳۹۸

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۰۷

عزمِ حیدری/وقایع عزم حیدری[1] از محمد حیدر

شرحِ احوالِ مؤلف:

در باره احوال مولف هیچ اطلاعی در دست نیست الا که در روزگارِ شجاع الدوله زندگی می کرد۔ حتّیٰ نامِ او هم در این اثر نیامده بلکه این نامِ مؤلف از دفترِ کتابخانه گرفته شده است[2]۔

وجه تسمیه:

در موردِ نامگذاری این کتاب مؤلف در دیباچه می گوید: **'و به مناسبتِ اسم شریف جلال الدین حیدر به 'عزمِ حیدری' تسمیه شد'**[3]

سال تالیف:

این اثر به روزگار نواب شجاع الدوله جلال الدین حیدر در ماهِ شعبان ۱۱۸۹ه.ق/ ۱۷۷۵ م نگاشته شده بود[4]۔

محتویاتِ کتاب:

در منابع ذکرِ این کتاب فقط در فهرست دانشگاه پنجاب،گنجینه آذر از خضر نوشاهی و فهرست مشترك از احمد منزوی ذکر شده است و آن هر دو عنوان های کاملِ این کتاب ندادند۔ نگارندۀ این مقاله هم بر عناوینِ فهرستِ گنجینه آذر اکتفا می کنم که چنین است: 'نهضت... وزیری سمت اتاوه و ظهور فتح آنجا، تعریف صاحبزاده و مجلس او، اظهار اخلاق صاحبزاده(آصف جاه)، توصیفِ ارکان دولت اول، [و]فور عساکر وزیری در

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۱۲

۲۔ نوشاهی،خضرعباس،گنجینه آذر،ص۴۱۲/منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۱۲

۳۔ نوشاهی،خضرعباس،گنجینه آذر،ص۴۱۲

٤۔ همان

اتاوه و افتتاح قلعه آن، روانه شدن رگونات سینگ کمندان به حدود رای پور و باز آمدن با کشتی ها، رفتن لطافت علی خان و ....در مهدی گهات، رفتن مشحمه سمت پتهر کده به مقابله فیض الله خان، صدور مرض به وجود فیض آمود نواب وزیر و به علت آن انتقال نمودن به عالم بقا'[۱]۔

سبك نویسندگی:

چون این کتاب هنوز به زیور طباعت آراسته نشده است و نیز دستنویس این کتاب به دسترسِ نگارنده این سطور نیست، به این علت قضاوت حتمی درموردِ سبك این کتاب امکان پذیر نیست۔ از فهرست عنوان این کتاب که خضر نوشاهی در فهرست گنجینۂ آذر ذکر کرده است، می توان حدس زد که این اثر به زبان ساده و متین نگاشته شده باشد و مؤلف در نوشتنِ این کتاب واژه های محلی هم به کار برده باشد۔

آغاز:

'حمد بی حد ناطقی را سزا است که جزو و کل را به جوهر منطق علم عرض گویای....'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه خطی عزمِ حیدری که منحصر به فرد است در کتابخانه دانشگاه پنجاب، گنجینه آذر به شماره H_۳۸/۷۷۷۸ نگهداری می شود و ۱٦۲ صفحه دارد[۳]۔

۱۔ نوشاهی، خضر عباس، گنجینه آذر، ص ٤۱۲

۲۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج ۱۰، ص ۵۱۲

۳۔ همان

شرح احوال مرهته از منشی حسام الدین

شرحِ احوالِ مؤلف:

در موردِ نویسنده این کتاب منشی حسام الدین [1] اطلاعی زیاد در دست نیست البته این قدر معلوم شده است که او در ملازمتِ مردِ انگلیسی کولونل آپتون(Col. Upton) بود و در همراهی او به سفارتِ پونه رفته بود که پای تختِ حکومت مرهته ها بوده [2]۔از زایش و مرگِ منشی حسام الدین هیچ اطلاعی معلوم نیست۔

سال تالیف:

حسام الدین درین کتاب مادهو راو(Madhu Rao) پسر نراین راو را که در ۱۱۸۸ھ.ق زاده شده بود، به عمرِدو سالگی بیان نموده است[3]۔ ازین رو این اثر در ۱۱۹۰ھ.ق نوشته شده باشد[4]۔ به گفتهٔ نبی هادی این اثر در ۱۱۹۰ھ.ق/۱۷۷٦م نگاشته شده بود[5]۔

محتویاتِ کتاب:

نامِ کاملِ این کتاب"شرح احوال مرهته در زمان سابق و حال بر سبیل اجمال" است[6]۔ درین کتاب مؤلف تاریخ قوم مرهته تا زمانِ خود بیان نموده است [7]۔ این کتاب دارنده احوالِ مختصر، از عروج شیواجی تا مرگ نراین راو در ۱۱۸۸ھ.ق، است[8]۔خاتمه کتاب دربیانِ ملکِ مرهته و تولیدات وبازرگانی و رسوماتِ این دیار است[9]۔

سبکِ کتاب:

حسام الدین این کتاب را در بیانِ مختصر نگاشته است۔ در سیزده برگ(نسخه ریو

۱۔ استوری،ص۷٦۰

۲۔ نبی هادی،ص۲٤۱

۳۔ ریو،ج۲،ص۸٦۱

٤۔ همان

۵۔ نبی هادی،ص۲٤۱

٦۔ استوری،ص۷٦۰/نبی هادی،ص۲٤۱

۷۔ نبی هادی،ص۲٤۱

۸۔ ریو،ج۲،ص۸٦۱ ۹۔ همان

مؤلف تاریخِ مرهته ها را به اجمال بیان نموده است۔ از اختصارِ این کتاب معلوم می شود که این کتاب در سبکِ ساده و عاری از تکلف نگاشته شده بود۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

درین رساله مختصر مولف نه تنها تاریخِ این قوم پرداخته است بلکه از تولیدات و تجارت و رسوم های آن دیار هم معلوماتی ارزشمند بیان نموده است۔

آغاز:

'اول کسی که بر سرِ قوم مرهته نامور و مشهور گردیده سیواجی ولد سنبها .....'[1]

نسخه های خطی:

نسخه خطی شرح احوال مرهته از حسام الدین که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ٢٦٢٧٥ .Add از برگ یکم تا سیزدهم موجود است[2]۔

تراجم و چاپ:

این اثر به توسط ویلیام چیمبرز (William Chambers) در کلکته به نام (A short account of the Marratta State) در مجله 'آسیاتك میسالینی (The Asiatick Miscellany) در ۱۷۸۵ م به چاپ رسیده است[3]۔

۱۔ استوری،ص ٧٦٠

۲۔ ریو،ج۲،ص ٨٦١

۳۔ استوری،ص ٧٦٠

تاریخ فیض بخش/فرح بخش[1] از شیو پرشاد

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال مؤلفِ تاریخ فیض بخش منشی شیوپرشاد(Shiv Parshad) اطلاعِ زیادی در دست نیست۔ آنچه که از زندگانی وی معلوم است بسیار اندك است و جز این نیست که وی در خدمت فرمانروای رامپور سردار روهیله نواب فیض الله خان به سر می برد [2]۔ پس از شکست روهیله ها به دست شجاع الدوله و انگلیسی ها، فیض الله خان شیوپرشاد را به طور وکیل برای گفت گوی با انگلیسی ها به بلگرام فرستاد[3]۔مؤلف آنجا با کرك پاتریك(Kirkpatrick) صحبت کرد و به خواهشِ آن مرد انگلیسی این اثر را تالیف کرد[4]۔

سال تالیف:

شیوپرشاد این کتاب را در محرم ۱۱۹۰ه.ق/۱۷۷٦م به تکمیل رساند و به نواب[فیض الله خان] معنون کرده برای نظر ثانی به او پیش کرد[5]۔ اما در نسخه کتاب خانه عمومی پنجاب، احوال تا ربیع الثانی ۱۱۹۰ه.ق موجود است[6]۔

سبب تالیف:

در سبب تالیف این کتاب، الیوت گفته است که این اثر حسب فرمایش کرك پاتریك نوشته شده بود[7]۔ ریو و اته و استوری هم ازو اتفاق می کنند۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ فیض بخش از منشی شیوپرشاد مشتمل بر تاریخ فرمانروایان افغان روهیل

۱۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب،ص ۷۲۰
۲۔ استوری،ص٦۹۵
۳۔ ریو،ج۱، ص۳۰٦
٤۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان ..،ص۹۸
۵۔ ریو،ج۱،ص۳۰٦/اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۲۳۵،ش۵۸٤
٦۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب،ص ۷۲۰
۷۔ الیوت،ج۸،ص۱۷۵

کند(Rohil Khand) است ـ کتاب مذکور از آغاز آمدن روهیله ها در عهدِ شیر شاه سوری تا شکست ایشان به دست شجاع الدوله در ۱۱۸۸ھ.ق/ ۱۷۷٤ م بیان شده است[۱]ـ این کتاب با حمد خدا و توصیف نبی کریم صلی الله علیه وآله وسلم و خلفای راشدین آغاز می شود[۲]ـ بعد ازان مؤلف ذکر نواب فیض الله خان و زیبایی ومحاسن رامپور و ذکر مختصر فرمانروایان افغانی از شیر شاه تا عدلی پرداخته است ـ سپس تاریخ روهیله ها از آبادی ایشان به سرکردگی شاه عالم خان و حسن خان، نیاگان خانواده فرمانروایی رامپور، در کطهیر(روهیل کند) در دوره شاه جهان بیان شده است ـ آنگاه شرح احوال علی محمد خان می آورد که نخستین سرکردۀ روهیله ها بود و حکومت مستقلی تاسیس کرد و سر انجام با ذکر شکست روهیله ها از شجاع الدوله ومتحدان انگلیسی ها گزارش خود را به پایان می رساند ـ آخرین واقعه که در کتاب ازان به یاد رفته، رهایی خانواده های حافظ رحمت خان و دوندی خان از الٰهٰ آباد در شعبان ۱۱۸۹ھ.ق است[۳]ـ

نسخه موزه بریتانیا به شماره Add. ۸۹۸۸ شرحِ احوال تاوان دادن برای رهایی خانوادۀ محبوس و چندی درموردِ احمد خان و دیگر پسران بخشی سردار خان نیز دارد[٤]ـ نسخه دیگر موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۰۲ سه باب دیگر در بیانِ مرگ مختار الدوله در ۲۷ صفر ۱۱۹۰ھ.ق ، فرار سعادت علی به آگره ، آمدن الیچ خان به دربار آصف الدوله در ۲۰ ربیع الثانی ۱۱۹۰ھ.ق و تقرری او به عهده وزارت هم دارد[۵]ـ

سبکِ کتاب:

چون متن کامل این کتاب به صورت چاپی یا دستنویس در دسترس نویسنده این سطور نیست، اظهار قضاوت در باره سبك آن ممکن نیست ـ البته از ترجمه عناوین که الیوت

۱ـ مارشال،ص٤٤۷

۲ـ الیوت،ج۸،ص۱۷٦

۳ـ ریو،ج۱،ص۳۰۷

٤ـ همان

۵ـ همان،ج۳،ص۹۵۹

در تاریخ خود ازان نقل کرده است، می توان قیاس زد که سبك انشای این کتاب بسیار ساده و متین و استوار و خالی از تکلف بی جا است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب در موردِ تاریخ روهیله ها خیلی مهم است۔ مؤلف درین کتاب تاریخ روهیل کند با تفصیل بیان کرده است۔ ارزش تاریخ فیض بخش ازین چیز عیان است که این اثر یکی از مآخذ مهمی در تاریخ چارلز هیمیلتن(Charles Hamilton) به شمار می آید۔

آغاز:

'فیض آفرینی را الوف ستایش و نیایش سزد و کارساز که طراوت گل و ریاحین کاینات ومکنونات از رشحات سحاب رحمت بار اوست........'[۱]

'فیض آفرینی را هزاران ستایش و نیایش سزد و سازگار است........'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تاریخ فیض بخش از منشی شیوپرشاد در کتابخانه های جهان فراوان است که ازان نسخه های موزه بریتانیا،اندیا آفیس، بادلین و ایدنبرگ مهم است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص٦٩٥/مارشال،ص٤٤٧۔ در پاکستان دو نسخهٔ خطی این کتاب در کتابخانه موزه ملی پاکستان کراچی و کتابخانه عمومی پنجاب موجود است که تفصیل این نسخه ها در فهرست مشترك منزوی جلد ۱۰ بر صفحه ۵۱۳ داده شده است۔

در نسخه های خطی این کتاب خیلی اختلاف دیده می شود۔ الیوت،ریو،اته و استوری سبب تالیف این کتاب فرمایش کرك پیترك نوشته اند۔ اما در نسخه کتابخانه

۱۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب،ص ۷۲۰

۲۔ ریو،ج۱،ص٣٠٦/اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۲۳۵،ش٥٨٤

عمومی پنجاب ذکر کرک پیترک نیست و سبب تالیف این کتاب ایمای هاتف غیبی نوشته است[۱]۔ همین طور ریوواته تاریخ تالیف این کتاب محرم ۱۱۹۰ ھ.ق نوشتند و در نسخه کتابخانه عمومی پنجاب این ربیع الثانی ۱۱۹۰ ھ.ق است و نام این کتاب هم فرح بخش آمده است۔

تراجم و چاپ:

چارلس هملتن این کتاب را با اضافات در تاریخ خود به نام An historical relation of the origin, progress and final dissolution of the government of the Rohilla Afghan in the Northern provinces of Hindostan به انگلیسی ترجمه کرده است[۲]۔ چارلس هملتن در ترجمهٔ خود، مولف این کتاب را یك افغانی خوانده است که با شیوپرشاد هندو ظاهراً نمی تواند یکی باشد[۳]۔ علتِ چنین تفاوت این معلوم می شود که هملتن از نسخه اندیا آفیس موجود به شماره ۵۸۵ استفاده کرده و آن نسخه مقدمه و اسم مؤلف ندارد[٤]۔

۱۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب،ص ۷۲۰

۲۔ استوری،صص ٦۹۵۔٦۹٦

۳۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱۵٦۳

٤۔ استوری،ص٦۹٦

جام جهان نما از قدرت الله شوق صدیقی

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد قدرت الله شوق رامپوری پسر شیخ قبول محمد پسر شیخ عابد پسر شیخ عبدالرحیم پسر شیخ کمال[۱] در روستایی 'ماوی' [۲] نزد باهری در شهرستان بریلی به دنیا آمده بود [۳]۔ چون اوایل زندگانی خود در رامپور گذراند به رامپوری آوازه یافت[٤]۔ قدرت الله در تتمۀ کتاب شرحِ احوال خود و اجدادش را ذکر کرده است و می گوید که اجدادش در زمانِ پرتوی راج(PirthwiRaj) به هندوستان آمدند و بعضی ازان در اجمیر و سون پت مدفون اند[٥]۔ بعد از مدتی اجدادش به روهیلکند رفتند و راجه تاج خان ایشان را 'ماوی' و دوازده روستای در 'کیبر' نیز مرحمت فرمود[٦]۔ اما قدرت الله شوق خود در رامپور زندگی می کرد و آنجا حکمران های محلی سرپرستی او کردند[۷]۔

وی کتاب های درسی نزد مولوی غلام طیب بهاری خواند ومدتی ملازم وی نیز ماند[۸]۔ چون از نام وی عیان است که شوق تخلص داشت، در زبان اردو شعر هم می سرود و از قیام الدین چاندپوری اصلاح سخن می گرفت[۹]۔ اگرچه سخنش از درجه دوم بالا نیست، اما وی نقادِ عالی بود[۱۰]۔ از تاریخ مرگش اطلاع دقیق در دست نیست البته این قدر مسلم است که تا ۱۲۲۱ھ.ق حیات داشته باشد چون میر قدرت الله متخلص به قاسم در 'مجموعه نغز' نوشتۀ ۱۲۲۱ھ.ق ، درباره شوق می نویسد که **'وی با آن که بهره از علوم رسمیه دارد و خود را از جرگه علما می شمارد، مردِ خوش فکر،عاشق مزاج، ظریف الطبع با**

۱۔ نوشاهي،عارف،فهرست موزه ملي پاکستان،ص۷۲۳

۲۔ الیوت،ج۸،ص۱۸٤ ۔ در جای تولد قدرت الله اختلاف است۔ الیوت ماوی را نزد 'کیبر' در روهیلکند نوشته است۔ دردانشنامه ادب فارسی روستای موی نزدیك سنهل از بخش مرادآباد نوشته است۔ منزوی در فهرست مشترك،ج۰۱،ص۱۳۱ گویاموی در بریلی نوشته است۔

۳۔ استوری،ص۱٤۳،

٤۔ برزگرکشتلي،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱٥۳٤

٥۔ الیوت،ج۸،ص۱۸٥ ٦۔ همان

۷۔ نبی هادی،ص٥٦٤

۸۔ برزگرکشتلي،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱٥۳٤

۹۔ همان ۱۰۔ نبی هادی،ص٥٦٤

ابتهاج است»[1]۔

سال تالیف:

قدرت الله شوق این اثر را در ۱۱۹۱ھ.ق/۱۷۷۷م آغاز کرده بود و در ۱۱۹۹ھ.ق/۱۷۸۵م به تکمیل رسانده بود[2]۔

محتویاتِ کتاب:

این اثر در تاریخ عمومی جهان است و در یك مقدمه و سی و نُه باب یا طبقه و یك خاتمه است۔ مؤلف بعضی طبقه را در چند مقاله تقسیم کرده است۔ **مقدمه** درباره آفرینش و دوره پیش از آدمؑ است۔ترتیب و محتویات **طبقات** چنین است؛ ۱) پیدایش آدمؑ و پیامبران، ۲) حکمای صاحب فطرت، ۳) سلاطین عجم در چهار مقاله، ٤) سلاطین عرب پیش از اسلام، ٥)پیامبر اسلامؐ در پنج مقاله،٦) خلفای بنو امیه، ۷) خلفای بنو عباس، ۸) سامانیان، ۹) غزنویان، ۱۰) دیلمیان، ۱۱) غوریان، ۱۲) سلجوقیان در هفت مقاله، ۱۳) اتابکان در سه مقاله، ١٤) قراختاییان، ١٥) سلاطین خراسان، ١٦) سلطنت ایران، ۱۷) زیاریان، ۱۸) ملوك طبرستان، ۱۹) ملوك الجبال، ۲۰) ملوك اسماعیلیه، ۲۱) عثمانیان خوندکار روم، ۲۲) قیاصره روم، ۲۳) خانان ترك در سه مقاله، ٢٤) چنگیز خان و پسرانش در چهار مقاله، ٢٥) حکومت فروع مغول که معروف به طوایف الملوك است، ٢٦) امیر تیمور گورگان واولاد او، ۲۷) ازبکان، ۲۸) صفویان، ۲۹) اقالیم سبعه و احوال استان های هندوستان در دو مقاله، ۳۰) راجه های هندوستان در پانزده مقاله[3]، ۳۱)سلاطین مسلمانان در هندوستان از محمد سام تا زمان تالیف در پنج مقاله، ۳۲) سلاطین دکن، ۳۳) سلاطین گجرات، ٣٤) سلاطین تته، ٣٥) سلاطین بنگاله، ٣٦) سلاطین جونپور، ۳۷) سلاطین مالوه، ۳۸) سلاطین کشمیر، ۳۹)

۱۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص١٥٣٤

۲۔ استوری،ص١٤٣

۳۔ الیوت،ج۸،ص١٨٦ (عارف نوشاهی یازده مقاله نوشته است)

سلاطین مولتان۔ **خاتمه** در ذکر صحابه کبارؓ اولیای عظامؒ، محدثین، فضلا، مجتهدین، متاخرین در چند مقاله و تتمه در انساب نگارنده بیان شده است[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

جام جهان نما از قدرت الله شوق صدیقی تاریخ عمومی جهان به ویژه ایران و هندوستان است۔ مؤلف این کتاب را در مدتِ هشت سال نگاشته بود۔ تاریخِ سلاطینِ جهان که قدرت الله درین کتاب پرداخته است اگرچه در کتاب های دیگرِ تاریخ نیز یافته می شود اما به این نظری که خاتمه این کتاب دارنده ذکر مردم های معروف جهان است بسیار اهمیتی دارد۔ الیوت هم گفته است که هیچ چیزی درین کتاب تازه نیست اما زندگی نامه ها در خاتمه این کتاب، خیلی مهم است[2]۔ مؤلف درین کتاب شاه عالم را مورد انتقاد قرار داده است که وی در محلِ دهلی مشغولِ شادمانی است و مردم های سلطنتِ او خیلی رنج آمود زندگی به سر می برند[3]۔

نسخه های خطی:

نسخه خطی جام جهان نما در کتاب خانه رضا رام پور نگهداری می شود که نوشته خود مؤلف است[4]۔ نسخه ای که الیوت ازان استفاده کرده بود در کتاب خانه سعیدالدین احمد خان، یکی از اشراف مرادآباد، بود[5]۔ فقط یك برگ ازین نسخه خطی در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۰۵٦ که دارنده چکیده ازان تواریخ است که الیوت در جلد هشتم تاریخ خود آنرا ذکر نموده است[6]، بر برگ ٦۲ نگهداری می شود۔

در پاکستان نسخه خطی این کتاب در موزۀ ملی پاکستان کراچی به شماره N.M. ۱۹٦۲_۱٤۷/A-B موجود است۔

۱۔ نوشاهی، عارف، فهرست موزه ملی پاکستان، ص۷۲٤

۲۔ الیوت، ج۸، ص۱۸٤

۳۔ شوق، قدرت الله، چکیدۀ ترجمه انگلیسی در الیوت، ج۸، ص۱۸۵

٤۔ استوری، ص۱٤۳

۵۔ الیوت، ج۸، ص۱۸٦

٦۔ ریو، ج۳، صص۱۰۵۰_۱۰۵۱

تراجم و چاپ:

حافظ احمد علی خان مهتمم کتاب خانه دولتی رامپور ترجمه گزیده اردویی از خاتمه این کتاب درمورد نیاگانِ مولف در مقاله ای نوشته است [۱]. الیوت هم در تاریخ خود ترجمۀ انگلیسی در موردِ بدحالی سلطنتِ تیموریان داده است. درین ترجمه که کم از یك صفحه است، بیان شده است که در زمانِ نصف آخرِ روزگارِ شاه عالم حکمران های محلی بر همه سلطنت قابض شدند ومردم در انتظار مهدی موعود بودند و شاه عالم در محلِ دهلی کیف می برد[۲].

آثار دیگر مؤلف:

۱. تکمله الشعرای،جام جمشید: این تذکره به ترتیب الفبایی درباره شعرای قدیم و جدیداست که مولف بعد از تالیف جام جهان نما نگاشته بود[۳].

۲. طبقات الشعرا: این تذکره در شرح احوال دویست و بیست و چهار شاعر اردو سرا تا ۱۱۸۸ ه.ق در پنج مقاله بیان شده است[٤].

۳. حقیقت الشعرا: این تذکره هم در احوال شاعران اردو سرا است که از آن ظاهراً امروزه نسخه ای در دست نیست[٥].

---

۱. استوری،ص۱٤۳

۲. الیوت،ج۸،صص۱۸٤ـ۱۸۵

۳. استوری،صص۸۷۷ـ۸۷۸

٤. برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱۵۳٤

۵. همان

طهماس نامه از طهماس خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

طهماس خان در بایزید واقع در آسیای کوچك[۱] چشم بر جهان کشود۔ ازبك های ارتش نادر شاه طهماس خان را در کودکی به بردگی گرفتند و وی دربارۂ زندگانی چادر نشینی خویش، مشاهده فراوانی داشت که آن را درکتاب خودنوشته است[۲]۔ چند سال بعد آقای ازبكِ او به هندوستان آمد و در فوج استان دارِ لاهور، میر معین الملك، شامل گردید[۳]۔ میر معین الملك او را به سرپرستی خود گرفته در حرب و ضرب مهارت آموخت[٤]۔ بعد از وفات معین الملك در ١١٦٧ ه.ق طهماس خان ملازمتِ خود را تحتِ بیوه زنِ وی ادامه داشت تا آن بیوه زنِ معین الملك به دربار احمد شاه درانی برخوانده شد[٥]۔ طهماس خان هم با آن زن بیوه به دربار رفته بود و آنجا تیمور شاه پسرِ احمد شاه درانی او را به عهده 'خان' افراخت و نامِ او از تیمور به طهماس خان مبدل ساخت[٦]۔

ناگهان زنِ معین الملك از و ناراض شده و طهماس خان به سرهند فرار کرد۔ در سرهند به عرصه مختصر قیام کرده عازمِ دهلی شد۔ در راهِ دهلی به ضابطه خان صحبت کرده به او پیوست۔ بعد از وفاتِ ضابطه خان در سلكِ ملازمانِ ذوالفقار الدوله نجف خان شامل گردید[۷]۔ اما استوری می گوید: 'بعد از چند سال در ملازمتِ احمد شاه درانی که او را 'خان' گردانده بود، او به هندوستان بازگشت و در خدمت ضابطه خان و نجف خان در دهلی به جا آورد'[۸]۔ آنزمان که طهماس خان این اثر را تالیف کرد، او در دهلی به

۱۔ نبی هادی، ص٥٨٤

۲۔ همان

۳۔ استوری، ص٦٢٥ / ریو، ج۳، ص٩٨٠

٤۔ ریو، ج۳، ص٩٨٠

٥۔ همان

٦۔ همان، ص٩٨١

۷۔ همان

۸۔ استوری، ص٦٢٥

عسرت بـه سر مـی برد و از شاه عالم خطاب محکم الدوله اعتقاد جنگ طهماس خان گرفت[۱]۔ چون طهماس خان این کتاب را تالیف کرد، نجف خان امیرِ وی بود[۲]۔ به عمر پنجاه سالگی وی مرید شاه اوادانی نقشبندی شده بود[۳]۔ طهماس خان در ۱۸۰۳م در دهلی به شصت و پنج سالگی فوت شد و همانجا در خانقاهِ شاه اوادانی تدفین شده بود[٤]۔ وی شاگردِ شاه حاتم و دوست انشا الله خان انشآ بود[٥]۔

طهماس خان شاعر هم بود و مسکیّن تخلص می کرد[٦] پیش ازین اثر دو کتابی در زبانِ ترکی، یکی زندگی نامه خود و دیگری آمد نامه پرداخته بود[۷]۔ شاعر معروفِ اردو سعادت یار خان رنگیّن پسرِ طهماس خان بود[۸]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۹۳هـ.ق/۱۷۷۹م نوشته شده بود[۹]۔ از **'شده این نسخه موزون'= ۱۱۹۳هـ.ق** تاریخ تالیف این کتاب به دست می آید[۱۰]۔ اما در آخر کتاب چاپی، تاریخ تالیف این کتاب ۱۱۹٦هـ.ق نوشته شده است۔

'...... از غره رمضان المبارك این کتاب را شروع کرده بودم، چنانچه در عرصه نُه ماه به اتمام رسید ولیکن شب و روز در فکر و اندیشه قصه های و حکایت های گذشته را یاد نموده بار بار نوشته و مشوره نموده و من بعد مقابله کرده پیش منشی میگهراج که اخلاص مند بودی، نمودم و او شان اکثر جا صلاح می دادند۔ تمت تمام شد کتاب قصه طهماس مسکین در ۱۱۹٦هـ.ق مطابق ٢٤ جلوس مبارك شاه عالم بادشاه غازی به تاریخ یازدهم شهر جمادی الاول ......در شاه جهان آباد به اتمام رسید'[۱۱]۔

۱۔ استوری، ص٦۲٥ ۲۔ ریو، ج۳، ص۹۸۱

۳۔ محمد اسلم، مقدمه طهماس نامه چاپی، ص نُه

٤۔ همان ٥۔ همان

٦۔ الیوت، ج۸، ص۱۰۰

۷۔ ریو، ج۳، ص۹۸۱/ استوری، ص٦۲٥

۸۔ استوری، ص٦۲٥ (برای تفصیل کارهای سعادت خان رنگیّن مراجع شود به مارشال، صص٤١۲۔٤١۳)

۹۔ همان/ مارشال، ص٤٦۰/ نبی هادی، ص٥٨٤

۱۰۔ ریو، ج۳، ص۹۸۱ ۱۱۔ طهماس خان، طهماس نامه چاپی، صص۳٥٥۔۳٥٦

از عبارت بالا که مؤلف این کتاب را در رمضان آغاز کرد و در عرصه نُه ماه در جمادی الاول به تکمیل رسانده بود، عیان است که این کتاب در ۱۱۹٦ھ.ق نوشته شده بود۔

محتویاتِ کتاب:

الیوت این کتاب را "طهماسپ نامه از مسکیںؔ" نوشته است[۱]۔ این اثر دارنده یادداشت های مؤلف و روزگارِ وی است[۲]۔ مولف درین کتاب وقایع را با تفصیلِ بسیار بیان نموده است اما در بیانِ احوالِ خود و جنگ ها که دران شامل بود و دیگر، تاریخِ وقایع را ذکر نکرده است[۳]۔

سبکِ کتاب:

وی واژه های محلی چون لوت،گهری،کهرکی،کره،کوتهری وغیره هم درین کتاب به کار برده است[٤]۔ شاعر هم بود و این کتاب را با اشعار مزین هم ساخته است۔وی این اثر را در سبك ساده و روان نوشته است اما گاهی صنایع لفظی را هم به کار می برد؛ به طور مثال: **'چون فلك شعبده باز که همیشه بازی تازه و فتنه نو به روی کار می آرد، زبان قلم به تشریح و تبین آن بدین آیین لب می کشاید'**[٥]۔

درین کتاب مؤلف خود را به واژه 'مسکین' ظاهر نموده است۔این اثر بر روشِ 'بیانِ واقع' از عبدالکریم، نوشته شده است[٦]۔در نوشتنِ تاریخِ وقایع مؤلف دقت نبرده است[۷]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

طهماس خان واحد نویسنده است که درین کتاب احوال مفصلِ مغلانی بیگم بیوه میر معین الملك داده است۔ برابرِ بیان وقایع تاریخی او درین کتاب از زندگی عمومی مردم های این دیار هم پرداخته است۔اگرچه مؤلف در جنگ سوم پانی پت شرکت نکرده

۱۔ الیوت،ج۸،ص۱۰۰

۲۔ ریو،ج۳،ص۹۸۰

۳۔ همان،ص۹۸۱

٤۔ محمد اسلم،مقدمه طهماس نامه چاپی،ص یازده

٥۔ طهماس خان،طهماس نامه چاپی،ص۷۱

٦۔ الیوت،ج۸،ص۱۰۰

۷۔ همان

بود اما احوال آن جنگ از منابع مستند بیان نموده است۔وی قتل عالمگیر دوم و جلوس شاه جهان دوم را با چشم خود ملاحظه کرده بود [۱]۔ این یادداشت ها در سبك استدلالی نگاشته شده است و مؤلف بدون ذکرِ تاریخِ وقایع، جزییاتِ زندگانی خود و معاملات ارتشی که دران خود شامل بود، بیان کرده است[۲]۔

آغاز:

۔'ثنا و حمدِ بی حد آن خدا را
که پیدا کرد او ارض و سما را
فلك را زیب از شمس و قمر داد
زمین را رونق از نوعی بشر داد'[۳]

نسخه های خطی:

واحد نسخه معلوم این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹۱۸ نگهداری می شود۔ محمد اسلم یکی نسخه دیگر در گنجینه حبیب گنج،کتاب خانه مولانا آزاد،علی گره را هم ذکر نموده است که نامکمل است[٤]۔ محمد اسلم در تصحیح این کتاب از ین هر دونسخه بهره برده است۔

تراجم و چاپ:

طهماس نامه با تصحیح و مقدمه انگلیسی محمد اسلم از سوی دانشگاه پنجاب لاهور در ۱۹۸٦م به چاپ رسیده است۔

۱۔ محمد اسلم،مقدمه طهماس نامه چاپی،ص یازده

۲۔ ریو،ج۳،ص۹۸۱

۳۔ طهماس خان، طهماس نامه چاپی،ص۳

٤۔ محمد اسلم،مقدمه طهماس نامه چاپی،ص دو

سیر المتاخرین از غلام حسین طباطبایی

شرحِ احوالِ مؤلف:

غلام حسین پسر هدایت علی خان پسر سید علیم الله پسر سید فیض الله الطباطبایی الحسینی [۱] تاریخ نویسِ برجسته ترینِ دورۀ تیموریان متاخر است۔ پدرش هدایت علی خان طباطبایی تحت مهابت جنگ، نایب استان دار بهار بود [۲]۔ سپس در دورۀ محمد شاه فوجدارِ سون پت و پانی پت مانده و دورانِ فرارِ شاه عالم از دهلی، هدایت علی خان به طور میر بخشی همراهِ وی بود [۳]۔ سرانجام در جاگیر خود حسین آباد در نزدیکی روهتاس در استان بهار درگذشت [٤]۔

غلام حسین خان در ۱۱٤۰ﻫ.ق/۸ـ۱۷۲۷م در دهلی به دنیا آمد [٥]۔ در پنج سالگی به علتِ عسرت، مادرِ بزرگِ مادر وی، پدر و مادرش را همراهِ دیگر خویشان از دهلی به مرشدآباد بُرد [٦]۔ در اواخر ۱۱٦۱ﻫ.ق/۱۷٤۸م غلام حسین خان در مونگیر پیش سعید احمد خان دامادِ علی وردی خان رفته به ملازمتِ وی شامل گردید [۷]۔ غلام حسین خان مدتی در خدمتِ شاه عالم به طور میر منشی خدمت می کرد [۸]۔ بعد ازان از سوی نواب قاسم علی خان در کلکته نماینده هم مانده بود [۹]۔ وی تحتِ حکومتِ انگلیسیان به عهده های مختلفه نیز خدمت می کرد [۱۰]۔

وی در ربیع الثانی ۱۱۹٤ﻫ.ق/۱۷۸۰م برای حل و فصل کاری، ناگزیر به کلکته سفر کرد و درین سفر سرگرم نوشتنِ سیر المتاخرین بود [۱۱]۔ در ۱۱۹٥ﻫ.ق سیرالمتاخرین را

۱ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص ۹۱/ ریو، ج۱، ص ۲۸۰

۲ـ ریو، ج۱، ص۲۸۰

۳ـ الیوت، ج۸، ص۱۹٦

٤ـ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، ص۱۸۷۷

٥ـ استوری، ص٦۲٥ ٦ـ همان، ص٦۲٦ ۷ـ همان، ص٦۲۷

۸ـ ریو، ج۱، ص۲۸۰

۹ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص ۹۱ ۱۰ـ ریو، ج۱، ص۲۸۰

۱۱ـ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، ص۱۸۷۹

نگاشته بود۔ وی به فارسی شعر هم می سرود و وفّا تخلص می کرد[١]۔ کتابی به نام 'شرفنامه' که در ١٢٢١ھ۔ق/٧-١٨٠٦م نگاشته شده بود،ازو منسوب است [٢]۔ درین صورت وی حتماً تا ١٢٢١ھ۔ق حیات داشته باشد۔ گمان است که نسخه کتابخانه بانکیپور،پتنه نوشته خود مؤلف است[٣]۔ این نسخه در ١٢٣٠ھ۔ق نگاشته شده بود و درین صورت مؤلف تا ١٢٣٠ھ۔ق حیات داشته باشد[٤]۔

سال تالیف:

نوشتنِ این اثر در ماهِ صفر ١١٩٤ھ۔ق آغاز شده در رمضان ١١٩٥ھ۔ق تکمیل یافته بود[٥]۔ بعداً مولف بران مقدمه به نام 'مقدمه سیر المتاخرین' افزوده بود[٦]۔

محتویاتِ کتاب:

بعضی فهرست نویسان مانندِ ولد میر ایوانوف، هرمان اته در فهرستِ اندیا آفیس [٧] وغیره این کتاب را در دو جلد و بعضی مانند ریو، عبدالمقتدر[٨]، احمد منزوی وغیره در سه جلد تقسیم کرده اند۔ در اصل این اثر در یك مقدمه و دو جلد و یك خاتمه منقسم است۔ مقدمه این کتاب به نام 'مقدمه سیر المتاخرین' تنها خود بسیار مهم است و دارندۀ تاریخ عمومی هندوستان از زمان کوروان و پاندووان تا روزگارِ آغازِ دورۀ اورنگزیب عالمگیر است[٩]۔ غلام حسین خان این مقدمه را به گورنر ژانرل وارن هیستنگز(Warren Hastings) معنون کرده بود [١٠]۔ احمد منزوی در فهرستِ مشترك محتویاتِ این مقدمه چنین بیان نموده است؛ مقدمه در جغرافیای هند و سپس تاریخ هند باستان است از : تعریف کشور، میوه های هند بلکه بنگال، نباتات و گل ها، جانوران، مقالات و علوم مردم هند، درویشان،

١۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣،ص١٨٧٩

٢۔ استوری،ص٦٣٥ ٣۔ همان،ص٦٣٦

٤۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،صص ٩٢-٩٣

٥۔ ریو،ج١،ص٢٨٠ ٦۔ همان

٧۔ اته در فهرستِ بادلین،ج١،ستون١٤٠،ش٢٦٥ این اثر را در سه جلد تقسیم کرده است۔

٨۔ در نسخۀ بانکیپور مقدمه به طور دفتر اول آمده است۔ (ر.ك عبدالمقتدر،بانکیپور،ج٧،ص٩١)

٩۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص ٩١

١٠۔ ریو،ج١،ص٢٨٠

احـوال ممالك برابر آيين اكبری، سپس صوبه ها و در بخش تاريخ آغاز می کند از کورووان و پانـدووان هـنـد بـاستـان که از کتاب های بیرون کشیده که به روزگار اکبر از سانسکریت به فارسـی در آمـده بـود۔ ازان میان، ١۔ 'رزمنامه' ترجمه 'مهابارت'(Maha Bharat) عبدالقادر بدايونی ومحمد سلطان تهانیسری، ٢۔ 'گل افشان' ترجمه ی 'سنگاسن بتیسی'(Singhasan Batisi) در احـوال بـکـرمـا جیت، ٣۔ 'پدمـاوت'(Padmawat) در احـوال رتـن سیـن مرزبـان جیتـور، ٤۔ 'راجـاولـی' مـصـربـد، ٥۔ 'راج ترنـگـیـنـی' که تاريخ چهار هزار سالِ واندی را می دارد، و جز آن ها۔ وگويا وی درين بخش از 'خلاصة‌التواريخ' سوجان رای بهره برده است و اين بخش ها جلد يکم چاپی آن را تشکيل می دهد[١]۔

جـلـد يـکـم دارندۀ احوال از مرگ اورنگزيب تا ١١٩٥هـ.ق است و جلدِ دوم در ذکرِ وقايع بنگاله از ١١٥١هـ.ق تا ١١٩٥هـ.ق است[٢]۔ خـاتمۀ کتاب در موردِ شخصيت و خصايلِ اورنـگـزيـب عـالـمـگـيـر و احوال گرفتنِ بيجاپور و گولکنده به دستِ وی است[٣]۔ در بعضی نسخه های خطی و کتاب چاپی اين خاتمه در مقدمه شامل است[٤]۔

سبکِ کتاب:

بـرزگـر کشتـلـی حسيـن در دانشنامۀ ادب فارسی نوشته است که نثر اين کتاب ساده و روان و واضح است[٥]۔ در بيـان تاريخ مؤلف گاهی واژه های عربی و اشعار هم آورده است حتٰی در برخی موارد واژه های محلی هم به کار برده است۔ برای نمونۀ سبکِ اين کتاب، ايـنـجـا دو اقتبـاس از 'انـتـخابِ سير المتاخرين' نقل شده است؛ '**بعد ازان مخدوم الملك و عبدالنبی صدر را احضار نموده مامور به مهر ودستخط گردانيدند۔ آنها نيز طوعاً و کرهاً مهر و دستـخـط خود نمودند و کان ذالك فی شهر رجب سنه سبع و ثمانين و تسعماته من الهجرة**

١۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج١٠، ص٥١٦

٢۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکيپور، ج٧، صص٩٢ (عبدالمقتدر مقدمه را دفتر اول و جلد يکم و دوم را دفتر دوم و سوم نگاشته است)

٣۔ استوری، ص٦٣٦

٤۔ همان

٥۔ برزگرکشتلی، حسين، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش٣، ص١٨٨٠

المقدسه. چون محضر درست شد و احکام خاطر خواه پادشاه که مطابق به صلاح خیر طلبان جمیع خلق الله بود شیئاً فشیئاً اجرا یافت، مخدوم الملك و شیخ عبدالنبی مامور به گزاردن حج گشته اخراج یافتند و علمای تعصب پیشه دیگر به همین نهج به تعینِ قضای ولایاتِ دور دست از حضور مهجور گشته از دارالسلطنت دور افتادند'[۱].

'وقتی که در خطهٔ کلانور سریر جهانبانی به وجود اکبر پادشاه زیب و زینت یافت جمیع امرا در مجمع جشن حاضر شدند. ابوالمعالی بعضی سخنان دور از کار بر زبان آورده از آمدن عذرها جست. بیرم خان خانخانان به هر صورت او را دلاسا داده طلب داشت'[۲].

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این اثر یکی از تاریخ های برجستهٔ دورهٔ تیموریان متاخر به شمار می آید و بعد از غلام حسین طباطبایی بسیار کسان از تاریخ نگاران در نوشتنِ تاریخ شبه قاره ازین کتاب بهره برده اند. بعضی تاریخ نگاران این کتاب را تلخیص هم کرده اند که مهم ترین ازان 'ملخص التواریخ' از فرزند علی حسینی است[۳] همین طور مولوی عبدالکریم هم این کتاب را تلخیص کرده بود که به نام زبدةالتواریخ معروف است[٤]. ارزشِ این کتاب ازین چیز هم می توان دید که انتخاب ازین کتاب بسیاربار در شبه قاره چاپ شده است[٥].

سیرالمتاخرین از مهم ترین و ارزشمند ترین منابع تاریخِ هند به شمار می آید و از آنجا که بسیاری از رویدادهایی که شرح آنها آمد، دیده ها یا شنیده های مؤلف است، منبعی دست اول و بسیار ارزشمند به ویژه برای تاریخ بنگال و چگونگی پیشروی انگلیسیان در این ولایت و نیز در کل سرزمین هند و حکومت و سیاست آنها در هند است[٦].

---

۱. طباطبایی، غلامحسین، انتخاب سیرالمتاخرین از بابر تا جهانگیر، با تصحیح قاضی تصدق حسین، ص ۷۲

۲. همان، ص ۵۷

۳. الیوت، ج۸، ص ۱۹۹ برای تفصیل ملخص التواریخ

٤. الیوت، ج۸، ص ۱۹۹

۵. استوری، ص ٦۳۹

٦. برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج ٤، بخش ۳، ص ۱۸۸۰

آغاز:

آغاز مقدمه: **'الحمد لله رب العالمین و نصلی علی نبیه الکریم و آله معصومین اما بعد بر رای دانشوران...'**[1]

آغاز جلد یکم: **'سپاس بی قیاس و ستایش سرمدی اساس نثار بارگاه عظمت و جلال دادار بی همالیست که گوناگون عوالم به سان حال و زبان مقال...'**[2]

آغاز جلد دوم: **'حمد و ثنای پادشاه علی الاطلاق و شکر و سپاس خالق النفس و آفاق جل جلاله را صومعه داران...'**[3]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه های جهان فراوان است که خود دلیل ارزش این کتاب است۔ ازان میان مهم نسخه ها در کتاب خانه بادلین، بانکیپور، موزه بریتانیا، انجمن آسیایی بنگال، اندیا آفیس وغیره موجود است۔ برای کسب تفصیل این و دیگر نسخه ها در کتاب خانه جهان مراجع شود به استوری،ص٦۳٦ و مارشال،ص۱٥۸۔

در پاکستان نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه همدرد کراچی، کتاب خانه عمومی پنجاب لاهور، دانشگاه پنجاب لاهور و در بهاول نگر در یکی کتاب خانه شخصی موجود است۔ برای تفصیل نسخه های پاکستان مراجع شود به فهرست مشترك منزوی،جلد۱۰،ص٥۱۷۔

تراجم و چاپ:

'سیرالمتاخرین' و ترجمهٔ این اثر در زبان های مختلفه بسیار بار به چاپ رسیده است که مهم ازان زیر قرار است؛

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۱

۲۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱٤۰،ش۲٦٥

۳۔ همان

مقدمۀ سیر المتاخرین در ۱۸۳۶م در کلکته چاپ شده بود و این کارِ مکمل در سه جلد در مطبع نولکشور لکنو در ۱۲۸۳ ه.ق به چاپ رسیده بود[۱]۔ این اثر در کلکته هم با تصحیح حکیم عبدالمجید در سال ۱۲۴۸ ه.ق/ ۱۸۳۳م و ۱۲۵۲ه.ق/۱۸۳۶م به چاپ رسیده است[۲]۔ علاوه برین این اثر دو بار در مطبع نولکشور لکنو در ۱۸۳۶م/ ۳۔۱۲۸۲ه.ق و در ۱۸۹۷م/ ۱۳۱۴ ه.ق نیز منتشر شده است[۳]۔

ترجمۀ انگلیسی این کتاب بدون مقدمه از یکی نو مسلم فرانسوی حاجی مصطفی در ۱۷۸۹م در کلکته به چاپ رسیده بود [۴]۔ کولونل برگز(Lieut.Col. Briggs) جلدِ اولِ این ترجمه را نظر ثانی کرده تحتِ اوریینتیل ترانسلیشن فند در ۱۸۳۲م در لندن به چاپ رسانده بود[۵]۔ علاوه بر این جوناتن اسکات وقایع بنگاله را که درین تاریخ آمده، در تاریخ دکن خود در ۱۷۹۴م در شروس بری به چاپ رساند[۶]۔

گارسین دی تاسی(Garcin de Tassy) یکی ترجمه اردویی از سید بخشش علی فیض آبادی به نام 'اقبال نامه' را تذکر نموده است[۷]۔ یکی ترجمه اردوی دیگر به نام 'مرآت السلاطین' از گوکل پرشاد(Gokal Parshad) در ۱۸۷۴م در لکنو به طبع رسیده بود[۸]۔ علاوه برین ترجمه های دیگر چون از چراغ دین چاپ لاهور، مختار حسین ناظر القاسمی بجنوری با عنوان آثارالسلاطین چاپ لاهور، محمد محمود شادانی با همکاری مفتی محمد مظهر جلیل فاروقی با عنوان اقبال السلاطین چاپ لاهور، محبوب الٰهی با عنوان حبل المتین چاپ لاهور معروف است[۹]۔ اما هیچ یك ازان ترجمۀ کاملِ این کتاب نیست بلکه ترجمه بخشی ازین کتاب است۔

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۸۱

۲۔ استوری،ص۶۳۸ ۳۔ همان،ص۶۳۶

۴۔ ریو،ج۱،ص۲۸۱

۵۔ واکس و کوکس،فهرست کتابخانۀ انجمن آسیای شاهی،ص۱۳۵

۶۔ استوری،ص۶۳۸ ۷۔ ریو،ج۱،ص۲۸۱

۸۔ استوری،ص۶۳۹ (برای دیگر تراجم مراجع شود به استوری،صص۶۳۸۔۶۴۰)

۹۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج۴،بخش۳،ص۱۸۸۰/منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۲۸۰

آثار دیگر مؤلف:

بشارت الامامه: یکی مثنوی دارندۂ احوال اجداد مؤلف یعنی سادات طباطبا که به هندوستان در پتنه اقامت اختیار کردند[۱]۔

شرح مثنوی معنوی: غلام حسین خان یکی شرح بر مثنوی معنوی مولانا جلال الدین رومی هم نگاشته بود[۲]۔

دیوان اشعار: استوری بر روایت سید علی محمد شاؔد یکی دیوانِ اشعار ازو هم نشان داده است[۳]۔

شرفنامه: این اثر در ۱۲۲۱ھ.ق/ ۰۷-۱۸۰٦م نگاشته شده بود و در فهرست کتابخانۂ آصفیه این اثر زیر نسخه های تاریخی آمده است اما آنجا محتویاتِ این کتاب ذکر نشده است [٤]۔ قیاس غالب است که این اثر مشتمل بر وقایع تاریخی باشد۔

ملخص ترجمه قطبشاهی: از نامِگذاری این کتاب ظاهر است که این اثر خلاصۂ 'ترجمۂ قطبشاهی' از ابنِ خاتون است[۵]۔

علاوه بر اثر های پیش گفته غلام حسین خان طباطبایی یکی تفسیر قرآن در زبان تازی با محاوره و چند کتاب بر علم کلام هم نگاشته بود[٦]۔

۱۔ نبی هادی،ص۲۰۱

۲۔ استوری،ص٦۳۵

۳۔ همان

٤۔ همان

۵۔ مارشال،ص۱۵۹

٦۔ استوری،صص٦۳٤-٦۳۵

گلزارِ ابراهیم/تاریخ چیت سینگ[۱] از علی ابراهیم خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

نـواب امیـن الدوله عزیز الملك علی ابراهیم خان خلیلؔ نصیر جنگ [۲] در پتنه متولد گردید [۳]ـ در بـاره اسم پـدرِ او اطـلاعـی در دسـت نیسـت البته او نوۂ مولوی محمد ناصر و همشیره زادۂ زایر حسین خان بود [٤]ـ مـولـوی مـحـمد ناصر شاگردِ ملا شاه محمد شیرازی بود[٥]ـ علی ابراهیم خان شاعر هم بود و 'خلیلؔ' و 'حالؔ' تخلص می کرد[٦]ـ

عـلـی ابراهیم دوست و مشیرِ معتمدِ میر قاسم علی خان ناظم بنگال بود و میر قاسم او را بـر خـزانـۂ فـوج مامور کرد [۷]ـ در ۱۷٦۳ م (۱۱۸۷ هـ.ق) بـعـد از شـکسـتِ میر قـاسم، علی ابراهیم در راهِ اوده میر قاسم را همراهی کرده بود اما زود از وی جدا گشت [۸]ـ چون در ۱۱۸۳ هـ.ق/ ۱۷۷۰ م مبارك الـدولـه نـاظمِ بنگال گردید، او علی ابراهیم را دیوان مقرر کرده بـود امـا در ۱۱۹۱ هـ.ق/ ۱۷۷۷ م بـه دسـتِ مـحمد رضا خان معزول گردید و برای مدتِ چند سال عُزلت نشین گشت[۹]ـ

در ۱۷۸۱ م(۵ـ۱۱۹٦ هـ.ق) در بنارس او را سَردادرَس نامزد کردند[۱۰]ـ علی ابراهیم خـود دوستِ وارن هیستنگز بود و تحتِ او در بنارس سَرداد رَس بود[۱۱]ـ در ۱۱۸۰ هـ.ق در نـوشتنِ تـذکـرۂ فـارسـی مشغول بود [۱۲]ـ در ۱۱۹۵ هـ.ق/ ۱۷۸۱ م تـاریـخِ مذکور را تـالیف کـرد[۱۳] و وقـایـع بـغـاوتِ چیـت سیـنـگ را بـا چشم خـود ملاحـظـه کـرد[۱٤]ـ در

۱ـ مارشال،ص ٦۱

۲ـ استوری،ص ۷۰۰

۳ـ اسپرنگر،شاهان اوده،ج ۱،ص ۱۸۰ ٤ـ استوری،ص ۷۰۰

۵ـ اسپرنگر،شاهان اوده،ج ۱،ص ۱۸۰ ٦ـ همان

۷ـ استوری،ص ۷۰۰ ۸ـ همان

۹ـ همان ۱۰ـ همان،صص ۷۰۰ـ۷۰۱

۱۱ـ اسپرنگر،شاهان اوده،ج ۱،ص ۱۸۰ ۱۲ـ همان،ص ۱۸۱

۱۳ـ مارشال،ص ٦۱ ۱٤ـ همان

۱۱۹۸ھ.ق/ ۱۷۸٤م تذکرۂ شعرای ریخته به نام 'گلزارِ ابراهیم' در زبانِ فارسی[1] و تذکره فارسی در موردِ مثنوی گویان به نام 'خلاصة الکلام' نگاشت[2]۔ علی ابراهیم در ۱۲۰۱ھ.ق تاریخِ دیگری به نام 'تاریخِ ابراهیم خان' نوشت[3]۔ در ۱۲۰۵ھ.ق/ ۱۷۹۰م در بنارس بود و همانجا تذکره ای به نامِ 'صحفِ ابراهیم' در ذکرِ شعرای قدیم و جدید تالیف کرد[4]۔

علی ابراهیم در ۱۲۰۸ھ.ق فوت شد و جراٌت بر آن تاریخ به زبان اردو گفته:

۔'لو آه متا مطلع دیوان عدالت'[5]

۱۲۰۸ھ.ق

سال تالیف:

در آخر نسخه موزه بریتانیا تاریخِ ۱۵ ذی الحج ۱۱۹۵ھ.ق/ نوامبر ۱۷۷۸م آمده است که ظاهراً سال تالیف این کتاب است[6]۔

محتویاتِ کتاب:

گلزارِ ابراهیم دارندۂ احوالِ بغاوتِ راجه چیت سینگ در بنارس است۔ این تاریخ مشتمل بر وقایع از ۱۹ شعبان ۱۱۹۵ھ.ق، روزی که مؤلف در راهِ بنارس با وارن هیستنگز(Warren Hastings) در بلکسر آمده بود ، تا ۲۷ رمضان ۱۱۹۵ھ.ق است[7]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

گلزار ابراهیم ازین رو ارزشِ بسیار دارد که مؤلفِ این کتاب وقایع بیان کرده را با چشمِ خود ملاحظه کرده بود[8]۔ اگرچه این کتاب دارندۂ احوال کما بیش یك ماه است اما از نظر تاریخی، احوالِ چیت سینگ که درین کتاب ذکر شده خیلی مهم است۔

۱۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج۱، ص۱۸۰/ مارشال ص۶۱۔ ('گلزارِ ابراهیم' اصلاً نامِ تذکرۂ شعرا است۔ اما ریو در جلد۳، ص۱۰۳۳ نامِ این کتاب 'گلزارِ ابراهیم' نگاشته است)۔

۲۔ مارشال، صص۶۰۔۶۱

۳۔ الیوت، ج۸، ص۲۵۷

٤۔ مارشال، ص۶۱

۵۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج۱، ص۱۸۰

۶۔ ریو، ج۳، ص۱۰۳۳ ۷۔ همان

۸۔ مارشال، ص۶۱

آغاز:

’من که علی ابراهیم خان از خیر خواهانِ کمپنی انگریزم ....‘[1]

نسخه های خطی:

نسخه خطی گلزار ابراهیم که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ۱۸٦٥ .Or از برگ ۳٦ تا ٤۰ موجود است و فقط پنج برگ دارد۔ برای تفصیل این نسخه ببین ریو،فهرستِ موزه بریتانیا،ج۳،ص۱۰۳۳ ۔

آثارِ دیگر مؤلف:

۱۔ **گلزارِ ابراهیم:** در ۱۱۹۸ھ.ق/ ۱۷۸٤ م تذکره شعرای ریخته به نام ’گلزارِ ابراهیم‘ در زبانِ فارسی[۲]۔

۲۔ **خلاصة الکلام:** در ۱۱۹۸ھ.ق/ ۱۷۸٤ م تذکرۂ فارسی در باره مثنوی گویان به نام ’خلاصة الکلام‘ نوشت[۳]۔

۳۔**تاریخِ ابراهیم خانی:** علی ابراهیم در ۱۲۰۱ھ.ق تاریخِ دیگری به نام ’تاریخِ ابراهیم خان‘ نوشت[٤]۔این اثر به نامِ ’عبرت نامه علی ابراهیم خان‘ هم معروف است[٥]۔

٤۔ در ۱۲۰٥ھ.ق/ ۱۷۹۰ م تذکره ای به نامِ **’صحف ابراهیم‘** در موردِ شعرای قدیم و جدید تالیف کرد[٦]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۳

۲۔ استوری،ص۷۰۱

۳۔ مارشال،صص٦۰۔٦۱

٤۔ الیوت،ج۸،ص۲٥۷

٥۔ ریو،ج۳،ص۹٦۹

٦۔ مارشال،ص٦۱

تاریخ زمینداران بنارس از غلام حسین خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال غلام حسین خان فرزند محمدهمت خان[1] اطلاع کافی در دست نیست۔ آنچه که از زندگانی وی معلوم شده است بسیار اندك است و جز این نیست که وی از مردم شاه جهان آباد بود و نیاگانش در خدمت تیموریان هند بودند [2]۔پدرش محمد همت خان مدتی دراز از عهد فرخ سیر تا روزگارِ عالمگیر دوم در دستگاه گورگانیان خدمت می کرد [3]۔ مؤلف خود در سلك ملازمت راجه بلوند سینگ و پسرش راجه چیت سینگ بود[4]۔غلام حسین در مقدمه این کتاب راجه بلوند سینگ را بسیار ستوده است و این کتاب را هم به او معنون کرده است[5]۔ مؤلف، بعد از وفات راجه بلوند سینگ پسر و جانشینش راجه چیت سینگ را خدمت می کرد و معتمد وی بود[6]۔ بعد از عُزلِ راجه چیت سینگ، وی به لُرد کارنوالس(Lord Cornwallis) برای رحم فرمودن بر راجه چیت سینگ، به لکنو هم رفته بود، ولی ناکام بازگردید[7]۔

از سال مرگ وی اطلاعی دقیق در دست نیست اما این قدر مسلم است که تا ۱۲۲۱ه.ق حیات داشته باشد، چون کتابی دیگرش به نام 'ذکر السیر' در همان سال نوشته شده بود[8]۔

سال تالیف:

چون این کتاب دارندۂ احوالِ معزولی راجه چیت سینگ است که در

۱۔ استوری،ص۶۹۹
۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۶۲،ش۴۲۹
۳۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج۴،بخش۳،ص۱۸۷۷
۴۔ نبی هادی،ص۲۰۰
۵۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۴۲
۶۔ همان
۷۔ همان
۸۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۶۲،ش۴۲۹

۱۱۹۵هـ.ق/۱۷۸۱م معزول شده بود، می توان حدس زد که این کتاب در حدود ۱۱۹۵هـ.ق نوشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در تاریخ راجه های بنارس از راجه منسا رام تا برکناری راجه چیت سینگ در ۱۱۹۵هـ.ق/۱۷۸۱م است [۱]۔ این کتاب در سه بخش تقسیم شده است؛ **بخش اول** درباره راجه منسارام است که از زمینداران بنارس بود ۔ راجه منسارام ،پدرِ راجه بلوند(Balwand Singh) سینگ بود و محمد شاه گورگانی پرگنه بنارس به او داده بود[۲]۔درین بخش احوال جنگ میان منسارام و بریار سینگ هم بیان شده است[۳]۔ **بخش دوم** دربیان احوال راجه بلوند سینگ است و **بخش سوم** دارنده احوال راجه چیت سینگ است [٤]۔ این تاریخ پیش از کارِ سبحان علی غیر معروف بود [۵] حتیٰ بعد از وفات غلام حسین خان، نبیره وی سبحان علی پسر حسن علی خان درین کتاب با یك کمی تحریف در سبكِ کتاب، تصحیح و تدوین کرده بود و این اثر بر منصۀ شهود آمد[٦]۔ حسن علی خان در مقدمه خود این کتاب را به راجه اساری پرشاد نراین معنون کرده بود[۷]۔

استوری فقط یك نسخه این کتاب را ذکر نموده است که در کتاب خانه بانکیپور موجود است۔ یك یا دو برگ از آخرِ نسخه کتاب خانه بانکیپور افتاده است[۸]۔ این طور نسخه بانکیپور به این عبارت اختتام می پذیرد؛ '..**و الحمد لله و المنة که نام مهاراجه بلوند سنگه بوساده نشین نوباده گلستان امارت و ثمرچین خیابان ریاست**'[۹]۔ اما این عبارت از نسخه دیگرِ این اثر که در کتاب خانه بادلین موجود است تکمیل می پذیرد و بعد از 'ریاست' چنین است؛ '**مهاراجه والا جاه السری پرشاد نراین سنگه بهادر که بالاستحقاق**

۱۔ استوری،ص٦۹۹

۲۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۱۸۷۷

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٤۲ ٤۔ همان

۵۔ همان،ص۱٤۱

٦۔ همان

۷۔ استوری،ص٦۹۹

۸۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٤۱

۹۔ همان،ص۱٤۲

وارث دودمان رفیع البنیان است، ایزد لا یزال تا دور ثابت و سیار بر چار بالش ابهت و شوکت متمکنش دارد'[۱]۔

منابع تاریخ زمینداران بنارس:

مؤلف چون خود از راجه های بنارس وابسته بود ، این کتاب را بر یادداشت های خود و آن که از راجه بلوند سینگ شنیده بود، تالیف کرده است[۲]۔

سبکِ کتاب:

به علتِ عدم دسترسی به نسخهٔ خطی، اظهار نظر در موردِ سبك این کتاب برای نگارنده این نوشته ممکن نیست۔ البته از عبارت که مولوی عبدالمقتدر در فهرست بانکیپور و بیستون(Beeston) در فهرست بادلین نقل کرده است می توان حدس بزند که این کتاب هم به روشِ آنزمان در سبك ساده و متین و استوار نگاشته شده باشد۔ اما رد یا قبول این امر بر رجوع کردن از متن اصلِ این کتاب است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تاریخ زمینداران بنارس از غلام حسین خان اثر بسیار ارزشمند درمورد راجه های بنارس است۔ نویسنده این کتاب چون خود در خدمت آن راجه ها وابسته بود و اعتبارِ وافر راجه چیت سینگ داشت، چون از رفتنِ وی به لُرد کارنوالس برای رحم گزاری، عیان است که او در آن دربار رسوخ وافر داشت، به این دلیل این اثر ارزش فراوان دارد۔

آغاز:

آغاز پیشگفتار سبحان علی: '**ارتقای مرقات سخن به حمد و ثنای مبدعی است**...'[۳]

آغاز گفتار غلام حسین خان: '**حمد و ثنای بی منتها خالقی را سزاوار است که از خاك تیره**

۱۔ بیستون(Beeston)،فهرست بادلین،ج۳،ص۷

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱٤۱

۳۔ همان

ابوالبشر علیه السلام آفریده...»[۱]

نسخه های خطی:

دستنویسِ تاریخ زمینداران بنارس در کتاب خانه بانکیپور به شماره ٦۰۸ موجود است و ۲۲۰ برگِ سیزده سطری دارد[۲]۔ یکی نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه بادلین به شماره فهرست۲٤۷۲ هم موجود است و دارنده ۱۵۱ برگِ پانزده سطری است[۳]۔

آثار دیگر مؤلف:

ذکرالسیَر: تاریخ تیموریان هند از یورش نادر شاه افشار به هند در ۱۱۵۱ھ.ق تا پایان کار شاه عالم دوم است[٤]۔

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٤۲

۲۔ همان،ص۱٤۱

۳۔ بیستون،فهرست بادلین،ج۳،ص۷

٤۔ استوری،ص٦٤۲

تاریخ شهادت فرخ سیر و جلوس محمد شاه از محمد بخش آشوبّ

شرحِ احوالِ مؤلف:

مرزا محمدبخش متخلص به آشوبّ پسر محمد غیاث در شعبان ۱۱۲۸ھ.ق/۱۷۱٦م در دهلی به دنیا آمد[۱]- محمد بخش آشوب از خانواده برلاس ترک بود و اجدادش در دوره اکبر اعظم از بدخشان به هند آمدند[۲]- پدرش شاید در کودکی وی فوت شده بود، چون بعد از وفاتِ محمد غیاث، مرزا محمد بن رستم که مامون وی بود و پدرِ بزرگش عنایت الله بیگ مخاطب به قسور خان تربیتِ وی پرداختند[۳]- وی خواهر زادۀ مرزا محمد بن رستم بن قباد مصنفِ تاریخ محمدی بود و درین کتاب وی را بسیار تعریف نموده است[٤]- وی در ملازمت محمد شاه شامل گردید و تا حمله نادر شاه در ۱۱۵۱ھ.ق/۱۷۳۸م آنجا خدمت می کرد[٥]- چند سال در ملازمتِ اعتمادالدوله قمرالدین خان هم می ماند[٦]-

محمد بخش از جانب معین الملك خلاف احمد شاه ابدالی جنگ کرد و مثنوی به نام کارنامه بر فتح آن جنگ در ۱۱٦۲ھ.ق نگاشته بود[۷]- بعد ازان وی به خان خانان انتظام الدوله پیوست و در جنگ وی خلافِ صفدرجنگ ازو منصب دوهزاری و لقبِ پدرِ بزرگِ خود 'قسورخان' سرافراز گردید[۸]- بعد ازان پانزده سال در خدمت وزیر عمادالملك غازی الدین خان به طور میر منشی و غیره کار می کرد[۹]- وی شغلِ رسمی خود را تحتِ امیرالامرا عمادالملك غازی الدین خان از دست داد[۱۰]-

مدتی در خدمت ریچارد جانسن(Mr. Richard Johnson) هم مانده[۱۱] و برای وی

۱- استوری،ص٦۱٦

۲- ریو،ج۳،ص۹٤٤

۳- استوری،ص٦۱٦

٤- ریو،ج۳،ص۹٤٤

٥- استوری،ص٦۱٦

٦- همان

۷- ریو،ج۳،ص۹٤٤

۸- الیوت،ج۸،ص۲۳۲

۹- استوری،ص٦۱٦

۱۰- ریو،ج۳،ص۹٤٤

۱۱- استوری،ص٦۱٦

یکی نسخه خطی به روز یکم ذی القعده ۱۱۹٤ھ.ق/۲۹آکتوبر ۱۷۸۰م هم رقم کرده بود۔ این نسخه خطی مشتمل بر ۱٦ برگ است که دارنده احوال همایون پادشاه است و در خط شکسته نوشته شده است[۱]۔ازین گمان می شود که گاهی در خدمت ریچاردجانسن هم خدمت می کرد۔ چون در ایام فراغت در لکنو بود، روزی به خانه کولونل پولیبر(Col. Pollier) با جوناتن اسکات(Jonathan Scott) معرفی شده بود و به اصرار وی، در ۲۷ رجب ۱۱۹٦ھ.ق، برای نوشتنِ این تاریخ به اله آباد رفته بود[۲]۔چندی نزدِ وزیر اعتماد الملك به طور منشی کار می کرد و بعد ازان به لکنو رفت و مصروف شعر و سخن بوده، همانجا به حالت درماندگی در ۱۱۹۹ھ.ق فوت شد[۳]۔

سال تالیف:

این کتاب در ۱۱۹٦ھ.ق/۱۷۸۲م نوشته شده بود[٤]۔

سبب تالیف:

محمد بخش آشوب این کتاب را حسب فرمایش کاپتان جوناتن اسکات تالیف کرده بود[٥]۔

محتویاتِ کتاب:

از نام کتاب اشتباه می شود که این کتاب درباره مرگِ فرخ سیر است، اما از مرگ فرخ سیر این کتاب زیاد علاقه ندارد بلکه محمد بخش آشوبؔ می خواست که صد ساله تاریخِ تیموریان از مرگِ اورنگزیب تا زمان خود مرتب کرده باشد[٦]۔ ریو نوشته است که از دیباچه کتاب معلوم می شود که مؤلف می خواست که وقایع تاریخی از مرگِ فرخ سیر تا

۱۔ اته،اندیا آفیس،ستون۹۵،ش۲۲٤

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٤٤

۳۔ همان

٤۔ استوری،ص٦۱٦

٥۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱٥۹،ش٤۲۲

٦۔ الیوت،ج۸،ص۲۳۲

زمان تالیف این کتاب رقم کرد[۱] و همین قرین القیاس به نظر می رسد چون این کتاب از مرگ اورنگزیب و روزگارِ بهادر شاه آغاز نمی شود بلکه از مرگ فرخ سیر و جلوس محمد شاه آغاز گردیده است۔ اما این کتاب نامکمل مانده، چون نسخه موردِ الیوت(شایداکنون نسخه موزه بریتانیا) و کتابخانه اندیا آفیس به بازگشتن نادرشاه و مرگ زکریا خان ناظم پنجاب اختتام می پذیرد[۲]۔ این کتاب دارنده احوال مفصل از تاریخ عهدِ محمد شاه است ومؤلف این کتاب را در ۱۱۹٦هـ.ق مکمل کرده بود۔ درین کتاب مؤلف احوال از آغازِ روزگارِ محمد شاه به اختصار اما احوال بعدی به تفصیل بیان نموده است[۳]۔در دیباچه مؤلف فهرستِ تواریخ معروف تیموریان، از بابر تا محمد شاه، را درج کرده است[٤]۔

منابع تاریخ شهادت فرخ سیر:

محمد بخش آشوبّ چون خود در ارتشِ تیموریان بود و از وزرای نامداران وابسته بود، بسیاری وقایع که درین کتاب درج کرده است با چشم خود ملاحظه کرده بود۔ علاوه برین بعضی وقایع که از مردم های معتبر شنیده بود ،درین کتاب نگاشته است۔در دیباچه مؤلف گفته است که وی برای مقدمه این کتاب از اکبرنامه، طبقات اکبری، اقبال نامه جهانگیری وغیره استفاده کرده است[٥]۔ برای دوره از مرگ اورنگزیب تا محمد شاه وی تاریخ مبارك الله واضح و محمد بن معتمد خان را ذکر نموده است[٦]۔ برای دوره محمد شاه دو کارِ مرزا محسن منجم باشی را ذکر کرده است که هنگام حمله احمد شاه ابدالی بر دهلی تلف شده بود[۷]۔از تاریخ کامور خان و خزانه عامره اقتباس هم نقل کرده است[۸]۔

سبكِ کتاب:

چون متن کامل کتاب به صورت چاپی یا خطی در دسترسِ نگارندۂ این سطور

۱۔ ریو،ج۳،ص۹٤٤

۲۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱٥۹،ش٤۲۲/الیوت،ج۸،صص۲۳۲۔۲۳۳

۳۔ الیوت،ج۸،ص۲۳۳

٤۔ مارشال،ص۳۱۳

٥۔ الیوت،ج۸،ص۲۳۳

٦۔ ریو،ج۳،ص۹٤٤

۷۔ همان،صص۹٤٤۔۹٤٥

۸۔ همان،ص۹٤٥

نیست، از اظهار نظر و قضاوت درست درموردِ سبك انشای آن معذور است۔ البته سطوری که اته از آغاز این کتاب نقل کرده است و ترجمۀ انگلیسی که الیوت در تاریخ خود داده است می توان حدس زد که سبك انشای این کتاب ساده و روان و خالی از تکلف بی جا است۔ مؤلف چون ذکرِ کاری می کند که خود انجام دادیا با چشم خود ملاحظه می کرد، نام خود درمتنِ این کتاب بارها به کار برده است[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

ازین نظر که مؤلف خود از امیران دربار تیموریان وابسته بود و وقایع تاریخی که درین کتاب ذکر شده است با چشم خود ملاحظه کرده بود، این اثر ارزشِ فراوان دارد۔ این کتاب ازین رو هم بسیار ارزشمند است که در دیباچه این کتاب مؤلف فهرستِ تواریخ تیموریان داده است ۔ محمد بخش آشوب در نوشتنِ این کتاب از منابع مستند استفاده کرده است۔ چون وی خود از انگلیسیان به ویژه کاپتان جوناتن اسکات مراسم داشت و حتماً درین کتاب روش تاریخ نویسی انگلیسیان را به کار برده باشد۔

آغاز:

'الحمدلله ...... اما بعد بر متجسان ومتفحصان ملوك و سلاطین اقالیم جهان خصوصاً ملوك و خواقین عالیشان...'[2]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا، اندیا آفیس و دانشگاه کامبریج موجود است[3]۔

تراجم و چاپ:

۱۔ الیوت،ج۸،ص ۲۳۲

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۱۵۹،ش ۴۲۲

۳۔ استوری،ص ٦١٧

فقط صفحه ای ازین کتاب که درباره جنگ نظام الملك با نادر شاه است و مؤلف خود دران جنگ شرکت کرده بود، به توسط الیوت به زبان انگلیسی ترجمه شده است و در تاریخ هندوستانِ الیوت در جلد ۸ بر صفحه ٤_۲۳۳ موجود است۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔ **کلیات:** که دارندۀ پنجاه هزار بیت شامل مثنوی 'فتوحات شام' بوده[۱]۔

۲۔ **دیوان آشوبؔ:** نسخۀ خطی این دیوان در کتاب خانه شاهان اوده به شماره ۱۱۵ موجود است[۲]۔ درین دیوان چند قصاید در مدح آصف الدوله نیز شامل است[۳]۔

۳۔ **کارنامه:** این مثنوی بر یورش احمد شاه ابدالی است[٤]۔ محمد بخش آشوبؔ این مثنوی را در سه هزار بیت به دستور نواب معین الملك، دربیان کارهای وی، نگاشته بود[۵]۔

٤۔ **فلك آشوب:** در برتپور محمدبخش آشوبؔ نظمی مشتمل بر ۷۰۰ بیت نوشته بود که دارنده شرحِ احوال تا مرگ حافظ رحمت خان (۱۱۸۸ھ.ق) است[٦]۔

۵۔ **سوانح احوال آشوب:** محمد بخش آشوبؔ این زندگی نامه مختصرِ خود در اواخر زندگی خود نوشته بود[۷]۔

٦۔ **صولت فاروقی:** این مثنوی در پیروی شاهنامه فردوسی از فتوح الشامِ علی عبدالله محمد بن عمر الواقدی ترجمه شده در ۱۱٦۰ھ.ق/۱۷٤۷م نگاشته شده بود [۸]۔ برای تفصیل این مثنوی ببین 'صولت فاروقی' در همین مقاله، ص٦۳۲۔

۱۔ ریو، ج۳، ص٩٤٤ به حواله خلاصة الافکار

۲۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج۱، ص۳٤۲

۳۔ مارشال، ص۳۱۳

٤۔ همان

۵۔ الیوت، ج۸، ص۲۳۳

٦۔ ریو، ج۳، ص٩٤٤

۷۔ استوری، ص٦۱۷

۸۔ مارشال، ص۳۱۳

تاریخ ممالك هند از غلام باسط

شرحِ احوالِ مؤلف:

غلام باسط امیتوی(Amethawi) از شهرستان سلطان پورِ ریاستِ اوده علاقه داشت[۱]- اجدادش از سه صد سال در ملازمتِ شاهان تیموریان بودند[۲]- پدر ش شیخ سیف الله بجنوری همه عمر خود در خدمت شاهان هندوستان به سر برد و به عمر ۱۰۵ سال فوت شده بود[۳]- غلام باسط چند هکتار زمینِ موروثی داشت و بران زندگی می کرد اما به نوشتهٔ تقدیر با دیگر زمینِ بی اجارهٔ استانِ اوده، زمینِ غلام باسط هم ضبط شده بود و او گرفتارِ اندوهِ عظیم می شد[٤]- وی کوشش کرد که مانندِ اجداد خود به تیموریان ملازمت یافت، اما نامراد گردید و منشی ژانرال گایلز ستیبرت(Gen. Giles Stibbert) شده با او به کلکته رفت[٥]-ایدورد رهاتسك نام نویسندهٔ 'تاریخ ممالك هند'، 'کوه من سنگه'(Kuhman Singhah) بیان نموده است[٦] که شاید غلام باسط را به خطِ ناخوانده بر 'کوه مهِ سنگه' محمول کرده باشد- استوری نوشته است که کوه مان سینگ شاید نام کاتب این کتاب باشد[۷]-

سال تالیف:

غلام باسط این کتاب را همان سال آغاز کرده به دهمِ رمضان۱۱۹٦ھ.ق/ ۱۷۸۲م/ بیست و چهارم سال تخت نشینی شاه عالم به تکمیل رساند[۸]- ریو هم سال تالیف این کتاب ۱۱۹٦ھ.ق بیان کرده است[۹]- اما جالب است که رهاتسك سال تالیف این کتاب

۱- استوری،ص٤٧٤

۲- الیوت،ج۸،ص۲۰۰

۳- ریو،ج۱،ص۲۳۷

٤- الیوت،ج۸،ص۲۰۰ ۵- استوری،ص٤٧٥

٦- رهاتسك،ایدوردز،فهرست کتابخانه ملافیروز بمئیی،ش۱۵،ص٧٦

۷- استوری،ص٤٧٥

۸- الیوت،ج۸،ص۲۰۱

۹- ریو،ج۱،ص۲۳۷

۱۲٤۰ھ.ق بیان کرده، گفته است که مولف این اثر را در ۱۱۹٦ھ.ق آغاز کرده بود و در مدتِ ٤٤ سال در ۱۲٤۰ھ.ق به تکمیل رسانده بود[۱]۔

سبب تالیف:

الیوت نوشته است که غلام باسط در ۱۱۹٦ھ.ق با اعتقادالدوله ناصرالملك ژانرال چارلس برت(Gen. Charles Burt) به کلکته رفت و آن مرد انگلیسی روزی به وی برای نوشتنِ تاریخِ شاهان هندوستان فرمایش کرد[۲]۔ رهاتسك هم درنام گلز ستیبرت اشتباه کرده جایلز استبت(Jayles Estbet) نوشته است[۳]۔ اما نام درستِ سرپرست وی ژانرال گایلز ستیبرت(Gen. Giles Stibbert) بود[٤] که میان ۱۷۷۷م تا ۱۷۷۹م و ۱۷۸۳م تا ۱۷۸۵م سپه سالار فوج بنگال بود[٥] و غلام باسط این اثر را حسب خواهشِ همان ژانرال گایلز ستیبرت نگاشته بود[٦]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ ممالك هند، چون از نام این کتاب ظاهر است ،درموردِ تاریخ هندوستان است۔ مؤلف این اثر را در باب تقسیم نکرده است[۷]۔ این کتاب از عهد باستان و جنگ پاندووان و کورووان آغاز می شود که مؤلف از مهابارت(Mahabharat) برده است[۸]۔ بعد ازان ذکر پسران سام بن نوحؑ یعنی هند و سند و شاهان هندووان از کشن تا مالدیو بیان شده است[۹]۔ پس ازان مؤلف آمدنِ مسلمانان درین دیار و عهد غزنویان و غوریان و خلجیان و لودیان بیان کرده ذکر سلاطین محلی هند چون سند، تته، مولتان، کشمیر، بنگاله و جونپور پرداخته است[۱۰]۔ سپس ذکر شاهان دکن که شامل آن ذکر سلاطین بهمنیان از علاالدین

۱۔ رهاتسك، ایدوردز، فهرست کتابخانه ملافیروز بمئی، ش۱۵، ص۷٦

۲۔ الیوت، ج۸، ص۲۰۱

۳۔ رهاتسك، ایدوردز، فهرست کتابخانه ملافیروز بمئی، ش۱۵، ص۷٦

٤۔ ر.ك باك لیند، ص٤۰٥ ٥۔ ریو، ج۱، ص۲۳۷

٦۔ ریو، ج۱، ص۲۳۷/ اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۱٥۳٤، ش۲۸۳٥/ استوری، ص٤۷٥

۷۔ الیوت، ج۸، ص۲۰۱

۸۔ ریو، ج۱، ص۲۳۷

۹۔ همان ۱۰۔ همان

حسن تا علاالدین سوم، عادلشاهیان بیجاپور از یوسف عادلشاه تا ابراهیم عادلشاه دوم، نظامشاهیانِ احمدنگر از احمد نظام شاه تا مرتضیٰ نظامشاه دوم، قطبشاهیان گولکنده از قلی قطبشاه تا حلیم قطبشاه پسر ابراهیم شاه، عمادشاهیان برار از فتح الله نامی تا مرگِ طفیل خان، بریدشاهیانِ بیدر از قاسم برید تا مرزا علی برید بیان کرده است(١)ـ بعد ازین شاهان گجرات از محمد شاه تا مظفر شاه سوم، شاهان مالوه از دلاورخان غوری تا بازبهادر،فاروقیان خاندیش از ملك راجه تا بهادرخان پسر راجه خان و احوال مالابار بیان شده است(٢)ـدر آخر کتاب مؤلف تاریخ تیموریان از بابر تا شاه عالم بیان نموده است(٣)ـ

منابع تاریخ ممالك هند:

غلام باسط در بیان این تاریخ ذکر کرده است که وی از مهابارت، مطلع الانوار، تاریخ بهادر شاهی، تاریخ یمینی، تاریخ حاجی محمد قندهاری و تاریخ نظام الدین احمد استفاده کرده بود (٤)ـ الیوت احتمال کرده است که فرشته از همه این کتاب های بالا استفاده کرده بود و شاید غلام باسط فقط از تاریخ فرشته استفاده کرده باشد و ذکر آثارِ دیگربه طور مآخذِ ثانوی کرده است(٥)ـ افزون بران مؤلف بر شنیده های از پدرِ خود شیخ سیف الله بجنوری هم استفاده کرده است(٦)ـ

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه ارزشِ این کتاب ازین چیزی عیان است که تاریخ ممالك هند دارندۀ تاریخ هندوستان از آغاز تا زمانِ تالیف است اماریو می گوید که علاوه بر تاریخ شاهان تیموریان از اکبر تا شاه عالم، این تاریخ ملخصِ تاریخِ فرشتۀ است ـ به واژه خود وی؛

"An examination of the work, however, shows that, with the exception of a very

---

ـ١ اته،اندیا آفیس،ج ١،ستون١٥٣٥،ش٢٨٣٥

ـ٢ همان

ـ٣ ریو،ج١،ص٢٣٧

ـ٤ الیوت،ج٨،ص ٢٠١

ـ٥ همان

ـ٦ ریو،ج١،ص٢٣٧

meagre continuation of the series of the Moghul Emperors from Akbar to Shah'Alam, it is entirely founded on Firishtah, whom the author follows almost textually, but with a considerable degree of condensation." [1]

ازین چیزی که غلام باسط این تاریخ ضخیم را درمدتی کوتاه [2] به تکمیل رساند، گمان می شود که مؤلف در تالیف این کتاب بسیار دقت نبرده است و بسیار چیزها از تاریخ فرشته نقل کرده باشد۔

آغاز:

'حمد و سپاس آن خالق بی همتا که عالم را از پردۂ مخفی به ظهور آورده...' [3]

نسخه های خطی:

نسخۂ کامل تاریخ ممالك هند در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ٢٧٢٥٠ .Add دارندۂ ١٣٢ برگِ ١٩ سطری است۔ دیگر نسخه خطی 'تاریخ ممالك هند' در کتابخانۂ ملافیروز بمبئی موجود است۔ نسخۂ کتابخانۂ اندیا آفیس در ١٢٩٦هـ.ق/١٨٧٩م از نسخه کتابخانه ملافیروز نقل شده بود و تاریخ کتابت اول ١٢٤٠هـ.ق دارد [4]۔ همین تاریخ کتابت را رهاتسك سال تالیف این کتاب گمان کرده بود۔

تراجم و چاپ:

ترجمۂ انگلیسی گزیدۂ 'تاریخ ممالك هند' در تاریخِ الیوت جلد٨ صص٢٠٠تا٢٠٣ موجود است که یکی منشی برای الیوت کرده بود [5]۔

۱۔ ریو، ج١، ص٢٣٧

۲۔ بیشایش هشت ماه چون الیوت تاریخ تالیف به دهمِ رمضان١١٩٦هـ.ق/١٧٨٢م/بیست و چهارم سال جلوس شاه عالم گفته است و همان سال آغازِ نگارشِ این کتاب کرده بود۔

۳۔ اته، اندیا آفیس، ج١، ستون١٥٣٥، ش٢٨٣٥

٤۔ همان/استوری، ص٤٧٥

۵۔ الیوت، ج٨، ص٢٠٢

تواریخ حیدری از بُده سینگ منشیّ

شرحِ احوالِ مؤلف:

بُده سینگ منشیّ(Budh Singh) از جنوب هندوستان تعلق داشت و در حکومت حیدر علی خان والی میسور خدمت انجام می داد [1]۔ بُده سینگ حتماً شاعر هم بود چون منشیّ تخلص می کرد[2]،اما هیچ اثرِ شعری ازو به دست نمی آید۔ اته و استوری اشتباه کرده اند که شاید این همان بده سینگ کتری(Khatri) است که رساله احوال نانك شاه نزدِ ۱۱۹۷ ه.ق نگاشته بود[3]۔ اما باید که این هر دو مختلف به شمار آید چون بده سینگ کتری از لاهور بود و به دربارِدهلی ملازمت داشته بود و نزدِ ۱۱۹۷ ه.ق به میجر جیمز موردانت(Major James Mordaunt) پیوسته بود [4]۔اما بُده سینگ منشیّ ازجنوب هند (میسور) علاقه داشته بود و به حکومتِ حیدر علی خدمت می کرد[5]۔ بُده سینگ منشیّ سه سال در نوشتن این تاریخ صرف نمود[6]۔

سال تالیف:

سال تالیف این کتاب در نسخه خطی داده نشده است اما معلوم می شود که این اثر خیلی زود بعد از وفات حیدر علی خان نوشته شده بود [7] البته دکتر سید عبدالله در کتابش سهم هندووان در ادبیات فارسی سال تالیف این کتاب ۱۱۹۷ ه.ق بیان نموده است[8]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب از احوال اجداد حیدر علی آغاز می شود[9] و دارندۀ تاریخ حیدر علی،

۱۔ نبی هادی،ص۱٤۱

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۰٦،ش۵۱۸ ۳۔ همان/استوری،ص۷٦۷

٤۔ ریو،ج ۲،ص ۸٦۰۔ (ریو نام جیمز موردانت غلط نوشته است، این اصلاً جیمز براوون بود که در ۱۷۸٤م/۱۱۹۷ ه.ق به طور نماینده انگلیسیان به دربار دهلی رفته بود)۔

۵۔ نبی هادی،ص۱٤۱ ٦۔ استوری،ص۷٦۷

۷۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۰٦،ش۵۱۸

۸۔ عبد الله،دکترسید،سهم هندووان..،ص۹۸

۹۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۰٦،ش۵۱۸

از تولدش در ۱۱۲۵ هـ.ق/ ۱۷۱۳م تا مرگش و تخت نشینی تیپو سلطان در ۱۱۹۷ هـ.ق/ ۱۷۸۲ م، است[۱]. یعنی این کتاب مشتمل بر تاریخ مفصل حیدر علی خان والی میسور است.

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تواریخ حیدری از بُده سینگ منشیّ تاریخ مفصل حیدر علی خان والی میسور است. این کتاب از ذکر اجداد حیدر علی خان آغاز شده تا وفات حیدر علی می رسد. مؤلف در این تاریخ همه وقایع مهمی راکه در زمان حیدر علی افتاد، ذکر کرده است. چون، به قول نبی هادی، مؤلف خود در ملازمت حیدر علی خان شامل بود و این طور خود شاهدِ برخی از رویدادهای آن دوره بود و بر اخبار آن زمان بهتر نگاه داشت.

آغاز[۲]:

'بدایع نگار صور بی چونی و صنایع طراز اشباه بی نمونی ....'[۳]

نسخه های خطی:

سه نسخهٔ خطی تواریخ حیدری از بُده سینگ منشی در کتابخانهٔ اندیا آفیس به شماره ۵۱۸ تا ۵۲۰ موجود است. نسخه به شماره ۵۲۰ کامل نیست.

---

۱. استوری، ص ۷۶۷

۲. منزوی در فهرستواره کتاب های فارسی آغاز این کتاب از 'قصهٔ حیدر علی خان' از نویسندهٔ نامعلوم به شماره Or.۱۸٦۵ در موزه بریتانیا "ستایش ناصری که به مددگاری فوج لطفش...." نقل کرده است که غلط است. ر.ك فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۲، ص ۱۲۳۳/ ریو، ج ۳، ص ۱۰۳۳.

۳. اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۲۰٦، ش ۵۱۸

رساله نانك شاه از بده سینگ کتری

شرحِ احوالِ مؤلف:

لاله بده سینگ کتری(Khatri) عرف اورا [١] خود را به طور نوکر دربار دهلی و متوطنِ شهرِ لاهور معرفی نموده است [٢]۔ چون جیمز براوون در ١٧٨٤م/١١٩٧ه.ق از کلکته به دهلی آمده و به دربار دهلی به طور نماینده شرکت هند شرق شده بود [٣]، بده سینگ به ملازمتِ وی پیوسته بود۔ ریو نوشته است که این اثر حسب فرمایش جیمز موردانت(Major James Mordaunt) نوشته شده بود [٤]۔ البته اته در فهرست بادلین نوشته است که این اثر حسب خواهشِ جیمز براوون(Major James Browne) نگاشته شده بود [٥] و همین درست است۔ استوری تفصیل این چنین بیان نموده است که جیمز براوون به طور وزیر انگلیسی به دربار شاه عالم در ١٧٨٤م از کلکته به دهلی رفته بود و آنجا با دو نفرِ هندو صحبت کرد که هر دو بسیار دانشمند بودند۔ ایشان از لاهور بودند و بسیاری از عمر خود در همان دیار گذاشتند۔ایشان یکی کتاب درموردِ عروج و احوال سیك ها به خط ناگوری (Nagvari)داشتند۔ جیمز براوون به ایشان فرمایش کرد که این کتاب را ترجمهٔ ملخص به زبان فارسی بگردانید وآن خلاصه فارسی را جیمز براوون خود به زبانِ انگلیسی ترجمه کرده بود [٦]۔درنگاشتنِ این کار لاله عجایب سینگ از قوم سورج، بده سینگ را کمك کرده بود [٧]۔

سال تالیف:

١۔ اته،بادلین،ج١،ستون١٤٩،ش٢٨١

٢۔ استوری،ص٦٦٥

٣۔ همان

٤۔ ریو،ج٢،ص٨٦٠/عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص٩٨

٥۔ اته،بادلین،ج١،ستون١٤٩،ش٢٨١

٦۔ استوری،ص٦٦٥

٧۔ ریو،ج٢،ص٨٦٠

این اثر دارنده تاریخ تا ۱۱۹۷هـ.ق/۱۷۸۳م است[۱] و احتمال قوی است که در همان سال نگاشته شده باشد۔ نبی هادی هم سال تالیف این کتاب ۱۱۹۷هـ.ق/۱۷۸۳م بیان نموده است[۲]۔

محتویاتِ کتاب:

این رساله پیرامون گورو نانك و فرقۀ سیك ها نگاشته شده بود۔ آغازِ این رساله با احوال گورونانك و جانشینانش تا گوروگوبند سینگ است۔ سپس وقایع بعدی از سالِ۱۱۳۱هـ.ق تا ۱۱۷۸هـ.ق سال به سال بیان شده است[۳]۔آخرین واقعه که درین کتاب ذکر شده حمله سیك ها بر احمد شاه درانی به رود ستلج در ۱۱۷۸هـ.ق است[٤]۔ افزون بران در آخر مولف بیان نموده است که ازان وقت تا تالیف این کتاب سیك ها تصرف مند بر علاقه خود هستند۔ به واژۀ ریو؛

"from that time to the date of composition the Sikhs had remained in undisturbed possession of their territories."[٥]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب ازین نظر بسیار ارزشمند است که درموردِ احوال ده گوروان سیك ها از نانك تا گوروگوبند سینگ است۔ افزون بران مؤلف درین کتاب احوال قوم سیك ها از ۱۱۳۱هـ.ق تا ۱۱۷۸هـ.ق سال به سال به تفصیل پرداخته است۔ مؤلف این اثر هم به گفته جیمز براوون مردِ بسیار دانشمند بود حتماً این کار را به خوبی پرداخته باشد۔ ارزشِ این اثر ازین چیز هم عیان است که جیمز براوون برای نوشتنِ احوال سیك ها به زبان انگلیسی ازین کتاب بهره برده بود۔

۱۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱٤۹،ش۲۸۱

۲۔ نبی هادی،ص۱٤۱

۳۔ ریو،ج۲،ص۸٦۰

٤۔ همان

٥۔ همان

آغاز:

"کارپردازان ایجاد و تکوین که عبارت از قضا و قدر باشد، شهود و نمود هر امور..."[(١)]

نسخه های خطی:

نسخه خطی رساله نانك شاه در کتاب خانه جهان فراوان است۔ مهم نسخه خطی ازان در کتاب خانه بادلین،اندیا آفیس، موزه بریتانیا نگهداری می شود۔ برای تفصیل دیگر نسخه های خطی این کتاب مراجع شود به استوری،ص٦٦٦۔

تراجم و چاپ:

ترجمۀ انگلیسی این کتاب به نام History of the origion and progress of the Sicks. **از جیمز براوون در ١٧٨٨م در لندن به چاپ رسیده بود[(٢)]۔**

١۔ اته،بادلین،ج١،ستون١٤٩،ش٢٨١

٢۔ استوری،ص٦٦٦

سوانح دکن از منعم خان اورنگ آبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

نویسندهٔ این اثر منعم الدوله منعم خان همدانی اورنگ آبادی پسر عبدالغنی پسر عبداللطیف پسر عبدالغفور [۱] است۔ منعم خان از اولادِ خواجه یوسف همدانی (یکی از اولیای معروف نقشبندی) بود [۲]۔ جدِ بزرگ وی عبدالغفور خان در زمانِ امیر خان ناظمِ کابل بود [۳]۔ پدرِ بزرگِ او عبداللطیف خان از همدان به اورنگ آباد آمد و همین جا اقامت گزید [٤]۔ پدرش در ۱۱۸۱ هـ.ق فوت کرد [٥] منعم خان خود به ملازمتِ نظام علی خان آصف جاه دوم به عنوان افسرِ نظامی خدمت می کرد [٦]۔ آنجا کارش بالا رسید و او قلعه دار بیدر مقرر گشت و القاب منعم الدوله قدرت جنگ گرفت [۷]۔ منعم خان،این اثر را در ٤۷ سالگی نوشت [۸] و چون سالِ تالیفِ این کتاب ۱۱۹۷ هـ.ق است ، به این دلیل مؤلف در ۱۱٥۰ هـ.ق متولد شده باشد۔

سال تالیف:

منعم خان اورنگ آبادی سوانح دکن رادر ۱۱۹۷ هـ.ق/ ۱۷۸۳ م نگاشته بود [۹]۔

سبب تالیف:

مؤلف این اثر را حسبِ فرمایشِ نظام علی خان نوشته بود [۱۰]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب مشتمل بر احوالِ جغرافیایی و اقتصادی و سیاسی و تاریخی شش استان

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۲۲
۲۔ استوری،ص۷٤۹
۳۔ ریو،ج۱،ص۳۲۲
٤۔ نبی هادی،ص٤۳٦
٥۔ ریو،ج۱،ص۳۲۲
٦۔ نبی هادی،ص٤۳٦
۷۔ استوری،ص۷٤۹ ۸۔ ریو،ج۱،ص۳۲۲
۹۔ نبی هادی،ص٤۳٦ ۱۰۔ همان

دکن است۔ اته ابواب بندی کتاب چنین بیان نموده است:(۱) احوالِ استان اورنگ آباد ودوازده سرکار او،(۲) احوالِ استان خاندیس و شش سرکار او، (۳) احوالِ استان برار و سیزده سرکار او،(٤) احوالِ استان محمد آباد بیدر و شش سرکار او،(٥) احوالِ استان بیجاپور و هجده سرکار او و بخشی از کرناتكِ بیجاپور،(٦) احوالِ استان حیدرآباد و چهل و سه سرکار او و بخشی از کرناتكِ حیدر آباد،(۷) تاریخِ نواب نظام الملك آصف جاه،(۸) تاریخِ نظام الدوله میر احمد خان بهادر ناصر جنگ،(۹)امیرالامرا غازی الدین خان بهادر فیروز جنگ،(۱۰) امیرالممالك سید محمد خان بهادر صلابت جنگ،(۱۱)نواب نظام الملك نظام الدوله نظام علی خان بهادر فتح جنگ، (۱۲)امرای معروف دربار، (۱۳) احوال راجه مادو جی راو سوای(Madhu ji Rao Sawai) و سلطنتِ مرهته ها،(١٤)احوال رگو جی بونسله(Raghu ji Bhonsla)، (۱٥) خاتمه در باره مؤلف و اجدادِ او[1]۔

آغاز:

'حمدِ داوری که بوقلمونی اقالیم سبعه رنگی از نیرنگ سازی قدرت....'[2]

نسخه های خطی:

مهم ترین نسخهٔ خطی' سوانح دکن 'از منعم خان درموزه سالار، موزه بریتانیا و اندیا آفیس نگهداری می شود که برای تفصیل آن نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۷٤۹۔ در پاکستان دو نسخه خطی این کتاب، در کتابخانه انجمن ترقی اردوموجود است۔ برای اطلاع بیشتری در موردِ نسخه های پاکستان مراجع شود به فهرستِ مشترك منزوی،ج ۱۰،ص٥۱۸۔

تراجم و چاپ:

این کتاب از نویسنده نامعلوم به زبان اردو ترجمه شده است[3]۔

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون۷_۱٥۳٦،ش۲۸۳٦

۲۔ منزوی،احمد،فهرستِ مشترك،ج ۱۰،ص٥۱۷

۳۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج ۲،ص۱۲۷۸

بیان واقع از خواجه عبدالکریم

شرحِ احوالِ مؤلف:

خواجه عبدالکریم بن خواجه عاقبت محمود بن خواجه محمد بولاقی بن خواجه محمد رضا کشمیری[۱] که معروف به خواجه عبدالرحیم کشمیری است[۲] یکی از علمای اواخر قرنِ دوازدهم هجری بود۔ وی اصلاً از کشمیر علاقه داشت اما به دهلی آمد و با حکیم علوی خان پیوست[۳]۔ وی در ۱۱۵۱ھ۔ق/۱۷۳۹م در دهلی به سلك ملازمت نادر شاه پیوست[٤]۔ در ۱۱٥٤ھ۔ق با نادرشاه درانی همراهِ حکیم علوی خان از دهلی به قزوین رفت[٥]۔ ازانجا برای سفر حج روانه شد و در ۱۱٥٦ھ۔ق/۱۷٤۳م به دهلی بازگشت[٦]۔ معلوم می شود که تا نوشتن این کتاب در ۱۱۹۸ھ۔ق وی همانجا (در دهلی) مانده بود[۷]۔

در دیباچه مؤلف می گوید که وقت یورش نادر شاه وی در دهلی بود و بسیار تشویق حج بیت الله داشت۔ دران روزها اتفاقاً به داروغه دفتر خانه علی اکبر خراسانی صحبت می کرد و به سبب عدم حضوریِ وزیر، کارهای وزارت به ذمه او بود[۸]۔ به توسلش به نادر شاه رسید و به وعده رخصت حج و زیارت در متصدیان حضور منسلك گردید[۹]۔ چون از حج بازگشت احوال سفر خود را به اختصار و فتوحات نادر شاه را با تفصیل درین کتاب نوشت۔ خواجه عبدالکریم می گوید که او درین کتاب از مبالغه آمیزی احتراز کرده است و فقط از بیان واقع توجه نموده است۔

سال تالیف:

۱۔ عباسی، منظور احسن، فهرست کتابخانه عمومی پنجاب، ص۷۱٥، ش٥۳۳
۲۔ ریو، ج۱، ص۳۸۲
۳۔ رضوی، قاسم حصیروعبدالمقتدر، مولوی، بوهار، ج۱، ص۳٦، ش٥۰
٤۔ استوری، ص۳۲٦
٥۔ رضوی، قاسم حصیروعبدالمقتدر، مولوی، بوهار، ج۱، ص۳٦، ش٥۰
٦۔ استوری، ص۳۲٦ ۷۔ ریو، ج۱، ص۳۸۲
۸۔ عبدالکریم، خواجه، بیان واقع چاپی، با مقدمه کی۔بی۔نسیم(K.B.Naseem)، ص۲
۹۔ همان

این اثر دارندهٔ تاریخ تا ۱۱۹۸ھ.ق است[۱] البته نسخه اندیاآفیس تا ۱۱۹۹ھ.ق ادامه دارد که بر صفحه آخر آن نسخه نوشته است؛ **'الی آلان که سنه یکهزار و یکصد ونود و نوهجریست'**[۲]۔ این طورمی توان حدس زد که این اثر میان ۱۱۹۸ھ.ق تا ۱۲۰۰ھ.ق نگاشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب 'تاریخ نادری' و 'نادر نامه' هم گفته می شود[۳]۔ بیان واقع مشتمل بر وقایع حمله نادر شاه بر هندوستان است اما برابرِ آن تاریخ محمد شاه و پسرش احمد شاه هم دارد۔ علاوه بر این مولف درین کتاب احوال سفرِ حجِ خودهم بیان نموده است۔ این کتاب مشتمل برپنج باب است و هر باب مزید در چند فصل منقسم است۔تفصیل این باب ها به مطابق مقدمهٔ کتاب چاپی چنین است؛ **باب اول** در ذکر عروج و خروج نادر السلطان و آمدن او به سمت هندوستان۔ **باب دوم** در بیان معاودت او از هندوستان و رفتن به توران و خراسان و مازندران تا ورود به دارالسلطنت قزوین که بنده عاصی در آنجا برای طواف و حج بیت الله رخصت گرفته۔ **باب سوم** در ذکر وقایع که در اطراف عراق عرب و شام و حجاز و به سفر دریا تا نزول به بندر هوگلی که از بنادرملك بنگاله است، مشاهده نمود۔ **باب چهارم** مشتمل است بر بعضی سوانح که از ابتدای ورود به بندر هوگلی تا هنگام وصال و انتقال اعلیحضرت کثیرالمروت پادشاه رعیت صفت محمد شاه فردوس آرامگاه به ظهور پیوست[۴]۔ **باب پنجم** در ذکر بعضی امور که در ایام سلطنت احمد شاه بهادر به عمل آمد[۵]۔ '**خاتمه** مشتمل است بر دو مقدمه۔ مقدمه اولیٰ مشتمل است بر دو باب۔ باب اول؛در ذکر بعضی کلمات ظریف، باب دوم؛دربیان بعضی عجایب و غرایب که درین عصر

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۸۲

۲۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۲۲۰،ش٥٦٦

۳۔ استوری،ص۳۲٦

٤۔ عبدالکریم،خواجه،بیان واقع چاپی،با مقدمه کی.بی.نسیم،صص۳ و ٤

٥۔ در مقدمه ذکر نشده است اما در متن کتاب و فهرست موضوعات این باب موجود است۔

از پرده غیب به منصه ظهور جلوه گر شده ـ مقدمه ثانی مشتمل است بر دو فصل ـ فصل اول در تذکار گروه اخیار و ابرار .....، فصل دوم در اظهار فرقه اشرار ....'[۱] ـ

اگرچه مؤلف در مقدمه ایراد کرده بود که در آخر این کتاب یکی خاتمه هم می نویسد، اما در هیچ نسخه خطی بیان واقع در کتاب خانه های جهان،این خاتمه یافته نمی شود ـ

سبکِ کتاب:

سبك انشای بیان واقع بسیار ساده و خالی از تکلف بی جا است ـ مؤلف خود درباره سبك این کتاب در دیباچه می گوید که **'چون این رساله را 'بیان واقع' نام گذاشت، لهذا به دستور کتب تواریخ از لوث و چاپلوسی و اغراق نویسی ملوّث نساخت و تطویل کلام و ایراد الفاظ مسجع و مغلق موقوف نموده که سبب ملامت بزرگی که اتفاقاً مطالعه این مزخرفات فرماید، نشود و عبارت آرایی و فقره بندی را نیز ترك داده که واسطه فوت بعضی مطالب نشود'**[۲] ـ

خواجه عبدالکریم درین کتاب از آیات و احادیث هم استفاده کرده است ـ وی در بیان وقایعِ تاریخی، واژه های محلی چون دومنی،باره پله، یك لکه سوار،کراهی، گرو، جهاز، چوکیداران، بسیس پهول، انگرکهه، روئی، تیله، کالی پهاری وغیره هم به کار برده است ـ علاوه برین به روش آنزمان از واژه های عربی هم استفاده کرده است ـ به طور مثال علی هذالقیاس، طوعاً و کرهاً، مفقود الخیر وغیره ـ برای نمونه سبك این کتاب دو اقتباس اینجا نقل می شود؛

' و از بغداد تا کربلای معلی مسافت پانزده فرسخ است ـ چون مردم ایران به واسطه تعدی حکام جبار از اوطان خودها فرار نموده، دران جا متوطن شده اند، شهر بزرگی آباد

---

۱ ـ عبدالکریم،خواجه،بیان واقع چاپی،با مقدمه کی.بی.نسیم،ص٤

۲ ـ همان،صص۲ و ۳

گردیده و باعث دوم بر ازدیاد آبادی و وفور معموری نهر بی آبی است که حسن پاشا حاکم بغداد قریب ده هزار تومان که دولك روپیه هندوستان باشد، صرف کرده این نهر را از دریای فرات بریده، لیکن هنوز شهر نرسیده بود که حسن پاشا فوت شد'[۱]۔

' این مرتبه هم از بادشاه رخصت گرفته، رفته و به درگاه نرفته، به لشکر صفدر جنگ ملحق شد و آتش فتنه و فساد که هنوز سر تکشیده بود، به دامن زنی لاف و گزاف و باد بروت هپ هپ سراسر کلاف او به یك مرتبه شعله فساد به آسمان رسانید۔ پرده ای که هنوز درمیان بود، به یکبار از میان برخاست و غارت و تاراج شهر که حواله به مردم جات بود، بر کل فوج قزلباش وغیره نوکران سرکار صفدر جنگ قسمت شده...'[۲]۔

مؤلف درین کتاب اشعار محمد بخش آشوبؔ به ویژه مثنوی 'کارنامه' هم نقل کرده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

از نظر تاریخی و ادبی این اثر بسیار عالی است۔ یکی از خصایص این کتاب ، اینست که نگارنده همه وقایع با چشم خود ملاحظه کرده بود که درین کتاب بیان نموده است۔وی نه تنها درین کتاب احوال یورش نادر شاه و تاریخ محمد شاه و احمد شاه پرداخته است بلکه احوال سفر حجِ خود هم بیان نموده است و ازین نظر این کتاب یك گونه ای سفر نامه می شود۔ این کتاب نه تنها از نظر تاریخی بلکه از نظر ادبی هم بسیار ارزشمند است۔ مولف آنچه که با چشم خوددید، رقم کرده است ۔ این چیز را در مقدمه هم به صراحت بیان نموده این شعر نقل کرده است؛

'من از دیده خویش گویم سخن
نه از گفته و داستان کهن'[۳]

---

۱ ۔ عبدالکریم،خواجه،بیان واقع چاپی،با مقدمه کی.بی.نسیم،ص۱۲٦

۲۔ همان،ص۲۵۹

۳۔ همان،ص۲

و شعر دیگر

ـ 'چرا عاقل ره نادیده پوید		قلندر هر چه گوید، دیده گوید' [۱]

آغاز:

ـ 'الهٰی محفل آرا کن به ذکر خود بیانم را
تجلی شعله گردان در سخن شمع زبانم را
الحمد لله الذی علم الانسان مالم یعلم و الصلوٰة والسلام علی رسوله محمد هادی الامم وعلی آله و اصحابه ...' [۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه جهان فراوان است و ازان مهم نسخه ها در کتاب خانۀ موزۀ بریتانیا، بوهار، اندیا آفیس،آصفیه، بادلین وغیره موجود است۔

در پاکستان سه نسخه در دانشگاه پنجاب لاهور، یکی در موزۀ ملی پاکستان کراچی، یکی در کتابخانه عمومی پنجاب و یکی به کتاب خانه محمد شفیع موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به فهرست مشترك منزوی،ج ۱۰ ،ص۵۱۵۔

تراجم و چاپ:

بیان واقع با تصحیح و تحقیق ومقدمه انگلیسیِ دکتر کی بی نسیم(K.B.Nasim) از سوی اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاهور در ۱۹۷۰م به چاپ رسیده است۔ در نوشتن این مقاله،مورد راقم این سطور همین کتاب چاپی است۔

ترجمه ملخص بیان واقع از فرانسیس گلادوین به زبان انگلیسی یافته می شود که بدون باب یکمِ این کتاب است۔ این ترجمه که به نام یادداشت های خواجه

۱۔ عبدالکریم،خواجه،بیان واقع چاپی،با مقدمه کی.بی.نسیم،ص۲

۲۔ همان،ص یکم

عبـدالـکـریم(The Memoirs of Khojeh Abdul-Kureem) اسـت، در۱۷۸۸م و۱۸۱۳م در کـلـکته و در ۱۷۹۳م در لـندن به چاپ رسیده است[1]ـ مستـر لینگ لیز(M.Langles) تـرجمۀ مـلـخصِ بـاب سـوم ایـن کتاب که دربارۀ سفر حج است به زبانِ فرانسوی هم کرده بود [2]ـ مستر پریچارد(Lt. Prichard) بـرای الیـوت ایـن کـتـاب را تـرجمۀ کامل هم کرده بود[3] که بخشی ازان ترجمه در تاریخ الیوت در جـلد۸ از صفحه ۱۲٦ تا ۱۳۹ داده شده است. نسخۀ خـطـی ایـن تـرجـمۀ پریچارد، در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸۲ از برگ ٦٤ تا ۱۱۳ نگهداری می شود[4]ـ

۱ـ استوری،ص۳۲۷

۲ـ الیوت،ج۸،ص۱۲٤

۳ـ همان،ص۱۲٦

٤ـ ریو،ج۱،ص۳۸۲

گوهرِ عالم/ گوهرنامه عالم/ گوهر عالم تحفة للشاه[۱]

از محمد اسلم منعمیؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

بدیع الدین ابوالقاسم محمد اسلم منعمیؔ فرزند مولوی محمد اعظم کول مستغنی[۲] از مردمِ کشمیر بود اما در ملازمت شجاع الدوله پیوست [۳]۔ در ۱۱۸۸ هـ.ق/ ۵-۱۷۷٤ م با فوجِ شجاع الدوله از لکنو به اتاوه رفت و آنجا یکی دست نوشتۀ مؤلف به زبان فارسی 'مرآة الاولیا' از ملا احمد علامه یافت۔ این 'مرآة الاولیا' ترجمۀ 'نورنامه' بود که مجموعۀ ملفوظاتِ نورالدین ولی به زبان کشمیری است[٤]۔

سال تالیف:

در موردِ سالِ تالیفِ این کتاب اطلاع حتمی در دست نیست۔ ریو گفته است که مؤلف در کتاب اصل که در ۱۱٦۰ هـ.ق نوشته شده بود، تاریخ سی یا چهل سال را افزوده این را نزدِ ۱۲۰۰ هـ.ق تالیف کرد[۵]۔ ولدمیر ایوانوف هم تالیف این کتاب را ۱۱٦۰ هـ.ق بیان کرده تاریخِ تکمیل ۱۲۰۰ هـ.ق/ ۱۷۸٦ م گفته است[٦]۔ استوری سالِ تالیفِ این کتاب میان ۱۱۹۰ هـ.ق/ ۱۷۷٦ م تا ۱۲۰۰ هـ.ق/ ۱۷۸٦ م بیان نموده است [۷]۔ منزوی در فهرستواره کتاب های فارسی سالِ تالیف این کتاب ۱۲۰۳ هـ.ق بیان کرده است [۸]۔ نبی هادی هم سالِ تالیف ۱۲۰۰ هـ.ق/ ۱۷۸٦ م بیان کرده است[۹]۔

اصلاً سالِ تالیفِ واقعاتِ کشمیر از محمد اعظم ۱۱٦۰ هـ.ق است و محمد اسلم همان

۱۔ استوری، ص ٦۸٤

۲۔ همان (ریو، ج ۳، ص ۹۵٦ نامش 'ابا رفیع ابوالقاسم محمد اسلم المتخلص به منعمیؔ ولد محمد اعظم کول المسمی به مستغنی' بیان نموده است)

۳۔ نبی هادی، ص ۳۷۲ ٤۔ استوری، ص ٦۸٤

۵۔ ریو، ج ۳، ص ۹۵۷

٦۔ ایوانوف، ولدمیر، انجمن آسیای بنگال، ش ۱۸۹، ص ۵۹

۷۔ استوری، ص ٦۸٤

۸۔ منزوی، احمد، فهرستواره کتاب های فارسی، ج ۲، ص ۱۳۲۷

۹۔ نبی هادی، ص ۳۷۲

کتاب را سی تا چهل سال افزوده است۔ عین ممکن است که مراد از کتاب اصل که در فهرستِ ریو ذکر شده است همان واقعاتِ کشمیر باشد که در سال ۱۱٦۰ ه.ق تالیف شده بود۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در بیان تاریخِ کشمیر است۔ مؤلف این اثر را در یك مقدمه،شش طبقات و یك خاتمه تقسیم کرده است۔ اما همه نسخه ها موجود در کتابخانۀ جهان دارنده فقط پنج طبقه است۔ ممکن است که مؤلف نتوانست که این کتاب را به تکمیل رسانده باشد۔ تفصیلِ کتاب چنین است: **مقدمه** در تعریف و توصیف آب و هوا و اماکن منزهات آن کشور است[۱]۔ **طبقه اول** درباره عهد قبل از تاریخ و ذکر پاندووان[۲]۔ درین باب شاهان قدیم پیش و بعد از طوفان نوحؑ ذکر شده است[۳]۔ **طبقه دوم** در ذکرِ ارباب حکومت اهالی هنود پس از پاندووان[٤]۔ **طبقه سوم** در باره شاهان نخست مسلمانان از خانواده شاه میر[۵]۔ **طبقه چهارم** در مورد چکان و **طبقه پنجم** در ذکر تیموریان به ویژه حکومت آن بر کشمیر[٦]۔ **طبقه ششم** در ذکرِ افغانان و حمله احمد شاه ابدالی بر کشمیر[۷]۔ **خاتمه** در عجایب و غرایب کشور[۸]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

بیشتر سهمِ این کتاب مبنی بر واقعاتِ کشمیر از محمد اعظم است۔ بارها مؤلف وقایع را بدون هیچ تغییر جمله ها از واقعاتِ کشمیر نقل کرده است[۹]۔ برای بررسی سبكِ کتاب نسخۀ خطی به دست نیامد۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۳۲۷

۲۔ همان

۳۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۷۳،ش۳۲۰

٤۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۳۲۷

۵۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۷۳،ش۳۲۰ ٦۔ همان

۷۔ در نسخه بادلین این طبقه در دیباچه معرفی شده است اما در متن کتاب موجود نیست۔

۸۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۷۳،ش۳۲۰

۹۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین ... ج۳،ص۶۰۸

مآخذ و منابع:

مؤلف در منابع این تاریخ کتاب های زیر قرار را ذکر نموده است: تاریخ سید علی، تاریخ رشیدی از مرزا حیدر، ترجمه نور نامه از ملا احمد، منتخب التواریخ از حسن بیگ، تاریخِ حیدر ملك چاوره، درویش نامۀ بابا نصیب، درجات السادات از خواجه محمد اسحٰق، اسرار الابرار از بابا داوود مشکویی، تحفة‌الفقرا، رساله شیخ محمد مراد نقشبندی، مآثر عالمگیری از مستعد خان، اقبالنامۀ جهانگیری از معتمد خان، نوادر الاخبار از خواجه محمد امین بلخی، مجالس المومنین، دستورالعمل سلاطین از سعید مبارك خان، مجلد ثامن روضة‌الصفا، یك دو تاریخ دیگر از بعضی متاخرین تا عهد محمد شاه بالتخصیص واقعاتِ کشمیر تصنیف خواجه اعظم دیده مری غفران پناه[۱]ـ

آغاز:

'فاتحه تواریخ ابداع و اختراع عالم سپاس بی قیاس جناب اقدس خالقی که هو الله احد الله الصمد صفتی از اخبار تاریخ بی منتهای قدامت وحدانیت ذات بی بدل او که....'[۲]

نسخه های خطی:

در کتابخانۀ بادلین،انجمن آسیای، اندیا آفیس و موزۀ بریتانیا موجود است ـ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری ص٦٨٤ـ استوری یکی نسخه گوهرِ عالم که سالِ کتابت ندارد اما کامل است، یعنی دارندۀ باب ششم و خاتمه نیز است، را ذکر کرده است که دریکی کتاب خانه شخصی موجود است و دارندۀ وقایع تاریخی تا ۱۱۹۱ ه.ق/ ۱۷۷۷م است، نیز خاتمه این نسخه ذکرِ چهل و پنج عجایب دارد[۳]ـ

۱ـ اته،بادلین،ج ۱،ستون۱۷۲ـ۱۷۳،ش ۳۲۰

۲ـ همان،ستون۱۷۳

۳ـ استوری،ص۱۳۲۵

توزک والاجاهی[۱]/ تزوک والاجاهی[۲] از برهان خان بیجاپوری

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال برهان خان اطلاعِ چندانی در دست نیست و آنچه که وی دربارۀ خود درین کتاب نوشته است آن هم کافی نیست۔ البته این قدر معلوم شده است که نامش منشی برهان خان پسر حسن هندی بود[۳]۔ از سال و جای ولادت او نیز اطلاعی در دست نیست اما از نسبتِ جای که با نامِ وی توام است می توان حدس زد که او از مردمِ بیجا پور باشد۔ منزوی او را ساکن نتهر نگر نوشته است[٤]۔ در ۱۱۹۵ ه‍.ق/۱۷۸۱ م نواب والاجاه عمدة الملك محمد علی، وی را برای نوشتن تاریخ کرناتك بر اساسِ 'انورنامه' سرودۀ ابجدیؔ مقرر گماشت[٥]۔ او این اثر را در ۱۲۰۰ ه‍.ق نوشت۔ برهان خان شاعر هم بود و مثنوی 'نعرۀ حیدری' را نگاشته است[٦]۔ برهان خان در ۲۷ جمادی الثانی ۱۲٤۰ ه‍.ق/۱۸۲٥ م فوت کرد[۷]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۲۰۰ ه‍.ق/۱۷۸٦ م نگاشته شده بود[۸]۔

سبب تالیف:

در ۱۱۹٥ ه‍.ق/۱۷۸۱ م نواب والاجاه عمدة الملك محمد علی،منشی برهان را دستور دا دکه چون میر اسماعیل خان ابجدیؔ برای نواب انور خان مثنوی 'انورنامه' نوشت همانطور تاریخِ والیانِ کرناتك از نیای ایشان در مدینه تا حال بنویسید[۹]که دارنده

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۹٦،ش۵۰۱

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۰۵

۳۔ استوری،ص۷۷۸

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۰۵

۵۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۹٦،ش۵۰۱

٦۔ نبی هادی،ص١٤٤

۷۔ استوری،ص۷۷۹

۸۔ نبی هادی ١٤٤ ۹۔ استوری،صص۷۷۸۔۷۷۹

شرح احوال و کامل و اکمل باید۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارنده تاریخ کرناتك و نواب انور خان متوفی ١١٦٢ھ۔ق و پسرش نواب محمد علی(١١٦٢۔١٢١٠ھ۔ق) و جنگ های انگلیسیان و فرانسویان است۔برهان خان این اثر را در یك مقدمه، دو دفتر و یك خاتمه نگاشته است۔این ترتیبِ کتاب را مولف در مقدمه ذکر کرده است اما نتوانست که این را به تکمیل رسانده باشد(١)۔ استوری نیز همین قیاس کرده است که شاید بیشتر از یك دفتر نگاشته نشده بود(٢)۔ نسخه اندیا آفیس فقط مقدمه و دفتر اول دارد که تا جنگ انگلیسیان و فرانسویان در پوندیچری(Phondichery) است۔ مقدمه سببِ تالیف و چند سرگذشت و ذکرِ ابجدیؔ دارد۔ دفترِ اول از نیای نواب در مدینه که حضرت عمر بن الخطابؓ بود، آغاز می شود (٣) و تاریخ گذشته کرناتك ونیا گان والا جاه و احوالِ جنگ های شان تا جنگ انگلیسیان و فرانسویان در پوندیچری بر می دارد۔

برهان بیجاپوری می خواست که دفتر دوم در موردِ مکاتیب سلاطین و امیران و کشودن برخی از سرزمین ها و فرزندان والاجاه و خاتمه در رویدادهای متفرقه و عجایب هندنوشته شده باشد اما شاید مولف نتوانست که آن را تحریر می کرد۔ اما قبول این امر منحصر به دیدنِ نسخه های خطی موجود در کتابخانه موزه ملی پاکستان است که آنجا دو نسخۂ خطی این کتاب موجود است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب تقریباً همان ذکر وقایع را احاطه می کند که میر اسمٰعیل ابجدیؔ در 'انورنامه' بیان نموده است و مؤلف یك بابِ مقدمه را به وی معنون کرده است(٤)۔

١۔ نبی هادی،ص١٤٤

٢۔ استوری،ص٧٧٩

٣۔ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون ١٩٦،ش٥٠١

٤۔ همان

آغاز:

'علم افرازی اقبال سخن والاجاهی که دبیر بی نظیر سلطنت لایزالش تاریخ توزک والاجاهی .....'[۱]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در اندیا آفیس و کتابخانه موزه ملی پاکستان کراچی موجود است۔

تراجم و چاپ:

این اثر از محمد حسین ناینار در دو بخش یکی در ۱۹۳٤ م و دیگری در ۱۹۳۹ م به زبان انگلیسی ترجمه شده است [۲]۔ بخشی ازین کتاب به توسطِ شمس العلما عبدالرحمان شاطر مدراسی به زبان اردو برگردانده شده است[۳]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔انشای برهانی: مجموعه نامه های اوست[٤]۔

۲۔نعرهٔ حیدری: این مثنوی طویل هم از منشی برهان الدین یادگار است[۵]۔

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۱۹٦،ش۱ ۵۰

۲۔ استوری،ص۷۷۹و۱۳۳٤

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۵۰٦

٤۔ نبی هادی،ص۱٤٤

۵۔ همان

چهار گلزار شجاعی از هری چرن داس

شرحِ احوالِ مؤلف:

هری چرن داس پسر اودی رای پسر مکند رای پسر ساگر مل [۱] از میرته(Mirath) علاقه داشت [۲]۔ پدرانش از چند پشت در میرته کدخدایی و قانونگوی داشتند [۳]۔ وی بیست ساله بود چون در ۱۱۴۳ھ.ق پدر بزرگِ وی مکند رای فوت شده بود و این طور وی در ۱۱۲۳ھ.ق به دنیا آمده بود [۴]۔ هری چرن داس پس از یورش نادر شاه(۱۱۵۱ھ.ق/۱۷۳۹م) به دهلی رفت و بعداز چند سال به خدمت نواب قاسم علی خان پسر قاسم خان راه یافت [۵]۔ وی در سال ۱۱۶۷ھ /۴-۱۷۵۳م با قاسم علی خان از دهلی به اوده رفت و در فیض آباد نشیمن گزید [۶]۔ بعد از وفات قاسم علی خان به خدمت دخترش بخت النسا خانم و فرزندش شفیق علی خان مانده بود [۷]۔ بر سفارش بی بی خانم و شفیق علی خان وی از نواب شجاع الدوله در اوده هفده سال وظیفه ای گرفت [۸]۔ از سال مرگ وی اطلاعی در دست نیست البته چون این کتاب وقایع تاریخی را تا ۱۲۰۱ھ.ق احاطه می کند [۹]، می توان حدس بزند که وی تا ۱۲۰۱ھ.ق حیات داشته باشد۔

سال تالیف:

اگرچه هرچرن داس مقدمه این کتاب را در ۱۱۹۹ھ.ق/۵-۱۷۸۴م به عمر نزدِ هشتاد سالگی نوشته بود [۱۰] اما نسخه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۳۲ بر وقایع اوده تا ۱۲۰۱ھ.ق اختتام می پذیرد و این طور این اثر در ۱۲۰۱ھ.ق/۱۷۸۶م به تکمیل رسیده باشد [۱۱]۔

۱۔ الیوت ،ج ۸، ص۲۰۴ (استوری،ریو،منزوی، دکتر عبدالله وغیره نامش **'هرچرنداس'** آورده اند)۔
۲۔ نبی هادی،ص۲۲۴
۳۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج۴،بخش۳، ص۲۶۸۹
۴۔ ریو،ج۳،ص۹۱۲
۵۔ استوری، ۴۷۵
۶۔ همان
۷۔ ریو،ج۳،ص۹۱۲
۸۔ الیوت ،ج ۸، ص۲۰۶
۹۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳
۱۰۔ استوری،ص۴۷۵
۱۱۔ نبی هادی،ص۲۲۴

محتویاتِ کتاب:

مؤلف این کتاب را در پنج چمن نگاشته است که چهار چمن آن در تاریخ افسانوی هند است۔ چمن پنجم مشتمل بر دو 'صفحه' است۔ صفحه اول در دوازده قسم است و احوال راجه های هندووان از جودهشتر تا آمدن مسلمانان دارد۔ صفحه دوم در نه قسم است و دارنده تاریخ شاهان اسلام است۔ در قسم نهم مؤلف تاریخ خاندان تیموریه از همایون تا شاه عالم بیان نموده است [۱]۔ مؤلف این کتاب را به نام نواب شجاع الدوله معنون کرده بود و به همین علت نامش 'چهار گلزار شجاعی' نهاد [۲]۔ اگرچه این کتاب در پنج باب تقسیم شده است اما مؤلف نامِ این 'چهار گلزار' به این علت نهاد که چهار به ویژه باغ نمره خصوصی است که در ممالك مشرق باغ را در چهار بخشِ برابر، با دو جاده منقاطع تقسیم می کنند[۳]۔

منابع چهار گلشن شجاعی:

مؤلف در نوشتن این کتاب علاوه بر تواریخ معروف و مستند ، از شاهنامه فردوسی، راجاولی، رامایـن، بگوت گیتا(Bhagwat Gita) هم بهره برده است[٤]۔ احوال شاهان نخست مسلمانان در شبه قاره، از تاریخِ فرشتۀ ماخوذ است [٥]۔ تاریخ فرشته، حبیب السیر، مرآة العالم، خلاصة الاخبارات و دیگر کتاب ها در مطالعه مؤلف بود[٦] و حتماً در نوشتن این کتاب ازین مآخذ بهره برده باشد۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه چهار چمنِ این کتاب مشتمل بر تاریخ افسانوی است اما چمن پنجم این کتاب که دارندۀ تاریخ هندوستان از راج جودهشتر تا روزگار نگارش است ، بسیار ارزشمند

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۱۲
۲۔ الیوت،ج۸،ص۲۰٦
۳۔ همان
٤۔ وحیدمرزا،دکتر،پاکستان و هند، ج ٥، ص ١٤٧
٥۔ عبد الله،دکتر سید، سهم هندووان..، ص ٩٩
٦۔ الیوت ،ج ٨، ص۲۰٥

است۔ مؤلف منابع مستند را به کار برده است و تاریخ معاصر را هم به تفصیل بیان نموده است۔ مؤلف بیشتر وقایع روزگارِ خود پیرامونِ استان اوده با چشم خود ملاحظه کرده بود و به همین علت این تاریخ بسیار اهمیت دارد۔ اما تاریخ معاصر مؤلف از نظر ترتیب منتشر است(۱)۔

آغاز:

۔ 'حمد گویم آن خدای پاك را
صورت انسان نموده خاك را'(۲)

نسخه های خطی:

نسخه های خطی از " چهار گلزار شجاعی " در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۳۲ نگهداری می شود که دارنده ۲٦۳ برگِ ۱۵ سطری است۔ در پاکستان نسخه خطی این اثر در کتاب خانه دانشگاه پنجاب به شماره ۸۱/ Pel/ ٤٥۳ نگهداری می شود و ۵۷۳ برگ دارد(۳)۔

تراجم :

نسخه خطی ترجمه گزیده انگلیسی از منشی سدا سك لال(Sada Sukh Lal) در موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸۲ از برگ ۱۱۳ تا ۲۰۵ نگهداری می شود (٤)۔ ترجمهٔ انگلیسی چکیده ای ازین کتاب در تاریخ الیوت، ج۸، از صفحه ۲۰٤ تا ۲۳۱ هم موجود است۔

۱۔ استوری، ٤۷٦

۲۔ ریو، ج۳، ص۹۱۲

۳۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۵۲٦

٤۔ ریو، ج۳، ص۹۱۲

حدیقة الاقالیم از مرتضیٰ حسین بلگرامی

شرحِ احوالِ مؤلف:

مرتضیٰ حسین مخاطب به الله یارپسر الله یار عثمانی بلگرامی[۱] از نیاگان عبدالرحمان عثمانی مدنی بود[۲]۔ وی در ۱۱۳۲ھ.ق/۱۷۱۹م در بلگرام زاده شده بود[۳]۔ در ۱۱٤۲ھ.ق/۱۷۲۹م به خدمت مبارزالملك سعادت خان صفدر جنگ پیوست[٤]۔ پدرش الله یار بلگرامی بخشی مبارز الملك سربلند خان استان دار گجرات بودو در جنگِ مبارز الملك خلاف راجه ابی سینگ(Abhay Singh) در ۱۱٤۲ھ.ق کشته شده بود[٥]۔ آن وقت مرتضیٰ حسین فقط ده ساله بود۔ مبارز الملك او را از بلگرام به آگره بر خواند و به لقب و منصب پدر سر افراز کرد[٦]۔

میان ۱۱٤۲ھ.ق تا ۱۱۸۷ھ.ق به امیران مختلف خدمت می کرد که ازان میان مبارزالملك سید سعادت علی خان ، صفدرجنگ استان دار اوده، محمد قاسم خان ناظم بنگال، علی قلی خان داغستانی نویسنده 'ریاض الشعرا' و احمد خان بنگش رییس فرخ آباد معروف اند[۷]۔ دریـن زمان سه بار به دهلی آمد۔ یکم در دوازده سالگی(در ۱۱٥٤ھ.ق) با مبارز الملك سربلند خان که با توسط او منصب دو هزار و پانصدی یافت؛ بارِدوم در بیست سالگی(در ۱۱٦۲ھ.ق) بعد از یورش نادر شاه و درین ایام تاراج دهلی با چشم های خود ملاحظه کرد و بارِسوم همراهِ علی قلی خان،بعد از حمله احمد شاه درانی، در دوره عالمگیر دوم آمده بود[۸]۔

۱۔ استوری،ص۱٤۲

۲۔ ریو،ج۳،ص۹۹۲

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۹۸

٤۔ همان

٥۔ ریو،ج۳،ص۹۹۲

٦۔ همان

۷۔ استوری،ص۱٤۲

۸۔ ریو،ج۳،ص۹۹۳

سه سال در فراغت گزراند ودرجمادی الاول ۱۱۹۰ھ.ق به توسط دوست خود، رجب علی نجفی از سادات بارهه،از کاپتان جوناتن اسکات(Capt. Jonathan Scott) به طور منشی پیوست و هموموٴلف را به نوشتن این کتاب مامور کرد [۱]_ به مطابق استوری، مرتضیٰ حسین در ۱۷۹۵ م فوت شد[۲]_

سال تالیف:

اگرچه موٴلف نوشتن این کار رادر ۱۱۹۰ھ.ق آغاز کرد و بخشِ بزرگِ این کتاب میان ۱۱۹۲ھ.ق تا ۱۱۹٦ھ.ق/۱۷۷۸م تا ۱۷۸۲م به تکمیل رسانده بود [۳]_ اما تتمه این کتاب در ۱۲۰۲ھ.ق نوشته شده بود [٤]_ استوری هم سال تالیف این کتاب ۱۲۰۲ھ.ق/۱۷۸۷م گفته است[٥]_

سبب تالیف:

مرتضیٰ حسین درجمادی الاول ۱۱۹۰ھ.ق به توسط دوست خود، رجب علی نجفی از سادات بارهه،از کاپتان جوناتن اسکات به طور منشی پیوست و حسب خواهش جوناتن اسکات مرتضیٰ حسین خان این کتاب را تالیف کرد [٦]_ جوناتن اسکات، کولونل پولییر(Col. Pollier) و مولوی درویش علی در جونپور برین کتاب نظر ثانی کردند[۷]_

محتویاتِ کتاب:

حدیقةالاقالیم از مرتضیٰ حسین بلگرامی در یك مقدمه، هفت اقلیم و یك خاتمه نوشته شده است _ اگرچه موٴلف همان روش امین رازیؔ به کار برده است اما درذکرِ تاریخِ هندوستان احوال دورۀ خودبه ویژه بنگال، اوده و بهار با تفصیل پرداخته است [۸]_ در تتمه

۱_ ریو،ج۳،ص۹۹۳

۲_ استوری،ص۱٤۲

۳_ همان

٤_ ریو،ج۳،ص۹۹۳

٥_ استوری،ص۱٤۲

٦_ ریو،ج۳،ص۹۹۳/استوری،ص۱٤۲

۷_ ریو،ج۳،ص۹۹۳

۸_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۹۸

کتـــاب کــــه در ۱۲۰۲ھ.ق/ ۱۷۸۷ م نـوشتــــه شــده بـود، مـؤلف تـقسیـم جهـان بــه طــرز پتولمی(Ptolemy) بیان نموده است[1]۔

مآخذ و منابع حدیقة الاقالیم:

این کتاب بر روش 'هفت اقلیم' از امین رازی نوشته شده است [2]۔اما مرتضیٰ حسین خیلی دقت کشیده و چیزها را با تفصیل بسیار بیان نموده است۔ مؤلف در منابع خود 'صبح صادق' و 'منتخب التواریخ' را بسیار ذکر کرده است[3]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

ویلیام فرانکلین(William Franklin) حـدیقة الاقـالیـم را در منابع کتاب خـود، به نام تاریخ شاه عالم(History of Shah Aulum)، بیان نموده است[4]۔ علاوه بر تاریخ و جغرافیای جهان این کتاب دارندۂ زندگینامۂ شاعران و فیلسوفان برگزیده هم است [5] که ارزش این کتاب را فراوان مـی کـند۔ چون مؤلف خود با استانداران استان مختلفه وابسته بود، ازین نظر وقایع تاریخی دوره خود که درین کتاب بیان نموده، بسیار قابل اعتبار است۔

پرفسور داووسن(Prof. Dowson) در تاریخ هندوستانِ الیوت می گوید: 'این کتاب بر روش هفت اقلیم نوشته شده است، اما از نظرِ کاملیت و تحقیق این اثر بسیار بهتر از کار امین رازی و دیگران است که من دیده ام'[6]۔

ریو مـی گـویـد: 'حـدیقة الاقالیم در طرزِ نگارش 'هفت اقلیمِ' امین رازی نوشته شده است و گـاهـی این کتـاب عبـارت هـای از هـفت اقـلیم بگیرد، اما در مورد آگهی هـای جـغـرافیـایی بسیار ارزشمند است ۔ باب ها که در باره هندوستان بیان شده جداً نو و حقیقی است و احـوال مفـصل تاریخ جدید ، به اختصاص احوال اوده و بنگال و بهار که در بعضی

۱۔ عبد المقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۹۹
۲۔ ریو،ج۳،ص۹۹۳
۳۔ همان
٤۔ استوری،ص۱٤۳
۵۔ اته، بادلین،ج۱،ستون۱۳ ٤،ش۲ ۲ ٤
٦۔ الیوت،ج۸،ص۱۸۰

آن خود مؤلف شریك بود'[۱]۔

آغاز:

'حمد بی حد مر خدای عز و جل را که لسان عالمیان در ادای شکرش شیرین بیان است.........'[۲]۔

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه جهان فراوان است که معروف ازان نسخه کتابخانه بادلین، کتابخانه موزه بریتانیا، کتابخانه بانکیپور، کتابخانه آصفیه، کتابخانه اندیا آفیس موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری، صص۱٤۲۔۱٤۳ و مارشال، صص۳۵۷۔۳۵۸ اته گمان کرده است که نسخه بادلین نوشته خود مؤلف است[۳]۔

در پاکستان نسخه های خطی این کتاب در موزه ملی پاکستان کراچی، دانشگاه پنجاب لاهور و در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد موجود است۔ ازان میان فقط نسخه موزه ملی پاکستان کراچی موجود بر شماره N.M. ۱۹٦٥۔۱۱۸، کامل است؛ وگرنه نسخه های دیگر فقط مشتمل بر خاتمه یا بخشی ازین کتاب است ۔ برای تفصیل دیگر نسخه های خطی مراجعه شود به فهرست مشترك منزوی، ج۱۰، ص۳۰۔

تراجم و چاپ:

ریو سال چاپ این کتاب ۱۸۸۱م در لکنو گفته است[٤]۔اته واستوری دو چاپ این اثر را ذکر کرده اند که هر دو در لکنو در ۱۸۷۹م و ۱۸۸۱م چاپ شده بود[۵]۔

ترجمه انگلیسی دیباچۀ این اثر در تاریخ هندوستان از الیوت در جلد هشتم بر صفحه ۱۸۰ و ۱۸۱ و در فهرست کتاب خانه موزه بریتانیا جلد سوم بر صفحه ۹۹۲داده شده

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۹۳

۲۔ عبدالقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۹۸

۳۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۳٤،ش٤۲۲

٤۔ ریو،ج۳،ص۹۹۳

۵۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۵۰۱،ش۷۳۰/استوری،ص۱٤۳

است[۱]ـ قسمتی ازین کتاب در مورد شجاع الدوله به توسط الیوت به زبانِ انگلیسی ترجمه شده است[۲]ـ

آثار دیگر مولف:

علاوه بر 'حدیقة الاقالیم' نبی هادی مجموعهٔ نامه های وی به نام **'رقعاتِ الله یار'** را هم ذکر نموده است[۳]ـ

۱ـ استوری،ص۱٤۳

۲ـ الیوت،ج۸،صص۱۸۲ـ۱۸۳

۳ـ نبی هادی،ص۷٤

تاریخ مظفری از محمد علی خان انصاری

شرحِ احوالِ مؤلف:

احوال محمد علی خان در تاریخ 'بحرالمواج' در همین مقاله ص۳۲۲ می آید۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۲۰۲ھ.ق/۸_۱۷۸۷م نگاشته شده بود۔ مولف در مقدمه کتاب همین تاریخ نگارش بیان نموده است(۱)۔

سبب تالیف:

محمد علی خان، چون در مقدمه می گوید، این کتاب را برای معرفی خود به شخصیت نیرومندِ مظفر خان به آرزوی حمایت او نوشته بود(۲)۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ مظفری، در تاریخ تیموریان هند، دارندۀ وقایع تاریخی تا سال۱۲۰۲ھ.ق/۸_۱۷۸۷م است۔ اما نسخه موزه ملی پاکستان به شماره N.M. ٤۲۸تا ۱۲۲۲ھ.ق/۱۸۰۷م و نسخه موزه بریتانیا به شماره Or. ٤٦٦ تا ۱۲۲۵ھ.ق/۱۸۱۰م ادامه دارد۔ همین طور الیوت سال تالیف این کتاب ۱۸۰۰م(۱۲۱۵ھ.ق) بیان نموده است (۳)۔ یکی نسخه در انجمن آسیای بنگال به شماره ۱۸۲ دارندۀ تاریخ تا ۱۲۰۹ھ.ق/۱۷۹۵م و دیگری به شماره ۱۸۳ دارندۀ تاریخ تا ۱۲۲۵ھ.ق/۱۸۱۰م است(٤)۔ البته چون مولف خود در مقدمه سال تالیف ۱۲۰۲ھ.ق بیان نموده است(۵)، باید همین سال تالیف این کتاب به

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۸۲

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۰۸

۳۔ الیوت،ج۸،ص۳۱٦

٤۔ ر.ك ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،ص۵۷

۵۔ ریو،ج۱،ص۲۸۲

شمار می آید۔ معلوم می شود که بعد از تالیف این کتاب خود محمد علی خان یا کسی دیگر دنباله ای بر کتاب نوشته و رشتهٔ رویدادها را تا ۱۲۲۵ ھ.ق پی گرفته است[۱]۔

مولف این کتاب را به مربی خود معین الدوله مبارزالملك خانخانان سید محمد رضا خان بهادر مظفر جنگ معنون کرد و به همین علت نامش 'تاریخ مظفری' نهاد[۲]۔ این کتاب دارندهٔ مقدمه و تاریخ تیمور و تیموریان از ظهیرالدین بابر تا شاه عالم ثانی است[۳]۔ علاوه برین مولف درین کتاب احوال جغرافیای استان های مختلفهٔ هندوستان و اطلاع کوتاهی در مورد شعرای فارسی به ترتیب الفبای هم داده است[٤]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

پرفسور داووسن در تاریخ الیوت می گوید که این تاریخ یکی از درست ترین تاریخ عمومی هند است که من می دانم[٥]۔ افزون بران این کتاب منبع اساسی تاریخِ کین(H.G.Keene) به نام زوال سلطنت تیموریان The Fall of the Mughal Empire است[٦]۔ تاریخ مظفری به ویژه از جهت رویدادهای هند در دورهٔ محمد شاه و جانشینانِ او، که رویدادهای این دوره به ترتیب،سال به سال، در آن آمده ، و حوادث بنگال در این دوره بسیار ارزشمند است[۷]۔ این کتاب ازین علت هم ارزش دارد که مؤلف درین کتاب احوال شعرای فارسی به ترتیب الفبای هم بیان نموده است۔

آغاز:

'حمدی از حد اعتداد افزون نثار بارگاه شاهنشاهی است...'[۸]

۱۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۵۱
۲۔ ریو،ج۱،صص۲۸۲۔۲۸۳
۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۰۹
٤۔ همان
٥۔ الیوت،ج۸،ص۳۱٦
٦۔ همان
۷۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲۲۵۱
۸۔ ریو،ج۱،ص۲۸۲

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه برلین، انجمن آسیای بنگال، موزه بریتانیا، بانکیپور،آصفیه، علی گره وغیره موجود است برای تفصیل این نسخه ها و دیگر مراجع شود به استوری،صص۵۲۲ـ۵۲۳ـ

در پاکستان نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه دانشگاه پنجاب، موزه ملی پاکستان کراچی و کتابخانه انجمن ترقی اردو نگهداری می شود۔ برای تفصیل نسخه های موجود در پاکستان مراجع شود به فهرست مشترك منزوی،ج۱۰،ص۵۲۹ـ

تراجم و چاپ:

بخشی ازین کتاب درباره محمد شاه، غازی الدین آصفجاه نظام الملك و سراج الدوله به توسط پرفسور داووسن ترجمه شده است و در تاریخ الیوت،جلد۸ از صفحه ۳۱۷ تا ۳۳۰ موجود است۔ شخصی دین محمد، بخشی ازین کتاب را به زبان انگلیسی ترجمه کرده بود و نسخه خطی این ترجمه در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸۲ از برگ ۲۰٦ تا ۲۳۲ نگهداری می شود[1]ـ

۱ـ استوری،ص۵۲۳

ریاض السلاطین از غلام حسین زیدپوری

شرحِ احوالِ مؤلف:

غلام حسین خان زید پوری متخلص به سلیمؔ[۱] تاریخ نگار فارسی نویس شبه قاره بود۔ چون از نامِ وی عیان است،او از مردمِ زیدپور بود که روستایی نزد باره بنکی در اوده است[۲] و بعد ازان به مالدۂ جدید(انگریز آباد) در بنگال رفت و آنجا به طور رییس پست خانه تحت جارج اودنی (George Udny)نمایندۂ شرکت هند شرق کار می کرد[۳]۔ در ۱۲۰۰ھ.ق/۱۷۸٦م این کار را آغاز کرد و در مدتِ دو سال به انجام رساند[٤]۔ غلام حسین خان در ۱۲۳۳ھ.ق/۸۸۔۱۷۸۷م فوت شد[٥]۔

سال تالیف:

غلام حسین این کتاب را در ۱۲۰۰ھ.ق/۱۷۸٦م آغاز کرده در ۱۲۰۲ھ.ق به پایه تکمیل رساند[٦]۔ از '**ریاض السلاطین**' هم تاریخِ تالیفِ کتاب **۱۲۰۲ھ.ق** به دست می آید[۷]۔ خود غلام حسین درین کتاب هم ذکر نموده است؛'.....**و پس از اختتام نامش موافق تاریخ اتمام 'ریاض السلاطین' ساختم**.......'[۸]

سبب تالیف:

غلام حسین سلیمؔ این کتاب را بر حسبِ خواهشِ سر پرستِ خود مستر جارج اودنی تالیف کرد[۹]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص٩٦٥

۲۔ استوری،ص۷۱۸

۳۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۱۸۷٦

٤۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص٥۸

٥۔ استوری،ص۷۱۸ ٦۔ ریو،ج۳،ص٩٦٥

۷۔ وحید مرزا،دکتر،پاکستان و هند،ج٥،ص۱٦۳

۸۔ زیدپوری،غلام حسین سلیمؔ،ریاض السلاطین،نسخه موزه ملی پاکستان،ش۷۱۔N.M.۱۹۷٥،برگ۳(الف)

۹۔ ریو،ج۳،ص٩٦٥

محتویاتِ کتاب:

این اثر در تاریخ پادشاهان و فرمانروایان بنگال نگاشته شده است و مشتمل بر یك مقدمه (دارندۀ چهار چمن) و چهار روضه است که تفصیل آن زیر قرار است: '......و بنای این رساله بر مقدمه و چهار روضه نهاد و ترتیب فهرست آن برین نهج است: **مقدمه** مشتمل بر چهار چمن؛ **چمن اول** در بیان کیفیت ممالك بنگاله و [برگ۳ب] حدود و اطراف آن، **چمن دوم** در بیان بعضی خصوصیات آن ملك، **چمن سوم** در ذکر بعضی بلاد آن ممالك، **چمن چهارم** در ذکر حکومتِ رایان هندبر سبیل اجمال و اختصار، **روضه اول** در ذکر حکومت حاکمان اسلام که از طرف سلاطین دهلی به نیابت درین ملك فرمانروایی کرده اند۔ **روضه ثانی** در ذکر سلاطین که در بنگاله بر سریر سلطنت جلوس فرموده خطبه سلطنت به نام خود خوانده اند۔ **روضه ثالث** در بیان احوال ناظمانی که از حضور سلاطین چغتایی درین ملك به نظامت پرداخته اند۔ **روضه رابع** مشتمل بر دو خیابان؛ خیابان نخستین در ذکر آمدن نصارای فرقه پرتکیش(Purtaguees) و فرانسیس وغیره در دکن و بنگاله، خیابان دویم در ذکر مسلط شدن نصارای انگریز در ممالك بنگاله و دکن'[1]

سبكِ کتاب:

مؤلف درین کتاب اکثر جا متن را با شعر تزیین داده است و در آغاز کتاب جارج اودنی را با القابات فراوان ستوده، شعر های در مدح او گفته است[2]۔ بعضی جا سال میلادی با سال های هجری هم نوشته است۔ غلام حسین این کتاب را به سبك ساده و سلیس پرداخته است و درین مورد گفته است؛ '**به این قلیل البضاعت حکم محکم صادر گردید که هر چه از کتب تواریخ وغیره دریافت شود به عبارتی سلیس عام فهم خاص پسند**

۱۔ زیدپوری،غلام حسین سلیم،ریاض السلاطین،نسخه موزه ملی پاکستان،ش۱۹۷۵-۷۱ N.M.،برگ۳(الف و ب)

۲۔ همان،برگ۲ب

به حیز تحریر در آرد۔ این هیچمدان قلیل الاستعداد امتثال مثال خداوند نعمت را واجب...'[۱]

برای نمونه سبك این کتاب اینجا یکی اقتباس نقل می شود؛ **'گویند که در ابتدا هند چنانچه از پدر خود حام بن نوحؑ عزم دیده و شنیده بود به طاعت و عبادات ایزدی اشتغال داشت و فرزندانش نیز به همان طریق به شیوه یزدان پرستی اقدام نمودند تا در وقت رای مهاراج شخصی از ایران آمده به پرستش آفتاب مضلّ مردم هند گردید۔ به مرور ایام بعضی ستاره پرست و برخی آتش پرست شدند و در عهد رای سورج برهمنی از کوهستان جهاز کند به ملازمت او رسیده هندوان را تعلیم بت پرستی نمود و گفت هر کسی شبیه پدر و جد خود را از طلا و نقره و سنگ ساخته به پرستش آن اشتغال نماید و این امر از همه شایع تر شد و الیوم در مذهب کفار هندو پرستش بت و آفتاب و آتش رایج تمام دارد**'[۲]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

چارلز ستیوارت(Charles Stewart)این کتاب را در منابع کتاب خود به نام تاریخ بنگال(History of Bengal) ذکر نموده است[۳] و دربارۀ این کتاب می گوید که غلام حسین خان جهتِ دریافت سنه های تاریخ بسیار زحمت کشیده است و او خود ترتیبِ کتاب خود از همین 'ریاض السلاطین' وام گرفته است[٤]۔

آغاز:

'جهان جهان حمد سزاوار بارگاه جهان آفرینی است.......' [۵]

'حمد و سپاس بی قیاس که قدم شهسوار عقل دو اسپه به سرحد عدو احصای آن نرسد .....'[٦]

۱۔ زیدپوری،غلام حسین سلیمؔ،ریاض السلاطین،نسخه موزه ملی پاکستان،ش N.M. ۱۹۷۵۔۷۱،برگ۳(الف)
۲۔ همان،برگ٤۵(ب)
۳۔ ریو،ج۳،ص٩٦٦
٤۔ همان
۵۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج ۱،ص۵۸
٦۔ زیدپوری،غلام حسین سلیمؔ،ریاض السلاطین،نسخه موزه ملی پاکستان،ش N.M. ۱۹۷۵۔۷۱،برگ یکم(ب)

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتابخانه جهان فراوان است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۷۱۸ و مارشال،ص۱۵۹ ۔ اما در پاکستان نسخه خطی این اثر در موزه ملی پاکستان و انجمن ترقی اردو پاکستان کراچی موجود است[۱]۔

تراجم و چاپ:

ریاض السلاطین در ۹۱۔۱۸۹۰م به اهتمام مولوی عبدالحق عابد در کلکته به چاپ رسیده است[۲]۔ ترجمه انگلیسی آن از مولوی عبدالسلام در ۱۹۰۲م در کلکته چاپ شده است[۳]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۲۸

۲۔ استوری،ص۷۱۸

۳۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص۵۸

شاه عالم نامه/ آیین عالم شاهی[۱] از غلام علی خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

در بارۀ غلام علی اطلاعِ زیادی در دست نیست البته در موردِ خانواده اش معلوم شده است که از قومِ مغول بود[۲]. اسمِ کاملش غلام علی خان فرزند روشن الدوله بهیکهاری(Bhikhari) خان بهادر رستم جنگ فرزند روشن الدوله ظفر خان است[۳]. پدرِ بزرگِ او روشن الدوله ظفر خان از امرای بلند پایه دورۀ محمد شاه گورگانی بود و منصبِ هفت هزاری و مقامِ بخشی سوم و نیز بخشیِ احدیان داشت[٤]. پدرش بهیکهاری خان رستم جنگ دوست و وزیرِ استان دارِ لاهور و مولتان معین الملك رستمِ هند میر منّو بود و در ۱۱٦۲ ه.ق میر منّو را در انسدادِ پیش روی احمد شاه درانی کمك کرده در ۱۱٦٥ ه.ق در نبرد و سپس در گفتگوهای میر منو با احمد شاه یار و یاورِ میر منو بود[٥]. احتمال است که غلام علی در دهلی و لاهور با پدرش موجود باشد و شاهدِ عینی این وقایع باشد[٦]. اما بعد از وفاتِ میر منّو بسیاری از امرا به بهیکهاری خان بد گمان شدند که او میر منورا زهر داده است ومغلانی بیگم همسرِ میر منو او را به قتل رساند. واضح باشد که 'بهکاری' در هندی 'گدا' را می گویند اما وجه تسمیه نامش این است که او مریدِ درویشِ معروفِ سلسلۀ چشت حضرت بهیکهاؔ بود[۷]. بعضی هم می گویند که ظفر خان پدرِ بزرگِ او، از مریدانِ حضرت شیخ میران بهیكؔ بود و پسرش را به نامِ او 'بهیکهاری' نامید[۸].

از احوالِ زندگانی غلام علی آگاهی چندانی در دست نیست. آنچه که از زندگانیِ

---

۱. ریو، ج ۱، ص۲۷۹/ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج ۱۰، ص۵۲۹
۲. الیوت، ج۸، ص ۳۹۳
۳. ریو، ج ۱، ص۲۷۸
٤. برزگرکشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج ٤، بخش ۳، ص۱۸۸٦
٥. ریو، ج ۱، ص۲۷۸
٦. ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین... ج ٤، ص۷٥
۷. همان
۸. برزگرکشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج ٤، بخش ۳، ص۱۸۸۷

اومعلوم است بسیار اندك است و جز این نیست که او منشیِ شاهزاده جوان بخت جهاندار شاه بود[۱]۔ از تاریخِ مرگِ او نیز اطلاعِ دقیقی در دست نیست اما این قدر مسلم است که تا سالِ ۱۷۹۸ م زنده باشد و در لکنو به سر می برد چون ویلیام فرانکلین(William Franklin) در 'تاریخ شاه عالم' چاپ در ۱۷۹۸م ، او را در منابع اساسی ذکر کرده می گوید که او در لکنو زندگی می کند[۲]۔

سال تالیف:

این کتاب دارندۀ وقایع تاریخی تا ۱۲۰۳ھ.ق است و مؤلف پیرامون ۱۲۰۳ھ.ق/۱۷۸۸م این کتاب را نگاشته بود[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب علاوه بر شاه عالم نامه به نامِ 'آیین عالم شاهی'، 'تاریخ عالم نامه'، 'تاریخ عالم شاهی'، 'شرفنامه' هم معروف است[٤]۔این کتاب دارنده تاریخِ عالمگیر دوم و شاهزاده عالی گوهر معروف به شاه عالم ثانی،است۔ به مطابق ریو،مؤلف این کتاب را در دو بخش تقسیم کرده است۔ **بخشِ یکم** از تاج گزاری عالمگیر دوم آغاز می شود و دارندۀ تاریخ از ۱۱٦۷ھ.ق تا ۱۱۸۵ھ.ق/ ۱۷۵٤ تا ۱۷۷۱م است۔ درین بخش مؤلف تاجگزاری عالمگیر دوم و احوال دورۀ وی و تخت نشینی شاه عالم ثانی تا سالِ هشتمِ پادشاهی اش بیان نموده است۔ مؤلف این وقایع را سال به سال نگاشته است[٥]۔ **بخشِ دوم** از شکستِ ضابطه خان تا کور شدنِ شاه عالم به دستِ غلام قادر یعنی از ۱۱۸۵ تا ۱۲۰۳ھ.ق/ ۱۷۷۱ تا ۱۷۸۸ م پایان می یابد۔ مؤلف این بخش را سال وار ترتیب نداده است۔ این بخش از بغاوتِ ضابطه خان آغاز می شود و بعد از آن مؤلف شکستِ ضابطه خان به دستِ نجف خان، مرگِ جوان

۱۔ استوری،٦٤٠

۲۔ ریو،ج۱،ص۲۷۹

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۲۹

٤۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱٦۰،ش٤۲٤

٥۔ ریو،ج۱،ص۲۸۲

بخت جهاندار شاه که مؤلف خود منشی او بود، پیروزی رانا خان بر اسماعیل خان و شکست و کور شدنِ شاه عالم به دستِ غلام قادر روهیله را به رشتهٔ تحریر آورده است[۱]۔

چند سال پس از نوشتنِ شاه عالم نامه غلام علی به طور معرفی بر آن مقدمه ای افزود و آن مقدمه محیط بر وقایع دورهٔ جانشینانِ اورنگزیب تا پایانِ سلطنتِ عالمگیر ثانی است۔ مؤلف سببِ تالیفِ این مقدمهٔ طویل بیان نموده است که پیشتر ازاین دو کس به تاریخِ این دورهٔ مذکور نوشتند اما یکی ازان برادرانِ سادات را حمایت کرده است و دیگری جنگِ فرنگ و اله وردیخان استان دارِ بنگال را زیاد اهمیت داده است[۲]۔ اما مؤلف این دو کسان را نام نبرده است۔

سبکِ کتاب:

مؤلف درین کتاب ستایشِ بی جا و مبالغه را به کار برده است [۳]۔ این کتاب به نثری متکلف و آمیخته به نظم نوشته شده است [٤]۔ مؤلف درین کتاب اسلوب پر تکلف را به کار برده است اما زبان زیاد پیچیده و مشکل نیست، وی گاهی در متن اشعار هم می آورد و مناجات، نعت، مدحِ شاه و مناظرِ جنگ منظوم بیان نموده است [٥]۔ (برای بررسی سبکِ کتاب، نسخهٔ خطی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تاریخِ سلطنت شاه عالم(The History of the Reign of Shah Aulum) از ویلیام فرانکلین، در ۱۷۹۸م به لندن در زندگی مؤلف به چاپ رسیده، بیشتر از همین کتاب گرفته شده است[٦]۔ یکی از ارزشِ مهمی این کتاب نقلِ آن نامه است که غلام علی خان از سوی شاهزاده جوان بخت به جارج سوم، پادشاهِ انگلستان، نگاشته بود [۷]۔ چون مؤلف در بیانِ

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۸۲

۲۔ همان،ص۲۷۹

۳۔ همان، ص ۲۸۱

٤۔ انوشه،مزدک،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص٤٤

٥۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج ٤، ص ٧٦

٦۔ ریو،ج۱،ص۲۷۹

۷۔ انوشه،مزدک،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص٤٤

وقایع سال را هم ذکر نموده است ازین جهت این کتاب اهمیت بسیار دارد[۱]۔

آغاز:

'حمد بی حد احدی را رسد که میزانِ ادراکِ هیچ فردی حقیقتِ ذاتش...'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی کتابِ مذکور در کتابخانه جهان فراوان است ولی بیشتر از آنها کامل نیست۔کامل ترین از آنها یکی از دو نسخهٔ کتابخانهٔ موزه بریتانیا است۔این نسخه کامل به شماره ۲٤۰۸۰ Add در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است۔ درین نسخه افزون بر مطالبِ گفته شده، در انتهای بخشِ اول فصلی در بارهٔ فرزندان و زنانِ شاه عالم است و در آغازِ بخشِ دوم در ستایشِ شاه عالم اشعار هم گفته است که مصرعِ اولٰی مطلع اینست:

ع'به نام شهی کو شهِ عالم است'

و در آخرِ این بخشِ دوم پیوستی در شقاوت های غلام قادر روهیله، فرار او از پیشِ رانا خان و گرفتار شدن او ، باز گیری سلطنتِ شاه عالم وکشته شدن غلام قادر در سی ویکم سال جلوسی (۱۲۰۳ه.ق) آمده است[۳]۔ نسخه کتابخانه بادلین نوشته خود مؤلف است و در چهار کتاب تقسیم شده است که نخست ازان مشتمل بر مقدمه شاه عالم نامه است[٤]۔

تراجم و چاپ:

اگرچه این کتاب دارنده تاریخ از ۱۱٦۷ه.ق تا ۱۲۰۳ه.ق است اما بخشی ازین کتاب به تدوین هری نات دی(Harinath De) در ۱۹۱۲م و به تدوین عبدالمامون سهروردی و آقا محمد کاظم شیرازی در ۱۹۱٤م در ببلوتیکا اندیکا(Bibliotheca Indica) در کلکته به چاپ رسیده است[٥]۔ اما حسین برزگر کشتلی در دانشنامه ادب فارسی گفته است که

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج ٤، ص ٧٦

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱٦۰،ش٤۲٤

۳۔ ریو،ج۱،ص۲۸۲

٤۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱٤۱و۱٤۲،ش۲٦٦

٥۔ استوری،ص٦٤۱

بخشی از شاه عالم نامه که گزارشِ رویدادهای ۱۱۶۷ تا۱۱۹۳ه.ق است به کوشش المامون سهروردی افتخار الملت و آقا محمد شیرازی در کلکته در۱۹۱۲م و ۱۹۱٤ م به چاپ رسیده است[1]۔ چـون بالا ذکر آمده است که تاریخِ سلطنت شاه عالم (The History of the Reign of Shah Aulum) از ویلیام فرانکلین بیشتر از همین کتاب گرفته شده است و یك کمی ترجمۂ انگلیسی این کتاب است۔

آثار دیگر مؤلف:

چـون بالا ذکـر آمـده اسـت که مؤلف بعد از چند سالِ نوشتنِ این کتاب 'مقدمه شاه عالم نامه' هم نگاشته بود که دارندۂ تاریخ وفاتِ اورنگزیب تا مرگِ عالمگیر ثانی است۔ بسیار نسخه های مقدمه شاه عالم نامه در کتابخانه جهان نگهداری می شود و در بعضی موارد این مقدمه علاوه بر شاه عالم نامه تنها نیز موجود است۔

---

۱ ۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۱۸۸۷

عبرت نامه از مولوی خیرالدین اله آبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

برای شرحِ احوال خیرالدین در همین مقاله به'تحفه تازه' ص۱۳۳مراجع شود۔

سال تالیف:

چون این تاریخ دارندۂ احوال تاریخی تا ۱۲۰٦ھ.ق/ ۱۷۹۱م است (۱) امکان غالب است که همین سال تالیف این کتاب باشد۔

محتویاتِ کتاب:

عبرت نامه در یك مقدمه، سه دفتر و یك خاتمه نگاشته شده بود (۲)۔ عبرتنامه دارندۂ احوالِ تیموریانِ هند از تیمور تا شاه عالم دوم است، اما درین تاریخ فقط احوال عالمگیر دوم و شاه عالم دوم با تفصیل بیان شده است۔ الیوت از یکی دستنویس که موردِ نظر وی بود و ۵۰۰ صفحه داشت، می گوید که مؤلف شرحِ احوالِ تیمور تا عالمگیر دوم، در بیست و پنج صفحه، به اختصار بیان نموده است(۳)۔

در نسخه های خطی این کتاب یك کمی اختلاف به نظر می رسد۔ اگرچه درین نسخه ها محتویاتِ کتاب برابر است اما در ترتیب این کتاب فرق است۔ ریو این کتاب را سه دفتر نوشته است اما نسخۂ موزه بریتانیا فقط دودفتر دارد(٤)۔ ریو محتویات کتاب چنین بیان کرده است: **مقدمه** دارندۂ احوالِ نیاگان شاه عالم از تیمور تا عالمگیر دوم است۔ در نوشتن این احوال خیرالدین محمد اله آبادی، ذکرِ عالمگیر دوم و شاهزاده عالی گوهر که بعد ازان به نام شاه عالم معروف شده، به زیاد تفصیل پرداخته است۔ **دفتر اول** دارندۂ

۱۔ استوری،ص٦٤١/ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص٩٦

۲۔ ریو،ج۳،ص٩٤٦

۳۔ الیوت،ج۸،ص۲۳۷

٤۔ ریو،ج۳،صص٩٤٦۔٩٤٧

احوال ازتاجگزاری شاهزاده عالی گوهر شاه عالم تا بیستم سال جلوس شاه عالم است۔ **دفتر دوم** دارنده احوال از سال بیست و یکم تا ۱۲۰٦ ھ.ق است و آخرین واقعه که درین تاریخ بیان شده، جنگ نواب علی بهادر در بندیل کند(BundilKhand) و مرگِ وی است[۱]۔

اما مولوی عبدالمقتدر، در فهرست کتابخانه بانکیپور، این کتاب را در دو دفتر بیان نموده است۔ در کتابخانه بانکیپور سه نسخهٔ کامل این کتاب در سه جلد موجود است۔

جلد اول به شماره ۵۸۷ دارنده دفتر اول و بخشی از دفتر دوم است۔ دفتر اول مشتمل بر مقدمهٔ این کتاب است: **'دفتر اول در ذکر آبای و اجداد شاه عالم بادشاه و پاره ای از حالات آن برگزیدگان'**[۲]۔ دفتر دوم تا بیستم سال تخت نشینی شاه عالم است: **'دفتر دویم در ذکر بادشاه چهارم از اولاد بابریه شاه عالم خلدالله ملکه۔ عبور نمودن شاهزاده عالی گوهر شاه عالم ولی عهد دریاچه کرم ناسه در حوالی عظیم آباد به استماع خبر شهادت پدر عالی قدر خود[و] بر تخت موروثی سلطنت جلوس فرمودن'**[۳]۔

جلد دوم بر شماره ۵۸۸ مشتمل بر، بخشی از دفتر دوم، وقایع از سال بیست و یکم تا بیست و هشتم (۱۲۰۰ ھ.ق/۱۷۸۵م) است۔ آغاز این چنین است: **'در این آوان میمنت اقتران که آغاز سال بیست و یکم جلوس مطابق یك هزار و یك صد و نود و سه هجری است...'**[٤]۔

جلد سوم مشتمل بر آخرین بخش دفتر دوم،از آخر سال بیست و هشتم جلوس آغاز شده، به ۱۲۰٦ ھ.ق بر واقعه همان جنگ نواب علی بهادر در بندیل کند و مرگ وی انجام می پذیرد۔ آغاز این جلد چنین است: **'پدید آمدن اختلال در امور ریاست مهاراجه سیندهیه بهادر به سبب میلان طبع وی به صحبت مشیران رنگین مزاج و غفلت از طرف**

۱۔ ریو،ج۳،ص۹٤۷

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۸

۳۔ همان

٤۔ همان،ص۹۹

ملك و سپاه'[١]ـ

سبکِ کتاب:

چون متن کامل این کتاب به صورت چاپی یا خطی در دسترسِ نویسنده این سطور نیست، قضاوتِ حتمی در موردِ سبك این کتاب ممکن نیست. البته پرفسور داووسن(Prof. Dowson) در موردِ سبك این کتاب نوشته است که این کتاب در سبك ساده و روان نوشته شده است. به واژهٔ خودِ وی؛

"The history is well written, in simple intelligible language,...."(٢)

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مؤلف درین کتاب تاریخ را سال به سال پرداخته است. این کتاب که به محمد علی خان پسرِ نواب اوده سعادت علی خان پیشکش شده بود از کامل ترین و گسترده ترین و درست ترین تاریخ های دوره شاه عالم دوم به شمار می رود[٣]ـ امین الدین حسین خان پسرِ خیر الدین محمد اله آبادی ازین اثر خلاصهٔ مختصر در ذکرِ احوال غلام قادر خان به نام 'پاداشِ کردار' نگاشته است که نسخهٔ خطی آن در کتاب خانه بانکیپور به شماره ١٧١٧ از برگ ٣٣ب تا ٩٨ب نگهداری می شود[٤]ـ

آغاز:

'گوناگون ستایش بادشاهی را سزاست که در طوفانِ هول افزای ادراك.........'[٥]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی عبرت نامه از خیر الدین محمد اله آبادی در کتاب خانه جهان فراوان است که معروف ازان نسخهٔ موزه بریتانیا، کتابخانه بانکیپور، انجمن آسیای بنگال و

١ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٧، ص٩٧

٢ـ الیوت، ج٨، ص٢٣٨

٣ـ برزگرکشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش٢، ص١١٠٦

٤ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج١٧، ص١٦٢

٥ـ همان، ج٧، ص٩٧

کتابخانه راجستان تونك است۔

یکی نسخه موزه بریتانیا به شماره ۱۹۳۱ .Orبه نام مارکویس ویلزلی(Marquis Wellesley) و دیگری به شماره ۱۹۳۲ .Orبه محمد علی خان نصیرالدوله معنون شده است[۱]۔

جالب است که نسخهٔ سه دیگر درکتابخانه بانکیپوربه شماره ۵۸۷ به جارج هیلرو بارلو(George Hilaro Barlow) معنون شده است[۲]۔

از دو نسخه انجمن آسیای یکی به شماره ۱۷۷ به مارکویس ویلزلی (Marquis Wellesley) و دیگری به شماره۱۷۸ به کول بروك(H.Colebrooke) معنون شده است[۳]۔

در پاکستان دو نسخهٔ خطی این کتاب در دانشگاه پنجاب لاهور در گنجینه شیرانی و شفیع موجود است[٤]۔

تراجم و چاپ:

بخشی ازین اثر به توسط الیوت درجلد هشتم از صفحه ۲۳۸ تا۲٥٤ ترجمه شده است۔

۱۔ ریو،ج۳،صص٩٤٦۔٩٤٧

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۷

۳۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،صص٥٤و٥٥

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳۱

تاریخ حمید خان از حمید خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال حمید خان آگاهی چندانی در دست نیست۔ آنچه که از زندگانی او معلوم است بسیار اندك است وجز این نیست که او در کرناتك به شرکت هند شرقی ملازمت می کرد [١]۔حمید خان منشی لُرد کارنوالس (Lord Cornwallis)بود[٢] و نزاع میان انگلیسی ها و تیپوسلطان را با چشم خود ملاحظه کرد۔ حمید خان به مهم انگلیسی ها خلاف تیپوسلطان همراه لُرد کارنوالس، گورنرژانرل و سپه سالار اعظم انگلیسی ها، به میسور رفت[٣]۔ او همه وقایع جنگی که تا صلح میان انگلیسیان و تیپوسلطان پیش افتاد، در تاریخ خود نگاشته است۔

سال تالیف:

تاریخ حمید خان در ١٢٠٦ھ.ق/ ١٧٩٢ م نوشته شده بود[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ حمید خان یا حمید خانی تاریخ حیدر علی و تیپو سلطان شاهان میسور است۔مولوی عبدالمقتدر در فهرست کتابخانه بانکیپور عنوان های این کتاب از نسخه خطی نقل کرده است که زیر قرار است: 'ذکر احوال ترقی خاندان تیپوسلطان، ذکر عزیمت حیدر بهادر خلافِ مرضی راجه دلوایی به کمك راجه کوچی ومدکری،ذکر معاودت حیدر بهادر به فتح و نصرت از ملك کوچی ومدکری و تسخیر ملك هر سه راجه ها،ذکر مسلط شدن حیدر نایك به ملك سرینگ پتن و رفتن به کمك نواب محمد علی

١۔ نبی هادی،ص٢٢١

٢۔ استوری،ص٧٧٤

٣۔ وحیدمرزا،دکتر،پاکستان و هند،ج٥،ص١٥٥

٤۔ استوری،ص٧٧٤

خان صوبدار کرناتك،ذکر لشکر کشی و توجه حیدر به عزم تسخیر ملك بدنور و احوال قدامت ریاست رانی بدنور،ذکر اختلال احوال ریاست اهل پونه و برداشتن بعضی اهل کاران آنجا رگونات راو نامی از خاندان راجه ساهو را به حکومت آنجا،ذکر روانه شدن نواب عالیجاه بهادر به اتفاق نواب حیدر علی خان معه فوج سرکار و افواج همراهی نواب موصوف و تعین شدن کرنیل بیلی به صلاح گورنر چیناپتن همراهی نواب والاجاه بهادر و مقابله افواج طرفین و زمیندار کنچی و کشته شدن کرنیل مذکور،ذکر معاودت نواب عالیجاه به اظهار تعلل و تعارض و مختار ساختن نواب ظفر الدوله بهادر و نواب حیدر علی خان بهادر را به جنگ و صلح با انگریزان،ذکر شکست خوردن فوج انگریز و کشته شدن کرنیل بیلی،ذکرِ ورود فوج انگریز از بنگاله به سرکردگی کرنیل بریس بهادر به اعانت افواج سرکار کمپنی جهت مقابلت و مدافعت حیدر علیخان بهادر از ملك کرناتك و سوانحاتی که در آن وقت رو نموده، ذکر داخل شدن جنریل سرایرکوت بهادر چیناپتن با فوج بنگاله و منصوبه جنگ با نواب حیدر علی خان بهادر نمودن،ذکر عزیمت نواب حیدر علیخان بهادر به سمت کرم کنده ظاهر به تقریب ملاقات متعلقان سید صاحب و در باطن به قصد انتزاع ملك بلهاری و کتی از قبضه مرار راو،ذکر سرتابی کهندی راو قلعه دار سرینگ پتن که پرورده نمك و محل اعتماد نواب حیدر علیخان بهادر زیاده از پسر و برادر بود و جنگیدن کهندی راو مذکور با حیدر علیخان بهادر موصوف،ذکر رویداد مقدمه جنگ با قوم انگریز و فراسیس در ولایت،ذکر صرافت مزاج تیپو سلطان به انتظام امور ریاست به خبررسی کمال و بعضی احوال معامله فهمی سلطان مفخر الیه،ذکر عزیمت تیپوسلطان به ملك ملیوار جهت تعرض و مخاصمت برای چند تعلقه که رام راجه از ولندیز خرید کرده بود،ذکر روانگی کرنیل کاکریل بهادر با فوج بنگاله و نامه نوشتن جناب لارد صاحب به نام رگوجی بهونسله در

ناگپور و به راجه رام پاندیت صوبه دار کتك در باب عدم مزاحمت لشکر انگریز از عبور ملك آنها،ذکر عزیمت جناب مستطاب نواب معلی القاب لارد کارنوالس بهادر به ملك سرینگ پتن برای اطفای نایره جنگ و فساد تیپو سلطان،آمدن راما شامی پالیکار چلك بالاپور به حضور و ملازمت نمودن معرفت چیری صاحب بهادر و یافتن سند ایالت موروثی بالاپور مع مضافات بنگلور به مهر و دستخط حضور،ذکر عزیمت جناب مستطاب نواب معلی القاب لارد کارنوالس بهادر به جانب سرینگ پتن از راه خانخان هیلی و صعوبت آن راه،ذکر تسخیر قلعه نندی درگ عرف گردون شکوه،ذکر احوال متانت و حصانت قلعه به سوراج درگ که در اقصای ملك کلیکوت به ساحل دریای شور واقع است به سعی و تردد کمیدور کارنوالس بهادر به حیطه تسخیر در آمد،ذکر مفتوح شدن قلعه ماکری"[1]۔

بعد ازین ذکر احوال صلح در ۱۲۰٦ ھ.ق داده شده است اما در نسخه خطی این بخش تحتِ عناوین داده نشده است۔

سبكِ کتاب:

به علت عدم دسترسی به نسخه خطی قضاوت حتمی در باره سبك کتاب برای راقم این سطور امکان پذیر نیست۔ البته از جمله ها که از آغاز و نامِ فصل ها در فهرست کتاب خانه بانکیپور نقل شده است، اندازه می شود که سبك این کتاب بسیار متین، استوار و خالی از تکلف بی جا است و مؤلف از خود ستایی و فضل فروشی اجتناب کرده است۔ مؤلف درین کتاب برای مردم ها و جاهای محلی، واژه های محلی چون دلوایی،سرینگ پتن، چینا پتن، کرم کنده، بلهاری، کهندی راو،رام پندت، کلیکوت وغیره هم به کار برده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۵۹ تا ۱٦۲

نسخۀ خطی این کتاب منحصر به فرد است و مشتمل بر تاریخ حیدر علی و تیپوسلطان است۔این کتاب به این دلیل هم بسیار ارزشمند است که مولف خود معاصر آن سلاطین بوده و در مهم انگلیسی ها خلاف تیپو سلطان همراه لُرد کارنوالس بود و وقایع که درین کتاب بیان نموده است، با چشم خود ملاحظه کرده بود۔

این کتاب یکی از منابع 'تاریخ حیدر علیخان'(The History of Hyder Shah) از دی لا تاشی(De la Tashi) است که با تصحیح شاهزاده غلام محمد در ۱۸۵۵م در لندن به چاپ رسیده بود[1]۔

آغاز:

'بعد حمد و ثنای بی متناهی جناب کبریای الهٰی و پس از درود نا معدود حضرت رسالت پناهی ......'[2]

نسخه های خطی:

نسخه خطی تاریخ حمید خان که منحصر به فرد است در کتاب خانه بانکیپور به شماره ٦۱۹ نگهداری می شود و ۱۱٥ برگ دارد۔ برای تفصیل این دستنویس مراجع شود به فهرست بانکیپور،ج۷،ص۱٥۹ تا ۱٦۲۔

۱۔ استوری،ص ۷۷٤

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱٥۹

گلستانِ رحمت از نواب محمد مستجاب خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

نواب محمد مستجاب خان بن حافظ رحمت خان بن شاه عالم خان بن محمد خان[۱] یکی از چهارده پسرانِ حافظ الملك حافظ رحمت خان سردارِ روهیله بود[۲]۔ نواب مستجاب خان از قبیله بریچه علاقه داشت[۳]۔ جدِ بزرگِ او شیخ شهاب الدین خان معروف به کوتاه یا کوتی بابا[٤] از شوارك و پشین[٥] به هندوستان آمده بود[٦]۔

پدرش رحمت خان حاکمِ بریلی در ۱۱۸۸ ه۔ق/ ۱۷۷٤ م فوت شد[۷] و خانواده اش در قلعه اله آباد اسیر شده در ۱۱۸۹ ه۔ق رهایی یافت۔ در ۱۲۰۷ ه۔ق مستجاب خان گلستانِ رحمت را نوشت۔ در ۱۲۳۳ ه۔ق/ ۸۔۱۸۱۷ م حسبِ فرمایشِ چارلس الیوت وی 'ضمیمۂ گلستانِ رحمت' در ذکرِ فیض اللـه خان حاکمِ رامپور نگاشته بود[۸]۔ تامس ولیم بیل (Thomas William Beale) تاریخِ مرگِ وی ۲ شعبان ۱۲٤۸ ه۔ق/ فروری ۱۸۳۳م به عمر هفتاد و چهار سال بیان نموده است[۹]۔

سال تالیف:

گلستانِ رحمت از نواب محمد مستجاب خان در ۱۲۰۷ ه۔ق/ ۳۔۱۷۹۲ م نوشته شده بود[۱۰]۔

سبب تالیف:

نواب مستجاب خان، در مقدمۂ کتاب، سبب تالیف این اثر چنین بیان نموده است

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۲۳٦، ش ۵۸۷ ۲۔ استوری، ص ٦۹٦
۳۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۳۱، ص ۳۱ ٤۔ همان
۵۔ ریو در ج ۱، ص ۳۰۷، این علاقه را 'شوراوك واپسین' نوشته است۔
٦۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۳۱، ص ۳۱
۷۔ نبی هادی، ص ٤٤۳
۸۔ استوری، ص ٦۹۷/ مارشال، ص ۳۳۲
۹۔ بیل، تامس ویلیام، اورینتیل بایوگرافیکل دکشنری، ص ۲۸٤
۱۰۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۲۳٦، ش ۵۸۷/ ریو، ج ۱، ص ۳۰۸/ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۳۱، ص ۳۲

که از عرصه دراز وی آرزوی نوشتن تاریخ حافظ رحمت خان از ولادت تا شهادتِ او با شرحِ احوالِ شیخ شهاب الدین معروف به کوتی بابا داشت۔ علاوه بر این همه تاریخ های معاصر که از دوره شاه عالم بهادر شاه تا بیست وپنج سالِ تخت نشینی شاه عالم عالی گوهر نوشته شده بود، دران تواریخ درباره داوود خان، علی محمد خان ، حافظ رحمت خان و دیگر سردارانِ روهیله، احوالِ درست داده نشده است۔ به این سبب حسبِ فرمایشِ الله یار خان و عمر خان مؤلف این کتاب را تالیف کرد[1]۔

محتویاتِ کتاب:

مؤلف این اثر را در چهار چمن یعنی در یك مقدمه دو فصل و یك خاتمه نگاشته است۔ **مقدمه** در بیان حالاتِ شیخ الشیوخ شیخ شهاب الدین شیخ کوتی بابا و اولادِ امجاد ایشان[2]۔ **فصل اول** در ولادت آنحضرت و تشریف آوردن از ولایت به هندوستان و معاودت نمودن به وطن و مراجعت فرمودن بار دیگر به استدعای علی محمد خان تا رحلت خان موصوف[3]۔ **فصل دوم** در عروج آنحضرت بر مدارج امارت و سلطنت و حکومت تا حین شهادت[4]۔ **خاتمه** در بیان اولاد قدسی نژاد آنحضرت و واقعاتی که بعد آنحضرت به وقوع آمده[5]۔ درین خاتمه ذکرِ رها شدنِ خانوادهٔ حافظ رحمت خان از قلعه اله آباد در شعبان ۱۱۸۹ ه.ق هم بیان شده است[6]۔ در آخرِ نسخهٔ خطی بانکی پور احوالِ مختصری در باره حکومتِ انگلیسی در هندوستان هم داده شده است[7]۔

مآخذ و منابع گلستان رحمت:

در موردِ منابع و مآخذ نواب محمد مستجاب خان می گوید که او وقایع را از قرابت

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۰۷

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۲۳۶،ش۵۸۷

۳۔ همان

٤۔ همان

۵۔ همان،ستون۲۳۷

٦۔ ریو،ج۱،ص۳۰۸

۷۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۳۲

دارانِ خود ومنابع مستند جمع کرده است[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این تاریخ احوالِ زوالِ تیموریان را بیان می کند که چه قدر ناتوان شده بود و مرکز چه طور نا محفوظ بود که روهیله ها بر آن مقبوض شده بودند۔ چون مؤلف پسرِ رحمت خان بود اغلب است که احوالِ پدرِ خود نگاشته از بسیار چیزی صرفِ نظر کرده باشد۔

پرفسور داووسن در History of India as told by its own Historians، ج۸ می گوید 'من بسیاری تواریخِ روهیلیان دیده ام اما هیچ یك علاوه بر 'گلِ رحمت' برتر ازین نیست'[2]۔

آغاز:

'اللهم مالك الملك توتی من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء.......... جواهر زواهر حمد بی حد و لالی متلالی ثنای بی عدنثار بارگاه مالك الملکی........'[3]

در نسخه کتابخانه موزه بریتانیا و اندیا آفیس آغازِ این کتاب از 'جواهر زواهر حمد بی حد و لالی متلالی' داده شده است۔

نسخه های خطی:

نسخه های خطی گلستان رحمت در کتابخانه موزه بریتانیا، اندیا آفیس و بانکیپور موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها رجوع کنید به استوری، ص٦٩٦ و مارشال ص۳۳۱۔ برای دو دستنویس گلستان رحمت در پاکستان، رجوع کنید به فهرستِ مشترك منزوی، ج ۱۰، ص۵۳۳۔

تراجم و چاپ:

۱۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳۱، ص۳۱

۲۔ الیوت، ج۸، ص۳۰۱

۳۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳۱، ص۳۲

ترجمهٔ انگلیسیِ ملخصِ این اثر به توسطِ چارلس الیوت به نامِ 'زندگینامه حافظ الملك' (Life of Hafiz ool-Moolk) در ۱۸۳۱ م از لندن به چاپ رسیده است[۱]- این ترجمه از سوی اوریینتیل ترانسلیشن فند به چاپ رسیده بود[۲]-

---

۱ - اته، اندیاآفیس، ج ۱، ستون ۲۳۶، ش ۵۸۷/ ریو، ج ۱، ص ۳۰۸

۲ - مستجاب خان بهادر، زندگینامهٔ حافظ الملك، مترجم چارلز الیوت، لندن، ۱۸۳۱م

منازل الفتوح از محمد جعفر شاملو

شرحِ احوالِ مؤلف:

در موردِ محمد جعفر شاملو نویسنده این کتاب فقط این قدر معلوم شده است که خود در مقدمهٔ این کتاب ذکر کرده است و آن جز این نیست که وی خانه زاد صفویان بود[١]۔ در ایام جوانی خود وی در ملازمتِ شاهرخ شاه صفوی خدمت می کرد[٢]۔ بعد ازان بیست و پنج سال با احمد شاه درانی وابسته بوده و بارها با وی به هندوستان آمده بود[٣]۔ دران زمان وی در جنگ پانی پت ١١٧٤ ھ.ق خلاف وسواس راو و بهاؤ راو، با احمد شاه، شرکت هم کرده بود[٤]۔ پس ازان به افتخارالدوله فیروزجنگ محمد بیگ خان همدانی در هندوستان وابسته شده بود[٥]۔

سبب تالیف:

این اثر حسب خواهش شاهزاده صفوی ابوالفتح سلطان محمد شاه بهادر خان نوشته شده بود[٦] که بعد از ١٢٠٥ ھ.ق به هند آمده بود[٧]۔

سال تالیف:

این اثر حتماً بعد از ١٢٠٨ ھ.ق نگاشته شده بود چون درین کتاب مؤلف سیندیه(Sindhiah) را مرده گفته است که در ١٢٠٨ ھ.ق فوت شده بود[٨]۔

محتویاتِ کتاب:

این اثر مشتمل بر دو بخش است۔ بخش اول این کتاب در بیان مسافت از قندهار تا

١۔ ریو،ج٢،ص٨٣٩
٢۔ الیوت،ج٨،ص١٤٤
٣۔ همان
٤۔ ریو،ج٢،ص٨٣٩
٥۔ استوری،ص٣٩٨
٦۔ ریو،ج٢،ص٨٣٩
٧۔ همان،ص٨٤٠
٨۔ همان

دهلی است [۱]۔درین مسافت مؤلف راهِ قندهار تا دهلی به کابل، پیشاور، اتك و لاهور به تفصیل پرداخته است[۲]۔ بخش دوم این کتاب خیلی مهم است و دارنده وقایع جنگِ پانی پت است[۳]۔

سبكِ کتاب:

به علت عدم دسترسی به نسخه خطی راقم این سطور از اظهار نظر درباره سبك این کتاب قاصر است اما از ترجمه انگلیسی این کتاب که در تاریخ الیوت داده شده است می توان اندازه بگیرد که این کتاب به سبك ساده و روان نگاشته شده بود۔ گاهی واژه محلی چون بنجاره [٤]، سیر [٥]، کهرپا [٦] و کوس[۷] هم به کار برده است۔ مؤلف، در بیانِ وقایع تاریخی، ذکر وسواس راو و بهاو راو(Bahao Rao) با خشمِ بسیار می کند و احمد شاه ابدالی را 'احمد سلطان' یا 'احمد سلطان خان' خوانده است[۸]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

جعفر شاملو خود بارها با احمد شاه ابدالی به هندوستان آمده بود و از مسافت این راه واقفیت داشت۔ منازل الفتوح ازین نظر بسیار پُر ارزش است که دارندۂ احوالِ یورشِ احمد شاه از کابل تا دهلی است ۔ وی مسافت قندهار به راهِ کابل،پیشاور،اتك،لاهور تا دهلی بیان نموده است۔ مؤلف خود در جنگ پانی پت خلاف مرهته ها شرکت کرده بود و وقایع جنگ را با چشم خود ملاحظه کرده بود، ازین نظر این کتاب بسیار ارزشمند است۔

آغاز:

'حمد و سپاس بی حد و عد خالقی را سزاست...'[۹]

۱۔ ریو،ج۲،ص۸٤۰

۲۔ الیوت،ج۸،ص۱٤۹

۳۔ ریو،ج۲،ص۸٤۰

٤۔ الیوت،ج۸،ص۱٤۹ ۵۔ همان

٦۔ همان،ص۱۵۱

۷۔ همان

۸۔ ر.ك ترجمه انگلیسی از تاریخ الیوت،ج۸،صص۱٤٤ تا ۱۵۷

۹۔ ریو،ج۲،ص۸۳۹

نسخه های خطی:

سه دستنویسِ منازل الفتوح در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۱٦۸۷٦ دارنده ۲٤ برگ، به شماره Add. ۱۸٤۱۷ دارنده ۲۳ برگ و به شماره Or. ۱۸۹۵ دارنده ٤٦ برگ موجود است۔

تراجم و چاپ:

میجر فلر(Major Fuller) این اثرِ مختصر را برای الیوت ترجمه کرده بود[1]۔ نسخه خطی این ترجمه انگلیسی در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸٤ از برگ ۸۱ تا ۱۰۰ موجود است[2]۔ بخشِ زیادی ازین ترجمه پرفسور داووسن در تاریخ الیوت جلد هشتم از صفحه ۱٤٤ تا ۱۵۷ به چاپ رسانده است۔

۱۔ الیوت،ج۸،ص۱٤٤

۲۔ ریو،ج۲،ص۸٤۰

لُب السیّر و جهان نما از مرزا ابوطالب اصفهانی لندنی

شرحِ احوالِ مؤلف:

مرزا ابوطالب خان متخلص به طالبؔ پسر حاجی محمد بیگ خان واصل [۱] تبریزی اصفهانی در ۱۱٦٦ھ.ق/ ۳_۱۷۵۲ م در لکنو متولد شد[۲]_ اگرچه او از یکی قبیلۂ ترکِ آذربایجان تعلق داشته بود اما پدرش حاجی محمد بیگ خان در عباس آبادِ اصفهان به دنیا آمد[۳]_حاجی محمد بیگ خان در ایامِ جوانی خود به هندوستان آمد و به ملازمتِ ابوالمنصور خان صفدر جنگ پیوست[٤] سپس به بنگال رفت و آنجا در ۱۱۸۳ھ.ق/۱۷٦۹ م فوت شد[٥]_ پدرِ مادرِ ابو طالب ، ابوالحسن بیگ هم اگرچه در اصفهان زاده شده بود اما به ملازمتِ برهان الملك بود[٦]_

ابو طالب اصفهانی در لکنو در ۱۱٦٦ھ.ق چشم به جهان کشود و در تربیت و سرپرستی شجاع الدوله پرورش یافت[۷]_ بعد از ان وی به بنگال رفت و از سیزده سالگی تا بیست سالگی در مرشدآباد به دربار مظفر جنگ نایب ناظم بنگال به سر برد[۸]_ در ۱۱۸۹ھ.ق چون آصف الدوله ناظم اوده گردید، ابو طالب با سید زین العابدین باز به لکنو آمد[۹] و مختارالدوله نایب ناظم او را 'عملدارِ' اتاوه مقرر کرد[۱۰]_ در ۱۱۹۰ھ.ق/۱۷۷٦م مختار الدوله معزول گشت و ابو طالب به گورکپور(Gorakhpur) در خدمتِ کولونل هینی(Col.A.Hannay) و میدیلتن (N.Middleton)، نماینده سیاسی سلطنت انگلیسی در سرکار اوده، پیوست [۱۱]_ تحتِ ایشان ابو طالب شورشِ راجه بلبدره(Bal Bhadre) سینگ

۱_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۷۸

۲_ استوری،ص۱٤٤

۳_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۷۸

٤_ ریو،ج۱،ص۳۷۸

٥_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۷۸ ٦_ همان

۷_ ریو،ج۱،ص۳۷۸ ۸_ همان

۹_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،صص۱۷۸_۱۷۹

۱۰_ استوری،ص۱٤٤ ۱۱_ همان

را بیخ کنی هم کرد[۱]۔ مرزا ابو طالب در ۱۲۰۲ ھ.ق به کلکته رفت[۲]۔ در کلکته او دیوانِ حافظ شیرازی را هم تصحیح کرده در ۱۷۹۱م/۱۲۰۶ ھ.ق به چاپ رساند[۳]۔

در ۱۲۱۳ ھ.ق با کاپتان ریچاردسن(Capt. Richardson) به اروپا رفت[٤] و بعد از پنج سال در ۱۲۱۸ ھ.ق باز به هندوستان آمدو احوالِ این سفر در کتابی به نام 'مسیر طالبی فی بلاد افرنج' در ۱۲۱۹ ھ.ق/ ۱۸۰٤ م نوشت۔ابو طالب شاعر هم بود و طالبؔ تخلص می کرد۔ دیوانی ازو یادگار است۔

اته سالِ وفاتِ مرزا ابو طالب ۱۲۲۱ ھ.ق/۱۸۰٦ م داده است اما استوری و الیوت ۱۲۲۰ ھ.ق بیان کرده اند۔ تامس ویلیام بیل مؤلفِ مفتاح التواریخ که معاصر ابو طالب بود و بر فرمایشِ مرزا یوسف باقر پسرِ ابو طالب،دو قطعه های تاریخِ وفاتِ مرزا ابو طالب نوشت که یکی ازان زیر قرار است:

۔ 'رخت سفر چو بست ابوطالب از جهان
هوش و حواس عالمیان از دماغ رفت
هاتف ز غیب با دل افگار ناگهان
از بهر فوت دوصد بار آه گفت'[۵]

چون دوصد بار 'آه' برابر ۲۰۰x٦=۱۲۰۰ است و با دلِ افگار یعنی درمیانِ افگار 'گ' می آید که در حروف ابجد برابر 'ك' است و دارنده ارزشِ '۲۰' است، پس سال وفاتِ وی ۱۲۲۰ ھ.ق به دست می آید۔

سال تالیف:

ابو طالب این اثر را در ۱۲۰۸ ھ.ق/ ٤۔۱۷۹۳ م تالیف کرد[٦]۔

۱۔ استوری،ص١٤٤
۲۔ ریو،ج۱،ص۳۷۹
۳۔ استوری،ص١٤٥
٤۔ همان
۵۔ نقوی،دکتر علیرضا، تذکره نویسی در هند و پاکستان،ص٤٨٠
٦۔ الیوت،ج۸،ص۲۹۸/ استوری،ص١٤٥ / اته،اندیاآفیس،ج۱ ،ستون۳۵۸،ش٦٩٦

محتویاتِ کتاب:

'لُب السیر و جهان نما' تاریخ مختصر جهان است که در چهار باب نگاشته شده بود۔ ترتیب و عناوین ابواب چنین است؛ **باب یکم:** در تبیین احوال انبیا است [۱]۔ **باب دوم:** دارنده وقایع خلفا[۲] در هفت فصل است یعنی خلفای راشدینؓ، امامینً، امویان، عباسیان، اسماعیلیان، سادات، شریفیان[۳]۔ **باب سوم:** زندگی نامه ها در هفت فصل در مورد فلاسفۂ یونان و اروپا و هندوستان و ایران ، اصحابِ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم ، علما ، شعرا وغیره بیان شده است[٤]۔ **باب چهارم:** در موردِ سلاطین در یك مقدمه و هشت فصل در بیان پادشاهانِ ایران ، عربستان، روم، مصر و شام، غرب، ترکستان، اروپاو هندوستان است۔ آخرین فصل که در باره شاهانِ هندوستان است ، مؤلف راجه های هندو و سلاطینِ دهلی و دکن و کشمیردیگر ریاست های آزاد را بیان نموده است[٥]۔

سبكِ کتاب:

چون این کتاب مشتمل بر تاریخ جهان است و مؤلف در بیان وقایع تاریخی دامن اختصار از دست نداده است، به نظر می رسد که مولف زبانِ ساده و آسان به کار برده باشد۔ (دستنویس برای بررسی سبك به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

وقایع تاریخی درین کتاب گرچه به اختصار بیان شده است اما این کتاب دارندۂ بسیاری تاریخ های وقایع مهمی است و مؤلف سال های وقایع درست بیان کرده است۔ به طور مثال تاریخ وفات رودکی ۳٤۳ھ.ق بیان شده است که درست است[٦]۔

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون۳۵۸،ش٦۹٦
۲۔ همان
۳۔ الیوت، ج۸،ص۲۹۹
٤۔ استوری،ص١٤٥
٥۔ الیوت،ج۸،ص ۳۰۰
٦۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون۳۵۸،ش٦۹٦

اگرچه این تاریخ جهان است اما خیلی مختصر است و در کمتر از دو صد برگ گنجانیده است۔ چون نسخۀ اندیا آفیس به شماره ٦٩٧ که فقط٦٨ برگ دارد و نسخه دیگر بر شماره ٦٩٦ فقط ٩٧ برگ دارد۔ اما نسخه موزه بریتانیا بر شماره ۱۸۷۱ .Or فقط ۳۵ برگ دارد چون در آن نسخه فقط مقدمه و فصل هشتمِ بابِ چهارم بیان شده است۔ نسخه ای که زیر مطالعه الیوت بود ۱۳۱ برگ داشت۔ مؤلف این کتاب را به نواب آصف الدوله معنون کرده بود[1]۔

آغاز:

'الحمد لله رب العالمین .... اما بعد ابجد خوان دبستان نادانی ابو طالب ابن محمد تبریزی ....'[2]

نسخه های خطی:

در کتابخانه اندیا آفیس، موزه بریتانیا، بادلین و آصفیه موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها رجوع کنید به مارشال ص٤١، و استوری،ص ١٤٥ ۔ الیوت گفته است که نسخه های این اثر در هندوستان عام است۔ هر دو دستنویسِ اندیا آفیس با نسخۀ خلاصة الافکار توام است۔

احوال دیگر مؤلف:

۱۔ خلاصةالافکار:

زندگی نامه های کما بیش پنج صد شعرای فارسی است و در ۷۔۱۲۰٦هـ.ق نوشته شده بود[3]۔

۲۔مسیر طالبی:

۱۔ مارشال،ص٤١

۲۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱ ،ستون۳۵۸،ش٦٩٦

۳۔ همان،ستون۳۵۷ و ۳۵۸

رویدادِ سفرِ اروپا که دارندهٔ احوال سفرِ مؤلف به انگلستان از ۱۲۱۳ھ.ق تا ۱۲۱۸ھ.ق است۔ این اثر در ۱۲۱۹ھ.ق به تکمیل رسیده بود[۱]۔ به علتِ همین سفرِ انگلستان گاهی او را ابو طالب لندنی هم می خوانند۔

۳۔ تفضیح الغافلین:

تاریخِ آصف الدوله که حسبِ فرمایش کاپتان ریچاردسن در کلکته در ۱۲۱۱ھ.ق/۱۷۹٦ م نوشته شده بود[۲]۔

٤۔ معراج التوحید:

رساله ای در باره علم نجوم که در ۱۲۱۹ھ.ق/ ۱۸۰٤ م نگاشته شده بود[۳]۔

۵۔ دیوان طالب:

دارندهٔ غزل و مثنوی و مناظره وغیره[٤]۔ مثنوی به نام 'سرور افزا' در تعریف لندن[۵] از وی خیلی معروف است۔

٦۔ علاوه بر لُبِ السیر ابوطالب **چند رساله** هم نگاشته بود که در آخرِ بعضی نسخه های خطی خلاصة‌الافکار داده شده است۔ نامِ آن رساله ها زیر قرار است:

ا۔ رساله در علم اخلاق[٦]	ب۔ مصطلحات موسیقی[۷]

ج۔ در علم عروض و قافیه[۸]	د۔ مختصر در فنون خمسه طب[۹]

۱۔ مارشال،ص٤۲

۲۔ استوری،ص۷۰٤

۳۔ مارشال،ص٤۲

٤۔ همان

۵۔ استوری،ص۱٤۵

٦۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۷۹

۷۔ همان

۸۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۸۔۳۵۷،ش٦۹٦

۹۔ همان

بحرالمواج از محمد علی خان انصاری

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد علی خان انصاری فرزند عزت الدوله هدایت الله خان بن شمس الدوله لطف الله خان صادق متهور جنگ (۱)(۲) شاعر و تاریخ نگار معروف شبه قاره هند بود۔ وی از خانوادۂ صحابی معروف حضرت ابو ایوب انصاریؓ بود و به همین علت انصاری خوانده می شود۔ نیاگانش در زمانِ سلاطینِ هند بر مناصب جلیله فایز بودند۔ پدر بزرگ وی شمس الدوله لطف الله خان صادق، به دربارِ محمد شاه منصب شش هزاری و خانسامانی و خطاب شمس الدوله بهادر متهور جنگ داشت و در عهد احمد شاه فوت گردید (۳)۔ دو عمِ مؤلف، عنایت الله خان راسخؒ و شاکر خان نیز صاحب منصبانی بلند پایه و ادیبانی برجسته بودند و در نظم و نثر فارسی دست داشتند (٤)۔ عنایت الله خان راسخؒ شاعر معروف بود و شاکر خان کتاب تاریخی از دوره محمد شاه تا شاه عالم مرتب کرده بود (٥)۔ محمد علی خان انصاری در چنین فضای علمی و ادبی پرورش یافت۔

از سال زایشِ محمد علی خان انصاری اطلاعی به دست نمی آید البته اینقدر مسلم است که وی در دهلی چشم به جهان کشود و همانجا درس خواند(٦)۔ در نثر نویسی فارسی به کمال رسید ، البته گاهی شعر هم می سرود و عاصیّ تخلص می کرد و از مرزا فاخر مکیّن اصلاحِ سخن گرفت (۷)۔ بعد از ان محمد علی خان انصاری به مرکزِ استان بهار عظیم آباد عرف پتنه رفته بود و به نواب مظفر جنگ سید محمد رضا خان شیرازی وابسته شد که نایب ناظم بنگال، بهار و اوریسه بود۔ آنجا محمد علی خان انصاری رو به ترقی نهاد و زود داروغۂ

۱۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص ۲۰ / ریو، ج ۱، ص ۲۸۲
۲۔ الیوت 'تهور جنگ' نوشته است۔
۳۔ هاشمی، شاهنوازخان، مآثر الامرا، ج۳، ص۱۷۸
٤۔ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، ص ۲۲۵۱
٥۔ ریو، ج ۱، ص۲۷۹
٦۔ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، ص ۲۲۵۱
۷۔ همان

عدالتِ فوجداری حاجی پور و ترهت می شد[۱]۔

از سال وفات وی هم اطلاعی دقیق در دست نیست ۔ اما الیوت کتاب دیگرِ وی به نام تاریخ مظفری را ذکر نموده است که در سال ۱۲۱۵ ھ.ق/۱۸۰۰م نگاشته شده بود [۲]۔ اما 'تاریخ مظفری' تا سال ۱۲۲۵ ھ.ق/۱۸۱۰م ادامه دارد [۳]۔ این طور وی تا ۱۲۲۵ ھ.ق حیات داشته باشد۔

سال تالیف:

بحرالمواج در ۱۲۰۹ ھ.ق تالیف شده بود [٤] و همین سال تالیف در دیباچه آمده است۔ اما بعد ازان بران افزوده شده بود چون نسخه موزه بریتانیا دارندۂ احوال درانیان تا ۱۲۱۱ ھ.ق است[٥]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب مشتمل بر سه جلد است۔ **جلد اول** دارندۂ تاریخ اقوام هندوستانی است۔ **جلد دوم** درباره سلاطین دهلی و بابر تا ناصرالدین محمد شاه و **جلد سوم** در مورد وقایع تاریخی احمد شاه و شاه عالم ثانی است [٦] و افزون بران یورش های نادر شاه و احمد شاه درانی است۔ به مطابق الیوت این اثر مشتمل بر نُه باب است و این نُه باب در چهل و نُه فصل تقسیم شده است۔ مؤلف هر باب را 'بحر' و هر فصل را 'موج' خوانده است۔ الیوت تفصیل این باب ها چنین بیان نموده است؛ **بحر اول:** مشتمل بر شش فصل است که احوال پیشدادیان و کیانیان و ساسانیان و اکاسره شامل آنست۔ **بحردوم:** در دو فصل دارنده احوال امویان و عباسیان است۔ **بحر سوم:** یازده فصل دارد که مشتمل بر احوال طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان،

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۸۳/وحیدمرزا،دکتر،پاکستان و هند،ج۵،ص۱٤۱
۲۔ الیوت،ج۸،ص۳۱٦
۳۔ ریو،ج۱،ص۲۸۳
٤۔ الیوت،ج۸،ص۲۳٦
٥۔ ریو،ج۳،ص۱۰۲۵
٦۔ استوری،ص۱٤٤

اتابکان، اسماعیلیان، سرداران قراختاییان است. **بحر چهارم:** هشت فصل دارد که در ذکر قیصرها، سلجوقیان روم، سرداران کرمان و عثمانیان وغیره است. **بحر پنجم:** در تاریخ شریفان مکه است. **بحر ششم:** مشتمل بر چهار فصل دارنده تاریخ ترك و تاتار و مغول است. **بحر هفتم:** در هفت فصل است و احوال چنگیز خان و جانشینانش دارد. **بحر هشتم:** پنج فصل دارد که در ذکر ایلخانیان و مظفریان و سرداران کرت وغیره است. **بحر نهم:** در شش فصل است و دارنده احوال تیمورو جانشینانش و پادشاهان ایران و خراسان از دودمان تیمور، قراقونلو، آق قونلو، نادرشاه و احمد شاه ابدالی است[١].

اما نسخه موردِ الیوت که از کتابخانۀ راجۀ بنارس گرفته شده بود[٢] و بران تاریخ ۱۲۰۹ هـ.ق/ ۱۷۹٤م درج شده است[٣] دراصل جلد اول این بحرالمواج بود و هیچ چیزی درمورد تاریخ هند ندارد. البته نسخه خطی جلد دوم و سوم در کتاب خانه بانکیپور به شماره ٥٤٤ و ٥٤٥ نگهداری می شود. در نسخه بانکیپور به شماره ٥٤٤ چنین آغاز می شود '**جلد دوم اخبار السلاطین المسمی به تاریخ بحر المواج از ابتدای ست جوگ تا اوایل کل جوگ و تا آخر سال یك هزار و دو صد و یازده هجری نبوی صلی الله علیه و آله وسلم مطابق سال یك هزار و هفت صد و نود و شش عیسوی علیه السلام. پوشیده نیست که در اقلیم هندوستان چه از ارباب حکمت و چه از اهل ریاضت و چه از زمره خداوند خیرت در کیفیت آفرینش عالم اختلاف کرده اند**'[٤].

جلد دوم این کتاب مشتمل بر بحر دهم و یازدهم است. **بحر دهم:** در ده موج تقسیم شده است و مولوی عبدالمقتدر تفصیل این موج ها چنین بیان نموده است؛ موج اول در ذکر معتقداتِ اهل هند و راجگان و رایان دهلی و دیگر ممالك وسعت نشان

١ـ الیوت،ج٨،ص٢٣٦

٢ـ همان

٣ـ همان،ص٢٣٥

٤ـ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص ٢١

هندوستان و بعضی مقدمات ضروری آن و طلوع آفتاب عالمتاب دین محمدی صلی الله علیه و آله وسلم در آن بلاد، موج دوم در ذکر سلاطین دهلی از شهاب الدین غوری تا ابراهیم لودی بیست و شش تن، مدت سلطنت ایشان سیصد و پنجاه و پنج سال، موج سیوم در ذکر سلاطین دکن،موج چهارم در ذکر دلات گجرات مدت یك صد و هشتاد و هشت سال پانزده نفر فرمانروایی کردند، موج پنجم در ذکر حکام سند، موج ششم در ذکر ملوك بنگاله، موج هفتم در ذکر سلاطین مالوه، موج هشتم در ذکر مرزبانان ولایات خاندیس که اینها را فاروقیه خوانند، دوازده تن، مدت حکومت شان قریب دویست سال، موج نهم در ذکر فرمانروایان جونپور، شش تن، موج دهم در ذکر ملوك کشمیر شانزده تن [۱]- **بحر یازدهم:** مشتمل بر چهارده فصل(موج) در تاریخ تیموریان هند است و وقایع تاریخی از بابر تا ناصرالدین محمد شاه، در یازده امواج، دارد[۲]-

در مورد جلد سوم این کتاب در آخرِهمین نسخه نوشته است:' **چون از ایام سلطنت احمد شاه بن محمد شاه فردوس آرامگاه فتن عظیم در بنای سلطنت خاندان بابریه راه یافت بنا برین احوال سلطنت احمد شاه بادشاه و حضرت عالمگیر ثانی و شاه عالم عالی گوهر بادشاه در جلد ثالث نگاشته**' [۳]- این جلد سوم دارنده موج دوازده تا چهاردهمِ بحر یازدهم این کتاب است و در تاریخ احمد شاه،عالمگیر ثانی و شاه عالم ثانی است[٤]- نسخه خطی این جلد سوم در کتاب خانه بانکیپور به شماره ٥٤٥ نگهداری می شود و آغاز و انجام این نسخه افتاده است [٥]- در کتاب خانه بانکیپور این اثر به نام 'شاه عالم نامه' درج است ولی از شواهد داخلی این نتیجه بر می آید که این جزو، جلدِ سوم بحرالمواج است و از تالیفِ دیگری محمد علی خان انصاری موسوم به تاریخ مظفری شباهت هم دارد[٦]-

---

۱- عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،صص ۲۲-۲۳
۲- همان،ص۲۳
۳- همان،ص۲۲
٤- استوری،ص١٤٤
٥- عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۲٤
٦- همان

سبكِ كتاب:

چون این کتاب هنوز به زیور طباعت آراسته نشده است و به علت عدم دسترسی به نسخه خطی، راقم این سطور از قضاوتِ حتمی درباره سبك این کتاب معذور است۔ البته اقتباس ها ازین کتاب که بالا آمده و به روشِ تاریخ نویسی آن زمان می توان حدس زد که این کتاب به سبك ساده و روان نوشته شده باشد۔ اما رد یا قبول این امر به بررسی نسخه خطی است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

از نظرِ تاریخ دورۂ ناصر الدین محمد شاه این کتاب خیلی مهم است۔ مؤلف وقایع این دوره را نه تنها با تفصیل بسیار گراییده است بلکه این وقایع را سال به سال بیان نموده است و وقایعِ بنگال که درین عهد رو نمود، هم به تفصیل پرداخته است[۱]۔ چون مؤلف این کتاب محمد علی خان انصاری مردی عالم بود و از خانواده علمی تعلق داشت، این کتاب حائزِ اهمیتِ فراوان در کتبِ تاریخی دوره تیموریان متاخر به شمار می آید۔

آغاز:

'ستایش گوناگون سزاوار درگاه شاهنشاهی است...'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه های دستنویس بحرالمواج در کتاب خانه برلین و کتاب خانه بانکیپور موجود است۔ نسخه های چکیده از بحرالمواج در کتاب خانه موزه بریتانیا و اندیا آفیس هم موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۱٤٤ و مارشال،ص۳۰۵۔

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۲٤

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۲۵

آثار دیگر مولف:

علاوه بر بحرالمواج دیگر آثار محمد علی خان انصاری زیر قرار است:

تاریخ مظفری:

در تاریخ تیموریان هند که دارنده وقایع تاریخی تا سال ۱۲۲۵ھ.ق/۱۸۱۰م است۔ بخشِ اول این کتاب در ۱۲۰۲ھ.ق به تکمیل رسید ومولف این کتاب رابه مربی خود محمد رضا خان بهادر مظفر جنگ معنون کرد و به همین علت نامش تاریخ مظفری نهاد۔ بعد ازان محمد علی خان بران وقایع تا ۱۲۲۵ھ.ق افزود ۔ این کتاب دارنده وقایع عهد محمد شاه ومابعد است۔ این کتاب منابع اساسی تاریخِ کین(H.G.Keene) به نام زوال سلطنت تیموریان The Fall of Mughal Empire است[۱]۔

تاریخ احمد شاهی:

این تاریخ مختصرِ روزگارِ احمد شاه تیموری است که بعد از نابینا ومعزول شدن، در ۱۱۸۸ھ.ق فوت شده بود[۲]۔ محمد علی خان انصاری این کتاب را در ۱۱۹٦ھ.ق/۱۷۸۲م تالیف کرده بود[۳]۔

تالیف محمدی:

این کتاب درمورد پیغمبرانؑ، خلفای راشدین، آئمه اطهارؑ، اولیای کرامؒ ودیگر مشایخ تادوره مؤلف است[٤]۔

۱۔ الیوت،ج۸،ص۳۱٦

۲۔ مارشال،ص۳۰۵

۳۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۵۹،ش٤۲۳

٤۔ مارشال،ص۳۰۵

جونپور نامه/ تاریخ جونپور[۱] از خیرالدین محمد اله آبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

ذکر خیر الدین محمد اله آبادی، درمورد 'تحفۀ تازه' آینده بر ص۳۳۱ می آید۔

سال تالیف:

جونپورنامه از خیرالدین محمد اله آبادی در ۱۷۹٦م نوشته شده بود[۲]۔

سبب تالیف:

در سبب تالیف این کتاب خیرالدین محمد در مقدمه ذکر می کند که روزی مستر ابراهام ویلاند(Abraham Willand) در قلعه جونپوربر ستونِ سنگی مسجد نوشته ای به زبانِ عربی دید و به خیرالدین محمد اله آبادی برای ترجمه این خواهش کرد ۔ خیرالدین وی را گفت که این هیچ اهمیتِ تاریخی ندارد البته تاریخِ این دیار بسیار مهم است ۔ پس مستر ابراهام ویلاند می خواست که تاریخِ جونپور در یك کتاب باید می نویسد[۳] و به این علت مؤلف تاریخ جونپور را تالیف کرد۔

محتویاتِ کتاب:

جونپور نامه دارنده تاریخ خطه جونپوراست۔ خیرالدین اله آبادی این کتاب را دریك مقدمه و دوباب نگاشته است ۔ محتویات کتاب زیر قرار است؛ **مقدمه** درمورد سبب تالیف این کتاب است۔ **باب اول** دارنده تاریخ جونپور از سلاطین شرقی از زمان فیروزشاه تا شکست علی قلی خان به دست اکبر اعظم است[٤]۔ **باب دوم** درباره ساختمان های قدیم این دیار است۔ اته در فهرست بادلین نام های این دوباب چنین بیان نموده است؛

۱۔ استوری،ص٦۹۸

۲۔ اته،بادلین،ج ۱،ستون۱٤۹،ش۲۸۳

۳۔ ریو،ج۱،ص۳۱۱

٤۔ همان

باب اول؛ در احوال سلاطین جونپور و حکام آن از ابتدای عهد فیروز شاه[1]۔

باب دوم؛ در آغاز تعمیر مکانات باستانی این شهر از حصار و مساجد و تالاب ها و مقابر وغیره[2]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این اثرِ خیر الدین محمد اله آبادی بسیار ارزشمند است۔ خیر الدین اله آبادی نویسنده معروف دوره تیموریان متاخر است و بیش از ده آثارِ تاریخی از وی یادگار است۔ این کتاب را هم در تاریخ جونپور به طریقِ احسن نوشته است۔به این علت که جونپور نامه نه تنها دارندۂ تاریخ جونپور است بلکه در موردِ ساختمان های قدیم آن دیار شرح نیز دارد، ارزش این کتاب افزون شود۔

آغاز:

'بعد حمد و صلوٰت فقیر خیر الدین محمد الله بادی در خدمت قدر شناسان سخن التماس دارد که از خصایل پسندیده صاحبان عالیشان انگریز بهادرست و در هر فلك...'[3]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا، کتاب خانه بادلین، کتاب خانه انجمن آسیای بنگال وغیره موجود است۔ نسخه موزه بریتانیا به شماره۱۸۸ .Or دارنده ۵۵ برگ و نسخه بادلین بر شماره فهرست ۲۸۳ دارنده ٦٥ برگ است۔ برای تفصیل نسخه های خطی جونپور نامه مراجع شود به استوری،ص٦۹۹۔

تراجم و چاپ:

جونپورنامه دو بار در ۱۸۷۸م و ۱۸۹۹م در جونپور به چاپ رسیده است[4]۔ افزون

۱۔ اته،بادلین،ج ۱،ستون١٤۹، ش۲۸۳

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ استوری،ص٦۹۹

بران ترجمه اردویی این کتاب به نام 'تاریخ جونپور' از نذیر الدین احمد در ۱۹۲۱م در جونپور به چاپ رسیده است[۱]۔ ترجمه ملخص انگلیسی این کتاب از مستر پوگ سن(W.R.Pogson) در کلکته در ۱۸۱٤م به چاپ رسیده بود[۲]۔نامِ این ترجمه انگلیسی

"Translation of the history of Jounpoor, from the Persian of Fukeer Khyrood-deen"

بود[۳]۔

۱۔ استوری،ص٦۹۹

۲۔ همان

۳۔ ریو،ج۱،ص۳۱۱

تحفه تازه/بلوندنامه[۱] از خیر الدین محمد اله آبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

مولوی خیر الدین محمد اله آبادی در ۱۲ صفر ۱۱٦٥ھ.ق/۳۱ دسامبر ۱۷٥۱م در اله آباد متولد شد[۲]- وی در اله آباد و جونپور رشد و نمو یافت و در اله آباد به مدرسه خودش معلم شد اما در ۱۷۷۳م بعد از معاهده بنارس، چون استان اله آباد از انگلیسیان به نواب شجاع الدوله منتقل گردید و نواب موصوف حقوقِ مدرسینِ اله آباد ضبط کرد، خیرالدین محمد به شرکت هند شرق پیوست و با کاپتان بروس(Capt. Bruce) وابسته شد و او را در گرفتن گوالیار در ۱۷۸۰م کمك کرده بود[۳]- بعد ازان با نماینده مقیم در لشکر گاه سیندیه جیمز ایندرسن(James Anderson) مامور شد و او را در گفتگوی با مرهته ها کمك کرد[٤] اما در ۱۲۰۰ھ.ق/۱۷۸٥م به علت بیماری آن ملازمت را ترك کرده به اله آباد به پدر خود آمد و بعد ازان مدتی با شاهزاده جهاندار شاه وابسته بود و به گفته خودش، وی پر اعتماد ترین دوست ومشاور شاهزاده جهاندار شاه بود[٥]- وی بیش از یك سال با شاهزاده جهاندار شاه گذراند[٦]- سپس چند سال در اله آباد و بنارس در درس و تدریس مشغول می ماند[۷]-

در ۱۲۰۹ھ ق/٥-۱۷۹٤م چون انگلیسیان نظام قضاوت را معرفی دادند، وی بعد از خدمت یکی قاضیِ انگلیسی، بـه خدمت ابراهام ویلاند(Abraham Welland) مامور گردید[۸] که در ۱۲۱۱ھ.ق/۱۷۹٦م به طور قاضی به جونپور آمده بود[۹]- سر انجام وی در

۱- الیوت،ج۸،ص٤۱٦

۲- استوری،ص۵۲۰(الیوت ج۸،صص ٤۱٦و۲۳۷ اسمش فقیر خیر الدین محمد نوشته است)

۳- همان ٤- همان،ص۵۲۱

٥- ریو،ج۳،ص۹٤٦

٦- عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۷

۷- استوری،ص۵۲۱

۸- همان

۹- عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۷

جونپور ماندگار شد و آخرین سال های عمر خود در جونپور گزراند و همانجا از انگلیسیان پانسیون می گرفت[۱]۔خیرالدین اله آبادی نزد ۱۲٤۲ھ۔ق/۱۸۲۷م فوت شد[۲]۔

سال تالیف:

در موردِ سال تالیف این کتاب اطلاع دقیق در دست نیست اما چون این اثر دارنده وقایع تا ۱۱۹۵ھ۔ق است و در دیباچه کتاب مؤلف ایراد کرده است که جلد دوم این کتاب دارنده احوال بعدی در مورد راجه ماهی پت نراین و راجه اودت نراین سینگ نگاشته می شود و مؤلف نتوانست که جلد دوم این کتاب را به تکمیل رسانده باشد۔ چون خیر الدین محمد این اثر را به خواهش ابراهام ویلاند تالیف کرد که ازو مؤلف در حدود ۱۲۱۱ھ۔ق وابسته گردید،حتماً این اثر را بعد از ۱۲۱۱ھ۔ق نگاشته باشد۔ چون امکان غالب است که مؤلف برای نوشتن باب چهارم و پنجم این کتاب زنده نماند[۳]۔ این طور می توان حدس زد که این اثر میان ۱۲۱۱ تا۱۲٤۲ھ۔ق(سالِ وفاتِ مؤلف) نگاشته شده باشد۔

سبب تالیف:

مؤلف این کتاب را به حکم قاضی جونپور مستر ابراهام ویلاند(Abraham Welland) تالیف کرده بود[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب تاریخ خانواده های زمینداران بنارس از راجه منسا رام تا معزولی راجه چیت سینگ در ۱۱۹۵ھ۔ق/۱۷۸۱م است[٥]۔ در مقدمه مؤلف ذکر کرده است که او این کتاب را در پنج باب تقسیم کرده اما نسخه های خطی این اثر در کتابخانه موزه بریتانیا، اندیا آفیس، انجمن آسیای بنگال و کتابخانه بانکیپور، فقط سه باب دارد و ریو،اته،مولوی

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۷

۲۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۸۸،ش٤۸۳

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٤۱

٤۔ استوری،ص۷۰۲

٥۔ مارشال۲٥٦

عبدالمقتدر و استوری برین متفق اند که شاید مؤلف نتوانست که این کتاب را تکمیل کرده باشد[1]۔ به مطابق ریو تفصیلِ سه بابِ نخستین چنین است؛ **باب اول** در ذکرِ عروج یافتن راجه های بنارس دارندۀ شرحِ احوال راجه منسارام و خانواده اش است۔ **باب دوم** در بیان احوال راجه بلوند سینگ است و **باب سوم** مشتمل بر تاریخ راجه چیت سینگ است[2]۔ **باب چهارم و پنجم** که دارندۀ تاریخ راجه ماهی پت نراین و راجه اودت نراین باشد،از ۱۱۹٦ هـ.ق/ ۱۷۸۲ م آغاز شده و مؤلف در مقدمه آنرا جلد دوم این کتاب گفته است، شاید به زیور تالیف آراسته نشده بود [3]۔ در باب دوم و سوم این کتاب وقایع تاریخی سال به سال با تفصیل بسیار بیان شده است[4]۔

سبکِ نویسندگی:

به علت عدم دسترسی به متن کتاب قضاوت حتمی در مورد سبك این کتاب برای نگارنده این سطور امکان پذیر نیست البته از آغاز کتاب و ازین رو که این کتاب به فرمایش یکی مرد انگلیسی تالیف شده بود و انگلیسی ها سبك ساده را زیاد پسند می کردند، این کتاب تااندازه ای می توان حدس زد که نثری موجز دارد و به سبکی ساده و بی تکلف نوشته شده است ولی رد یا قبول این امر منحصربه پیدا شدن اسناد دیگر است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این اثر در تاریخ زمینداران بنارس است۔ خیر الدین اله آبادی بسیار کتاب های دیگر هم نوشته بود که درمقدمه این کتاب ذکر دیگرکتاب های مؤلف هم یافته می شود۔ مؤلف گاهی وقایع غیر ضروری را هم ذکر می کند اما باوجود این تحفه تازه کتابی بسیار ارزشمند است[5]۔

۱۔ پرفسور داووسن در تاریخ الیوت بیان ننموده است که این تاریخ فقط سه باب دارد۔

۲۔ ریو،ج ۳،ص۹۳٦

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج ۷،ص ۱٤۱

٤۔ همان

۵۔ الیوت ،ج۸،ص ٤۱٦

آغاز:

'سپاس خداوندی که در دیوان ذاتش دربان دانش به سراج فکرت نتوان رسید...'[۱]

'سپاس خداوندی که در ایوان ذاتش به زبان دانش...' [۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تحفه تازه یا بلوند نامه در کتاب خانه بانکی پور، اندیا آفیس، موزه بریتانیا و انجمن آسیای بنگال موجود است۔ برای تفصیل این نسخه های خطی مراجع شود به استوری،ص۷۰۲ و مارشال،ص۲۵٦۔

تراجم و چاپ:

ترجمه انگلیسی 'تحفه تازه' به نام 'بلونت نامه' (The Bulwuntnamah) از آر۔کروین(R.Curwen) در اله آباد در ۱۸۷۵م چاپ شده است[۳]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔جونپور نامه یا تاریخ جونپور: این اثر در ۱۲۱۱ه۔ق/۱۷۹٦م نگاشته شده بود[٤]۔ جونپور نامه دارنده دو باب است که یکم ازان در تاریخ جونپور تا شکست علی قلی خان به دست اکبر اعظم و دوم در بیان آثار و ساختمان های جونپور است[٥]۔

۲۔گوالیار نامه یا کارنامه گوالیار: این اثر در ۱۲۰۸ه۔ق/۱۷۹۳م در تاریخ گوالیار به ویژه فتح شدن آن به دست انگلیسیان و زهر دادن به راجه چتر سینگ در ۱۲۰۰ه۔ق/٦۔۱۷۸۵م نگاشته شده بود[٦]۔

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۸۸،ش٤۸۳

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٦٤

۳۔ استوری،ص۷۰۲

٤۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۸۸،ش٤۸۳

٥۔ مارشال،ص۲۵٦

٦۔ استوری،ص۷۳٦

۳ـعالم آشوب: این تاریخ هندوستان از یورش نادر شاه تا وفات نجف خان است[۱]ـ

٤ـعبرت نامه: در تاریخ عالم شاه ثانی از ۱۱۷۳ھ.ق/۱۷۵۹م تا ۱۲۰٦ھ.ق/۱۷۹۱م[۲]ـ

۵ـتولای عزیز: این کتاب مشتمل بر استدلال های محکم در جواب 'تحفه اثنای عشر' از شاه عبدالعزیز دهلوی است[۳]ـ

٦ـتذکرة العلما: تقریباً همان جونپور نامه است که با اضافه دو باب یکی در مورد علمای جونپور و دوم دارنده خود نوشت مؤلف است[٤]ـ

۷ـسرابستان: مشتمل براحوال مختصر شاهان هندوستان است[۵]ـ

۸ـگلزار اسرار: این اثر دارنده احوال صوفیای هندوستان است[٦]ـ

۹ـخیر المجالس: این اثر تکمله 'مجالس المومنین' از قاضی نور الله شوستری است[۷]ـ

۱۰ـبرهان امامت: این اثر به حکم آصف الدوله نوشته شده بود[۸]ـ

۱۱ـخوارق قادریه: این اثر به دستور شاه عالم نوشته شده بود[۹]ـ

۱ـ استوری،ص۵۲۱
۲ـ مارشال،ص۲۵٦
۳ـ نبی هادی،ص۳۰۱
٤ـ مارشال،ص۲۵٦
۵ـ استوری،ص۵۲۱
٦ـ همان ۷ـ همان
۸ـ همان ۹ـ همان

تاریخ حسین شاهی/ تواریخ احمد شاهی[۱] از امام الدین حسینی

شرحِ احوالِ مؤلف:

مؤلف در دیباچه گفته است که در ۱۲۱۱ هـ.ق وی به لاهور رفته بود و آنجا شاه زمان خان دربار خود داشته بود[۲]. ازان وقت وی با افواج شاهی به پیشاور می رفت و در فراغت به نوشتن تاریخ آن شاهزاده و خانواده اش مشغول گشت[۳]. چون در اواخرِ ۱۲۱۲ هـ.ق باز به لکنو آمده، این کار خود را به مرشدِ خود سید خواجه ابو محسن حسین چشتی الحسینی المودودی پیش کرد[٤]. مرشدش به دیدن این کتاب بسیار خوشحال شد و امام الدین را یکی مسودۀ تاریخِ احمد شاه و تیمور شاه داد[٥]. امام الدین این مسوده را به نثر ساده گردانیده و حسبِ خواهشِ مرشدِ خود درین تاریخ شامل کرد و این اثر را موسوم به وی ساخته 'حسین شاهی' نام نهاد[٦]. در آخر کتاب گفته است که وی این اثر را در لکنو در ۱۰ جمادی الاول ۱۲۱۳ هـ.ق به تکمیل رسانده بود[۷]. اما از خواجه ابو محسن حسین چشتی دوباره حکم یافت و درین تاریخ نامه های پادشاهان درانیان ازان احمد شاه، تیمور شاه و زمان شاه، را هم گردآوری کرد[۸]. این طور این اثر در ۲۰ جمادی الثانی ۱۲۱۳ هـ.ق تکمیل یافت. در ترقیمه نسخه خطی بانکیپور که نوشته خود مؤلف است، هم تاریخ تالیف این کتاب ۲۰ جمادی الثانی نوشته است: **'تا اینجا، به خطِ بنده درگاه میر امام الدین حسینی مؤلف و جامع، این نسخه حسین شاهی قلمی شد، در بلده لکنو به تاریخ بیستم شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۱۳ هجری نبویؐ به اتمام رسید'**[۹].

۱ـ ریو، ج۳، ص۹۰۵

۲ـ همان

۳ـ استوری، ص۳۹۹

٤ـ ریو، ج۳، ص۹۰۵

٥ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٦، ص۱۹٦

٦ـ ریو، ج۳، ص۹۰۵

۷ـ همان

۸ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٦، ص۱۹۷ ۹ـ همان، ص۲۰۱

در خاتمه کتاب امام الدین بیان کرده است که وی کتابی در موردِ احوال مفصلِ مسافت های دهلی به پنجاب و مولتان و پیشاور وغیره نوشته بود که شخصی رحم علی جمال پوری نامی ازو با وعدۂ چهار صد روپیه و حقوق ماهانه بُرده و به مستر لامسدن(Mr. Lumsden) در لکنو پیش کرده ازو انعامِ این کتاب گرفته بود[۱]۔

سال تالیف:

امام الدین حسینی این اثر را در ۱۲۱۳هـ.ق/۱۷۹۸م در لکنوبه تکمیل رسانده بود[۲]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ حسین شاهی دارندۂ تاریخ مفصل خانواده درانیان از احمد شاه، تیمور شاه و زمان شاه است[۳]۔ این اثر در بیان حسب و نسب احمد شاه درانی آغاز شده است [٤]۔ بعد ازان تاریخ دوره احمد شاه و شش حمله وی بر هندوستان بیان شده است [٥]۔ سپس وفات احمد شاه و جلوس تیمور شاه و وقایع روزگارِ او که بیشتر ازان دربیان فرو نشاندن بغاوت ها است[٦] تا وفات احمدشاه در ۱۲۰۷هـ.ق بیان شده است [۷]۔ افزون بران جلوس شاه زمان در همان سال و احوال زمانِ وی تا ١٤ شعبان ۱۲۱۲هـ.ق بیان شده است[۸]۔

در آخر کتاب مؤلف در موردِ امیران درانیان، مسافت ها از پیشاور تا کابل و قندهار، مزارات بزرگان چشت و معرفی مرشد خود و نامه های شاهان درانیان پرداخته است و خود درین مورد می گوید: **'علاوه احوال سلاطین نقلی چند عجیب وغریب که از زبان ارباب عز و وقار و اصحاب دانش و اعتبار شنیده معه نقشه مزارات حضرات چشت و بیان نسب اطهار سید ممدوح و آخر این کتاب درج نمودم'**[۹]۔

۱۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٦، ص۱۹۷

۲۔ استوری، ص۳۹۹

۳۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱ ستون ۲۳۷، ش۵۸۸

٤۔ همان

٥۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٦، صص۱۹۷۔۱۹۸

٦۔ همان، ص۱۹۹

۷۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱ ستون ۲۳۷، ش۵۸۸

۸۔ ریو، ج۳، ص۹۰۵ ۹۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٦، ص۱۹۷

درین حق مؤلف از مردم های معروف دوره شاه زمان خان به شمولِ امرا و سرداران و سپه سالاران و زمینداران و استان داران و معرفی پنجاب و مسافت ها از پیشاور تا کابل، قندهار و هرات بیان نموده است[1]۔ معرفی مزارات بزرگان چشت و حسب و نسبِ خانوادۂ خواجه ابو محسن چشتی سرپرست و مرشدِ مؤلف[2] و نامه های شاه زمان به شاه عالم و مرزا اکبر شاه فرزندِ شاه عالم و به امیران و سرداران، نامه های احمد شاه به معین الملك پسرِ قمرالدین خان و نامۂ تیمورشاه داده شده است[3]۔

منابع تاریخ حسین شاهی:

مؤلف در دیباچه گفته است که او در نوشتن این کتاب، اخبار جاریه را از مردم های معتبر که درین وقایع وابسته بودند،گرفته است و از خبر های ایران و توران دیگر جاهای بعید که منابع آن معتبر نبود، از ین کتاب حذف کرده است[4]۔

سبكِ کتاب:

به علت عدم دسترسی به نسخه خطی، راقم از اظهار نظر درباره سبك این کتاب قاصر است اما از آغاز و محتویات که مولوی عبدالمقتدر در فهرست کتاب خانه خدابخش پتنه، بانکیپور داده است می توان اندازه بگیرد که این اثر در سبك ساده و روان نوشته شده بود۔ مولف گاهی واژه های عربی هم به کار برده است۔ گاهی از آیات قرانی هم استفاده کرده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب آیینه حیات سیاسی و اجتماعی دوره درانیان است و تاریخ مفصلِ این دوره دارد۔ مؤلف درین کتاب نه تنها تاریخ سه پادشاهان درانیان داده است بلکه این

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۶،ص۲۰۰

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۱ ستون ۲۳۷،ش۵۸۸

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۶،صص۲۰۰۔۲۰۱

۴۔ همان،ج۶،ش۵۳۰،ص۱۹۷

کتاب را با نامه های این پادشاهان، حکایات، نقشه مزارات بزرگان چشت و احوالِ مرشدش و خانواده اش هم مزین ساخته است۔ مختصر آنکه تاریخ حسین شاهی تاریخ مفصل و معتبر ترین اثر در موردِ این دوره به شمار می آید[۱]۔

آغاز:

'حمد بی حد و ثنای بی عد پادشاهی را سزا است که لمن الملك الیوم لله الواحد...'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این اثر در کتاب خانه جهان فراوان است و در کتابخانه بانکیپور، موزه بریتانیا، اندیا آفیس، انجمن آسیایی بنگال، کتاب خانه تونك راجستان و کتاب خانه پاریس نگهداری می شود که ازان نسخه خطیِ کتاب خانه بانکیپور دستنوشتهٔ مؤلف است[۳]۔ نسخه کتاب خانه بانکیپور ۱۷۳ برگِ ۱۵ سطری دارد[٤]۔ جالبِ توجه است که نسخهٔ کتابخانهٔ بانکیپور که تنها دستنوشتهٔ مؤلف است به تاریخ بیستم جمادی الثانی ۱۲۱۳ هـ.ق نگاشته شده بود[٥] ولی نسخهٔ موزه بریتانیا به تاریخ دهم جمادی الاول ۱۲۱۳ هـ.ق نگاشته شده بود[٦]۔

۱۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٦، ش۵۳۰، ص۱۹۷

۲۔ اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۲۳۷، ش۵۸۸

۳۔ استوری، ص۳۹۹

٤۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٦، ش۵۳۰، ص۱۹٦

٥۔ همان، ص۲۰۱

٦۔ ریو، ج۳، ص۹۰۵

بساط الغنایم از لچمی نراین شفیق

شرحِ احوالِ مؤلف:

لچمی نراین(Lachmi Narayan) متخلص به شفیق اورنگ آبادی [1] شاعر و نویسنده معروف فارسی نویس شبه قاره بود۔ وی در ۱۱۵۸ ھ.ق/۱۷٤۵ م در اورنگ آباد زاده شده بود[2]۔ پدر بزرگِ او بوانی داس(Bhawani Das) از لاهور تعلق داشت و به سلك ملازمت اورنگزیب پیوست [3]۔ پدرِ لچمی نراین، رای منسارام از دربار نظام وابسته بود۔ وی نزد چهل سال در دکن پیشکار مانده بود[4]۔ شفیق در کتابی 'حقیقت های هندوستان' می گوید که پدرش دران دربار دیوان بود[5]۔ لچمی نراین شفیق درس فارسی از شیخ عبدالقادر خواند [6]۔ در یازده سالگی می توان شعر گفت و میر عبدالقادر مهربان که استاد نخستِ وی بود، او را صاحبؔ تخلص داد [7]۔ لچمی نراین در زبان فارسی و اردو شعر می سرود و در فارسی از غلام علی آزادؔ بلگرامی اصلاحِ سخن می گرفت۔ وی نخست 'صاحب' تخلص می کرد اما به مشورتِ آزادؔ 'شفیق' به طور تخلص اختیار کرد[8]۔ اما گراهام بیلی(T.Grahame Bailey) می گوید که او در فارسی 'شفیق' و در اردو 'صاحبؔ' تخلص می کرد[9]۔

لچمی نراین به سلك ملازمت عالی جاه پسر نظام علی خان پیوست۔ وی نویسنده متنوع بود اما برای نوشتنِ تذکره های شعراء زیاد معروف است۔ لچمی نراین در ۱۲۲٤ ھ.ق/۱۸۰۸ م فوت شده بود[10]۔

۱۔ ریو، ج ۱، ص ۳۲۸

۲۔ استوری، ص ٤۷٦

۳۔ نبی هادی، ص ٥٤۹

٤۔ ریو، ج ۱، ص ۳۲۷

٥۔ استوری، ص ٤۷٦

٦۔ عبدالله، دکتر سید، سهم هندوواں..، ص ۱۰٤

۷۔ همان ۸۔ همان

۹۔ استوری، ص ٤۷۷ ۱۰۔ نبی هادی، ص ٥٤۹

سال تالیف:

سالِ تالیفِ این اثر از نام این کتاب 'بساط الغنایم' ۱۲۱٤ھ.ق به دست می آید [۱]۔ اما ریو می گوید که از 'بساط الغنایم' ۱۲۰٤ھ.ق به دست می آید و برای سالِ تالیف این اثر باید '**بساط الغنایم**'[۱۲۱٤ھ.ق] خوانده می شود[۲] و همین درست است چون در اختتام نسخه موزه بریتانیا به شماره Add. ۲٦۲۷٤ مؤلف می گوید که وی این اثر را در نوزدهم جمادی الآخر ۱۲۱٤ھ.ق به مطابق هیجدهم نوامبر۱۷۹۹م به تکمیل رسانده بود[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

بساط الغنایم از لچمی نراین شفیق در تاریخِ قوم مرهته از ابتدا تا شکستِ ایشان به دست احمد شاه ابدالی در نبردِ پانی پت است۔ کتاب چاپی این اثر مرتبه غلام صمدانی گوهر مشتمل بر سیزده فصل است۔ نگارنده این سطور این کتاب چاپی را در کتاب خانه انجمن ترقی اردو ملاحظه کرده و دران کتاب نامِ فصل ها چنین است: ۱. تمهیدِ سخن در تالیف کتاب و بیان اقوام مرهته۔ اینجا مؤلف نام های هفتاد اقوام مرهته بیان نموده است اما چون قوم بونسله از مرهته ها به حکومت رسید، فقط این خانواده را شرح و بسط کیفیت نموده است، ۲. بیان وجه تسمیه 'بونسله' و شروع احوال نسب او، ۳. احوال سلطنت خاندان نوشیروان به طریق اجمال، ٤. احوال مرهته از 'تاریخ مرهتی' که نام مؤلف و سنه تالیف ازان پیدا نیست، ۵. ولادت سیوا جی بونسله، ٦. عرضی سیوا جی به عالمگیر پادشاه، ۷. کیفیت آغاز ریاست سانبا جی بعد وفاتِ سیوا جی پدرش، ۸. آغاز کیفیت مداخلت براهمه کوکنی در دولت مرهته بونسله و برکنار گزاشتن آنها را فقط به نام توزکی، ۹. تسلط بالاجی راو پسر باجی راو، ۱۰. فوج کشی عمادالملك به اتفاق هولکر جی اپا جانب ملك

۱ـ رهاتسك، ایدوردز، فهرست کتابخانه ملا فیروز بمئبی، ص۷۳

۲ـ ریو، ج۱، ص۳۲۸

۳ـ همان ص۳۲۹

جات، ۱۱۔ آمدن احمد شاه ابدالی جانب هندوستان و به قتل رساندن دتاجی پتیل و سابا جی راو، ۱۲۔ نهضتِ سدا شیو راو و بسواس راو فرزندش از دکن به مقابله احمد شاه ابدالی و غریق گشتنِ آنها در بحر فنا، ۱۳۔ نبرد آراستن بهادو و بسواس راو با شاه درانی و به قتل رسیدن با تمامی لشکر[1]۔

سبکِ کتاب:

سبکِ این کتاب ساده و روان است و مؤلف گاهی نثر را با شعر هم مزین کرده است۔ به روشِ دیگر نویسندگانِ شبه قاره، وی درین کتاب واژه های محلی هم به کار برده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

لچمی نراین شفیق از مشاهیر نویسندگان زمان خود بود۔ وی درین کتاب نام های هفتاد قوم مرهته داده است و نسبِ ایشان تا نوشیروان شاهِ ایران بیان نموده است۔ مولف درین تاریخ از ذکر نام خود اجتناب کرده است و این به جای خود دلیل است که این تاریخ از شایبه غرض ورزی عاری است و در نگارش این هیچگونه منافع شخصيِ نویسنده درکار نبوده است۔مختصر اینکه بساط الغنایم از نظر تاریخی و ادبی اثرِ بسیار ارزش مند به شمار می آید۔دکتر سید عبدالله در موردِ بساط الغنایم می گوید که در بساط الغنایم شفیق بسیار درهای معلوماتِ نو بر ما وا کرده است....، وی فاضلِ همه دان بود و افزون بر مورخ پیروز، بهترین تذکره نگار و شاعر هم بود[2]۔

آغاز:

۔ 'الله الله این نوید آمد به گوش
می رساند مژدهٔ تازه سروش

۱۔ شفیق،لچمی نراین،بساط الغنایم،مرتبه غلام صمدانی گوهر(فهرست کتاب)،حیدرآباد،۱۳۱٤ه.ق

۲۔ عبدالله،دکتر سید، سهم هندووان..،ص٩٦

در این اوقات همایون و احیان مسرت ومشحون که از شهور سنه یك هزار ودوصد و چهارده هجریه...»[1]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی بساط الغنایم در کتاب خانه موزه بریتانیا، کتاب خانه آصفیه، کتاب خانه اندیاآفیس و کتاب خانه ملا فیروز بمئی موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۷٦۳۔

تراجم و چاپ:

این اثر در ۱۳۱٤ھ۔ق در نظام المطابع حیدرآباد چاپ شده بود که صد و ده صفحه دارد و غلام صمدانی گوهر این را مرتب کرده بود۔ این کتاب چاپی در کتاب خانه انجمن ترقی اردو کراچی نگهداری می شود و نویسنده این سطور در نوشتن این مقاله ازان کتاب چاپی بهره برده است۔

بر حاشیۂ نسخه اندیا آفیس که نخست در ملكِ کولونل واتسن(Col. J. W. Watson) بود، ترجمۂ انگلیسی این کتاب از همان کولونل واتسن موجود است و بران مقام و تاریخ راجکوت، ٥ جون۱۸۷۸م نوشته شده است[2]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۱٤٦

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۲،ستون۸،ش۳۰۱۸

حدیقةالعالم از ابوالقاسم شوستری

شرحِ احوالِ مؤلف:

ابوالقاسم پسر رضی الدین الموسوی الملقب به میر عالم[١] در حیدرآباد در ١١٦٦ھ.ق/٣-١٧٥٢م به دنیا آمد[٢]- پدرش در زمان آصف جاه یکم از شوسترِ ایران به هندوستان آمده بود[٣]- ابوالقاسم به ملازمتِ نواب آصف علی خان پیوست و یکی از معتمدِ برجستهٔ وی بود و در ١٢٠١ھ.ق/٧-١٧٨٦م برای گفتگوی با لُرد کارنوالس (Lord Cornowallis) به کلکته فرستاده شده بود و چون از کلکته بازگشت، به لقب 'میرعالم' سرفراز گشت[٤]-در ١٢٠٦ھ.ق/١٧٩٢م در معاهده صلح و صفا با تیپو سلطان کار نمایان سرانجام داد[٥]-در ١٢١٣ھ.ق/١٧٩٩م در محاصره سرنگا پتم او سالار افواج نظام بود[٦]- اما در سال آینده او از کار خود دور کرده شده بود[٧]- در ربیع الثانی ١٢١٩ھ.ق/١٨٠٤م سکندرجاه او را دوباره دیوان و مدارالمهام مقرر کرد[٨]-در ٢٣ شوال ١٢٢٣ھ.ق/ ١٢ دسامبر١٨٠٨م فوت شده و در دایره میر مومن در حیدرآباد مدفون گردید[٩]-

جالب است که یکی معاصر ابوالقاسم به نام میر ابوتراب بن سید احمد رضوی دعوٰی کرده است که حسب خواهش نظام شاه میر اکبر علی خان آصف جاه دوم، وزیر ابولقاسم موسوی ملقب به میر عالم، وی(ابوتراب) را برای نوشتن تاریخ قطب شاهیان که دو صد سال بر تلنگا حکمرانی کردند، از تاریخ قطبشاه و تاریخ های دیگر مستأجر کرد و او این تاریخ را به نام 'قطب نمای عالم' در ١٢٢١ھ.ق/١٨٠٦م نوشت[١٠]-نسخه قطب نمای

١- ریو،ج١،ص٣٢٣

٢- استوری،ص٧٥١ ٣- همان

٤- همان (ریو،ج١،ص٣٢٣، سال ملاقات با لُرد کارنوالس ١٢٠٥ھ.ق نوشته است)

٥- ریو،ج١،صص٣٢٣-٣٢٤ ٦- استوری،ص٧٥١

٧- ریو،ج١،ص٣٢٤

٨- استوری،ص٧٥١(ریو،ج١،ص٣٢٤ نوشته است که او در١٢١٨ھ.ق از نفوذ انگلیسیان مدارالمهام مقرر شده بود)

٩- همان

١٠- اته،اندیا آفیس،ج١،ستون ١٨٠، ش٤٦٥

عالم در همین کتاب خانۂ اندیا آفیس به شماره ۳٤٥۳، شماره فهرست ۲۸٤۰ موجود است و برابر نسخۂ حدیقة العالم است و اصلاً ابوتراب در نسخۂ 'قطب نمای عالم' دعوای نوشتن حدیقة العالم کرده است۔

ریو هم ازین اتفاق کرده است۔ در دیباچۂ نسخه موزه بریتانیا، به شماره Add. ۲٦۲٥۹ که مشتمل بر مقاله دوم این کتاب است و ۳۲٥ برگ دارد، محمد ابوتراب بن سید احمد الرضوی می گوید که 'بعد از تکمیل مقاله یکم که در دیباچه آن خود را 'میر عالم' گفتم، اکنون مقاله دوم را آغاز می کنم'۔ جالب توجه است، در کتاب چاپی، جای که میر عالم برای خود کلمۂ 'این خیر اندیش' به کار برده است، در نسخۂ موزه بریتانیا نامِ وی به طور شخص سوم یاد شده است[۱]۔ به واژۂ ریو:

"And it is worthy of remark that in those passages in which Mir 'Alam refers to himself by such phrase as " this well-wisher," as in the printed text, vol. ii., pp. 389, 390, he is, in the present copy, fol. 324 b, 325 &, mentioned by name as a third person."[۲]

سال تالیف:

این اثر در ۱۲۱٤ھ.ق/ ۱۷۹۹۔۱۸۰۰م نگاشته شده بود[۳]۔

سبب تالیف:

در باره سبب تالیف این کتاب مؤلف در دیباچه می گوید که برای سبك باری احسان های شاهان، هرقدر فراغت که او می توانست از کارهای خود گرفته، در نوشتن تاریخ خاندان آصفیه مشغول گشت و این کار خود را خیلی مهم یافت که تاریخ قطب

۱۔ ریو، ج۱،ص۳۲٥

۲۔ همان

۳۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰،ص٥۳٥

شاهیان هم درین کتاب شامل باشد[1]۔

محتویاتِ کتاب:

حدیقة‌العالم تاریخ قطب شاهیان و آصف جاهیان دکن است۔ ابوالقاسم این کتاب را در دو مقاله نگاشته بود۔ مقاله یکم در موردِ تاریخ قطب شاهیان و مقاله دوم در بیان تاریخ آصف جاهیان است۔

مقاله یکم در یك مقدمه و هفت باب منقسم است۔ اته در فهرست کتابخانه اندیا آفیس تفصیل این مقاله چنین نقل کرده است؛ **مقدمه** در بیان نسب شریف شاه غفران پناه سلطان قلی قطبشاه، **باب یکم** در بیان احوال خسرو موید پادشاه غفران پناه سلطان قلی قطبشاه، **باب دوم** در احوال جم جاه جمشید قطبشاه و شاهزاده سبحان قلی، **باب سوم** در احوال پادشاه خلایق پناه ابراهیم قطبشاه، **باب چهارم** در بیان احوال سلطان معدلت نشان سایه لطف الله ابوالمظفر سلطان محمد قلی قطبشاه، **باب پنجم** در احوال حضرت ظل الٰهی زینت بخش سریر شاهی پادشاه دین پناه سلطان محمد قطبشاه، **باب ششم** در بیان احوال پادشاه ذی شوکت و حشمت زینت بخش اورنگ شاهی قایم مقام حضرت ظل الٰهی پادشاه معدلت پناه سلطان عبدالله قطبشاه، **باب هفتم** در بیان احوال پادشاه مشمول رحمت الله سلطان ابوالحسن قطبشاه معروف به تاناشاه[2]۔

مقاله دوم دارندۀ یك مقدمه و پنج باب است۔ **مقدمه** در بیان احوال امرای عظیم الشان که از جانب سلاطین تیموریه هندوستان نظم و نسق این مملکت پرداخته اند[3]۔ ریو در جلد یکم فهرست موزه بریتانیا بر صفحه۳۲٤۔۳۲۵ نام های بابِ این مقالۀ دوم بر اساس نسخه به شماره Add. ٢٦٢٥٩ چنین نقل می کند؛ **باب یکم** در بیان تاریخ نظام الملك آصف

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۲٤

۲۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۱۵۳۹۔٤۰،ش۲۸۳۹

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳٦،به حواله نسخه بهاولپور

جاه از اوایل زندگانی تا مرگ وی در ٤ جمادی الثانی ۱۱٦۱هـ.ق است۔ **باب دوم** درباره دوره نظام الدوله ناصر جنگ که در ۱۷ محرم ۱۱٦٤هـ.ق فوت شد و احوال مرهته ها است۔ **باب سوم** دوره امیرالممالك صلابت جنگ که در ١٤ ذی الحجه ۱۱۷۵هـ.ق در 'بیدر' قید شده در ۳ ربیع الثانی ۱۱۷۷هـ.ق فوت شد و یورش مرهته ها و شکست ایشان از درانی ها، دارد۔ **باب چهارم** در بیان دوره نظام علی خان آصف جاه دوم و تاریخ حیدر نایك است۔ **باب پنجم** در بیان آوردن پسر های تیپو سلطان پیش لُرد کارنوالس در ۳ رجب ۱۲۰٦هـ.ق است[۱]۔ **خاتمه** کتاب که درباره زندگانی مؤلف باشد، به ظاهر نوشته نشده بود[۲]۔

سبكِ کتاب:

مولف این کتاب را حسب سبك آن زمان در نثر ساده و روان نوشته است۔ اما گاهی چون عنوان باب ها می نویسد کلمات مسجع و مقفیٰ به کار می برد۔

'ضیا اندوزی مشرق سخن رانی و شعشه افروزی صبح روشن بیانی به پرتو ذکر طلوع آفتاب بیت الشرف دولت و جهانبانی یعنی ولادت با سعادت جناب ثانی آصف و آصف ثانی..'[۳]

'بیان آغاز طلوع انوار این دولت ابد بنیان و شروع شیوع میامن عدل و احسان داور جهان و ذکر توجه موکب اقبال آن خدیو کامگار به جانب ملك برار'[٤]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

حدیقة العالم درمورد تاریخِ سلاطین دکن کتاب بسیار ارزشمند است۔ این کتاب دارندۂ تاریخ قطبشاهیان و آصف جاهیان است و مؤلف درین کتاب تاریخ مفصل شاهان دکن بیان نموده است۔ خود مؤلف وزیر و معتمدنظام الملك آصفجاه دوم نظام علی خان

۱۔ ریو، ج۱، ص۳۲۵ (استوری،ص۷۵۲ احوال جنگ دوم میسور و وفات تیپو سلطان در باب چهارم بیان نموده و باب پنجم در باره سکندرجاه نوشته است)

۲۔ استوری،ص۷۵۲

۳۔ اته، اندیا آفیس،ستون ۱۸۱، ش٤٦٦

٤۔ همان

بود و بر وقایع زمان خود آگهی بیشتری داشت۔

آغاز:

جلد یکم: 'نظام ملك سخنوری و انتظام قلمرو معنی گستری وقف سالاری حمد شاهنشاهی که دبیر حکمت کامله اش ....'[۱]

جلد دوم: 'مقاله دوم از تاریخ حدیقةالعالم در ذکر اخبار جلالت آثار سلسله علیه آصفیه ..'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا و اندیا آفیس و انجمن آسیای شاهی(Royal Asiatic Society) موجود است، اما هیچ یك ازین نسخه ها کامل نیست۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۷۵۲۔

در پاکستان سه نسخه های خطی این کتاب موجود است که یکی در کتابخانه مرکزی بهاولپور و دو در موزه ملی پاکستان کراچی موجود است که ازین فقط نسخه موزه ملی پاکستان به شماره N.M. ۱۹٦۱۔۱۵۳۲ کامل معلوم می شود۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجعه شود به فهرست مشترك منزوی جلد۱۰،صص۵۳۵۔۵۳٦.

تراجم و چاپ:

این کتاب در حیدرآباد دو بار در ۱۲٦٦ھ.ق/۱۸۵۰م و ۱۳۱۰ھ.ق/۳۔۱۸۹۲م به چاپ رسیده است[۳]۔ ریو سال چاپ این در حیدر آباد در ۱۲٦۵ھ.ق نوشته است[٤]۔

ترجمه ملخص مقاله دوم این کتاب از ایست ویك (E.B.Eastwick) به نام 'قیصر نامه هند' در لندن در ۸۲۔۱۸۷۷م به چاپ رسیده است[۵]۔

آثار دیگر مولف:

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۱۸۱،ش٤٦٦

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج ۱۰،ص۵۳۵،از نسخه بهاولپور

۳۔ استوری،ص۷۵۲/ مارشال،ص۲۹۱

٤۔ ریو،ج۱،ص۳۲٤

۵۔ استوری،ص۷۵۲

علاوه بر حدیقة العالم ابوالقاسم تاریخی به نام 'بیان جنگ آصفجاه که در برار واقع شده' هم نوشته بود[۱]۔ مارشال از وی مجموعه نامه ها به نام 'منشآت میر عالم' را هم نشان داده است[۲]۔

۱۔ استوری،ص۷۵۲

۲۔ مارشال،ص۲۹۱

تذکرة البلاد و الحکام از میر حسین علی خان کرمانی

شرحِ احوالِ مؤلف:

ذکرِ حسین علی خان کرمانی در بیانِ 'نشان حیدری'،ص۳۵٦ می آید۔

سال تالیف:

'تذکرة البلاد و الحکام' در ۱۲۱۵ھ.ق/۱۔۱۸۰۰م تکمیل یافته بود[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارندۀ تاریخ ریاست های بالاگات(Balaghat) است۔ مؤلف این اثر را در دوازده فصل نگاشته هر فصل را 'اورنگ' نام نهاد [۲]۔ چون از نام این کتاب عیان است،در بیان هر ریاست مؤلف ذکر حکام آنجا هم پرداخته است۔ تفصیل این اورنگ ها چنین است؛ ۱. درباره پینو کونده و بیجانگر یا آنی کوندی در شهرستان مدراس، ۲. سرا در میسور، ۳.آدونی(Adhoni) در شهرستان میسور، ٤. افغان های ساوانور در شهرستان بمئي، ۵. خوانین کراپا در شهرستان مدراس، ٦. احوال کرنول در شهرستان مدراس، ۷. احوالِ پالیکارانِ هرپن هالی در شهرستان مدراس،۸. رای دروگ در شهرستان بلهاری، ۹. بالاپور در میسور، ۱۰. کنچن گره(Kinchan Garh) در شهرستان بلهاری، ۱۱. گوتی در شهرستان بلهاری، ۱۲. سرهتی(Sirhatti)در شهرستان بمئي[۳]۔

در فهرست منزوی بیان شده است که این اثر در چهارده 'اورنگ' نگاشته شده بود و نام اورنگِ سیزدهم،'تاریخ بلهاری و آننت پور' و اورنگ چهاردهم،'شیخ احمد ملك جهان خان نصیب الدوله بهادر عرف دهوندو جی واگیه' داده شده است [٤]۔اما در فهرستِ

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۲۱

۲۔ همان

۳۔ استوری،صص۷٦۵۔۷٦٦(برای تفصیل محتویات این کتاب مراجع شود به ریو،ج۱،صص۳۲۱۔۳۳۲)

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳٦

منزوی نام باب هفتم،یازدهم و دوازدهم داده نشده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

ازان روی که مولف درین کتاب تاریخ مضافات دکن و بالاگات پرداخته است، این کتاب خیلی مهم است چون در هیچ کتاب دیگر که در دورۂ تیموریان متاخر نگاشته شده بود، این تاریخ محلی به این تفصیل بیان نشده است۔

آغاز:

'تسخیر قلاع اقالیم فصاحت فصحا و مفتاح قفل گنجینه بلاغت بلغا، سپاس بی قیاس شاهنشاهی ست...'[1]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا و کتاب خانه اندیا آفیس نگهداری می شود۔ در پاکستان نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه انجمن ترقی اردو و کتابخانه لیاقت میموریل نگهداری می شود۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به فهرست مشترك منزوی،ج۱۰،ص۵۳۷۔

تراجم و چاپ:

اورنگِ چهارم، ششم و دوازدهمِ این کتاب در ۱۸۱۱م به توسط کرك پاتریك(W.Kirkpatrick) به زبان انگلیسی ترجمه شده است[2]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳٦

۲۔ استوری،ص۷٦٦

شاهنامه منور کلام[1] از شیوداس لکنوی

شرحِ احوالِ مؤلف:

در بـاره شیـوداس اطـلاعِ دقیقی در دست نیست۔ الیوت در باره وی نوشته است که او مـدتـی دراز در صحبتِ اشرافیه و علمای به سر برد و خدمتِ ایشان به جا آورد [2]۔احمد منـزوی اطـلاع مـی دهد که اواز منشیان دربارِ شاهی بود و در زمان محمد شاه نایبِ استان دار آگره بود و در همین شهر در گذشت[3]۔

سال تالیف:

در مـوردِ سال تالیفِ این کتاب اختلاف است۔ اگرچه این تاریخ دارندۀ احوالِ عهدِ فـرخ سیـر و چهار سال نخستِ محمدشاه[4]، یعنی از ۱۱۲٤ھ.ق تا ۱۱۳٤ھ.ق، است۔ اما در برخی منابع [5] سال تالیفِ این اثر ۱۲۱۷ھ.ق/ ۱۸۰۲م آمده است که بعید از قیاس است۔ چـون این طور مؤلف این وقایع را حدِ اقل بـعد از هشتاد سال نوشت و در ۱۲۱۷ھ.ق وقایع را فـقط تا سال ۱۱۳٤ھ.ق به رشتۀ تحریر آورد۔ چون مؤلف در دوره محمد شاه نایب صوبه دارِ آگره نیز بود، آنوقت هم حد اقل پانزده یا بیست ساله بوده ۔ ممکن است که این تاریخِ کتابتِ نسخۀ دستنوشته باشد که ایشان ازین اشتباه کردند ولی رد یا قبولِ این امر منحصر به پیدا شدنِ اسناد دیگر است۔

محتویاتِ کتاب:

اگـرچه این کتاب دارندۀ تاریخ از عهدِ فرخ سیر و چهار سال نخست پادشاهی محمد

۱ـ وحید مـرزا،دکتـر،پـاکستـان و هـنـد،ج۵،ص۱۵۰ احتـمـال کرده است کـه نـامِ اصلِ این کتاب 'شاهنامه منور قلم' باشد۔

۲ـ الیوت،ج۸،ص۳۳۱

۳ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳۸

٤ـ ریو،ج۱،ص۲۷٤

۵ـ وحیدمـرزا،دکتـر،پاکستـان و هـنـد،ج۵، ص۱۵۱/نبـی هـادی، ص۵۷۱/مـنـزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳۸/ الیوت،ج۸، ص۳۳۱

شاه است اما مؤلف این کتاب را فقط در تاریخِ پادشاهان ننگاشته بود بلکه اطلاعاتی از امیران و وابستگانِ دربار هم آورده است و این چیز ها را تحتِ عنوانِ 'وقایع' نوشته است[۱]۔ علاوه بر این مؤلف این کتاب را با نامه های رسمی و فرامینِ شاهی مزین ساخته است[۲]۔ ریو در فهرستِ موزه بریتانیا، ترتیب موضوعات اصلی کتاب راچنین ذکر نموده است: القابات و مناصبی که فرخ سیر بعد از پیروزی اش به برادرانِ سادات و امرای دیگر را بخشید، سپر انداختنِ راجه اجیت سینگ، روانگی میر جمله به پتنه، مناصب یافتنِ محمد مراد اعتقاد خان، اسیری فرخ سیر در ۸ ربیع الثانی ۱۱۲۹ ه.ق، شاهی رفیع الدرجات، شاهی نیکوسیرو تصرف آگره، جلوس محمد شاه، تصرف دکن به دست نظام الملك، کشته شدن حسین علی خان و غیرت خان، برکناری محمد ابراهیم به شاهی به دست سید عبدالله خان و لشکر کشی بر ضدِ محمد شاه، شکستِ سید عبدالله خان در سیزدهم محرم ۱۱۳۲ ه.ق، مناصب گرفتنِ امرا بعد از پیروزی محمد شاه و احوالِ دربارش که مؤلف روز به روز نگاشته است، وزارتِ نظام الملك در پانزده جمادی الاول ۱۱۳٤ ه.ق[۳]، بعد ازین مؤلف وقایع تاریخی را تا دوم رجب ۱۱۳٤ ه.ق نگاشته است[٤]۔

سبكِ کتاب:

این کتاب به نثری روشن و ساده و روان است و در آن متن بیشتری از نامه های رسمی و فرمان های شاهی گنجانیده شده است[۵]۔ بر روشِ دیگر نویسندگانِ هندوی زمانِ خود، مؤلف این کتاب را به طرزِ مسلمانان به نامِ خداوند آغاز کرده است۔ برای نمونه سبك این کتاب اینجا یکی اقتباس ازان نقل می شود: **'هرچند مزاج مقدس برین نبود که میر جمله بهادر از حضور جدا شود اما چون حضرت دیدند که مقدمه سلطنت برهم می**

۱۔ ریو، ج۱، ص۲۷٤

۲۔ استوری، ص٦۰۸

۳۔ همان

٤۔ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۲، ص۱۵٦٤

۵۔ همان

شود به مقتضای مصلحت وقت منظور فرموده نظم و نسق کل صوبه جات دکن به امیر الامرا تفویض یافت و بندوبست صوبه پتنا و نواحی آن به میر جمله بهادر نامزد گشت۔ در معدود ایام هر دوکس به عطای خلعت و اقبال و جواهرات اسپ و شمشیر ممتاز گردید از جناب مقدس معلی رخصت نموده از آنجا که جدایی میر جمله بهادر بر مزاج اقدس خیلی شاق گشت ارشاد گردید که بالفعل به پتنا رفته استقامت نماید و منتظر حکم حضور باشد۔ هرگاه ایما شود خود را زود به آستان فیض نشان رسانیده سعادت اندوز ملازمت گردد۔ امیرالامرا به موجب حکم اقدس نیابت بخشی گری به صمصام الدوله خاندوران بهادر مقرر نموده مهر خود حواله مشارٌ الیه نمود و بعد حصول رخصت با جمعیت شایسته روانه صوبه جات دکن شد و میر جمله بهادر نیز سپاه با خود فراهم آورده عازم محال متعلقه خود گردید و به اعیان آن طرف و نواحی به هر یك خط نوشت و هر همه را امیدوار مناصب و اقبال و خدمات و زر و جواهرات نموده طلب داشت'[۱]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

عهدِ فرخ سیر و جلوس محمد شاه در تاریخ تیموریان خیلی مهم است که بعد ازان سلطنتِ ایشان رو به زوال نهاد۔ شاه نامه منور کلام در موردِ همین دوره نگاشته شده است۔ احوال وزارت نظام الملك که شاملِ این کتاب است، خیلی مهم است[۲]۔ این تاریخ مجموعۀ مهمیِ زندگینامه ها و حکایاتِ جالب است [۳]۔ مؤلف چون احوال دوره محمد شاه روز به روز نگاشته است، ازین رو این کتاب هم ارزشِ فراوان دارد۔

آغاز:

'سپاس بی قیاسِ ایزدِ کارسازِ بی نیاز، بی چون و بی چگون، بی شبه و بی نمون

۱۔ شیو داس لکنوی، شاهنامه منور کلام، نسخه موزه ملی پاکستان، ش N.M. ۱۹۵۷.۲٤۷/۱۲، برگ ۵(الف)

۲۔ عبدالله، دکتر سید، سهم هندووان....، ص ۹۷

۳۔ الیوت، ج ۸، ص ۳۳۱/وحیدمرزا، دکتر، پاکستان و هند...، ج۵، ص ۱۵۱

صاحب فضل و کرم خداوند معظم منصف مطلق عادل بر حق رهنمای گمرهان بادیه ضلالت هادی طریق دین و ملت...'[1]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی از شاهنامه منور کلام در کتابخانه جهان فراوان است۔ برای تفصیل نسخه های خطی شاهنامه منور کلام مراجع شود به استوری،ص۶۰۸ و مارشال ص۴٤۷۔ در پاکستان ازان فقط یکی نسخه در موزه ملی پاکستان به شماره N.M. ۱۹۵۷_۲٤۷/۱۲ موجود است۔

تراجم و چاپ:

مستر پریچارد(Lieut. Prichard)، حسبِ فرمایشِ الیوت شاهنامهٔ منور کلام را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است [2] و نسخهٔ خطیِ این ترجمهٔ انگلیسی در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Add ۳۰۷۸۵ نگهداری می شود[3]۔

شاهنامه منور قلم با تصحیح سید حسن عسکری در پتنه در ۱۹٦۸ م به چاپ رسیده است[4]۔

آثار دیگر مؤلف:

مارشال علاوه بر 'شاه نامه منور کلام' دو اثر دیگر، یکی 'اقبال نامه' دارندهٔ تاریخ تا بیست و هشتم سال جلوس محمد شاه و دیگری 'فرخ سیر نامه' مشتمل بر تاریخِ دورهٔ فرخ سیر، از شیو داس لکنوی منسوب کرده است[5]۔

۱۔ شیو داس لکنوی،شاهنامه منور کلام، نسخه موزه ملی پاکستان،ش N.M. ۱۹۵۷.۲٤۷/۱۲،برگ یکم(الف)

۲۔ الیوت،ج۸،ص ۳۳۱/وحیدمرزا، دکتر،پاکستان و هند،ج۵، ص ۱۵۱

۳۔ ریو، ج۳، ص۹۳۹

٤۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱۵٦٤

۵۔ مارشال،ص٤٤۷

نشان حیدری از میر حسین علی خان کرمانی

شرحِ احوالِ مؤلف:

دربارۂ میر حسین علی خان پسر سید عبدالقادر کرمانی [۱] نویسندۂ 'نشانِ حیدری' اطلاعی زیاد در دست نیست الا که او به حیدر علی خان و تیپو سلطان پیوسته بود و تیپو سلطان را از ۱۱۹٦ه.ق تا ۱۲۰۱ه.ق/ ۱۷۸۱م تا ۱۷۸٦م خدمت انجام می داد[۲]- اما اته می گوید که او از ۱۱٦۷ه.ق تا ۱۲۱۳ه.ق / ۱۷۵٤م تا ۱۷۹۹م در خدمت حیدر علی و تیپو سلطان به سر برد[۳]- حسین علی خان کرمانی بیشتر وقایع تاریخی که درین کتاب ذکر کرده با چشم خود ملاحظه کرده بود[٤]- علاوه بر حیدرعلی و تیپوسلطان، وی به ملازمان کولونل کولن میکنزی(Lieut. Col. Colin Mackenzie) هم مانده بود[۵]-

سال تالیف:

این اثر به تاریخِ ۹ رجب ۱۲۱۷ه.ق/ ۵ نوامبر ۱۸۰۲م نوشته شده بود[٦]- ریو سال تالیف نشان حیدری ۱۲۱۳ه.ق نگاشته می گوید که در کتاب 'تذکرة البلاد و الحکام' که در ۱۲۱۵ه.ق نوشته شده بود مؤلف بارها حواله نشان حیدری داده است[۷]- اما چون نشان حیدری در ۱۲۱۷ه.ق تالیف شده بود، چطور ممکن است که کتابی که قبل از آن در ۱۲۱۵ه.ق نگاشته شده بود، حوالۂ کتابِ ۱۲۱۷ه.ق داشته باشد؟ البته این ممکن است که نشان حیدری در ۱۲۱۷ه.ق تکمیل یافته باشد و مؤلف چند سال پیشتر، نوشتن این هر دو کتاب را آغاز کرده باشد و در تذکرة البلاد والحکام، نشان حیدری را ذکر کرده است که

۱- استوری،ص ۷۷٤

۲- ریو،ج ۱،ص ۳۳۱/ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج ۳۱،ص ۳۵

۳- اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۰۸،ش ۵۲۲

٤- عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج ۳۱،ص ۳۵

۵- استوری،ص ۷٦۵

٦- اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۰۸،ش ۵۲۲/ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج ۳۱،ص ۳۵

۷- ریو،ج ۱،ص ۳۳۱

آنوقت در مرحله نوشتاری بوده۔

سبب تالیف:

این کتاب در ۱۲۱۷ ھ۔ق به فرمایشِ مردی صاحب مقام که نام او گفته نشده، نوشته شده بود و ممکن است پسر تیپو سلطان یا کسی از حاکمان انگلیسی در هند باشد که به تاریخ میسور علاقه مند بوده است[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

نشان حیدری دارندۂ تاریخ حیدر علی خان و تیپو سلطان است۔ بخشِ کوتاه آن در تاریخ روزگار حیدر علی و بخش بزرگ آن در تاریخ روزگار تیپو سلطان است[۲]۔ بعد از مقدمه این کتاب از '**ذکر جد و آبای حیدر علی خان بهادر در طریق اجمال**' آغاز می شود[۳]۔ بعد ازان تاریخ حیدر علی تا مرگِ وی در ۱۱۹۷ھ۔ق/ ۱۷۸۲م و سپس تاریخ تیپو سلطان تا مرگِ وی بیان شده است[٤]۔مؤلف از ولادت تیپو سلطان در ۱۱٦۳ ھ۔ق/۱۷٤۹م تاریخ را بسیار مفصل بیان نموده است[۵]۔ این تاریخ بر وفات تیپو سلطان در ۱۲۱۳ ھ۔ق/ ۱۷۹۹م اختتام می پذیرد[٦]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

چون حسین علی خان کرمانی خود به حیدر علی خان و تیپو سلطان پیوسته بود و بیشتر وقایع تاریخی که در نشان حیدری ذکر نموده،دیده های خود اوست، این کتاب ارزش فراوان دارد۔با بیان شجاعت و بسالت تیپو سلطان، مؤلف علت های شکست وی هم بیان نموده است و احوال که بعد از این جنگ پیش آمد، هم ذکر کرده است۔افزون بران این کتاب دارندۂ سیرتِ شخصی تیپو سلطان هم است۔

۱۔ وحید مرزا، دکتر، پاکستان و هند، ج۵، صص ۵۲۲۔۵۲۳ / حجتی، حمیده، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، ص۲۵۳۹

۲۔ حجتی، حمیده، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۳، ص۲۵۳۹

۳۔ اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۲۰۸، ش۵۲۲

٤۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۲۱، ص۳۵

۵۔ اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۲۰۸، ش۵۲۲

٦۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۲۱، ص۳۵

آغاز:

آغاز مقدمه: **'زیور نام آوری شاهد قلم و زبان و زیب انجمن آرایان حدیقه شرح و بیان حمد قادری است ...'**[۱]

آغاز کتاب: **'شیرازه دفتر اخبار عالم و جامعه مجموعه افراد اوضاع مبین کافه امم .....'**[۲]

'شیرازه دفتر متفرق اخبار عالم و جامعه مجموعه افراد اوضاع متباین کافه امم حمد مالك الملکی...'[۳]

نسخه های خطی:

در کتاب خانه های جهان فراوان است که مهم ازان در کتاب خانۀ انجمن آسیای بنگال، کتاب خانه بانکیپور، کتاب خانه آصفیه و کتاب خانه اندیا آفیس موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری، ص۷۷٤ و مارشال، ص۱۹۱۔

در پاکستان فقط یك نسخه معلوم 'نشان حیدری' در کتاب خانه انجمن ترقی اردو کراچی به شماره٤ق ف ٦٦موجود است[٤]۔

تراجم و چاپ:

این اثر در ۱۳۰۷ ھ.ق/ ۱۸۹۰م در بمئی چاپ شده بود[۵]۔ ترجمه انگلیسی این کتاب از کولونل ویلیام مایلز(Col. William Miles) در دو بخش دربارۀ حیدر علی خان در ۱۸٤۲ م و درمورد تیپو سلطان در ۱۸٦٤ م در لندن چاپ گردیده است[٦]۔ در دانشنامه ادب فارسی، ج٤، ص۲۵۳۹ و تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ج۵، صص۵۲۳ـ۵۲٤ تفصیلِ همه بیست باب از ترجمۀ ویلیام مایلز داده شده است۔

آثار دیگر مؤلف:

۱ـ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون۲۰۸، ش۵۲۲

۲ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۳۱، ص۳۵

۳ـ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون۲۰۸، ش۵۲۳/ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۵۳۷

٤ـ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۵۳۷

۵ـ ایدوردز، موزه بریتانیا چاپی، ستون۲٦۹ـ۲۷۰

٦ـ همان، ستون۲۷۰ (مولوی عبدالمقتدر در فهرست بانکیپور، ج۳۱، ص۳٦ سال چاپ تاریخ تیپو سلطان از ویلیام مایلز در ۱۸٤٤م نگاشته است۔ استوری، ص۷۷۵ هم در سال چاپ ۱۸٦٤م اشتباه کرده گمان کرده است که این ۱۸٤٤م باشد)

۱. تذکرة البلاد و الحکام[۱]:

در تاریخ بالاگات(Balaghat) که در ۱۲۱۵ هـ.ق نوشته شده بود[۲]۔

۲. بدایع المعانی:

این کتاب زندگی نامۀ یکی از صوفیا بابا فخرالدین حسینی است[۳]۔

---

۱ ۔ ریو، ج۱، ص۱۳۳(اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۲۰۸، ش۵۲۲ 'تذکره بلاد و الحکم' نوشته است)

۲۔ همان

۳۔ مارشال، ص۱۹۱

مرآت آفتاب نما از شاهنواز خان هاشمی

شرحِ احوالِ مؤلف:

عبدالرحمان مخاطب به شاهنواز خان هاشمی بنبانی ثم الدهلوی [1] ملقب به امین الدوله مستحسن الملك نواب شاهنواز خان بهادر مستقیم جنگ[2] نویسندۀ تاریخِ معروفِ دورۀ تیموریان متاخر 'مرآت آفتاب نما' است۔ الیوت شاهنواز هاشمی را وزیر اعظم اکبر شاه دوم نوشته است[3]۔ اما ریو دربارۀ او می نویسد: شاهنواز خان هاشمی از خانواده سعد الله خان وزیر شاه جهان بود و به علتِ اتالیق شدنِ دختر محبوب شاه عالم در دلِ پادشاه جای گرفت و بلا منازع خانسامان محل شاهی گردید و تا هنگام مرگش که شش ماه پس از تاجگذاری محمد اکبر شاه دوم یعنی در ١١٢٢ھ.ق واقع شد، به آن منصب کار می کرد و بعد از وفاتِ وی، منصب او به نجم الدوله افتخار الملك پدرِ سید محمد رضا طباطبایی رسید[4]۔ الیوت بر برگِ سفیدِ نسخۀ موزه بریتانیا به شماره Or. ١٦٦٤ یکی یادداشت نگاشته است و به مطابقِ آن شاهنواز خان در یا پیش از ١٨٠٩م/١٢٢٤ھ.ق فوت شد و او خزانچی و قلعه دار و بخشی و خانسامان بود و ٢٥٠٠ روپیه حقوق می گرفت[5]۔

سال تالیف:

در موردِ نامگذاری این کتاب مؤلف در مقدمه می گوید که او به دو علت این اثر را **'مرآت آفتاب نما'** نامید۔ یکی به علتِ تخلصِ پادشاه شاه عالم آفتاب و دیگری برای اینکه از نام این کتاب سال تالیفِ این تاریخ **١٢١٨ھ.ق** به دست می آید [6]۔ در خاتمه کتاب

١۔ ریو،ج١،ص١٣٢

٢۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٢،ص١٤٩٠

٣۔ الیوت،ج٨،ص٣٣٢

٤۔ ریو،ج٣،ص١٠٨٠

٥۔ ریو، ج٣، ص٨٩٦ (این تحریر از هنری الیوت بر ورقِ سفیدِ نسخه خطی Or. ١٦٦٤نوشته شده است)

٦۔ ریو،ج١،ص١٣٢

همین سال تالیف، در یکی شعر، به واژه **'عیارالمورخین'** به دست می آید[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

مرآت آفتاب نما تاریخ کوتاه جهان از آغاز تا روزگار تالیف است اما مؤلف احوال دوره محمد شاه به تفصیل بیان کرده است۔ شاهنواز خان هاشمی این کتاب را در یك مقدمه، دو باب به نام 'جلوه' و یك خاتمه نگاشته است۔ تفصیل کتاب به مطابق الیوت چنین است: **مقدمه** کتاب در باره علم تاریخ است۔ **جلوه یکم** که باب اول این کتاب است دارنده شش فصل به نام تجلی است۔ الیوت و ریو و عبدالمقتدر در باب یکم شش تجلی را ذکر کرده اند ولی منزوی نُه تجلی را ذکر کرده است که علت آن زیر می آید۔ **تجلی یکم** تخلیق کاینات منقسم در ستارگان، معدنیات، جمادات، نباتات، حیوانات به ترتیب الفبای[۲] و انسان و اعضای انسان و اخلاق، **تجلی دوم** اقسام انبیا دارنده فصل ها در باره آدمؑ، ادریسؑ و بهشت، **تجلی سوم** تاریخ نبی کریمؐ دارندۀ فصل ها در موردِ فرزندانؐ[۳]،ازواج، خلفای راشدین و صحابهؓ، در **تجلی چهارم** احوالِ صوفیا، فقرا، دانشمندان، شعرا، هنرمندان، خوشنویسان و فرقه های هندووان در فصل های مختلفه بیان شده است [٤]، **تجلی پنجم** شاهان عربستان و ایران، امویان، عباسیان و دیگر شاهان آسیا به عنوان شاهان غوریان دهلی، شاهان دکن و راجه های قدیم هند[٥]، **تجلی ششم** در بیان شاهان گورگانی و امیرانِ ایشان و مغنیان با مختصری در موردِ نغمه سرای هندوستان[٦]۔ در دوره شاه عالم از تاجگذاری شاه عالم تا سیم سال جلوسِ وی، مؤلف احوال را سال به سال نگاشته است [۷]۔ سپس در آخر این تجلی مؤلف امیران سلطنت

۱۔ ریو،ج۱،ص۱۳۲ ۲۔ همان

۳۔ ریو،ج۱،ص۱۳۲ به جای فرزندان، 'امامینؑ' نوشته است۔

٤۔ ریو ترتیب و محتویات این تجلی چنین بیان کرده است: 'صوفیا به ترتیب زمانی،صوفیای هند،مستصوف، هندووان، علما، دانشمندان، شعرای فارسی به ترتیب الفبای، خوشنویسان'؛ ریو،ج۱،ص۱۳۲

٥۔ ریو ترتیب و محتویات این تجلی چنین بیان نموده است: 'شاهان ایران باستان، امویان ، عباسیان، شاهان معاصر عباسی ها از ان میان مغول، شاهان دکن و گجرات، صفویان، لودیان و راجه های هندوستان' ریو،ج۱ ،ص۱۳۲

٦۔ ریو تفصیل این تجلی چنین بیان نموده: 'تیمور و تیموریان هند از بابر تا شاه عالم' ریو،ج۱ ،ص۱۳۲

۷۔ ریو،ج۱،ص۱۳۲

تیموریان به ترتیب الفبای، ایجادات(مخترعات) مختلفه و موسیقی و نغمه پردازانِ هندووان را ذکر کرده است [1]- همین چیزی را منزوی سه تجلی های دیگرِ این جلوه شمار کرده است[2]- **جلوه دوم** دارندۀ هشت تجلی است که از یکم تا هفتم آن در بیان اقلیم های هفت گانه و شهر و استان های آن است[3]- در تجلی سوم معرفی و معلوماتی در باره دهلی و آگره و در تجلی هفتم احوال اروپا و آمریکه بیان شده است[4]- مؤلف معلوماتی در مورد اروپا و آمریکه از جوناتن اسکات گرفته بود [5]- تجلی هشتم در باره دریای ربع مسکون است، **خاتمه** کتاب در باره عجایب و غرایب دنیا است-

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مرآت آفتاب نما کتابی دایرةالمعارف گونه است، زیرا که نه تنها مطالبی در ذکرِ تاریخ و جغرافیا به دست می دهد، آگاهی های در موردِ آفرینش کاینات،کان ها،جانوران،صوفیان،شاعران،خوشنویسان،نقاشان،موسیقی دانان و هندووان نیز دارد[6]- این اثر از جهت مطالب تاریخی ارزش چندانی ندارد ولی به لحاظ اشتمال بر آگاهی های جغرافیایی و زندگی نامه ای در خور توجه فراوان است[7]-

آغاز:

'مقالی که خوشایی لالی متلالی الفاظ آبدارش آرایش افسر سلطان سخن ....'[8]

نسخه های خطی:

در کتابخانه های جهان فراوان است از ان میان نسخۀ موزه بریتانیا، اندیا آفیس، بانکی پور، بادلین وغیره بسیار مهم است - برای تفصیل نسخه ها ی مرآت آفتاب نما مراجع

۱- ریو،ج ۱،ص۱۳۲ (این محتویات چون بالا ذکر شده،از الیوت گرفته شده است و جای که ریو ازو اختلاف کرده،حواله داده شده است)

۲- منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۱۳۳

۳- عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٦،ص۷۳

٤- ریو،ج۱،ص۱۳۲

٥- عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٦،ص۷۳

٦- برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱٤۹۰

۷- همان

۸- نوشاهی،عارف،فهرست موزه ملی پاکستان،ص۷٤٤

شود به استوری،ص١٤٦ و مارشال،ص٢٣و٤٣٨۔

در پاکستان نسخه های این کتاب در دانشگاه پنجاب لاهور، موزه ملی پاکستان کراچی و کتابخانه گنج بخش اسلام آباد موجود است۔ برای نسخه های مرآت آفتاب نما در پاکستان رجوع کنید به فهرست مشترک منزوی،ج١٠،ص١٣٣۔

نسخه موزه بریتانیا به شماره Add. ١٦٦٩٧ و نسخهٔ راجستان تونك را مؤلف به کولونل آچرلونی(Col. Ochterlony) پیش کرده بود[1]۔

١۔ ریو،ج١،ص١٣٢/ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج١،ص١٦

مجمع الاخبار از هرسك راى

شرحِ احوالِ مؤلف:

هرسك راى(Har Sukh Rai) پسر جيون داس پسر راى بسنت رام از خانواده سهگل كترى(Khatri) بود [١]- وى از لاهور علاقه مى داشت[٢]- پدرِ بزرگِ او راى بسنت رام در روزگارِ محمد شاه تحتِ جى سينگ سواى مدتى دراز ناظم آگره مانده بود [٣]- جدِ بزرگِ وى ديا رام ديوانِ مبارزالملك نواب سربلند خان بود[٤]- هرسك راى خود مدت دراز در خدمتِ شركتِ هند شرق گذراند [٥]- در علم حساب هم مهارت داشت و كتابى به عنوان 'زبدةالقوانين' در علم حساب در ١٢١١هـ.ق هم نگاشته بود [٦] كه مشتمل بر هفده باب است و باب هفدهم اين كتاب در باره استان هاى هندوستان و محاصلِ آن است[٧]-

سال تاليف:

مولف در مقدمه نوشته است كه اين اثر در ١٢١٤هـ.ق در چهل و دوم سال جلوس شاه عالم نوشته شده بود [٨]- سال تاليف اين از جمع كردن واژه 'ادراك' به نامِ كتاب به دست مى آيد[٩] و آن (**ادراك +مجمع الاخبار=١٢١٤**) است- اما اين كتاب دارنده احوال تا سال ١٢٢٠هـ.ق سالِ چهل و هشتمين جلوس شاه عالم است كه شايد بعد ازان مؤلف بران افزوده بود و اين تاريخ تاليف يعنى ١٢٢٠هـ.ق از واژه هاى '**خيريت**' و'**مظفر**' هم به دست مى آيد كه مؤلف در آخر كتاب درج كرده است[١٠]-

سبب تاليف:

١- اليوت،ج٨،ص٣٥٥

٢- استورى،ص١٤٧

٣- اليوت، ج٨،ص٣٥٥ ٤- همان

٥- نبى هادى،ص٢٢٥

٦- عبدالله،دكترسيد،سهم هندووان...،ص١٢٠

٧- ريو،ج٣،ص٩٩٥

٨- اليوت،ج٨،ص٣٥٦

٩- ريو،ج٣،ص٨٩٦ ١٠- همان

مؤلف این اثر را حسب فرمایش عموی مادری خود رای سری رام نوشت که درین کار سرپرستِ او نیز بود[1]۔

محتویاتِ کتاب:

مجمع الاخبار در هشت کتاب به نام اخبار نگاشته شده است۔ به حواله الیوت تفصیل آن اخبار ها چنین است؛ **اخبار اول:** آداب و عقایدِ هندووان قدیم و فرمانروایانِ آنان در سیزده باب، **اخبار دوم:** تاریخ ایران باستان در شش باب، **اخبار سوم:** تاریخِ اسلام از تخلیق کاینات تا خلفای عباسی در ده باب، **اخبار چهارم:** شاهانِ ایران و یمن و توران از طاهریان تا چنگیز خان و جانشینانش در یازده باب، **اخبار پنجم:** فرمانروایان پس از سلطان ابو سعیداز ایلخانیان تا احمد شاه ابدالی و جانشینانش در دوازده باب، **اخبار ششم:** شاهانِ مسلمان هند از غزنویان تا شاه عالم تا سال ١٢٢٠ ه.ق در نُه باب، **اخبار هفتم:** این اخبار مجمع الاخبار بسیار ارزشمند است و در ذکر خانواده های حکومتِ محلی هند در یازده باب است که هر یك ازان موسوم به 'خبر' است۔ درین اخبار مؤلف تاریخِ استان های هندوستان تا سالِ نگارش داده است[2]۔ به علت ارزش این اخبارِ هفتم،اینجا معرفی این اخبار درج شده است: *باب یکم:* در باره استان های دکن، *باب دوم:* حکومت های محلی دکن که درین باب در دوازده فصل مؤلف بهمنیان،عادلشاهیان، نظام شاهیان، قطب شاهیان، عماد شاهیان، برید شاهیان و فرمانروایانِ خاندیش، مالوه، گجرات، مرهته هاتا سال ١٢٢٠ ه.ق، حیدر علی و تیپو سلطان و در فصل دوازدهم نظام الملك و جانشینانش را ذکر نموده است۔ *باب سوم:* شاهان شرقی جونپور، *باب چهارم:* شاهان اوریسه و ذکرِ آن دیار، *باب پنجم:* بنگال و بهار تا سال ١٢١٩ ه.ق، *باب ششم:* اله آباد و شاهان اوده تا سال ١٢٢٠ ه.ق، *باب هفتم:* روهیله ها، *باب هشتم:* بنگش ها ی فرخ آباد، *باب نهم:* جات های

١۔ الیوت،ج٨،ص٣٥٦/ ریو،ج٣،ص٨٩٦

٢۔ ریو،ج٣،ص٨٩٧

اکبرآباد، *باب دهم:* نجف خان، *باب یازدهم:* پنجاب و سیك ها۔ **اخبار هشتم:** آگهی های اروپا و آمریکه مبنی بر دریافتی از کاپتان جوناتن اسکات(Capt. Jonathon Scott)[1]۔

سبكِ کتاب:

چون این کتاب هنوز چاپ نشده است و نسخه دستنویس این کتاب هم به دسترس نگارنده این سطور نیست، بررسی سبك این کتاب ممکن نیست۔ البته از ترجمه چکیدۂ مقدمه که الیوت در تاریخِ خود بیان کرده است، اندازه می شود که حدِ اقل مقدمه این کتاب د رسبكِ مصنوع نوشته شده باشد۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مؤلف وقایع گرد پیش را با نظرِ دقیقی ملاحظه کرد ومعرفی آن، درمورد نیروهای محلی که به علت کمزور شدنِ حکومتِ مرکزی تیموریانِ بر صفحه روزگار افشرد، خیلی مهم است[۲]۔ این تاریخ روشنگرِ نیروی شرکتِ هندشرق در هندوستان آن زمان است[۳]۔

موضوع این کتاب که دارندۂ تاریخ مفصلِ هندوستان است خیلی مهم است و خود دلیل بر ارزشِ این کتاب است۔ پرفسور داووسن در مورد مجمع الاخبار در تاریخ الیوت می گوید؛

"Though the work is a mere compilation, it is useful in many respects, and is well written."[٤]

آغاز:

'ناصیه فرسای قلمِ ترزبان منشیانِ فصاحتِ بیان .....'[٥]

نسخه های خطی:

پرفسور داووسن در تاریخ الیوت گفته است که او درباره پنج، شش نسخه خطی

۱۔ الیوت،ج۸،صص۳۵۷تا۳٦۰ (اینجا فقط چکیده محتویات نگاشته شده است وگرنه الیوت محتویات این کتاب با تفصیلِ بسیار بیان کرده است)

۲۔ نبی هادی،ص۲۲۵

۳۔ همان

٤۔ الیوت،ج۸،ص۳۵۷

۵۔ ریو،ج۳،ص۸۹٦

اطلاع داشت که بهترین ازان در تصرف نواب میان فوجدار خان بوپالی(Bhopali) بود و او هم ازان نسخه نقل گرفته بود [۱]۔اما فقط یك نسخه خطی را معرفی به دست آمده و آن نسخه خطی مجمع الاخبار درموزه بریتانیا به شماره ۱٦۲٤ .Or نگهداری می شود[۲]۔

تراجم و چاپ:

قسمتی از مجمع الاخبار به توسط الیوت در جلد هشتم به زبان انگلیسی ترجمه شده است۔نسخۀ خطی این ترجمه درموزه بریتانیا به شماره ۳۰۷۸۲ .Add از برگ ۲۳٤ تا ۳۰٦ موجود است[۳]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔زبدة‌القوانین:

این اثر درمورد علم الحساب و اصول حسابداری در ۱۲۱۱ھ.ق نوشته شده بود[٤]۔ سال تالیف این کتاب از 'باغ بهار' به دست می آید[۵]۔

۱۔ الیوت،ج۸،ص۳۵۷

۲۔ ریو،ج۳،ص۸۹٦

۳۔ همان،ص۸۹۷

٤۔ مارشال،ص۱۷۷ / عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص۱۲۰

۵۔ ریو،ج۳،ص۹۹۵

واقعات اظفری از مرزا علی بخت گورگانی

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد ظهیر الدین مرزا علی بخت گورگانی معروف به مرزا کلان و متخلص به اظفری[۱] پسر محمد ولی معروف به منجلی(Manjhlay) صاحب پسر محمد عیسٰی[۲] نویسنده واقعات اظفری، از خانوادۂ تیموریان بود۔ پدر بزرگ وی محمد عیسٰی نوۂ معزالدین جهاندار شاه بود[۳]۔اظفری در ۱۱۷۲ھ۔ق در قلعه مبارك دهلی متولد شد[٤]۔مرید سید اسرارالله شاه بود و ازو خلافت هم یافته بود[٥]۔سی سال در قلعه مبارك در قید گذرانید و در عربی،ترکی و فارسی مهارت تمام حاصل کرد[٦]۔ در هنگامه غلام قادر روهیله در ۱۲۰۱ھ۔ق کارهای نمایان سرانجام داد اما شاه عالم باوجود آن ایفای عهد نکرده از بیم بغاوت او را رها نکرده بود[۷]۔ اظفری ازقلعه دهلی فرار کرده به لکنو رسید و هفت سال آنجا قیام کرده در ۱۲۱۲ھ۔ق به مدراس رسید[۸]۔ بعد ازان خانواده خود را هم از لکنو به مدراس برخواند و همانجا در ۱۲۳٤ھ۔ق سپردِ خاك شد[۹]۔

مؤلف یورشِ غلام قادر روهیله را با چشم خود ملاحظه کرد وبعد از این یورش به راهِ لکنو، بنارس، مرشدآباد، کتك و کلکته به مدراس رسید و تا مرگ خود همانجا به سر برد[۱۰]۔ مؤلف در دیباچه گفته است که او بعد از ۹ سال که از دهلی کوچ کرده، نوشتنِ این کتاب را در ۱۲۱۱ھ۔ق در مرشدآباد آغاز کرد[۱۱]۔ مرزا علی بخت شاعر هم بود و در زبان فارسی و ترکی و اردو شعر هم می سرود۔ دیوان اردو از وی یادگار است که نسخه ای

۱۔ استوری،ص ٦٤٢/ ریو،ج۳،ص۱۰۵۱

۲۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص ٦۹٤

۳۔ همان،صص ٦۹٤۔٦۹٥

٤۔ محوی،محمد حسین،دیباچه واقعات اظفری ترجمه اردویی،ص الف

٥۔ همان،ص (ب)　٦۔ همان،ص (الف)

۷۔ همان،ص (ب)　۸۔ همان　۹۔ همان

۱۰۔ نبی هادی،ص۱۰٤

۱۱۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص ٦۹٥

ازان در کتابخانه شاهان اوده نگهداری می شود[١]۔

سال تالیف:

چون این کتاب دارندۂ وقایع تا ١٢٢١ھ۔ق است، پس در همان سال یا بعد از ١٢٢١ھ۔ق نگاشته شده باشد۔

سبب تالیف:

مؤلف این وقایع را حسب خواهش مرزا جان طپش نگاشته بود[٢]۔

محتویاتِ کتاب:

واقعات اظفریؔ اصلاً توزک یعنی سوانح خودنوشت مرزا علی بخت گورگانی است که دران ذکر عهد شاه عالم دوم هم آمده است۔ دریں کتاب مؤلف دغای غلام قادر، گرفتاری وی، فرارِ او و داستانِ مظالم وی بیان کرده است که او بر خانواده تیموریان روا کرد۔ مولف خود از اسیری وی از قلعه دهلی فرار شد و بعد از سعی بسیار به مرشدآباد رسید،مصایب و آلام خود را ذکر نموده است و وقایع آن زمان را با تفصیل بیان کرده است۔ در آخر کتاب مؤلف چند شعر های خود و شاعرانِ دیگر بیان نموده است که بیشتر ازان در ریخته نوشته شده بود و برای تاریخ نظم اردو مآخذ مهمی است[٣]۔

خاتمه کتاب دربیان تالیفاتِ مرزا علی بخت است۔در خاتمه کتاب مؤلف گفته است که او دریں کتاب وقایع را تا ١٢٢١ھ۔ق مجملاً بیان کرده است و اگر تاییدِ غیبی حاصل شود، این وقایع را با تفصیل و اضافه، در ضبط تحریر می آورد[٤]۔

سبکِ کتاب:

موافقِ مذاق زمان خود اظفریؔ بعضی چیز های مهمی را مختصر نوشته است و

١۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج١،ص٦٠٢

٢۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص٦٩٦

٣۔ همان،صص٦٩٥۔٦٩٦

٤۔ همان،ص٦٩٦

بعضی را طول بی جا داده است۔ عبارت این کتاب سلیس و عمده و منشیانه است و عبارت آرایی زیاد نیست[1]۔ چون این کتاب دارنده وقایع سفرِ او نیز است، مؤلف هر جای که رفته بود، رسم و رواج و معتقداتِ آنجا را ذکر کرده است و مدتِ قیام را با تاریخ و ماه و سال رقم کرده است[2]۔ به طور نمونه سطری چند ازین کتاب نقل شده است؛

'حضرت امتناع فرمودند و ارشاد نمودند که اگر پدر او چنین کرد، این بی گناه را چگونه به کشتن دهم۔ اگر انتقام منظور است به ضابطه خان بیاویزید و او را بکشید لهذا چون مرحمت و شفقت در ذات اشرف و اقدس و اعلیٰ به درجه اقصیٰ است، معرفت رازداران خفیه طفل مذکور را معه اخراج و اسباب شایسته در وقت شب به سوی پدر رها فرموده به والدینش رسانیدند و بعد چندی به طوریکه بار دیگر عفو تقصیراتش گردید و به مرتبه بخشی گری و به ملك موروثی خود رسید ذکر آن مناسب این محل ندیدم اختصار پسندیدیم'[3]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

واقعاتِ اظفری دارندۂ احوال قلعه مبارك و سوانح عمری و هم سفر نامۂ مرزا ظهیرالدین اظفریؒ است۔ علاوه برین 'واقعاتِ اظفری' دارندۂ احوالِ یورش غلام قادر روهیله نیز است۔ اکثر وقایع که درین کتاب بیان شده است در هیچ کتاب تاریخی دیگر یافته نمی شود۔ مؤلف با امیران و نوابان که خود ملاقات کرده بود ،آنرا هم ذکر کرده است و در آخر نقلِ عرضی ها و شقه ها و نامه هاوغیره هم داده است که امیران و نوابان و راجه ها به او نوشته بودند[4]۔ این نقل نامه ها وغیره روشنگرِ نمونه سبك انشای آن زمان است۔ واقعاتِ اظفری مجموعۂ مستندِ ایام آخرین عهد تیموریان و دارندۂ تذکرۂ مختصرِ

۱۔ محوی،محمد حسین،دیباچه واقعات اظفری ترجمه اردویی ،ص(د)

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ همان

شاعران آن زمان و روشنگرِ وضع و معاملاتِ قلعه و کاخِ تیموریان نیز است۔

آغاز:

'بعد حمد پروردگار و نعت و درود رسول مختار و اهدای صلوٰة و سلام بر آل اطهار و اصحاب کبار و مدح بی شمار بادشاه جم جاه حضرت شاه عالم بادشاه...'[1]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی واقعات اظفری خیلی کمیاب است و در کتاب خانه برلین و موزه بریتانیا نگهداری می شود [2]۔ در پاکستان دستنویسِ واقعاتِ اظفری در کتاب خانه عمومی پنجاب لاهور موجود است[3]۔

تراجم و چاپ:

شخصی عبدالستار واقعات اظفری را به نام 'ترجمه واقعات اظفری' به زبان اردو ترجمه کرده است و آن ترجمه با تصحیح و ترمیمِ محمد حسین محوی صدیقی در ۱۹۳۷م در مدراس به چاپ رسیده است[4]۔ راقم این سطور در نوشتنِ این مقاله ازهمین ترجمه استفاده کرده است۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔ **فرهنگ اظفری یا لغات ترکی چغتایی:**۔ دوران قیام لکنو در یك سال این لغت نوشته شده بود[5]۔

۲۔ **ترجمه فارسی 'محبوب القلوب' میر علی شیر نوایی:**۔ مؤلف این اثر را از ترکی به نثر مقفیٰ فارسی ترجمه کرد[6] وی این ترجمه را در مدتِ یك ماه تکمیل کرد[7]۔

۳۔ **نصاب ترکی یا میزان ترکی در گرامر ترکی:**۔ در یك هفته در صنعت مقلوبات، دارنده

۱۔ عباسی، منظور احسن، فهرست کتابخانه عمومی پنجاب، ص ٦٩٥

۲۔ استوری، ص ٦٤٣

۳۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج ۱۰، ص ٤٧١

٤۔ استوری، ص ٦٤٣

٥۔ اظفری، محمدظهیر الدین، واقعات اظفری ترجمه اردویی، ص ۱۹۵

٦۔ عباسی، منظور احسن، فهرست کتابخانه عمومی پنجاب، ص ٦٩٥

٧۔ اظفری، محمدظهیر الدین، واقعات اظفری ترجمه اردویی، ص ۱۹۵

۲۲۰ بیت است[۱]۔

٤۔ **تنگری تاری در جواب 'خالق باری' امیر خسرو:**۔ در سه روز این رساله را در ترکی و هندی مرتب کرد که دارنده ٦٥۰ شعر بود[۲]۔

٥۔ **ترجمه 'رساله قبریه' یا 'علامات قبریه' حکیم بقراط به نظم فارسی:** ۔ حسب استدعای حکیم حسین رضا خان در طول چند هفته این رساله را به فارسی ترجمه کرد و به نظم گردانید[۳]۔

٦۔ **نسخه سانحات:**۔ دارنده نصایح و تنبیهات است۔ در 'واقعات اظفری' مرزا علی بخت ذکر نموده است که تا حال درین ۱۰۹ سانحه درج شده است[٤]۔

۷۔ **نصاب ترکی چغتایی در ٤٥۲ اشعار:**۔ چون در عظیم آباد رسید به خواهش رای تیکا رام این کتاب را تالیف کرد[٥]۔

۸۔ **دیوان اردو** که در ۱۲۱۱ ه.ق نوشته شده بود[٦]۔ یکی دیوان دیگر دارنده غزل های فارسی و ترکی و ریخته دوران قید قلعه مبارك مرتب و جمع کرد[۷]۔ قیاس غالب است که این دیوان حتماً حبسیات نیز دارد۔

۹۔ **فواید المبتدی:**۔ به طرز آمد نامه در زبان اردو[۸]۔

۱۰۔ **فواید الاطفال :**۔ این رساله در علم طب است[۹]۔

۱۱۔ **عروض زاده در اصول فن شعر:**۔ این رساله دوران قید قلعه مبارك نوشته بود[۱۰]۔

۱۔ اظفری،محمدظهیر الدین،واقعات اظفری ترجمه اردویی،ص۱۹٥

۲۔ همان ۳۔ همان

٤۔ همان ٥۔ همان

٦۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص٦۰۲

۷۔ اظفری،محمدظهیر الدین،واقعات اظفری ترجمه اردویی،ص۱۹۸

۸۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص٦۹٥

۹۔ اظفری،محمدظهیر الدین،واقعات اظفری ترجمه اردویی،ص۱۹۸

۱۰۔ همان

احوال آدینه بیگ از گورتو

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احـوال نویسنده این کتاب اطلاعی دقیق در دست نیست۔ حتیٰ که نام کامل وی هم معـلـوم نیسـت۔ دربـاره وی فـقـط این قدر معلوم شده است که جی سی بلاگریو(J. C. Blagrave)، در یـکـی نـامـه بـه نام الیوت، معرفی وی داده است و آن جز این نیست که وی یـکـی 'گـورو' (پیشـوای هندووان) از کرتور پور (Khurturpore) بود[١] و عـلاوه بـرین کتاب، یـکـی لغتِ پنجابی هم نگاشته بود که دران هیـچ پسوندِ هندی به کار نبرده بود[٢]۔ به واژه بلاگریو؛

"an old Gooru at Khurturpore, who has also written a Punjabie dictionary, in which he has introduced no end of Hindu words." [٣]

سال تالیف:

سال تـالیف ایـن کـتـاب مـعـلـوم نیسـت۔ البته نامۂ جی سی بلا گریو که بالا ذکر شده و مـعرفی نویسنده دارد، به تاریخ یکم آگوست ١٨٤٧ م نوشته شده بود۔ چون این اثر دارندۂ احوال تا ١٨٠٦ م است این طور این اثر حتماً میان ١٨٠٦م تا ١٨٤٧ م نگاشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

ایـن کـتـاب زنـدگـیـنـامـۂ آدیـنـه بیـگ خان بهرام جنگ[٤] اسـت۔ آدیـنـه بیـگ از قوم 'ارایـیـن' بـود و از روسـتـایـی شرق پـور درنـاحـیـۂ لاهـور، تـعـلـق داشـت[٥]۔ اسـم پـدرش

١۔ ریو،ج٣،ص١٠٤٤

٢۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص٧٨

٣۔ همان

٤۔ الیوت،ج٨،ص١٦٧

٥۔ ریو،ج٣،ص١٠٤٤

'چانو'(Channu) بودو وی در یکی خانواده تیموریان پرورش یافت[۱]۔ اوایل زندگی خود زیادی در اله آباد، کان پور و باجواره گذراند[۲]۔ در ارتش خدمت می کرد اما رو به دفتر مالیات نهاد و نزدِ لودیانه در روستای 'کتك' جمعدار شده تا به نظامتِ سلطان پور رسید و به زمان یورش نادر شاه به همان کار مشغول بود[۳]۔ پیش ازین چون وی در ارتش بود، زیرِ فرمانِ معین الملك ناظم لاهور در ۱۱٦۲ھ.ق/۱۷٤۹م خلاف احمد شاه ابدالی جنگ هم کرده بود[٤]۔ آدینه بیگ در دوره عالمگیر دوم دوازده سال استاندار مانده بود[۵]۔ در ۱۱۷۲ھ.ق/۱۷۵۸ فوت شد[٦]۔اختتام این کار بر الحاق میانه ستلج به دست شرکت هند شرق ومرگِ عالی گوهر شاه عالم انجام می پذیرد[۷] که در ۱۲۲۱ھ.ق/۱۸۰٦م فوت شده بود۔

سبكِ کتاب:

مؤلف این اثر را به فارسی غیر اصطلاحی نگاشته و دربیان وقایع تاریخ هندوی به کار برده است[۸]۔ (برای بررسی سبك کتاب، نسخه خطی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه مؤلف آدینه بیگ را تعریف نموده است اما برو تنقید هم کرده است که وی مردِ چالاك و شاطر وگاهی ظالم هم بود[۹]۔ درین ضمن مؤلف شخصی را، به حکمِ آدینه بیگ، برای سوزاندن به آب گرم انداختن را هم بیان کرده است[۱۰]۔اگرچه این رساله مختصر است اما دارندۀ احوال یکی مرد کم معروف این دیار است[۱۱] و به این علت ارزشِ فراوان دارد۔

۱۔ الیوت،ج۸،ص۱٦۷ ۲۔ همان ۳۔ همان

٤۔ استوری،ص٦٦۵

۵۔ ریو،و استوری و دکتر ظهور همه 'دوازده سال در دوره عالمگیر دوم' نوشته اند و دوره عالمگیر دوم از ۱۱٦۷ھ.ق تا ۱۱۷۳ھ.ق بود۔

٦۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...ج٤،ص۷۸

۷۔ ریو،ج۳،ص۱۰٤٤ ۸۔ همان

۹۔ الیوت،ج۸،ص۱٦۸ ۱۰۔ همان

۱۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...ج٤،ص۷۸

آغاز:

'می گویند که دینا بیگ خان قوم ارایین......'[(۱)]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۰۴۳ از برگ ۵۰ تا ۶۲ موجود است۔

تراجم و چاپ:

متن این رساله در مجله دانشکده خاورشناسی در فروری ۱۹۳۸م به چاپ رسیده بود[(۲)]۔ نسخه خطی ترجمه انگلیسی این اثر در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸۰ از برگ ۲۱۵ تا ۲۹۲ موجود است و چکیدۀ این ترجمه بر پاورقیِ تاریخ الیوت،ج۸،صص۱٦۷ ـ ۱٦۸ داده شده است۔

۱ـ ریو،ج۳،ص۱۰٤٤

۲ـ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص۷۸

سعادت جاوید از هرنام سینگ نامیّ

شرحِ احوالِ مؤلف:

هرنام سینگ نامیّ پسر گورداس سینگ[۱] از قبیله' سرسوت برهمن' تعلق داشت و در استان لاهور در برهمن آباد زاده شده بود[۲]۔ هرنام سینگ در 'ملا نوه' نزد لکنو به سر برد[۳]۔ پدر وی گورداس سینگ در سلك ملازمان نوابان اوده بود[٤]۔

هرنام سینگ خود از اوایل کودکی به عین الدین خان پیوست که نخست حاکم بریلی و بعد ازان حاکم گورك پور(Gorakhpur) شده و پدرش گورداس سینگ به طور نایب وی کار می کرد [٥]۔هرنام سینگ دخترِ یکی از فرزند راجه مجلس رام، دیوانِ قمر الدین خان، بعد از وفاتِ راجه موصوف در ١١٩٦ ھ۔ق، زن گرفت[٦]۔

در مقدمه کتاب مؤلف می گوید که از آغازِ جوانی او خواندن تاریخ را دوست می داشت و به وقتِ فراغت، خود را به نوشتن احوال شاهان و سلاطین و امرای استان های مختلفه هندوستان مشغول داشت، اما نتوانست که این کار را در کتابی جمع می کرد حتٰی سعادت علی خان او را سرپرستی کرد و به نامِ همو سعادت علی خان این کار را 'سعادت جاوید' نامید [۷]۔ از تاریخ زایش و مرگِ او هیچ اطلاعی به دست نمی آید۔ البته هرنام سینگ شاعر هم بود و نامیّ تخلص می کرد[۸]۔ اما هیچ مجموعه اشعار ازو معلوم نیست۔

سال تالیف:

این اثر در ١٢٢١ ھ۔ق/١٨٠٦م نوشته شده بود و هرنام سینگ این کتاب را به سعادت

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳/استوری،ص٤٧٩
۲۔ الیوت،ج۸،ص۳۳٦
۳۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳/الیوت این جای را 'ملاوانور'[Malawanur]نوشته است۔
٤۔ الیوت،ج۸،ص۳۳٦
٥۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳
٦۔ همان
۷۔ الیوت،ج۸،ص۳۳٦
۸۔ نبی هادی،ص۲۲٥

علی خان، نوابِ اوده معنون کرده بود[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ سعادت جاوید تاریخ عمومی هند از آغاز تا ۱۲۲۰ھ.ق است۔ هرنام سینگ این کتاب را در چهار فصل نگاشته بود۔ تفصیل این فصل ها چنین است: **فصل یکم:** در بیان احوال راجه های قدیم که مؤلف از 'مهابارت'(MahaBharat) و 'صبح صادق' گرفته در دو باب نگاشته است [۲]۔ **فصل دوم:** در مورد احوال سلطان های دهلی از محمود غزنوی تا شاه عالم است۔ احوال دوره محمد شاه با ذکرِ یازده امیر های معروفِ دوره وی بیان شده است۔ احوالِ باقی مانده شاهان تا مرگ غلام قادر در ۱۲۰۳ھ.ق داده شده است [۳]۔ این فصل در دو باب بیان شده است[٤]۔ **فصل سوم:** دارندۀ احوال امیران و راجه های روزگارِ آصف الدوله و فتح او بر روهیله ها ؛ فتح انگلیسیان و احوال جات ها و سیك ها است[۵]۔ **فصل چهارم:** در بیان هفت اقلیم و عجایبات عالم است [٦]۔این فصل در چهار باب بیان شده است[۷]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

علاوه بر تاریخ شاهان دهلی این کتاب دارنده احوال امیران و آصف الدوله است۔ مؤلف در فصلِ آخرِ این کتاب هفت اقلیم و عجایبات عالم را هم بیان نموده است۔ پرفسور داووسن در موردِ این کتاب می گوید 'اول، دوم و سوم فصل این کتاب بسیار مختصر و بی ارزش و ملخص از کتاب های دیگر است اما فصل چهارم این کتاب دارندۀ معلومات های ارزش مند و گاهی به طرزِ بدیع است' [۸]-

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳/استوری،ص٤۷۹/نبی هادی،ص۲۲۵
۲۔ الیوت،ج۸،ص۳۳۹
۳۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳
٤۔ الیوت،ج۸،ص۳۳۹
۵۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳
٦۔ همان
۷۔ الیوت،ج۸، ص۳۳۹
۸۔ همان

آغاز:

'حمد و ثنای درگاه صمدیت بر اصناف خلایق واجب .....' [۱]

نسخه های خطی:

نسخه خطی سعادت جاوید که منحصر به فرد است در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۲۰ نگهداری می شود۔ نسخهٔ خطی ترجمهٔ انگلیسی 'سعادت جاوید' از منشی سداسُك هم در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸٦ از برگ یکم تا هشتاد و یك نگهداری می شود[۲]۔

شاید موردِ الیوت همان نسخهٔ کتاب خانه موزه بریتانیا بود چون نسخه الیوت مشتمل بر ٥۰٤صفحه، دارندهٔ چهارده سطر است و از آخر چند صفحه بریده است[۳]۔ نسخه کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۲۰ هم مشتمل بر ۲٦۱ برگ، دارندهٔ چهارده سطر است و ناقص الآخر است[٤]۔ پرفسور داووسن هم گفته است که او فقط در بارهٔ یك نسخه شنیده است که در کتابخانه شاهی لکنو موجود است و شاید دستنوشتهٔ مؤلف است[٥]۔ پرفسور داووسن مزید می گوید که نسخهٔ مورد وی از همان نسخهٔ کتابخانه شاهی لکنو گرفته شده است و این قدر غلطی ها دارد که محال است نسخه اصل ازین غلطی ها مبرّا باشد[٦]۔

تراجم و چاپ:

قسمتی از سعادت جاوید به توسط الیوت به زبان انگلیسی ترجمه شده در تاریخِ هندوستانِ الیوت ،جلد هشتم از صفحه ۳۳٦ تا ۳٥٤ چاپ شده است۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳

۲۔ استوری،ص٤۷۹

۳۔ الیوت،ج۸،ص۳۳۹

٤۔ ریو،ج۳،ص۹۱۳

٥۔ الیوت،ج۸،ص۳۳۹

٦۔ همان

وقایع برتپور از منشی دونکل سینگ

شرحِ احوالِ مؤلف:

درباره نویسندۀ این کتاب، منشی دونکل سینگ(Dhonkal Singh) اطلاعِ زیادی در دست نیست۔ آنچه که او درین کتاب درباره خود نوشته است، بیشتر ازان نیست که دونکل سینگ از ملازمان رنجیت سینگ بوده و رنجیت سینگ وی را برای گفت و گوی با لُرد لیک(Lord Lake) مامور کرد[۱]۔

سال تالیف:

دونکل سینگ این اثر را در ۱۲۲۱هـ.ق/۷-۱۸۰۶ م نگاشته بود[۲]۔

سبب تالیف:

در دیباچه مؤلف می گوید که او این اثر را حسب فرمایش دوستِ خود منشی موتی رام به رشته تحریر آورد و در ۱۲۲۱هـ.ق به تکمیل رساند[۳]۔احمد منزوی در فهرست مشترك موتی رام را برادرِ دونکل سینگ نوشته است[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب به نام '**وقایع تسلط صاحبان انگریز بهادر در ملك میان دوآب**'[٥]،'**تسلط صاحبان انگریز**'[٦]،'**وقایع دونکل سینگ**'[۷] و'**جنگنامه برتپور**'[۸] هم معروف است۔این اثرِ دونکل سینگ دارندۀ احوالِ جنگ های مرهته ها، به ویژه کارگزاری رنجیت سینگ درین جنگ، است۔ این کتاب با احوال عروج ژانرل پیرون (Gen.Perron) آغاز می شود و بعد

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۰۵

۲۔ استوری،ص۶۸۹

۳۔ ریو،ج۱،ص۳۰۵

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك، ج۱۰،ص٥٤۱

٥۔ ریو،ج۱،ص۳۰۵

٦۔ استوری،ص۶۸۸

۷۔ نبی هادی،ص۱٥۷

۸۔ استوری،ص۶۸۹

ازان پیشرویی لُرد لیك(Lord Lake) و تسلط وی به رام گره(Ram Garh) بیان شده است[1]ـ بعد ازان مؤلف معاهده میان رنجیت سینگ و لُرد لیك را بیان کرده است[2]ـ

سبكِ کتاب:

این کتاب در سبكِ مصنوع نوشته شده است و مؤلف در بیان جمله بسیار قافیه به کار برده است [3] یعنی این کتاب بسیار مسجع و مقفیٰ است۔ مولف ذکر آقای خود،رنجیت سینگ، با احترام می کند و بر ژانرل پیرون (Gen.Perron) و دولت راو سیندیه(Daulat Rao Sindhia) خشم می زد[4]ـ

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مؤلف از منشیان رنجیت سینگ بود و خود از جانبِ رنجیت سینگ در گفتگوی با لُرد لیك شریك بود و آن گفتگوی را درین کتاب هم نقل کرده است۔ ازین رو وقایع برتپور از دونکل سینگ اثرِ بسیار ارزش مند است۔

آغاز:

'جوهر نمایی تیغ زبان به دستیاری ثنای والا........' [5]

نسخه های خطی:

دو نسخۀ خطی وقایع برتپور از دونکل سینگ در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹۰ دارنده ۱۹۰ برگ و Or. ۱۸۹ دارنده ۷۰ برگ، موجود است۔ در پاکستان واحد نسخه این کتاب در کتابخانه عمومی پنجاب لاهور به شماره ۹۵٤،۹۵ دهو موجود است و دارنده ۵۵ برگ است[6]ـ

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۰۵

۲۔ استوری،ص٦٨٩

۳۔ ریو،ج۱،ص۳۰۵

٤۔ همان

۵۔ همان

٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۱٥٤

تواریخ متفرقه(۱۱۷۳تا۱۲۲۱ه.ق)

☆احوال حیدرآباد:

این اثر از لچمی نراین شفیق اورنگ آبادی یادگار است و دارندۀ شرح شهرِ حیدر آباد، مساجد و کاخ ها و باغ های آنجا با تاریخ این شهر و استان های هم جوارِ محمد آباد بیدر و اورنگ آباد است[۱]۔ این اثر در ۱۲۱٤ه.ق/۱۷۹۹۔۱۸۰۰م نگاشته شده بود[۲]۔

آغاز: '**بعد حمد پروردگار و نعت خیر الابرار...**'[۳]

واحد نسخۀ معلوم این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۲٦۲٦۳ موجود است و ۲۷ برگ دارد۔

☆احوال فرار از دهلی:

این اثر از یکی از شاهزادگانِ تیموری یادگار است۔ نویسنده این کتاب مرزا جوان بخت که بعداً به نام جهاندار شاه معروف شده بود، پسرِ بزرگِ شاه عالم دوم بود [٤]۔ بعد از جنگِ پانی پت در ۱۷٦۱م، احمد شاه ابدالی وی را نایب السلطنه نامزد ساخت و تا به حالی پدرِ خود در ۱۷۷۱م، وی بر سلطنت هندوستان حکمرانی کرد[۵]۔ در آوریل ۱۷۸٤م وی از دهلی فرار کرده به لکنو رفت[٦]۔ نواب اوده برای او وظیفه ای مقرر کرد و آن وظیفه بعداً چون وارن هیستنگز(Warren Hastings) گورنر ژانرلِ شرکت انگلیسی هند شرق شده

۱۔ استوری،ص۷۵۰
۲۔ مارشال،ص٤۳٦
۳۔ ریو،ج۱،ص۳۲۷
٤۔ استوری،ص٦۲٤
۵۔ همان
٦۔ مارشال،ص۲۳۳

بود، وی از انگلیسیان هم می گرفت[۱]۔ مرزا جوان بخت از لکنو با وارن هیستنگز به بنارس رفت و تا مرگِ خود در ۱۷۸۸ م همانجا ماند[۲]۔ وی به فرمایشِ وارن هیستنگز احوال فرارِ خود از دهلی نگاشته بود[۳]۔

هیچ نسخه خطی ازین کتاب معلوم نیست[٤] البته ترجمۀ انگلیسی این اثر از کاپتان جوناتن اسکات درکتاب وارن هیستنگز به نام 'یادداشت های سلطنت هندوستان' "Memoir relative to the State of India," داده شده است[۵]۔ این اثر به نام 'تذکره جوان بخت' هم معروف است[٦]۔

علاوه بر ین کتاب، سه اثرِ دیگر به نام 'اخبارِ دوره نواب آصف الدوله'، 'عنایات مرشدزاده' و 'کلیاتِ جوان بخت' ازو نیز یادگار است[۷]۔

☆احوال مختصر جونپور:

این کتاب در موردِ شرح احوالِ تاریخی جونپور است و به نام 'تاریخ جونپور' هم معروف است[۸]۔ نویسندۀ این کتاب غلام حسن زیدی الواسطی، به مستر چارلس کیشولم (Charles Chisholme) به طور منشی کار می کرد و حسبِ خواهشِ همان مرد انگلیسی این اثر را تالیف کرده بود[۹]۔ علاوه بر این اثر غلام حسن زیدی کتابی به نام 'تاریخ کلکته' هم نگاشته بود[۱۰]۔

این کتاب مشتمل بر دو فصل و یك تتمه است[۱۱]؛ **فصل اول** در ذکر تاریخ بنای جونپور و شاهان شرقی این دیار است و **فصل دوم** دارندۀ احوالِ ساختمان های مهمی

۱۔ نبی هادی،صص۲۸۳۔۲۸٤
۲۔ استوری،ص٦۲٤
۳۔ مارشال،ص۲۳۳
٤۔ استوری،ص٦۲٤
۵۔ ریو،ج۳،ص۹٤٦
٦۔ نبی هادی،ص۲۸٤
۷۔ مارشال،ص۲۳۲
۸۔ مارشال،ص۱۵٦ ⁄ نبی هادی،ص۱۹۸
۹۔ ریو،ج۱،ص۳۱۱
۱۰۔ مارشال،ص ۱۵٦
۱۱۔ استوری،ص٦۹۹

جونپور است و **تتمه** کتاب در مورد شش علمای جونپور است که آخرین ازان روشن علی جونپوری، استادِ دانشکدۀ فورت ویلیام، آقای مؤلف بود[1]۔

آغاز: **'بر صاحبان دانش مخفی نماند که راقم....'**[2]

نسخۀ خطی این تاریخ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٢٥٧٩٥ موجود است و ٣٤ برگ دارد۔ این نسخۀ خطی دستنوشتۀ مؤلف معلوم می شود و بران تاریخ ٦ ژوئن ١٨٠٥م نوشته شده است[3]۔ این نسخه خطی از برگ ٣١ تا ٣٤ فهرستِ محله ها و کوچه های جونپور می دارد[4]۔

یکی نسخه خطی این کتاب در دانشگاهِ کامبریج هم موجود است و پرفسور براوون هم در فهرست دانشگاهِ کامبریج سال تالیفِ این اثر در حدودِ ١٨٠٥م نگاشته است[5]۔ با نسخۀ دانشگاه کامبریج دو اثر دیگر توام است که یکی ازان 'تاریخ کلکته' از همین غلام حسن زیدی و دیگری در مورد فنِ انشانگاری به نام 'ترسل شهابی' است که نویسندۀ آن معلوم نیست[6]۔

☆انتخاب التواریخ:

انتخاب التواریخ از مرزا مسیتا در بیانِ تاریخ شاهان هند است۔ اول کسی از نیای وی علی وردی خان ترکمانی، از اولاد سلطان سنجر، در روزگارِ پادشاه جهانگیر به هندوستان آمده بود[7]۔ مرزا مسیتا این کتاب را برای رهنمایی فرزند خود کریم الله خان معروف به مرزا کلّو(Kallu)نگاشته بود[8]۔ در موردِ سال تالیف این کتاب این قدر معلوم شده

١۔ ریو،ج١،ص٣١١
٢۔ همان
٣۔ همان
٤۔ همان
٥۔ براوون،ای.جی،فهرست دانشگاه کامبریج،ص١٨٥
٦۔ همان،صص١٨٥۔١٨٦
٧۔ الیوت،ج٨،ص٣٣٤
٨۔ استوری،ص٤٧٩

است که مؤلف این اثر را در عهد شاه عالم تالیف کرده بود[١]۔

مؤلف این اثر را در یك مقدمه،دودفتر و یك خاتمه تالیف کرده بود[٢]۔ الیوت محتویات این کتاب چنین بیان نموده است؛ **مقدمه** در مورد مذهب هندووان و قبیله های ایشان و تاریخ مختصر راجه های هندووان۔ **دفتر اول** دربیان ورود اسلام به این دیار و سلاطین دهلی، لاهور و غزنی، مولتان، سند و تته(Thatta)، کشمیر، جونپور، بنگال و گجرات۔**دفتر دوم** در چهار 'ورق' بیان شده است و این ورق ها در چند'سطر' منقسم است۔ ورق اول دربیان سلاطین دکن منقسم در شش سطر که یکم درباره سلاطین گلبرگه و احمدآباد،دوم در مورد بیجاپور، سوم درحق احمد نگر، چهارم پیرامون شاهان تلنگ، پنجم درباره شاهان برار و ششم دربیان شاهان بیدر است۔ ورق دوم دارندۀ ذکر سلاطین مالوه و ماندو، سوم دربیان فاروقیان خاندیس و چهارم در مورد حکمران های مالابار است۔ **خاتمه** کتاب دارندۀ فاصله و محاصل استان های هندوستان است[٣]۔

نسخه خطی 'انتخاب التواریخ' در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ٢٠٥٧ از برگ ١٠٦ تا ١٢٠ نگهداری می شود۔ الیوت فقط یك نسخه خطی این کتاب را ذکر کرده است که در یکی از کتاب خانۀ شاهان لکنو بود[٤]۔

☆انتظام راج اعظم گره:

این تاریخ در مورد راجه های اعظم گره است و از زمان ابی مان(Abhiman) و ساگر که معاصر اکبر و جهانگیر بودند،تا اختتام راج و مرگِ راجه محمد اعظم خان در ١٧٧١م بیان شده است[٥]۔ نویسندۀ این تاریخ 'گردهاری'(Girdhari) (شاید گردهاری لال باشد که

١۔ ریو،ج٣،ص١٠٥٢

٢۔ استوری،ص٤٧٩

٣۔ الیوت،ج٨،ص٣٣٥

٤۔ همان

٥۔ مارشال،ص١٦٢

این نام در هندووان عام است) در دفترِ قانون گویان خدمتِ محرری انجام می داد و این اثر را در ۱۲۱٦هـ.ق/۱۸۰۱م تالیف کرده بود[۱]۔ نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه ایدن برگ(Edinburgh) به شماره ۲۳۷ موجود است۔

آغاز: '**بعد از توحید رب العالمین و نعتِ حضرت سیدالمرسلین شبدیر جامه را...**'[۲]

☆اوصاف الآصف:

این اثر دارندهٔ تاریخ سلطنت اوده، از آغاز تا ۱۱۹۸هـ.ق است[۳]۔ دربارهٔ سال تالیف این کتاب اطلاع حتمی در دست نیست اما چون این اثر دارندهٔ وقایع تا ۱۱۹۸هـ.ق است و نسخه موزه بریتانیا که از دستنوشتهٔ مؤلف گرفته شده بود، دارندهٔ تاریخ ۱۱۹۹هـ.ق/۵-۱۷۸٤م بود[٤]، همین سال تالیف این کتاب باشد۔

نویسندهٔ این کتاب منشی انعام علی پسر محمد خورم شاه منشی [۵] از خطهٔ بجنور تعلق داشت[٦] و در مقدمه این کتاب می گوید که در ایام جوانی به سرپرستی اسد الدوله ناصرالدین حیدر خان، وی به ملازمت ابوالمنصور خان پیوست و تحت وی ده سال در پایتخت به سر برد [۷]۔ بعد ازان دوازده سال ملازمتِ شجاع الدوله می کرد و فراغت داشته به وطن خود بجنور رسید [۸]۔ منشی انعام علی این اثر را در پنج باب موسوم به'نسخه' نگاشته است[۹]۔ ترتیب کتاب چنین است؛ **نسخه اول** : مهم ترین بخش این کتاب است و دربارهٔ تاریخ اوده نوشته شده است ومزید در پنج 'رکن' تقسیم شده است که رکن اول در بارهٔ برهان الملك سید سعادت علی خان، رکن دوم درموردِ ابوالمنصور خان صفدر جنگ،

۱۔ استوری،ص۷۰۳

۲۔ محمداشرف الحق،هرمان اته و ایدورد رابرتسن،فهرست دانشگاه ایدنبرگ،ص۲۰۲

۳۔ ریو،ج۳،ص۹٦۰

٤۔ استوری،ص۷۰٤

۵۔ ریو،ج۳،ص۹٦۰

٦۔ نبی هادی،ص۲۵۷

۷۔ ریو،ج۳،ص۹٦۰

۸۔ استوری،ص۷۰٤ ۹۔ همان

رکن سوم درحقِ شجاع الدوله، رکن چهارم درباره آصف الدوله و رکن پنجم در بیانِ تاریخ شاهزاده وزیر علی خان است[۱]۔ **نسخه دوم:** دارندۀ نامه ها، **نسخه سوم** دارندۀ قصه های مختصر یا بیان احوال چیزهای مختلفه، **نسخه چهارم** مشتمل بر غزلیات و قطعات و **نسخه پنجم** بر احوال شاعرانِ ریخته مشتمل است[۲]۔ این کتاب بسیار ارزش مند است و ویلیام فرانکلین (William Franklin) این کتاب را یکی از منابعِ تاریخ خود، در نوشتن تاریخِ شاه عالم (The History of Shah Alam)، بیان نموده است[۳]۔

آغاز: **'ای نکته تو ساختی صفی و منصف.......'**[٤]

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۰۷ موجود است و ۱۰۸ برگ دارد۔ این نسخه که از نسخۀ مؤلف نقل شده بود، تنها دارندۀ باب یکم این کتاب است[٥]۔

☆بعضی از احوال احمد شاه:

غلام حسن ثامِن صدیقی فرشوری بلگرامی[٦] در خدمت چند حکمران های معاصر ازان میان شجاع الدوله، احمد خان بنگش نواب فرخ آباد، سعد الله خان روهیله مانده بود[۷]۔ در ۱۱۹۷ ه.ق/۱۷۸۳ م وی به تحریك شیخ الله یار بهادر به اله آباد رفت و آنجا با جوناتن اسکات (Jonathan Scott) صحبت کرد[۸]۔ همان سال وی حسب خواهشِ جوناتن اسکات این اثر را در مورد تهاجمِ سوم احمد شاه ابدالی نوشته بود[۹]۔ درین اثر وی حملۀ احمد شاه ابدالی مربوط به شرح احوال خود بیان نموده است[۱۰]۔

۱۔ ریو، ج۳، صص ۹٦۰۔۹٦۱

۲۔ استوری، ص ۷۰٤

۳۔ ریو، ج۳، ص ۹٦۱

٤۔ همان، ص ۹٦۰

٥۔ همان، ص ۹٦۱

٦۔ استوری، ص ٦۲۰

۷۔ نبی هادی، ص ۱۹۷

۸۔ استوری، ص ٦۲۰

۹۔ همان

۱۰۔ همان

☆بنساولی:

در۱۱۹۸ه.ق/٤-۱۷۸۳م جیمز براوون(Major James Browne) از جی پور(Jaipur)، تاریخی به زبانِ هندی پیرامون راجه های کچواهه(Kachhwahah) یافت[۱]. جان عالم شیرین رقَم که منشیِ جیمز براوون بود، این تاریخ را در شوال ۱۱۹۸ه.ق به فارسی ترجمه کرده بود[۲]. این اثر دارندهٔ تاریخِ راجه های جی پور از آغازِ ایشان نزدِ ۳۸۰ه.ق تا ۱۱۹۸ه.ق است[۳]. در مقدمه نام این کتاب **'بنساولی بزرگان مهاراجه دهیراج سوای پرتاپ سینگ بهادر'** آمده است[٤]. بنساولی در هندی 'نسب نامه' را می گویند.

آغاز: **'بعد حمد و ثنای خالق الارض و السموات و درود نا محدود...'**[٥]

واحد نسخه معلوم بنساولی در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ۱۲۷۱ .Or نگهداری می شود و ۱۰۲ برگ دارد.

☆تاریخ آصفجاهی:

این اثر از قادر خان منشی بیدری در بیانِ تاریخ نظام های دکن از آغازشان تا جلوس اسکندرجاه۱۲۱۸ه.ق/۱۸۰۳م است[٦]. فقط چکیده ای ازین کتاب در کتابخانهٔ موزه بریتانیا به شمارهٔ ۱۹٤۷ .Or بر برگِ ۳۳موجود است[۷].

☆تاریخ احمد شاه:

محمود المنشی بن ابراهیم الحسینی[۸] در صحبت مرزا مهدی خان نویسندهٔ 'تاریخ

۱- استوری،ص۶۹۰

۲- ریو،ج۱،ص۳۰۱

۳- همان

٤- همان

٥- همان

٦- استوری،ص۷۵۵

۷- ریو،ج۳،ص۱۰۳۷

۸- استوری،ص۳۹۵/ ریو،ج۱،ص۲۱۳ وی را محمود المثنٰی(یعنی محمود پسر محمود)پسر ابراهیم الحسینی نوشته است.

جهانگشای نادری' بوده و در ۱۱٦۷ھ.ق/٤-۱۷۵۳م در دارالانشا مامور شده بود(۱)۔ در مقدمه مؤلف بیان کرده است که چگونه وی، در ۱۱٦۷ھ.ق، به علتِ اتصال های طولانی و صمیمیِ خود با مرزا مهدی خان، در مشهد مقدس برای دارالانشا منتخب شده بود(۲)۔ در سبب تالیف کتاب مؤلف در مقدمه می گوید که از زمانی که او در منشیان دارالانشا شامل گردید، در نوشتنِ کارهای با شکوهِ اعلٰی حضرت سرگرم شده بود و بالآخر از شاه دستور یافت که این وقایع را به رشتۂ تحریر درآورد (۳)۔ این اثر در تاریخِ احمد شاه درانی تا ۱۱۷۱ھ.ق بیان شده است(٤)۔ البته نسخه موزه بریتانیا به شماره Or.۲۰۵۹ دارندۂ احوال تا مرگ احمد شاه درانی(۱۱۸۷ھ.ق/۱۷۷۳م) و جلوس تیمور شاه است(۵)۔

آغاز: **'سپاس و ستایش بی قیاس پادشاهی را سزاست که معمورۂ وجود...'**(٦)

نسخه خطی تاریخ احمد شاه از محمود منشی، در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره۱۹٦ Or. نگهداری می شود و مشتمل بر ۱۳۲ برگ است۔ نسخۂ دیگر در همین کتاب خانه به شماره Or.۲۰۵۹ از برگ ۵۳،۵۰تا٦٦ نگهداری می شود(۷)۔ این نسخه خطی تا مرگ احمد شاه و جلوس تیمور شاه ادامه دارد۔ یکی نسخۂ خطی ناقص در کتابخانۂ دانشگاهِ بمئِی به شماره ۱۵ هم موجود است۔

☆تاریخ احمد شاه درانی:

این کتاب در مورد تاریخ روزگارِ احمد شاه، تیمورشاه و زمان شاه تا ۱۲۱۲ھ.ق/ ۱۷۹۷م است(۸)۔ نویسندۂ این تاریخ منشی محمد عبدالکریم علوی است (۹)۔ این اثر بر

۱۔ سرفراز،شیخ عبدالقادر،فهرست دانشگاه بمئِی،ص٢٦

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵٤

۳۔ همان،ج۱،ص۲۱۳

٤۔ استوری،ص۳۹۵

۵۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵٤

٦۔ سرفراز،شیخ عبدالقادر،فهرست دانشگاه بمئِی،ص٢٦

۷۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵٤

۸۔ استوری،ص۴۰۳

۹۔ همان،ص۴۰۲

اساسِ تاریخ حسین شاهی از امام الدین حسینی چشتی نگاشته شده است[۱]۔ منشی عبدالکریم علوی میانِ ۱۸۵۱م تا ۱۸۷۵م فوت شده بود [۲]۔ علاوه برین تاریخِ احمد شاه درانی، وی چند کتاب های دیگر هم نگاشته است که مهم ازان 'محاربه کابل و قندهار' و 'تاریخ پنجاب تحفةً للاحباب' است[۳]۔

آغاز: **'علم افرازی دبیر قلم به میدان تحریر محمدت قهرمانی که جنود...'**[٤]

علاوه بر نسخهٔ دانشگاهِ کامبریج و دانشگاهِ بمبٔی،نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ۲۰۵۹ .Or از برگ ۵۱تا۵۲ نگهداری می شود[٥]۔ این کتاب در سلطان المطابع لکنو در ۱۲٦٦ھ.ق/ ۱۸۵۰م به چاپ رسیده بود[٦]۔ برای دیگر تراجمِ این اثر مراجع شود به استوری،صص۴۰۳۔٤۰٤۔

☆تاریخ بلوچی:

نویسنده این تاریخ عبدالحمید جوکهیه این کار را در ۱۲۱۹ھ.ق/۵۔۱۸۰٤م پرداخته بود[۷]۔ این اثر در تاریخ خطهٔ سند و احوال تالپوران است و نگارنده این تاریخ را به دستور میر بجار خان تالپور نگاشته بود[۸]۔ عبدالمجید این اثر را در نظم و نثر پرداخته بود۔

آغاز: ۔**'خداوندا مرا گردان ز ملایان دیندار**
که محکوم اند بر اصل و حدود الله نگهدار' [۹]

از دو نسخهٔ خطی این اثر یکی در کراچی به استاد حسام الدین راشدی و دیگری در

۱۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون۱۹
۲۔ استوری،ص۴۰۳ ۳۔ همان
٤۔ سرفراز،شیخ عبدالقادر،فهرست دانشگاه بمبٔی،ص۲۷۰
۵۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵٤
٦۔ استوری،ص۴۰۳
۷۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳۹
۸۔ همان
۹۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۱٦۱

حیدرآباد پاکستان در گنجینه نظامیان موجود است[۱]۔

☆تاریخ جان محمد:

این تاریخ منظوم در بیانِ احوال محاربۂ خان جهان سردار خان با کافران است که در ۱۲۰٤ﻫ.ق/۱۷۹۰م نزدِ گوجرانواله وقوع پذیر شد و دران جان محمد بن موسیٰ خان جام شهادت نوش کرد[۲]۔ نویسندۂ این اثر محمد افضل در سودهره شهرستان سیالکوت زاده شده بود و در ۱۲۱۰ﻫ.ق/٦ـ۱۷۹۵م در تلوندی موسی خان فوت کرد[۳]۔

آغاز: 'پس از حمد پروردگار جهان
پی نعتِ سرکردۂ مرسلان'[٤]

دستنویسِ فردِ این اثر در کتاب خانۂ اندیا آفیس به شمارۂ فهرست ۲۹۰۱ موجود است و هفت برگ دارد۔

☆تاریخ جوگل کشور:

یکی مردِ هندو به نام جوگل کشور(Jogal Kishor) این کتاب را در تاریخ عمومی هندوستان از همایون تا شاه عالم پرداخته بود[٥]۔ جوگل کشور این کتاب را برای الیجاه امپی(Elijah Impey) تالیف کرده بود که میان ۱۷۷٤ تا۱۷۸۳م قاضی القضاة دادگستری عالی کلکته بود[٦]۔ این طور می توان گمان برد که این اثر میان همین سال نگاشته شده باشد۔ پرفسور داووسن در تاریخ الیوت در موردِ این کتاب گفته است که 'تاریخ جوگل کشور' حدِ اقل در معابر که من بررسی کرده ام، هیچ ارزشی نمی دارد[۷]۔

۱ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳۹
۲ـ استوری،ص٦٦٦
۳ـ همان
٤ـ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون ۱۵۷٤،ش۲۹۰۱
۵ـ الیوت،ج۸،ص۳۰۰
٦ـ استوری،ص٤۷٤
۷ـ الیوت،ج۸،ص۳۰۰

آغاز: 'بعد از حمد خدای برتر و نعت رسولِ.....'[۱]

نسخه های خطی تاریخ جوگل کشور در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۳۸ از برگ ۳۸ب تا ۴۲ و به شماره Or. ۲۰۵۷ بر برگِ یکم و دو نگهداری می شود۔

☆تاریخ خدادادی:

نویسندۂ این تاریخ تیپو سلطان والی میسور است۔ 'تاریخ خدادادی' اصلاً زندگی نامۂ تیپو سلطان است و تا اختتامِ جنگِ مرهته تا ۱۷۸۷ م بیان شده است [۲]۔ تنها دستنوشتۂ معلومِ این تاریخ در کتاب خانۂ اندیا آفیس به شماره فهرست ۲۹۹۰ موجود است و از آغاز و انجام ناقص است و ۴۵ برگ دارد[۳]۔ این نسخۂ خطی که در خطِ شکسته نوشته شده است، کولونل کرك پاتریك به تاریخ ۱۳ آوریل ۱۸۱۱ م به کتاب خانه اندیا آفیس پیش کرده بود[۴]۔

☆تاریخ دل افروز:

این تاریخِ نظام شاهیان از آغاز تا تخت نشینی اسکندر جاه در ۱۲۱۸ ھ.ق، مشتمل بر یك مقدمه، چهارده لامع و یك خاتمه است[۵]۔ نویسندۂ این کتاب غلام حسین خان متخلص به جوهر[۶] است ۔ وی در مقدمۂ این کتاب می نویسد که او در ۱۱۸۷ ھ.ق به ملازمت رکن الدوله میر موسیٰ خان شامل گردید[۷]۔ وی در ۱۱۹۰ ھ.ق/۱۷۷۶ م دبیرِ دیوانِ حیدرآباد اعظم الامرا غلام سید خان گردید[۸]۔ بعد از فراغت به ملازمت غلام

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۲۹
۲۔ استوری،ص۷۶۷
۳۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۶۲۵،ش۲۹۹۰
۴۔ همان
۵۔ استوری،ص۷۵۴
۶۔ ریو،ج۱،ص۳۲۵
۷۔ همان
۸۔ استوری،ص۷۵۴

حسین جوهرؔ به محمدآباد بیدر رفت و مشغول کارهای ادبی شد و مجموعه ای دارندۀ نظم و نامه ها وغیره به نام 'عرض جوهر' نگاشت[1] و چند رساله ها در موردِ علمِ نجوم،ریاضی و علمِ طب نیز نوشت[۲]- در ۱۲۲۵ھ.ق جوهرؔ باز به حیدرآباد آمد و با راجه چندولال شادانؔ(Chandu Lal Shadan) معرفی شده چون درخانۀ وی محافلِ ادبی برپا می شد[۳]- همانجا با چندابی بی معروف به ماه لقا بایی معرفی شده بود[٤]- در ۱۲۳۸ھ.ق وی باز به حیدرآباد رفت و به فرمایشِ همان ماه لقا بایی این اثر را به هفتاد سالگی تالیف کرد[٥]- البته منزوی می گوید که غلام حسین، به دستور چندا بایی ملقب به ماه لقا، در ۱۱۲۵ھ.ق/۱۸۱۰م این کار را آغاز کرده و در ۱۲۲۹ھ.ق/۱۸۱٤م به انجام رسانده است و سال تالیف این کتاب از 'گفت: **گویا مشرق انوار حسن مه لقا**' ۱۲۲۹ھ.ق به دست می آید[٦]- همین سال تالیف قرین القیاس است چون درین کتاب مؤلف تاریخ اوده تا سکندر جاه بیان نموده است که در همان سال ۱۲۲۹ھ.ق فوت شده بود-

مقدمۀ این کتاب درنسبِ خانوادۀ نظام شاهیان است[۷]- لمعۀ اول در فرمانروایی آصفجاه نظام الملك،لمعۀ دوم در موردِ فرمانروایی نظام الدوله ناصر جنگ، سوم آصف الدوله صلابت جنگ، چهارم نواب نظام علی خان، پنجم برادران نظام علی خان به ویژه بسالت جنگ و مهر علی خان، ششم مردم های معروف دوره نظام علی خان از امیران و راجگان و دیوان و پیشکار و علما و قاضیان وغیره[۸]، هفتم میر اکبر علی خان سکندرجاه، هشتم چندا بی بی، نهم احوالِ مفصلِ جغرافیا و تاریخِ شش استانِ دکن و پس ازان بررسی کوتاه در موردِ استان های دیگرِ هندوستان، دهم وسعتِ مملکتِ تیموریان در دوره شاه جهان و اورنگزیب، یازدهم قلعه ها و شهزادگان و امیران در دوره شاه جهان و عالمگیر،

۱- ریو،ج۱،ص۳۲۵

۲- استوری،ص۷٥٤

۳- ریو،ج۱،ص۳۲۵

٤- استوری،ص۷٥٤

٥- ریو،ج۱،صص۳۲۵-۳۲٦/ استوری،ص۷٥٤

٦- منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٥۱

۷- ریو،ج۱،ص۳۲۵

۸- همان

دوازدهم آفرینشِ جهان، سیزدهم هفت اقالیمِ جهان و لمعۀ چهاردهم دربارۀ رودخانه ها، منابع و کوه ها وغیره بیان شده است[۱]۔ خاتمۀ کتاب دارندۀ دیوانِ اشعارِ هندی چندا بی بی ماه لقا است و ۱۲۳ غزل دارد[۲]۔

آغاز: **'آهنگ سریر کلك عشرت تحریر به نگارش شکر وسپاس حکیمی زمزمه سراست......'**[۳]

علاوه بر تاریخ دل افروز،اثرِ دیگر به نام 'ماه نامه' از غلام حسین جوهرؔ هم یادگار است که دربیانِ عروسی ابراهیم قطب شاه و باگی رتی(Bhagi Ratti) در ۱۲۲۰ھ.ق/ ۱۸۰۵ م نوشته شده بود[٤]۔

دو نسخه خطی تاریخ دل افروز در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٢٦٢٦٠ دارنده ۵۱۳ برگ (بدونِ خاتمه) و به شماره Add. ٢٤٤١٧ دارنده ۲۷۹ برگ که آغاز و انجام این نسخه افتاده است، موجود است۔ در پاکستان نسخه خطی این اثر در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی به شماره ٤ق ف ١٤ موجود است و دارندۀ ٢٧٤ صفحه رحلی است[۵]۔

☆تاریخ راحت افزا:

محمد علی حسینی تاریخ راحت افزا را به دستور نواب میر نجف علی خان شمشیر جنگ تالیف کرده بود[٦]۔ این اثر در تاریخ دکن است و مشتمل بر دو بخش است[۷]۔ بخشِ دومِ این کتاب در بیانِ احوال تیموریان است و مؤلف درین بخش عهدِ آصفجاه یکم، نواب ناصر جنگ، صلابت جنگ و دیگران را با تفصیل ذکر نموده است[۸]۔ دو دستنویسِ 'تاریخ راحت افزا' در کتاب خانه آصفیه نگهداری می شود که یکی ازان نوشته ۱۱۸۵ھ.ق و

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۲۵

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۵۲

۳۔ همان

٤۔ مارشال،ص۲۳۲

۵۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۵۲

٦۔ استوری،ص۱۳۸

۷۔ مارشال،ص۳۰۳

۸۔ همان

دیگری نوشتۂ ۱۲۹۸ھ.ق است[۱]۔ ازین می توان اندازه بگیرد که این اثر پیش از ۱۱۸۵ھ.ق نوشته شده باشد۔

☆تاریخ سلاطین:

این تاریخ دراصل رساله ای مختصر دربارۂ شاهان تیموریان به ویژه تیموریان هند تا روزگارِ شاه عالم است [۲]۔ نویسندۂ این تاریخ صوفی سنان پسر مرزا بابا است [۳]۔ به نظر اته این اثر فقط فهرست شاهان تیموریان است که چندی تاریخ ها و بعضی احوال ایشان هم دارد[٤]۔

آغاز: **'الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوٰة و السلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه و ازواجه و ذرّیّته و اهلیّته اجمعین، اما[بعد؟]پوشیده نماند که فقیر حقیر سراپا........'** [٥]

نسخه خطی تاریخ سلاطین در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٤۲۸ موجود است و ۳٤ برگ دارد۔ نسخه خطی این رساله که شاید دستنوشته مولف است، بسیار غلطی های تاریخی وغیره دارد[٦]۔

☆تاریخ عالی فی سلك اللآلی:

نویسندۂ این کتاب محمد صالح قدرت تحت شرکت هند شرق ملازمت می کرد [۷]۔ از نام وی ظاهر است که محمد صالح شاعر هم بود و قدرت تخلص می کرد۔ علاوه بر تاریخ عالی وی یکی مثنوی به نام 'نجف نامه' در ذکرِ نجف علی خان ناظمِ دهلی هم نگاشته

۱۔ استوری،ص۷۵۹
۲۔ استوری،ص۵۲۰
۳۔ همان
٤۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱٦۲،ش٤۲۸
۵۔ همان
٦۔ همان
۷۔ نبی هادی،ص٤۹۳

بود[۱]۔ وی این کتاب را به دستور جیمز براوون(James Brown) نوشته بود[۲]۔ تاریخ عالی در تاریخ جانشینان اورنگزیب از بهادر شاه تا شاه عالم دوم نوشته شده است[۳] ۔ محمد صالح تاریخ آخرین زمان یعنی تاریخِ روزگارِ شاه عالم دوم به اختصار گراییده است و این تاریخ به مرگ سردار مرهته بسواس راو به اختتام می رسد[٤] که به دست احمد شاه ابدالی در ۱۱۷٤ھ.ق/۱۷٦۰م کشته شده بود[٥]۔

در بیانِ احوال که محمد صالح قدرت درین کتاب نوشته است ، تاریخِ آن وقایع را ذکر ننموده است اما می گوید که بیشتر وقایع از روزگارِ محمد ناصرالدین تا وقتِ تالیفِ این کتاب با چشم خود ملاحظه کرده بود[٦]۔

آغاز: '**حمد خداوند جهان آفرینی که به امر کن تخلیق هزده هزار عالم**......'[۷]

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه بانکیپور و دانشگاه کامبریج موجود است[۸]۔

☆تاریخ نصرت جنگی:

این اثر به نام 'مختصر در احوال بنگالا' نیز معروف است[۹]۔ نویسندۀ این اثر سید علی حسینی قزوینی که با لقب های نواب انتظام الدوله نصیر الملك سید علی خان بهادر نصرت جنگ معروف بود، در ۱۲۰۰ھ.ق/٦_۱۷۸٥م استاندارِ داکه(Decca) شده بود و در یکم ذی القعده۱۲۳۷ھ.ق/ ۲۰ جولای ۱۸۲۲م به عمر ٦۳ فوت شده بود[۱۰]۔ این تاریخِ مختصرِ بنگال به ویژه داکه از تسخیرِ این دیار به دستِ اکبر تا ۱۲۰۰ھ.ق/٦_۱۷۸٥م است[۱۱]۔ بعد از وفاتِ سید علی حسینی، این کتاب را عبدالغنی حامد میر تا ۱۸٤۳م ادامه

۱۔ نبی هادی،ص٤۹۳

۲۔ استوری،ص٦۲٤

۳۔ همان ٤۔ همان

٥۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۰

٦۔ همان ۷۔ همان

۸۔ استوری،ص٦۲٤

۹۔ مارشال،ص٦۰، ولدمیرایوانوف هم در فهرست انجمن آسیای بنگال به همین نام نوشته است۔

۱۰۔ استوری،ص۷۲۳ ۱۱۔ مارشال،ص٦۰

داده بود[۱]۔

آغاز: 'زیب دیباچه سخن حمد کبریایی است ...'[۲]

نسخه های خطی این تاریخ در ویانا(Vienna) وکتابخانه انجمن آسیای بنگال به شماره ۲۰۸ نگهداری می شود[۳]۔ هری نات دی(Harinath De) این اثر را تصحیح کرده از سوی انجمن آسیای بنگال در ۱۹۰۸م به چاپ رسانده بود[٤]۔

☆تاریخ وزیر علی:

این اثر به نام 'عبرتنامۀ بنارس' هم معروف است[٥]۔ نویسندۀ این کتاب آغامحمد علی بهبهانی است[٦]۔ وی در لکنو زندگی می کرد[۷] و در ۱۲۱۳ھ.ق به بنارس رفت[۸]۔ محمد علی بهبهانی این کتاب را در تاریخ وزیر علی خان نگاشته بود که بر مرگ آصف الدوله در سپتامبر ۱۷۹۷م نوابِ اوده شده بود اما زود به دستِ سر جان شور(Sir John Shore) در ژانویه۱۷۹۸م معزول شده بود[۹]۔ درین اثر نویسنده وزیر علی خان را بی گناه گفته تمایل می کند[۱۰]۔ نسخه خطی تاریخ وزیر علی در کتاب خانه عمومی پنجاب لاهور به شماره ۲۹۷،۹۹۲۵ نگهداری می شود و۷۹ برگ دارد[۱۱]۔ دستنویسِ دیگرِ 'تاریخ وزیر علی' در کتاب خانه دانشگاه پنجاب به شماره ۳۷/ APell/ ۷٥ نگهداری می شود و ۱۱ برگ دارد[۱۲]۔

☆تواریخ مرهته[۱۳]/ تاریخ علی ابراهیم خان[۱٤]/ عبرتنامۀ علی ابراهیم خان[۱٥]:

۱۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون۱۱٦

۲۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،ص٦٦،ش۲۰۸

۳۔ استوری،ص۷۲۳ ٤۔ همان

٥۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص٥۳۹ ٦۔ استوری،ص۷۰٥

۷۔ نبی هادی،ص۳٦۸ ۸۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص٥۳٤

۹۔ استوری،ص۷۰٥ ۱۰۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص٥۳٤

۱۱۔ همان ۱۲۔ همان،ص٥۳۹ ۱۳۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونک،ج۱،ص۲۰۱

۱٤۔ الیوت،ج۸،ص۲٥۷ ۱٥۔ ریو،ج۳،ص۹٦۹

شرح احوالِ علی ابراهیم خان، نویسندۂ این تاریخ، در ذکر گلزار ابراهیم یا تاریخ چیت سینگ گذشته است۔ وی این اثر درا ۱۲۰ھ۔ق/۱۷۸٦م به تکمیل رسانده بود[1]۔ این اثر در مورد تاریخ جنگ های مرهته در هندوستان از ۱۱۷۱ھ۔ق تا ۱۱۹۹ھ۔ق بیان شده است[2]۔ آخرین دو بابِ این اثر در موردِ سیواجی راو پسر نراین راو و پیش قدمی سپه سالارِ انگلیسیان به پونه است[3]۔

آغاز: **'الحمدلله علی نعمایه و الصلوٰة علی نبیه و اوصایه این وقایع بدایع آثار عبرت نامه اولوالابصار است که در عهد حکومت امیر والا جاه...'[4]**

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه جهان فراوان است۔ برای تفصیل نسخه های این کتاب مراجع شود به مارشال، ص ٦۰ ۔ این تاریخ از میجر فُلر(Major Fuller) برای الیوت به زبانِ انگلیسی ترجمه شده بود و علاوه بر چند عبارت های غیرضروری و احوالِ جنگِ پانی پت، در تاریخ الیوت ،جلد۸،ص۲۵۷ تا۲۹۷ چاپ گردیده است[5]۔

☆تحفه اکبری:

این کتاب دارندۂ تاریخِ سه خانواده ازان میان نظام شاهیان، تیموریان و سیك ها است۔ مؤلفِ این کتاب خواجه عبدالحکیم در فرخ آباد تحصیلات را فرا گرفت و شاگردِ محمد رحم علی خان ومفتی سید محمد ولی الله فرخ آبادی بود[6]۔ به توسطِ میر منشی میر عزیز الله به دربار حیدرآباد ملازمت گرفت ومنصبی ولقب 'خان بهادر' یافت[7]۔ آن وقت که تحفۂ اکبری را تالیف کرد نُه سال بوده که در خدمت دولت حیدرآباد کار می کرد[8]۔ خواجه عبدالحکیم در کلکته هم رفته بود و آنجا در ملازمت کولونل جان میلکم

۱۔ الیوت،ج۸،ص۲۵۷

۲۔ ریو،ج۱،ص۳۲۸

۳۔ اته،اندیا آفیس،ج۱ ،ستون ۱۹۲،ش۴۹۲

٤۔ همان

۵۔ الیوت،ج۸،ص۲۵۷

٦۔ استوری،ص۷۵۲

۷۔ همان،ص۷۵۳

۸۔ همان،ص۷۵۲

(Col. John Malcolm) خدمت انجام می داد و به دستورِ وی دو کتاب های سیك ها به نام 'جنم ساکی'(Janam Sakhi) و 'ملاقاتِ نانك' از پنجابی به فارسی ترجمه نیز کرده بود[۱]۔

خواجه عبدالحکیم این تاریخِ مفصل را درحقِ تاریخ نظام شاهیان حیدرآباد و شاهانِ معاصرِ دکن تا اسکندرجاه، تیموریان هند از احمد شاه تا شاه عالم و تاریخ پنجاب از عروجِ سیك ها پرداخته است[۲]۔ این اثر ظاهراًدر ۱۲۱۹ھ.ق/۵ـ۱۸۰٤م نوشته شده بود و نسخه خطی تحفه اکبری در کتاب خانه اندیا آفیس موجود است[۳]۔

☆تذکرة الامرا:

نویسندۂ این 'تذکرة الامرا' ناصر الدوله کرنیل جیمز اسکینر(James Skinner) بهادر غالب جنگ[٤] است۔ جیمز اسکینر پسر هرکولیس اسکینر(Hercules Skinner) و یکی بانوی راجپوت در ۱۷۷۸م به دنیا آمد[۵]۔ پدرش هرکولیس اسکینر خود مردِ اسکاتلندی بود[٦]۔ جیمز اسکینر خود در ارتشِ مرهته ها زیرِ دی بواگنی(de Boigne) و پیرون(Perron) خدمت کرد و بعد ازان تحتِ لُرد لیك(Lord Lake) خدمت انجام داد[۷]۔ جیمز اسکینر در ٤دسامبر۱۸٤۱م در هانسی فوت شد و به ۱۷ ژانوری۱۸٤۲م در یکی کلیسای دهلی که وی خود تعمیر کرده بود، مدفون گردید[۸]۔

این کتاب دارندۂ احوال خانواده های نوابانِ راجپوتانه و پنجاب است[۹] و مشتمل بر چهار طبقه است که طبقۂ اول ازان در ذکرِ راجپوتان، طبقۂ دوم در بیان سیك ها، طبقۂ سوم در حقِ خان ها یا امرای مسلمانان و طبقۂ چهارم در مورد توضیحاتِ جغرافیای

۱ـ ریو،ج۱،ص۲۹۳

۲ـ استوری،ص۷۵۳

۳ـ همان

٤ـ ریو،ج۱،ص۳۰۳

۵ـ استوری،ص٦۸۸

٦ـ باك لیند،ص۳۹۲

۷ـ استوری،ص٦۸۸

۸ـ باك لیند،ص۳۹۲

۹ـ استوری،ص٦۸۸

شهرستان هریانه و اطلاعاتِ دیگری در بارهٔ قصبه های حصار و هانسی وغیره است [۱]۔ وی این کتاب را به ژانرال میلکم(Gen.Malcolm) معنون کرده بود [۲]۔ این اثر در ۱۸۳۰م به تکمیل رسید[۳]۔

آغاز: 'بعد تمهید، تمحید ملك الملکی که انتظام سلسله کاینات را...'[٤]

سه نسخهٔ خطی این اثر در کتاب خانهٔ موزه بریتانیا نگهداری می شود که یکی ازان نسخه های خطی به شماره Add.۲۷۲۵٤ عکسِ نوابِ معاصرِ هر خانواده نیز دارد[٥]۔

☆تذکرة السادات:

نویسنده این کتاب شیخ احمد پسر محمود محمدی الاکبرآبادی این اثر را حسبِ خواهشِ شاه عالم بهادر شاه تالیف کرده بود [٦]۔ تذکرة السادات مشتمل بر نام و کنیت و لقب و تاریخ ولادت و شهادت وغیره از چهارده معصومینؑ است و علاوه برین تذکرة السادات دارندهٔ احوالِ سادات به شمول برخی که به هندوستان آمدند، نگاشته شده است[۷]۔ هیچ دستنویس این کتاب به دست نیامد البته این اثر در ۱۸۸۰م در اله آباد به چاپ رسیده بود[۸]۔

☆ترجمةالاسرار:

ترجمة الاسرار کتابی در موردِ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و خلفای راشدین است۔ استوری نامِ نویسندهٔ این کتاب کمال الله بن محمد پیر صدیقی بیان کرده است [۹]۔

۱۔ ریو،ج۱،صص۳۰۲۔۳۰۳

۲۔ همان،ص۳۰۳

۳۔ استوری،ص٦۸۸

٤۔ ریو،ج۱،ص۳۰۲

٥۔ همان

٦۔ استوری،ص۲۱۷

۷۔ همان ۸۔ همان

۹۔ همان،ص۲۰۱

مولوی عبدالمقتدر در فهرست کتاب خانه بوهار نوشته است که مؤلف درین نسخه خود را این طور ذکر کرده است:**'بنده کمترین هیچمدان بن عباد الله الصمد کمال الله محمد پیر صدیقی انار الله برهانه'**[۱]۔ ظاهراً اینجا او نام خود را ظاهر نکرده است و نام پدرِ خود کمال الله محمد پیر صدیقی بیان نموده است البته در شعر های این کتاب مولف خود را کمال الله گفته است [۲]۔ از آغاز این کتاب که منزوی در فهرست مشترك نقل کرده است ظاهر می شود که نام او کمال الله بود۔ نویسنده این کتاب در بعضی اشعار که درین کتاب نوشته است، نامِ خود کمال الله نوشته می گوید که وی این اثر را در ۱۱۸۵ھ.ق/۱۷۷۱م تالیف کرده است[۳]۔

این اثر مشتمل بر بیست و پنج فصل است و دارندۂ تاریخ پیامبر اسلامؐ و خلفای راشدین با شرح احوال خلافت امام حسنؑ ومعاویه است [٤]۔ علاوه برین این کتاب چند قطعه های تاریخ هم دارد [٥] که در موردِ ولادت و شهادت و طول زندگانی و جای مرقد های خلفا و دوازده امامینؑ و چهارده معصومینؑ و دیگر اصحاب کبارؓ چون امیر حمزهؓ، حضرت عباسؓ و اصحاب کهفؓ وغیره است [٦]۔ در آخرِ کتاب یکی فصل در مورد وظایف و رعایتِ دینِ اسلام ومعادشناسی وجود دارد[۷]۔

آغاز: **'الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والسلام علی روح مقدس و قالب مطهر سرور انبیا...'** [۸]

'حمدله۔ صلاة۔ بعد هذاالکلام معروض ضمیر منیر آفتاب بلاغت شعار.......کمترین کمال الله بن.....و ترجمة الاسرار نام نهاده که طالبان این معنی را به کار آید.'[۹]

۱۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج ۱،ص ٢٤
۲۔ همان
۳۔ همان
٤۔ همان
٥۔ استوری،ص ۲۰۱
٦۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج ۱،ص ٢٤
۷۔ همان ۸۔ همان
۹۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج ۱۰،ص ۳۰۹

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه بوهار به شماره ۳۲ موجود است۔ این نسخه خطی دارنده ۹۵ برگِ ۲۳ سطری است۔ نسخه دیگر درکتاب خانه انجمن آسیای بنگال موجود است۔ در پاکستان سه نسخه خطی این کتاب در مکتبه چشتیه فیصل آباد، سرگودها[چناب نگر] و بهاولنگر موجود است که برای تفصیل این نسخه های پاکستان مراجع شود به فهرست مشترك منزوی،ج۱۰،ص۳۰۹۔

☆تفضیح الغافلین:

این کتاب در تاریخ آصف الدوله از ابو طالب اصفهانی یادگار است که ذکر وی در بیان تاریخ 'لُب السیر و جهان نما' گزشته است۔ در ۱۲۱۱ه.ق/۷_۱۷۹٦م کاپتان ریچاردسن(Capt.Richardson) برای نوشتنِ تاریخ آصف الدوله به او فرمایش کرد [(۱)]۔ زود ابو طالب اصفهانی این اثر را در تاریخ آصف الدوله (۹۷_۱۷۷۵م) تالیف کرد۔ این اثر حتماً میان ۱۲۱۱ه.ق تا ۱۲۲۰ه.ق نوشته شده بود چون ابو طالب اصفهانی خود در ۱۲۲۰ه.ق فوت شده بود[(۲)]۔

هیچ نسخه خطی ازین کتاب معلوم نیست اما ویلیام هویی(W.Hoey)این اثر را به زبان انگلیسی به نام تاریخ آصف الدوله (History of Asafu'd Daulah) ترجمه کرده بود و آن ترجمه در ۱۸۸۵م در اله آباد به چاپ رسید[(۳)]۔

☆تنمیق شگرف:

این اثر از نویسندۀ معروفِ دورۀ تیموریان متاخر لچمی نراین شفیق یادگار است۔

۱_ استوری،صص ۷۰٤_۷۰۵

۲_ همان،ص ۱٤٥

۳_ همان،ص ۷۰۵

تنمیقِ شگرف در تاریخ دکن است و دارندۀ احوالِ جغرافیایی و احصایی و تاریخی استان های دکن است [۱]۔ این کتاب در ۱۲۰۰ هـ.ق/۱۷۸۶م نگاشته شده بود و از نام این کتاب، سالِ تالیف این ۱۲۰۰ هـ.ق به دست می آید[۲]۔ وی این کار را به ریچارد جانسن(Richard Johnson) معنون کرده بود[۳]۔ دکتر سید عبدالله احتمال کرده است که وی بعضی جا تاریخِ فرشته را حرف به حرف نقل کرده است[۴]۔

آغاز: '**یا رب ز تو یافت گفتگو خامه من...**'[۵]

نسخه های خطی تنمیقِ شگرف در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۴۴۷ و ۴۴۸ موجود است۔ یکی نسخه این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۲۶۲۷۳ از برگ ۲ تا ۱۰۹ نگهداری می شود۔ این نسخۀ موزه بریتانیا نام کتاب و نویسنده ندارد اما ریو بر قراین این دستنوشته را تنمیقِ شگرف از لچمی نراین شفیق گفته است[۶]۔

☆تواریخ رحمت خان:

حافظ محمد صدیق یکی کارِ پشتو که در ۱۰۳۱ هـ.ق/۲-۱۶۲۱م نگاشته شده بود، از نو طرح کرده به زبان فارسی برگردانید و این ترجمه را 'تواریخ رحمت خان' یا 'تاریخِ حافظ رحمت خانی' نام نهاد[۷]۔

آغاز: '**بعد از حمد صلوٰة بر بصایر صافیه الوالالباب واضح و لایح باد که چون تمامی همت ظاهری...**'[۸]

دو نسخۀ خطی این تاریخ در کتاب خانۀ اندیا آفیس نگهداری می شود[۹]۔

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱۷۱، ش ۴۴۷ ۲۔ همان
۳۔ استوری، ص ۷۳۸
۴۔ عبدالله، دکتر سید، سهم هندووان...، ص ۱۰۵
۵۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱۷۱، ش ۴۴۷
۶۔ ریو، ج ۲، صص ۸۵۹-۸۶۰
۷۔ استوری، ص ۳۹۶
۸۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۲۳۴، ش ۵۸۲
۹۔ استوری، ص ۳۹۶

تواریخ رحمت خان از حافظ محمد صدیق در ١١٨٤هـ.ق نگاشته شده بود و مشتمل بر هفت مجالس است[١]۔ جالب است که پیر معظم شاه بن پیر محمد فاضل هم کتابی به همین نام یعنی 'تواریخ رحمت خانی' در ١١٨١هـ.ق مشتمل بر هفت مقامات نگاشته بود که ترجمه ای از پشتو است و این کارِ پشتو شخصی میر داد به نام 'تواریخ افاغنه' تالیف کرده بود[٢]۔ دو نسخهٔ خطی این 'تواریخ رحمت خانی' از پیر معظم شاه در کتابخانهٔ برلین[٣] و یکی در کتاب خانهٔ اندیا آفیس به شماره فهرست ٥٨١موجود است[٤]۔

☆ذکرالسیر:

این اثر از غلام حسین خان پسر محمد همت خان یادگار است که احوال وی در 'تاریخ زمینداران بنارس' گزشته است۔ این تاریخ دارندهٔ احوال از یورشِ نادر شاه در ١١٥١هـ.ق/٩-١٧٣٨م تا ١٢٢١هـ.ق/١٨٠٦م است[٥]۔ از نام این کتاب 'ذکرالسیر' سالِ تالیف١٢٢١هـ.ق نیز به دست می آید[٦]۔

آغاز: '**حمد خالقی که از خاك تیره آدم صلوات الله علی نبیّنا وعلیه السلام را آفریده به نفخت فیه من روحی کسوت حیات پوشانیده...**'[٧]

نسخه خطی ذکرالسیر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٤٢٩ موجود است و ٣٨٨ برگ دارد۔ از سه نسخهٔ دیگرِ این کتاب دو در کتاب خانه اندیا آفیس و یکی در کتاب خانه پاریس هم موجود است[٨]۔

☆راج سوهالی:

١۔ اته،اندیا آفیس،ج ١،ستون ٢٣٤،ش٥٨٢
٢۔ استوری،ص٣٩٦
٣۔ همان
٤۔ اته،اندیا آفیس،ج ١،ستون ٢٣٤،ش٥٨١
٥۔ استوری،ص٦٤٢
٦۔ اته،اندیا آفیس،ج ١،ستون ١٦٢،ش٤٢٩
٧۔ همان
٨۔ استوری،ص٦٤٢

نویسندۀ این تاریخ منشی هیرام[یا هنیرام] ولد دهنی رام(Dhani Ram) ابن دهنراج(Dhanraj) قانونگوی پرگنۀ اونام سرکار لکنو در مضافِ استانِ احمد نگر[۱] است۔ او این کتاب را بعد از ۱۲۰۷ھ.ق/۱۷۹۲م از منابع های مختلفِ سانسکریت و فارسی نگاشته بود[۲]۔ مؤلف این کتاب را در پنج طبقات نگاشته بود که اولین سه ازان درموردِ راجه های هندووان نوشته شده است [۳]۔ طبقه چهارم دربارۀ شاهانِ مسلمانانِ هندوستان تا شاه عالم بیان شده است و طبقه پنجم دارندۀ شماریاتِ هندوستان است [۴]۔ طبقه چهارم این کتاب که تا ۱۱۹٤ھ.ق/۱۷۸۰م گرفتنِ احمد آباد در استان گجرات به دست انگلیسیان بیان شده است[۵] خیلی مهم است ۔جالب است که این اثر بعد از ۱۲۰۷ھ.ق/۱۷۹۲م نوشته شده بود اما دارندۀ احوال فقط تا ۱۱۹٤ھ.ق است۔

آغاز: '**حـمـد وافـر و سپـاس متـکـاثـر شهنشاهی را سزد کـه هفت طبق زمین را بـه موالیدثلاثه.....**'[٦]

نسخه خطی این کتاب که منحصر به فرد است،در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۲۰۸ موجود است و دارنده ٤۹۲ برگ است۔

☆ریاض الملوك:

این اثر دارندۀ احوالِ تاریخی به ویژۀ هندوستان است[۷]۔ نویسندۀ این اثر محمد غوث بن محمد فایق پیشاوری است[۸]۔ در دیباچۀ این کتاب وی می نویسد که او در حالتِ پریشانی به حسن ابدال رسیده و دوستی او را به احمد خان درانی معرفی کرد[۹]۔ وی در

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۸۸،ش۲۰۸

۲۔ استوری،ص٤۷۸

۳۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۸۸،ش۲۰۸

٤۔ همان ۵۔ همان

٦۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۸۹،ش۲۰۸

۷۔ استوری،ص٦٤۹

۸۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج ۱۰،ص۵۲۱

۹۔ همان

خدمت احمد شاه به طور اتالیقِ پسرش شاهزاده تیمور شاه ملازمت یافت[۱]۔ محمد غوث پیشاوری برای شاگردِ کوچکِ خود، تیمور شاه پسر احمد شاه ابدالی، احوال سلاطین هند را جمع کرده این کتاب را در حدود ۱۱۸۰ھ.ق/۱۷۶۶م تالیف کرده بود[۲]۔ این اثر مشتمل بر یك مقدمه، دو روضه و یك خاتمه است[۳]۔ هر روضه در چهار گلدسته عدل، مروت، سخاوت و غیرت و همت تقسیم شده است۔ منزوی در فهرستِ مشترك ترتیب کتاب چنین بیان نموده است؛مقدمه در بعضی نکات که موقوف علیه سلطنت و ریاست است۔ **روضه یکم** در ذکر بعضی از سلاطین سلف و **روضه دوم** در بعضی از امرای نامدار است۔ **خاتمه** کتاب در وصایای ضروری برای شاهان وده گونه نیاز آنان که حاکم عادل، وزیر عادل، کاتب عارف، حاجب عاقل، عامل کافی، یاران، طبیب حاذق، آشپز، لشکر و دارایی بسیار بیان شده است[٤]۔

آغاز: '**غواصی خامه سحرکار در قعر بحر فکر و به دست آوردن**........'[٥]

نسخه خطی این کتاب در دانشگاه پنجاب لاهور به شماره ٤٣/ Pel/ ۷۰۹ موجود است و ۸۳ برگ دارد[٦]۔

☆زبدة الاخبار:

'زبدة الاخبار' یکی خلاصۀ 'خلاصةالتواریخ' منشی سجان رای است که امر سینگ خوشدلّ در ۱۲۲۱ھ.ق/۷-۱۸۰٦م نگاشته بود[۷]۔ این کتاب مشتمل بر هفت باب است که پنج باب نخستین ازان چکیدۀ 'خلاصة التواریخ' است و امر سینگ این کار را در مدتِ پانزده روز انجام داد[۸]۔ چون نسخۀ دستنوشتۀ این کتاب که موردِ الیوت بود ٦۱۲ صفحه

۱۔ نبی هادی،ص۳۸٥

۲۔ همان

۳۔ استوری،ص٦٤۹

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،صص ٥۲۱-٥۲۲

٥۔ همان،ص٥۲۲

٦۔ همان

۷۔ استوری،ص٤۸۰

۸۔ الیوت،ج۸،ص۳۷٤

داشت[١] و امر سینگ فقط در پانزده روز تلخیصِ آن کرده بود، ازین چیزی احتمال قوی است که امر سینگ درین کتاب بیشتر اقتباس از 'خلاصة التواریخ' نقل کرده باشد۔ الیوت محتویات این کتاب چنین بیان نموده است: باب اول احوال هندوستان و استان آن و بیانیه ای از درآمدهای جمع آوری شده از هر استان، باب دوم در بیان کورووان و پاندووان، باب سوم راجگان هندو به ویژه بکرما جیت، باب چهارم درمورد غزنویان، غوریان، غلامان، خلجیان، سادات ها و لودیان، باب پنجم تیموریان از بابر تا اورنگزیب و سوریانِ افاغنه، باب ششم از بهادر شاه تا مرگِ شاه عالم و نادر شاه، ابدالیان، روهیله ها، مرهته ها و انگلیسیان، باب هفتم جلوس محمد اکبر دوم، تسخیرِ قلعه های علی گره، کاماؤنه وغیره و عهدِ حکومت از جدهشتر تا شاه عالم[٢]۔

نسخهٔ دستنوشتهٔ این اثر در کتاب خانه موزهٔ بریتانیا به شماره Or. ٢٠٥٧ از برگ ١٧٠ تا ١٩٤ نگهداری می شود و ترجمهٔ چکیدهٔ 'زبدة الاخبار' در همین کتاب خانه به شماره Add. ٣٠٧٨١ از برگ ٦٠ تا ٦٩ موجود است[٣]۔

☆سلطان التواریخ:

نویسنده این کتاب سید زین العابدین پسر سید رضی[الدین؟] موسوی شوستری [٤] برادرِ کوچکِ میر عالم ابوالقاسم شوستری، نویسندهٔ حدیقة العالم، بود [٥]۔ بعضی می گویند که وی در ایام جوانی از حیدرآباد به میسور رفت و بقیه تمام عمرِ خود همانجا ماند[٦]۔ بعضی می گویند که مدتِ دراز در مدراس کارمندِ آصف جاه بود و بالآخر به بالا گات(Balaghat) رفت و در خدمت حیدر علی خان شامل گردید و بعد ازان از دربار تیپو

١۔ الیوت،ج٨،ص٣٧٥
٢۔ همان،صص٣٧٤۔٣٧٥
٣۔ ریو،ج٣،ص١٠٥٢
٤۔ استوری،ص٧٧٣
٥۔ همان
٦۔ همان

سلطان پیوست[١]۔ در سال وفات زین العابدین هم اختلاف است۔ اسپرنگر می گوید که در حیدرآباد فوت شد [٢]۔ ایچ۔جی۔برگز(H.G.Briggs) می گوید که در سرنگاپتم دوران محاصره در ١٧٩٩م فوت شد[٣]۔ علاوه بر سلطان التواریخ سه اثر دیگر 'زبرجد' درباره علم نجوم، 'فتح المجاهدین' در موردِ قواعدوضوابطِ ارتشِ تیپو سلطان و 'مؤیدالمجاهدین' مجموعۀ خطبه های منظوم، ازوی هم یادگار است[٤]۔

سلطان التواریخ در ذکرِ تاریخ سلاطین میسور فتح علی، حیدر علی و تیپو سلطان است[٥]۔ این کتاب در دو دفتر تقسیم شده است و ازان نخستین دفتر در موردِ فتح علی و حیدر علی است و دفترِ دوم در موردِ روزگارِ تیپوسلطان تا ١٧٨٩م[٦] یعنی تا مهم کلیانور بیان شده است [٧]۔ درین کتاب مؤلف حیدر علی را 'فردوس مکانی' و فتح علی را 'جنت مکانی' گفته است[٨]۔ این تاریخ در سبکِ مصنوع نوشته شده است[٩]۔ مؤلف این اثر را به تیپو سلطان معنون کرده بود[١٠]۔

آغاز: **'سلطان نشاتین صوری و معنوی و معانی الفاظ ستایش و نیایش پادشاه علی اطلاق است جل جلاله و عم نواله...'**[١١]

نسخه خطی سلطان التواریخ در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٥٢١ موجود است و ١٦٦ برگ دارد۔ این دستنویس از انجام افتاده است۔ هرمان اته در فهرستِ کتابخانۀ اندیا آفیس سلطان التواریخ را از نویسندۀ 'نامعلوم' نگاشته است اما استوری این اثر را تالیفِ زین العابدین پسر سید رضی قرار داده است۔

١۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج١،ص٥٩١
٢۔ همان،ص٥٩٢
٣۔ استوری،ص٧٧٣
٤۔ مارشال،صص٤٩٧۔٤٩٨
٥۔ اته،اندیا آفیس،ج١،ستون ٢٠٧،ش٥٢١
٦۔ استوری،ص٧٧٣
٧۔ اته،اندیا آفیس،ج١،ستون ٢٠٧،ش٥٢١
٨۔ همان
٩۔ مارشال،ص٤٩٧
١٠۔ اته،اندیا آفیس،ج١،ستون ٢٠٧،ش٥٢١
١١۔ همان

☆سوانح غرایب:

سید نذر علی پسر سید فرزند علی پسر سید هدایت الله جایسی[۱] از ملازمان شجاع الدوله نواب اوده بود[۲]۔ پدرِ وی در ملازمتِ نواب سرفراز خان ناظم بنگال بود[۳]۔ وی این اثر را در تاریخِ مختصر بنگال از زمانِ محمد جعفر خان تا مرگِ شجاع الدوله نواب اوده پرداخته بود[٤] و در بیان تاریخ احوالِ معاصرِ استانِ اله آباد و اوده را ذکر نموده است[٥]۔ این اثر در ۱۲۱۳ھ.ق/۹۸-۱۷۹۸م تکمیل یافته بود[٦]۔ نسخۂ خطی سوانح غرایب در کتاب خانه اندیا آفیس موجود است[۷]۔

☆صحیح الاخبار:

این اثر مشتمل بر تاریخ عمومی هند تا زمان مولف است[۸]۔ نویسندۂ این تاریخ سروپ چند کتری(Sarup Chand Khatri)،اگرچه مردِ هندو بود اما این کتاب را به روشِ مسلمانان با حمد خدا، نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیتؑ و اصحاب کرامؓ آغاز کرده است[۹]۔ وی این اثر را برای گورنر ژانرال سر جان شور(Sir John Shore)در ۱۲۰۹ھ.ق/٥-۱۷۹٤م تالیف کرده بود[۱۰]۔

نویسنده در منابع این کتاب تاریخ محمود سبکتگین از عنصریؒ، تاریخ سلطان بهلول و تاریخ شیر شاه از حسین خان افغان، تاریخ فیروز شاهی از مولانا عزالدین خالدخانی، تاریخ ایرج از خواجه نظام الدین احمد، تاریخ اکبر شاهی از مرزا عطا بیگ قزوینی، تحفه اکبر شاهی از شیخ عباس بن شیخ علی شروانی، تاریخ صدر جهان گجراتی، تاریخ حاجی

۱۔ استوری،ص۷۱۹
۲۔ نبی هادی،ص٤٥٨
۳۔ استوری،ص۷۱۹
٤۔ مارشال،ص۳۷٤ ٥۔ استوری،ص۷۱۹
٦۔ استوری،ص۷۱۹
۷۔ مارشال،ص۳۷٤
۸۔ استوری،ص٤۷۸
۹۔ الیوت،ج۸،ص۳۱۳ ۱۰۔ استوری،ص٤۷۸

محمد قندهاری و تاریخ منور خان را نام برده است[1]۔ مؤلف در ین کتاب بسیاری واژه های محلی چون چوهدری، بیوپاری، مهاجن، بنجاره، سیته(Seth)، پتواری وغیره به کار برده است[2]۔

نسخۀ خطی چکیدۀ صحیح الاخبار در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸٤۳ از برگ ۱٤۲ تا ۱۵۷ نگهداری می شود[3]۔ الیوت در تاریخ خود بیشتر از یك صفحۀ ترجمۀ انگلیسی این کتاب داده است اما ذکر نکرده است که این کتاب چند تا برگ داشت۔

☆فرحت العالم:

سید محمد ابو تراب پسر سید احمد رضوی[4]، نویسندۀ 'قطب نمای عالم' که مشابه به 'حدیقة العالمِ' میر عالم است[5]، این کتاب را نگاشته بود[6]۔ استوری این کتاب را از فهرست کتابخانۀ آصفیه نقل کرده است که آنجا این اثر به طور کتاب چاپی ذکر شده است، اما استوری احتمال کرده است که آن کتاب چاپی نیست نسخه خطی است[7]۔

☆گوالیار نامه:

گوالیار نامه از محمد خیر الدین اله آبادی در موردِ تاریخ گوالیار از عهد باستان تا ۱۲۰۰ ه.ق است[8]۔ این اثر در ذکرِ تاریخ گوالیار و فتح شدن آن به دست انگلیسیان و زهر دادن به راجه چتر سینگ در ۱۲۰۰ ه.ق/ ٦-۱۷۸۵م است و در ۱۲۰۸ ه.ق/ ۱۷۹۳م نگاشته شده بود[9]۔ خیر الدین اله آبادی که احوالِ مفصل وی در ذکرِ 'تحفۀ تازه' گزشته است،

۱۔ الیوت،ج۸،ص۳۱٤
۲۔ همان،صص۳۱٤-۳۱۵
۳۔ ریو،ج۳،صص۱۰۳۰-۱۰۳۱
٤۔ استوری،ص۲۰۲
۵۔ ر.ك حدیقة العالم در همین مقاله
٦۔ استوری،ص۲۰۲ ۷۔ همان
۸۔ ریو،ج۳،ص۱۰۲۸
۹۔ مارشال،ص۲۵٦

در مقدمۀ این کتاب بیان نموده است که در ۱۲۰٦ھ.ق نواب آصف الدوله وی را از محلِ بومی خود به لکنو برخواند و آنجا کاپتان بروس(Capt. Bruce) وی را کتابی 'گوالیار نامه' پیش کرد که پُر از اغلاط بود [۱]۔ پس وی برای باز نوشتنِ این کتاب ایراد گرفت و درین کتاب ذکرِ پیروزی های انگلیسیان در آن دیار نیز شامل کرد که با چشم خود ملاحظه کرده بود[۲]۔ بخشِ زیادی ازین کار دارندۀ احوالِ مفصلِ به تصرف آوردنِ گوالیار به دستِ انگلیسیان، پیشدستی کولونل کیمیك(Col.Camac) خلاف مهاجی سیندیه و باز به تصرف آوردنِ گوالیار و گوهار به دستِ سردارِ مرهته است[۳]۔

آغاز: '**سپاس و ثنا صانعی را سزاست که بر فصیل صنعت...**' [٤]

نسخه های خطی کتابِ مذکور در کتاب خانه موزه بریتانیا، کتاب خانۀ انجمن آسیای بنگال در گنجینه کرزن و کتاب خانه اندیا آفیس نگهداری می شود[٥]۔

☆مآثر آصفی:

این اثر نیز از لچمی نراین شفیق یادگار است۔ وی این کتاب را در تاریخ نظام ها در یکم ربیع الثانی ۱۲۰۸ھ.ق/ ٦ نوامبر ۱۷۹۳م به تکمیل رسانده بود[٦]۔ ریو سال تالیف این کتاب ۱۲۰۷ھ.ق بیان نموده است [۷]۔ این تاریخ دارندۀ احوالِ مختصرِ مرهته ها و امرا و راجه ها هم است[۸]۔

آغاز: '**جواهر محامد نذر مالك الملکی که شاهان ذوی الاقتدار را...**'[۹]

نسخه های خطی مآثر آصفی در کتاب خانه اندیا آفیس و انجمن آسیای بنگال

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۲۸
۲۔ همان ۳۔ همان
٤۔ همان
٥۔ استوری،ص۷۳٦
٦۔ همان،ص۷٥۰
۷۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۹
۸۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان...،ص۱۰٥
۹۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۸۲،ش٤٦۸

موجود است [١]۔ در کتاب خانۂ موزه بریتانیا چکیده ای ازین کتاب به شماره دستنوشتۂ Or. ١٩٦٣ از برگ ١٢٨ تا ١٣٧ نگهداری می شود[٢]۔

☆محمد خانی:

نویسندۂ این کتاب میر حسام الدین گوالیاری ملقب به مطلق علی شاه [٣] گوالیار را خیرباد گفته به خدمتِ نوابانِ بنگشِ فرخ آباد پیوسته بود [٤]۔ وی این کتاب را در تاریخ نوابانِ بنگشِ فرخ آباد از بنیان گزاری محمد خان بنگش(متوفی١١٥٦ھ.ق /١٧٤٣١م) تا روزگارِ احمد خان(متوفی١١٨٥ھ.ق/١٧٧١م) نگاشته بود[٥]۔ استوری فقط یك نسخۂ خطیِ 'محمد خانی' را ذکر نموده است که در کتاب خانه اندیاآفیس، لندن نگهداری می شود و اشتباه کرده است که شاید این نسخۂ دست نویس از انجام افتاده است [٦]۔ اگرچه دستنوشتۂ اندیاآفیس، احوال مرگ احمد خان بنگش ندارد و به ظاهر درین نسخۂ خطی هیچ تاریخی بعد از ١١٧١ھ.ق /٨۔١٧٥٧م یافته نمی شود ولی این قدر ظاهر است که این اثر بعد از وفاتِ احمد خان بنگش نگاشته شده بود[٧]۔

☆مختصر یول:

این تاریخِ مختصر در موردِ سلاطینِ دهلی و تیموریان هند تا عهدِ شاه عالم است [٨]۔ نویسندۂ این کتاب اعزالدین محمد این اثر را در ١٢١٨ھ.ق/ ٤۔١٨٠٣م برای میجر ویلیام یول(Major William Yule) نگاشته بود[٩]۔ این اثر با اضافۂ چند سطری در مقدمه و احوالِ

١۔ استوری،ص٧٥٠ ٢۔ ریو،ج٣،ص١٠٣٩
٣۔ استوری،ص٦٩٣
٤۔ نبی هادی،ص٢٤١
٥۔ مارشال،ص١٩٠
٦۔ استوری،ص٦٩٤
٧۔ همان،صص٦٩٣۔٦٩٤
٨۔ مارشال،ص یکم
٩۔ استوری،ص٤٧٨

مختصر از اکبر تا شاه عالم از کتابِ معروفِ 'تاریخ حقی' نقل شده است[۱]۔

آغاز: '**قل اللهم مالك الملك توتی الملك...**'[۲]

نسخۀ خطی این اثر که منحصر به فرد است، در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۱٦۷۱۲ نگهداری می شود و دارندۀ ٦۳ برگ است[۳]۔

☆معدن السعادت:

نویسندۀ این کتاب سید سلطان علی الحسینی الموسوی الصفوی [٤] از اردبیلِ آذربایجان بود۔ وی در زمان شجاع الدوله به لکنو آمد و همین جا اقامت گزید [٥]۔ در سالِ دومِ زمانِ سعادت علی خان ۱۲۱۳ھ.ق/۱۷۹۸م وی برای تالیفِ کتاب در تاریخ هندوستان، از تیمور تا مرگ محمد شاه، ایراد گرفت[٦]۔ این کتاب دارندۀ تاریخ تیموریان هند و نوابان اوده تا سال هفتم روزگارِ سعادت علی خان۱۲۱۸ھ.ق است [۷] و این طور سلطان علی این کتاب را در مدت پنج سال در ۱۲۱۸ھ.ق/ ٤-۱۸۰۳م به تکمیل رساند۔ سید سلطان علی 'معدن السعادت' را به نواب سعادت علی خان معنون کرده بود[۸]۔

مؤلف در منابع خود ظفرنامه، واقعات بابری، تاریخ الفی، تاریخ فرشته، تاریخ عالم آرایی عباسی، اکبرنامۀ ابوالفضل، معدن اخبارِ احمدی، اقبال نامه، تاریخ و سیرجهانگیری، طبقات اکبری، کارِ خواجه اتابك قزوینی و چند کتاب های دیگر را ذکر نموده است[۹]۔

آغاز: '**حمدی که از قوای بشری آید چگونه معبودی را...**'[۱۰]

دستنویسِ کاملِ معدن السعادت در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال موجود است و

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۳۸

۲۔ همان ۳۔ همان

٤۔ الیوت،ج۸،ص۳٥٤

٥۔ استوری،ص٥۲۰ ٦۔ همان

۷۔ ریو،ج۳،ص۱۰٥۲

۸۔ مارشال،ص٤٥٥

۹۔ الیوت،ج۸،ص۳٥٤

۱۰۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیایی بنگال،ص٥٦

مشتمل بر چهار جلد است[١]۔ بخشی ازین کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ٢٠٥٧ از برگ ١٢٣ تا ١٤٦ موجود است۔ ترجمۀ انگلیسیِ مقدمه و فهرستِ مطالبِ این تاریخ در موزه بریتانیا به شماره Add.٣٠٧٨١ از برگ ٣٠ تا٥٦ موجود است[٢]۔

☆میزان دانش:

'میزانِ دانش' در تاریخِ هندوستان از آنند روپ یادگار است۔آنند روپ از خانوادۀ برهمن بود و در چنگل نات (Changulnath) شهرستانِ نارنول زاده شده بود [٣]۔ چند سال در خدمت جانو جی بونسله(Januji Bhonsla) و سیتا رام خدمت می کرد [٤]۔ بعد ازان از ناگپور در خدمتِ ناصرالملك ناصرجنگ به اله آباد رفته بود[٥] و همانجا این کتاب را در ١١٨٢ه.ق/٩-١٧٦٨م نگاشته بود[٦]۔

میزان دانش دارندۀ احوالِ مختصر از عهدِ باستان تا زمان تالیف این کتاب است۔ آنند روپ درین کتاب ذکرِ پیشوایانِ هندووان، اوتارها، انبیا و شاهانِ هندوستان تا شاه عالم تیموری پرداخته است[٧]۔ علاوه برین برابر تاریخ شاهان دهلی وی چند سلطنت محلی را ذکر هم نموده است[٨]۔ خاتمه کتاب دارندۀ گفتنی های اخلاقی در نظم و نثر است[٩]۔

آغاز: '**زهی قدرت قادر ذوالجلال که ذره از ذرات...**'[١٠]

نسخۀ خطی این کتاب که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٦٨٩ نگهداری می شود و دارندۀ ٥٢ برگ است۔ این کتاب ازین نظر بسیار ارزشمند است که مؤلف درین کتاب از زمانه یوگ تا زمان خود تاریخ را در کما بیش صد صفحه بیان

١۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیایی بنگال،ص٥٦

٢۔ ریو،ج٣،ص١٠٥٢

٣۔ همان،ص٩١٠

٤۔ استوری،ص٤٧٣

٥۔ مارشال،ص٧٧

٦۔ استوری،ص٤٧٣

٧۔ ریو،ج٣،ص٩١٠ ٨۔ همان

٩۔ همان،ص٩١١ ١٠۔ همان،ص٩١٠

کرده است۔

نتیجه گیری باب دوم:

درین عهد تاریخ نویسان تاریخ عمومی جهان و تاریخ عمومی هند زیاد پرداختند۔ بعضی تواریخ در موردِ تیموریان هند و بعضی در حقِ خانوادۂ استان ها نیز است۔ چون درین دوره حکومتِ محلی بسیار رسوخ داشت، مؤلفین برابرِ تاریخ پادشاهان، امیران و استان دار ها را هم مفصل ذکر می نمودند۔ چند تواریخ در بیان یورش نادر شاه هم است۔ درین دوره در تاریخ نویسی سبك ساده به کار برده شده است اما چند کتاب ها در سبك مصنوع هم دیده می شود۔

باب سوم

(از ۱۲۲۲تا۱۲۷۴هـ.ق/۱۸۰۷تا۱۸۵۷م)

ترجمه تاریخ راجه های کرگ از حسین خان لوهانی

شرحِ احوالِ مترجم:

در شرح احـوالِ حسیـن خان لوهانی هیچ اطلاع دقیقی در دست نیست۔ البته این قدر معلـوم شده است که او در جنوب هند به دربار فرمانروای کرگ، مهاراجه ویر راجندرا وادیار، به طور منشی کار می کرد[۱]۔ حسیـن خـان لـوهانی به دستورِ مهاراجه ویر راجندرا این کتـاب را، از زبـان محـلـی کرناتکی، به زبان فارسی منتقل گردانید[۲]۔ از مقدمه کتاب معلـوم می شود که حسین خان لوهانی ترجمهٔ این کتاب را در ۱۲۱۱ھ.ق آغاز کرد[۳] و در مدت یازده سال در ۱۲۲۲ھ.ق/۱۸۰۷م به تکمیل رساند[٤]۔ اینطور وی حتماً میان ۱۲۱۱ تا ۱۲۲۲ھ.ق به آن دربار پیوسته بود۔

سال تالیف:

حسیـن خان لوهانی نوشتن این اثر را در ۱۲۱۱ھ.ق آغاز کرد[٥]۔اما معلوم می شود که ایـن کتـاب بـعـد از ۱۲۲۲ھ.ق تـالیف شـده بود، چون آخرین واقعه که درین کتاب بیان شده از ۱۲۲۲ھ.ق است[٦]۔

سبب تالیف:

حسیـن خان لوهانی این کتاب را به حکم مهاراجه ویر راجندرا وادیار(Maharaja Vir Rajendra Vadiyar) ترجمه کرده بود[۷]۔

محتویاتِ کتاب:

۱۔ نبی هادی،ص۲٤٤
۲۔ ریو،ج۱،ص۳۳۳
۳۔ همان
٤۔ استوری،ص۷۷۷
٥۔ ریو،ج۳،ص۳۳۳
٦۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۲۱۲،ش٥۳۳
۷۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،ص٦٤

این کتاب در تاریخ راجه های کرگ از ۱۰۴۷ه.ق/۱٦۳۷م تا ۱۲۲۲ه.ق/۱۸۰۷م بیان شده است[۱]. این طور این کتاب دارندۀ تاریخ بیش از یك و نیم قرن است. اما مولف درین اثر، تاریخِ مهاراجه ویر راجندرا را به بسیار تفصیل پرداخته است. چون نسخه موزه بریتانیا که مشتمل بر یك صد و نود و شش برگ است، از برگ ۲٦ب تاریخِ مهاراجه موصوف آغاز شده تا پایان می رسد[۲].

این تاریخ با شرحِ احوال مختصرِ نیاگان مهاراجه که اول کسی ازان مدراج وادیار(Madraj Vadiyar) در ۱۰٤۷ه.ق به حکومت رسید، آغاز شده است. از خواندنِ این کتاب معلوم می شود که مهاراجه راجندرا وادیار در ۱۱۷۸ه.ق متولد شد و در ۱۲۰۳ه.ق بر سریر حکومت متمکن گشت[۳]. این تاریخ با مرگ زن مهاراجه، مهادیورانی، در ربیع الاول ۱۲۲۲ه.ق اختتام می پذیرد[٤].

سبكِ کتاب:

چون نسخه خطی این کتاب به دستِ نویسنده این سطور نیست، قضاوتِ حتمی در موردِ سبك این ترجمه ممکن نیست. اما چون این کتاب از زبان محلی کرناتکی به فارسی برگردانیده شده است، حتماً واژه های محلی درین ترجمه به کار برده شده باشد.

ارزشِ ادبی و تاریخی:

ازین رو که ترجمه تاریخ راجه های کرگ از حسین لوهانی، در شرحِ حالِ راجه های کرگ به ویژه مهاراجه راجندرا وادیار است و نوشته یکی معاصر او ست که به طور منشی به مهاراجه پیوسته بود، خیلی مهم است. ممکن است که مؤلف تملق را به کار برده این کتاب را ترجمه کرده باشد، اما چون وی نوشتن این کتاب را در ۱۲۱۱ه.ق آغاز کرده تا

---

۱. ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،ص٦٤

۲. ریو،ج۱،ص۳۳۳

۳. همان

٤. همان

۱۲۲۲ھ.ق به تکمیل رساند، تاریخ این یازده ساله را حتماً به نظر خود ملاحظه کرده باشد و ازین رو این کتاب بسیار ارزشمند است۔

آغاز:

'بعد از حمد و ستایش ایزد متعال ذوالجلال و تحیات وافیات ......' [۱]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا، کتا ب خانه اندیا آفیس و کتاب خانه انجمن آسیای بنگال موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص۷۷۷ و مارشال،ص۱۹۳ ۔ در نسخه اندیا آفیس نام مولف حسین خان لوهانی به دست نیامده است[۲]۔

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۱۲،ش۵۳۳

۲۔ همان

خالصه نامه از بخت مل

شرحِ احوالِ مؤلف:

لالـه بخـت مـل پسرِ لچمـی رام(Lachmi Ram) از خـانواده کتری(Khatri) تـعلق داشت [١]- از سالِ ولادتِ او اطلاعـی در دسـت نیسـت اما ایـن قدر معلوم شده است کـه پدرش از کشمیر به لاهور آمده بود و به استاندارِ تیموریان ملازمت گرفت[٢]- اما چون آن استاندارِ لاهـور معـزول گـردید، پدرش به دهلی رفت [٣]- استـوری قیاس کـرده است که بخت مل همانجا در دهلی متولد گردید[٤]-

دکتر ظهور به حواله 'باغ با بهار' از احوالِ او بیان می کند که چون بخت مل متولد گردید پدرش او را به زنِ برادرِ او داد که اولاد نداشت اما بعد از دو ماه آن زنِ برادر فوت شد- در پنج سالگی او را زنار پوشاندند- تا سیزده سالگی بخت مل فارسی و هندی و عربی آموخت و نیز کتاب های متداولِ درسی می خواند- در بیست سالگی زن گرفت- در ١٢٠٢ ه.ق پدرِ او درگزشت و بعد از پانزده ماه مادرش نیز رهسپارِ عدم شد- بیست و دو ساله بود که زنش بیمار شد و درگزشت- در بیست و سه سالگی بارِ دیگربا دخترِ رای کول ازدواج کرد و از او چهار دختر و یك پسر یافت- بعد ازان به دعوتِ برادرِ خود به فرخ آباد رفت وآنجا از انگلیسی ها مراسم شد- در لکنو از نواب آصف الدوله پانزده روپیه ماهانه یافت- برادرش در مهمِ تیپو فوت شد و بخت مل در سی و چهار سالگی به دهلی رفت و به خدمتِ لویی بورگان (Louis Bourcuien)فرانسوی پیوسته به هانسی می رفت- بعد ازان گنگا رام او را در پتیاله طلب کرد و به خدمتِ منشی گری مامور کرد- سه سال و هشت ماه

١- نبی هادی،ص١١٩(ریو،ج١،ص٢٩٤ بخت مل را سیك نگاشته است)

٢- استوری،ص٦٦٦

٣- وحید مرزا،دکتر،پاکستان و هند،ج٥،ص١٥٣

٤- استوری،ص٦٦٦

در سفر و حضر با برادرِ خود لعل سینگ گذاشت۔ آخر در ۱۸۱۰م فوت کرد (۱)۔ پسرش دیوان دینا نات (DinaNath)مشیر و رکنِ دربارِ رنجیت سینگ بود و نبیره اش دیوان امر نات شاعرِ معروف و نویسنده 'ظفر نامه رنجیت سینگ' است که ذکرش آینده بر ص ۵۰۹می آید۔

سال تالیف:

'خالصه نامه' از بخت مل در ۱۲۲۲ھ.ق/۱۸۰۷م تالیف شده بود(۲)۔

محتویاتِ کتاب:

خالصه نامه در بیانِ تاریخِ سیك ها از آغاز ایشان تا ۱۲۲۲ھ.ق است (۳)۔ این کتاب از احوالِ گوروِوان آغاز می شود و دربیانِ احوالِ گوروِوان، بخت مل از گورو نانك تا گورو گوبند سینگ ذکر نموده است۔ این احوالِ گوروِوان از منابع ثانوی نگاشته شده است و از عنصرِ اسطوره خالی نیست(٤)۔ سپس بخت مل جنگِ تخت نشینی میانِ اعظم و معظم، فعالیتِ وزیر خان، اخراج بنده بیراگی، تباه شدنِ سرهند، جلا وطنی فرخ سیر و باز تصرف به تختِ دهلی، حمله های احمد شاه درانی، جنگ های سیك ها و مرهته ها، زوالِ ذوالفقارالدوله و وفاتِ نجف خان را ذکر نموده احوالِ تصادمِ مرهته ها با سیك ها، ملاقات سیف خان و محمد بیك خان(Bhik Khan) با پتیل(Patail)، یورش مرهته ها بر سیك ها، تصادمِ انگلیسی ها با فرانسویان، جنگِ جارج تامس(George Thomas) با ژانرال پیرون(Gen. Perron)، شکست ژانرال پیرون به دست ژانرال لیك(Gen. Lake)، یورش ژانرال لیك بر برتپور، احوال هولکر ها و تاریخِ رنجیت سینگ وغیره بیان کرده است(۵)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه 'خالصه نامه' تاریخِ مختصر است اما به درجهٔ استناد می رسد چون بخت مل

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤،ص۱۳

۲۔ مارشال،ص۱۰۳

۳۔ ریو،ج۱،ص۲۹٤

٤۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤،ص۱٤

۵۔ همان،صص۱٤ و۱۵

در بعضی وقایع بیان شده خود شریك و شاهدِ عینی آن وقایع است۔ دیوان بخت مل معمارِ عظیمِ قصرِ حکومتِ مهاراجا رنجیت سینگ بود[1]۔ بخت مل به تشویقِ خود این کتاب را تالیف کرد، در نوشتنِ این کتاب سرپرستیِ سرکار شامل نبود، به این علت رای وی خیلی مهم است[2]۔ دیوان بخت مل مصنفِ بلند پایهٔ عهدِ سیك ها بود[3]۔ وی درین اثر بر حکومت غارت گرانهٔ رنجیت سینگ انتقاد نموده است[4]۔

آغاز:

'بعد حمدِ خدا می گوید بخت مل از دیر باز آرزومی....... که بنای تاریخِ سکهان را که الی الآن کسی کم نهاد بنهم در رفاقتِ بهائی(برادر) لعل سنگه'[5]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٢٤٠٣٣ نگهداری می شود و ١١٥ برگ دارد۔ نسخه ای از خالصه نامه به راجا نریندرا نات(Narindra Nath) در لاهور محفوظ است[6]، راجا نریندرا نات، صاحبِ ثروتِ معروف لاهور، از اولادِ بخت مل است[7]۔ سه نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می شود۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به فهرست مشترك منزوی،ج١٠،ص٥٤٢۔

آثارِ دیگرِ مؤلف:

١۔شرحِ احوالِ سنگهان:

این اثر در مورد تاریخِ سیك ها است۔همین تاریخ را بخت مل به جان میلکم(John Malcolm) پیش کرد[8]۔

١۔ عبدالله، دکتر سید،سهم هندووان...،ص ٢٣٥
٢۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص١٥
٣۔ عبدالله، دکتر سید،سهم هندووان...،ص ١١٨
٤۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص١٥
٥۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٤٢
٦۔ عبدالله، دکتر سید،سهم هندووان ...،ص ٢٠٠
٧۔ همان،ص٢٠٨
٨۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص١٥

۲۔لوبی نامه:

در شرح احوال لوبی بورگان فرانسوی(Louis Bourguien) که در ۱۸۰۳م از ژانرال لیك (Gen. Lake) شکست خورده بود[۱]۔

۳۔باغ با بهار: در ۱۲۱٤ھ۔ق نگاشته شده بود و از نام این کتاب سال تالیف به دست می رسد[۲]۔

حسین برزگر کشتلی در دانشنامه ادب فارسی سه اثر وی به نام 'گلستان خیال'، 'طلسم شکر ریز' و 'طلسم غم زدا' را نام هم برده است و احتمال کرده است که شاید 'طلسم غم زدا' شاید همان 'طلسم شکر ریز' است[۳]۔ بخت مل کتابی در احوال سیك ها به نام 'سینگ نامه' یا 'سیك نامه' هم تالیف کرده بود[٤]۔

۱۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص٤۱۳

۲۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤،ص۱۸

۳۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص٤۱۳

٤۔ استوری،ص٦٦٧

سلالة السیر از ابوالقاسم سمنانی ساسانی

شرحِ احوالِ مؤلف:

در موردِ ابوالقاسم بن محمد علی سمنانی ساسانی [1] اطلاع کافی در دست نیست. فقط این قدر معلوم است که او با فرانسیس گلادوین(Francis Gladwin) راه و رسم می داشت و به فرمایشِ وی ترجمهٔ تاریخ طبری را تجدیدِ نظر کرده ویرایش هم کرده بود[2].

سال تالیف:

اته،سال تالیف این کتاب ۱۲۲۲ه.ق/۱۸۰۷م بیان نموده است[3]. استوری و مارشال و دانشنامهٔ ادب فارسی هم ازین اتفاق دارند اما نبی هادی سال تالیف این کتاب ۱۲۳۰ه.ق/۱۸۱٤م بیان نموده است[4].

محتویاتِ کتاب:

این کتاب بر دو مقاله در موردِ شاهان غیر هندی و پادشاهان مسلمانان هند مشتمل است. **مقاله یکم** مشتمل بر دو فصل است؛فصلِ یکم در موردِ ایران باستان(پیشدادیان تا ساسانیان) و دوم در ذکرِ پادشاهان پس از اسلام در پانزده طبقه بیان شده است و دارنده تاریخِ خلفای راشدین، امویان، عباسیان، اسماعیلیان، پادشاهان ایران به روزگار عباسیان(طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، بویه و دیلمیان، سلجوقیان، خوارزم شاهیان، اتابکان و اسماعیلیان)، مغولان (چوبانیان، ایلخانیان، کرت)، تیموریان، ترکمنان (قراقویونلو، آق قویونلو)، صفویان، افغانان، افشاریان، ابدالیان، زندیان، قاچاریان است. **مقاله دوم** در باره شاهان مسلمان هند مشتمل بریك مقدمه وپانزده 'بیان' است که تفصیل

۱ـ اته،بادلین،ج ۱،ستون ٦٧،ش۱۲۲

۲ـ استوری،ص۱٤۸

۳ـ اته،بادلین،ج ۱،ستون ٦٧،ش۱۲۲

٤ـ نبی هادی،ص۳٦

آن چنین است؛ ۱ـشاهانِ دهلی (در شش طبقه)، ۲ـبهمنیان دکن، ۳ـعادلشاهیان، ٤ـنظام شاهیان، ٥ـ قطب شاهیان، ٦ـ عماد شاهیان، ۷ـ برید شاهیان بیدر، ۸ـ پادشاهان گجرات، ۹ـ پادشاهان مالوه، ۱۰ـ پادشاهان خاندیش، ۱۱ـ پادشاهان بنگال، ۱۲ـ پادشاهان شرقی جونپور، ۱۳ـ پادشاهان سند، ۱٤ـ پادشاهان مولتان، ۱٥ـ پادشاهان کشمیر[۱]ـ

ارزشِ ادبی و تاریخی:

سلالة‌السیر که کتابی پیرامونِ تاریخ جهان است ازین رو خیلی ارزش‌مند است که درین کتاب مؤلف جا به جا جدول های تاریخ هم داده است[۲]ـ مقاله دوم این کتاب در موردِ تاریخ شبه قاره است و مؤلف درین مقاله نه تنها تاریخ سلاطین دهلی بیان نموده است بلکه ذکرِ شاهان محلی هم پرداخته استـ

آغاز:

'ستایش عدیم الانحصار و نیایش مفقود الاقطار سزاوار شهنشاه عظمت....' [۳]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب که منحصر به فرد است، در کتابخانهٔ بادلین به شماره فهرست ۱۲۲ نگهداری می شود و ۹٥ برگ داردـ

تراجم و چاپ:

مؤلفی دیگر مرزا محمد بن رفیع ملك الکتب شیرازی هم کتابی به نام 'زینت الزمان فی تاریخ هندوستان' موسوم به 'تاج التواریخ و سلالة السیر' نوشته بود[٤]ـ بعضی میانِ این دو کتاب یعنی نوشتهٔ ابوالقاسم و نوشتهٔ مرزا محمد بن رفیع اشتباه می کنند اما این دو اثر باهم مختلف استـ

۱ـ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۱،ص۶۳۱

۲ـ اته،بادلین،ج۱،ستون۶۸،ش۱۲۲

۳ـ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۱،ص۶۳۱

٤ـ استوری،ص٤۹۲

در دانشنامه ادب فارسی تحت سلالة‌السیرِ سمنانی نوشته شده است که در ۱۳۲۰ه‍.ق/۱۹۰۲م در بمبئی به چاپ رسیده است[۱] اما در منابع دیگر این چاپ به دست نیامد۔ البته 'زینت الزمان فی تاریخ هندوستان' موسوم به 'تاج التواریخ و سلالة‌السیر' از مرزا محمد بن محمد رفیع ملك الکتاب شیرازی در ۱۳۱۰ه‍.ق/۹۳-۱۸۹۲م به چاپ رسیده بود[۲]۔ در دانشنامه همین سلالة السیرِ ابوالقاسم سمنانی، 'زینة‌الزمان' هم گفته شده است که اصلاً نامِ 'تاج التواریخ و سلالة السیر' از مرزا محمد شیرازی است۔

آثار دیگر مؤلف:

علاوه بر سلالة السیر، ابوالقاسم سمنانی دو اثرِ دیگر به نام 'جام جهان نما ساسانی'[۳] و 'ترجمه تاریخ طبری'[٤] هم تالیف کرده بود۔

۱۔ دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۲، ص۱٤۰۹

۲۔ استوری، ص٤۹۲

۳۔ مارشال، ص۳۸

٤۔ همان

عمادالسعادت از غلام علی خان نقوی

شرحِ احوالِ مؤلف:

سید غلام علی خان نقوی فرزند سید محمد اکمل خان [۱] نقوی در رای بریلی زاده شده بود [۲]۔ پدرش سید محمد اکمل خان در دهلی پزشکِ دربار شاه عالم دوم و اتالیقِ شاهزاده محمد اکبر بود و در هشت سالگی غلام علی را به دهلی برخواند [۳]۔ پیش ازین که او تحصیلاتِ خود را فرا گرفت، دهلی در ۱۲۰۲ ه.ق به دستِ غلام قادر روهیله افتاد[٤]۔ غلام علی خان همراهِ پدرش به دکن رفته بود اما زود از آنجا به لکنو منتقل گردید و پدرش از دکن به حجاز رفت[٥]۔ در ۱۲۱۳ ه.ق پدرِ وی سید اکمل خان از حج بازگشت و غلام علی خان او را در دکن یافت و هفت سال با پدرِ خود در جنوب هندوستان مانده بعد از وفاتِ پدرِ خود به اوده بازگشت[٦]۔ در ۱۲۲۲ ه.ق در خدمت کولونل جان بیلی(John Baillie) نماینده مقیم انگلیسیان در لکنو پیوست و میر منشی او گردید[۷]۔ درین کتاب غلام علی خان جان بیلی را با القاب عالی یاد کرده است:

'نواب معلی القاب، سپهر جناب، هلال رکاب، عطارد کیاست، مشتری متانت، بهرام شجاعت، عالیشان، بلند مکان، خجسته نسب، پاکیزه حسب، عماد الدوله افضل الملک جان بیلی بهادر ارسلان جنگ'[۸]

بعد از نوشتنِ عماد السعادت غلام علی خان کتابی دیگر با تفصیل بسیار به نام 'نگار نامۀ هند' در بیان وقایع جنگی میان احمد شاه ابدالی و سداشیو راو(Sada Shiv Rao)

۱۔ استوری،ص۷۰۵

۲۔ ریو،ج۱،ص۳۰۸

۳۔ استوری،ص۷۰۵

٤۔ ریو،ج۱،ص۳۰۸

٥۔ نبی هادی،ص۱۹٦

٦۔ ریو،ج۱،ص۳۰۸

۷۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۱۸۸۸

۸۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱۳٤

نوشت و در مقدمه آن کتاب 'عماد السعادت' را ذکر کرده نیز گفته است که مدتی در کانپور و گورکپور(Gorakhpur) قیام کرده به فیض آباد رفت و همانجا برای کولونل جان بیلی 'نگار نامه هند' را تالیف کرد[۱]۔ از تاریخِ مرگِ وی اطلاعِ دقیقی در دست نیست۔

سال تالیف:

'عماد السعادت' از غلام علی خان در ۱۲۲۳ھ.ق/۱۸۰۸ م نگاشته شده بود[۲]۔

سبب تالیف:

غلام علی خان این اثر را حسبِ دستورِ کولونل جان بیلی نوشته بود[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

عمادالسعادت تاریخ نوابانِ اوده از برهان الملك سعادت خان و جانشینانش تا سعادت علی خان است۔ این کتاب دارندۀ مطالب تاریخِ اوده تا ۱۲۱۶ھ.ق و فرمانروایی انگلیسی ها تا ۱۲۲۳ھ.ق است[٤]۔ ریو تفصیلِ محتویاتِ این کتاب چنین بیان نموده است؛

سرگذشت و تاریخ برهان الملك،ذکرِ برخی امرا، یورش نادر شاه افشار، تاریخ صفدر جنگ، تاریخ مهابت جنگ در بنگال، بر آمدن روهیله ها در هند، سورج مل جات، بر آمدن سیك ها، ذکر نجیب خان، یورش مرهته ها به سرکردگی بالا جی راو، جنگِ مرهته ها با احمد شاه درانی، تاریخ شجاع الدوله، تاریخ آصف الدوله و تاریخ سعادت علی خان و احوالِ سعادت علی خان تا ملاقاتِ سعادت علی خان با مارکوییس ویلزلی ۱۲۱٦ھ.ق در کانپور بیان شده است ۔ در اختتامِ کتاب مؤلف ازان وقت(۱۲۱٦ھ.ق) تا ۱۲۲۳ھ.ق مردم انگلیسیان را ذکر نموده است که فرمانروایانِ شرکتِ هند شرق و نماینده های شان در لکنو بودند[٥]۔

۱۔ الیوت،ج۸،ص۳۹٦

۲۔ ریو،ج۳،صص۹٤۲۔۹٤۳

۳۔ مارشال،ص١٥٤ / ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیایی بنگال،ص٦١

٤۔ استوری،ص۷۰٦

٥۔ ریو،ج۱،ص۳۰۹

سبکِ کتاب:

برای بررسی سبک عمادالسعادت، کتاب چاپی یا نسخه دستنویس به دسترسِ نویسنده این مقاله نیامده است البته حسین برزگر کشتلی در دانشنامه ادب فارسی در موردِ این کتاب گفته است که نثر آن روی هم رفته ساده و دور از تصنع و تکلف است[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

'این اثر آگاهی های بسیاری در بردارد که در منابع دیگر دیده نمی شود و از این رو از منبع ارزشمندِ تاریخِ اوده و نیز تاریخِ هند در دوره موردِ بحث به شمار می آید'[2]۔ از نظرِ بیانِ وقایع حملهٔ نادر شاه افشار و احمد شاه درانی این کتاب بسیار ارزشمند است۔ افزون بران غلام علی خان در آخرِ این کتاب از احوال انگلیسیانِ شرکتِ هند شرق هم پرداخته است۔ ارزشِ این کتاب ازین چیز هم عیان است که ایچ۔جی۔کین(H.G.Keene) در کتابِ معروفش زوالِ سلطنتِ مغول(Fall of the Moghul Empire) از این کتاب استفاده کرده است[3]۔

آغاز:

'نغمه فروشی منقار عندلیبان به یاد رخسار گلی است که رنگ و بوی گل های بهاری...' [4]

نسخه های خطی:

در کتابخانه های جهان فراوان است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری ص٧٠٦، و مارشال ص١٥٤ ۔ در پاکستان شش نسخه در دانشگاهِ پنجاب لاهور و یکی در موزه ملی پاکستان کراچی موجود است[5]۔

۱۔ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش٣، ص١٨٨٩

۲۔ همان

۳۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٧، ص١٣٤/ ریو، ج١، ص٣٠٩

٤۔ نوشاهی، خضرعباس، گنجینه آذر، ص٤١٣

۵۔ منزوی، احمد، فهرست مشترک، ج١٠، ص٥٤٥

تراجم و چاپ:

عماد السعادت با تتمه درموردِ احوال مفصلِ بالاجی راو در ۱۸٦٤م درمطبع نولکشور لکنو به چاپ رسیده است [1] و باز در ۱۸۹۷م در لکنو به چاپ رسیده است [2]۔

خلاصۀ مقدمۀ عمادالسعادت در فهرست موزه بریتانیا،ج۱ ،ص۳۰۸ و فهرست نسخه های خطی در کتابخانه بانکی پور،ج۷،ص۱۳۳ به زبانِ انگلیسی ترجمه شده است۔ قسمتی ازین کتاب به توسط الیوت در ج۸،ص۳۹۵ هم به زبانِ انگلیسی ترجمه شده است۔

۱۔ ریو،ج۱ ،ص۳۰۹

۲۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون ۲۲۳

نگار نامه هند از سید غلام علی نقوی

شرحِ احوالِ مؤلف:

سید غلام علی نقوی فرزند سید محمد اکمل خان که یادش در ذکرِ 'عمادالسعادت' گذشت۔ بعد از نوشتنِ عماد السعادت غلام علی خان کتابی با تفصیل بسیار به نام 'نگار نامه هند' در باره جنگ میان احمد شاه ابدالی و سداشیو راو نوشت که در مقدمه آن کتاب عماد السعادت را ذکر کرده، گفته است که او مدتی در کانپور و گورکپور(Gorakhpur) قیام کرده به فیض آباد رفت و همانجا برای کولونل جان بیلی(Col. John Baillie) 'نگار نامه هند' را تالیف کرد[١]۔

سال تالیف:

در مورد سال تالیف این کتاب اطلاع دقیقی در دست نیست اما این قدر معلوم است که این اثر بعد از ١٨٠٨ م نوشته شده بود؛ چون مولف در مقدمه این کتاب، کتاب دیگری خود به نام 'عمادالسعادت' را ذکر کرده است که در ١٨٠٨ م نوشته شده بود[٢]۔

منابع و مآخذ نگار نامه هند:

غلام علی خان این اثر را بر اساسِ گفتهٔ راو کاشی راو نگاشت که در جنگِ مرهته ها با احمد شاه ابدالی موجود بود و احوالِ جنگ را با چشم خود ملاحظه کرد[٣]۔ راو کاشی راو از برهمنان دکن بود و در خدمت نواب شجاع الدوله بود ۔ او دوران گفت و گوی میان سردار مرهته ها بوانی شنکر(Bhawani Shankar) و شجاع الدوله، موجود بود [٤]۔ علاوه بر بیان کاشی راو مؤلف از تاریخ ابراهیم خانی هم بهره برده است و پرفسور داووسن ذکر می

١۔ الیوت،ج٨، ص٣٩٦

٢۔ همان، ص٣٩٧

٣۔ استوری، ص٣٩٩

٤۔ الیوت،ج٨،ص٣٩٧

کند که دلایلِ قوی موجود است که در نوشتن این کار 'تاریخ ابراهیم خانی' پیش غلام علی خان بود[١]۔

محتویاتِ کتاب:

نگار نامه هند در شرح احوال جنگِ پانی پت میان سداشیو راو و احمد شاه ابدالی است[٢]۔ درین کتاب مؤلف وقایع این جنگ را با تفصیل پرداخته است حتٰی در موردِ این جنگِ احمد شاه ابدالی با مرهته ها معرفی نموده است که ارتشِ احمد شاه مشتمل بر بیست و چهار دسته بود و سرداران احمد شاه ابدالی برخوردار خان، اشرف الوزرا شاه ولی خان، سردارِ سرداران سردار جهان خان، شاه پسند خان، ناصرخان بلوچ، زمرالله خان و مراد خان وغیره بودند[٣]۔ اگرچه این وقایع در عمادالسعادت هم بیان شده بود اما مؤلف آنرا درین کتاب بعد از تحقیق با تفصیل بسیار بیان نموده است[٤]۔

سبکِ کتاب:

دکتر وحید مرزا در مورد سبك این کتاب گفته است که خلافِ روش کتاب های تاریخ آن دوره، عبارت این کتاب مرصع و پرتکلف است[٥]۔ پرفسور داووسن هم درباره سبك نگار نامه هند می گوید که سبك این کتاب بسیار زحمت کشیده و بلند پرواز است[٦]۔ برای بررسی سبك، نسخۀ خطی به دست نیامد۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

'نگار نامه هند' از 'تاریخ ابراهیم خان' با تفصیل بسیار نگاشته شده است[٧]۔ جنگ پانی پت میان سدا شیو راو و احمد شاه ابدالی در حدودِ ١١٧٤ ه.ق/ ١٧٦١م پیش افتاد و

١۔ الیوت، ج٨، ص ٣٩٧
٢۔ همان، ص ٣٩٦
٣۔ همان، ص ٣٩٨
٤۔ همان، ص ٣٩٦
٥۔ وحید مرزا، دکتر، پاکستان و هند، ج ٥، ص ١٥٢
٦۔ الیوت، ج٨، ص ٣٩٧
٧۔ همان

مؤلف این وقایع را بعد از 'عماد السعادت' (نوشتهٔ ۱۲۲۳ هـ.ق) کمابیش پنجاه سال بعد از یکی شاهدِ چشمدیدهٔ وقایع کاشی راو نگاشت۔ ازین رو احتمال است که آیا بیان کننده آن احوال را درست بیان کرده باشد؟ اما چون مؤلف از تاریخ ابراهیم خانی نوشته ۱۷۸٦ م هم استفاده کرد،می توان حدس زد که مؤلف بعد از تحقیق و پژوهش وقایع تاریخی را در رشتهٔ تحریر آورده باشد۔

آغاز:

'رکض الخیل مبارزان معرکه معانی ....'[1]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۹٦ نگهداری می شود و ۱٤۳ برگِ نُه سطری دارد[2]۔ نسخهٔ دیگر در همین کتابخانهٔ موزه بریتانیا به شماره Or.۲۰٦۰ از برگ ٦۵ تا ۷۱هم موجود است[3]۔ یکی نسخه خطی نگارنامه در دانشگاه پنجاب در ۱۹ برگ بر شماره ۱۰٤/ePII/ ۱۱٤٤ هم موجود است[4]۔

تراجم و چاپ:

این کتاب به توسط میجر فُلر به زبان انگلیسی ترجمه شده و دستنویس آن ترجمه در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸٤ نگهداری می شود ودران نسخه، این ترجمه از صفحه ۱٦۲ تا ۲۳۰ موجود است[5]۔ قسمتی ازین ترجمه در تاریخ الیوت جلد ۸ از صفحه ۳۹۸ تا ٤۰۲ داده شده است۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۹٤۲

۲۔ همان

۳۔ همان،ص۱۰۵٦

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۵۰۹

۵۔ ریو،ج۳،ص۹٤۳

وقایع هولکر از موهن سینگ

شرحِ احوالِ مؤلف:

در موردِ موهن سینگ نویسندۀ 'وقایع هولکر' اطلاعی زیاد به دست نیامد الا که وی در دفاتر دولتی و نزد بخشی بوانی شنکر(Bhawani Shankar) خدمت می کرد[۱]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۲۲۳ھ.ق/۱۸۰۸ م نوشته شده بود[۲]۔ در خاتمه کتاب مولف می گوید:

'تسطیر این اوراق چند که مسمی به وقایع هولکر است انفراغ دست داد فکر تاریخ به خاطر افتاد....

۔ 'سال تاریخش چو پرسیدم بگفت
هاتفِ غیبی [کتاب نصرتین]'[۳]
۱۲۲۳ھ.ق

سبب تالیف:

موهن سینگ این اثر را حسب فرمایش بوانی داس بخشیِ جسونت راو هولکر تالیف کرده بود[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

'وقایع هولکر' تاریخِ جسونت راو هولکر پسر تکوجی هولکر است که در ۱۲۱۷ھ.ق/۱۸۰۲ م به جای برادرِ خود، کاشی راو، حاکم اندور(Andaur) شده بود [٥]۔ تفصیلِ محتویاتِ این کتاب چنین است: آغاز خانوادۀ هولکر و ملهار راو، تکوجی راو، رگو نات

۱۔ فتح نیاطبری،مژگان،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲٤٦۰

۲۔ استوری،ص۷۳۳

۳۔ نوشاهی،خضرعباس،گنجینه آذر،ص٤۲٤

٤۔ استوری،ص۷۳۳

٥۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٥۷

راو(Raghunath Rao)، مرگ تکوجی راو و جنگ میان پسرانش، جنگ میان کاشی راو و ملهار راو، جسونت راو(Jaswant Rao) هولکر، تاریخ بوپال(Bhopal)، ورودِ بوانی شنکر به طور بخشی در ملازمت جسونت راو، اسیری جسونت راو از رگوجی بونسله(RaghuJi Bhonslah) و رهایی او به دست بوانی شنکر، تاریخ امیر خان،جنگ جسونت راو با لُرد لیك(Lord Lake) و شکستِ جسونت راو، سپس مؤلف تاریخِ وقایع را تا سال هفتم سال به سال بیان نموده است۔ این تاریخ بر معاهده جسونت راو با انگلیسی ها اختتام می پذیرد که بعد ازین جسونت راو به بهاوپوره(Bhaopura) و رامپوره رفت و تا نگارش این کتاب همانجا می ماند[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

وقایع هولکر تاریخ جالب و بسیار ارزشمند در مورد هولکر ها است۔ افزون بران این کتاب دارندۂ احوالِ جنگ جسونت راو هولکر با لُرد لیك است۔ ازین رو که موهن سینگ خود در خدمت بوانی شنکر بود و بیشتر وقایع که درین کتاب ذکر شده است با چشم خود ملاحظه کرده باشد، این کتاب بسیار ارزش مند است۔ افزون بران موهن سینگ درین کتاب مطالبی در موردِ شرحِ احوال شهرهای بوپال و تونك هم آورده است'[2]۔ برای بررسی سبكِ این کتاب نسخۂ خطی به دست نیامد۔

آغاز:

'خداوند ادای مراتب ثنای که اولیا وانبیا کوس ما عرفناك حق معرفتك زده باشند....' [3]

نسخه های خطی:

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۵۷

۲۔ فتح نیاطیری،مژگان،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۲٤٦۱

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۵۷

نسخه های خطی 'وقایع هولکر' در کتابخانهٔ بادلین، بانکیپور و اندیا آفیس موجود است[۱]- در نسخهٔ کتابخانهٔ بادلین نامِ نویسنده نیامده است و این دستنوشته مشتمل بر ۱۸۳ برگِ یازده سطری است [۲]- نسخهٔ خطی کتابخانهٔ بانکیپور دارندهٔ ۱۷۷ برگِ یازده سطری است [۳]- در پاکستان دو دستنوشتهٔ این کتاب در موزه ملی پاکستان کراچی به شماره N.M.٤٥٠ و در دانشگاه پنجاب در گنجینه آذر به شماره H. ١٠١ موجود است[٤]-

---

۱- استوری، ص ۷۳۳

۲- اته، بادلین، ج ۱، ستون ۱۱۲۲، ش ۱۹۷۰

۳- عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۷، ص ۱۵۷

٤- منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج ١٠، صص ٥٤٨-٥٤٩

خلاصة التواريخ/مقدمه تاریخ[۱] از مولوی فضل امام خیر آبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد فضل امام پسر محمد ارشد خیر آبادی [۲] نویسندۀ این خلاصة‌التواریخ است۔ نیاگانش از ایران به هند آمدند و وی خود در خیر آباد (اوده) زاده شده بود[۳]۔از احوالِ زندگانی اش اطلاعِ زیادی در دست نیست اما این قدر معلوم شده است که وی به تدریسِ دانش های روزگار به ویژه معقولات از منطق و فلسفه می پرداخت [٤]۔ فضل امام در دهلی صدرالصدور هم مانده بود[٥]۔ در دیباچۀ این کتاب وی در موردِ خود می گوید که چون در ١٢٢٤ ه.ق/١٨٠٨م به فتوا نویسی گماشته شده، فرصت نیافته برین کتاب تجدیدِ نظر کرده باشد و اکنون همین گونه پاك نویس کرده است[٦]۔ نبی هادی تاریخِ وفاتش ١٢٤٣ ه.ق/١٨٢٧م بیان نموده است[۷]۔ وی پدرِ فضل حق نگارندۀ 'تحقیق الفتوٰی' می باشد[۸]۔

سالِ تالیف:

مولوی فضل امام خیر آبادی، خلاصة التواریخ را در١٢٢٤ه.ق/١٨٠٩م نگاشته بود[۹]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب تاریخ عمومی اسلام به ویژه مسلمانانِ هند است و مؤلف علاوه بر تاریخ درین کتاب زندگی نامه های پیامبرانؑ،اصحابؓ، صوفیاؒ وغیره هم بیان نموده است۔ مؤلف

۱۔ منزوی،احمد،فهرستِ مشترك،ج١٠،ص١٣٥

۲۔ همان،ص١٣٤

۳۔ همان ٤۔ همان

٥۔ استوری،ص٢٥٢

٦۔ منزوی،احمد،فهرستِ مشترك،ج١٠،ص١٣٥

۷۔ نبی هادی،ص١٧٩

۸۔ منزوی،احمد،فهرستِ مشترك،ج١٠،ص١٣٤

۹۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج١،ص١٠٧

این کتاب را در هفت گفتار و یك خاتمه نگاشته است۔ منزوی ترتیبِ این هفت گفتار چنین بیان نموده است؛ ۱۔ آفرینشِ آدمؑ، پیامبرانؑ، پیامبرؐ اسلام و ازواج و اصحابؓ ایشان، ۲۔ صوفیای کرام و اولیای عظام، ۳۔ پادشاهانِ ایران از آفرینشِ آدمؑ، عباسیان، چنگیزیان، تیموریان تا اکبر پادشاه، ٤۔ ذکرِ راجه های حکومتِ دهلی و اکثر بلادِ هند، ٥۔ حکامِ غزنویه در لاهورتا آمدنِ بابر بادشاه به هندوستان و کشته شدن ابراهیم، ٦۔ سلجوقیان، صوفیان، گجراتیه، مصرعه وغیره بر سبیل اجمال، ۷۔ مشاهیر، حکما و اطبا و خوشنویسان، **خاتمه** در هفت اقلیم و غرایب بلدان است[۱]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب نه تنها دارندۀ تاریخ اسلام است بلکه مؤلف ذکر پیامبران پیش از نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم هم پرداخته است۔ علاوه برین برابرِ تاریخ فضل امام خیرآبادی درین کتاب زندگینامه های اصحابؓ، صوفیاؒ، امیرانِ دربار وغیره هم بیان کرده است۔ برای بررسی سبكِ کتاب نسخۀ خطی به دست نیامد۔

آغاز:

'بعد حمدِ بی عد و ثنای بی حد لایقِ جناب مالك الملکی راست........'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی خلاصة التواریخ از مولوی فضل امام خیر آبادی در کتابخانه موزه لاهور،در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد و در کتاب خانه تونك، راجستان موجود است۔ برای تفصیل نسخه های موجود در پاکستان مراجع شود به فهرستِ مشترك منزوی،ج۱۰،ص۱۳٦۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرستِ مشترك،ج۱۰،ص۱۳٥

۲۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱۰۸

آثارِ دیگرِ مؤلف:

۱ـ عماد نامه:

در موردِ علمِ بیان و معانی است۔ در آخرین باب این کتاب مؤلف ادیب های عصرِ خود را ذکر هم کرده است(۱)۔

۲ـ نخبة السیر:

مؤلف این اثر را در تاریخِ پادشاهان باستان و امویان و عباسیان و چنگیزیان و تیموریان تا شاه عالم دوم نگاشته است(۲)۔ علاوه برین مؤلف ذکر نادر شاه افشاری و احمد شاه درانی هم بیان نموده است۔ نسخهٔ خطی 'نخبة السیر' در کتاب خانه دانشگاه پنجاب در گنجینه آذر موجود است(۳)۔

۳ـ ترجمه تاریخِ یمینی:

فضل امام 'تاریخ یمینی' از ابو نصر محمد عتبی را ترجمهٔ فارسی هم کرده بود(٤)۔

٤ـ المرقات المیزانیه:

مولوی فضل امام این اثر را در علم منطق نگاشته بود(٥)۔

۱ـ نبی هادی،ص۱۷۹

۲ـ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۱۳٥

۳ـ همان

٤ـ استوری،ص۲٥۲

٥ـ همان

چهار چمن از دولت رای

شرحِ احوالِ مؤلف:

در موردِ دولت رای پسر گلاب رای کایسته [1] اطلاعی زیاد در دست نیست۔ اما این قدر معلوم شده است که او از خانوادۂ سکسینه ، قوم کایسته بود [2]۔ دولت رای در شمال هندوستان از 'مین پوری' تعلق داشت و از ملازمان نوابان بنگش فرخ آباد بود [3]۔ وی یکی از مؤرخین و مقربینِ سلطانی در روزگارِ محمد اکبر شاه دوم(۵۲۔ ۱۲۲۱ھ) بود [4]۔ دولت رای در سلکِ ملازمانِ راو گنگا دهر(Ganga Dhar) هم بوده و این کتاب را به فرمایشِ همو گنگا دهر نگاشته بود[5]۔

سال تالیف:

'چهار چمن' از دولت رای سکسینه در ۱۲۲۵ھ.ق/۱۸۱۰م تالیف شده بود[6]۔

محتویاتِ کتاب:

چهار چمن تاریخ عمومی هند ، دارندۂ احوال تاریخی راجگان و پادشاهان دهلی، از راجه جدهشتر تا سال نگارش یعنی ۱۲۲۵ھ /۱۸۱۰م است۔ این کتاب در بیانِ وقایع دهلی و شهرستان و استان های دیگر و رقبه بندی و جمع بندی محاصل و شرح احوالِ امرای عظام و تسلط انگلیسی ها و مذهب سیك ها است[7]۔

به گفتۂ دکتر سید عبدالله، مؤلف این کتاب را در چهار چمن و هفت بهار تالیف کرده است۔ اینجا مراد از 'چمن' فصل و از 'بهار' باب های کتاب است۔ سه چمن اول در ذکرِ

۱۔ نبی هادی، ص ۱۵٤

۲۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب، ص٦٥٩

۳۔ نبی هادی، ص ۱۵٤

٤۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب، ص٦٥٩

۵۔ همان

٦۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵۸/مارشال،ص۱۳۱

۷۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب، ص٦٥٩

دهلی ، احوالِ رسوم و ذکرِ مقامات مقدس هندووان، تبصره بر راگ ها و احوال شاعران و نثر نویسان، سوانح اولیا و فهرست امرای مغلیه است۔ چمن چهارم در بیان شاهان ایران و سلطنت انگلیسی هند است[١]۔

سبکِ کتاب:

اگرچه نسخه خطی این کتاب، برای بررسی سبک، در دسترسِ نویسنده این مقاله نیامده است اما به گفتهٔ منظور احسن عباسی درین کتاب در بیانِ تفصیلِ بعضی وقایع، مبالغه و جذبات دیده می شود[٢]۔ خلافِ روشِ تاریخ نویسی دورهٔ تیموریانِ متاخر 'چهار چمن' در سبک مصنوع نوشته شده است۔ به قول دکتر سید عبدالله، دولت رای در تالیفِ این کتاب زبان ناصاف و مشکل را به کار برده است[٣]۔

ارزش کتاب:

اگرچه چهار چمن کتابی ضخیم است و از اعتبار مضامین بسیار متنوع است اما در شرح آن مضامین مؤلف به اختصار گراییده است[٤]۔ علاوه بر تاریخ دولت رای درین کتاب مذهب هندووان و موسیقی و شرح احوال اولیای کرام و شاعران و نویسندگان هم بیان نموده است۔ بالخصوص چمن چهارم این کتاب که در بیان شاهان ایران و سلطنت انگلیسیان در هند است، ارزش بسیار دارد۔ مؤلف چون خود از مقربین سلطانی بود و بر اوضاعِ سیاسی و نظامی آن زمان بیشتر علاقه داشت۔

آغاز:

۔ 'حمد را با تو نسبتی ست درست
بر در هر که رفت، بر در تست'[٥]

١۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..؛ص٢٠١

٢۔ عباسی،منظوراحسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب، ص٦٥٩

٣۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..؛ص٢٠١

٤۔ همان

٥۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج١٠،ص٥٥٠

نسخه های خطی:

اگرچه معرفیِ 'چهار چمن' از دولت رای در یکی دستنوشتۀ موزه بریتانیا به شماره Or.۲۰۶۳ بر برگِ ٦٢ موجود است[1] اما نسخۀ خطی کاملِ این اثر در کتاب خانۀ عمومی پنجاب لاهور به شماره ۵۹٤دولت نگهداری می شود و ۲۳۷برگِ پانزده سطری دارد[2]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱ ۔ بدیع الجواهر:

کتابی در موردِ علم پزشکی که برای پسران خود، شیوپرشاد(Shiv Parshad) و کالکاپرشاد، نوشته بود[3]۔

۲ ۔منتخب القواعد:

رساله ای در مورد علم قواعد[4]۔

علاوه برین در فهرستِ کتاب های چاپی موزه بریتانیا اثری به نام 'جواهر منظومه' و دیگری به نام 'مرآة الصرف' از دولت رای شوق هم ذکر شده است که شاید از همین دولت رای و یا لاله دولت رای پسر عزت رای نویسنده 'مرآة دولت عباسیه' باشد[5]۔

---

۱ ۔ ریو،ج۳،صص۱۰۵۷ـ۱۰۵۸ (استوری،ص۱۳۱۰ یکی نسخۀ دیگرِ موزه بریتانیا را معرفی هم داده است)

۲ ۔ عباسی،منظوراحسن،فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب، ص٦۵۹

۳ ۔ نبی هادی، ص ۱۵٤

٤ ۔ همان

۵ ۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی، ستون۱۸۸

تواریخ ملك پنجاب و مالوه/ کتاب تاریخ پنجاب[۱]

از خوشوقت رای

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال خوشوقت رای اطلاع زیادی در دست نیست۔ آنچه که وی در موردِ خود درین کتاب بیان نموده آن هم کافی نیست، حتیٰ در نسخۀ موزه بریتانیای نام مؤلف هم نیامده است[۲] البته از مقدمه کتاب این قدر معلوم شده است که مؤلفِ این کتاب در شرکت هند شرق در استانِ پنجاب وقایع نگار مامور بود[۳]۔ خوشوقت رای چند سال در امرتسر کارگزار انگلیسی ها بود[٤]۔ معلوم می شود که با علمِ نجوم هم تشویق داشت و کتابی به نام 'خاص النجوم' هم نگاشته بود[٥]۔ اگر این خوشوقت رای همان است که 'نگارستان گیتی نما' نگاشته بود، پس وی فرحتؔ تخلص می کرد و نامِ پدرش منشی کرم سینگ پیشاوری بود[٦]۔

سبب تالیف:

مؤلف این اثر را حسب فرمایش کولونل دیود آچرلونی(Col. David Ochterlony) نوشته بود[۷]۔ اما در فهرست کتاب خانه عمومی پنجاب آمده است که وی این اثر را حسب فرمایش کولونل لویی(Col. Louis) نوشته بود[۸]۔ اما جالب است که در هر دو نسخۀ بالا، نام نویسنده نیامده است۔

سال تالیف:

'تواریخ ملك پنجاب و مالوه' از خوشوقت رای در ۱۸۱۱م نگاشته شده بود[۹]۔

۱۔ مارشال،ص۲٦۰/ریو،ج۱،ص۲۹٤

۲۔ ریو،ج۱،ص۲۹٤ ۳۔ استوری،ص٦٦۷

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،صص۵۵۰۔۵۵۱

۵۔ نبی هادی،ص۳۱۷ ٦۔ ریو،ج۳،ص۱۰٤٦

۷۔ ریو،ج۱،ص۲۹٤

۸۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۲۲

۹۔ ریو،ج۱،ص۲۹٤/ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۲۲/منزوی،احمد، فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۵۱

محتویاتِ کتاب:

این کتاب به نام 'گزارش احوالِ فرقهٔ سیکان' و'کتاب تاریخ پنجاب' هم معروف است[1]۔ این اثر در موردِ تاریخِ سیك ها از آغازِ ایشان تا سالِ تالیفِ این کتاب۱۸۱۱ھ۔ق نگاشته شده است[2]۔ مؤلف خانواده های گوناگونِ ایشان را ذکر کرده است و ازین به بعد کوشش آنان برای دست یابی به فرمانروایی و روابط ایشان با اورنگزیب عالمگیر بیان کرده است[3]۔ این تاریخ با احوال گوروواں سیك ها از گورو نانك تا گورو گوبند سینگ آغاز می شود[4]۔ بعد ازان مؤلف تاریخ فرقهٔ سیك ها و سرداران ایشان با تفصیل بیان نموده است و در پایانِ کتاب مؤلف احوال رنجیت سینگ با تفصیل بسیار تا اختتام گفتگوی وی با چارلس میتکالف(Charles Metcalfe)،بیان نموده است[5]۔ این احوال به ژوئن ۱۸۱۱م اختتام می پذیرد[6]۔

سبكِ کتاب:

چون این کتاب به صورت چاپی هنوز به منصهٔ شهود نیامده است و نسخه دست نویسِ این اثر هم به دسترسِ نگارندهٔ این نوشته نیست البته منظور احسن عباسی در فهرستِ مخطوطات فارسیه، کتاب خانه عمومی پنجاب در موردِ سبكِ این کتاب نوشته است که اگرچه مؤلف اجمال را به کار برده است ولی وقایع مهمی را فروگذاری نکرده است و عبارتِ این اثر چست و طرزِ نگارش پسندیده است[7]۔ به روشِ تاریخ نگارانِ هندو آن زمان مولف هم آغاز کتاب خود به نام خداوند کرده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۹٤

۲۔ استوری،ص٦٦٨

۳۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۲۳٤

٤۔ ریو،ج۱،ص۲۹٤

۵۔ همان

٦۔ همان

۷۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۲۲

این کتاب ازین نظر که دارندۀ احوال قومِ سیك ها از آغاز آن ها تا وقت تالیف این کتاب است، بسیار ارزشمند است۔ به علت شهادتِ هم عصر بودن در بعضی وقایعِ روزگارِ خود، این کتاب می توان مهم و مستند به شمار می آید[١]۔ برای دانشجویان تاریخ سیك ها این دستاویز خیلی کارآمد است[٢]۔

آغاز:

'جهان جهان گوهر صفت و ثنا و عالم عالم جواهر حمد و سپاس نیاز ذات کبریا باد.....'[٣]

نسخه های خطی:

دستنویسِ این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٨٧ موجود است و ١٧٧ برگ دارد۔ نسخه ای در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٣٨٩٧ هم موجود است[٤]۔ در پاکستان فقط یك نسخه این کتاب در کتاب خانه عمومی پنجاب لاهور به شماره **٩٥٤،٠٧توا** موجود است و ٢٥٤ صفحه دارد[٥]۔

آثار دیگر مؤلف:

علاوه بر 'تواریخ ملك پنجاب و مالوه' خوشوقت رای دو اثر دیگر هم نوشته بود که زیر قرار است؛

١۔ **خاص النجوم:** این کتاب بر موضوع علم نجوم است[٦]۔

٢۔ **نگارستان گیتی نما:** این اثر در عهد احمد شاه درانی(١١٩١هـ.ق/١٧٧٧م) نوشته شده بود و مؤلف درین اثر تخلص 'فرحتؔ' به کار برده است[٧]۔ معلوم می شود که این اثر شاید به صورت مثنوی نگاشته شده بود۔

١۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص٦٦

٢۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص٧٢٢

٣۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٥١

٤۔ استوری،ص٦٦٨

٥۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص٧٢١

٦۔ نبی هادی،ص٣١٧

٧۔ مارشال،ص٢٦١

خلاصة التواریخ از کلیان سینگ

شرحِ احوالِ مؤلف:

انتظام الملك ممتاز الدوله مهاراجه کلیان سینگ بهادرتهور جنگ پسر ممتازالملك مهاراجه شتاب رای بهادر منصور جنگ[١] از خانواده سکسینه کایسته بود. خانوادۀ وی از روزگار همایون تا شاه عالم دوم به دربار دهلی وابسته بود. کلیان در دوازده سالگی ادبیات فارسی و عربی، فقه، اصول و منطق ومعانی ، بیان و بدیع را به خوبی فرا گرفت [٢]. پدر بزرگِ وی، رای همت سینگ، به وقتِ یورشِ نادر شاه، دیوانِ امیرالامرا صمصام الدوله بود[٣]. پدرش مهاراجه شتاب رای که نایب ناظم بهار و بنگاله بود، چون در ١١٨٧ه.ق/ ١٧٧٣م در پتنه در گذشت، کلیان سینگ جانشینِ اومی گردید[٤]. در مقدمه این کتاب کلیان سینگ می گوید که پدرِ او از نخستین اشرافِ هندی بود که خدمتِ انگلیسی ها به جا آورد [٥]. او مزید گوید که این خدمت ها در دفتر های شرکت هند شرق مندرج است:

'وحقوق خدامت وقدامتِ پدر و پسر در بهی های کونسلِ آن وقت مندرج و اظهر من الشمس و ابیض من الامس است'[٦]

وارن هیستینگز (Warren Hastings) در ١٧٨١م کلیان سینگ را برای غارت گری راجۀ بنارس چیت سینگ و دیگر گشاورزان، ٣٤ لك روپیه عوارضی حدود تعین کرد [٧]. کلیان سینگ در حالت بی سر و سامانی در ١١٩٥ بکرمی (٨٩_١٧٨٨م) به کلکته رفت و

١_ ریو،ج١،ص٢٨٣

٢_ رسولی،اختر،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣،ص٢٠٨٤

٣_ ریو،ج١،ص٢٨٣

٤_ استوری،ص٧١٩

٥_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١١٠

٦_ همان

٧_ ریو،ج١،صص٢٨٣_٢٨٤

بیست و چهار سال آنجا در صحبتِ انگلیسی ها گذرانید [1]۔ در ۱۲۱۷ بکرمی(۱۱۔۱۸۱۰م) کلیان سینگ بیمار شده و بینایی خود از دست داد و در ۱۲۱۸ بکرمی (۱۲۔۱۸۱۱م) باز به پتنه آمد[2]۔آنجا او، به توسطِ پسرِ خود مهاراجه کنور دولت سینگ بهادر دلیر جنگ، از سوی ابراهام ویلاند (Abraham Welland) به نوشتنِ تاریخِ میر محمد قاسم خان ناظم بنگال مامور گشت [3]۔ از تاریخ وفات او اطلاعی در دست نیست اما آنچه مسلم است که تا سال ۱۲۲۷هـ.ق حیات داشته باشد که این آخرین اثرِ وی در همان سال نگاشته شده بود۔

کلیان سینگ در زبان فارسی و اردو شعر هم می سرود و عاشق تخلص می کرد و یکی دیوان از وی به جا مانده است[4]۔ یکی مثنوی به عنوان 'زیبا' هم یاد گارِ اوست[5]۔

سبب تالیف:

در ۱۲۱۸ بکرمی چون کلیان سینگ از کلکته باز به پتنه آمد، مستر ابراهام ویلاند به وی فرمایشِ نوشتنِ تاریخِ ناظمان بنگال کرد که فصل اول او تاریخ تیموریان داشته باشد[6]۔

سال تالیف:

کلیان سینگ این اثر را در ٢٤ ربیع الثانی ۱۲۲۷هـ.ق/۱۸۱۲م به تکمیل رساند[7]۔

محتویاتِ کتاب:

خلاصة التواریخ از کلیان سینگ از حمد و نعت آغاز می شود [8]۔ این تاریخ منقسم در دو جلد است۔ مؤلف در جلد اول موسوم به خلاصة التواریخ شرح احوال از تیمور تا اکبر شاه ثانی بیان نموده است۔ جلد دوم این کتاب موسوم به وارداتِ قاسمی اهمیتِ

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۱۰
۲۔ همان
۳۔ همان
٤۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۲۰۵
۵۔ مارشال،ص۲۳۹
٦۔ ریو،ج۱،ص۲۸٤
۷۔ همان
۸۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۱۰

بسیار دارد۔ این کتاب در موردِ فرمانروایانِ بنگال از آغازِ نظامتِ میر محمد قاسم در ۱۱۷٤ھ.ق (۱۷٦۰م) تا برکناری مؤلف در ۱۱۹۸ھ.ق (۱۷۸۳م) است[1]۔ ذکر این کتاب یعنی 'وارداتِ قاسمی' در همین مقاله آینده به ص٤٥٢ می آید۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب نه تنها دارندۂ تاریخ ناظمان بنگال است بلکه تاریخ تیموریان از بابر تا محمد اکبر شاه هم دارد۔ علاوه برین مؤلف خود نایب ناظم بنگال بوده و پدرش در وقایع که در بنگال روی نمود اهمیت فراوان هم دارد۔ چون کلیان سینگ نابینا گشته این کتاب را بر اساسِ حافظه خود نوشت، امکان است که این قدر سال بعد همه چیز ها را یادنداشته باشد۔ چون کلیان سینگ از انگلیسیان راه و رسم داشت و این کتاب را هم به فرمایش یکی مردِ انگلیسی تالیف کرده بود ممکن است به جانبِ ایشان طرفداری کرده باشد۔ اما رد یا قبولِ این امر منحصر به بررسی نسخۂ خطی است که به دسترسِ نگارنده این سطور نیامد۔

آغاز:

'آرایش وپیرایشِ هر نسخه و کتاب به ستایش و نیایش منتظم حقیقی است.........'[2]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در موزه بریتانیا به شماره Add. ۲٤۰۸٤ دارنده ۱۰۳ برگِ هجده سطری[3] و دیگری در همین کتابخانه به شمارۂ Or. ١٦٩٤ دارندۂ ۳۵۸ برگ موجود است[4]۔ در کتابخانه بانکیپور نسخۂ خطی خلاصة التواریخ از کلیان سینگ به شماره ٥۹٤ مشتمل بر ۲۲۷ برگِ چهارده سطری موجود است[5]۔

تراجم و چاپ:

۱۔ استوری،ص ۷۲۱

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱۱۰

۳۔ ریو،ج۱،ص۲۸۳

٤۔ همان،ج۳،ص۹۲٥ (درین دستنوشته از برگ یکم تا ۱۱۸ 'خلاصة التواریخ' و از برگ ۱۱۸ تا۳۵۸ باب دوم یعنی 'واردات قاسمی' مندرج است)

٥۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱۱۰

سرفراز حسین خان این کتاب را در ’مجله تحقیق بهار و اوریسه‘ (Journal of Bihar & Orissa Research Society) به زبان انگلیسی ترجمه کرده است که در ۱۹۱۹م و ۱۹۲۰م چاپ شده است[۱]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔عجایب الواردات:

یادداشت های کلیان سینگ وپدرِ او شتاب رای است که در ۱۲۰۵ھ۔ق/۱۷۹۱م در کلکته به تکمیل رسید و مشتمل بر یك مقدمه و چهار باب است[۲]۔

۲۔عجایب البلدان:

در موردِ جغرافیه که در ۱۲۱۱ھ۔ق/۱۷۹٦م به پایان رسیده بود[۳]۔

۳۔دیوان عاشق:

کلیان سینگ عاشق تخلص داشت و به زبانِ فارسی و اردو شعر می سرود۔ دیوانی ازو یادگار است که دارندۂ مثنوی ’زیبا‘، ترجمۂ منظوم حبیب السیر و بسیاری اشعار است[٤]۔

۱۔ استوری،ص۷۲۱

۲۔ همان

۳۔ مارشال،ص۲۳۹

٤۔ همان

مرات دولت عباسی از لاله دولت رای

شرحِ احوالِ مؤلف:

لاله دولت رای ولد لاله عزت رای[1] نویسنده معروفِ مرات دولت عباسی از بهاولپور(Bahawalpur) تعلق داشت۔ پدر و عمواش در سلك ملازمت نواب بهاولپور نواب محمد مبارك خان بودند[2]۔ بعد از بی دخل شدن از مدد معاش، به دست رکن الدوله بهاول خان دوم که اجدادش به صلۂ خدمت در تعلقۂ جلال آباد[3] گرفتند، دولت رای از بهاولپور به مولتان رفت و آنجا به نوشتنِ این اثر مشغول شد[4]۔ در همین عصر به علتِ یورش های رنجیت سینگ او به حیدر آباد سند رفت و آنجا در خدمتِ میر کرم علی خان و مراد علی خان پیوست[5]۔ اما بعد از مدتی باز به بهاولپور آمد۔ دولت رای به دربارِ بهاول خان و صادق خان پیوست و محمد اعظم در تاریخ خود به نام 'اقبال نامه سعادت آیات' چند اشعار را ذکر نموده است که دولت رای به آن دربار گفته بود و محمد اعظم بهاولپوری در کتابِ خود وی را 'لاله دولت رای کیهی'(Kihi) گفته است[6]۔ در ۱۲۲٤ھ.ق دولت رای در بهاولپور بود چون در آخرِ لمعۂ اول دولت رای می گوید که او این باب را در بهاولپور در پنج جمادی الآخر۱۲۲٤ھ.ق تالیف کرده است[7] که شاید تا آن وقت از سند باز گردیده بود۔

لاله دولت رای نوشتنِ احوال نواب صادق خان را هم آغاز کرد اما نتوانست که بیش از دو سال نوشت۔ محمد اعظم درمقدمۂ تاریخ خود به نام 'اقبال نامه سعادت آیات'

۱۔ استوری،ص٦٥٩
۲۔ ریو،ج۳،ص۹٥۱
۳۔ استوری،ص٦٥٩
٤۔ ریو،ج۳،ص۹٥۱
٥۔ استوری،ص٦٦۰
٦۔ ریو،ج۳،ص۹٥۱
۷۔ همان

می گوید که او حکم یافت که احوالِ دو سال حکومتِ صادق خان را هم در تاریخِ خود شامل کند که لاله دولت رای نامکمل گذاشته است[١]۔

اما بهاول خان در ١٢٢٤ھ.ق فوت شد و بعد ازان احوال دو سال تا رجب ١٢٢٧ھ.ق را دولت رای در همین تاریخ خود رقم کرد یعنی او کتابی جداگانه ننوشته بود۔ لاله دولت رای در سال ١٢٤٦ھ.ق فوت شد[٢]۔

سال تالیف:

در آخرِ لمعه اول دولت رای می گفت که او این باب را در بهاولپوردر پنج جمادی الآخر١٢٢٤ھ.ق تالیف کرده است۔ از عنوانِ کتاب هم این تاریخ به دست می آید (مرات دولت عباسی=١٢٢٤ھ.ق)[٣]۔ اما از خاتمهٔ کتاب معلوم می شود که این اثر در ماهِ صفر ١٢٢٧ھ.ق تالیف شده بود[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارندهٔ تاریخ نوابان بهاولپور است که خانوادهٔ ایشان به نام عباسیان معروف است۔ لاله دولت رای این اثر را در یك تجلی و سه لمعه نوشت[٥]۔ این تجلی مقدمه کتاب و لمعات باب های کتاب است۔ **تجلی (مقدمه):** تاریخ سند در دوره امویان،عباسیان تا مرگ معتصم بالله، فرار سلطان عباسی احمد اول معروف به مستنصربالله به مصر،و یورشِ سلطان احمد دوم بعد از دو قرن به سند، **لمعهٔ یکم:** تاریخ سلطان احمد دوم و جانشینانش تا مرگ نواب محمد مبارك خان، **لمعهٔ دوم:** تاریخ نواب بهاول خان از تخت نشینی او در ١١٨٦ھ.ق/١٧٧٢م تا ١٢٢٢ھ.ق/١٨٠٧م، **لمعهٔ سوم:** تتمه تاریخ بهاول

١۔ ریو،ج٣،ص٩٥٢

٢۔ استوری،ص٦٦٠/ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤، ص٣٣٣

٣۔ ریو،ج٣،ص٩٥١

٤۔ همان

٥۔ همان

خان تا مرگ وی در ۱۲۲٤ھ.ق/۱۸۰۹م[1]۔

منابع مرآت دولت عباسیه:

در ذکر مآخذ و منابع مؤلف می گوید که او برای مقدمه از روضة الصفا، منتخب التواریخ، نادر نامه، تاریخ سند و گجرات و قسمتِ سوم روضة الاحباب بهره برده است[2]۔در لمعه اول مؤلف از گفتنی های چاکر خان استفاده کرده[3] اما در بیان قسمتی دیگرِ کتاب، او بر گفتۀ مردم های معتبر و مشاهده خود اکتفا کرده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مرآت دولت عباسیه از لاله دولت رای اثرِ پُر ارزش ترین در موردِ تاریخ عباسیانِ بهاولپور به شمار می آید۔ این کتاب نه تنها تاریخِ نوابانِ بهاول پور است بلکه دارنده احوال تاریخ سند، افغانستان، مولتان، جود پور(Jodhpur) و سیك ها هم است[4]۔

آغاز:

'سپاس بی قیاس مر ذاتی را که احدیت لازم به اوست و واحدیت واجب بدو...'[5]

در بعضی نسخه ها به شمول نسخه دانشگاه اسلامیه بهاولپور آغاز این کتاب چنین است:

'حمدِ تو بر صحایف اطباق نه فلك...'[6]

نسخه های خطی:

در موزه بریتانیا، بانکی پور و انجمن آسیای شاهی موجود است ۔ در پاکستان هم بسیار نسخه های مرآۃدولت عباسی موجود است ۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۵۱/ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۳۳

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۳٤

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤، ص۳۳٤

٤۔ استوری،ص٦٦۰

۵۔ عبدالمقتدر،مولوی،فهرست بانکیپور،ج۳۱،ص۳۳

٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٦٦

به فهرست مشترک منزوی،ج ۱۰ ،ص٥٦٦ ـ

تراجم و چاپ:

'مرآت دولت عباسیه' در ۱۸۵۰م در دهلی به چاپ رسیده بود و این چاپ سنگی مشتمل بر ٤٧٦ صفحه بود[۱]ـ

آثار دیگر مؤلف:

۱ـ **انشای دولت رای:** این اثرمجموعه نامه های لاله دولت رای است[۲]ـ

دکتر سید عبدالله در 'سهم هندووان در ادب فارسی' کتابی به نامِ 'چهار چمن' را تالیفِ لاله دولت رای نوشته است[۳] که غلط است۔ چهار چمن اصلاً تالیفِ دولت رای پسر گلاب سینگ است۔

۱ـ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون۱۸۸

۲ـ نبی هادی،ص١٥٤

۳ـ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان...، ص ۲۰۰

وارداتِ قاسمی از کلیان سینگ

شرحِ احوالِ مؤلف:

احوال کلیان سینگ، نویسندۂ این کتاب در 'خلاصة التواریخ' گذشته است۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۲۲۷ھ.ق در پتنه نوشته شده بود[1]۔

محتویاتِ کتاب:

واردات قاسمی دارندۂ تاریخ بنگال و بهار است که مؤلف یا پدر وی با چشم خود ملاحظه کرده بود[2]۔ این کتاب در شرح احوال تاریخ بنگال و بهار از تخت نشینی میر محمد قاسم خان در ۱۱۷٤ھ.ق تا ۱۱۹۸ھ.ق است[3]۔ درسال ۱۱۹۸ھ.ق کلیان سینگ، مؤلفِ این کتاب، نیابت بنگال را خیرآباد گفته به کلکته رفته بود[4]۔ ریو محتویاتِ این کتاب چنین بیان نموده است؛ **مقدمه؛** و سپس احوالِ مختصرِ ناظم های بنگال ازان میان مهابت جنگ، سراج الدوله و میر محمد جعفر خان، اوایل زندگانی میر محمد قاسم خان و تخت نشینی او بر سریر نظامت، جلوس شاه عالم و در پتنه حاضری میر قاسم به دربارِ او، روانگی شاه عالم از پتنه به اوده، آمدن ژانرل کوت(Gen. Coote)، یورش ایلیس (Ellis) بر پتنه، اعلان جنگ خلاف میر قاسم، شکست و مرگ محمد نقی خان، فرار میر قاسم، به حالی میر جعفر، شتاب رای، روانگی میر قاسم از جانب شجاع الدوله برای بندیله ها، یورش شجاع الدوله بر پتنه، برخواندنِ شجاع الدوله شتاب رای را و فرستادن او به کلکته برای معاهده امن، تعیناتی میجر منرو (Maj. Manroe) به پتنه، جنگ بکسر، برای کمك خواندنِ

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۱۳

۲۔ مارشال،ص۲۳۸

۳۔ ریو،ج۱،ص۳۱۳

٤۔ همان

شجاع الدوله به ملهار راو و احمد خان بنگش، عهدنامۀ امن، مرگ میر جعفر و نظامت نجم الدوله، لُرد کلاییو(Lord Clive) در اله آباد و مرشدآباد، محمد رضا خان در پتنه، مرگ سیف الدوله، تعییناتی وارن هیستنگز(Warren Hastings) به طور گورنر ژانرل، بیماری و مرگ شتاب رای، آمدن هیستنگز از بنارس به پتنه، تعیناتی کلیان سینگ(مؤلف این کتاب) به طور نایب ناظم بهار، احوال استان دارهای اوده از شجاع الدوله تا سعادت علی خان، شکوک و بدگمانی ها میان مؤلف و انگلیسی ها، احوال چیت سینگ، یادداشت های زندگانی شتاب رای(پدر مؤلف) از آمدن او به پتنه تا مرگ وی و احوال مؤلف تا نوشتن این کتاب، در آخرِ این کتاب مؤلف احوال گورنر ژانرال ها از لُرد کلاییو تا لُرد منتو(Lord Minto) و صد و بیست و چهار افسرها که مؤلف یا پدر وی با ایشان آشنایی داشتند، ذکر نموده است(۱)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه 'وارداتِ قاسمی' جلدِ دوم 'خلاصة‌التواریخ' از همو کلیان سینگ است اما به علتِ ارزشِ مطالبِ این جلدِ دوم که در موردِ وقایع بنگال و بهار است، تنها به طور کتابی جداگانه معروف است۔ علاوه بر تاریخ بنگال و بهار این تاریخ دارندۀ احوال استاندارهای اوده از شجاع الدوله تا نواب سعادت علی خان است۔ این کتاب ازین رو هم بسیار ارزش مند است که دارندۀ احوالِ بیش از صد مردم انگلیسی است که در شبه قاره هند در شرکتِ هندِ شرق خدمت انجام دادند و افزون بران وارداتِ قاسمی دارندۀ شرح احوال گورنر ژانرالِ شرکت هند شرق نیز است۔

آغاز:

'الحمد لله ملك الملكوت حي و لا يموت ....'(۲)

۱۔ ریو،ج۱،صص۳۱۳۔۳۱۴

۲۔ همان،ص ۳۱۳

نسخه های خطی:

نسخهٔ خطی وارداتِ قاسمی در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٢٤٠٨٣ موجود است[١]۔ در همین کتابخانه نسخه ای به شمارهٔ Or. ١٦٩٤ دارندهٔ ٣٥٨ برگ است که نسخهٔ کاملِ خلاصة التواریخ' است و درین نسخهٔ خطی 'وارداتِ قاسمی' از برگِ ١١٨ تا ٣٥٨ موجود است[٢]۔ دیگر نسخهٔ این اثر در کتاب خانه بانکیپور به طور بابِ دوم خلاصة التواریخ بر شماره ٥٩٤ نگهداری می شود[٣]۔

تراجم و چاپ:

وارداتِ قاسمی، بابِ دوم خلاصة التواریخِ کلیان سینگ است که سرفراز حسین خان آن را در 'مجلـه تحقیق بهار و اوریسه' (Journal of Bihar & Orissa Research Society)به زبان انگلیسی ترجمه کرده است و در ١٩١٩م و ١٩٢٠م دران مجله به چاپ رسیده است[٤]۔

١۔ ریو، ج١، ص٣١٣

٢۔ همان، ج٣، ص٩٢٥

٣۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج٧، ص ١١١

٤۔ استوری، ص٧٢١

شاه عالم نامه از منا لال

شرحِ احوالِ مؤلف:

مـؤلفِ شاه عالم نامه از نام منا لال یا منو لال پسر بهادر سینگ منشی [1] معروف است۔ در 'تذکره مؤرخین' نامش منان لال [2] آمده است۔از احوال منو لال اطلاع کافی در دست نیست۔ در مقدمه مؤلف می گوید که در پانزده سالگی نوشتنِ این کتاب را آغاز کرد و حالا که بیش از پنجاه سال است،بینای او خیلی کمزور شده است [3]۔

'پوشیده نماند که راقم این شگرفنامه از عمر پانزده ساله به تسطیر این احوال سعادت منـوالِ شاهنشاهی پرداخته بود۔ حالا که پس پنجاه ساله رسید از مشیت الٰهی روشنی چشم زایل شد و شوق مدعا نویسی تا حال از سر نرفته بود، تا سال سیم حقیقت سال به سال مفصل بر جریده ثبت آوردم۔ حالا که از زایل شدن روشنی که تاب و طاقت نمانده از شروع سال سی ویکم تا سال چهل و هشتم مجمل که بهتر از مفصل است، پرداخته شد' [4]

چون درین کتاب مؤلف تاریخ تا چهل و هشتمین سالِ جلوسِ شاه عالم (۱۲۲۱ ه۔ق)، نگاشته و آنوقت خود پنجاه ساله بود ،اگر وی در۱۲۲٦ ه۔ق (که علتِ آن زیر می آید) تاریخِ سالِ چهل و هشتمینِ تخت نشینی شاه عالم (۱۲۲۱ ه۔ق) رادرج کرده و پنجاه ساله بود ، باید که در ۱۱۷٦ ه۔ق متولد شده بود ۔ و اگر در همان سال چهل و هشتمین پادشاهی شاه عالم(۱۲۲۱ ه۔ق) نگاشته حتماًمیانِ ۱۷۷۱ ه۔ق تا ۱۱۷٦ ه۔ق متولد شده باشد۔از سالِ وفاتِ او نیز اطلاعی در دست نیست اما این قدر مسلم است که مؤلف بعد از ۱۲۲۱ ه۔ق/۱۸۰۸م فوت شده بود که کتاب موردِ نظر تا آن سال وقایع تاریخی دارد۔

۱۔ مؤلف این کتاب با هردو نام'منالال' و 'منولال' معروف است۔ (الیوت، ریو، استوری، عبدالمقتدر وغیره هر دو نام را ذکر کرده اند)۔

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵٤۰

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۵

٤۔ همان،ص۹٦

سال تالیف:

اگرچه این تاریخ دارندۂ احوال تا ۱۲۲۱ھ.ق است اما سالِ تالیفِ این کتاب باید ۱۲۲٦ھ.ق باشد۔ چون فقط یکی دستنوشتۂ کاملِ این کتاب یافته می شود که در کتابخانه بانکی پور موجود است و شاید دستنوشته مؤلف باشد۔ در آخرِ نسخۂ بانکیپور ترقیمه چنین است؛ **'تمام شد نسخه تاریخ شاه عالم نامه تصنیف منشی منا لال، پنجم ماه ربیع الاول سنه ٦ مبارك اکبر شاه بهادر بادشاه غازی'**[۱]

محتویاتِ کتاب:

این کتاب را 'تاریخِ شاه عالم'[۲]، 'شاه عالم نامه'[۳] و 'شگرفنامه'[٤] نیز می گویند۔ این کتاب دارندۂ تاریخِ شاه عالم از آغاز جلوس تا چهل و هشتمین سال پادشاهی اوست۔ منالال آغازِ این کتاب از آخرین سال پادشاهی عالمگیر دوم تحتِ عنوان **'بیان احوال از حضرت عرش منزل عالمگیر بادشاه برای درستی سررشته کلام'** کرده است[٥]۔

درین کتاب مؤلف تاریخ را سال وار بیان کرده است۔ اما بعد از سیم سال جلوسِ شاه عالم، چون نویسنده از روشنی چشم بازمانده بود، این کتاب را به اجمال نگاشته است۔اختتام کتاب آنجا است که اکبر شاه دوم برای وصیت گرفتن به شاه عالم آمده بود[٦]۔

سبكِ کتاب:

به علت عدم دسترسی به نسخه های خطی این کتاب راقم این سطور از قضاوتِ حتمی در موردِ سبك این کتاب معذور است البته از جمله ها که از آغاز و متنِ شاه عالم نامه در فهرستِ کتابخانه بانکی پور و فهرستِ مشترك نقل شده است می توان اندازه بگیرد که

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹٦

۲۔ الیوت،ج۸،ص۳۹۳/ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹٥/ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱۷۸

۳۔ استوری،ص٦٤٤/منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥۳۹

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥۳۹

٥۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹٥

٦۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱۷۹

این کتاب به سبکِ ساده نوشته شده است۔ مؤلف گاهی کلمات عربی ومتوازن را هم به کار برده ولی از حدِ اعتدال خارج نشده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

'شاه عالم نامه' ازین رو کتابی بسیار ارزش مند است که منو لال درین کتاب تاریخ کاملِ زمان شاه عالم پرداخته است و برای بررسی روزگارِ شاه عالم این اثر خیلی مهم است و در موردِ دورۂ مذکور منبع مستند به شمار می آید۔ ویلیام فرانکلین(William Franklin) یکی دستنوشتۂ مؤلف داشت که در او تاریخ تا سیزدهمین سالِ جلوس شاه عالم نوشته شده بود و ویلیام فرانکلین در کتابش (The History of the Reign of Shah Aulum) تاریخ دورۂ شاه عالم ازین کتاب استفاده برده است[۱]۔

آغاز:

'حمد بی حد دادار بی همال و مدح بی عد مالك الملك ذوالجلال......'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب درکتابخانه موزه بریتانیا، بانکیپور و راجستان تونك موجود است۔ نسخه موزه بریتانیا از روانگی شاه عالم از اله آباد به دهلی در ١١٨٤ھ.ق آغاز شده است و شرح احوال تا سال بیست و چهارم تخت نشینی پادشاهی دارد چون نجف قلی خان به دست مرزا شفیع خان در ١١٩٦ھ.ق گرفتار شده بود[۳]، نسخه کتابخانه بانکی پور که کامل است احوال تا چهل و هشتمین سال و نسخۂ ادارۂ تحقیق عربی و فارسی در راجستان تونك تا چهل و نهمین سال جلوس پادشاهی [٤] دارد۔ چون بالا ذکر آمده که نسخه ای که ویلیام فرانکلین دارد و آن دستنوشتۂ خودِ مؤلف بود، آن نسخه

۱۔ ریو،ج۳،ص۹٤۳

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی، بانکیپور،ج۷،ص۹۵(در فهرست راجستان تونك،ج۱،ص۱۷۹ در آغاز این کتاب به جای 'دادار' واژۂ 'داور' نگاشته شده است)

۳۔ ریو،ج۳،ص۹٤۳

٤۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱۷۹

دارندهٔ تاریخ تا سیزدهمین سالِ جلوس شاه عالم بود۔

در پاکستان دستنوشتهٔ بخشی ازین کتاب در کتابخانه غلام محمد گوتوی(Ghotvi)، بهاولپور موجود است[1]۔

یادداشت: دکتر سید عبدالله در کتابش سهم هندووان در ادبیات فارسی نوشته است که شاه عالم نامه از منا لال دارندهٔ وقایع از ۱۱۸٤ھ.ق تا ۱۱۹٦ھ.ق است [2]۔ شاید وی درین مورد فقط از نسخه موزه بریتانیا استفاده کرده باشد که مشتمل بر وقایع میان این سال است۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٤۰

۲۔ عبدالله، دکترسید، سهم هندووان..،ص۹۹

تذکره نرمل از عبدالرزاق

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال عبدالرزاق، مؤلف تذکره نرمل، اطلاع کافی در دست نیست آنچه که از زندگانی او معلوم است بسیار اندك است و جز این نیست که اسم کاملش عبدالرزاق پسر عبد النبی بود[١]۔او از شهرستانِ 'نیندر'(Nander) که بر رود' گوداواری'(Godavari) واقع است، علاقه داشت[٢] و پیشِ ژانرال سر جان میلکم(Sir John Malcolm) به طور منشيِ پُست به سر برد[٣]۔

سال تالیف:

در نسخهٔ خطی تذکره نرمل که در موزه بریتانیا نگهداری می شود، وقایع تا سال ١١٩٨ ه / ١٧٨٣ م بیان شده است[٤] و نسخه خطی کتابخانه اندیا آفیس تا ١٢٣١ ه /١٨١٦ م ادامه داشته است[٥]۔ البته ولد میر ایوانوف به حوالهٔ دستنوشتهٔ کتاب خانه انجمن آسیای، سال تالیف این کتاب ١٢٣٢ ه.ق/١٨١٧ م بیان نموده است[٦]۔

سبب تالیف:

عبدالرزاق این کتاب را حسبِ درخواست ژانرال سر جان میلکم نوشته بود که دران زمان از سوی شرکت هند شرق، ناظم بمئی بود[٧] و در سپتامبر ١٨١٧ م برای بیخ کنی پنداریان(Pindaris) به قلعچه نرمل رسید[٨]۔

محتویاتِ کتاب:

١۔ نبی هادی، ص ٢٦

٢۔ استوری، ص ٧٥٣

٣۔ ریو،ج ١،ص٣٢٧

٤۔ همان

٥۔ اته،اندیا آفیس،ج ١،ستون ١٨٣،ش٤٦٩

٦۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،ص٦٢

٧۔ نبی هادی ، ص ٢٧

٨۔ اته،اندیا آفیس،ج ١،ستون ١٨٣،ش٤٦٩

این اثر دراصل در تاریخ قلعچه نرمل نوشته شده است ـ مؤلف این کتاب را از بنیان گذاری آن قلعه در حدود ١١٤٤ هـ.ق [١] آغاز کرده تا ١٢٣١ هـ / ١٨١٦م، یعنی اتمام فرمانداری نواب اشرف الدوله بهادر، نوشته بود [٢]ـ

ارزشِ ادبی و تاریخی:

به حواله تاریخ نرمل این اثر خیلی مهم است و شاید واحد اثر در موردِ آن قلعه یا شهرك است که در زمان تیموریانِ متاخر نوشته شده بود و ازین چیز اندازه می شود که تاریخ نویسی دورۂ تیموریان متاخر چقدر متنوع است ـ

آغاز:

'الحمد لله وحده و صلوات علی النّبی بعده بر ضمیر منیر صدر نشینان چار بالش...' [٣]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تذکره نرمل در کتابخانه موزه بریتانیا، کتابخانه اندیا آفیس، کتابخانه آصفیه و کتابخانه انجمن آسیای موجود است ـ برای تفصیل مراجعه شود به استوری ص ٧٥٣، مارشال ص ٢٥ ـ

تراجم و چاپ:

این اثر در ١٣٢٣ هـ.ق/ ٠٦ـ١٩٠٥م در حیدرآباد به چاپ رسیده است [٤]ـ

---

١ ـ منزوی، احمد، فهرستواره کتاب های فارسی، ج ٢، ص ١٢٢٩

٢ ـ اته، اندیا آفیس، ج ١، ستون ١٨٣، ش ٤٦٩

٣ ـ همان

٤ ـ استوری، ص ٧٥٣

گلشنِ جنگ از واجد علی خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

واجد علی خان نبیرۀ نواب علی مردان خان از حیدر آباد علاقه داشت[١]۔ در زمانِ سکندرجاه او از حیدرآباد به پونه رفت[٢]۔ آنجا وی در خدمتِ باجی راو پیوست و چهار سال آنجا مانده بود[٣]۔ از سوی باجی راو در جنگ های میان باجی راو و انگلیسی ها، شرکت کرد[٤]۔ پیش از رفتن به خانه خود آن وقایع جنگ را در تاریخ مذکور رقم کرد[٥]۔

سال تالیف:

واجد علی خان گلشنِ جنگ را در ١٢٣٣ھ.ق/١٨١٨م نگاشت[٦]۔

محتویاتِ کتاب:

گلشن جنگ تاریخی در موردِ جنگ های باجی راو با نیروهای انگلیسی در دکن است[٧]۔ این تاریخ با قتلِ گنگا جی دهر(Ganga ji Dhar) به دستِ تری ملک جی (TriMukhJi) آغاز می شود که به علتِ آن قتل این جنگ آغازِ شده بود[٨]۔بعد ازان جنگ های باجی راو از ١٢٣٠ھ.ق/ ١٨١٥م تا ١٢٣٣ھ.ق/١٨١٨م بیان شده است۔ در خاتمه کتاب مؤلف تصادمِ ژانرال اسمیت (General Smith)با فوج باجی راو بیان نموده است و یورشِ ولوله انگیز سپه سالارِ مرهته ها بابو گوکله(Babu Gokhlay) را ذکر نموده است[٩]۔

در آخرِ کتاب مؤلف بیان کرده است که بعد از جنگ تلاشِ باجی راوخیلی تیز شده بود اما او به راهِ چانده و ناگپور(Nagpur) برای برتپور(Bharatpur) روانه شد[١٠]۔

١۔ ریو،ج٣،ص٩٦٩
٢۔ استوری،ص٧٦٣
٣۔ ریو،ج٣،ص٩٦٩
٤۔ استوری،ص٧٦٣
٥۔ ریو،ج٣،ص٩٦٩
٦۔ نبی هادی،ص٦٠٨
٧۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج٢،ص١٣٢٦
٨۔ ریو،ج٣،ص٩٦٩ ٩۔ همان ١٠۔ همان

ارزشِ ادبی و تاریخی:

'گلشنِ جنگ' از واجد علی خان ازین رو بسیار ارزش مند است که نویسندۂ این اثر خود از سوی باجی راو در جنگ های مذکور شرکت کرده بود و این وقایع تاریخی را با چشمدیدۂ خود تالیف کرده است۔

آغاز:

'آنست مالك ملك که جان جمله جهان در یدِ قدرت اوست........'[1]

نسخه های خطی:

یکی دستنوشتۂ این اثر در موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۲۵ نگهداری می شود و ۹۱ برگ دارد[2]۔ نسخۂ دیگر این اثر در کتاب خانه راجستان تونك به شماره ۳۴۳ نگهداری می شود و دارندۂ ۱۹۸ برگ است۔

۱۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۲۰۳

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٦۹

۳۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۲۰۳

وقایع دکن از فیض حق صدیقی

شرحِ احوالِ مؤلف:

فیض حق چشتی القادری عرف محمد فیض الله منشی مخاطب به فضل علی خان صدیقی آصفجاهی[١] در مقدمه کتاب می گوید که وی در سرپرستی نواب ممتازالامرا بهادر و راجه شام راج بهادر به سر می برد[٢]۔ از نام او ظاهر است که وی کار منشی گری می پرداخت۔ در ١٢٤٤ھ.ق/٩-١٨٢٨م کتابی مرآة الاخبار در حیدرآباد دکن تالیف کرده بود[٣]۔ وی در ١٢٥١ھ.ق/١٨٣٥م کتابی 'خزانه رسول خانی' به نام نواب رسول خان در تاریخ عمومی هندوستان هم نوشته بود[٤]۔ همچنان ولادت او، تاریخ مرگ وی هم معلوم نیست۔ البته وی با فیض حق که در ١٢٥٢ھ.ق/٧-١٨٣٦م 'رساله فواید' نوشته بود، بسیار مشابهت دارد و باید یکی باشد[٥]۔ این طور می توان گفت که وی تا ١٢٥٢ھ.ق زنده بود۔

سال تالیف:

'وقایع دکن' از فیض حق در ١٢٣٦ھ.ق/١٨٢٠م نوشته شده بود[٦]۔

محتویاتِ کتاب:

وقایع دکن دارنده تاریخ نظام های حیدرآباد از آغاز کارشان تا ١٢٣٣ھ.ق/١٨١٧م است[٧]۔ فیض حق درین کتاب احوالِ دورۀ نظام الملك آصف جاه، نواب ناصر جنگ، صلابت جنگ، نظام علی خان،مرگ نظام علی خان و تاجگزاری سکندرجاه بیان نموده است[٨]۔ در آخر کتاب احوال حیدرآباد تا ١٢٣٣ھ.ق/١٨١٧م بیان شده است[٩]۔

١۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٣١،ص١٦

٢۔ استوری،ص٧٥٣

٣۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٦٢

٤۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٣١،صص١٥ و١٦

٥۔ استوری،ص٧٥٣

٦۔ استوری،ص٧٥٣/ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٥٦

٧۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٥٦

٨۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٦٢

٩۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٥٦

آغاز:

'بعد حمد رب العالمین و نعت سیدالمرسلین خاتم النبیین و آله و اصحابه...'[۱]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه بانکیپور به شماره ٦١٧ موجود است و٩٥ برگ دارد[۲]۔ در پاکستان نسخه خطی این کتاب در دانشگاه پنجاب، گنجینه شیرانی به شماره ٤٩/٢/٣٠٥٤ موجود است[۳]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔ خزانه رسول خانی:

فیض حق این کتاب را به نام نواب غلام رسول خان معنون کرده بود [٤]۔ این اثر در ١٢٥١ ه.ق/ ١٨٣٥ م در تاریخ عمومی هند به ویژه تاریخ قطبشاهیانِ گولکنده و نظام های حیدرآباد نوشته شده بود[٥]۔

۲۔ تاریخ گوهر شهوار:

این کتاب در تاریخ پادشاهانِ آصفیه نگاشته شده بود[٦]۔

۳۔مرآةالاخبار:

به گفته منزوی فیض حق این اثر را در ١٢٤٤ه.ق/٩_١٨٢٨ م در حیدر آباد دکن آماده کرده و دران گفته است که پیش ازین دو کتاب در پادشاهان آصفیه نوشته بود: یکی 'خزانه رسول خانی' ودومی 'گوهر شاهوار' مگر 'مرات الاخبار' سومین است [۷]۔ منزوی مزید گمان کرده است که 'مرات الاخبار' با 'وقایع دکن' می تواند یکی باشد۔ اما اگر این

۱_ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص١٥٦

۲_ همان

۳_ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٦٣

٤_ مارشال،ص١٣٦

٥_ استوری،ص١٢٤٦

٦_ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٦٢

۷_ همان،صص ٥٦١_٥٦٢

کتاب در ۱۲٤٤ ه.ق نوشته شده بود، چطور ممکن است که کتابی 'خزانه رسول خانی' نوشتهٔ ۱۲۵۱ ه.ق در مرات الاخبار (نوشتهٔ ۱۲٤٤ ه.ق) ذکر شده باشد؟ اگرچه ممکن است که خزانه رسول خانی آنوقت در مرحله تکمیل بوده اما وی نوشته است که پیش ازین دو کتاب ..... نوشته بود۔ دیگری منزوی از مماثلتِ آغازِ مرات الاخبار و وقایع دکن اشتباه کرده است که می توان یکی باشد۔ این هم قرین قیاس نیست، چون بسیار تواریخ از 'حمد بی حد...' آغاز شده است اما باهم مختلف اند۔ یکی دلیل ضخامت این هر دو کتاب هم است که نسخه خطی 'وقایع دکن' در کتاب خانه بانکپور دارنده ۹۵ برگ است و نسخه 'مرات الاخبار' در کتاب خانه انجمن ترقی اردو کراچی دارندهٔ ٤۰٤ صفحه است[1]۔

٤۔رساله فواید یا مواعظ فارسی[2]:

استوری و مارشال این کتاب را هم به وی منسوب کرده اند۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٦٢

۲۔ استوری،ص۷٥۳/مارشال،ص۱۳٦

تنقیح الاخبار از منولال فلسفی وکندن لال اشکیّ

شرحِ احوالِ مؤلفین:

از احوال منو لال فلسفی اطلاعِ کافی در دست نیست الا که نامش منو لال فلسفی فرزند رای موهن سینگ معروف به رای سدانند متخلص به عاصیّ بوده و به دربارِ شاهی کارمی کرد [۱]۔ منو لال در بریلی رامپور هند می زیسته [۲] و پیش از آنکه به این کتاب تجدیدِ نظر کرده، در۱۲٤۸هـ.ق/۱۸۳۲م در گذشته است[۳]۔

پسرش کندن لال اشکیّ هم شاعر و نویسندۀ آن روزگار بود [٤]۔ وی در بریلی به دنیا آمد و به دربار پادشاه اوده 'منشی الملوك' بود [٥]۔ در علوم حکمیه از مولانا شاه رفیع الدین بهره برد و همه زندگانی اش در لکنو به سر برد و در حدود ۱۲٦٦ هـ.ق/۱۸۵۰م گذشته باشد[٦]۔ وی نگارندۀ 'زیجِ اشکیّ' در علم نجوم(۱۲۳۱هـ.ق/۱۸۱٦م) و 'نزهت الناظرین' که دانشنامه در زبان فارسی است و در بیست و چهار سالگی در ۱۲۳۷هـ.ق/۲۔۱۸۲۱م کندن لال اشکیّ در دهلی 'القسطاس' به زبان عربی نیز نگاشته بود[۷]۔ بعد از وفات منو لال پسرش کندن لال اشکی این کتاب را، ویراستایی کرده به این امید به انجام رساند که به زبان انگلیسی ترجمه می باشد و در فرنگ چاپ می شود[۸]۔

دکتر سید عبدالله در کتابش سهم هندووان درادبیاتِ فارسی، منولال و کندن لال هر دو پدر و پسر را از بهترین مصنفینِ زمانِ خود شمرده است[۹]۔ مزید بران اومنو لال، رتن سینگ زخمیّ ومیرزا محمد حسن را به طور فلاسفۀ نام آورِ زمانِ خود ذکر کرده است[۱۰]۔

۱۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۱۳۷ به حواله دیباچه تنقیح الاخبار

۲۔ همان، ص۱۳٦ ۳۔ همان

٤۔ نبی هادی، ص۹۱

٥۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۱۳۷

٦۔ همان ۷۔ استوری، ص۱۲٤٦

۸۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۱۳۷

۹۔ عبدالله، دکترسید، سهم هندووان...، ص۲۰۷

۱۰۔ همان، ص۲٤۳

سال تالیف:

اگرچه سید عبدالله سال تالیف این کتاب ۱۲۳۷ هـ.ق نوشته است [۱]، اما این کتاب بعد از مرگِ منولال پسرش کندن لال تالیف کرده و این کتاب در ۱۲٦۷ هـ.ق به چاپ هم رسیده بود۔ این طور می توان حدس زد که این کتاب میان ۱۲۳۷ هـ.ق تا ۱۲٦۷ هـ.ق تالیف شده بود۔ این هم ممکن است که منولال این کتاب را در ۱۲۳۷ هـ.ق تالیف کرده و بعد ازان پسرش کندن لال بران ویراستایی کرده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارندۀ تاریخ عمومی جهان به ویژه هند بعد از ۹۰۰ هـ.ق است[۲]۔ مؤلف این کتاب را در هفت 'قسم' تقسیم کرده است۔ تفصیل ابواب یا قسم های کتاب چنین است؛۱: بیانِ سلاطین که از سنه ۹۰۰هـ بر تمام هندیان و اقطاع آن حکمران بوده اند،۲:بیان احوال تیموریه از بابر تا حضرت شاه عالم، ۳: تاریخ قتاد مغولستان و ماورالنهر،٤:تاریخ فارس، ٥: تاریخ بابل، ٦:تاریخ شام و مصر و جز آن، ۷: تاریخ فرنگستان[۳]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

در دوره تیموریان متاخر بسیار کتاب ها پیرامون تاریخ عمومی جهان نوشته شده بود اما این کتاب دارنده وقایع از ۹۰۰هـ.ق است۔ علاوه برین این اثر را دو نویسندگان نگاشتند۔ اصلاً این کتاب تالیف منولال فلسفی است اما بعد از وفات وی کندن لال برآن افزوده و ویراستایی کرده بود۔

آغاز:

'سزاوارِ ستایش بی نام و نشانی که به هر نام خواندنش روا.........'[٤]

۱۔ عبدالله، دکترسید، سهم هندووان..، ص۲۰۲

۲۔ منزوی، احمد، فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص٦۰۰

۳۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۱۳۷

٤۔ منزوی، احمد، فهرستواره کتاب های فارسی، ج۱، ص٦۰۰

نسخه های خطی:

دو نسخهٔ خطی از تنقیح الاخبار از منو لال فلسفی در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی موجود است۔

یکی نسخه که بی نام نگارنده است در کتابخانه بوهار، کلکته هم موجود است۔ این نسخه فقط دارندهٔ بابِ هفتم یعنی تاریخِ فرنگستان است۔ آنجا نامِ این نسخه **'تنقیح الاخبار فی آثار الادوار'** نوشته شده است۔ درین نسخه که دستنوشتهٔ مؤلف است،در مقدمه مختصر وی می نویسد که بعد از تکمیل تاریخِ افریقه و مصر(که باب ششمِ این کتاب است)، او بابِ هفتمِ تنقیح الاخبار فی آثار الادوار در تاریخ فرنگ و روم تالیف کرد[1]۔ بر آغازِ این نسخهٔ بوهار، مُهرِ ١٢٥٥ ه.ق هم ثبت شده است [2] که سال تالیف این کتاب هم می باشد۔ این نسخه 'تنقیح الاخبار' حتماً از منو لال فلسفی است چون 'تنقیح الاخبار' از ملا محمد ماه اگرچه هفت باب دارد اما محتویات آن ازین مختلف است و دران تاریخ بابل و مصر و شام و فرنگستان شامل نیست(مراجع شود به تنقیح الاخبار از ملا محمد ماه در باب اولِ همین مقاله)۔

تراجم و چاپ:

به نوشته نوشاهی(به حواله فهرست انجمن ترقی اردو،ص١٨٧) این کتاب در سلطان المطابع، ١٢٦٧ ه.ق چاپ شده است[3]۔

١۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی، بوهار،ج ١،صص٤٣۔٤٤

٢۔ همان،ص٤٤

٣۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج١٠،ص١٣٧

شیر و شکر از دیا رام

شرحِ احوالِ مؤلف:

نویسنده این اثر دیا رام پاندیت از کشمیر تعلق داشت[1]۔ وی در موردِ شرح احوال خود درین کتاب بیان نموده است و چون گفته وی محکم ترین خبر در باره زندگانی وی است، این جا همان گفته او نقل می شود و آن چنین است: **'پدرم نراین پاندیت فارغ البال بود و با زایش من خانواده پراگنده شده، برادر بزرگم رام پندت به دهلی رفت۔ دو سال پس از آن پدر و خواهرم نیز بدانجا رفتند و پدرم در لشکر محمد بیگ همدانی به کار پرداخت و در آن هنگام من هشت نُه ساله بودم و در ۱۸۷۱ب/۱۲٤۸ه من در لشکر مهاراجه رنجیت سینگ به کار پرداختم'**[2]۔ ازین اقتباس معلوم می شود که این چکیده ای از اقتباسِ اصل است۔

دیا رام از شیخ غلام حیدر تحصیلات را فرا گرفت[3] و بعد ازان به برادرش نند رام به الور(Alwar) رفته بود که آنجا ملازم راجه الور بود[4]۔دیا رام در موردِ خود گفته است که وی در ۱۸۷۱ بکرمی/۱۲٤۸ه.ق از یك و نیم سال در رفاقت دیوان گنگا رام در لشکر مهاراجه رنجیت سینگ خدمت می کرد[5]۔ دیا رام با دیوان گنگا رام در تسخیر پونچه(Poonchh) هم شامل بود[6]۔ از سال وفات او اطلاعی در دست نیست۔

سال تالیف:

چون این کتاب دارنده وقایع تا ۱۸۲۵م/۱۲٤۰-۱ه.ق است و نسخه خطی این

۱۔ استوری،ص٦٦٨
۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٥٩
۳۔ عبدالله،دکترسید،،سهم هندووان..،ص۲۰۱
٤۔ همان
٥۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص٤٧
٦۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص۲۰۱

کتاب که منحصر به فرد است در ۱۲٤۱ ه.ق نگاشته شده بود[1]۔ این طور این کتاب حتماً در ۱۔۱۲٤۰ ه.ق نوشته شده باشد۔

وجه تسمیه:

در وجه تسمیه این کتاب دیا رام نوشته است؛ **'چون این نسخه مرکب است از واردات خودم و واقعات بعضی از سرداران گردون حشم، لهذا به اسم شیر و شکر مسمی کردم'**[2]

محتویاتِ کتاب:

شیر و شکر تاریخ مختصرِ روزگار رنجیت سینگ از ۱۸۷۱ تا ۱۸۸۲ ب/ ۱۸۱٤ تا۱۸۲۵م/ ۱۲۲۹ تا ۱٤۱۔۱۲٤۰ ه.ق است[3]۔ دکتر ظهور محتویات این کتاب چنین بیان نموده است؛

خرابی سلطنت گورگانیان، جنگ و شکست مهاجی سیندیه با راجه پرتاب سینگ، احوال جودپور(Jodhpur)، جنگِ کولونل لویی (Col. Louis) و جارج تامس(George Thomas)، احوال پنجاب و خروج مهاراجه رنجیت سینگ، تسخیر کانگره، بیان شهر لاهور، مشیران مهاراجه، دیگر یاران زمانه، مهمات کشمیر، یورش بر بهاولپور و مولتان، یورش بر پیشاور، فتح قلعه رام گره(RamGarh)، قلعه منگیرا و قلعه کوتریه(Kothria)، احوال آمد و رفت مهاراجه در جهنگ سیال(Jhang Sial)، امرتسر، جالندهر(Jalindhar)، هوشیار پور و جوالا مُکی(Jawala Mukhi) و احوال و کوایف آنجا[4]۔

سبك کتاب:

چون متن کامل این کتاب به صورت خطی یا چاپی به دسترس نگارنده این سطور نیست قضاوتِ حتمی در موردِ سبك این کتاب امکان پذیر نیست۔ البته از اقتباس ها که در

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۵۹

۲۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص٤۷

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۵۹

٤۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص٤۸

کتاب های دیگر ازین اثر نقل شده است، معلوم می شود که این اثر در سبك ساده و روان نگاشته شده باشد۔ مؤلف چون شاعر هم بود درین کتاب به روش تاریخ نویسی آن زمان شعر هم نقل کرده باشد و آغاز این کتاب هم به شعر است۔ اگرچه نبی هادی نوشته است که این کتاب احوال منظوم مهاراجه سیك ها است[1] ولی هیچ کس دیگر از دکتر سید عبدالله، دکتر ظهور یا احمدمنزوی این را تاریخ منظوم ننوشته است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

سید عبدالله در موردِ ارزش این کتاب گفته است که این رساله دارنده احوال بعضی اکابرین عهد رنجیت سینگ است و علاوه برین هیچ اهمیتی ندارد[2]۔ اما اگر ما محتویاتِ این کتاب ملاحظه کنیم، دیا رام اگرچه ملازم رنجیت سینگ بود ولی درین کتاب به سخت گیری سرکار و بروقت حقوق ندادن را شکایت کرده است[3]۔ این کتاب به علت شهادت معاصر مهم است و بعضی احوال مشتمل بر مشاهده شخصی خود مؤلف است و وی بران وقایع اظهار رای خود کرده است که آن در فهمیدن احوال سیاسی و معاشرتی آنزمان می توان ممد و معاون باشد[4]۔

آغاز:

۔'ای از همه برتری خدایی
وی در همه وهم جدایی'[5]

نسخه های خطی:

نسخه خطی شیر و شکر در کتاب خانه دانشگاه پنجاب به شماره ٤٧/ Pell/ ٨٢٩ نگهداری می شود و ١٣٤ برگ دارد[6]۔ این نسخه پسرِ مؤلف گلاب رای در ١٨٨٣ بکرمی

١۔ نبی هادی،ص١٥٥
٢۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان...ص٢٠١
٣۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...ج٤،ص٤٨
٤۔ همان
٥۔ همان
٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٦٠

نگاشته بود اما با بسیار عدم توجه نقل کرده است[1]. آغاز هم در فهرست مشترک منزوی با قدری تفاوت نقل شده است.

آثار دیگر مؤلف:

دیا رام شاعر بود و یکی دیوان شعر ازو هم یادگار است[2]. نسخه خطی دیوان وی در کتاب خانه دانشگاه پنجاب نگهداری می شود[3].

---

۱. ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج٤، ص٤٨

۲. نبی هادی، ص١٥٥

۳. استوری، ص٦٦٨

اشرف التواریخ از کشن دیال

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال کشن دیال اطلاع زیادی در دست نیست۔ درباره احوالِ وی آنچه که معلوم شده است بیش ازین نیست که وی از مردم دهلی بود و از قبیله کتریان(Khatrian) تعلق داشت[1]۔ کشن دیال در حیدر آباد دکن به سرپرستی راجه چندو لال شاداںٓ به سر برد[2]۔ در ۱۸۲٦م این کتاب را تالیف کرد و به چندو لال، پیشکار حیدرآباد، پیش کرد۔ مؤلف این کتاب را در مدتِ پنج سال به تکمیل رساند یعنی در ۱۸۲۱م نوشتنِ این کار را آغاز کرد و در ۱۸۲٦م مکمل کرد[3]۔ از باب ششم این کتاب گمان می شود که مؤلف خود در موسسه مالیات منشی بود چون درین باب مؤلف محاصل استان های هندوستان و ایران را تقابل نموده است[4]۔ از سال ولادت و مرگ مؤلف هیچ اطلاعی در دست نیست۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۸۲٦م/۴۲ـ۱۲٤۱هـ.ق[5] در مدتِ پنج سال تالیف شده بود[6] و کشن دیال این کتاب را به پیشکارِ حیدر آباد چندو لال شاداںٓ پیش کرده بود[7]۔

محتویاتِ کتاب:

اشرف التواریخ از کشن دیال دارندۀ ترجمه از نوشته های مذهبی هندووان چون مها بارت(Maha Bharat)، رامایـن و پران وغیره و احوال راجه های هندووان و مسلمانان تا زمانِ اکبر شاه دوم و تفصیل محاصلِ استان های هند و ایران است[8]۔ این کتاب در هفت

۱ـ ریو،ج۳،ص۱۰۲٦
۲ـ نبی هادی،ص۳۱۸
۳ـ الیوت،ج۸،ص ٤۱۱
٤ـ نبی هادی،ص۳۱۸
۵ـ ریو،ج۳،ص۱۰۲٦
٦ـ الیوت،ج۸، ص ٤۱۱
۷ـ استوری،ص٤۸۳
۸ـ مارشال،ص۲٦٤

باب نگاشته شده است۔ **باب یکم** دارندۂ نقلِ شیوا پران و احوال ده اوتاراست [۱]۔ **باب دوم** مشتمل بر ترجمه رامایِن است [۲]۔ **باب سوم** مشتمل بر ترجمۂ باگوات پران(Bhagwata Purana) است [۳]۔ **باب چهارم** دارندۂ احوالِ مردم های مقدسِ هندووان است [٤]۔ **باب پنجم** که مهم ترین بخشِ این کتاب است از نقلِ مهابارت آغاز شده است و ازین به بعد مؤلف راجه های هندووان که مخالف اسلام بودند، را ذکر نموده ، معرفی شاهان مسلمانان از محمود غزنوی تا اکبر شاه دوم بیان کرده است۔ در آخر این باب مؤلف تسلط انگلیسیان را هم ذکر کرده است [٥]۔ **باب ششم** در موردِ تقابلِ محاصلِ استان های هندوستان و ایران است [٦]۔ **باب هفتم** دارندۂ احوال هفت اقلیم های جهان، شهر های مهمی و عجایباتِ عالم است و بر احوال برهمنان و کتریان و قصیدۂ راجه چندو لال اختتام می پذیرد [۷]۔

سبکِ کتاب:

پرفسور داووسن در تاریخ الیوت گفته است که این کتاب، علاوه بر ترجمۂ کتاب های هندووان ، در سبك پر زینت نوشته شده است که نامعقول و بی اعتدال می نماید به طور مثال مؤلف درین کتاب قصیده غلو آمیز در تعریف اکبر شاه دوم نوشته است که به دستِ انگلیسیان بیش از لعبت نبود و هیچ اختیارِ نظامی و سیاسی علاوه بر قلعۂ خود نداشت [۸]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

'اشرف التواریخ' به این علت بسیار ارزش مند است که ترجمۂ چکیده رامایِن، مهابارت و چند پران است [۹]۔ اگرچه محتویاتِ این کتاب از تاریخ های مختلفه برده شده است اما هیچ جای مؤلف منابع خود را ذکر ننموده است [۱۰]۔

۱۔ الیوت،ج۸،ص ٤١٢
۲۔ استوری،ص ٤٨٣
۳۔ همان
٤۔ الیوت،ج۸،ص ٤١٢
٥۔ همان
٦۔ نبی هادی،ص ٣١٨
۷۔ الیوت،ج۸،ص ٤١٢
۸۔ همان
۹۔ همان، ص ٤١١
۱۰۔ همان

نسخه های خطی:

اگرچه نسخه ای که موردِ الیوت بود ۳۱۲۸ صفحه داشت [۱]، اما هیچ یك نسخهٔ کامل این کتاب معلوم نیست۔ الیوت دو نسخه این کتاب را ذکر کرده است که در تصرفِ خانواده مؤلف بود[۲]۔ فقط سه نسخه در کتاب خانه موزه بریتانیا موجود است که هیچ یك ازان کامل نیست و دارندهٔ چند برگ ازین تاریخ است۔ ازان میان نسخه به شماره Or. ۱۷٦۳ از برگ ٤۸ تا ۷۰ [۳]، به شماره Or. ۲۰۱٤ از برگ ۱٤۷ تا ۱۵۲ دارندهٔ احوال قبیله کتریان[٤] و به شماره Or. ۲۰۵۸ از برگ ٦٤ تا ٦۷ معرفی در موردِ این کتاب[۵] نگهداری می شود۔

۱۔ الیوت،ج۸،ص٤۱۲

۲۔ همان

۳۔ ریو،ج۳،ص۱۰۲٦

٤۔ همان،صص۱۰٤۱۔۱۰٤۲

۵۔ همان،ص۱۰۵۲

تاریخ جات های برتپور از فرانسیس گوتلیب

شرحِ احوالِ مؤلف:

فرانسیس گوتلیب(Francis Gottlieb) درباره خود اطلاع می دهد که اویکی مرد آلمانی بود و در لهستان(Poland) چشم به جهان گشود و در هندوستان تعلیم یافت [۱]۔ استوری اشتباه کرده است که فرانسیس گوتلیب همان شاعرِ فارسی و اردو است که به نام 'فراسو' معروف است[۲]۔

دکتر سید عبدالله در مجله دانشکده خاور شناسی در میی ۱۹٤٤م مقاله ای به نام "اردو کا جرمن شاعر 'فراسو' اور اس کی تصنیفات" نوشته است[۳] و دران مقاله در موردِ نام 'فراسو' از منابع مختلف بحث کرده است۔ از منابع دکتر سید عبدالله، هیچ کس او را فرانسیس گوتلیب ننوشته است اما هر کس نزدیك تر از 'گوتلیب' نوشته است۔ اسپرنگر او را 'فراسو اکدین' پسرِ 'کوست(Gobinet)' نوشته است[٤] که شاید در 'گوتلیب' اشتباه کرده بود۔ علاوه برین ریو هم نام او از نسخهٔ خطی در فارسی 'فراسو کوتلیب' نوشته است[٥] که ازین چیزی این قیاس قوی تر می شود که 'فراسو' و'فرانسو'همین فرانسیس گوتلیب است۔

استوری هم فراسو را ذکر کرده وی را شاعر فارسی و اردو و نویسنده مثنوی 'فتح نامه انگریز' یا 'ظفر الظفر' در موردِ جنگ آزادی هند ۱۸۵۷م[٦] نگاشته است۔ پدر وی به عمر شانزده یا هفده از لهستان به هندوستان آمد و زنِ فرانسوی گرفت که ازو فراسو در ۱۵مارس۱۷۷۷م در شاه جهان آباد به دنیا آمد[۷]۔ فراسو در فوج رانی سامرو سرهنگ شده

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۰۵/استوری،ص٦۹۰

۲۔ استوری،ص٦۹۰

۳۔ همان،ص۱۳۲۲

٤۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۲۲۷

٥۔ ریو،ج۱،ص۳۰٥

٦۔ استوری،ص٦٤۷

۷۔ همان،ص۱۳۲۳

و بعد از وفاتِ رانی مذکور در ۱۸۳٦م فراسو به 'هرچندپور' رفت و از جنگ آزادی هند بسیار متاثر گشت[۱]۔ فراسو در ژولایی ۱۸٦۱م فوت شد[۲]۔

سال تالیف:

این اثر بعد از ۱۸۲٦م نوشته شده باشد، چون آخرین واقعه که درین تاریخ ذکر شده در همان سال پیش افتاد۔

سبب تالیف:

فرانسیس گوتلیب این تاریخ را برای میجر ابراهام لوکات(Major Abraham Lockett) نوشته بود[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارندهٔ تاریخِ جات های برتپور(Bharatpur) از آغاز تا ۱۸۲٦م است[٤]۔ به مطابق ریو این کتاب از مقدمه آغاز می شود که در بیانِ نجوم و مذهبِ هندووان و نسب نامهٔ شاهان قدیم است۔ تاریخِ اصلی از بیانِ موسسِ خانوادهٔ برتپور، بده سینگ، آغاز می شود که از اسیریِ محکم سینگ پسر چورامن، عموزادهٔ خود، فرار نموده به جی سینگ سوای رفته بود، از جی سینگ سوای علاقه 'ماتورا بندراین'(Mathura Bandrain) حاصل کرد و قلعه 'دیگ'(Dig) را تعمیر کرده لقب راجه اختیار کرد، بیست سال حکومت کرد و چون نابینا گشته، برای پسرِ خود سورج مل از حکومت دستبردار شد و بیست سال بعد فوت شد[٥]۔

ازین به بعد تاریخ جانشینانِ بده سینگ آغاز می شود که مشتمل بر احوال سورج مل، جواهر سینگ، رتن سینگ، گوهر سینگ، رنجیت سینگ، راندر سینگ، بلدیو

۱۔ استوری،ص۱۳۲۳

۲۔ همان

۳۔ ریو،ج۱،ص۳۰٥

٤۔ همان

٥۔ همان،صص۳۰٥۔۳۰٦

سینگ(Baldiv Singh)، بلونت سینگ(Balwant Singh)، غصب دُرجا سال و مادو سینگ(Madhu Singh) است۔این تاریخ بر محاصره برتپور از لُرد کومبر میر(Lord.Combermere) و به حالی بلونت سینگ در ۱۸۲٦م اختتام می پذیرد[۱]۔

منابع تاریخ جات ها:

فرانسیس گوتلیب این اثر را از منابع هندی تالیف کرده است[۲]۔

ارزش ادبی و تاریخی:

این کتاب ازین رو بسیار ارزش مند است که یکی مردِ آلمانی این کتاب را در تاریخ جات های برتپور پرداخته بود۔ افزون بر تاریخ مؤلف در مقدمه این کتاب در مورد علم نجوم و شاهان قدیم هندوستان هم معرفی داده است۔

آغاز:

'به هر کاری که همت بسته گردد ......حمد وافر و ثنای متکاثر ....'[۳]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۱۹۵۰۱ نگهداری می شود و دارندۀ ٦٦ برگِ پانزده سطری است[٤]۔

۱۔ ریو،ج۱،ص٣٠٦

۲۔ همان،ص٣٠٥

۳۔ همان

٤۔ همان

تاریخ برتپور از آنند رای

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال آنند رای مؤلف تاریخ برتپور(Bharatpur) اطلاعی زیاد در دست نیست۔ آنچه که درباره وی معلوم شده است بسیار ازین نیست که او کتابی به نام'تاریخ برتپور' در موردِ راجه های جات و قلعه برتپور تا تسلطِ انگلیسیان برین دیار، تالیف کرده بود که در جنوبِ راجستان واقع است[۱]۔

سال تالیف:

چون این اثر دارندۀ احوال تا ١٨٢٦م است، این کتاب حتماً بعد از ١٨٢٦م نوشته شده باشد۔ البته نبی هادی سال تالیف این کتاب ١٢٤٢ه.ق/١٨٢٦م بیان کرده است[۲]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب تاریخ مختصر برتپور است و دارندۀ احوال یورشِ لُرد کامبرمییر(Lord Combermere) بر برتپور در ١٨٢٦م و تاریخ راجه های جاتِ آن دیار است۔ این تاریخ از ذکر چورامن جات آغاز می شود که زمیندار(گشاورز) قوم جات بود و بارها به لشکر اورنگزیب عالمگیر حمله کرده بود و در سال ١١١٨ه.ق/١٧٠٦م نزدِ اکبرآباد قلعه ای به نام 'بارتپور'(Bharat Pur) بنا نهاد [۳]۔ بعد از چورامن جات فرزندِ او راجه سورج مل پسر بادل سینگ این قلعه را مزید مستحکم ساخت و سه قلعۀ دیگر هم بنا ساخته بود [٤]۔ بعد ازان احوال چند راجه های هندو ازان میان جواهر سینگ، رتن سینگ، نول(Nawal)سینگ، رنجیت سینگ که هجده سال حکومت کرد و ژانرال لیك(Gen.Lake)

۱۔ نبی هادی،ص٨١

۲۔ همان

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٢٩

٤۔ همان

را هم شکست داده بود، راندر(Randhar)سینگ، بلدیو(Baldev)سینگ و بلونت(Balwant)سینگ بیان شده است[1]۔ افزون بران این تاریخ دارندۂ احوال تصرف لُرد کامبرمییر و باز به تخت رسیدن راجه بلونت سینگ در ۱۸۲٦م است[2]۔

سبکِ کتاب:

چون متن کامل تاریخ برتپور از آنند رای به صورت چاپی یا خطی در دسترس نگارنده نیست، از اظهارِ نظر در موردِ سبکِ این کتاب قاصر است۔ البته از آغاز این کتاب که مولوی عبدالمقتدر در فهرستِ کتاب خانۂ خدا بخش نقل کرده است و به روشِ آن دوره و ضخامتِ این کتاب، می توان گفت که این اثر در سبك ساده و متین و خالی از تکلف نوشته شده باشد۔ ولی رد یا قبول این امر منحصر به اسناد دیگر است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

از لحاظِ تاریخی این اثر خیلی ارزش مند است که در موردِ تاریخ جات های پنجاب برتپور است۔علاوه بر تاریخ جات های آنجا، این کتاب دارندۂ احوال به تصرف آوردنِ قلعه برتپور به دستِ لُرد کامبرمییر است۔اگرچه آنند رای مردِ هندو بود اما آغاز این کتاب با نام خداوند قدیر کرده است۔ حالان که راجه های برتپور که درذکرِ ایشان این کتاب نوشته شده بود، هندو بودند ولی روشِ تاریخ نویسانِ هندووانِ آن زمان، به زبان فارسی همین بود۔

آغاز:

'رسمیست قدیم و عادتیست مستقیم که حکمت بالغه قادر کارساز تعالیٰ شانه و جل جلاله...'[3]

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۲۹

۲۔ همان،ص۱۳۰

۳۔ همان،ص۱۲۹

احمد منزوی در فهرستوارۀ کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۱٦٤ ،در بیان تاریخ برتپور از آنند رای با کتابی دیگر که نیز به نام 'تاریخ برتپور' معروف است و نویسندۀ آن نامعلوم است(ببین در تاریخ بی نام نویسنده در همین مقاله)، اشتباه کرده است ۔ نسخه خطی آن تاریخ برتپورِ بی نام نویسنده، در کتاب خانه موزه بریتانیابه شماره Or. ۱۸٦۲ نگهداری می شود۔آغازِ آن کتاب ازین هم مختلف است؛ "از آنجا که به میامن اقدس ذات ستوده صفات..."(۱)

منزوی هم در فهرستواره کتاب های فارسی همین آغازِ نسخه موزه بریتانیا نقل کرده است که غلط است۔ چون نسخه موزه بریتانیا که بی نام نویسنده است از روانگی لرد لیك(Lord Lake) از برتپور آغاز شده به یورش لرد کامبر میبر(Lord Combermere) و تاج گزاری بلونت سینگ در ژانوری۱۸۲۷م به انجام می رسد (۲)۔ این هر دو اثر باهم تفاوت دارد و نباید که یکی به شمار می آید۔

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه خدابخش بانکیپور،پتنه دارنده ٤۰ برگ وکتاب خانه اندیا آفیس موجود است(۳)۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۵۸

۲۔ همان

۳۔ استوری،ص٦۹۰

تاریخ فرخ آباد از محمد ولی الله فرخ آبادی

شرحِ احوالِ مؤلف:

سید محمد ولی الله پسر سید احمد علی فرخ آبادی[۱] در ۱۱٦٥ هـ.ق/ ۵۲_۱۷۵۱ م در 'ساندی' متولد شد[۲]_ ساندی روستایی کوچك در شهرستان خیرآباد در اوده واقع است[۳]_ در نُه سالگی محمد ولی الله با پدرش در فرخ آباد آمده و همانجا تحصیلات فرا گرفت[٤]_ به مطابق نبی هادی او در قنوج رشد و نمو یافت و آنجا استادش شیخ عبدالباسط پسر روشن علی بود و بعد ازان به مکه رفت و آنجا در درس های علمای بزرگ حصول علم و معرفت کرد[٥]_ شش سال درآن بلاد مانده در ۱۱۹٦ هـ.ق باز به فرخ آباد آمد و همانجا اقامت گزید[٦]_ محمد ولی الله در فرخ آباد یکی مدرسه را بنا نهاد و زندگانی ماندۀ خود را در همان مدرسه در درس و تدریس صرف نمود[۷]_ در اواخر زندگانی خود وی این کتاب را تالیف کرد چون وقتی که وی این کتاب را تالیف کرد عمرش تقریباً هشتاد سال بود[۸]_ محمد ولی الله فرخ آبادی در ۱۲٤۹ هـ.ق/ ٤_۱۸۳۳ م فوت کرد[۹]_

سال تالیف:

'تاریخ فرخ آباد' از محمد ولی الله در ۱۲٤۳ هـ.ق/ ۱۸۲۷ م نوشته شده بود[۱۰]_

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارندۀ تاریخ فرخ آباد و حکمران های قبیلۀ بنگشِ آنجا است که از بنیان گزاری فرخ آباد در ۱۱۲٦ هـ.ق/ ۱۷۱٤ م آغاز شده تا ۱۲٤۳ هـ.ق/ ۸_۱۸۲۷ م می رسد[۱۱]_

۱_ ریو، ج۳، ص۹٥۹
۲_ استوری، ص۲٥
۳_ نبی هادی، ص٤۲۲
٤_ ریو، ج۳، ص۹٥۹
٥_ نبی هادی، ص٤۲۲
٦_ ریو، ج۳، ص۹٥۹
۷_ نبی هادی، ص٤۲۲
۸_ ریو، ج۳، ص۹٥۹/ مارشال، ص۳٤٤
۹_ استوری، صص ۲٥/ ٦۹٤
۱۰_ نبی هادی، ص٤۲۳
۱۱_ استوری، ص٦۹٤

این کتاب مشتمل بر یك مقدمه و دو قسم است ـ قسم اول شش و قسم دوم پنج مقاله دارد ـ تفصیل این کتاب به مطابق ریو چنین است: **مقدمه** دارندۀ بنیان گزاری فرخ آباد در ١١٢٦ هـ.ق و تاریخ افغانان و قبیله های مختلفه آن به ویژه بنگش ها است ـ **قسم یکم** بر شش مقالۀ زیر قرار منقسم است؛١. زندگینامۀ محمد خان بهادر غضنفرجنگ بنگش که در ١١٥٦ هـ.ق فوت شد و احوالِ امیرانِ معاصرِ او ـ ٢. زندگینامۀ محمد قایم خان قایم جنگ که در ١١٦١ هـ.ق فوت شد ـ ٣. زندگینامۀ محمد احمد خان غالب جنگ که برادر قایم خان بوده و در ١١٨٥ هـ.ق فوت شد، با احوال امیران معاصر او ـ ٤. زندگینامۀ دلیر همت خان مظفر جنگ پسر احمد خان که در ١٢٠١ هـ.ق فوت شد ـ ٥. زندگینامۀ عماد حسین خان نصیر جنگ پسر دلیر همت خان که در ١٢٢٨ هـ.ق فوت شد ـ ٦. زندگینامۀ خادم حسین خان شوکت جنگ پسر عماد حسین خان متوفی١٢٣٨ هـ.ق و پسرش تجمل حسین خان که در ١٢٣٧ هـ.ق زاده شده بود ـ **قسم دوم** در پنج مقاله نوشته شده است و دارندۀ احوال مردم های معروف که در فرخ آباد آمدند یا ازین جا گزر کردند، به زیر قرار است؛ ١. پادشاهان و امیران، ٢. پیران و فقیران، ٣. علما و پزشکان، ٤. سرایندگان و خوشنویسان به ترتیب الفبای، ٥. زندگینامه خود مؤلف[1] ـ

سبكِ کتاب:

به علت عدم دسترسی به متن کتاب قضاوت حتمی در موردِ سبكِ این کتاب امکان پذیر نیست ـ البته به روش آن دوره معلوم می شود که این تاریخ در سبك ساده و روان نوشته شده باشد ـ ولی رد یا قبول این امر منحصر به پیدا شدن اسناد دیگر است ـ

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب در موردِ تاریخ فرخ آباد تالیف عالی به شمار می آید ـ تاریخ فرخ آباد

---

١ ـ ریو،ج٣،ص٩٦٠

دارندۀ تاریخ صد و هفده سال از بنیان گزاری فرخ آباد تا وقت تالیف این کتاب است۔ ازین رو این کتاب بسیار ارزش مند است که مؤلف درین کتاب نه تنها تاریخ حکمران های بنگش فرخ آباد را ذکر کرده است بلکه ذکر پادشاهان و امیران و مشایخ و علما و حکما و شعرا وغیره هم بیان نموده است که در فرخ آباد آمدند۔ علاوه برین در آخر کتاب مؤلف احوال خودش را بیان کرده است وگرنه در تاریخ های دورۀ تیموریانِ متاخر دیده می شود که بسیاری مؤلفین در مقدمۀ کتاب فقط سبب تالیف کتاب بیان نمودند و از آن مقدمه در موردِ زندگینامۀ ایشان هیچ چیزی یافته نمی شود۔

آغاز:

۔'ای نام تو تاج فرق آغاز
وز نام تو نامه ها سرفراز' [۱]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا، انجمن آسیای بنگال، علی گره، کتاب خانه شاهی کلکته و اندیا آفیس موجود است۔برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به مارشال،ص٣٤٤/ استوری،ص٦٩٤۔ در پاکستان نسخۀ خطی این کتاب به کتاب خانه پرفسور محمد ایوب قادری هم موجود است اما آغاز این نسخه افتاده است[۲]۔

تراجم و چاپ:

ترجمه اردویی تاریخ فرخ آباد از سوی حکیم شریف الزمان اکبرآبادی و به کوشش و تدوین محمد ایوب قادری در کراچی در ١٣٨٥ ه.ق چاپ شده است[۳]۔

آثار دیگر مولف:

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص٥٦١

۲۔ همان

۳۔ همان

علاوه بر تاریخ فرخ آباد محمد ولی الله خان یکی تفسیر قرآن به نام '**نظم الجواهر و نقد الفرایض**' هم نوشته است [1]۔ محمد ولی الله فرخ آبادی این اثر را در ۱۲۳۳هـ.ق آغاز کرد و در ۱۲٤۲هـ.ق به تکمیل رساند[2]۔ نبی هادی از و یکی '**تقویم**' در مورد علم نجوم هم ذکر کرده است[3]۔

۱۔ استوری،ص۲۵

۲۔ همان

۳۔ نبی هادی،ص٤۲۳

تاریخ سورت/وقایع سورت[۱] از رنچور جی

شرح احوالِ مؤلف:

رنچور جی(Ranchor Ji) پسر امر جی دیوان[۲] در ۱۷۶۷ م/۱۸۲٤ بکرمی متولد گردید[۳] و در خانوادۂ اثر مند و پُر دانش در جونا گره (Junagarh) گجرات پرورش یافت۔ بعد از مرگ پدر، برادرش رگونات جی(Ragu Nath Ji) به جای پدر 'دیوان' شده اما در ۱۸۱۹ م رگونات جی هم فوت شد[٤] و رنچور جی برمنصب دیوان متمکن گشت[۵]۔ مانند پدر و برادرش رنچورجی هم در جنگ های جوناگره و ریاست های همسایه کارهای نمایان پرداخت[٦] و نزد نواب جوناگره و خانواده اش قدر و منزلت یافت[۷]۔ از تاریخ مرگ رنچورجی اطلاعِ دقیق در دست نیست البته این قدر مسلم است که تا سال ۱۸۳۰ م حیات داشته باشد که آن سال این تاریخ را تالیف کرده بود۔

سال تالیف:

رنچور جی وقایع سورت را در ۱٦ ذوالحجه ۱۲٤۵ ھ.ق/۹ ژوئن ۱۸۳۰م به تکمیل رساند[۸]۔

سبب تالیف:

رنچور جی پسر امر جی این کتاب را برای پسرِ خود شنکر پرشاد تالیف کرده بود[۹]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارندۂ تاریخ استان سورت است[۱۰]۔ مؤلف درین کتاب تاریخ پادشاهان

۱۔ استوری،ص۷۳۱

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰٤۱

۳۔ استوری،ص۷۳۱ ٤۔ همان

۵۔ نبی هادی،ص۵۰۵ ٦۔ استوری،ص۷۳۱

۷۔ ربیعیان،محمدرضا،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۲،ص۱۲۸۱

۸۔ استوری،ص۷۳۱

۹۔ محمداشرف الحق،هرمان اته و ایدورد رابرتسن،فهرست دانشگاه ایدنبرگ،ص۲۰۰

۱۰۔ ریو،ج۳،ص۱۰٤۱

سواراشترا یعنی سورت واقع در کاتیاوار(Kathiawarr)(واضح شود که بندرِ سورت جای دیگر است،این سورتِ کاتیاوار است) بیان نموده است۔ رنچور جی درین کتاب وقایع تاریخی جوناگره و نوانگره را به ویژه بیان کرده است[1]۔ مؤلف نه تنها تاریخ معاصر را بیان نموده بلکه تاریخ کهنه آن دیار را هم به طریق اجمال ذکر کرده است[۲]۔

سبکِ کتاب:

به علت عدم دسترسی به متن کتاب، قضاوت حتمی در موردِ سبکِ این کتاب برای نگارنده این سطور امکان پذیر نیست۔ البته این قدر معلوم شده است که مؤلف درین کتاب سال های هندی به کار برده است۔ ازین چیز می توان حدس زد که وی درین کتاب واژه های محلی هم به کار برده باشد۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

یکی از خصایص این تالیف اینست که این کتاب بر موضوع تاریخ محلی نوشته شده است و یکی از تواریخِ معتبرِ جوناگره به شمارمی رود۔ چون مولف این کتاب از دربار وابسته بود و با اخبار جاریه مطلع بود و خود در جنگ های جوناگره با ریاست های دیگر، شرکت کرد؛ به این دلیل ارزش این کتاب فراوان می شود۔

آغاز:

'ذکرِ آن سلطان السلاطین از حوصلۀ تقریر دور و به وصف آن خاقان الخواقین...' [۳]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی از کتابِ مذکور در کتاب خانه دانشگاه ایدنبرگ، کتاب خانه موزه بریتانیا و کتابخانه اندیا آفیس نگهداری می شود۔ برای تفصیل این نسخه هامراجع شود به

۱۔ استوری،ص ۷۳۱

۲۔ همان

۳۔ فیضی،ص۲۵

مارشال،ص٤١٢ـبرای نسخه هایش موجود در پاکستان فهرست مشترك منزوی،ج١٢، ص١٨٧١ـ

دستنویس موزهٔ بریتانیا کامل نیست و بر شماره١٩٨٦ .Or برگ ٢ تا٩٦ موجود است[١]ـ

این نسخه دارندهٔ فقط هفت برگ است و آن مشتمل بر چکیده ای در مورد جوناگره و نوانگره است و آخرین تاریخ که دران نسخه دیده می شود،١٨٨١ بکرمی/١٨٢٤م است[٢]ـ نسخهٔ دانشگاهِ ایدنبرگ ١٠٥ برگِ چهارده سطری دارد[٣]ـ

تراجم و چاپ:

ترجمه انگلیسی وقایع سورت از ای ـرهاتسك(E.Rehatsek) که برآن کولونل دبلیو واتسن(Col.J.W.Watson) تجدیدِ نظر کرده با تعارف و تدوین مستر برگیس (J.Burgess)، به نامِ (Tarikh-i-Sorath, a history of the provinces of Sorath & Halar in Kathiawad.)در ١٨٨٢ م در بمئی به چاپ رسیده است[٤]ـ

رهاتسك اینجا یکی ترجمهٔ این کتاب به زبانِ گجراتی از مانی شنکر جاتاشنکر موجامندر Mani-Shankar Jata Shankar Mojamundarرا هم ذکر کرده است[٥]ـ

١ـ ریو،ج٣،ص١٠٤١

٢ـ همان

٣ـ محمداشرف الحق،هرمان اته و ایدورد رابرتسن،فهرست دانشگاه ایدنبرگ،ص٢٠٠

٤ـ استوری،ص٧٣٢

٥ـ همان

حشمت کشمیر از عبدالقادر خان جایسی

شرحِ احوالِ مؤلف:

برای شرح احوال عبدالقادر خان ر.ك: 'تاریخ عماد الملك' ص۵۰۱ در همین مقاله۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۲٤۵ھ.ق/۱۸۳۰م در بنارس نوشته شده بود [۱]۔ مؤلف این کتاب را به حشمت الدوله ویلیام آگستوس بروك (William Augustus Brooke) نماینده شرکت هند شرق در بنارس معنون کرده بود[۲]۔

محتویاتِ کتاب:

عبدالقادر خان جایسی حشمت کشمیر را در چهار چمن و یك خاتمه نگاشته است۔ به مطابق دکتر ظهور الدین احمد؛ **چمن اول:** بیان حالات کشمیر و جزوی عجایباتش و ملك هندوستان که در جنوبش واقع است، **چمن دوم:** بیان احوال ملك تبت و قلماقستان که جانب مشرق کشمیر است، **چمن سوم:** بیان حالات ممالك بدخشان که جانب شمال کشمیر است، **چمن چهارم:** بیان کوهستان افغانستان مشهور به پگلی،غور،غزنین و کوه سلیمان که جانب غرب کشمیر است و در **خاتمه** مؤلف هندو راجگان و روزگارِ شرکت هند شرق بیان کرده است[۳]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

چمن اولِ این کتاب از 'گوهر عالم تحفة للشاه' تالیف بدیع الدین ابوالقاسم محمد اسلم منعمیؒ نوشته ۱۱۹۰ھ.ق، برده شده است [٤]۔ مولف دران کتاب اضافه نموده

۱۔ استوری،ص٦٨٥

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱٦

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤،ص۲۷۷

٤۔ همان

'حشمتِ کشمیر' را تالیف کرد[۱]۔ مؤلف در تالیف محمد اسلم منعمیّ اضافه کرده درین کتاب تاریخِ تبت، بدخشان، افغانستان وغیره را هم بیان نموده است که در تاریخ های شبه قاره بسیار کم دیده می شود۔ علاوه برین حشمتِ کشمیر ازین رو هم خیلی ارزش مند است که عبدالقادر جایسیّ در خاتمه کتاب احوالِ راجه های هندو و روزگارِ شرکت هندِ شرق هم پرداخته است۔

آغاز:

'بعد حمد خالق لطیف الخبیر که جماعه انبیا ....'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی حشمت کشمیر در کتابخانه موزه بریتانیا، کتاب خانه انجمن آسیای بنگال در گنجینۀ کرزن و دانشگاه فیلادلفیا موجود است[۳]۔

در پاکستان نسخۀ خطی این کتاب که منحصر به فرد است در دانشگاه پنجاب لاهور، مجموعه شیرانی به شماره ١٦٣٣/٤٦٨٣ موجود است[٤]۔

تراجم و چاپ:

حشمت کشمیر در ١٨٣٢م در کلکته به چاپ رسیده است[٥]۔

۱۔ ریو، ج۳، ص١٠١٦

۲۔ همان

۳۔ مارشال، ص٢٠/ استوری، ص٦٨٥

٤۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج١٠، ص٥٦٩

٥۔ استوری، ص٦٨٥/ مارشال، ص٢٠

گلِ رحمت از نواب سعادت یار خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

نواب محمد سعادت یار خان پسرِ حافظ محمد یار خان[(۱)] از بریلی تعلق داشت و نبیرهٔ سردارِ روهیله حافظ رحمت خان بود[(۲)]۔ عمواش نواب مستجاب خان نویسندهٔ تاریخِ حافظ رحمت خان به نامِ 'گلستانِ رحمت' یکی از تاریخ نویسانِ معروفِ دورهٔ تیموریانِ متاخر است[(۳)]۔ نواب سعادت یار خان خود کتابی دیگر در موردِ افغانان هم نگاشته است[(٤)] و دران کتاب نسبِ افغانان را از یهودیان بیان کرده است[(٥)]۔

سال تالیف:

در دیباچه تاریخِ تالیف این کتاب ۱۲٤۹ ه.ق/۱۸۳۳ م داده شده[(٦)]۔

محتویاتِ کتاب:

'گلِ رحمت' دراصل شرحِ 'گلستانِ رحمت' از مستجاب خان است[(۷)]۔ این کتاب در چهار 'رنگ' یعنی چهار فصل منقسم است۔ به مطابق مولوی عبدالمقتدر تفصیلِ آن فصل ها چنین است؛ **رنگِ اول** در بیانِ نسب نامهٔ رحمت خان و احوالِ نیایش، **رنگِ دوم** در موردِ علی محمد خان و ورودِ حافظ رحمت خان به هندوستان، **رنگ سوم** در بیانِ تاریخ نظامتِ حافظ رحمت خان در کطهیر (Kuthair)[(۸)] و وقایع روزگارش تا وفاتِ او، **رنگ چهارم** در بارهٔ نظامتِ شجاع الدوله در کُطهیر و احوالِ فرزندانِ حافظ رحمت خان[(۹)]۔

مآخذ ومنابع:

۱۔ استوری، ص٦۹۷

۲۔ پالمر، فهرست کتابخانه دانشکده ترینیتی، کامبریج، ص۱٥۷

۳۔ نبی هادی، ص٤٤۳

٤۔ مارشال، ص٤۲۱

٥۔ پالمر، فهرست کتابخانه دانشکده ترینیتی، کامبریج، ص۱٥۷

٦۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص۱۳۱

۷۔ استوری، ص٦۹۷

۸۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص۱۳۱

۹۔ همان، صص۱۳۱۔۱۳۲

نواب سعادت یار خان در تدوینِ این کتاب از 'گلستانِ رحمت' نواب مستجاب خان بهره برده است[۱]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه گلِ رحمت و گلستانِ رحمت باهم مماثلت دارد و هر دو تاریخِ حافظ الملك رحمت خان روهیله است، اما گلِ رحمت بسیار مفصل از آنِ گلستانِ رحمت است۔ پرفسور داووسن در History of India as told by its own Historians، ج۸ در معرفیِ 'گلستانِ رحمت' از نواب مستجاب خان ستایش کرده در موردِ 'گلِ رحمت' می گوید ''من بسیاری تواریخِ روهیلیان دیده ام اما هیچ یك علاوه بر 'گلِ رحمت' برتر ازین نیست''[۲]۔

آغاز:

'ستایشی که شایان شان الوهیت است سزاوار نثار بارگاه ....'[۳]

اما ریو آغازِ این کتاب چنین بیان نموده است: ''حمدِ بی حد خالقی را ست که خلعتِ خلافت ....'[٤]

این آغازِ فهرست موزه بریتانیا اصلاً آغازِ کتابی دیگر به نامِ 'بنیادِ افغانان' از همین مؤلف است که مؤلف در موردِ یهودی نسب بودنِ افغانان پرداخته بود[٥]۔ شاید ریو اینجا اشتباه کرده این را 'گلِ رحمت' نوشته است۔ آغازِ کاملِ 'بنیادِ افغانان' در فهرستِ پالمر چنین داده شده است: ''حمدِ بی حد خالقی را ست که خلعتِ خلافت روی زمین را بر قامت با کرامت آدم و بنی آدم کما قال انی جاعل فی الارض خلیفة قطع فرموده ....''[٦]

اما پالمر نامِ این کتاب بیان نکرده است۔ اینجا بنیادِ افغانان از (Origion of Afghan) ترجمه است۔منزوی هم در فهرستواره کتاب های فارسی،در موردِ گل رحمت، آغازِ همان

۱۔ الیوت،ج۸،ص۳۰۲
۲۔ همان،ص۳۰۱
۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۳۱
٤۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵۲
٥۔ پالمر،فهرست کتابخانه دانشکده ترینیتی،کامبریج،ص۱۵۷
٦۔ همان

فهرستِ موزه بریتانیای داده است[۱]۔

نسخه های خطی:

نسخه های خطی گلِ رحمت در کتابخانه موزه بریتانیا، بانکی پور و اندیا آفیس موجود است۔ برای تفصیلِ این نسخه ها و دیگر مراجع شود به مارشال، ص٤٢١۔

تراجم و چاپ:

این اثر در ۱۸۳٦ م در آگره به نامِ 'ذکرِ حافظ رحمت خان' چاپ شده است[۲]۔

بخشی ازین کتاب به توسطِ الیوت در جلدِ هشتم ترجمه شده است۔

آثار دیگر مؤلف:

'رساله بنیاد افغانان':

در موردِ یهودی نسب بودنِ افغانان نوشته است و نسخه خطی این اثر در کتاب خانۀ دانشکده ترینیتی، کامبریج(Library of Tirnity College, Cambridge) موجود است[۳]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۳۲۲

۲۔ استوری،ص٦٩٧

۳۔ پالمر،فهرست کتابخانه دانشکده ترینیتی،کامبریج،ص۱۵۷

یادگار بهادری از بهادر سینگ

شرحِ احوالِ مؤلف:

بهادر سینگ پسر هزاری مل پسر لچمی چند(Lachmi Chand)[۱] مؤلف یادگارِ بهادری است۔ وی از قبیله بتناگرِ کایسته(Bhatnagar Kayasth) بود و در شاهجهان آباد زندگی می کرد[۲]۔ از احوال زندگی وی اطلاع زیادی در دست نیست۔ خود در مقدمه هم در موردِ خود خیلی کم ذکر کرده است۔ آنجا می گوید که وی در ۱۲۳۲هـ.ق در زمان غازی الدین حیدر به حالتِ پریشانی از دهلی به لکنو آمد[۳]۔ در لکنو بهادر سینگ بسیار کتاب های فارسی و هندی را خواندکه دارندۂ احوال شاهان و امیران و وزرا و مشاهیر و فلاسفه بود۔ به خواندن این کتاب ها مؤلف اراده کرد که تاریخی مشتمل بر همه موارد باید نوشت که برای مردم این زمان مثال می باشد[٤]۔

سال تالیف:

یادگار بهادری به یکم رمضان ۱۲٤۹هـ.ق/ ٤_۱۸۳۳ م نوشته شده بود[٥]۔

محتویاتِ کتاب:

یادگار بهادری یك گونه دانشنامه است که در چهار 'سانحه' منقسم است و هر سانحه در چند 'داستان' در ذکرِ زندگی نامه، جغرافیه، فنون و تاریخ بیان شده است۔ الیوت ترتیبِ این کتاب چنین بیان نموده است؛ **سانحه اول**: دارندۂ تاریخ پیامبران از آدمؑ تا محمد صلی الله علیه و آله وسلم[٦]، **سانحه دوم**: منقسم در هفت داستان در بیانِ؛ ۱۔ خلفای

۱۔ استوری،ص۱٤۹
۲۔ ریو،ج۳،ص۸۹۷
۳۔ الیوت،ج۸،ص٤۱۷
٤۔ همان
٥۔ ریو،ج۳،۸۹۷/ الیوت،ج۸،ص٤۱۷
٦۔ الیوت،ج۸،ص٤۱۸

نخستین، ۲ـ دوازده امامؑ، ۳ـ امویان، ٤ـ عباسیان، ٥ـ اسماعیلیان، ٦ـ سادات، ۷ـ شریفان مکه ومدینه[1]، **سانحه سوم:** این سانحه هم در هفت داستان تقسیم شده است که موردِ آن زیر قرار است؛ ۱ـ فلاسفۀ یونان، اروپا(به شمول کولمبس و کوپرنیکس)، هندوستان ، ایران و دیگران، ۲ـ صحابه کرامؓ، ۳ـ تابعین و تبع تابعین، ٤ـ مشایخ در چهار باب یعنی سُنّی، شیعه، صوفیان ایران(بیشتر از نفحات الانس گرفته شده) و پیشوایان و پیروانِ مذهب هندو و مسلك های ایشان، ٥ـ طبیب های مسلمانان[2]، ٦ـ در موردِ شاعران معروف وچیزی دیگر که این داستان را در بیست باب تقسیم کرده به عنوان شاعران عرب، ایران، انواع خط، شاعران هند[3]، قواعد سخنوری، قیافه شناسی یا فراست،تعبیر خواب، هنر حبس نفس جوگیان هندو، ستاره شناسی، موسیقی هندووان، گشاورزی که بهترین از همه فنون است، معماری، آهنگری، نجاری، تجارت، نقاشی، طلسم، سحر، صنایع دستی و پختن، ضرب المثل گفته های دانشوران،۷ـ مشاهیر اسلام [4]ـ **سانحه چهارم:** مشتمل بر یك مقدمه و هشت داستان است. الیوت در موردِ این با تفصیل ذکر نکرده است اما ریو تفصیل این سانحه چنین داده است: **مقدمه** در بیان هفت اقلیم و کشور و شهرهای مسلمان ها و اروپا و هندوستان است. آخرین فصل این مقدمه دارندۀ ذکرِ استان های هندوستان ازان میان آگره، اوده، دولت آباد، خاندیس، برار، مالوه، اجمیر، گجرات، تته، مولتان، کابل، قندهار، کشمیر، اله آباد، بنگال و اوریسه و جزیره های جهان به شمول انگلستان و آمریکه است؛ داستان(۱) در موردِ شاهان ایران ازان میان شاهان باستان، شاهان سیستان، صفاریان، طاهریان، دیلمیان، غزنویان، سلجوقیانِ ایران و کرمان، اتابکانِ آذربایجان و فارس و لرستان، غوریان، قراختاییان کرمان، ایلخانیان، کرت ها، سربدر ها، انجو ها، مظفریان، تیمور و جانشینانش،

۱ـ الیوت،ج۸،صص٤۱۸ـ٤۱۹

۲ـ ریو،ج۳،ص۸۹۸ این جا 'علمای اسلام به ترتیب زمان' نگاشته است.

۳ـ ریو،ج۳،ص۸۹۸ اینجا 'شاعران ریخته' نوشته است.

٤ـ الیوت،ج۸،صص٤۱۸ـ٤۱۹ (ریو،ج۳، ص۸۹۸ این جا تفصیل داده است که این ذکرِ آن مشاهیر است که در موارد بالا پرداخته نشده بودند)

شروان و داغستان، ذوالقدر، قراقونلو و آق قونلو، صفویان، خلجیان، افشاریان یعنی از نادر شاه و جانشینانش تا کریم خان، ابدالیان تا کامران شاه، زند ها و قاچاریان تا فتح علی شاه۔ (۲) سلاطین عرب و بابل و آشوریان، حماریان، غسانیان، ابی سینیان، کرامتی ها، ایوبیان یمن، همدانیان۔(۳) شاهان یونان و روم، سلجوقیان روم و عثمانیان۔(٤) شاهان مصر و شام، فراعین و شاهان اسراییل، سلجوقیان و اتابکانِ شام، ایوبیان و مملوک۔ (۵) شاهان غرب از امویانِ اندلس تا شریف ها۔(٦) شاهان ترکستان ، چنگیز خان، جوجی خان و جانشینانش، آل چغتایی، ایلخانیان و چوپانیان،سامانیان، خانان ترکستان بغرا خان وغیره، خوارزمشاهیان، تیمور و جانشینانش، ازبك ها در توران و خوارزم و بدخشان۔ (۷) در باره اروپا، اقوام و رسوم های ایشان به شمول شرکت های انگلیسیان۔(۸) این داستان مهم ترین بخش این کتاب است و در باره هندوستان است۔درین داستان مؤلف احوالِ اقوامِ هندووان، قانون ها، رسوم ها و اساطیر هندووان را بیان نموده است۔ بعد ازین ذکرِ راجه های قدیم، راجپوتان، فتح هند به دست مسلمانان، غلامان غور، خلجیان، تغلق، خضر خانیان، لودیان، سوریان، تیموریان از بابر تا اکبر شاه دوم بیان شده است۔ بعد ازان ذکر استان های هندوستان ازان میان مالوه، دکن، خاندیس، مالابار، هرمز، میسور، بیجانگر، مرهته ها، نظام های حیدرآباد، گجرات، اجمیر، راجپوت ها و جات ها، تته، لاهور، کشمیر، تبت، کابل، بنگال، بنارس، جونپور، اوده تحت راجه های قدیم و تاریخِ راما، سلطنت اوده از برهان الملك سعادت خان تا تالیف این کتاب بیان شده است۔ در آخر این داستان طریقه حکمرانی و مشاورت برای شاهان و وزرا بیان شده است[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

درین کتاب بخش جغرافیه از 'حدیقة الاقالیم' گرفته شده است [2]۔ احوال صوفیان

۱۔ ریو،ج۳،صص۸۹۸ ۔ ۸۹۹

۲۔ الیوت،ج۸،ص٤۱۸

ایران از 'نفحات الانس' برده شده است[1]۔ اگرچه در موردِ منابع این کتاب بهادر سینگ گفته است که وی اطلاعات و معلومات را از کتاب های دیگر برده است و خود هیچ واژه را نیفزوده است[2] اما ریو می گوید که در بیان تاریخ اوده و بنگال مولف بسیاری خود نوشته است[3]۔ در یك کتاب تاریخ و جغرافیه و زندگی نامه و بسیار چیز های دیگر را جمع کردن هم کارِ بزرگ است و مؤلف این را یك گونه دانشنامه ساخته است۔ علاوه برین مؤلف درین کتاب فنون و پیشه های مختلفه را نیز بیان کرده است که نشانگرِ زمان خود است۔

آغاز:

'بعد از سپاس ایزدی که آفریننده عالم و عالمیان است........'[4]

نسخه های خطی:

نسخه خطی یادگار بهادری از بهادر سینگ در موزه بریتانیا در دو جلد به شماره Or. ١٦٥٢ که ٥٥٠ برگ دارد و Or. ١٦٥٣ که ٥٤٨ برگ دارد، موجود است[5]۔ اگرچه بر نسخه موزه بریتانیا بر شماره Or. ١٦٥٣ بر اختتامِ خاتمه سال روان ١٢٤٨هـ.ق نوشته شده است اما بر حاشیهٔ این نسخه تاریخِ بعدی تا ١٢٥٢هـ.ق افزوده شده است[6]۔

تراجم و چاپ:

ترجمه انگلیسی بخشِ بزرگِ یادگار بهادری در موزه بریتانیا به شماره Add. ٣٠٧٨٦ از برگ ٢٩٢ تا ٣٩١ نگهداری می شود که منشی سداسك لال (Sada Sukh Lal) برای الیوت کرده بود[7]۔ الیوت در جلدِ هشتمِ تاریخ خود چکیدهٔ مقدمه و پنج صفحه در موردِ قنوج و نوابان اوده از 'یادگارِ بهادری' به زبانِ انگلیسی ترجمه داده است[8]۔

١۔ الیوت، ج٨، ص٤١٩
٢۔ همان، صص٤١٧
٣۔ ریو، ج٣، ص٨٩٧
٤۔ همان
٥۔ همان
٦۔ همان، ص٨٩٩
٧۔ همان
٨۔ الیوت، ج٨، ص٤١٧ تا ٤٢٥

جامع التواریخ از قاضی فقیر محمد

شرحِ احوالِ مؤلف:

قاضی فقیر محمد پسر قاضی محمد رضا از روستای راجه پور پرگنه سانتا پور در بنگال تعلق داشت [۱]- از آغازِ جوانی شغل خواندنِ تاریخ ها داشت و در دیباچۀ کتاب سیزده کتابِ تاریخ را ذکر کرده است که آنرا جمع می کرد و می خواند[۲]- قاضی فقیر محمد در کلکته به طور قانون دان زندگی می کرد [۳]- پسرش عبداللطیف رکنِ مجلسِ قانونِ بنگال بود[۴]-باك لیند در کتاب خود عبداللطیف را به طور پسرِ عرض حال دهندۀ برجسته در صدر دادگاه کلکته بیان نموده است [۴]- ازین اندازه می شود که وی در دادگاه کلکته وکیلِ نامدار بود-او در ۱۸۴۴م به عمر هفتاد ساله در کلکته فوت شد[۶]-این طور سال تولد او ۱۷۷۴م می باشد-

سال تالیف:

این اثر در ۱۲۵۰ه.ق تالیف شده بود و این تاریخِ تالیف در قطعه تاریخ از **'باد قایم منتخب'** به دست می آید[۷]-

محتویاتِ کتاب:

جامع التواریخ تاریخ عمومی جهان اسلام است[۸]- مؤلف این اثر را در چهارده فصل نگاشته است- منزوی ترتیب و تفصیل این فصل ها چنین بیان نموده است؛ **۱**- آفرینش در نُه واقع، **۲**- پیامبران در هفتاد و هفت ذکر، **۳**- حکایت های پیشین، فرزانگان در

۱- الیوت، ج ۸، ص۴۲۵(ریو، ج۳، ص۸۹۹ این جای را 'راجه پور، پرگنه سانتور، چکله بوسنه' نوشته است)

۲- ریو، ج۳، ص۸۹۹

۳- نبی هادی، ص۱۷۱

۴- استوری، ص۱۴۹

۵- باك لیند، ص۲

۶- استوری، ص۱۵۰

۷- ریو، ج۳، ص۸۹۹

۸- مارشال، ص۱۳۹

پنج ذکر، ٤ـ طبقات چهارگانهٔ پادشاهانِ ایران در هفتاد ذکر، ٥ـ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در چهل و شش کرسی، ٦ ـ خلفای عرب، ٧ ـ امامانً شیعه، چهارده معصومً و چهار امام سنیان در بیست ذکر، ٨ـ خاندان اموی در بیست وپنج ذکر، ٩ ـ عباسیان در چهل و چهار ذکر، ١٠ ـ معاصران آنان در نوزده گفتار، ١١ ـ شاهان خاور از ترکان ومغولان در هفتاد ذکر، ١٢ـ تیموریان، ١٣ ـ نقشه ربع مسکون و هفت اقلیم، ١٤ ـ هندوستان(١)ـ

مهم تر ازین فصل ها فصلِ دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم است ـ فصل دوازدهم در مورد جانشینان تیمور، مرهته ها، ناظم های اوده و بنگال و آغاز کار انگلیسیان در هندوستان، فصل سیزدهم دربیان هفت اقلیم و فصل چهاردهم در ذکر هندووان و آمدن مسلمانان به این دیار و خانواده های شاهی این دیار است و بر گزارش مفصل در موردِ آمریکه اختتام می پذیرد(٢)ـ

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه جامع التواریخ تاریخ عمومی جهان اسلام است اما اصلاً باب دوازدهم این کتاب بسیار ارزشمند است که تاریخ تیموریان هند و شاهان محلی هند و ورود انگلیسی ها در هندوستان دارد۔ این کتاب دارندهٔ اطلاعاتِ مستند به ویژه در موردِ تاریخ بنگال، جنگ پلاسی و شخصیتِ میر جعفر است(٣)ـ

سبکِ نویسندگی:

به علت عدم دسترسی به نسخه خطی جامع التواریخ قضاوت حتمی در موردِ سبك کتاب برای نویسنده این سطور محال است البته از ترجمه گزیده ای که الیوت در جلد هشتم کتاب معروف خود داده است می توان حدس زد که این کتاب به سبك ساده و روان

١ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص١٣٦

٢ـ الیوت،ج٨،ص ٤٢٦

٣ـ نبی هادی،ص١٧١

نوشته شده باشد۔

آغاز:

'ستایش بی غایت سزاوار بارگاه صمدیت آن قادر بر حق است که عنایات قدرت کامله...'[۱]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این کتاب در موزۂ بریتانیا و کتابخانۂ اندیا آفیس موجود است۔ برای تفصیل این دستنوشته ها مراجعه شود به استوری ۱۵۰، مارشال ۱۳۹ ۔ در پاکستان یك نسخه خطی جامع التواریخ از قاضی فقیر محمد در کتابخانۂ همدرد کراچی موجود است و تفصیل آن نسخۂ خطی چنین است؛

☆کراچی،ناظم آباد، کتابخانۂ همدرد،ج۲_R ٤۰۵: نستعلیق شکسته آمیز،اولاد علی ولد سید الٰهی بخش بن قادر بخش، ۲۵ج۲/۱۲٦۳ھ، ۳٤۹ص[۲]

چاپ و تراجم:

این کتاب در ۱۸۳٦م در چاپ خانه منشی ارادت الله [۳] کلکته، دوباره در۱۸۷۱م [٤] و سه باره در ۱۸۷٤م/۱۲۹۱ھ.ق در لکنو با مقدمه عبد اللطیف خان پسر قاضی فقیر محمد چاپ شده است[۵]۔ ترجمۂ گزیده ای از جامع التواریخ به توسط الیوت در تاریخ الیوت،ج ۸، صص٤۲۵تا ٤۲۹ داده شده است ۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۱۳٦

۲۔ همان

۳۔ الیوت،ج۸،ص٤۲۵

٤۔ استوری،ص۱۵۰

۵۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون۲۰٦

تاریخ عماد الملك از عبدالقادر خان جایسی

شرحِ احوالِ مؤلف:

عبدالقادر خان معروف به غلام قادر خان جایسی پسر مولوی واصل علی خان [۱] نویسندۀ تاریخ عمادالملك است. پدرش در بنگال به عهده قاضی القضاة مامور بود و از چند نسل پیش خانوادۀ وی در استانِ اله آباد نشیمن داشتند [۲]. عبدالقادر در شهر کوچك جایس در اوده به دنیا آمد و در همان جا درس خواند و در تصوف نیز به شیخ غفور اشرف اشرفی جایسی دست ارادت داد [۳]. در ایام جوانی با دو تاریخ نگار برجسته، علی ابراهیم خان و سید غلام حسین خان طباطبایی، صحبت داشت[۴].

چون نفوذ شرکت هند شرق در بنارس و لکنو افزون می شد، عبدالقادر را به این شهر فرستادند و او به طور نماینده شرکت به تبت، افغانستان و کشمیر نیز رفته بود[۵]. جوناتن دانکن(Jonathan Duncan) که میان ۱۷۸۸م تا ۱۷۹۵ م نماینده مقیم شرکت در بنارس بود، او رابیش از یك بار به نیپال فرستاده بود. کولونل کرك پاتریك هم در کتابش (Account of the Kingdom of Nepaul) 'گزارشی در باره سلطنت نیپال' عبدالقادر را به طور عضوِ هیأت اعزامی که در ۱۷۹۳م به نیپال رفته بود، یاد می کند [۶]. عبدالقادر در آن سفر گزارشی قلم بند کرده بود و شاید کرك پاتریك در کتاب خود در موردِ نیپال آن را شامل کرده است چون خود عبدالقادر در 'حشمت کشمیر' می نویسد که گزارشی نیپال که نوشتۀ او بود به کولونل کرك پاتریك (Kirkpatrick) فرستادند و این احوال ترجمه شده به چاپ رسیده است[۷].

---

۱. استوری، ص ۶۲۲
۲. برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، بخش ۳، ص ۱۸۹۱
۳. همان
۴. ریو، ج ۳، ص ۱۰۱۶
۵. نبی هادی، ص ۲۰۵
۶. ریو، ج ۳، ص ۱۰۱۶
۷. استوری، ص ۶۲۲/ ریو، ج ۳، ص ۱۰۱۶

مدتی عبدالقادر جایسی با جان لامسدن (John Lumsden) نمایندہ مقیم شرکت درلکنو به طور 'رفیق' کار می کرد و پیام لامسدن در موردِ برکناری وزیر علی خان، به وزیر علی خان رسانید [1] ـ پس ازان به بنارس بازگشت و چند سال در خدمت مهاراجه امرت راو به سر برد [2] ـ زندگی ماندۂ خود در بنارس گزراند و درین روزگار به نفوذِ نمایندۂ انگلیسیان حشمت الدوله ویلیام آگستوس بروك (Wm. Augustus Brooke) جاگیرِ شخصی او به ملكِ موروثی تبدیل گردید [3] ـ به همان حشمت الدوله کتاب دیگرِخود 'حشمت کشمیر' را معنون کرده است [4] ـ

سال تالیف:

عبدالقادر خان جایسی تاریخ عماد الملك را در ۱۲۵۰ ه.ق/ ۱۸۳۵ م به انجام رسانید [5] ـ

سبب تالیف:

در جمادی الاول ۱۲۵۰ ه.ق/ ۱۸۳٤ م مستر تورزبی (Mr. Thoresby)، سرپرستِ دانشکدۂ سانسکریت بنارس، برای جُستن زندگینامه غازی الدین خان عمادالملك به یکی از متوسلینِ نواب گفت ـ عبدالقادر گفت که او نزد پنجاه سال در بنارس مانده هیچ بار این طوری کتاب را نشنید البته خود ایراد گرفت که در بیانِ زندگینامه عماد الملك کتابی خواهد نوشت [6] ـ

محتویاتِ کتاب:

چون از نام این کتاب ظاهر است ، عبدالقادر این کتاب را در تاریخ عمادالملك نگاشته است ـ این کتاب مشتمل بر سیزده فصل و یك خاتمه است ـ به مطابق مولوی

---

۱ ـ استوری، ص ٦۲۳
۲ ـ همان
۳ ـ همان
٤ ـ ریو، ج ۳، ص ۱۰۱٦
۵ ـ برزگر کشتلی، حسین، دانشنامه ادب فارسی، ج ٤، بخش ۳، ص ۱۸۹۲
٦ ـ استوری، ص ٦۲۳

عبدالمقتدر نام های این فصل چنین است؛ **فصل یکم:** تاریخ اجداد غازی الدین حیدرخان عمادالملك وولادت او، **فصل دوم:** ذکر محاصل از ابوالمنصور خان صفدر جنگ، **فصل سوم:** جنگ صفدر جنگ با افغانان و روهیله ها و وزارت غازی الدین خان، **فصل چهارم:** عزلِ غازی الدین خان از وزارت و باز رسیدن به وزارت و قید احمد شاه، **فصل پنجم:** تاریخ عالمگیر دوم و وزارت غازی الدین خان، **فصل ششم:** ناخوشنودی غازی الدین خان با مرهته ها وآمدن احمد شاه ابدالی، **فصل هفتم:** قصد شاهزاده عالی گوهر خلاف شجاع الدوله بر مشاورت غازی الدین خان، **فصل هشتم:** مهم رگو نات راو(Raghu Nath Rao) پسر باجی راو و رفتن غازی الدین خان به مترا (Mithra) با شاهزاده عالی گوهر، **فصل نهم:** قید و مرگِ انتظام الدوله پسر قمرالدین خان ۱۱۷۰ هـ.ق/۱۷۵٦ م، **فصل دهم:** فرستادن غازی الدین خان مردم خود را برای گرفتن شاهزاده عالی گوهر و فرار او، **فصل یازدهم:** طلوع افواج تیموریان خلاف غازی الدین خان و قتل عالمگیر دوم، **فصل دوازدهم:** آمدن احمد شاه ابدالی بار دوم به هندوستان حسب درخواست شجاع الدوله، نجیب الدوله و نجیب خان و عروج مرهته ها، **فصل سیزدهم:** تاریخ روزگارِ شاه عالم پادشاه[1]ـ

این کتاب با احوالِ ایامِ آخرینِ غازی الدین خان و مختصری در موردِ جانشینانش و اولاد وی اختتام می پذیرد[2]ـ در خاتمهٔ کتاب مؤلف می گوید که در ۱۲۱۱ هـ.ق/۱۷۹۷ م چون او در لکنو بود و احمد شاه ابدالی عزمِ هندوستان کرد، آن زمان مؤلف از مردم های معتمد شنید که غازی الدین خان در ملازمت احمد شاه ابدالی بود و بعد از رفتن احمد شاه به کابل، غازی الدین خان به کالپی رفت و همانجا فوت شد[3]ـ

۱ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، صص ۱۵۳ـ ۱۵٤

۲ـ همان، ص ۱۵٤

۳ـ همان

منابع و مآخذ تاریخ عمادالملك:

مؤلف این کتاب را بر شنیده های از کسانِ مختلف، از جمله خود غازی الدین خان که عبدالقادر در کالپی با وی صحبت داشته و بخشی بر پایۀ منابع مکتوب مانندِ نامه های نواب نگاشته است علاوه بر این عبدالقادر خان از 'تاریخ شجاعی' از هرچرنداس و 'حدیقة الاقالیم' از اله یار بلگرامی نیز استفاده کرده است[1]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مؤلف خود از انگلیسیان شرکتِ هند شرق پیوسته بود و در موردِ وقایع سیاسی آن زمان خیلی دسترس داشته بود۔ علاوه بر این اگرچه مؤلف این کتاب را در تاریخ عمادالملك پرداخته بود اما وقایع آمدن احمد شاه ابدالی و روزگارِ شاه عالم به تفصیل بیان کرده است که ارزش این کتاب را فراوان می کند۔

آغاز:

'قابل سجود ذات المعبود است که الوهیتش تسلیم اهل اسلام و هنود و فرقه نصاریٰ و یهود ......'[2]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی تاریخ عمادالملك در کتابخانۀ بانکیپور و اندیا آفیس موجود است۔ در پاکستان یکی نسخه خطی این کتاب در دانشگاه پنجاب لاهور به شماره ٨٠/Pell/١٤٠٢ موجود است و ٢٩ برگ دارد[3]۔

آثار دیگر مولف:

علاوه بر تاریخ عماد الملك غلام قادر خان کتابی به نام 'حشمت کشمیر' به نام

١۔ استوری، ص ٦٢٣

٢۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ٧، ص ١٥٣

٣۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج ١٠، ص ٥٦٨

حشمت الدوله ویلیام آگوستس بروك در تاریخ کشمیر هم پرداخته بود[1]۔ در دانشنامه ادب فارسی کتابی 'تاریخ جایس' از آثارش نیز ذکر شده است که نسخه خطی آن در کتابخانه ندوة العلما لکنو موجود است[2]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص١٠١٦

۲۔ برزگر کشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۳،ص۱۸۹۲

مجمع التواریخ از پاندیت بیربل کاچر

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال زندگانی پاندیت بیربل کاچر اطلاعی زیادی در دست نیست۔ فقط این قدر معلوم شده است که پاندیت بیربل معروف به کاچر [١] متخلص به وارستہ[٢] تاریخ نویس و شاعرِ معروف شبه قاره بود۔ پدرش دیا رام هم ادیب بود و خوشدلؔ تخلص می کرد و بگوت گیتا(Bhagwat Gita) را ترجمه هم کرده بود [٣]۔ بیربل در ١٨٠٥ م در سرینگر متولد گردید و در ١٨٧٥ م فوت شد[٤]۔

سال تالیف:

پاندیت بیربل 'مجمع التواریخ' را درا ١٢٥ھ.ق/١٨٣٥ م/١٨٩٠ بکرمی تالیف کرد[٥]۔

سبب تالیف:

در سبب تالیف این کتاب مؤلف بیان کرده است که تاریخِ مستندِ کشمیر موسوم به 'راج ترنگینی' بیشتر از پانصد سال نوشته شده بود۔ بعد ازان اکثر تاریخ نویسان تا فتح کشمیر به دستِ اکبردر ٩٩٥ھ.ق/١٥٨٧ م پرداخته اند[٦]۔ همین علت شده که مولف تاریخ کشمیر را تا زمان خود به رشته تحریر آورد۔

محتویاتِ کتاب:

مجمع التواریخ از پاندیت بیربل کاچر تاریخِ کشمیر از آغازِ جهان تا روزگارِ نگارش

١۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص ٢٠٤
٢۔ منزوی،احمد،فهرستِ مشترك،ج١٠،ص ٥٧١
٣۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین ..،ج٤،ص٣٦٧
٤۔ همان
٥۔ استوری،ص٦٨٥/اته،بادلین،ج١ ،ستون١١٢٣،ش١٩٧٣
٦۔ اته،بادلین،ج١ ،ستون١١٢٤،ش١٩٧٣

یعنی ۱۲۵۱ ه.ق است۔ در آغازِ کتاب مؤلف تفصیلِ شهر و روستای ها ورود ها وغیره،از نظر تقسیم جغرافیایی به عهدِ اکبر، ذکر کرده، محاصلاتِ آن دیار را بیان نموده است [1]۔ پس ازان وجه نامگذاری کشمیر بیان کرده احوال و کوایف شاهان هندووانِ کشمیر را به اختصار گراییده است۔ بخشِ آخرین این کتاب بسیار مهم است و از روی وقایع زمانِ مؤلف که وی با چشم خود ملاحظه کرده بود، بسیار ارزشمند است۔ اگرچه این نسخه در ۱۲۵۱ ه.ق نوشته شده بود اما نسخه خطی در دانشگاه پنجاب به شماره۱۳۷۸/۲٤۲۹ مشتمل بر ۳٤۱ برگ، دارنده وقایع تا ۱۲٦۲ ه.ق/۱۸٤٦م است[2]۔

مآخذ ومنابع مجمع التواریخ:

پاندیت بیربل کاچر در بیانِ مآخذِ تاریخِ خود کتاب های زیر را ذکر نموده است: تاریخِ کشمیر از پاندیت کلهن، تاریخ حیدر ملك چاوره، تاریخِ کشمیر از نراین کول عاجز، واقعاتِ کشمیر از خواجه اعظم[3]۔

سبكِ کتاب:

مؤلف این کتاب را به همان روش پرداخته که تاریخ های مهمی کشمیر پیشتر ازین کتاب نگاشته شده بود[4]۔(برای بررسی سبكِ کتاب نسخهٔ خطی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه در تاریخ کشمیر بسیار کتاب ها بهتر ازین تاریخ موجود است اما این اثر ازین نظر خیلی مهم است که تاریخ کشمیر تا زمان تالیف خود دارد۔ این طور این کتاب دارندهٔ تاریخ کشمیر از آغاز تا اختتامِ دورهٔ تیموریان متاخر است، چون بعضی نسخه های این کتاب دارندهٔ احوال تا ۱۸٤٦م است و دوره تیموریان متاخر تا ۱۸۵۷م ادامه دارد و این

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین ..،ج٤،ص۲۷۷

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۷۱

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین ..،ج٤،ص۲۷٦

٤۔ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۱۲٤،ش۱۹۷۳

طور 'مجمع التواریخ' فقط ده سال پیشتر از خاتمه حکومتِ تیموریان نگاشته شده بود۔

آغاز:

'حمد بی حد مر خالقی را سزاست که به قدرت کامله ......'[1]

نسخه های خطی:

در کتابخانه بادلین به شماره ۱۹۷۳ و شش نسخه در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می شود۔ برای تفصیلِ نسخه های دانشگاه پنجاب مراجع شود به فهرستِ مشترک منزوی، ج۱۰، ص۵۷۱۔

۱۔ اته، بادلین، ج۱، ستون ۱۱۲۴، ش۱۹۷۳

ظفرنامه رنجیت سینگ از دیوان امرنات اکبری

شرحِ احوالِ مؤلف:

دیوان امر نات (AmarNath) پسر دینا نات (DinaNath) پسر بخت مل پسر لچمی رام [۱] (LachmiRam) دبیر و نویسنده و شاعرِ معروف شبه قاره است۔نیای او از کشمیر تعلق داشتند و بعضی از آنها به دربارِ شاهجهانی پیوسته بودند ۔ جدِ بزرگِ او لچمی رام از کشمیر به لاهور آمدو به خدمتِ ناظم لاهور ملازم شد و پس از برکناری وی به دهلی رفت [۲]۔ پدرِ بزرگِ وی بخت مل در عربی و فارسی مهارتِ تامه داشت [۳] و تاریخِ سیك ها به نامِ 'خالصه نامه' پرداخته است [٤]۔پدرش دیوان دینا نات در ۱۸۱۵ م به پنجاب آمد و به دیوان گنگا رام ملازمت گرفت [۵]۔بعد ازان وزیرِ دارای ومشاور فرمانروای پنجاب مهاراجه رنجیت سینگ شد [٦]۔

امر نات در ۲۳_۱۸۲۲ م/۱۸۷۹ بکرمی متولد شد [۷]۔ چون فقط یك ساله بود مادرش فوت شد۔ در چهار سالگی پدرش وی را نزدِ مهاراجه پیش کرد و امرنات از آنجا دست بند و گردن بند یافت [۸]۔ چون به عمرِ شش سالگی رسید او را به مولوی احمد بخش یکدلؔ چشتی لاهوری [۹] برای درس خواندن فرستادند و از آنجا به زبانِ عربی و فارسی مهارت گرفت۔ در یازده سالگی کتابی به نام 'روضة الازهار' در ذکرِ باغ های لاهور نگاشت [۱۰]۔ به علتِ مهارت داشتن در فنِ انشا امرنات به دربار ملازمت گرفت [۱۱]۔ در ۳۵_۱۸۳٤ م به عمر شانزده سال قصیده ای بر فتح پیشاور به نام 'فتح نامه' نوشت و چند سال بعد آنرا در همین

۱۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص۲٤۳ ۲۔ همان

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص۵۱

٤۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص۲٤۳ ۵۔ همان

٦۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص۵۲

۷۔ استوری،ص٦٦۸

۸۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص۵۲ ۹۔ استوری،ص٦٦۸

۱۰۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص۲۰۹

۱۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص۵۳

'ظفر نامه' شامل کرد[۱]۔ امرنات در حکومتِ خالصه به طور 'بخشی سپاهِ چریك' هم خدمت انجام می داد[۲]۔ در ۱۸٤۵ م او را از ملازمت برخاست کردند[۳]۔زندگانی ماندۂ خود را در تصنیف و تالیف به سر برد و در یکم آگوست ۱۸٦۷ م به عمر چهل و پنج از وبا در گذشت[٤]۔ امرنات علاوه بر تاریخ نویس شاعر هم بود و منظوماتش در هفت روزه 'کوه نور' به چاپ می رسید[۵]۔

سال تالیف:

در موردِ سالِ تالیف این کتاب اختلاف است۔ اگرچه بر اتمام کتاب امرنات این قطعه تاریخ گفته:

۔نسخه همچون روضه رضوان　　زد امرنات بر صحیفه رقم

بلبل طبع من چو هاتف غیب　　سال تاریخ گفت '**باغ ارم**'[٦]

۱۲٤٤ھ.ق

اما دکتر ظهور گفته است که این کتاب دارندۂ تاریخ از ۱۷۹۹م تا ۱۸۳٦م است[۷] و ۱۲٤٤ ھ.ق برابر ۲۹ـ۱۸۲۸م است۔ این طور این کتاب نزد ۱۲۵۲ھ.ق تالیف شده باشد البته ممکن است که بعد از آن کسی یا خود امر نات بر آن کتاب افزوده باشد۔

سبب تالیف:

در ۱۸۳۲ م مهاراجه رنجیت سینگ،امر نات را برای نوشتنِ این اثر دستور داد[۸] و امرنات درین تاریخ وقایع تا۱۸۳٦ م رقم کرد۔

محتویاتِ کتاب:

۱۔ استوری،ص٦٦۹

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ کوهلی،سیتا رام،مقدمه ظفرنامه رنجیت سینگ، ص هشت

۵۔ همان

٦۔ اکبری،دیوان امرنات،ظفرنامه رنجیت سینگ چاپی، به اهتمام سیتا رام کوهلی،ص۲۸۷

۷۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤،ص۵۳

۸۔ عبدالله،دکتر سید،سهم هندووان...،ص۲۰۹

این کتـاب دارنـدۂ تـاریـخِ رنـجیت سینگ از ١٧٩٩ م تـا ١٨٣٦ م است ـ این کتـاب مشتـمـل بر چهار فصل است؛ **فصل یکم** کـه مهـم تـرین بخشِ این کتاب است در سرگذشتِ رنجیت سینگ تا ١٨٣٦ م است، **فصل دوم** در ذکرِ باغ های لاهوراست، **فصل سوم** منظومه ای پیـرامـون مـرزا اکرم بیگ و سردار الٰهی بخش است و **فصل چهارم** دارنـدۂ منظومه ای اخلاقی است[١]ـ

البتـه اثرِ چاپی ظفرنامه رنجیت سینگ به اهتمام سیتا رام کوهلی (چاپ در لاهور در ١٩٢٨ م) مشتـمل بر یك مقدمه و چهل و یك باب است[٢]ـ بـاب یکم به عنوان جلایل ولادت سرکار والا و آبا و اجداد عالیه و شرایف مصالح مالی و ملکی است و از باب دوم تا سی و نهم تـاریـخِ سال وار بیان شده است ـ باب چهل به عنوان شادی نامه کنور نونهال سینگ است و در آخـریـن یـعـنـی باب چهل و یکم همان 'روضةالازهار' که در موردِ باغ های لاهور است، داده شده است[٣]ـ

سبكِ کتاب:

امـر نـات در عـربی و فـارسـی مهـارت خاصی داشت ـ درین کتاب او از آیاتِ قرانی و احـادیـث نـبـوی بسیـار استـفـاده بـرده اسـت ـمـیـان نـثـر اشعار را به طریق احسن به کار برده است ـ گـاهـی اشـعـار عـربی هم می آرد ـ در نوشتن این کتاب اکبر نامۂ ابوالفضل و پادشاه نـامـۂ عبدالحمید لاهوری پیشِ امرنات بود و او نوشتن عبارت های مسجع و مقفیٰ را اهتمام کرد[٤]ـ اگـرچـه بـعـضـی عبارت ها نمونه عالیِ انشای مصنوع است، ولی بسیار جای فارسی بی محاوره را به کار برده است [٥]ـ واژه هـای هـنـدی و اردوی چون اچکن، اُچکه، مائی، مـاتـا، تیرتـه ،تـوانـه ،سـورهـنگ وغیره را هم به کار برده است ـ به طورِ کلی طرزِ بیانِ مؤلف

١ـ برزگر کشتلی ،حسین ،دانشنامه ادب فارسی ،ج ٤ ،بخش ١ ،ص ٢٤٤

٢ـ منزوی ،احمد ،فهرست مشترك ،ج ١٠ ،ص ٥٧٢

٣ـ ظهورالدین احمد ،دکتر ،پاکستان مین... ،ج ٤ ،ص ٥٣ و ٥٤

٤ـ همان ،ص ٥٦

٥ـ عبدالله ،دکترسید ،سهم هندووان... ،ص ٢٠٩

مختصر و مغلق است که فهمیدنِ او آسان نیست [۱]۔ به طور نمونۂ سبكِ ظفر نامه دو اقتباسات ازین کتاب اینجا نقل می شود:

’عظیم خان با کنوز بی شمار و خزاین لا تحصی و لا تعداد واردِ خراسان و جبار خان به نیابت تعین۔ اما از سطوت اقبال سرکار والا هراسان شده طریق مسالمت پیروی چون خرابی آن ولایت را هنوز حسابی باقی بود۔ کمیت قلم حقیقت رقم در مضمار آن به پای سر خواهد شتافت‘ [۲]

در وقایع سال ۱۸۱۵م می نویسد: **’دیوان گنگا رام به انقیاد فرمان لازم الاذعان هرچند در تفحص آنچنان مردی که غازه لیاقت و کنجاره حداثت بر رخ حال داشته باشد به تصور تمام گرد فرخ آباد هندوستان برآمد۔سوای ذات والد ماجدم که امروز مشیر الدوله و مختار الملك این سرکار فیض آثار اند، سرتاسر ملك پنجاب و کشمیر و پیشاور و مولتان و تهته و کوهستان در تحریك قلم فیض رقم بوده، به هر یك اقاصی و ادانی و ادرارات و انعامات معین و مقرر است‘** [۳]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

با مردم ها که در فتوحات شریك رنجیت سینگ بودند، امرنات با آنان بلا واسطه دسترس داشت۔ می نویسد: **’و این همه مقدمات را راقم السطور از روی آن داشت که از معمران معاصران به خوبی دریافت ساخته‘** [٤]۔به این دلیل که امر نات خود ملازم رنجیت سینگ بود و بر دستاویزاتِ دولتی دسترس می داشت و بر حکمِ رنجیت سینگ نوشتن این تاریخ را آغاز کرد، این تاریخ بسیار مهم است۔ اما جالب توجه است که درین صغر سنی [٥] نوشتن کتاب تاریخی و آن هم در سبك مصنوع، خیلی دشوار است۔

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤، ص۲۱

۲۔ اکبری،دیوان امرنات،ظفرنامه رنجیت سینگ چاپی، به اهتمام سیتا رام کوهلی،ص۱۲۲

۳۔ همان،ص۹۲

٤۔ همان،ص٥

٥۔ چون امرنات خود نزد ۲۳۔۱۸۲۲م متولد گردیده بود و سال تالیف این کتاب نزد ۱۸۳٦م یا ۱۸٤٤م است۔ این طور امرنات وقت تالیف این کتاب میانِ چهارده تا بیست و دو سال باشد۔

آغاز:

'تحاریر دشوار پسند و اهل تحاریر نکته پیوند را که معنی ایشان به کمال صورت.......'[۱]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی ظفر نامه رنجیت سینگ در موزه ملی پاکستان کراچی، دانشگاه پنجاب لاهور و کتابخانه دیال سینگ لاهور موجود است۔ انجام هر دونسخه موزه و دانشگاه افتاده است۔ البته نسخه دیال سینگ کامل است و انجامش بر این شعر است:

۔ 'غنچه دل گشته از و خنده زن
قامتِ او سرو، رخِ او سمن'[۲]

تراجم و چاپ:

بخشی ازین کتاب در زندگانی مؤلف در کلکته ریویو(Culcutta Review)در دسامبر ۱۸۵۸ م ص۲٤۷ تا ۳۰۲ به چاپ رسیده است[۳]۔

اما این کتاب به طور کلی با تصحیح و پیشگفتارِ انگلیسی و پاورقی از سیتا رام کوهلی از دانشگاه پنجاب لاهور در ۱۹۲۸م به چاپ رسیده است[٤]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱. **دیوانِ اشعار:** به نام 'دیوانِ اکبری' در ۱۸۷۳ م در مطبع کوه نور لاهور به چاپ رسید[۵]

۲. Children Sweet Meat: امر نات این رساله را برای کودکان، دربارۀ دستورِ زبان انگلیسی، نوشت[٦]۔ علاوه بر این مثنوی **'روضة الازهار'** و **'فتح نامه'** که ذکرش بالا آمده هم از و یادگار است۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۷۲
۲۔ هاشمی،مولانا سید متین و صدیقی،ساجد الرحمٰن،فهرستِ کتاب خانه دیال سینگ،ج۱، ص۱٤۰
۳۔ همان، ص۱٤۲
٤۔ استوری، ص٦٦٩
۵۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..، ج٤، ص۹۱
٦۔ همان، ص۵۳

وقایع دلپذیر از عبدالاحد لکنوی

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احـوالِ عبدالاحـد بـن مولوی محمد فایق اطلاعی زیاد در دست نیست الا که او در مـوردِ بـاره خـود دریـن کتاب ذکر نمود و آن جز این نیست که چون این کتاب را تالیف کـرد، از دوازده سـال در شرکـت هند شرق ملازمت می کرد[۱]۔ عبـدالاحد رابطؔ تخلص می کرد[۲] ایـن طـور شعر هم سروده باشد اما هیچ اثرِ شعری از وی به جا نمانده است۔ در زمانِ نصیرالـدین حیـدر منشی عبدالاحد در لکنو سررشته دار بود[۳]۔ بـه گـفتـه دکتر عبدالغنی ، عبدالاحد در ۱۸۵۱ م فوت شده بود[٤]۔

سال تالیف:

عبـدالاحـد لـکـنـوی وقـایـع دلپذیر را در ۱۲۵۳ ھ.ق نوشت۔ این سال تالیف از جمع کـردن نـام ایـن کـتـاب بـا اسمِ مؤلف'عبدالاحد' هم به دست می آید[٥]۔'..**در تحریر آورده موسوم به وقایع دلپذیر که به انضمام نام مؤلف مخبر سال تاریخ است، ساخت**' [٦]۔

در نسخـۂ مـوزه بریـتـانـیا اگـرچـه سـالِ تالیف با انضمامِ 'وقایع دلپذیر' با 'عبدالاحد' ۱۲۵۰ ھ.ق نوشته است [۷] امـا از مـجـمـوعه 'وقایع دلپذیر' و 'عبدالاحد' ۱۲۵۳ ھ.ق به دست می آید و استوری هم سال تالیف ۱۲۵۳ ھ.ق/۸ـ۱۸۳۷ م گفته است[۸]۔

در اختتـامِ مـقـدمـۂ نـسخـۂ مـوزه مـلـی سـال تالیف این کتاب در قطعه هم داده شده است؛

۱ـ ریو،ج۳،ص۹٦۱

۲ـ مارشال،ص۲

۳ـ عبدالغنی،دکتر،پاکستان و هند،ج۵،ص۱۷

٤ـ همان

٥ـ ریو،ج۳،ص۹٦۱

٦ـ عبدالاحد،وقایع دلپذیر،نسخه موزه ملی پاکستان،برگ۲(الف)

۷ـ ریو،ج۳،ص۹٦۱

۸ـ استوری،ص۷۰۸

'در سال هزار و دو صد و پنجه و سه
شد ختم چو این نامه فرخنده سواد
تا روز جزا ز لطف سلطان جزا
در محفل خاص و عام مقبول شواد'[1]

سبب تالیف:

عبدالاحد رابطّ این کتاب را به دستور مستر جان دوزول شکسپییر(Lieut. John Doeswell Shakespeare) بهادر نوشت که نایب دوم کولونل جان لو (Col. John Low) بود[2]۔

محتویاتِ کتاب:

وقایع دلپذیر مبنی بر تاریخ پادشاه بیگم همسرِ غازی الدین حیدر است ـ سر فصل های کتاب چنین است؛ 'دربیان کتخدا شدن بادشاه بیگم با جناب ابوالمظفر معزالدین شاه زمن غازی الدین حیدر بادشاه اوده و دیگر وقایع ایشان[3]، نهضت فرمودن نواب یمین الدوله بهادر از دارالملام به دارالسلام و تمکن گزیدن رفعت الدوله رفیع الملك غازی الدین حیدر خان بهادر شهامت جنگ بر مسند وزارت آبا و اجداد کرام و تبدیل یافتن وزارت به سلطنت و شرح سوانحی که دران ایام رو نمود [4]، نقلِ اشتهار نامه به نام جمیع مردم سپاهی پیشه و سلاح بند[5]،انتقال فرمودن ابوالمظفر معزالدین شاه زمن غازی الدین حیدر بادشاه اوده از دار فانی به سرای جاودانی و جلوس[۳۷ب] فرما گردیدن سلیمان جاه نصیرالدین حیدر بر سریر سلطنت و وقوع نقیض و عداوت فیمابین شهریار عالی اقتدار و بادشاه بیگم و نامور بطلان نسب فریدون بخت[6]، اقامت گزیدن بادشاه بیگم در الماس باغ

١ـ عبدالاحد، وقایع دلپذیر، نسخه موزه ملی پاکستان، برگ۲(ب)
٢ـ ریو، ج۳، ص۹٦۱/ استوری، ص۷۰۸
٣ـ عبدالاحد، وقایع دلپذیر، نسخه موزه ملی پاکستان، برگ۲(ب)
٤ـ همان، برگ۱۰(ب)
٥ـ همان، برگ۱٤(ب)
٦ـ همان، برگ۳۷(الف و ب)

وملازم داشتن قریب هشت نُه هزار مردم سپاهی پیشه به سرکردگی امام بخش قوم سقا و سربه سورش برداشتن آنها ومداخلت نمودن صاحبکلان درین باب بنا بر تدارك فسادشان [١]،ارتحال فرمودن سلطان عالیشان سلیمان جاه نصیرالدین حیدربادشاه اوده از.....،[٢]۔

سبكِ كتاب:

عبدالاحد این اثر را در سبكِ مصنوع آمیز نوشته است۔ آیات و احادیث هم به کار برده است۔چون مؤلف ملازم انگلیسیان بود،بسیار جای تاریخ هجری و عیسوی هر دو داده شده است۔ بعضی جا شعر هم آورده است۔ عهده های انگلیسیان هم در هندی نوشته است؛ چون ریذیدنت،لفتنت وغیره۔واژه های محلی چون چهتهی،دوله،پوتی بیگم،اچهوتی،دیورهی،چهار گهری،کوتهی،استنت، اشتنت،لفتنت،تیرهی کوتهی وغیره بسیار به کار برده است۔ مؤلف خود در موردِ سبكِ این کتاب گفته است؛ '**هنگام تحریر این نسخه دلپذیر ماورای سلاست عبارت چیزی از اغراق و استعارت که طرزِ ارباب نظم و نثر است به کار رفت**'[٣]۔

برای نمونه سبك این کتاب اینجا یکی اقتباس نقل شده است؛ '**بر رمز شناسان غوامض ایجاد و تکوین و دقیقه یابان سرایر ما وطین ظاهر و باهر است که قدرت کامله قادر علی الاطلاق از ابتدای خلقت انتظام عالم را بر انقلاب و انصراف منوط ساخته و ترقی یکی به تنزل دیگری مربوط۔ ترك زرین قبای روز از آفتاب عالمتاب، پا در رکاب دارد تا رنگی کجلی لباس شب بر کرسی فلك دست به جلوه بر آرد۔ اگر یکی در تخته تابوت جا نماید، دیگری بر تخت سلطنت براید**'[٤]۔

١۔ عبدالاحد،وقایع دلپذیر،نسخه موزه ملی پاکستان، برگ ٥٠(الف)

٢۔ همان، برگ ٥٤(الف)

٣۔ همان، برگ ٢(الف)

٤۔ همان، برگ ٣٧(ب)

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این تاریخ در مورد تاریخ بادشاه بیگم است و شاید تنها تاریخ این دوره است که در باره یکی زن نوشته شده است۔ مولف چون خود در وقایع که درین کتاب بیان شده است شامل بود، به این سبب این کتاب ارزش فراوان دارد۔ مؤلف شنیده های و دیده های خود را درین کتاب رقم کرد۔ خود در آخرِ این کتاب می گوید؛

۔ 'هرچه که بشنیده و یا دیده ام
راست به تحریر پسندیده ام'[۱]

درین کتاب ذکر کاپتان جیمس پاتن(James Potten)هم بسیار بار آمده است که نسخه دستنویسِ مجموعه تواریخ شاهنشاهان هند از رامیّ که منحصر به فرد است و در کتاب خانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می شود،برای وی نگاشته شده بود۔

آغاز:

'آبداری سیوف بارقه السنه کشورکشایان معانی به مصقل حمد مالك الملکی تواند بود که قبض و بسط دارالملك عالم ممکنات.....' [۲]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی وقایع دلپذیر در کتاب خانۀ موزۀ بریتانیا، کتابخانۀ آصفیه و کتاب خانه انجمن آسیایی درگنجینه کرزن موجود است [۳]۔ در پاکستان یکی نسخۀ خطی این اثر در کتابخانه موزه ملی کراچی به شماره N.M.٤٤٩ نگهداری می شود[٤]۔

تراجم و چاپ:

محمد تقی احمد این اثر را در ۱۹۳۸م در اله آباد ترجمه کرده است [۵]۔ مترجم این

۱۔ عبدالاحد،وقایع دلپذیر،نسخه موزه ملی پاکستان، برگ٦٨(ب)

۲۔ همان، برگ یکم (ب)

۳۔ استوری،ص۷۰۸/مارشال،ص۲

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٦٠

۵۔ استوری،ص۱۳۲۸

اثر را از نسخه خطی که در تصرف آنجهانی راجهٔ بلرام پور بود، به نام 'تاریخ بادشاه بیگم' ترجمه کرده بود [۱]۔ اگرچه استوری ذکر نکرده است که مترجم محمد تقی احمد این ترجمه را به زبانِ اردو یا انگلیسی پرداخته بود، البته از نام این کتاب معلوم می شود که در اردو ترجمه شده باشد۔ دکتر عبدالغنی در تاریخ ادبیات مسلمانانِ پاکستان و هند، ج۵، ص۱۸ نیز ترجمه وقایع دلپذیر را ذکر کرده است۔

آثار دیگر مؤلف:

۱. **شرح احدیه بر وقایع محمدیه:** که شرح وقایع نعمت خان عالی است [۲]۔

۱۔ استوری، ص۱۳۲۸

۲۔ مارشال، ص۲

جام جم از سر سید احمد خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

سید احمدخان پسر سید متقی خان [۱] از خانواده سادات بود۔ نیای وی از هرات بودند و اول کسی که به هندوستان آمد ،در پشتِ نهم وی، شرف الدین بهادربود که در روزگارِ اکبر اعظم به هندوستان آمده به استان داری بیدر متمکن گشت[۲]۔ علاوه بران از نیاگانِ وی احمدالدین خان بهادر از سوی شاه جهان استان دارِ مرادآباد گردید و میر محمد دوست از امرای دربار اورنگزیب بود و ازو خطاب 'میر یکّه' یافت[۳]۔

سید احمد خان در ۱۸۱۷م در دهلی به دنیا آمد۔ در ۱۸۳۷م به طور 'سرشته دار' در دادگستری صدر امین دهلی ، به سلك ملازمان شرکت هند شرق شامل گشت[٤]۔دو سال بعد در ۱۸۳۹م به مامور عالی آگره، نایب منشی گردید و بعد ازان میانِ ۱۸٤۱م تا ۱۸٤٦م به طور منصف در فتح پور و دهلی وغیره کار می کرد [۵]۔ در ۱۸۵۰م صدرامین گردیده شد و در روهتك و بجنور کار خود انجام داد[٦]۔ چون در ۱۸۵۷م جنگ آزادی هند برپا شد، سید احمد خان همین جا در بجنور به طور صدر امین کار می کرد[۷]۔بعد ازان در مرادآباد، غازی پور و علی گره به طور صدرالصدور و به طور قاضی در بنارس خدمت انجام داد۔ در ۱۸۵۸م در مرادآباد برای مسلمانان بنای دبستان نهاد و در ۱۸٦٤م در غازی پور برای ترجمۀ کتاب های انگلیسی به زبان اردو، مجلسی ساخت۔ درین مدت او عازم هندوستان شد و با ملکه وکتوریه صحبت کرد۔ در ۱۸۷۰م او یکی مجله ماهانه را به نام

۱۔ استوری،ص٤۸۳

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۱٤

۳۔ همان

٤۔ استوری،ص٤۸٤

۵۔ همان

٦۔ همان

۷۔ وحیدمرزا،دکتر،پاك و هند،ج۵،ص۱۵۹

'تهذیب الاخلاق' آغاز کرد[۱]۔ در ۱۸۷۵م در علی گره بنای دانشکده علی گره نهاد که یکی از کارهای مهمی وی است۔ در ۱۸۷۶م از ملازمت فراغت یافت و در علی گره اقامت اختیار کرد[۲]۔ سید احمد خان دو بار رکن مجلس قانون ساز هم منتخب شد۔ سید احمد خان در ۲۷مارس۱۸۹۸م فوت شد[۳]۔

سال تالیف:

'جام جم' از سید احمد خان در ۱۰ صفر ۱۲۵۵ھ.ق/۲۵ میی۱۸۳۹م تکمیل یافت[٤]۔

سبب تالیف:

سر سید احمد خان این اثر را برای مستررابرت نارت کولی همیلتن(Mr.Robert North Collie Hamilton) رییس کمیسیونِ آگره تالیف کرد[۵]۔

محتویاتِ کتاب:

درین کتاب مؤلف ذکر ٤۳ پادشان پرداخته است[٦]۔ سید احمد خان ذکر هر پادشاه زیرِ این عناوین بیان کرده است: ۱)شماره پادشاه، ۲)نام وخطاب های وی، ۳)نام پدر، ٤) نام مادر، ۵)خانواده او، ٦)تاریخ ولادت، ۷)جای تخت نشینی وی، ۸) عمر به وقت جلوس، ۹)تاریخ جلوس، ۱۰)قطعه تاریخ جلوس، ۱۱)عرصه پادشاهی او، ۱۲)سکه های زمان او، ۱۳)عمر به وقت وفات، ۱٤)تاریخ وفات، ۱۵)قطعه تاریخ وفات، ۱٦)خطابِ پادشاه بعد از وفات او، ۱۷)جای مدفن، ۱۸)احوال مختصر از وقایع تاریخی مهمِ وی[۷]۔

این کتاب به نام 'سلسلة الملوك' هم معروف است و در ۱۸٤۰م در آگره چاپ شده است[۸]۔

سبکِ کتاب:

۱۔ استوری،صص ٤۸٤۔٤۸۵

۲۔ همان،ص ٤۸٤

۳۔ باك لیند،ص۷

٤۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص ۱۱٤

۵۔ ریو،ج۱،ص۲۸٤/ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۱٤

٦۔ الیوت،ج۸،ص ٤۳۰/ریو،ج۱،ص۲۸٤

۷۔ الیوت،ج۸،ص٤۳۰

۸۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۱۵

سید احمد خان درین کتاب اصلاً تاریخ را بیان ننمود بلکه فقط سال تولد و وفات و جلوس وغیره را ذکر کرده است۔ این رسالۂ مختصر در ذکر اطلاعات مهمی در موردِ شاهان مسلمانان هندوستان است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

اگرچه جام جم رسالۂ مختصری است اما ازین رو خیلی ارزش مند است که دارندۂ زندگینامۂ مختصر شاهان هندوستان است۔ علاوه برین مؤلف درذکر شاهان قطعه های تاریخ هم نقل کرده است۔ افزون بران چون در تاریخ مسلمانان شبه قاره سر سید احمد خان خود مردی معروف است، جام جم ازین رو هم اهمیت بسیار دارد۔ این کار با 'مجموعه مرزا مهدی خان' خیلی مماثلت دارد که درین مقاله ذکر شده است۔

آغاز:

'از آنجا که گل زمین خیرالبقاع دهلی که پاره ای ازان وقت کردن نهال دولت شاه جهان بادشاه ثانی .....'(۱)

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این اثر در کتاب خانه جهان فراوان است که ازان نسخه کتاب خانه موزه بریتانیا، نسخه کتاب خانه بانکیپور و نسخه کتاب خانه اندیا آفیس معروف است۔ برای تفصیل این نسخه ها و نسخه های دیگر مراجع شود به مارشال،ص٤٩و استوری،ص٤٨٧۔

در پاکستان نسخه های خطی این کتاب در گنجینه شفیع لاهور و موزه پیشاور موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به فهرست مشترك منزوی،ج۱۰،ص٥٧٤۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك، ج۱۰،ص٥٧٤

تراجم و چاپ:

ترجمه فرانسوی این کتاب از توسط مستشرقِ معروف گارسین دی تاسی(Garcin de Tassy) در ٦١ـ١٨٦٠م به چاپ رسیده است[1]ـ

آثار دیگر مؤلف:

’جامِ جم‘ تنها اثرِ فارسی از سر سید احمد خان یادگار است البته به زبان اردو چند رساله ها ازو به جا مانده است۔ سید احمد خان از نظرِ نویسندۀ نثرِ اردو مردی برجسته تر به شمار می آید چون وی نگارشِ نثرِ اردو را روشِ نو داد۔

۱ـ مارشال،ص٤٩

تاریخ هنری از سید محمد باقر علی خان

شرحِ احوالِ مؤلف:

سید محمد باقر علی خان پسر شاه کلیم الله بخاری[۱] در زمان اکبر شاه دوم زندگی می کرد۔ نیای او پی در پی در خدمت سلاطین دهلی معلمِ شاهزادگان بودند و در تالیفِ 'فتاوٰی عالمگیری' و 'فتاوٰی هندی' شامل بودند[۲]۔ محمد باقر علی خان خود نیز مربی ومعلم میرزا جهانگیر و میرزا بابر، پسران محمد اکبر شاه دوم، بود[۳]۔ چون شاهزاده جهانگیر به اله آباد رفت، به سبب عدم توجهی شاهزادگان به حصول علوم، وی از اله آباد هجرت کرد و به انگلیسی ها رفت[٤]۔ مستر ویلیام دیك(Mr.W.Dick) او را منصف همیرپور تعیین کرد[۵]۔ تاریخِ هنری در بندیل کند(Bundilkhand) نگاشته شده بود[٦] و باقر علی خان این اثر را به هنری پدکاك(Henry Pidcock) معنون کرده نام این 'تاریخ هنری' نهاد[۷]۔

سال تالیف:

تاریخ هنری در ۱۲۵۱ه.ق/۱۸۳۵ م نگاشته شده بود[۸]۔

سبب تالیف:

در سبب تالیف این کتاب الیوت از مقدمه این کتاب نقل می کند که روزی مؤلف هنری پدکاك رادر خواندنِ کتابِ تاریخی مشغول دید و حس کرد که هنری پدکاك برای خواندن تاریخ قدیم خیلی تشویق دارد و همین چیزی سبب تالیف این کتاب شد[۹]۔

محتویاتِ کتاب:

۱۔ ریو،ج۳،صص۱۰۵۲۔۱۰۵۳

۲۔ الیوت،ج۸،ص٤۱۵

۳۔ نبی هادی،ص۱۲۲

٤۔ الیوت،ج۸،ص٤۱۵

۵۔ همان ٦۔ همان

۷۔ همان،ص٤۱٤

۸۔ مارشال،ص۱۰۷

۹۔ الیوت،ج۸، ص٤۱۵

تاریخ هنری کتابی در تاریخ عمومی است۔ باقر علی خان این کتاب را در یك مقدمه، پنج باب و یك خاتمه پرداخته است۔ تفصیل این کتاب به مطابق الیوت چنین است: در دیباچه مؤلف سبب تالیف کتاب با شعر ها در مدح کارکرد های انگلیسی ها و چارلس میتکاف(Charles Metcalfe) بیان نموده است۔ **مقدمه** از ذکر آدمؑ آغاز می شود و دارنده ذکر انبیا، اولیا و فلاسفه است۔**جلد اول:** در شرحِ احوالِ کیانی ها، اموی ها، عباسی ها و چنگیز خانی ها است۔ **جلددوم:** در موردِ امیر تیمور گورگانی و جانشینانش تا جنگ بکسر بیان شده است۔ **جلد سوم:** درباره راجه های هندو است که پیش از فتح مسلمانان می زیسته اند۔ **جلد چهارم:** در بیان غزنوی ها وپادشاهان دهلی تاظهیر الدین بابر گورگانی است۔ **جلد پنجم:** دارندۀ تاریخ سلجوقی ها، صفوی ها، اسماعیلی ها و برخی دودمان های دیگر است۔ **خاتمه** کتاب در بیان هفت اقلیم با آگاهی های جغرافیایی و عجایب وغرایب دنیا است[(۱)]۔

مآخذ ومنابع تاریخ هنری:

درباره منابع این کتاب الیوت می گوید که این کتاب چکیده مرآة آفتاب نما است و فقط در بُندیل کند(Bundil Khand) معروف است که جای نوشتن این کتاب است[(۲)]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

الیوت در موردِ تاریخ هنری می گوید که این کتاب گزیده ای از 'مراة آفتاب نما'(از شاهنواز خان هاشمی که تاریخ جهان است) است و مولف خود به این چیزی اشاره ای نکرده است۔ او مزید می گوید که این اثر هیچ چیزی اصلی ندارد۔ به واژه خودِ او ("There is nothing original in the whole work.")و استوری هم ازو اتفاق می کند۔ اما چون مرآة آفتاب نما و تاریخ هنری هر دو تاریخ عمومی است، ما می توانیم بگوییم که باقر

۱۔ الیوت،ج۸، صص ٤١٤۔٤١٥

۲۔ همان، ص٤١٥

علی خان در تتبع شاهنواز هاشمی این اثر را تالیف کرد، ولی باید که مؤلف به این چیزی اشاره کرده باشد۔ اگرچه باقر علی خان تاریخ هنری را به مرد انگلیسی معنون کرده اما در آغاز کتاب بر عقیده تثلیث به اندازِ خفی نکوهش کرده است[۱]۔

تاریخ هنری، به این علت که برابر احوال تاریخی آگاهی های جغرافیا و هفت اقلیم و عجایب و غرایب دنیا هم دارد، بسیار ارزشمند است۔

نسخه های خطی:

واحدنسخه خطی معلوم تاریخ هنری در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره۲۰۵۸ .Or برگ ۷۲ تا ۱۳۱ موجود است۔ این نسخه کامل نیست بلکه چکیده ای ازین کتاب است۔

تراجم و چاپ:

ترجمه چکیده تاریخ هنری به زبان انگلیسی در موزه بریتانیابه شماره۳۰۷۸۱ .Add برگ ۱۱۸ تا ۱۴۰ موجود است[۲]۔ ترجمه انگلیسیِ چکیدۀ دیباچه در تاریخ الیوت،جلد ۸ بر صفحه ٤۱۵ داده شده است۔

۱۔ الیوت، ج۸،ص٤۱۵

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵۳

سلطان التواریخ از رتن سینگ زخمیؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

فخرالدوله دبیرالملك راجه رتن سینگ پسر رای بالك رام متخلص به زخمیؔ از خانواده سکسینه کایسته بود [۱]- رتن سینگ در شب یکشنبه ۲۳ محرم۱۱۹۷ ه.ق/ ۹ دسامبر۱۷۸۲ م چشم به دنیا کشود [۲]- اجدادش پشت ها پشت در ملازمتِ شاهان اوده بودند- پدرِ بزرگ او راجه بگوان داس(BhagwanDas) ،اتالیق و دیوانِ نواب آصف الدوله بودو به این علت خانوادۀ ایشان در لکنو به نگاهِ احترام دیده می شد [۳]- پدرِ وی رای بالك رام متخلص به صبوریؔ در دولتِ نواب آصف الدوله 'میرآتش' بود و توپخانه بالك گنج در لکنو هنوز به نام وی معروف است [٤]- رتن سینگ در ۱۲۱۸ ه.ق به کلکته رفته بود و آنجا چند سال در شرکت انگلیسیِ هند شرقی ملازمت کرد [٥]- درزمان غازی الدین حیدر و نصیرالدین حیدر به لقب و منشی الملوکی ملقب و مامور گردید و در زمان محمد علی شاه به سمت دیوانی آن ریاست و به لقب مهاراجگی مفتخر گشت و بالآخره وزیرِ دارایی اوده شد[٦]- اما در ۱۲۳۰ ه.ق به لکنو بازگشت و وزیر دارای شاهانِ اوده شد[۷]-اگرچه رتن سینگ از لکنو تعلق داشت و آنجا وزیر دارای هم بود اما خانواده و جاگیرش در بریلی بود[۸]- ریو القاباتِ رتن سینگ را این طور بیان نموده است 'منشی الملوك فخرالدوله دبیرالملك راجه رتن سینگ بهادر هشیار جنگ'[۹]- در سال ۱۲٦۳ ه.ق زخمیؔ مسلمان شد و بعد از سه سال در ۱۲٦۷ ه.ق فوت کرد[۱۰]- اما نبی هادی سال وفاتِ رتن سینگ زخمیؔ

۱- استوری،ص۷۰۹

۲- استوری،ص۱۳۲۸/ نقوی،دکتر علیرضا،تذکره نویسی در هند وپاکستان،ص۵۲۲

۳- نبی هادی،ص٦۳٤

٤- نقوی،دکتر علیرضا،تذکره نویسی در هند وپاکستان،ص۵۲۲

٥- استوری،ص۷۰۹

٦- نقوی،دکتر علیرضا،تذکره نویسی در هند وپاکستان،ص۵۲۳

۷- استوری،ص۷۰۹ ۸- اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۵۹۱ ۹- ریو،ج۳،ص۹٦۲

۱۰- نقوی،دکتر علیرضا،تذکره نویسی در هند وپاکستان،ص۵۲۳

١٢٦٨ ھ.ق/ ١٨٥١م نوشته است[1]۔

سال تالیف:

در موردِ سالِ تالیفِ سلطان التواریخ از رتن سینگ زخمیؔ قضاوتِ حتمی برای نگارنده این سطور امکان پذیر نیست۔ نسخه ای که در موزه بریتانیا نگهداری می شود دارندۂ احوال تا ١٢٦٥ ھ.ق/١٨٤٩م است۔ اگرچه مؤلف این کتاب را به معین الدین سلطان الزمان محمد علی شاه معنون کرده است که در ١٢٥٨ ھ.ق فوت شده بود و اینطور این اثر پیش از وفاتِ او نوشته شده باشد۔ اما تاریخِ وفاتِ او ٥ ربیع الثانی ١٢٥٨ ھ.ق در آخرِ این کتاب هم درج است[2]۔ قرینِ قیاس است که این تاریخ بعداً درین نسخه نوشته باشد۔ این هم ممکن است که بعد از وفاتِ او این کتاب را به او معنون کرده باشد۔ البته این قدر مسلم است که این کتاب حدودِ ١٢٥٨ ھ.ق نگاشته شده بود۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب مشتمل برتاریخِ خانواده شاهان اوده از آغاز تا وفات محمد علی شاه در ١٢٥٨ ھ.ق/ ١٨٤٢م است۔ مؤلف درین کتاب نسب نامۂ شاهانِ اوده تا آدمً هم داده است۔ این کتاب منقسم در دوازده باب است که تفصیلش چنین است: باب یکم:از آدمً تا نوحؑ، ٢: از یافث آغاز می شود، ٣:چهار شهزاده های ترکمان یعنی قرا محمد، قرا یوسف، اسکندر و جهان شاه و اولادِ ایشان، ٤: منصور مرزا و جانشینانش، ٥:برهان الملك سید سعادت علی خان، ٦: صفدر جنگ، ٧: شجاع الدوله، ٨: آصف الدوله، ٩: سعادت علی خان، ١٠: شاه زمان غازی الدین حیدر، ١١: سلیمان جاه ناصر الدین حیدر، ١٢: ابوالفتح معین الدین سلطان الزمان محمد علی شاه[3]۔

١۔ نبی هادی،ص٦٣٤

٢۔ ریو،ج٣،ص٩٦٢

٣۔ همان

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب دارنده تاریخ شاهان اوده از آغاز تا زمانِ تالیف است۔ یکی از خصایص مهمی این کتاب اینست که مؤلف درین کتاب نسب نامه شاهان اوده از آدمً هم نگاشته است۔ چون پدرِ مولف اتالیق و دیوان آصف الدوله بود ورتن سینگ خود وزیر دارای لکنو بود، بر اخبارِ جاریه آن زمان خوب آگاه باشد۔

آغاز:

'سر بلندی پایه سخن بی من ستایش رفیع بارگاهی............'[۱]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی این اثر در کتابخانۂ موزۂ بریتانیا به شماره Or. ۱۸۷٦ نگهداری می شود و ۳۱۹ برگِ یازده سطری دارد۔ نسخه خطی دیگر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۳۹٦۱ هم موجود است[۲]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔ **دیوان زخمیؔ:** دارای غزلیات و رباعیات و مخمسات است[۳]۔

۲۔ **جام گیتی نما:** رساله ای بر علم فلسفه که در ۱۲۱٦ ھ.ق نوشته شده بود[٤]۔

۳۔ **معیار الازمان:** این رساله در موردِ زمان های مختلفه در ۱۲۳٤ ھ.ق/۱۸۱۹م نوشته شده بود[٥]۔

٤۔ **انیس العاشقین:** تذکره شعرای قدیم و جدید به ترتیب الفبای است که در ۱۲٤٥ ھ.ق/ نوشته شده بود[٦]۔

٥: **حدایق النجوم:** کتابی در موردِ علم نجوم است که رتن سینگ این اثر را در

۱۔ ریو،ج۳،ص۹٦۲

۲۔ استوری،ص۷۰۹

۳۔ مارشال،ص٤۹۸

٤۔ ریو،ج۳،ص۱۰۹٦

٥۔ مارشال،ص٤۹۸

٦۔ استوری،ص۸۹۰

۱۲۵۳ھ.ق/ ۱۸۳۷م نوشت[۱]۔

٦۔ **شرح گل کشتی:** رتن سینگ این رساله را بر مثنوی عبدالنجات به نام 'گل کشتی' به دستورِ مرزا محمد حسن قتیلؔ در ۱۲۳۰ھ.ق/ ۱۸۱٤م نوشته بود و به غازی الدین حیدر معنون کرده بود[۲]۔

یادداشت: مارشال سال تالیف این شرح ۱۱۱۲ھ.ق/ ۱۷۰۰م نوشته است حالانکه رتن سینگ خود در ۱۱۹۷ھ.ق متولد گردیده بود۔ ۱۱۱۲ھ.ق/ ۱۷۰۰م اصلاً سال تالیف 'گل کشتی' از عبدالنجات نجاتؔ است[۳]-

---

۱۔ مارشال،ص٤۹۸

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱۷۵

۳۔ همان

گلزار آصفیه / تاریخ گلزار آیینه[۱] / تاریخ قطبشاهیه[۲]

از خواجه غلام حسین خان خانزمان

شرحِ احوالِ مؤلف:

خواجه غلام حسین خان ملقب به خانزمان پسر محمد باقر خان در ۱۱۹۹ه.ق/ ۵_۱۷۸٤ م چشم به جهان گشود[۳]۔ پدرِ بزرگش حکیم محمد صابر خان وپدرش حکیم الممالك مسیح الدوله خواجه محمد باقر خان معالجِ نظام علی خان آصف جاه بودندو نظام، خواجه محمدباقر خان را جاگیرِ هفت هزار ذات بخشیده بود[٤]۔ خواجه محمد باقر خان در ۱۲۰۳ه.ق/ ۱۷۸۸ م فوت شد و بعد از وفات پدر، خانزمان در عسرت و تنگ دستی به سر برد[۵]۔ در ۱۲٤۰ه.ق/ ۱۸۱٤م میر اکبر علی خان به نام سکندر جاه مسند نشین گشت و غلام حسین خان را 'تعلقه دارِ دواخانۀ خاص' مقرر کرد[٦]۔بعد از سکندر جاه، میر فرخنده علی خان ناصرالدوله هم غلام حسین خان و برادرش را بر همان عهده مامور گردانیده بود[۷]۔

در فهرستِ کتابخانه آصفیه جلد سوم سالِ وفات خانزمان خان ۱۲٦۰ه.ق/ ۱۸٤٤م آمده است اما استوری ازین اتفاق نکرده این را سالِ تالیف گلزارِ آصفیه قرار داده است[۸]۔ اما اگر سالِ تالیفِ این کتاب ۱۲۵۸ه.ق است که ذکرش آینده می آید، ممکن است که مؤلف در ۱۲٦۰ه.ق در عمرِ شصت سالگی فوت کرده باشد۔

سال تالیف:

۱_ وحیدمرزا،دکتر،پاك و هند،ج۵،ص۵۱۷

۲_ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۸۲

۳_ استوری،ص۷۵۵

٤_ وحیدمرزا،دکتر،پاك و هند،ج۵،ص۵۱۸

۵_ همان

٦_ استوری،ص۷۵۵

۷_ همان

۸_ همان

در خاتمه کتاب مؤلف ذکر کرده است که ا و این کتاب را در مدتِ سه سال به تکمیل رساندو سال تالیف این از "به ز باغِ ارم" (۱۲۵۸ ھ) به دست می آید:

ـ سال تاریخ این خجسته رقم

یافت از لفظ 'به ز باغ ارم'[۱]

این طور این کتاب در ۱۲۵۸ ھ.ق/ ۱۸۴۲ م تالیف شده بود [۲]۔ اگرچه استوری سال تالیف این کتاب ٤ جمادی الآخر ۱۲٦۰ ھ.ق/ ۱۸٤٤ م بیان نموده است ولی مآخذ این تاریخِ تالیف را ذکر نکرده است [۳]۔ البته در آخرِ کتاب چاپی این عبارت نقل شده است **'از اصل نسخه مصنف کتاب گلزار آصفیه که به خط خود تمام نموده بود، نقل هذا گرفته شد و در اختتام چنین عبارت مقلومه مصنف مرحوم است(امروز که روز پنجشنبه چهارم ماه جمادی الثانی سنه یك هزار ودوصد و شصت هجریست این تاریخ گلزار آصفیه تصنیف عاصی به خط عاصی به اختتام و انصرام رسید)'**[٤]

محتویاتِ کتاب:

گلزار آصفیه تاریخ شاهان قطب شاهیان و نظام شاهیان دکن است۔ این کتاب مشتمل بر مقدمه و چهار باب و یك خاتمه است۔ تفصیل کتاب چنین است؛ در **مقدمه** مؤلف احوال خود و خانواده خود بیان کرده است۔ **باب یکم** در بارۂ اماکن و بلاد و قلعه ها و باغ ها و عمارات شاهی مانند گوشه محل، چار محل، چار مینار، حمام، عاشوره خانه وغیره است و علاوه برین مؤلف درین باب تاریخِ شاهانِ قطبشاهی هم به اختصار بیان نموده است۔ درین ضمن می گوید: **'چون بنای قلعه محمد نگر گولکنده و کیفیت معموری و آبادی بلده فرخنده بنیاد حیدرآباد و بعضی اماکنِ مقدسه مرتفعه و عماراتِ بلند پایه ستوده**

۱۔ خانزمان خان، خواجه غلام حسین، گلزار آصفیه چاپی، به اهتمام مهدی توسلی، ص٦٤٧

۲۔ نبی هادی، ص۲۰۱

۳۔ استوری، ص۷۵٦

٤۔ خانزمان خان، خواجه غلام حسین، گلزار آصفیه چاپی(ترقیمه)، به اهتمام مهدی توسلی، اسلام آباد، ۱۹۹۹م

منحصر به ادراکِ احوالِ سلاطینِ قطبشاهیه دکن ربطِ تمام دارد، لهٰذا در این مختصر شریك کرده...'[۱]- در آخرِ این باب انضمامِ سلطنتِ قطبشاهیه در سلطنتِ تیموریان در روزگارِ اورنگزیب و ماموریتِ شاهزاده کام بخش به استانداری دکن بیان شده است [۲]- **بابِ دوم** در ذکرِ قیامِ سلطنتِ آصفجاهی است و دارندۀ تاریخ هفت شاهانِ آصفجاهی از نظام الملك آصفجاه اول تا آصفجاه چهارم میر فرخنده علی خان است [۳]- **باب سوم** پیرامونِ علما و مشایخ است- محتویات این باب از عنوانِ کاملِ این روشن می شود که'**در ذکرِ احوالِ وزیران و امیران و سروران و منصبداران، نیز در احوالِ فقرا و علما و فضلا و حکما و شعرا مع اشعارِ ایشان و منجمان و هییتی و رمال و خوشنویسان و حفاظِ کامل القراة شیرین مقال و سردارانِ قوم افغانان سنت و جماعت و افغانانِ قوم قایم خانی و مهدوی**' است[٤]- مؤلف ذکرِ علما و فضلا به ترتیبِ الفبای کرده است و درین مسلمانان و هندو هر دو شامل اند[۵]- علاوه برین درین باب مؤلف ملازمینِ نظامی و دیگر ملازمینِ سرکار چون چوبدار، خدمتگار، فراش، هرکاره ها، داروغه وغیره را بیان کرده و در موردِ مطبخِ شاهی، اسپ ها، شتر خانه، فیل خانه، توپخانه چیز های جالب بیان نموده است[٦]- **باب چهارم** در بیان شش ایالت های دکن(اورنگ آباد،خاندیس،برار،بیدر، بیجاپور،حیدرآباد) و تحایفِ هرجا و احوالِ بزرگان که آنجا آسوده اند- بعد ازان احوالِ عرسِ امیرالمومنین حضرت علیؑ ابن ابی طالبؑ در 'کوه شریف'، رسوماتِ هندوی و احوال عشرۀ محرم الحرام در حیدرآباد را بالتفصیل بیان کرده 'علم خاتون' را چنین ذکر کرده است:

"روز دهم محرم روزِ حشر و نشرِ حیدرآباد است و به همین صورت علم مبارك قریب سه پهر روز از زیر چار مینار و چار کمان در مکانِ قدم رسول صلی الله علیه وآله وسلم می

۱- نوش آبادی،تاج الدین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص٦٣٦
۲- وحیدمرزا،دکتر،پاك و هند،ج۵،ص۵۱۸
۳- همان
٤- همان،ص۵۱۹
۵- همان
٦- همان،صص۵۱۹-۵۲۰

رسد و زن و مرد جمع شوند که علمِ خاتونِ محشر علیها السلام در مکان قدم مبارک پدر عالی مقدار خود یعنی جناب رسالت مآب صلی الله علیه وآله وسلم برای فریاد و استغاثه از دستِ امت آمده است که فرزندانِ مرا ناحق با اولادِ صغیر و برادران و خویشان و رفیقان کشته، سرِ عالیش را شهر به شهر، کوچه به کوچه، در به در گردانیده .... آیا کدام تقصیرِ شما کرده بودند؟امروز که روزِ نمونه حشر است ومن در جنابِ شما فریادی ومستغاثی داد خواه آمده ام تا به فریاد من رسند۔پس به این خیال علم را خم کرده گوشه به گوشه می گردانند گویا کسی تلاشِ کسی می کند و می جوید، پس خلایق از دیدن این حالی قریب می شود که خود را از دستِ خود بکشند .... هر کسی که این معامله به چشم خود بیند او تمام عمر این غم و الم را فراموش نخواهد کرد'[۱]۔

خاتمه' کتاب بر دو فصل مشتمل است؛ فصل اول در بیانِ ورودِ وکلای انگلیسی و ملازم شدن جمعیت انگلیسی به دکن است۔ درفصل دوم نخست چندی عجایب را بیان کرده است[۲] درهمین فصل بیان آبادی بیگم بازار و بازرگان های آنجا را ذکر نموده با برخی احوالِ سرود سرایان و موسیقی دانان، قوالان، نقارچیان، شطرنج بازان و مراسم های هندووان چون دیوالی و بسنت و هولی به پایان می رسد[۳]۔

در کتاب چاپی ترتیب ابواب چنین است: **باب اول**: در ذکر سلاطین قطب شاهیه، **باب دوم**: ذکر سریر آرایان دولت آصفیه، **باب سوم**: ذکر احوال وزیران و امیران و سرداران و منصبداران دربار جهان مدار آصفیه، **باب چهارم**: ذکر جمع کامل شش صوبه مملکت دکن معه بیان عرس کوه شریف و ذکر عشره محرم الحرام اورنگ آباد، **خاتمه کتاب**: در دو فصل بیان شده است؛ یکم: ذکر احوال ورود وکلای انگریزی در سرکار و ملازم شدن جمعیت انگریزی، دوم: آبادی بیگم بازار و ساهوان آنجا وغیره[۴]۔

۱۔ وحیدمرزا،دکتر،پاک و هند،ج۵،صص۵۲۰۔۵۲۱

۲۔ همان،ص۵۲۱

۳۔ همان

۴۔ همان

سبكِ کتاب:

این کتاب به سبکِ ساده و فارسی سلیس نوشته شده است[1]۔ علاوه برین مؤلف درین کتاب بسیار واژه های محلی هم به کار برده است،چون گهات،چاوری وغیره۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

درین کتاب علاوه بر تاریخ آگهی های مهمی و جالب است که در هیچ تاریخِ دیگر به دست نیاید، چون ذکرِ قلعه ها و باغ ها و ساختمان های شاهی، احوالِ وزیران و امیران و سروران و منصبداران، نیز در احوالِ فقرا و علما و فضلا و حکما و شعرا مع اشعارِ ایشان و منجمان و هیبتی و رمال و خوشنویسان و حفاظ که با ذکرِ ایشان این کتاب مانندِ تذکره شده است و احوالِ سرود سرایان و موسیقی دانان، قوالان، نقارچیان، شطرنج بازان و مراسم های هندووان چون دیوالی و بسنت و هولی وغیره۔کتابِ وی از بهترین منابع در شناختِ تاریخ آصف جاهیان به شمار می رود[۲]۔ مؤلف چون معرفی درباره شاعران و نویسندگان می نماید، کلام فارسی یا ریختهٔ ایشان به طور نمونه هم نقل کرده است۔

آغاز:

'سبحان الله زهی خالقی که مشتِ خاکِ انسان را به حله های بوقلمون کمالات بیاراست و.......'[۳]

نسخه های خطی:

استوری هیچ نسخه خطی این کتاب را ذکر نکرده است اما مارشال یکی نسخه ای در کتاب خانه شخصی را ذکر نموده است که مشتمل بر چهار صد صفحه است[1]۔ از دو نسخهٔ خطی موجود در پاکستان یکی در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی و دیگری در

۱۔ وحیدمرزا،دکتر،پاك و هند،ج۵،ص۵۲۲

۲۔ نوش آبادی،تاج الدین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش۱،ص٦۳٦

۳۔ خانزمان خان،خواجه غلام حسین،گلزار آصفیه چاپی، به اهتمام مهدی توسلی،ص۲

٤۔ مارشال،ص۱۵٦

مولتان موجود است[1]۔

تراجم و چاپ:

گلزارِ آصفیه در مطبعِ محمدی بمئبی در ۱۳۰۸ ه.ق / ۱۸۹۱ م به چاپ رسیده است[2]۔ در فهرستِ آصفیه جای تالیف لکنو نوشته است که غلط است[3]۔ کتابی که ازو دکتر وحید مرزا در تاریخِ ادبیاتِ مسلمانانِ پاکستان و هند، ج۵،ص۵۱۷-۵۲۲ بهره برده است هم در مطبعِ محمدی بمئبی در ۱۳۰۸ ه.ق چاپ شده بود۔ این کتابِ چاپی ٦٤٧ صفحه دارد[4]۔ تاریخِ گلزارِ آصفیه به اهتمامِ محمد مهدی توسلی در مرکزِ تحقیقاتِ فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد در ١٤١٩ ه.ق/١٩٩٩ م چاپ و منتشر شده است اما این کتاب عکسِ همان گلزارِ آصفیه است که در مطبعِ محمدی به فرمایش سید رستم علی، در ۱۳۰۸ ه.ق به چاپ رسیده بود و عکسِ همان ٦٤٧ صفحۀ چاپ سنگی دارد و مهدی توسلی بران پیش گفتار و مقدمه افزوده است۔

۱۔ برای تفصیل این نسخه های پاکستان رجوع کنید به فهرست مشترك منزوی، ج ۱۰، ص ۵۸۳

۲۔ استوری، ص٧٥٦

۳۔ همان

٤۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج ۱۰، ص ۵۸۲

تاریخ پنجاب/شیر سینگ نامه[1] از محمد نقی پشاوری

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد نقی پشاوری پسر ملا خواجه بخش[2] تاریخ نگار قرن سیزدهم هجری شبه قاره بود۔ از تاریخ تولدش هیچ اطلاعی به دست نیامد البته این قدر معلوم شده است که نیاگانش از لاهور علاقه داشتند[3]۔ محمد نقی نزدِ ۱۲۵۰ ه.ق در لاهور بود و وقایع تاریخی که درین کتاب بیان نموده است با چشم خود ملاحظه کرده بود۔ وی وزیر راجه دلیپ سینگ هم بوده است[4]۔ از تاریخ مرگش هم اطلاعی در دست نیست اما تا ۱۲٦٤ ه.ق در لاهور بود، چون در نسخه خطی 'تاریخ پنجاب' در دانشگاه پنجاب لاهور، گنجینه آذر به شماره H- ۱٥۳ که دستنوشتهٔ ۱۲٦٤ ه.ق است، در ترقیمه آمده است که کاتب 'شیخ احمد پرسروری وقتی که به خدمتِ مصنف این کتاب در مقام لاهور بود'[5]۔

سبب تالیف:

محمد نقی پشاوری این اثر را حسب خواهش بخشی بگت رام (BhagatRam) نوشته شده بود[6] اما وی این اثر را به هیرا سینگ معنون کرده بود[7]۔ در تمهیدِ کتاب در تعریف بگت رام نوشته است؛

۔'زهی فرخنده فرجامی که می نامند در عالم
سحاب جود و دریای کرم بخشی بگت رامش'[8]

سال تالیف:

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱٦۲٥،ش۲۹۹۱

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٥۲(خضر نوشاهی در فهرست گنجینه آذر نام پدرش ملا خدا بخش نوشته است)۔

۳۔ استوری،ص٦۷۰

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۳٤

٥۔ نوشاهی،خضرعباس،گنجینه آذر،ص۳۹٥

٦۔ اته، اندیا آفیس،ج۱،ستون ۲۰۰،ش٥۰٥/ریو،ج۳،ص۹٥۲

۷۔ ریو،ج۳،ص۹٥۲

۸۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص٤۹

این اثر دارندۂ احوال تا ۱۲۵۹ھ.ق/۱۸۴۳م است۔ محمد نقی پیشاوری این اثر را در ۱۲۵۹ھ.ق/۱۸۴۳م نگاشته بود[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

این تاریخ مختصر دارندۂ احوال چهار سال پس از مرگ رنجیت سینگ ۱۲۵۵ھ.ق، قتلِ شیر سینگ، استقرارِ مجددِ دستور از راجه هیرا سینگ تا تاج گزاری راجه دلیپ سینگ ۱۲۵۹ھ.ق است[۲]۔

سبکِ کتاب:

دکتر ظهور در موردِ سبك این کتاب نوشته است که 'شیر سینگ نامه' به عبارت آراسته به صنایع بدایع نوشته شده است و مؤلف درین کتاب اصطلاحاتِ صرف و نحو، نجوم،طب و شطرنج به کار برده است که از فهم قاری عمومی بالاتر است[۳]۔ این تاریخ در سبك مصنوع نوشته شده بود ـ به واژۂ ریو؛

"The work, which is written in a diffuse and stilted style, is dedicated to Hira Singh, to whose service the author appears to have been attached."[٤]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

چون از نامِ مؤلف 'محمد نقی پیشاوری' عیان است که او زندگانی خود را در پیشاور گزراند۔ اما اجدادش از لاهور تعلق داشتند۔ مؤلف خود وقایع تاریخی که درین کتاب بیان کرده است با چشم خود در لاهور ملاحظه کرده بود و اینطور این کتاب بسیار ارزشمند است۔ اگرچه این اثرِ مختصر مشتمل بر مدتِ چهار ساله است اما تاریخ نویسندگان درموردِ تاریخ سیك ها عموماً تاریخ ده گورووانِ سیك ها یا عهدِ رنجیت سینگ پرداخته اند۔ اما

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۷۷

۲۔ ریو،ج۳،ص۹۵۲

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤،ص۵۱

٤۔ ریو،ج۳،ص۹۵۲

محمد نقی پیشاوری درین تاریخ آن وقایع تاریخی را بیان نموده است که بعد از وفات رنجیت سینگ به وقوع آمد۔

مماثلت میانِ تاریخ پنجاب و شیر سینگ نامه:

اگرچه منزوی در فهرست مشترك و فهرستواره کتاب های فارسی اشتباه کرده است که آیا این دو کتاب یکیست یا نه۔ در نظر نگارنده این سطور این هر دو کتاب یکی است چون؛

☆آغاز هردو کتاب در فهرست های نسخه خطی یکی آمده است۔

☆هر دو کتاب حسب فرمایش بخشی بگت رام نوشته شده بود۔

☆استوری هم فقط یك کتاب شیر سینگ نامه را ذکر نموده است۔

☆محتویات هر دو کتاب در فهرست های نسخه خطی یکیست۔ اگر تاریخ پنجاب و شیر سینگ نامه دو کتابِ مختلف باشد، لازم بود که محتویات این کتاب مختلف باشد۔ چون این کتاب دارنده تاریخ فقط چهار سال یعنی از ۱۲۵۵ھ.ق تا ۱۲۵۹ھ.ق است، چطور ممکن است که یکی نویسنده در مورد تاریخِ چهار ساله، دو کتاب مختلف نوشته باشد؟ علاوه برین نسخه های خطی این هر دو کتاب کم از صد برگ دارد۔

آغاز:

'بر هوشمندان خبیر و آگاه دلان روشن ضمیر که تجربت آموز عالم کون و فساد و عبرت اندوز جهان اضداد...'[1]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی شیر سینگ نامه در کتاب خانۂ موزه بریتانیا، اندیا آفیس و بادلین

۱۔ نوشاهی،عارف،فهرست موزه ملی پاکستان،ص۷۰۸

موجود است[۱]ـ نسخه خطی موزه بریتانیا برابر متن کتاب دارندۀ ۹ عکس[۲] و نسخۀ اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۰۵ دارندۀ ۱۲ عکس است[۳]ـ

در پاکستان دودستنوشتۀ این کتاب درموزه ملی پاکستان کراچی، دو در دانشگاه پنجاب لاهور و یکی به دکتر اقبال مجددی موجود است[٤]ـ در نسخه خطی شیر سینگ نامه درگنجینه آذر دانشگاه پنجاب به شماره آذر ۱۱۱ -H در کلفون نام این کتاب 'قصه مهاراجه شیر سینگ' آمده است[۵]ـ

تراجم و چاپ:

معرفی و ترجمه اقتباس های 'شیر سینگ نامه' به زبانِ انگلیسی از جے ایف بروس (J.F.Bruce) در 'مجله تاریخ هندوستان'(Journal of Indian History) در آوریل ۱۹۳۸م به چاپ رسیده است[٦]ـمنزوی هم ذکر کرده است که شیر سینگ نامه به زبان انگلیسی ترجمه شده درآوریل ۱۹٤٤م از سوی 'مجله انجمن تاریخ'(Historical Society Jornal) دانشگاه پنجاب به چاپ رسیده است[۷]ـ

آثار دیگر مؤلف:

محمد نقی پیشاوری کتابی دیگر به نام '**احوال سیالکوت**' هم نگاشته است[۸]ـ

۱ـ استوری،ص ٦۷۱

۲ـ ریو،ج۳،ص۹۵۲

۳ـ اته، اندیا آفیس،ج۱،ستون ۲۰۰،ش۵۰۵

٤ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،صص۵۷۷ـ۵۷۸

۵ـ همان،ص۵۷۸

٦ـ استوری،ص ٦۷۱

۷ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۷۸

۸ـ همان،ص ۳٤

مجمع الملوك از محمد رضا نجّم طباطبایی

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد رضا ملقب به نجم الدوله افتخار الملك حسام جنگ، متخلص به نجّم، فرزند سید ابوالقاسم طباطبایی [١]شاعر و تاریخ نویس معروف شبه قاره هند است- نیاگانش در دوره شاه عالم بهادر شاه یکم از اصفهان به هند کوچیدند و به خدمت نواب اوده صفدرجنگ (١١٦٩ تا١١٨٩ ه.ق) و جانشینان او پیوستند [٢]- نیای بزرگ او سید مرتضیٰ خان مخاطب به مختارالدوله در سال های نخستِ آصف الدوله رییس امورِ اوده بود [٣]-پدرِ محمد رضا که به کنیتِ ابو القاسم معروف است[٤] در ابتدا نایب استان دارِ بهار در پتنه بود و همانجا محمد رضا نجّم طباطبایی متولد گردید و هنگامی که نجّم هشت ساله بود پدرش به لکنو بازگشت[٥]- پدرش ابوالقاسم در زمانِ محمد اکبر ثانی (نایب؟) خانسامانِ خانوادۀ شاهی و داروغه خزانۀ شاهی بود [٦]- محمد رضا نُه سال تحصیل دارِ بریلی بوده که در ١٢٢٧ ه.ق پدرش در گذشت و وی را به دهلی فرا خواندند و منصب و لقبِ پدرش که نجم الدوله، افتخار الملك، حسام جنگ بود، به او دادند [٧]- هشت سال نجّم به دربارِ دهلی خدمت کرد و بعد ازان به پایمردی سر چارلس میتکاف(Charles Metcalfe) به ناگپور فرستاده شد و آنجا هفت سال به طور دیوانِ راجه رگو جی(Raghu Ji) خدمت کرد[٨]- پس از آن از کار های دیوانی کناره گرفت و در لکنو به کار های شخصی و علایقِ ادبی خود روی آورد[٩]- محمد رضا شاعر هم بود و نجّم تخلص می کرد- درین کتاب او اشعارِ خودش

١- منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص١٣٤

٢- برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣،ص٢٥٢٥

٣- ریو،ج٣،ص٩١٤

٤- الیوت،ج٨،ص٤٣٢، نام پدرش ابوالناظم حسنی حسینی نگاشته است

٥- ریو،ج٣،ص٩١٤

٦- استوری،ص١٤٨

٧- ریو،ج٣،ص٩١٤ ٨- همان

٩- برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٣،ص٢٥٢٦

هم آورده است۔

سال تالیف:

محمد رضا نجّم طباطبایی نوشتنِ 'مجمع الملوك' را در ١٢٦٠ھ.ق/١٨٤٤م آغاز کرد[1] وسال تالیف این کتاب بعد از ١٢٦٠ھ.ق است۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در اصل دفتر سوم 'بحر ذخار' است۔ مجمع الملوك تاریخِ عمومی جهان به ویژه ایران و اسلام وهنداست۔ این کتاب از آفرینشِ جهان آغاز شود و دارندۂ تاریخ شاهان و پیامبران و خلفا و پادشاهان و نیز تیموریانِ هند است۔ مؤلف این کتاب را در ابواب تقسیم نکرده است۔ الیوت محتویات این کتاب چنین بیان نموده است: مقدمه، راجه های هند قدیم و جوگیان؛ شاهان باستان و دیگر شاهان معاصر اسلام؛ امویان، عباسیان و شاخ های مختلف آنان؛ صفاریان، سامانیان، اسماعیلیان وغیره؛ ترك ها،سلجوقیان، اتابکان، افشاریان، ابدالیان وغیره؛ غزنویان، غوریان، خلجیان، تغلق ها و افغانان دهلی؛ شاهان جونپور، مالوه، گجرات و دکن وغیره؛ تیموریانِ هند[2]۔

آغاز:

'ستایش و نیایش لا تعد و لاتحصی ....'[3]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه محمد علی حسین، حیدرآباد نگهداری می شود که دستنوشتۂ مؤلف است[4]۔ چکیده ای ازین اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٧٤٣ از برگ ٥٤ تا ٦١ نگهداری می شود[5]۔ چکیدۂ دیگر ازین کتاب به صورت

١۔ استوری،ص١٤٨

٢۔ الیوت،ج٨،صص٤٣٤۔٤٣٥

٣۔ ریو،ج٣،ص١٠٥٣

٤۔ استوری،ص١٤٩

٥۔ ریو،ج٣،ص١٠١٤

دستنویس در موزه بریتانیا به شماره Or.۲۰۵۸ از برگ ۱٤۹ تا ۱۵۲ نگهداری می شود[۱]۔

آثار دیگر مؤلف:

اثرِ معروف و بزرگ ترینِ محمد رضا نجّم 'بحر ذخار' است که در اصل یك گونه دانشنامه است و مجموعهٔ چند کتاب های اوست۔ به قول الیوت بحر ذخار مجموعه این کتاب ها است:

مظاهر الادیان: در موردِ ادیان مختلفه به ویژه اسلام[۲]۔

منظرالعالم: در باره نجوم و جغرافیه است۔ اسم دیگر این کتاب 'خورشید لامع' هم است۔این اثر در ۱۲٦۱ ھ.ق نوشته شده بود و از 'خورشید لامع' همین تاریخ به دست می آید[۳]۔

مجمع الملوك: که موضوع کتابِ موردِ نظر است۔جزو سوم بحر ذخار است[٤]۔

مفاتیح الریاسة: تاریخ هندوستان از ۱۱۵۱ھ.ق تا ۱۲۵۱ھ.ق[۵]۔ جزو چهارم بحر ذخار است[٦]۔

اخبارات هند: تاریخ عمومی هند از آغاز تا ۱۲٦٤ ھ.ق [۷]۔وی این اثر را،به طور جزوِ پنجم بحر ذخار، به نام ایچ ایم الیوت نوشته بود[۸]۔

نغمه عندلیب: در موردِ شاعری و موسیقی و احوال شاعران است۔ این اثر در ۱۲٦۱ ھ.ق/۱۸٤۵م نوشته شده بود[۹]۔ مؤلف این کتاب را هم به ایچ ایم الیوت تقدیم کرده است و این هم جزوی از کتاب بحر ذخار است[۱۰]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵۳ ۲۔ الیوت،ج۸،ص۴۳۳ ۳۔ همان

٤۔ نقوی،دکترعلیرضا،تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان،ص٥٦۰

۵۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱٤

٦۔ نقوی،دکترعلیرضا،تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان،ص٥٦۰

۷۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱٤

۸۔ نقوی،دکترعلیرضا،تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان،ص٥٥۹

۹۔ مارشال،ص۳٦٥

۱۰۔ نقوی،دکترعلیرضا،تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان،ص٥٦۰

خالصه نامه از رتن چند

شرحِ احوالِ مؤلف:

رتن چند پسرِ رایزاده سلامت رای از مردمِ 'کلیانه'[گلیانه؟] بود و از روستای 'دانکلی' تعلق داشت [۱]۔ او از خانوادۀ رایزاده دونی چند بود که برای شعرِ فارسی و هندی شهرت داشت۔ رتن چند خود منشی به سردارِ 'اتاریواله' بود [۲]۔ او کتابِ معروفِ خود به نامِ 'خالصه نامه' در ۱۸۹۹ بکرمی(۱۲۵۹ه.ق/۱۸۴۳م) آغاز کرد و در ۱۹۰۰ بکرمی به انجام رساند [۳]۔ مؤلف از خانوادۀ علمی و ادبی علاقه داشت و علاوه بر خالصه نامه، مثنوی 'روپ نامه' و 'کرسی نامۀ گوجران' هم نگاشته بود [٤]۔ دکتر ظهور در کتابش 'پاکستان مین فارسی ادب جلد چهارم' کتابی 'وقایع جنگِ سکهان' از رتن چند هم ذکر نموده است[٥]۔

سال تالیف:

درباره سال تالیف این کتاب یك کمی اشتباه است۔ اگرچه رتن چند درین کتاب می گوید: **'کتاب را در سمت یك هزار و نه صد بکرما جی آغاز و در ماه اسوج سرانجام به اتمام کنانیده'** [٦]۔ اما این کتاب دارندۀ وقایع تاریخی تا تخت نشینی دلیپ سینگ ۱۹۰۱ بکرمی/۱۸٤٥م است[۷] و در ترقیمه کتاب هم **'تمت تمام خالصه نامه به تاریخ چهاردهم ماه چیت ۱۹۰۱'** مندرج است[۸]۔ این طور می توان گفت که این اثر در ۱۲٦۱ه.ق/۱۸٤٥م نوشته شده بود۔

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین فارسی ادب،ج٤،ص٤٤
۲۔ همان
۳۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۲۵۷
٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،صص۵۸۰۔۵۸۱
٥۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین فارسی ادب،ج٤،ص٤٦
٦۔ همان،ص٤٥
۷۔ همان،ص٤٦
۸۔ همان،ص٤٥

محتویاتِ کتاب:

این کتاب مشتمل بر تاریخِ سیك ها در سرزمینِ هند است۔ در آغازِ کتاب مؤلف در بارۂ شاهانِ اسلام می نالد که ایشان هندووان را به زور مسلمان کردندتا پروردگار در ۱۵۲٦ بکرمی 'نانك' را برای رهایی فرستاد۔ این کتاب دارندۂ احوالِ ده تن از گورووانِ سیك هاست یعنی از گورو نانك تا گورو گوبند سینگ که سازمانِ نوین برای سیك ها بنا نهاد۔ همین گوبند سینگ بود که برای مریدان واژۂ 'سینگ' وضع کرده بود۔ مؤلف درین کتاب یورش های احمد شاه و نادر شاه درانی را هم ذکر کرده است۔ او می نویسد که احمد شاه درانی سرِ سیك ها را می خرید و از سرِ ایشان مینار ها می ساخت۔ می گوید که یکی از آن مناره ها به نامِ 'شهید گنج' نامیده شده است۔ او گروه های مختلف سیك ها را پیرامونِ 'مثل' ها ذکر نکرده بلکه فقط این قدر بیان نموده که فلان سردار به فلان مقام قابض شده بود۔ سپس مؤلف احوالِ رنجیت سینگ و نیاگانش را به تفصیل ذکر کرده است و نظم و نسقِ سرزمینِ ایشان را تفصیل هم داده است[1]۔ در آخر کتاب مؤلف فرمانروایان افغانی و انگلیسی و ستم آنان و در پایان فرمانروایان سیك ها از ۱۸۹٦ تا ۱۹۰۱ بکرمی/ ۱۸٤۰ تا ۱۸٤۵م را آورده است که بیشتر ازان دیده های خود اوست[۲]۔

سبكِ کتاب:

اگرچه به روشِ فارسی نویسان زمان تیموریان متاخر این کتاب به سبك ساده و روان نگاشته شده بود اما مؤلف درین کتاب سال های هندی(بکرمی) به کار برده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

بیشتر وقایع که درین کتاب ذکر شده مؤلف با چشمِ خود ملاحظه کرده بود اما در

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج ٤،صص ٤٥۔٤٦

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج ۱۰،ص ٥٨۰

موردِ مسلمانان او وقایع شنیده را راست فهمیده، اکتفا نموده است۔ خالصه نامه از رتن چند کتابی مفصل بر تاریخِ سیك ها است۔ در خصوص پیرامونِ رنجیت سینگ که از ولادت تا وفاتِ او همه احوال را با تفصیل ذکر کرده است۔

آغاز:

'زهی شکر و ثنای بارگاه نقشبندی رواق نیلوفری را.......' [1]

نسخه های خطی:

واحد نسخهٔ معلوم خالصه نامه از رتن چند در کتابخانهٔ دانشگاهِ پنجاب به شماره ۷۳/ PeIII/ ۲۱۳٤ نگهداری می شود[2]۔

آثارِ دیگرِ مؤلف:

علاوه بر خالصه نامه رتن چند یکی مثنوی' روپ نامه' در گزارشِ احوالِ راجه روپ چند و اولادش در هفت باب و 'کرسی نامهٔ گوجران' با دیباچهٔ منظوم در پنجابی هم نوشت[3]۔ دکتر ظهور در 'پاکستان میں فارسی ادب ' جلد چهارم کتابی از رتن چند به نام 'وقایع جنگِ سکهان' را ذکر کرده است که در بیانِ جنگِ پهیرو وجنگِ سبراهه است[4]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۲۵۷

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۸۰

۳۔ همان،صص۵۸۰۔۵۸۱

٤۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان میں ...،ج٤،ص٤٦

تاریخ اوده از سید کمال الدین حسینی حیدری[۱]

شرحِ احوالِ مؤلف:

سید کمال الدین حیدر حسنی الحسینی المشهدی طون طبسی معروف به سید محمد میر صاحب زایر [۲] نویسنده این کتاب در لکنو به دنیا آمد[۳]۔ کمال الدین به زبان انگلیسی بسیار دسترس داشت و از زبان انگلیسی بسیاری کتاب های علم نجوم و ریاضی ترجمه کرده بود [٤]۔ وی در زمان ناصر الدوله محمدعلی شاه (۵۸_۱۲۵۳ھ.ق)، در رصدخانه اوده به طور مترجم کار می کرد [٥]۔ پیش از نوشتن این کتاب حد اقل نوزده آثارِ علمی را ترجمه کرده بود که بسیاری ازان به چاپ رسیده است[٦]۔ در ترجمه اردویی تاریخ اوده چاپی چهارده اثر از وی به شمول 'تاریخ اوده' نوشته شده است[۷][۸]۔

اسپرنگر، در دیباچۀ فهرستِ کتاب خانه شاهان اوده جلد اول، وی را منشی رصدخانه نوشته است۔ به نوشته اسپرنگر؛'در ۱۸٤۹م کمال الدین حیدر منشی رصدخانه، برای توجه دربار اوده،تاریخ اوده نوشته بود۔ دران کتاب دو عبارت بادشاه وقت را برانگیخت و وی از بیم انتشارِ کتاب، دستور بستنِ رصدخانه و ممنوعیت چاپ کتاب در لکنو صادر کرد' [۹]۔ مؤلف خود درین مورد در ذکر بیستِ جلد دوم به عنوان 'برگشتگی تقدیر این عاصی پر معاصی و موقوفی عمله رصد خانه سلطانی' نوشته است ۔

این کتاب حسب الحکم میر دبیر هنری الیوت به موافق روشِ اروپیان نوشته شده است۔ دکتر اسپرنگر بران تجدیدِ نظر کرد۔ "روزی قطب الدوله مقرب خاص بادشاه ، با

۱۔ ریو،ج۳،ص۹٦۲

۲۔ سرورق ترجمه اردویی تاریخ اوده چاپی

۳۔ دُگ بُجی سینگ بهادر،تقریظ ترجمه اردویی تاریخ اوده،ج۱،ص۳

٤۔ نبی هادی،ص۲۹۳ ٥۔ استوری،ص۷۱۰

٦۔ ریو،ج۳،ص۹٦۲

۷۔ تاریخ اوده ترجمه اردویی،ج۱،ص٦۲

۸۔ کمال الدین حیدر گفته است که' این کتاب در۱۸ یا ۱۹ جز بود که اکنون ۸۰،۹۰ جز شده است' اینجا وی 'جُز'گفته است نه 'اثر'۔ شاید همین جز را نویسندگان بعدی بر اثر محمول کردند۔

۹۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،دیباچه صفحه شش

پادشاه آنرا ذکر نمود..... قطب الدوله مسوده را برخواست۔ بادشاه احوال جنت مکان رادید وپسند فرمود امابعضی احوال خود که در حقیقت راست بود، خفاشده مرا برطرف نمود..... هجده سال بر توکل به سر نمودم"[1]۔ یعنی بعد ازان حدِ اقل هجده سال تا ۱۸۷۷م زنده بود۔

در تقریظِ ترجمۀ اردویی این کتاب که در ۱۹۰۷م به چاپ رسیده بود، مهاراجه ڈُگ بُجی سینگ بهادر نوشته است که سید محمد میر در لکنو به دنیا آمده بود و در کربلای خدابخش متکی(مدفون) است[۲]۔

سبب تالیف:

سید کمال الدین حیدراین کتاب را حسب فرمایش هنری الیوت میر دبیرِ فرماندار کل هندوستان(گورنر ژانرل)تالیف کرده بود[۳]۔

سال تالیف:

این اثر اول در۱۸٤۷م نوشته شده بود[٤]۔ سال تالیف این اثر در آغاز نسخه موزه بریتانیا در قطعه تاریخ ۱۲٦۳ ه.ق آمده است[٥]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ اوده از کمال الدین حیدر،تاریخ مفصلِ استان اوده و نوابان و شاهان آن دیار است۔ این اثر مشتمل بر دو باب است که باب اول از زمان نواب سعادت علی خان برهان الملك تا روزگارِ امجد علی شاه(۱۲۵۸ ه.ق تا۱۲٦۳ ه.ق/ ۱۸٤۲م تا۱۸٤۷م) ادامه دارد۔ باب دوم دارنده احوال از واجد علی شاه تا وزارت مرزا برجیس قدر و زمانه غدر است۔

کتاب چاپی که ترجمه اردویی این کتاب است، در دو جلد و پنج باب منقسم است۔

۱۔ حسینی،سید کمال الدین،تاریخ اوده ترجمه اردویی،ج۱،صص٦۱و٦۲

۲۔ ڈُگ بُجی سینگ بهادر،تقریظ ترجمه اردویی،ج۱،ص۳

۳۔ حسینی،سید کمال الدین،تاریخ اوده ترجمه اردویی،ج۱،ص۳۸۸ و ج۲،ص٤۷۰

٤۔ مارشال،ص۲۳۹

٥۔ ریو،ج۳،ص۹٦۲

جلد اول مشتمل بر یك باب و جلد دوم بر چهار باب است۔ باب دوم از 'جلوس واجد علیشاه' تا 'روانگی حضور عالم از لکنو به سمت کلکته و معاودت نواب منورالدوله'، باب سوم از 'هنگامه فساد عظیم بلوای هندوستان و انتظام خاص لکنو و ریاست ناپاییدارمرزا برجیس قدر' تا 'قصیده نواب سلطان عالم در مدح نواب گورنر جنرل بهادر'، باب چهارم از 'قافله سیلانی راهی لندن ابتدای روانگی کلکته تا مراجعت مرزا ولی عهد' تا 'جدول پادشاهان شاه جهان آباد'، باب پنجم از 'فساد عظیم بلوای عام شاه جهان آباد تا خاتمه و روانگی بهادر شاه به رنگون و مرگ وی' تا 'احوال فیروز شاه شاهزاده' است[۱]۔

سبكِ کتاب:

دربیان وقایع مؤلف التزام تاریخ آن وقایع هم کرده است۔ و تاریخِ هجری و میلادی را هم رقم کرده است۔چون مورد نگارنده این مقاله ترجمه اردویی این کتاب است، ازین جهت از قضاوت حتمی در موردِ سبكِ این کتاب، قاصر است۔ البته از ترجمه اردویی گمان می شود که این کتاب در سبکی ساده و روان نوشته شده بود۔ اما رد یا قبول این امر به ملاحظه کردن نسخه اصل است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

کمال الدین حیدر تاریخ اوده را در تاریخ نوابان آنجابا تفصیل نگاشته است۔ علاوه بر تاریخ اوده مؤلف درین کتاب تاریخ رصد خانه که دران وی خود منشی و مترجم بود، هم بیان نموده است[۲]۔ نقل چند نامه های شاهان هم داده شده است۔ این تاریخ روشن گر نفوذ انگلیسیان در سلطنت اوده است۔ مؤلف درین کتاب نقلِ چند عهد نامه میان انگلیسیان و نواب هم داده است۔

۱۔ تاریخ اوده ترجمه اردویی، ج۲،فهرست مضامین

۲۔ استوری،صص ۷۱۰۔۷۱۱

آغاز:

'ذکر ابتدای خاندان عالیشان بادشاه اوده.....'[۱]

نسخه های خطی:

دو نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۲۱ و Or. ۱۸۲۲ دارنده بالترتیب ۱۱۷ و ۷۲ برگ است۔ یکی نسخه خطی تاریخِ اوده در کتاب خانه انجمن آسیایی بنگال هم موجود است که احوالِ سیاسی تا ۱۸۵۸م در بردارد و شاید دستنوشتۀ خود مؤلف است[۲]۔

تراجم و چاپ:

ترجمه اردویی این کتاب در مطبع نولکشور۱۸۷۹ م در لکنو به چاپ رسیده بود۔ جلد اول به نام 'سوانحات سلاطین اوده' و جلد دوم به نام 'قیصرالتواریخ' به چاپ رسیده است[۳]۔ این ترجمه اردویی تا وقایع احوال جنگ آزادی هند۱۸۵۷ م بیان شده است۔ این ترجمه اردویی کمال الدین حیدر خود کرده بود۔

بار دوم این کتاب در ماه ستمبر ۱۸۹٦ م در مطبع نولکشور لکنو به چاپ رسیده بود۔ موردِ راقم این سطور طبع سوم این کتاب است که در ۱۹۰۷م/۱۳۲۵ھ۔ق در مطبع نولکشور کانپور به چاپ گردیده است۔ در خاتمه این طبع نوشته است که این اثر دوبار گزشته به تصحیح مصنف چاپ شده است[٤]۔ این طور مؤلف حد اقل به وقت طبع اول یعنی در ۱۸۷۹م حیات داشته باشد۔ جالب است که سر ورق این طبع سوم همان سرورقِ طبع دوم است که زیاد چاپ شده بود و ناشر در طبع سوم همین به کار برده است۔ درین کتاب چاپی بسیار عکس های قلمیِ نوابان و شاهزادگان وامیران و دیگران هم داده شده

۱۔ ریو،ج۳،ص۹٦۲

۲۔ استوری،ص۷۱۱

۳۔ همان

٤۔ تاریخ اوده ترجمه اردویی،ج۱،ص۳۸۸ و ج۲،ص٤۷۰

است۔

شایـد در انـگـلیسی هـم تـرجـمـه شده است چون مؤلف می گوید؛ '...**یك جلد در فـارسـی، اردوو انـگـلیسـی ژانـرل چیـمبـرلین صـاحـب خود و از پاتر صاحـب ترجمه کنانیده،صدها روپیه به چاپ او صرف نمود...**'[۱]۔

آثار دیگر مؤلف:

چـون بیـان شـده اسـت کـه مـؤلف به زبان انگلیسی دسترس داشته بود، وی بسیاری کتـاب هـای عـلـمـی را بـه زبـان اردو یـا فـارسـی ترجمه کرده است۔ برخی ازین آثار کمال الدین حیدر زیر قرار است؛

۱۔ **تقـویم سـلطانی:** ایـن تقـویـم تـرجمهٔ فارسی از Lucknow Almanac of the year 1849 است[۲]۔

۲۔ **رسـالـه مقناطیس:** ایـن کـتـاب تـرجـمـه اردویی است و در لکنو در ۱۸۵۰م چاپ گردیده بود[۳]۔

۳۔ **رساله آلات ریاضی:** این رساله هم ترجمه اردویی است[٤]۔

٤۔ **معـرفـت طبیعی:** تـرجـمــه اردویی یـکـی از اثـر ویـلیـام پیلی(William Paley's Natural Theology) است[۵]۔

هـمـچـنیـن کـتـابی بـه نام 'ساینس کی فواید و اعمال' ترجمه از متن انگلیسی به اردو ۱۸٤۳م در حیـدرآبـاد دکـن به چاپ رسیده که مؤلفِ آن سید کمال الدین حیدر معروف به میر محمد حسین لکنوی، گویا همین کمال الدین حیدر حسینی است[٦]۔

۱۔ تاریخ اوده،ترجمه اردویی،ج۱،ص٦۲
۲۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج۱،بخش۳،ص۲۰۹۱
۳۔ همان
٤۔ همان
۵۔ استوری،ص۷۱۰/ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ص۲۰۹۱
٦۔ برزگرکشتلی،حسین،دانشنامه ادب فارسی،ج۱،بخش۳،ص۲۰۹۱

اخبارات هند از محمد رضا نجّم طباطبایی

شرحِ احوالِ مؤلف:

احوالِ محمد رضا نجّم در همین مقاله در ذکرِ 'مجمع الملوك' ص ۵٤۰ گذشت۔

سال تالیف:

سال تالیف این کتاب از 'اخبارات هند' ۱۲٦٤ ه.ق به دست می آید[۱]۔ مؤلف این کتاب را به هنری الیوت (Sir H. Elliot) معنون کرده بود[۲]۔

منابع و مآخذ اخبارات هند:

وقایع آخرین شصت سال که درین کتاب بیان شده است، مؤلف بر روایتِ پدر و عموی خود و بر یادداشت های خود اکتفا نموده است[۳]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب دارندۀ تاریخ هندوستان از آغاز تا ۱۲٦٤ ه.ق است[٤]۔این کتاب در اصل دفترِ پنجمِ 'بحر ذخار' است[۵]۔ آغازِ این کتاب از دیباچۀ سبك مصنوع و قصیده ای در مدح الیوت است که ازان اندازه می شود که مؤلف این اثر را به الیوت معنون کرده است[٦]۔ مقدمه کتاب در مورد تقویمِ هندووان و مذهب ایشان، مرزهای هندوستان، تسلط ایرانیان و اسکندر یونانی و آغاز اسلام در هندوستان است و پس ازان محتویات کتاب چنین بیان شده است: غزنویان، غوریان، خلجیان، تغلق ها و افاغنه دهلی؛ سلاطین جونپور، کشمیر، سند، مولتان، مالوه، گجرات، خاندیس، بهمنیان، برید شاهیان، عادل

۱۔ الیوت،ج۸،ص٤۳٦
۲۔ ریو،ج۳،ص۹۱۵
۳۔ همان
٤۔ همان،ص۹۱٤
۵۔ استوری،ص٤۸۸
٦۔ ریو،ج۳،ص۹۱۵

شاهیان، عماد شاهیان، نظام شاهیان و قطب شاهیانِ دکن؛ تیموریان هنداز آغاز تا محمد اکبر دوم که درین ضمن مؤلف ذکرِ روزگارِ اکبر شاه دوم(۱۲۲۱ھ.ق تا ۱۲۵۲ھ.ق) با تفصیل پرداخته است۔در بیان ذکر تیموریان مؤلف یورشِ نادر شاه افشار و احمد شاه ابدالی را هم ذکر نموده است؛ تاریخ مختصر انگلستان و ورودِانگلیسی ها در هندوستان؛ تاریخ بنگال، ذکر سراج الدوله، میر جعفر و میر قاسم ، همراهِ کارگزاری انگلیسی ها درین دیار؛ تاریخ اوده و نوابانِ آنجا با ذکر مردم های معروف آن دیار؛سرداران افغان فرخ آباد، بریلی و رامپور؛ راجه های اودی پور، جود پور(Jodhpur)، جی پور، الور وغیره؛ جات های برتپور(Bharatpur) وغیره؛ سیك های پنجاب و جنگ آنها با انگلیسیان؛ الحاقِ سند؛ راجه ها و امرای بندیل کند(Bundil Khand)؛ نظام های حیدرآباد؛ حیدر علی و تیپو سلطان ؛مرهته ها؛ بونسله های ناگپور، سیندهیه های گوالیار و هولکر های اندور[۱]۔

جالب است که نسخه مورد استفادۀ الیوت که ۵۲۲ صفحه داشت، فقط مقدمۀ یك صفحه داشت [۲] و نسخه کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۲٦ مشتمل بر ۵۷۵ برگ، دارندۀ مقدمۀ کما بیش ۲۰ برگ است[۳]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مؤلف علاوه بر تاریخ شاهان، امیرانِ آن دوره را ذکر هم پرداخته است به طور مثال امیران محمد شاه،امیرانِ اکبر دوم وغیره۔ ریو در موردِ این کتاب گفته است که 'تفصیل وقایع از عروج و ترقی و تنزلِ سلطنت های محلی، تا زمان تالیف، در هیچ کتاب دیگر این قدر مربوط دیده نمی شود'[٤]۔ ریو در انگلیسی چنین بیان کرده است:

"The copious details it contains on the rise, progress, and decline of the native

---

۱۔ ریو،ج۳،صص۹۱۵۔۹۱٦

۲۔ الیوت،ج۸،ص٤۳٦

۳۔ ریو،ج۳،ص۹۱۵

٤۔ همان

states of India, down to the latest period, are nowhere else to be found in a connected form."

آغاز:

'شکر و سپاس بیش از اندازه قیاس سزاوار ....'[۱]

نسخه های خطی:

دستنویسِ فردِ کاملِ اخبارات هند از محمد رضا نجّم طباطبایی در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۲۶ نگهداری می شود۔ علاوه برین بخشی یا چکیده این کتاب درکتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷٤۳ از برگ ۱٦٦ تا ۱۸۵ و به شماره Or. ۱۷۵۲ از برگ ٦۵ تا ۱۲۳ موجود است۔

تراجم و چاپ:

بخشی ازین اثر به توسط الیوت در جلد ۸، ص٤۳۷ تا ٤٤۰ در موردِ لُرد مارکویس ویلزلی، ترجمه شده است۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۱٤

تاریخ پنجاب از غلام محی الدین بوتی شاه

شرحِ احوالِ مؤلف:

غلام محی الدین الملقب به بوتی شاه لودهیانی علوی قادری [۱] از مردم پنجاب بود۔ چون از نام وی عیان است که از لودیانه(Ludhianah) تعلق داشت۔ وی در شرکت هند شرقی در لودیانه به دفتر کاپتان مری(Captain Murray) منشی بود [۲]۔ بارها به دربار رنجیت سینگ حاضر شده، از انعامات سرافراز گردید[۳]۔ سه بار همراهِ منشی شهامت علی با رنجیت سینگ صحبت کرده بود و ازو انعام یافته بود[٤]۔ وی تا ۱۸۵٤ م زنده بود و پیش از ۱۸٦۸ م فوت شده بود[۵]۔

سبب تالیف:

اگرچه ریو واته ذکر نکرده اند که غلام محی الدین این اثر را به دستورِ که نگاشته بود، البته استوری بیان نموده است که این کتاب به دستور کاپتان مری(Captain Murray) نماینده شرکت انگلیسی در لودیانه نگاشته شده بود [٦]۔ منزوی در فهرست مشترك بیان نموده است که وی این اثر را به دستور جارج راسل کلارك(George Russul Clarke) معاون گورنر ژانرال، در یك مقدمه و پنج دفتر ویك خاتمه نگاشته است و خاتمه که در چیرگی انگلیسی ها بر هند است، به دستور ویلیام مری، از منابع انگلیسی ترجمه کرده بران افزوده شده است[۷]۔

سال تالیف:

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۵۳

۲۔ استوری،ص٦۷۰

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص۲۷

٤۔ همان

۵۔ همان

٦۔ استوری،ص٦۷۰

۷۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۷۵

این اثر در ۱۲٦٤ھ.ق/۱۸٤۸م نوشته شده بود[۱]۔

۔'مرتب شد چو این تاریخ پنجاب
به فضل داور بی چون و دادار
چو جُستم سال تاریخش خرد گفت
که تاریخش هم از نامش برون آر
ولی غیر از 'بآت' ای دانش آگین
ز اعداد نخستین حرف بشمار'[۲]

استوری این شعر را با یك کمی تحریف چنین نوشته است؛

۔'چو جُستم سال تالیفش خرد گفت
که تاریخش هم از نامش برون آر
ولی غیر از می ات ای دانش آگین
ز اعداد نخستین جزو مشمار'[۳]

از 'تاریخ پنجاب' [۱۲٦۹] به دست می آید و اگر عدد های 'ب' خارج کنیم، ۱۲٦۵ به دست می رسد۔ استوری و دکتر ظهور سال تالیف ۱۲۵۸ھ.ق/۱۸٤۲م نوشته اند۔ اگر از عددهای نخستین جزو یعنی عددِ فرد الا 'ب' شمار نمی کنیم، همین ۱۲٦٤ھ.ق به دست می آید و همین سال تالیف این کتاب است۔ریو هم سال تالیف این کتاب ۱۲٦٤ھ.ق بیان نموده است[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

چون از نامِ کتاب ظاهر است که این کتاب دربارۀ تاریخ پنجاب است و دارندۀ وقایع

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۱۹۷،ش۵۰۳

۲۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۲۷

۳۔ استوری،ص٦۷۰

٤۔ ریو،ج۳،ص۹۵۳

تاریخی از آغاز تا ۱۸۴۰م است[1]۔ مؤلف این کتاب را در یك مقدمه پنج باب و یك خاتمه نگاشته بود۔اته در فهرست کتابخانه اندیا آفیس عنوان های کامل را ذکر کرده است و به همین سبب محتویاتِ کتاب ازان فهرست بیان می شود که چنین است؛ **مقدمه** در بیان احوال حدود ملك پنجاب و وجه تسمیه آن و بیان ابهار و انهار مشهوره این ملك و اجناس و اثمار و دیگر اشیای مشهوره آن ها۔ **دفتر اول** در بیان احوال راجه های هنود از ابتدای راجه سدو من که به قول شاستر هنود اولین راجه های روی زمین او بوده به غایت رای پتهورا که آخرین فرمانِ فرمایان این ملك یعنی هندوستان او گذشته۔ **دفتر دوم** دربیان احوال پادشاهان اسلام من سلطان محمود غزنوی غازی و اولاد امجادش و بیان سلطنت پادشاهان غوریان و خلجیان و لودیان و چغتاییان درین ملك۔ **دفتر سوم** دربیان احوال گوروهای فرقه سیکهان من ابتدای بابانانك به غایت آخر گورو گوبند سینگ و احوال بیدیان و سودهیان که اولاد گورووان اند۔ **دفتر چهارم** در بیان احوال سرداران و راجه های سیکهان وغیره سرداران ملك پنجاب و احوال ملك گیری آن ها از کنار دریای جمن تا پیشاور و کشمیر و بیان کیفیت مثل های و پت های سیکهان و دیگر رسوم آنها که بعد از اضمحلالِ سلطنتِ دهلی ، قابض و متصرف ملك پنجاب شدند۔ **دفتر پنجم** در احوال ملك گیری راجه رنجیت سینگ بهادر که برهمگی ملك پنجاب و سوای آن بر ملك های دیگر به نیروی اقبال قابض و متسلط گردید من ابتدای کیفیت آبادی و اجدادش به غایت روز وفاتِ او۔ **خاتمه** در ذکر ملك گیری سرکار انگریزی بهادر در ملك هند[2]۔ در نسخه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۶۲۳ دارنده ٦٤٩ برگ، در خاتمه پیش از ذکر انگلیسیان، احوال راجه های کوهستان جمون و کانگره وغیره هم داده شده است[3]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۵۳

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۹۸،ش۵۰۳

۳۔ ریو،ج۳،ص۹۵۳

منابع تاریخ پنجاب:

مؤلف برای دفتر یکم بگوت گیتا(Bhagavata Gita)، مهابارت(MahaBharata)و پدماپران(Padma purana) ، برای دفتر دوم علاوه بر حبیب السیر و دیگر اثر معروف، تاریخ هند از میان احمد شاه و برای دفتر سوم جنم ساکی(JanamSakhi) به زبان هندی و کتاب منشی سوهن لال به زبانِ فارسی را ذکر کرده است(۱)۔

سبکِ کتاب:

سبك نویسندگی تاریخ پنجاب از غلام محی الدین بوتی شاه بسیار ساده و روان است۔البته مفتی علی الدین پسر خیر الدین در تاریخ پنجاب خود به نام عبرتنامه برسبك این کتاب این طور تنقید کرده است؛ **'و نیز بوته شاه نامی اوان سکنه لودهیانه کتابی نوشت که با وصف مطانت و رنگینی فقرات به سبب تطویل، اکثر مطلب دران مهمل مانده و سامع را جز سمع خراشی ازان حاصلی نیست'**(۲)۔(برای بررسی سبك نسخه خطی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

تاریخ پنجاب از بوتی شاه ازین نظر بسیار ارزشمند است که نه تنها جغرافیای پنجاب و بیان اشیای مشهوره این دیار دارد بلکه مؤلف درین کتاب تاریخ پنجاب از زمان قدیم تا نصف قرن سیزدهم هجری را هم بیان نموده است۔ دفتر دوم و چهارم این کتاب از نظر تاریخ تیموریان خیلی مهم است(۳)۔

آغاز:

'حمد بی حد و ثنای بی منتهای مر احدی را سزا است که کریمه رحمتی.....'(٤)

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۵۳

۲۔ علی الدین،مفتی،عبرتنامه چاپی،ج۱،صص۳۔ ٤

۳۔ مارشال،ص۱٦۰

٤۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۹۸،ش۵۰۳

نسخه های خطی:

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس و موزه بریتانیا موجود است۔ در پاکستان یك نسخه در کتابخانه عمومی پنجاب لاهور و سه نسخه در دانشگاه پنجاب لاهور موجود است[۱]۔ نسخه موزه بریتانیا تصحیح شده به دستِ خود مؤلف است[۲]۔

تراجم و چاپ:

این کتاب هنوز چاپ نگردیده است و ازین جهت این نسخه خطی بسیار ارزش مند است[۳]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۷٦

۲۔ ریو،ج۳،ص۹۵۳

۳۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص۷۲۸

حدیقة الهند از رضی الدین احمد بخشو میان

شرح احوال مولف:

شیخ رضی الدین احمد معروف به بخشو و متخلص به بخشش فرزند بهادر سورتی فرزند عمدة التجار شیخ محمود عبیدی حجازی سورتی[1] در سورت منصب قاضی به عهده داشت[2]۔ او به شعر و شاعری رغبت و علاقه داشت و به زبان های اردو و گجراتی شعر می سرود[3]۔ وی از دوستان مصطفیٰ خان شیفتہ بود[4]۔ رضی الدین بخشو میان در ۱۲٦٥ھ.ق/۹ـ۱۸٤۸م فوت شد[5]۔ وی نخست کتابی به نام 'حدیقه احمد' در سه جلد نگاشت و ایراد کرد که این کتاب را در پانزده بخش تقسیم می کرد اما فقط بخشِ اولِ آن را تکمیل کرده 'حدیقة الهند' نامیده بود که فوت کرد[6]۔

سال تالیف:

این کتاب دارندۀ وقایع تاریخی تا ۱۲٦٥ھ.ق/۱۸٤۸م است[7] و ازین رو قیاس است که در حدود همان سال نگاشته شده باشد۔

محتویات کتاب:

حدیقة الهند در هفده باب نگاشته شده است و منزوی تفصیلِ این باب ها چنین بیان نموده است؛ باب یکم طول و عرضِ هند و عقاید هندووان، دوم در احوال افغانستان، سوم در احوال ریاست سیک ها، چهارم استان سند و راجگانِ گذشتۀ آن، پنجم استان دهلی، ششم استان اوده و ریاست لکنو، هفتم استان اله آباد، جونپور، زمینداران بندیل کند، هشتم استان بنگاله وغیره، نهم استان اکبرآباد، دهم استان اجمیر، یازدهم مالوه، دوازدهم

۱ـ ربیعیان، محمدرضا، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۱، ص٤۱۳

۲ـ استوری، ص۷۳۲

۳ـ ربیعیان، محمدرضا، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش۱، ص٤۱۳

٤ـ همان

٥ـ استوری، ص۷۳۲

٦ـ فیضی، ص۲۳، ش۱۰

۷ـ منزوی، احمد، فهرست مشترک، ج۱۰، ص٥۸٥

گجرات و سورت، سیزدهم دکن، چهاردهم مرهته های دکن، پانزدهم امیران اسلام که در دکن فرمانروای کردند، شانزدهم احوال مملکت هندوستان که به طرف مشرق هند است، هفدهم در احوال اروپیان در هندوستان(١)۔

آغاز:

'صحایف حمد و شکر که در خور حضرت ملك العلام حق سبحانه وعز شانه تواند بود...'(٢)

نسخه های خطی:

یکی نسخهٔ خطی این اثر در کتاب خانه انجمن آسیای بمئی نگهداری می شود و دارندهٔ فقط باب دوازدهم در مورد استان گجرات است(٣)۔

در پاکستان واحد نسخه معلوم این کتاب در دانشگاهِ پنجاب یافته می شود۔ تفصیلش به مطابق منزوی ☆لاهور،دانشگاه پنجاب٥٧/Pel/٢٢٦٢: نستعلیق،حسین طوپال،١٥ج١٢٦٩/١هـ.ق، آغاز برابر نمونه، ٥٩٠ گ(٤)۔

آثار دیگر مولف:

احوال بهاومرهته: این اثر در بیان احوال بهاو مرهته است که با تمام یارانِ خود، در جنگ با احمد شاه درانی، در حدود پانی پت کشته شده بود(٥)۔

١۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٨٥

٢۔ همان

٣۔ فیضی،ص٢٣

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٨٥

٥۔ ربیعیان،محمدرضا،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش١،ص٤١٣

چار باغ پنجاب/رساله صاحب نما[۱] از گنیش داس

شرحِ احوالِ مؤلف:

لاله گنیش داس معروف به بدهره[۲] از گجرات نزد لاهور تعلق داشت۔ او لقب بدهره از کاکامل(Kaka Mal) بدهره گرفته بود که از نیای او بود[۳]۔ اجدادش از راجه های اجمیر بودند و کاکامل بدهره نزدِ ۸۹٤هـ.ق 'مهته' یا ناظم سیالکوت و بهلول پور بود[٤]۔ در روزگار مهاراجه گلاب سینگ وی قانونگوی گجراتِ پنجاب بود[٥]۔ چون گلاب سینگ والی جمون و کشمیر شهره علم و ادب گنیش داس شنید، وی را همراه خود به جمون بُرد و در دفترِ ریاست مامور کرد[٦]۔ وقتی که انگلیسیان در ۱۸٤۹م بر پنجاب قابض شدند، گنیش داس شاید به ملازمت انگلیسی ها شامل گردید چون نسخه خطی 'چارباغ پنجاب' در کتابخانه اندیا آفیس به شماره فهرست۳۰۲۰، در ۱۸۵۵م برای نمایش هنر و صنعت در پاریس فرستاده شده بود، بران نسخه نوشته است 'از ملازم دولتِ انگلستان' "an Official in the service of British[Indian]Government"[۷] ۔

از تاریخ مرگ لاله گنیش داس اطلاعِ دقیق در دست نیست اما این قدر مسلم است که تا ۱۸٦۰م حیات داشته باشد چون آخرین اثر خود 'تحفة الهدایت' در همان سال تالیف کرده بود[۸]۔

سال تالیف:

این کتاب در ۱۲٦۵هـ.ق/۱۸٤۹م نوشته شده بود و از 'چارباغ پنجاب' سال تالیف

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۵۳
۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۲،ستون۸،ش۳۰۱۹
۳۔ ریو،ج۳،ص۹۵۵
٤۔ همان
۵۔ نبی هادی،ص۱۸٦
٦۔ استوری،ص٦۷۲
۷۔ همان
۸۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص۳٦

این کتاب هم به دست می آید[1]۔

محتویاتِ کتاب:

چارباغ پنجاب در موردِ تاریخ پنجاب از آغاز تا ۱۲٦٥ ھ.ق بیان شده است۔هر دو کتاب تاریخی گنیش داس'چراغ پنجاب' و 'چارباغ پنجاب' در باب ها تقسیم نشده است[2]۔ دکتر ظهور تفصیل این کتاب چنین بیان نموده است؛ در آغاز علتِ نامگذاری لاهور و سیالکوت، تاریخ مختصر پنجاب در زمان های مختلفه از دورۂ غزنویه تا یورشِ احمد شاه ابدالی، احوال سیك ها، احوال و کوایف مختصر در موردِ ده گورووان سیك ها، تقسیم سیاسی پنجاب در دوره سیك ها، احوال و معلومات جغرافیایی درباره پنجاب چون رودها، دوآب ها، شهرهای معروف، سرکار و پرگنه و اقوام که دران زیسته، احوال شهرهای بزرگ چون سیالکوت، وزیرآباد، برهمن آباد، امرتسر، جهانگیرآباد(شیخوپوره)، احوال مفصلِ گجرات که شهر مؤلف بود، نام و مدتِ حکومتِ امیران و حکام از روزگارِ اکبر اعظم تا سال نگارش، تاریخ سیاسی از ۱۲۲۹ھ.ق تا جانشینان رنجیت سینگ و تصرف انگلیسیان در پنجاب در ۱۸٤۹م[3]۔ آخرین باب این کتاب در موردِ گورنر ژانرال لُرد دلهوزی(Lord Dalhousie) است[4]۔

سبکِ کتاب:

چون مؤلف در فن انشا نگاری ماهر بود و درحقِ فن انشا دو کتاب به نامِ 'مرآةالقوانین' و 'منشآت منشی' نوشته بود، می توان حدس زد که درین کتاب هم به حدی سبك منشیانه به کار برده باشد۔(نسخه خطی برای بررسی سبك به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

۱۔ استوری،ص ٦٧٣

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج ۲،ستون ۹،ش ۳۰۲۰

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،صص ۳۰۔۳۱

٤۔ اته،اندیا آفیس،ج ۲،ستون ۹،ش ۳۰۲۰

این کتاب که به نام چار باغ پنجاب و رساله صاحب نما معروف است، درتاریخ پنجاب بسیار ارزشمند است۔مؤلف نه تنها وقایع تاریخی پنجاب بیان کرده است بلکه از نظر جغرافیایی هم تفصیلِ این استان داده است۔ وجه تسمیه شهر های مختلفه بیان نموده است و شهری که پادشاهان بنا کردند، آنرا هم نشان داده است۔ افزون بران این تاریخ در شرحِ احوال مختصر گوروwan سیك ها و تاریخ رنجیت سینگ و جانشینانش هم است۔ چون مؤلف خود قانونگو بود و شاهد عینی بعضی وقایع باشد، به این علت گفتار او به درجه استناد می رسد[۱]۔ یکی از ارزش های ادبی این کتاب ازین چیز می توان دید که سال تالیف این کتاب از نامِ این کتاب 'چار باغ پنجاب' به دست می آید۔

آغاز:

'حمد خداوندی راست که آدمِ اکرم را از کتم عدم به منصه ظهور آورده مظهر عقل وعلم نمود....'[۲]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۳۰۲۰ موجود است۔ درین نسخه نام این کتاب 'رساله صاحب نما' و 'چار باغ پنجاب' هر دو داده شده است۔

در پاکستان دو دستنویس این کتاب موجود است که یکی ازان در کتاب خانه دانشگاه پنجاب لاهور در گنجینه آذر به شماره H- ۵۹/۷۸۰٤ موجود است و دیگری در گجرات در ملکیت احمد حسین احمد قلعه داری است[۳]۔

مقایسه 'چراغ پنجاب' و 'چارباغ پنجاب' :

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص ۳۱

۲۔ نوشاهی،خضرعباس،گنجینه آذر،ص ٤۰۲

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٨٦

این هر دو اثر از گنیش داس یادگار است۔وی در ۱۲۶۲ھ۔ق کتابی در ذکرِ تاریخ پنجاب به نام 'چراغ پنجاب' نوشته بود که از نام این کتاب سال تالیف هم به دست می آید[1]۔ در سبب تالیف 'چراغ پنجاب' گنیش داس نوشته است که چون وی به لاهور برای ملاقات به ناظمِ این دیار آمد،برای پیش کردنِ او هیچ چیزی بهتر ازین نپنداشت[2] و سال تالیف این پیشکش به ناظمِ لاهور از **'چراغ پنجاب روشنی داد'** ۱۸۴۷م به دست می آید[3]۔ دو نسخه خطی این کتاب به دست آمده است که یکی در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۶۹۳ موجود است وریو نامِ این 'رساله صاحب نما' بیان نموده است۔نسخه دیگر در کتابخانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۳۰۱۹ موجود است که اته درمعرفی آن بیان نموده است که ریو نام این کتاب غلط نوشته است و رساله صاحب نما، نام چار باغ پنجاب است، چون خود مؤلف نام این کتاب 'چراغ پنجاب' نهاده و دستنویسِ اندیا آفیس نام و تاریخ تالیف'۱۲۶۲ھ۔ق' هم دارد[4]۔

در حقیقت رساله صاحب نما همین چارباغ پنجاب است که مؤلف از چراغِ پنجاب انتخاب نموده،و این چکیده را 'رساله صاحب نما' نام نهاده بود ۔ چون وی خود درین کتاب می گوید **'جزوی چند از تواریخ پنجاب به فکر بسیارانتخاب نموده 'رساله صاحب نما' نام نهادم و بعضی احباب....به نسبت اعداد تاریخ هجری 'چارباغ پنجاب =۱۲٦۵' اسمش قرار داده اند'**[5]۔

تراجم و چاپ:

این کتاب با پیشگفتار کرپال سینگ در ۱۹٦۵م به نام 'رساله صاحب نما' در امرتسر به چاپ رسیده بود[6]۔

۱۔ استوری،ص ٦۷۳
۲۔ ریو،ج۳،ص۹۵۳
۳۔ همان
٤۔ اته،اندیا آفیس،ج ۲،ستون۸،ش۳۰۱۹
۵۔ نوشاهی،خضر عباس،گنجینه آذر،صص ٤۰۲۔٤۰۳
٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۸٦

آثار دیگر مؤلف:

۱. چراغ پنجاب: درتاریخ پنجاب از آغاز تا سال نگارش ۱۲۶۲ه.ق/۱۸٤٦م است. چار باغ پنجاب در اصل خلاصه همین کتاب با یك کمی افزوده است.

۲. راج درشنی: نام دیگر این کتاب 'تاریخ راجگان جمون' است. این اثر در ۱۲٦۳ه.ق/۱۸٤۷م نگاشته شده بود[۱].

۳. مرآة القوانین: در فن انشانگاری در چهار فصل نگاشته بود[۲].

٤. فواید تاریخیه: خاتمه مرآة القوانین که در سه مقالت درمورد فنِ دبیری، نوشته بود و این خاتمه پیرامون تاریخ هند است و از راجه جودهشتر آغاز می شود[۳].

۵. منشآت منشی: این کتاب هم در فن انشا است که گنیش داس برای برادر خود رتن لال در چهار فصل نگاشته بود[٤].

٦. تحفة الهدایت: گنیش داس این کتاب را در جواب 'تحفة الهند' در ۱۸٦۰م نگاشته بود که در تحفة الهند مؤلفِ او عبدالله بر مذهب برهمنان خرده گرفته بود[۵].

۷. نصاب صنعت باری: در ۱۲۲۰ه.ق/۱۸۰٦م نگاشته بود[٦].

---

۱. مارشال، ص۱٤۸
۲. ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج٤، ص۳۳
۳. منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۵۸٦
٤. ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین...، ج٤، ص۳۵
۵. همان، ص۳٦
٦. منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۵۸٦

مرآة‌الاشباهِ سلاطین آسمان جاه از فخر الدین حسین

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احـوالِ محمد فخرالدین حسین[۱] هیـچ اطلاعی در دست نیست۔ این قدر معلوم شده است که او یکی نقاش بود[۲]۔ آخـریـن پادشاهِ تیمـوری بهادر شاه ظفرؔ فخر الدین حسین را برای تالیفِ کتابی مامـور کرد که دارندۂ نقـش های شاهان و شاهزادگان با تصـویرهای رنگینِ مقابرِ ایشان باشد [۳]۔ حتماً با حکیم محمد احسن الله خان و غلام علی خان و بابرعلی خان هم آشنایی داشته باشد که درین کار کمکِ او کردند۔

سال تالیف:

این اثر در سال سیزدهم جلوسِ بهادر شاه ظفرؔ در ۱۲٦٦ھ.ق تالیف شده بود[٤]۔

سبب تالیف:

فخرالدین حسین این کتاب را حسبِ خواهشِ بهادر شاه ظفرؔ ، آخرین پادشاهِ دهلی، تالیف کرد[٥]۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب مشتمل بر جدول های تیموریان هند است۔ این جدول ها دارندۂ تاریخ ومقامِ ولادت و تخت نشینی و مرگِ هر پادشاه است۔ علاوه برین این کتاب عکس های شاهان و قبرهای ایشان هم دارد [٦]۔ حکیم محمد احسن الله خان با دو نقاشان به نامِ غلام علی خان و بابرعلی خان، برای این کار با مؤلف مامور شده بودند[۷]۔حکیم احسن الله

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۸٥
۲۔ نبی هادی،ص۱٦۹
۳۔ همان
٤۔ ریو،ج۱،ص۲۸٥
٥۔ استوری،ص۸۔٥۲۷
٦۔ ریو،ج۱،ص۲۸٥
۷۔ همان

خان از ذخیرهٔ خود و دیگر خانواده های اشرافِ دهلی، این نقش های مینیاتور را به دست رساند[1]۔ آن نقش های مینیاتور بهترین نقلِ عکس های اصل گفته می شود[2]۔ درین کتاب چند ماده های تاریخ، گفتهٔ لاله سمن لال متخلص به فرحت، هم داده شده است[3]۔علاوه بر شاهزادگانِ تیموری از تیمور تا ابوظفرسراج الدین محمد بهادر شاه، این کتاب احوالِ شیرشاه و پسرش سلیم شاه، طهماسپ صفوی، نادرشاه، احمد شاه درانی و پسرش تیمور شاه را نیز در بردارد[4]۔

سبکِ کتاب:

چون این کتاب مشتمل بر جدول ها در موردِ اطلاعاتِ مهمی شاهان است، به این علت می توان گفت که سبك این کتاب مایل به اختصار است۔ دو اثر دیگر 'مجموعه مرزا مهدی خان صفوی' و 'جام جم' از سید احمد خان هم این طوری کتاب است و دارندهٔ سال ولادت و تخت نشینی و وفاتِ پادشاهان است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب ازین رو که دارندهٔ سال های ولادت و مرگِ شاهان با عکس های ایشان و مقابر ایشان نگاشته شد، بسیار ارزشمند است ۔ افزون بران این کتاب ماده های تاریخ از ولادت و وفاتِ شاهان و وقایع مهمی و عکس های شاهان هم دارد که ارزش این کتاب را فراوان می کند۔

آغاز:

'مصور فکرت اعجاز طراز در انداز ....'[5]

نسخه های خطی:

۱۔ نبی هادی،ص۱٦۹

۲۔ ریو،ج۱، ص۲۸٥

۳۔ همان

٤۔ همان

٥۔ همان

نسخه خطی این اثر که منحصر به فرد است در کتاب خانه جان ریلیند مانچیستر (لیندیزیانا) نگهداری می شود۔ برای تفصیل مراجع شود به استوری،ص٥٢٨ و مارشال،ص٣١٧۔

تراجم و چاپ:

این اثر در ١٢٦٧ه.ق/١٨٥١م در دهلی به چاپ رسیده است [١]۔نسخه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٨٢ هم چاپ سنگی این کتاب است که در ١٢٦٧ه.ق/١٨٥١م چاپ شده بود[٢]۔ این چاپ سنگی مشتمل بر ٥٧ برگ است[٣]۔ اگرچه ریو یا ایدوردز جای چاپ را ذکر ننموده اند اما استوری اشتباه کرده است که این اثر در دهلی چاپ شده باشد[٤]۔

١۔ مارشال،ص٣١٧

٢۔ ریو،ج١، ص٢٨٥

٣۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون ٤٦٢

٤۔ استوری،ص٥٢٨

مفتاح التواریخ از تامس ویلیام بیل

شرحِ احوالِ مؤلف:

تامس ویلیام بیل (Thomas William Beale) از ملازمان شرکت هند شرق بود و بعد از فراغت در آگره اقامت گزید[١]۔ وی در آگره منشی در وزارتِ دارای بود[٢]۔ وی سر الیوت را در تالیف 'تاریخ مسلمانانِ هند' معاونت هم کرده بود[٣]۔ علاوه بر مفتاح التواریخ وی یکی فرهنگِ زندگی نامه به نام 'Oriental Biographical Dictionary' هم تالیف کرده بود که به نظرِ استوری پُر از اغلاط است[٤]۔ تامس ویلیام بیل در ١٨٧٥م در آگره فوت شده بود[٥]۔ ویلیام بیل شاعر هم بود و در مفتاح التواریخ نام خود را در صنعتِ معمّه چنین بیان کرده است؛

۔ 'قلب کن لفظ 'سماط' و بعد ازان ای بی نظیر
چار حرف اولین را از 'ولی محمود' گیر
باز چون گیری سه حرفِ آخرین از 'سلسبیل'
می شوی ای جان من! آگه ز نام این حقیر'[٦]

سال تالیف:

چون این کتاب نخست در ١٨٤٩م در آگره به چاپ رسیده بود[٧]، حتماً این اثر در ١٨٤٩م یا پیش از ١٨٤٩م نوشته شده باشد۔ وی این کتاب را به خدمتِ هنری الیوت پیش کرده بود۔ خود در آغاز کتاب می گوید؛ '...**چون بدین دستور کتابی مرتب گردید به مفتاح التواریخ موسوم ساخته به امید اینکه** مصرع **گر قبول افتد زهی عز و شرف، به نظر فیض اثر**

١۔ نبی هادی، ص ١٢٨
٢۔ الیوت، ج٨، ص ٤٤٤
٣۔ باك لیند، ص ٣١
٤۔ استوری، ص ١٥١
٥۔ باك لیند، ص ٣١
٦۔ بیل، تامس ویلیام، مفتاح التواریخ چاپی، ص ٢
٧۔ استوری، ١٥١

منبع علم و فضل جناب مستر هنری میرس الیت صاحب سکرتری گورنمنت ممالك هند گذرانید'[1]۔

محتویاتِ کتاب:

مفتاح التواریخ در اصل کتاب 'تاریخ گویی' دارنده مادۂ تاریخ های وقایع مهمی آسیا به ویژه هندوستان است۔ برابر تاریخ گویی مولف درین کتاب وقایع مهمی تاریخ را هم بیان کرده است۔ اینطور این کتاب دارندۂ وقایع مهمی تاریخ از آغازِ سال هجری تا ۱۲٦۵ ه.ق است[2]۔ این کتاب در موردِ ماده های تاریخ ولادت و وفاتِ شاهان و فلاسفه و دیگر مردم های مهمی است۔ مؤلف درین کتاب سال تعمیر ساختمان و مساجد معروف و امام بارگاه را هم بیان کرده است۔در ذکر این همه چیز ها مؤلف اول معرفی شخصیتِ موردِ نظر داده است و در آخرِ این تاریخِ گفته را در جدول رقم کرده است۔

این تاریخ در سیزده باب تقسیم شده است که هر یك ازان مشتمل بر یك قرنِ هجری است۔ هر قرن را مؤلف 'مات' گفته است '...**چون درین ایام که ماییم،سیزدهم مات از هجرت است، بنا بران این کتاب هم به سیزده مات آرایش یافت**'[3]۔

سبكِ کتاب:

این کتاب در سبك ساده و روان نوشته شده است۔ معرفی مردم و وقایع که مؤلف درین اثر ذکر نموده است، مختصر اما مجمل بیان شده است۔ علاوه بر شعر، درین کتاب تاریخِ وقایع در نثر هم گفته شده است۔ بعضی جا نمونۂ کلام شعرا هم داده شده است۔ درذکر بعضی شاهان وی تاریخ تولد، جلوس و فتوحات و وفات وغیره را با تفصیل بیان کرده است۔ علاوه بر تاریخِ هجری در بعضی موارد مؤلف تاریخ میلادی، هندی، فصلی، الٰهی و

۱۔ بیل،تامس ویلیام،مفتاح التواریخ چاپی،ص۲

۲۔ استوری،ص ۱۵۱

۳۔ بیل،تامس ویلیام،مفتاح التواریخ چاپی،ص۲

جلالی هم بیان نموده است[۱]۔ برای نمونه سبك این کتاب یکی اقتباس در موردِ امام جعفر صادق علیه السلام این جا نقل می شود:

''**امام جعفر صادق ابن امام محمد باقر علیه السلام** ششم امام است ۔ نام مادرش ام فروہ دختر محمد بن ابوبکرصدیقؓ بودہ ۔ در سنه هشتاد و سه هجری در مدینه متولد گشته و در روزگار المنصور عباسی خلیفه بغداد در سنه یکصد و چهل و هشت یا که یکصد و چهل و نُه هجری به تاریخ بست و چهارم ماه شوال رحلت نموده، قبرش دربقیه است و آن گنبدی است که دران امام محمد باقرؒ و امام زین العابدینؒ و امام حسنؑ آسوده اند ۔ از مخبرالواصلین:**تاریخ**

۔ آنکه او بود جعفرؑ صادق　　لقب اوست ثابت و واثق
سال مولود آن شریف و نجیب　　هاتف از اوجِ عرش گفت:**حسیب**[۸۰ھ۔ق]
آنکه او بود خسروِ دوران　　سال نقلش **مه جنان [۱٤۹ ھ۔ق]**بر خوان

تاریخ از خود مؤلف؛

جعفرؑ صادق امام المسلمین　　رفت و بر خلقی غم خود را فزود
شد تولد در سنه هشتاد و سه　　در **صد و هشت و چهل** رحلت نمود'' [۲]

همین طور ویلیام بیل درباره امیرالامرا ذوالفقار خان درین کتاب نگاشته است:

''این نواب آصف الدوله اسد خان بهادر است ۔ تاریخ ولادت اوست؛ '**ز برج اسد رو نمود آفتاب**'۱۰٦۷[ھ۔ق] چون به تاریخ بیست و سیوم ماہ ذی الحجه سنه هزار و یکصد و بست و چهار هجری به حکم محمد فرخ سیر همراہ جهاندارشاہ به قتل رسید، پدرش در غم فرزند در عمر نود ساله و کبیرسنی و بی حواسی این تاریخ شهادت او گفت؛

۱۔ البیوت،ج۸،ص٤٤۱

۲۔ بیل،تامس ویلیام،مفتاح التواریخ چاپی،ص۱۷

ـ هاتف شام غریبان با دو چشم خون فشان

گفت ابراهیم اسمعیل را قربان نمود۱۱۲٤ [ه.ق]

نامِ اصلِ اسد خان ابراهیم مرزا بود و اسم ذوالفقار خان محمد اسمعیل چنانچه از تاریخ مستفاد می گردد و اسد خان بهادر در سنه یك هزار و یکصد وبست و نه هجری در عمر نود و چهار ساله فوت شد و در مدت العمر هفت بادشاهان را دید"(۱)ـ

سالِ ولادت و جلوس شاه طهماسپ صفوی ملاحظه شود:

"شاه طهماسپ صفوی پسر شاه اسمٰعیل صفوی است، ولادتِ او صبح چهارشنبه بست و ششم ذی الحجه سنه نُه صد و نوزده به وقوع آمده و **آفتاب عالم افروز**[۹۱۹] تاریخ تولد اوست۔ بعد وفات پدر نوزدهم ماه رجب سنه نُه صد و سی هجری در ایران بر تختِ سلطنت نشسته و یکی از فضلا در تاریخ جلوس او این قطعه گفته:

ـ طهماسپ شاه عالم کز نصرت الٰهی

جا بعد شاه غازی، بر تختِ زر گرفتی

جای پدر گرفتی کردی جهان مسخر

تاریخ سلطنت شد **جای پدر گرفتی**"(۲)

۹۳۰ھ.ق

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مؤلف تاریخِ وقایع را از تاریخ های معتبر گرفته که دران کتب تاریخ این مادۀ تاریخ ها به احتیاط درج شده است یا از کتیبه های بنای گوناگون چون مقبره ها، مسجدها، باغ ها، قلعه ها و کاخ ها، نقل کرده است(۳)ـ الیوت گفته است که خود مؤلف و دوستانش تاریخ

۱ـ بیل،تامس ویلیام،مفتاح التواریخ چاپی،ص۳۰۰

۲ـ همان،ص۱۸٦

۳ـ الیوت،ج۸، ص٤٤۱

های وقایع نوهم گفتند و درین کتاب شامل کرده اند[۱]۔ شاید الیوت این چیزی را بر اساسِ آگهی خود نوشته باشد چون تامس ویلیام بیل این چیز را در حرفِ آغازِ این کتاب ذکر نکرده است۔

علاوه بران مفتاح التواریخ دارندۀ وقایع مختصرِ هر سلطنت آسیای و احوال مجملِ آن، با زندگی نامه مردم های مهمی است که در سیاست یا ادب کارهای نمایان انجام داده بودند[۲]۔ ارزشِ این کتاب به این علت هم فراوان است که علاوه بر تاریخِ هجری در بعضی موارد مؤلف تاریخ میلادی، هندی، فصلی، الهٰی و جلالی هم بیان نموده است[۳]۔

آغاز:

'پوشیده مباد که مؤلف را در اثنای سیر کتب تواریخ مقدمین ومتاخرین تاریخ های منظومه وغیره که مورخانِ صاحب فصاحت و بلاغت و......به نظر می افتاد به لحاظ اینکه....بهتر ازین سندی نیست بر پرچه های کاغذ نقلش می گرفت....'[٤]

نسخه های خطی:

از هیچ نسخه خطی این کتاب نشانی به دست نیامد۔ مولف خود مردِ انگلیسی بود و این کتاب در زندگانی مؤلف چاپ شده بود۔

تراجم و چاپ:

این کتاب در **۱۸٤۹م در آگره** و در **۱۸٦۷م در کانپور** به چاپ رسیده است[۵]۔کتاب چاپی کانپورکه موردِ استفادۀ نگارنده این مقاله است، ٤۰٦ صفحه داردو در آخر آن منشی محمد انوار حسین متخلص به تسلیّم تقریظ نوشته است۔

اثر دیگر مؤلف:

۱۔ الیوت،ج۸،ص٤٤۱

۲۔ همان،ص٤٤٤

۳۔ همان،ص٤٤۱

٤۔ بیل،تامس ویلیام،مفتاح التواریخ چاپی،ص۲

۵۔ استوری،ص۱۵۱

لغـت زنـدگینـامه خـاورشناسان(Oriental Biographical Dictionary): ایـن اثرِ انـگـلیسی درمـوردِ زنـدگی نـامهٔ مـردم هـای آسیای نخست در ۱۸۸۱م در کلکته به چاپ رسیـده و بـار دیـگـر در ۱۸۹٤م در لـندن، به توسط ایچ-جی-کین(H.G.Keene) چاپ شده بود[1]-

---

۱- استوری،ص ۱٥۱

تواریخ ملك هزاره از مهتاب سینگ

شرحِ احوالِ مؤلف:

نویسنده این کتاب مهتاب سینگ کایسته است (۱)۔ مهتاب سینگ از روستایی مِرلی پور بود که در پرگنه بوگنی پور(Bhognipur)موسیٰ نگر در شهرستان کانپور واقع است(۲)۔ در تلاش معاش وی به لاهور رفت و به ملازمت شاهزاده کرك سینگ(Kharak Singh) پسرِ بزرگ رنجیت سینگ شامل گردید (۳)۔پنج سال در دفتر پرگنه ساهیوال بلوچان کار می کرد(٤)۔ در سال ۱۸۸۱ بکرمی به مطابق ٥۔۱۸۲٤ م در دفتر هزاره مهتمم گردید(٥)۔ مرزهای هزاره، در غرب با سری کوت و در جنوب با خانپور گکران(Gakharan) متصل است(٦)۔

سال تالیف:

این اثر دارندۀ احوال تا ۱۸٤۹ م است و نسخه خطی اندیا آفیس در ۱۸٥٤ م نوشته شده بود۔ این طور این اثر حتماً میان ۱۸٤۹ م تا ۱۸٥٤م نوشته شده باشد۔البته نبی هادی سال تکمیل این کتاب در ۱۲٦٦ه.ق/ ۱۸٤۹ م نوشته است(۷)۔

محتویاتِ کتاب:

این کتاب در تاریخ ریاست هزاره از عهد قدیم، به ویژه ۱۸۱۹م تا ۱۸٤۹م است(۸)۔ علاوه بر هزاره، مؤلف درین کتاب جغرافیا و احوال شهرستان های مضافاتِ هزاره هم بیان نموده است۔

سبكِ کتاب:

۱۔ استوری،ص٦۷٦

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج٤،ص۸۸

٥۔ استوری،ص٦۷٦

٦۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۲۰۰،ش٥۰٦

۷۔ نبی هادی،ص۳۳٥

۸۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیایی بنگال،ص٥۸،ش۱۸۷

به علت عدم دسترسی به متن کتاب، قضاوت حتمی در موردِ سبك این کتاب برای نویسنده این سطور ممکن نیست۔ البته هرمان اته درمورد سبك این کتاب می نویسد: "The style of the narrative is often very un-Persian." یعنی مؤلف اکثر سبكِ 'بی فارسی' به کار برده است[1]۔ شاید مؤلف درین کتاب واژه های پنجابی و زبان های محلی به کار برده است۔ اما رد یا قبول این امر منحصر به دیدن دستنویس این کتاب است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

از نظر تاریخی این کتاب بسیار ارزشمند است که تاریخ محلی دیار هزاره است۔ علاوه بر هزاره این کتاب در موردِ تاریخ دیگر شهرستان های همسایه چون خانپور، کرلال، جدون، پکلی(Phakli)، تنول، تربیله وغیره نیز است[۲]۔ از نظر اطلاعاتِ جغرافیایی این کتاب هم خیلی مهم است۔این تاریخ ازین نظر نیز ارزشِ بسیار دارد که شرحِ احوال سی سالۀ این تاریخ یعنی از ۱۸۱۹م تا ۱۸٤۹ م را مؤلف با چشم خود ملاحظه کرده بود[۳]۔

آغاز:

'قربان آن قادر بی چون که کرپاس معلق افلاك با این همه نقوش رنگارنگ...'[٤]

نسخه های خطی:

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٥۰٦ موجود است و ۱۲۰ برگ دارد۔نسخه دیگر در کتاب خانه انجمن آسیای بنگال به شماره ۱۸۷ موجود است و ۱۰٦ برگ دارد۔

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۰۰،ش٥۰٦

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۲۱۱

عمدة التواريخ/ تاريخ راجه رنجيت سينگ(۱)

از لاله سوهن لال سوری

شرحِ احوالِ مؤلف:

لاله سوهن لال سوری پسر لاله گنپت رای پسر لاله حکومت رای[۲] به دربارِ رنجیت سینگ بیست و هفت سال اخبار نویس بوده و هم در روزگارِ جانشینانِ وی تا دلیپ سینگ تا ۱۸٤۹ م بر همین عهده مامور بود[۳]۔ پدرش لاله گنپت رای هم به دربار رنجیت سینگ و مهان سینگ و چرت سینگ تا چهل سال به طور وکیل خدمت کرده بود[٤]۔ در ۱۸۵۱م دولتِ پنجاب سوهن لال را تا حیات جاگیرِ هزار روپیه سالانه بخشید[۵]۔ علاوه بر زبان و ادبِ عربی و فارسی سوهن لال در علوم هندسه و نجوم نیز مهارت داشت[٦]۔ وی در بعضی موارد برای سفارت هم مامور گشت و برای استقبال حکمران های دولتِ همسایه انتخاب می شد[۷]۔ نمایندهٔ سیاسی انگلیسیان کاپتان وید(Capt. Wade) بارها او را برخواند و بر اصرار او رنجیت سینگ سوهن لال را حکم داد که یکی نسخه عمدة التواریخ تا احوال ۱۸۳۱م نگاشته به او پیش کند[۸]۔ کاپتان وید کتابی در مورد ارتش های پیاده و سوار به رنجیت سینگ فرستاد و سوهن لال او را با کمکِ ونتورا(Ventora) و فوکس(Fox) به زبان فارسی ترجمه کرده بود[۹]۔ منشی سوهن لال استاد مولانا مفتی لطف الله بود[۱۰]۔

سال تالیف:

در موردِ سال تالیف این کتاب سال حتمی معلوم نشده است البته به گفته دکتر سید

۱۔ ریو، ج۳، صص ۹۵۳۔۹۵٤

۲۔ استوری، ص ٦۷۱

۳۔ همان ٤۔ همان ۵۔ همان

٦۔ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین... ، ج٤، ص۲۳

۷۔ همان

۸۔ همان، صص ۲۳۔۲٤

۹۔ همان، ص۲٤

۱۰۔ عبدالله، دکتر سید، سهم هندووان..، ص۲٤٦

عبدالله این اثر قبل از ۱۸۵۲ م نگاشته شده بود [1]۔ چون کتاب چاپی عمدة التواریخ دارنده احوال تا ۱۸٤۹ م است، این طور این اثر میان ۱۸٤۹ تا ۱۸۵۲ م نگاشته شده باشد۔

محتویاتِ کتاب:

درین کتاب احوال گورووان سیك ها، احوالِ شاهان مغول، استاندارهای پنجاب، تصادم های گورووانِ سیك ها با شاهان مغول داده شده است۔ علاوه برین مؤلف احوالِ سرداران و سپه سالاران و دیوان و دیگر امرای دوره سیك ها را نیز معرفی نموده است۔ فصلی در موردِ فقیران و صوفیای سابقه و حال است۔درباره نظم و نسقِ سلطنت، جنگ، غنیمت، فتوحات، عدالت، فوج، اخلاق و عادات، تمدن و معیشتِ انگلیسیان هم آگهی داده شده است۔ علاوه بر این تاریخِ مفصلِ رنجیت سینگ و جانشینانش داده شده است۔

دکتر سید عبدالله می گوید که این کتاب مشتمل بر چهار دفتر است۔ اما نزدِ دکتر ظهور این کتاب مشتمل برپنج دفتر است ولی دفترِ اول و دوم هر دو دارندۀ تتمه و فقط دفترِ دوم دارندۀ یکی خلاصه یا انتخاب نیز است۔ این کتاب مشتمل بر احوال تاریخی از آغازِ سیك ها یعنی از نانك تا روزگارِ مؤلف دارد۔ نسخه خطی موجود در انجمن شاهی آسیای احوال تا سالِ ۱۸۳۱م در بردارد اما کتاب چاپی دارنده احوال تا ۱۸٤۹ م است [2]۔

دکتر ظهورالدین احمد تفصیل محتویات این کتاب چنین بیان نموده است؛

دفتراول: مشتمل بر ٦۲ باب است۔ درین دفتر تاریخِ سیك ها از آغاز تا احمد شاه تیموری یعنی تا۱۱۸٦ ه.ق داده شده است۔ **دفتر دوم:** از سردار چرت سینگ یعنی ۱۸۲۲ بکرمی تا ۱۸۸۱ بکرمی بیان شده است۔ **تتمه دفترِ اول ودوم:** دارنده احوالِ گورووان سیك ها،تصادم های گورووانِ سیك ها با شاهان مغول ، مقبوضات سیك ها، خلاصه احوال از ۱۸٦۲ بکرمی تا ۱۸۸۱ بکرمی است۔ **خلاصه دفتر دوم:** در بیان احوالِ سرداران و سپه

۱۔ عبدالله،دکتر سید،سهم هندووان....،ص۲۰٤

۲۔ استوری،ص٦۷۲

سالاران و دیوان و دیگر امرای دوره سیك ها است۔فصلی در باره فقیران و صوفیای سابقه و حال هم ذکر شده است۔درموردِ نظم و نسقِ سلطنت، جنگ، غنیمت، فتوحات، عدالت، فوج، اخلاق و عادات، تمدن و معیشتِ انگلیسیان هم آگهی داده شده است۔ **دفتر سوم:** مشتمل بر پنج بخش است و دارنده احوال از ١٨٨١ بکرمی تا ١٨٩٦ بکرمی است۔ **دفترچهارم:** مشتمل بر سه بخش و دارنده احوالِ ١٨٩٦ بکرمی تا١٩٠٢ بکرمی است۔ **دفترپنجم:** مشتمل بر وقایع از ١٩٠٢ بکرمی تا ١٩٠٧ بکرمی است(١)۔

منابع عمدة‌التواریخ:

پدرِ سوهن لال، گنپت رای هم تاریخِ رنجیت سینگ را نگاشته بود و سوهن لال آن تاریخ را در همین کتاب شامل کرد۔ چون ریچارد تیمپل(Richard Temple) می گوید:

'معلوم می شود که عادتِ نوشتنِ وقایع از پدرِ خود لاله گنپت رای گرفت که او خودنه تنها از دربارِ رنجیت سینگ بلکه با مهان سینگ و چرت سینگ به حیثیت وکیل هم وابسته بود و وقایع چهل ساله گذشته را نوشت که با چشمِ خود ملاحظه کرده بود۔او در ١٨٢٨ م فوت کرد و بسیار نسخه های خطی گذاشته اما هیچ یك ازان اهمیتی نداشت و پسرش (سوهن لال) در تالیفِ عالیِ خود همه آنان را به کار برده است'(٢)۔

سبكِ کتاب:

عمدة‌التواریخ تاریخ مختصری است و در سبك مصنوع نگاشته شده است(٣)۔ به روش تاریخ نویسان محلی پنجاب، منشی سوهن لال واژه های محلی و پنجابی درین کتاب به کار برده است۔ تاریخ های سال را هم مطابق ماه های پنجابی نوشته است و گاه گاهی کلمه های عربی نیز آورده است(٤)۔

١۔ ظهورالدین احمد،دکتر، پاکستان مین... ،ج٤،صص٢٤ تا ٢٦

٢۔ استوری،صص ٦٧١۔٦٧٢

٣۔ روز و براوون، اندیا آفیس،ص٨٦

٤۔ هاشمی،دکترمحموده،تحول نثر فارسی در شبه قاره(دوره تیموریان متاخر)،ص٥٥

به نظر انشا پردازی پایه مؤلف چندان بلند نیست۔ نثرش واضح و روان است اما مؤلف مبتلا به مشکل پسندی است ۔ واژه ها و ترکیب های 'فارسی وپنجابی' بسیار به کار برده است مثلاً پچکاری های طلا، بازو بند و پونچیان مرصع، تهان های پوربی، تهان های کهیس، بگی های طلایی وغیره[۱]۔

گاهی نثر فنی و مصنوع به کار برده که نمونه ای از آن نقل می شود: **'هیهات هیهات! ازین کج روی سپهر بی مدار که گردش دور او به یك تیره نیست۔ یکی را کوکب اقبالش به درجه صعود به یك طرفةالعین در ادبار و بال ابدی و شکال سرمدی اندازد و دیگری را که مدت العمر، قرص آفتاب را عوض کرده، نان تصور ساخته باشد پادشاه روی زمین گردانده'**[۲]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

نویسندگانِ انگلیسی در نوشتن تاریخ رنجیت سینگ از این کتاب بسیار استفاده برده اند[۳]۔ مؤلف درین کتاب وقایع را تاریخ وار تحریر کرده است۔ در بعضی موارد چون آمد و رفت مهاراجه، عروسی، جشن، جنگ ها و نتایج آن، تقرر و تنزلِ امرا وغیره مؤلف جزیات را نیز بیان نموده است۔ سوهن لال خود از دربار وابسته بود و بر دستاویزهای دولتی دسترس می داشت۔ اما چون این کتاب را تاریخ وار تالیف کرده است ، وقایع که درین ذکر کرده مربوط و مسلسل نیست۔

نسخه های خطی:

یکی نسخه خطی عمدةالتواریخ در کتابخانه اندیا آفیس هم موجود است که فقط دارندۀ دفتر دوم و سومِ جلد دوم دارد۔ این نسخه تاریخ ۱۲٦۰ ھ.ق دارد و مشتمل بر ۱۰۹

۱۔ دکتر عبدالله،دکتر سید،سهم هندووان....،ص۲۱۱

۲۔ هاشمی،دکترمحموده،تحول نثر فارسی در شبه قاره(دوره تیموریان متاخر)،ص٥٦

۳۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان....،ص۲۱۰

برگ است [١]۔ دستنویسِ دیگر در انجمن شاهی آسیای (Royal Asiatic Society) موجود است۔ برای تفصیل مراجع شود به استوری ص ٦٧٢ و مارشال ص ٤٥١۔

تراجم و چاپ:

این اثر را پسر و نبیرۂ سوهن لال یعنی مول چند و هربگوان (Har Bhagwan) در ١٨٨٠ م به چاپ رساندند [٢]۔ این اثر میان ١٨٨٥۔٩ م در لاهور به چاپ رسیده بود [٣]۔ اما روز و براوون در فهرست دستی اندیا آفیس نوشته اند که دفتر سوم این کتاب در ١٨٨٨م به چاپ رسیده بود [٤]۔

آثارِ دیگر مؤلف:

١۔ عبرت نامه:

علاوه بر عمدة التواریخ لاله سوهن لال کتابی به عنوان 'عبرت نامه' در ذکر قتل شیر سینگ هم نگاشته بود [٥]۔ این عبرت نامۂ منظوم که در ١٨٨٥ م به چاپ رسیده بود، خریدارِ عمدة التواریخ را به طور هدیه می دادند [٦]۔

١۔ روز و براوون، اندیا آفیس، ص ٨٦
٢۔ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین... ، ج ٤، ص ٢٤
٣۔ استوری، ص ٦٧٢
٤۔ روز و براوون، اندیا آفیس، ص ٨٦
٥۔ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان مین... ، ج ٤، ص ٢٤
٦۔ استوری، ص ٦٧٢

مهر نیمروز از مرزا اسد الله خان غالبؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

مرزا اسد الله خان پسر عبدالله بیگ خان متخلص به غالبؔ در آگره در ۸ رجب ۱۲۱۲ ه.ق/ ۲۷ دسامبر ۱۷۹۷م متولد گردید[۱]۔ پدر بزرگ او از ترکان سمرقند بود و در دوره شاه عالم به هندوستان هجرت نمود و از نجف خان منصب یافت [۲]۔ غالبؔ فقط پنج ساله بود که پدرش از جانب راجه الور بختاور سینگ در جنگی قتل گردیده شد[۳]۔ غالب و برادر کوچك وی به دستِ عمو اش نصرالله بیگ خان پرورش یافتند۔ نصر الله بیگ خان در فوج لُرد لیك(Lord Lake) منصب چهار صد سوار داشت،اما غالب نُه ساله بود که عمواش هم فوت کرد و جاگیر وی به دولتی بازگردیده بود و به صله این غالبؔ وظیفه ای یافت[٤]۔

به روز ۲۳ شعبان ۱۲٦٦ه.ق/ ٤ ژون ۱۸۵۰م بهادر شاه ظفرؔ وی را به خطاب نجم الدوله،دبیرالملك،نظام جنگ سرافراز کرد و به نوشتن تاریخ تیموریان مامور کرد[۵]۔ غالبؔ جلد یکم این کتاب در ۱۸۵۲م به تکمیل رساند اما تا جنگ آزادی ۱۸۵۷م نتوانست که جلد دوم این کتاب را به تکمیل رسانده باشد۔ در ۱۸۵٤م واجد علی شاه برای غالبؔ وظیفه پانصد روپیه سالانه مقرر کرد اما دو سال بعد در ۱۸۵٦م اوده به شرکتِ هندِ شرق الحاق یافته و این وظیفه ختم شد۔ دو سال بعد از جنگ آزادی والی رامپور نواب یوسف علی خان برای وی وظیفه صد روپیه ماهانه مقرر کرد [٦] که بعد از وفات نواب موصوف غالبؔ از پسر وی، نواب قلب علی خان، تا آخر یافته بود۔

۱۔ استوری،ص٥۲٥
۲۔ همان
۳۔ همان
٤۔ همان
٥۔ همان،ص٥۲۷
٦۔ مهرؔ،مولاناغلام رسول،پاك و هند...،ج٥ص٨٦

غالبؔ به روز ۲ ذی القعده۱۲۸۵ه.ق/۱۴ فروری ۱۸۶۹م به عمر هفتاد و سه فوت شد[1]۔

سال تالیف:

غالبؔ این اثر را در ۱۸۵۱م نوشته به مولوی رجب علی پیش کرده اما به دستورِ بهادر شاه ظفرؔ بران افزود و این اثر در ۱۸۵۲م در فخرالمطابع چاپ گردید۔ نواب محمد ضیاالدین نیر رخشان قطعه تاریخ این کتاب گفته است:

۔ 'بدان باعث که طرزش جان فروز است

حیات افروز مهر نیم روز است'[2]

[۱۲۷۱]

سبب تالیف:

در موردِ سبب تالیف این کتاب غالبؔ خود می گوید:

'در ۳۰ شعبان۱۲۶۶ه.ق در خدمت شاه بودم، شش پارچه و جقه به من پوشانیده و برای تاریخ نگاری شاهان تیموری مامور شدم۔ تاریخ شاهان چغتایی را تا همایون در مارس ۱۸۵۱م نگاشته، خدمت مولوی سید رجب علی فرستادم۔ اما پادشاه دهلی دستور داد که آغاز تاریخ را از آغاز آفرینش بسازم و چنین کردم و نام آن را 'پرتوستان' نهادم'[3]۔

محتویاتِ کتاب:

مهر نیمروز تاریخ مختصر تیموریان از آغاز تا پادشاه همایون است۔ غالبؔ ایراد کرد که این کتاب را در دو جلد به نام 'مهر نیمروز' از تیمور تا همایون و 'ماه نیم ماه' از اکبر تا بهادر شاه خواهد نگاشت۔ آخرین جمله مهر نیمروز هم چنین بود **'امید که زود نه دیر**

۱۔ استوری،ص۵۲۵

۲۔ احسن،عبدالشکور،مقدمه مهر نیمروز،ص شش

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۸۸

هنگامه تابش ماه نیم ماه گرم شود‘[۱]۔ولی چون جلد یکم رادرمارس ۱۸۵۱م مکمل کرد، بهادر شاه ظفرؔ دستور داد که این کتاب باید از آدمؑ آغاز شود۔ پس غالبؔ این جلد یکم را ’پرتوستان‘ نام نهاد۔ جلد دوم این کتاب نگاشته نشده بود[۲]۔

در کتاب چاپی به اهتمام عبدالشکور احسن عناوین کتاب چنین داده شده است:آغاز، زمزمه نعت،ترانه مدح، خطاب زمین بوس، سبب تالیف کتاب و انداز فتح الباب، آغاز پرتو فشانی مهر نیمروز درباز نمود پیدایی طلسم شب و روز؛ نشان هستی آدم، پرتومهر نیمروز از دارایی ترك ابن یافث تا قهرمانی منگلی خان، پرتو در فراوانی وجود ایلخان تا فرِّشهود بایسنغر خان، پرتو دیگر دربلندی رایت اقبالِ تومنه خان تا عالم آرایی جهانبان برتان بهادر، پرتومهرنیمروز از فروغ گوهرِ یسوکا بهادر تا درخشندگی جوهر تیغ چنگیز خان، پرتومهرنیمروز در وزیدن نسیم نوروزی به جنبش پرچم لوایی جهان کشایی سپهبدی قراچارنویان تا زرین کلاهی وشهنشاهی صاحبقران اعظم امیر تیمورجم حشم، پرتو مهرنیمروز در ورق گردانی داستان جهانگردی و جهانگیری خسرو مریخ سلاح مهر کلاه ظهیرالدین محمد بابر بادشاه، پرتو مهرنیمروز در نموداری حال فرخی فال جهانبان جنت آشیان نصیرالدین محمد همایون بادشاه غازی[۳]۔

سبكِ کتاب:

غالبؔ این کتاب را با نظم هم آراسته کرده است۔درین کتاب کمالِ نثرِغالبؔ می توان دیده شود۔ گاهی در نثر آیاتِ قرآنی هم آورده است۔ آغاز هر پرتو از نثر متکلفه می کند۔ چون این کتاب را به رشته تحریر آورد، موردِ نظر وی نثرِ ابوالفضل بود۔
بسیار جا غالبؔ عبارت های مسجع ومقفی به کار برده است؛’**جیفه جیفه کردن ابروی هلال**

۱۔ غالبؔ،اسد الله خان،مهرنیمروز، به کوشش عبدالشکور احسن،ص۱۷٦

۲۔ استوری،ص۵۲۷

۳۔ مهر نیمروز چاپی،به کوشش عبد الشکور احسن(فهرست مندرجات)،لاهور،۱۹٦۹م

به پرتو افشانی ستاره های شام از انداز جهان آرایی مشاطه صنعتش اشاره و گرداب رنگ گردیدن....' [۱]

مثال تجنیس ببینید که در مدح شاه گفته است؛ '**سرش را به تاج شاهی افراختند و دلش را به نور الٰهی افروختند**'[۲]

مثال عبارت آرایی ببین؛ '**سکندر که آب حیوان خواستی، دیر زیستن از بهر آن خواستی که چون این وقت را دریابد،درر کاب شاه به شکارگاه شاطرانه شتابد۔ خضر که حیات جاودان یافت، همانا از ایزد فرمان یافت که چون سلطان به کشور کشایی لشکر آرایی شود،پیشا پیش لشکر رهبرانه رود**'[۳]

بعضی جمله های این کتاب این قدر جالب است که خواننده بسیار بار آنرا می خواند۔ به طور مثال؛

'**میرم بدین ذوقِ زیستن که تا کجا زیست و دمِ مردن بر زود میری خویش خون گریست**'[٤]

'**خواهی هنگامه گرم کن و خواهی بزم آرایی، مرگ را نه آن خدنگ به کمان است که خطا کند**'[۵]

'**خون خواهان به خون گرمی در وی آویختند و خونش را که به دویدن گرم شده بود، گرماگرم بر زمین ریختند**'[٦]

'**روزی که شهنشاه بسیار بخش بسیار دان ازین کهن خاکدان به جهان جاودان رفت....**'[۷]

غالبؔ چون در زبان فارسی دسترسِ تامه داشت و خود را استادِ فارسی می شمرد، درین کتاب بسیار جای دسترسِ وی بر زبان فارسی می توان دیده شود۔ به طور مثال زیر قرار تکرارِ صوتیِ 'ا' ، 'د' ، 'ر' ، 'ز' و 'و' ملاحظه باشید؛

۱۔ غالبؔ،اسد الله خان،مهر نیمروز(ترجمه اردویی)،مترجم عبدالرشید فاضل،ص٤٦
۲۔ همان،ص۵۰
۳۔ همان،ص۵۱
٤۔ همان،ص۵٤
۵۔ همان،ص۵۵
٦۔ همان
۷۔ غالبؔ،اسد الله خان،مهر نیمروز، به کوشش عبدالشکور احسن،ص١٤٧

'داور رازدان دران روز از درس ورق راز از راه رازداری در ورزش روش آزرم روی آورد، و از زدودن داغ آز و آرزو در دل زار آن دو رو را دارو و روان آزرده او را آرام داد۔ آری! ره رو راد در وادی داد از آزاده روی دم زد و در راه داد ورزی از روی رادی و آزادی در ارم زد'[1]

مثالِ جملۀ دراز در موردِ امیرتیمور که مشتمل بر بیش از سه صفحه است،می توان دید که بخشی ازان زیرنوشته است؛

'....مظفر و منصور آمدن شاه به ستردن نقش و نام و نشان منصور و مظفر از صفحه روزگار، گرایش قهرمان توران زمین به دارالخلافت بغداد و دست یافتن به فتح و تسخیر آن خجسته سواد و از پا افگندن دژ تکریت و خون ریختن بیگانه کیشان گرجستان به روایی فرمان جهاد و ترکتاز جهاندار زمین نورد و آسمان پا انداز بر اولوس جوجی و کشور روس و کشودن راه فوج جیحون موج و گروه قلزم شکوه ازان وادی به سوی چرکس و البرز کوه....'[2]

ارزشِ ادبی و تاریخی:

مرزا اسد الله خان غالبؔ یکی شاعرِ برجستۀ شبه قاره بود۔ وی یکی از علمای فارسی زمان خود بود و بر فارسی دانی خود نازان بود۔درین کتاب وی تاریخ تیموریان هند را پرداخته است و این اثر یکی از کارِ عالی غالبؔ به شمار می آید۔ جالب است که اگرچه از نظر ادبی این کارِ غالب است ولی از نظر تاریخی این کارِ وی نیست۔ این چیزی را وی در یکی نامه اردو وضاحت هم کرده است که کارپردازان از روی کتب، تاریخ را در اردوی نوشته به من فرستادند ومن آنرا به فارسی می گردانم۔ در همین نامه غالبؔ این چیز را ازین شعر توضیح کرده است که:

۱۔ غالبؔ،اسد الله خان،مهر نیمروز، به کوشش عبدالشکور احسن،ص۱۵۳

۲۔ همان،ص۱۲٦

ـ ما قصه سکندر و دارا نخوانده ایم		از ما به جز حکایت مهر و وفا مپرس[1]

غالبؔ در ین کتاب یعنی مهرِ نیمروزهم ذکر کرده است۔ می گوید؛ '...**چشم به سواد آن کتاب دوختم و چراغ گویایی از شمع نطق آن فرزانه افروختم و این از بهر آن گفتم که اگر ناگاه گفتار مرا درین سره گزارش با نگارش های دگر اندك مایه اختلاف رو دهد، دیده وران دانند که جواب به عهده ابوطالب است نه به ذمه اسد الله غالب**'[2]

آغاز:

'آغاز هر گفتار که سرانجام آن در اندیشه گذرد و سرانجام هر کار که خرد به آغاز آن راه برد، به ستایش دادار دانایی بخش...'[3]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی مهر نیمروز در کتاب خانه اندیا آفیس [4] و کتابخانه عمومی پنجاب لاهوربه شماره ۸۷۱،۹۹ پنج، موجود است[5]۔

تراجم و چاپ:

این اثر در زندگانی غالبؔ ۱۲۷۱ ه.ق/ ۵ـ۱۸۵٤م در 'فخرالمطابع' دهلی چاپ شده بود[6]۔ استوری یکی تالیف این کتاب را در ۱۲٦۸ ه.ق/ ۱۸۵۲م هم ذکر نموده است که غلط است و این اشتباه از 'مهر دفتر خاص ولی عهد بهادر۱۲٦۸' پیدا شده بود[7]۔

در 'کلیات نثر غالب' از صفحه ۲۵۵ تا ۳۷٦ از مطبع نولکشور لکنو در ۱۸۷۱م چاپ گردیده است[8]۔ این اثر در کانپور در ۱۸۸٤م و ۱۸۸۸م هم چاپ گردیده بود[9]۔

مهرِ نیمروز به کوشش عبدالشکور احسن، از سوی دانشگاه پنجاب لاهور در ۱۹٦۹م با

۱ـ آفاق حسین آفاق، نادرات غالب، ص۲۹

۲ـ غالبؔ، اسد الله خان، مهرنیمروز، به کوشش عبدالشکور احسن، ص۱۱۲

۳ـ همان، ص یکم

٤ـ استوری، ص۵۲۷

۵ـ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص۵۸۹

٦ـ استوری، ص۵۲۷

۷ـ احسن، عبدالشکور، مقدمه مهرنیمروز، ص هفت

۸ـ استوری، ص۵۲۷		۹ـ همان

مقدمه اردویی به چاپ رسیده است۔ ترجمه اردویی مهرنیمروز به کوشش عبدالرشید فاضل در کراچی از سوی انجمن ترقی اردو در ۱۹۶۹م چاپ شده است۔ این هر دو کتاب به موقع صد ساله جشن غالبؔ چاپ شده بود۔ موردِ نویسنده این سطور برای نوشتنِ این مقاله همین دو کتاب چاپی است۔

تاریخ بدهالان از رایزاده بودهامَل

شرحِ احوالِ مؤلف:

از احوال بودها مَل هیچ اطلاعی در دست نیست الا که او فرزندِ رایزاده دونی چند مؤلفه کیگوهر نامه بود[۱] و این کتاب که در اصل کرسی نامه(شجره نسب) قبیلۀ بدهالان است، دونی چند به زبان هندی نگاشته بود و بودها مل این اثرِ هندی را به زبان فارسی ترجمه کرده تاریخ بدهالان نام نهاد۔

سال تالیف:

رایزاده دونی چند شنیده های خود را در ۱۵ اسوج ۱۸۱۸ بکرمی نگاشته بود و بودها مل راویداد ها را تا سال ۱۸۵۳ م/ ۱۹۱۰ بکرمی در بردارد[۲]۔ این طور سال تالیف این کتاب ۱۸۵۳م/ ۱۲۷۰ھ.ق باشد۔

سبب تالیف:

در سبب تالیف این کتاب مؤلف در تمهید گفته است که حسبِ فرمایشِ شیخ خدایار خان، شیخ ثابت خان، لدهو خان و همت خان که از سردارانِ قبیله بدهالان بودند، دونی چند کرسی نامه بدهالان را در هندی و فارسی منظوم کرد[۳]۔ این کرسی نامه که دونی چند نوشته بود در یك نسخه خطی در دانشگاه پنجاب، گنجینۀ آذر به شماره H-۵۱ از برگ ۲ تا ٦ موجود است[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

تاریخ بدهالان تاریخ خانواده بدهالان و خانواده های دیگراست که در سرزمین

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۷۹

۲۔ همان

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٤،ص۸٦

٤۔ همان

پوتوهار(Pothohar) پنجاب پاکستان زندگی می کردند۔ در آغاز این کتاب مؤلف کرسی نامهٔ بدهالان را نگاشته است۔نسب نامه ایشان از حضرت علی کرم الله وجهه آغاز می شود۔در نسل ایشانً یکی قطب شاه بود که اولادش در پنجاب در کیدانه، کالاباغ، سولگیر و هنگوت آباد شده و در اولادِ او شخصی 'بودهول' بود که بر نام او ایشان را 'بدهالان' می خوانند[۱]۔ درین کتاب مؤلف در موردِ سرداران مختلف و اولاد های شان ذکر می نماید۔ روستای ها که در روزگارِ گکران(Gakhran) و سیك ها در تصرف بدهالان بود، را فهرست هم داده شده است ۔

علاوه بر بدهالان درین کتاب کرسی نامه های اقوام دیگر چون دهمیالان، تکیالان، رنیالان، بکرالان(Bhakralan) وغیرهم و شرحِ احوال و کوایف ایشان هم مندرج است[۲]۔در آخر این تاریخ از امیر تیمور تا شاه عالم ثانی را احوال مختصر و سنین ولادت و مدتِ حکومت هم داده شده است[۳]۔

سبكِ کتاب:

مؤلف اگرچه هندو است اما کتاب را آغاز به طریق مسلمانان کرده است۔ چون نسخه خطی این کتاب مشتمل بر چند صفحه است، ازین می توان حدس بزند که این تاریخ خیلی مختصر نگاشته شده باشد۔ درین کتاب بسیار تنوع می توان دید که دارنده کرسی نامه و احوال وتاریخِ قوم بدهالان و هم تاریخ مغول است۔

ارزش ادبی و تاریخی:

تاریخ بدهالان ازین رو بسیار ارزش مند است که در حقِ یکی قبیلهٔ محلی نگاشته شده است و شاید در فارسی واحد اثر است که در عهد تیموریان متاخر پیرامون تیرهٔ

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۴،ص۸۶

۲۔ نوشاهی،خضر عباس،گنجینه آذر،ص۳۹۴

۳۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۴،ص۸۷

بدهالان نوشته شده بود. افزون بران این تاریخ در موردِ شرحِ احوال از اقوامِ دیگرِ آن دیار نیز است.

آغاز:

'ستایش و نیایش مر خالق را سزد که از قدرت کامله ازلی و حکمت شامله لم یزلی فرش صندلی لباس زمین را بر آب آراسته..'[۱]

نسخه های خطی:

فقط دو نسخه خطیِ تاریخ بدهالان در کتابخانه دانشگاه پنجاب، مجموعه آذر موجود است که تفصیل آن چنین است؛

۱)لاهور،دانشگاه،آذر۷۷۹۶/ ۵۱ـ H: نستعلیق،رتن چند،در حویلی خانه خود،۲۶ماگه۱۹۱۱ب(گ۱ـ۲۸)[۲]

۲)لاهور،همانجا ۱۰۸/۷۸۵۲ـH: نستعلیق، گویا رتن چند، در احوال بدهالان بشندور و کیفیت موضع گلیانه و جز آن،۳۲ص[۳]

۱ـ منزوی،احمد،فهرستِ مشترك،ج۱۰،ص۵۷۹

۲ـ همان

۳ـ همان

عبرت نامه و عمدة التواریخ[۱] از مفتی علی الدین

شرحِ احوالِ مؤلف:

مفتی علی الدین پسر مفتی خیرالدین لاهوری یکی از ملازمان شرکت هند شرق بود[۲]۔ وی همراهِ پدرش در ۱۲۳۹ھ.ق/۱۸۲۳م به علت غارتگری سیك ها ، لاهور را خیرباد گفته به لودیانه(Lodhiana) هجرت کرد[۳]۔ آنجا پدرِ وی به ملازمان انگلیسیان شامل گشت و بعد ازان علی الدین هم به انگلیسیان پیوست۔ وی در شهرهای مختلفه خدمت انگلیسیان انجام داد و در فیروزپور،لودیانه، بهاول پور، سند، ماروار، مولتان، دیره جات، پنجاب، هزاره، کشمیر، پیشاور، دره خیبر، کابل، غزنی و بامیان خدمت انگلیسان به جا آورد[٤]۔ مفتی علی الدین در دیباچه عبرتنامه معرفی خود چنین بیان نموده است؛

'...پس ازانکه شدایدِ روزگار ومکاید دور دوّار بسیار از بسیار و زیاده از حصر و شمار کشیدم و دیدم و به خدمت صاحبان عالیشان انگریز بهادر..... سن ۱۸۲۳ عیسوی مطابق سن ۱۲۳۹ هجری موافق سمت ۱۸۸۱ بکرما جیتی مع والد خود از لاهور که وطن آبایی و اجدادی و زاد بومم بود، به سبب ظلم سنگهان برآمده به لودهیانه رسیدم و ازان روز تا یومنا هذا که سن ۱۸۵٤ عیسوی مطابق سن ۱۲۷۰ هجری موافق سمت ۱۹۱۱ بکرما جیتی است به خدمت اکثری از صاحبان ذیشان ....حاضر بوده به علاقه فیروزپور و لودهیانه و بهاولپور و سنده وماروار ومولتان و دیره جات و پنجاب و هزاره و کشمیر و پیشاور و دره خیبر و کابل تا حدود غزنی و بامیان حتی الامکان خدمت شایسته به جا آوردم'[۵]۔

در ۱۲۷۰ھ.ق/ ۱۸۵٤م چون مؤلف در خدمتِ کمیسیونر لاهور مستر چارلس

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۹۹،ش۵۰٤

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ علی الدین،مفتی،عبرتنامه(به اهتمام دکتر محمد باقر)،ج۱،صص۱و۲

۵۔ همان

ریکس(Mr. Charles Raikes) بود، علی الدین این کتاب را برای همان مردِ انگلیسی تالیف کرده بود[1]- به واژه های خود او؛ '..**به خدمت...معلی القاب مستر چارلس ریکس صاحب بهادر کمشنر و سپریتندنت قسمت لاهور....[ص۳]- حاضر شدم- در دلم گذشت که اگرچه نذرانه لایق و تحفه فایق .....به خدمت با رفعتش بگذرام**'[2]- اگرچه مفتی خیرالدین این اثر را نوشته بود اما این اثر به صورتِ اوراقِ پراگنده بود که پدرش حسب فرمایش کولونل سی ایم وید(Col. C.M.Wade) نوشته بود اما چون مستر وید از آنجا به جای دیگر مامور گردیده و خیرالدین هم به دیار مختلف مانده بود، نتوانست که این کتاب را به تکمیل رسانده باشد- علی الدین چون برای نوشتن کتابی خواهش داشت، وی اثرِ پدر خود را نظرِ ثانی کرده این کتاب را تالیف کرد-

'**پس ازین چیزی بهتر نخواهد بود که کتاب عبرتامه را که والد ماجد مرحومم به عبارت ماقل و دل، بیت:به لفظ اندک و معنی بسیار، در کوایف اربعه حدود ممالك قسمت پنجاب.......و تعداد اقسام مزروعات ربیع و خریف و معدنیات و نباتات و وحوش و طیور، پیداوار این ملك و رسومات اهل اسلام و هنود و سنگهان و فقرای هر سه گروه و بنای قصبه جات مشهوره و بلده های معموره و تصرف بادشاهان اسلام و آغاز راج سنگهان و احوال ملك گیری ایشان حسب فرمایش والا مراتب کرنیل سی ایم وید صاحب بهادر پلتی کل ایجنت لودهیانه به طریق مسوده تالیف و تصنیف نموده و آن کتاب به چندین وجوه .... ناتمام و اوراق پراگنده افتاده بود**'[3]-

علاوه بران درباره مؤلف زیاد معلوم نشده است- اما این قدر که وی تا ۱۸۵٦م حیات داشته باشد که درین سال دکتر رایل(Dr.Royle) نسخه خطی این کتاب را که به گفته اته

۱- استوری،ص ٦۷۳

۲- علی الدین،مفتی،عبرتنامه(به اهتمام دکتر محمد باقر)،ج۱،صص ۲-۳

۳- همان،ص ٤

نوشته خود مؤلف است، حاصل کرده بود[۱]۔ از نام کامل این کتاب که 'عبرتنامه و عمدة التواریخ' است گمان می شود که چون پدر مؤلف این عبرتنامه را نگاشته بود و مؤلف بران اضافه کرده بود،شاید عمدة التواریخ وی افزوده خود بر کتاب پدرش را نامیده است۔

سبب تالیف:

پدر مؤلف مفتی خیرالدین این کتاب را حسب فرمایش کولونل سی ایم وید(Col.C.M.Wade) آغاز کرد اما زندگانی وی را مهلت نداد و این کتاب را نا تمام گذاشته فوت شد۔ بعد ازان مفتی علی الدین این کتاب را افزوده و نظر ثانی کرده به خدمت چارلس ریکس پیش کرد۔

سال تالیف:

این اثر در ۲۰ ذی الحجه ۱۲۷۰ه.ق/۱۳ سپتامبر ۱۸۵٤م نوشته شده بود[۲]۔

محتویاتِ کتاب:

عبرتنامه از مفتی علی الدین مشتمل برتاریخ پنجاب است ۔ اگرچه نسخهٔ خطی اندیا آفیس که منحصر به فرد است پس از مقدمه باب اول، دفتر دوم، دفتر دوم (به جای دفتر سوم) و یك گونه خاتمه بدون عنوان گزاری(در کتاب چاپی هم این خاتمه گفته نمی شود) نگاشته شده است[۳]، اما ما می توانیم که این کتاب رادر سه دفتر و یك خاتمه یا در چهار دفتر تقسیم بکنیم۔

این کتاب در دو جلد چاپ شده است که ازان **جلد اول** دارنده سه دفتر است ۔ ***دفتر اول*** منقسم در شانزده فصل در وجه تسمیه پنجاب، رودها ، کوهسار، زمین کشاورزی، مزروعات، میوه ها، کان ها، چوپایان و پرندگان است ۔ *دفتر دوم* منقسم در هجده فصل

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۱۹۹،ش٥٠٤

۲۔ همان

۳۔ همان

است که مهم ازان درذکر آب و هوای این دیار، تاریخ بنای لاهور، شهر و قلعه های دیگر این دیار و ذکر سلطنت شاهان دهلی است۔ *دفتر سوم* در چهل و دو فصل نگاشته شده است و در بیانِ احوال گورووان سیك ها، یورش نادر شاه، هنگامه احمد شاه درانی که این را مؤلف با تفصیل بیان نموده است، حکومت سیك ها در پنجاب، رنجیت سینگ و جنگ های سیك ها با انگلیسیان بیان نموده است۔ **جلد دوم** مشتمل بر خاتمه کتاب در موردِ فقرای چهار سلاسل تصوف در هندوستان و فقرای هنود، دربیان رسوماتِ مسلمانان و هندووان وسیك ها، دربیان اهل علمِ هر سه گروه، ملبوسات هر سه گروه ومصاحبان و حکیمان ومنشیان ومستوفیان و خدمتگاران که از رنجیت سینگ وابسته بودند۔

سبكِ کتاب:

اگرچه مولف این کتاب را به سبك ساده و روان نوشته است اما واژه های اردو و پنجابیِ محلی به کثرت به کار برده است۔بسیار جای سال های هندی را برابر سال های شمسی و هجری آورده است۔ مؤلف بعضی تراکیبِ نو نیز ایجاد کرد چون 'پوره کردن' به جای اتمام رساندن، 'رپورت نموده' به جای خبر داده وغیره۔

بعضی جا اشعار هم به کار برده است اما خیلی کم۔ اکثرچون واژه محلی به کار می برد در فارسی اورا توضیح هم می دهد۔ به طور مثال '... **چنانچه کتوری یعنی ظرفی که از پیتل می باشد به دست گرفته......چیزی در دهوپ یعنی گوگل**' [۱]۔ همین طور به جای دیگر اشنان یعنی غسل و این طور بسیار مثال درین کتاب می توان دید۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب ذخیرۀ اطلاعات در موردِ جغرافیا و سیاست ومعاشرت و معیشتِ پنجاب در وسط قرن نوزدهم میلادی است[۲]۔این کتاب از اطلاعات ورسوم های این دیار لبریز

۱۔ علی الدین،مفتی،عبرتنامه(به اهتمام دکتر محمد باقر)،ج ۱،ص ۳۵۳

۲۔ باقر،دکترمحمد،مقدمه عبرتنامه،ج ۱،ص یازده

است۔ مؤلف دربیان رسوم و رواجِ هر سه گروه یعنی مسلمانان و هندووان و سیك ها را ذکر نموده است۔ نقل آن عهد نامه هم داده است که میان انگلیسیان و رنجیت سینگ قرار گرفته بود۔

علی الدین درین کتاب بر دیگر تواریخ معروفِ پنجاب از سوهن لال،امرنات و بوتی شاه تنقید کرده است و این انتقاد را نیز یکی از سبب تالیف این کتاب بیان نموده است؛

'هم درین اثنا از ملهم غیب به خاطرم گذشت که اگرچه سابقاً چندین از مؤلفان سخندان کتاب تواریخ سنگهان به موجب رسای فکر خود تصنیف نموده: مثلاً *لاله سوهن لال* نامی سکنه لاهور کتابی درین ضمن نوشته که به تطویل انجامیده و به سبب هم مذهبی در اکثر مقامات رعایت نموده از نفس الامر بر کنار مانده و دران سوای ایجاد و ذکر ملك گیری سنگهان دیگر چیزی مندرج ننموده و هم *دیوان امرنات پندت* کاشمیری دهلوی کتابی نوشته که آن مثل وقایع سالیانه به عبارت مختصر و مغلق بوده که مطالعه اش در بر آوردن مطالب شایق را به دقت می اندازد و نیز *بوته شاه* نامی اوان سکنه لودهیانه کتابی نوشت که[ص٤] با وصف مطانت و رنگینی فقرات به سبب تطویل اکثر مطلب دران مهمل مانده و سامع را جز سمع خراشی ازان حاصلی نیست'(۱)۔

آغاز:

' الحمدلله الذی جعل سیرالاولین عبرة للآخرین و الصلوٰةوالصلام علی رسوله و حبیبه محمد و اصحبه اجمعین۔ اما بعد می گوید بنده نیاز آگین مفتی علی الدین خلف مفتی خیرالدین مرحوم لاهوری.....'(۲)

نسخه های خطی:

نسخه خطی این کتاب که منحصر به فرد است در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره

۱۔ علی الدین،مفتی،عبرتنامه(به اهتمام دکتر محمد باقر)،ج۱،صص۳۔ ٤

۲۔ همان،ص یکم

فهرست ٥٠٤ نگهداری می شود و دارندۂ ٣٧٦ برگ است۔ به گفتۂ اته این نسخه نوشته خود مؤلف است و نام کامل این کتاب 'عبرتنامه و عمدة التواریخ' است[1]۔ اما این نسخه نوشته مؤلف نیست بلکه به دستِ کاتب خوشنویس ولی کم سواد نوشته شده است و مؤلف این نسخه را به دست خود تصحیح کرده بود، چون در پایان این نسخه مفتی علی الدین عبارتی زیر نوشته شده است: **'تمت تمام شد کتاب تواریخ پنجاب موسوم به عبرت نامه وعمدة التواریخ.....به مقام لاهور به دست غلط نویس رحیم بخش المعروف بکهو سکنه لاهور۔ عاصی مفتی علی الدین شب و روز مصروف بوده صحیح نموده، نحوی که باز بنده در تحریر این کتاب مدت شده بود همان قدر عرصه بر تصحیح این مصروف گردیده'**[2]۔

تراجم و چاپ:

این اثر به اهتمام و مقدمه انگلیسی ازدکتر محمد باقر در دو جلد از لاهور،در ١٩٦١ م به چاپ رسیده است که مورد استفاده نگارنده این نوشته است۔

یادداشت: دکتر محموده هاشمی در کتابش 'تحولِ نثر فارسی در شبه قاره'(دوره تیموریان متاخر) میانِ عبرت نامه مفتی علی الدین پسر خیرالدین لاهوری و عبرتنامه خیرالدین اله آبادی که در موردِ شاه عالم است،اشتباه کرده اند۔ دکتر موصوفه در محتویاتِ عبرتنامۂ مفتی علی الدین همان محتویاتِ عبرتنامۂ خیرالدین اله آبادی نقل کرده است[3] اما این کتاب اصلاً دربارۂ شاهان دهلی نیست بلکه فقط بخشی از دفترِدوم این کتاب در موردِ ذکرِ شاهان دهلی است۔ اصلاً این کتاب در تاریخ پنجاب نوشته شده است۔

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۱۹۹،ش٥٠٤

۲۔ علی الدین،مفتی،عبرتنامه(به اهتمام دکتر محمد باقر)،ج۲،صص۹۹و۱۰۰

۳۔ ر.ك محموده هاشمی،دکتر، تحول نثر فارسی در شبه قاره، دوره تیموریان متاخر،ص٦٦ (برای بررسی 'عبرتنامه' از خیرالدین اله آبادی که درموردِ شاهانِ دهلی است، در همین مقاله مراجع شود)۔

تواریخ متفرقه(از۱۲۲۲تا۱۲۷٤ه.ق)

☆احسن القصص:

این اثر در تاریخ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم از مولوی احسن الله لکنوی یادگار است [۱]۔ احسن القصص به نام 'تاریخ نبیؐ' هم معروف است و از 'تاریخ نبیؐ' سال تالیف این کتاب ۱۲۷۳ه.ق هم به دست می آید [۲]۔ مولوی احسن الله این اثر را برای دانشجویان نوشته بود[۳]۔ هیچ نسخهٔ خطی این کتاب به دست نیامد اما این اثر در ۱۸۸۳م در لکنو به چاپ رسیده بود[٤]۔

☆احوال شهر اکبرآباد:

این اثر از یکی مرد هندو مانک چند در مورد تاریخ و جغرافیای آگره یادگار است[۵]۔ مانک چند در دانشکده دولتی آگره مشغول تحصیل بود و این کتاب را حسب خواهشِ جیمز استیفان لوشنگتن(James Stephen Lushington) که در آگره جمعدار بود، تالیف کرده بود[٦]۔ مستر لوشنگتن در۲٦_۱۸۲۵م جمعدار و قاضی آگره بود[۷] و این اثر حتماً میان این دو سال نگاشته شده باشد[۸]۔ البته نبی هادی سال تالیف این کتاب ۱۲٤۱ه.ق/۱۸۲۵م نوشته است[۹]۔ مستر لوشنگتن در روزنامه ای برای این کار اعلان کرده بود و دانشجویانِ دانشکده را به ویژه برای نوشتنِ این اثر مخاطب کرده بود[۱۰]۔

۱_ استوری،ص۲۰٤ ۲_ همان
۳_ نبی هادی،ص۵۵
٤_ استوری،ص۲۰٤
۵_ ریو،ج۳،ص۹۵۸
٦_ استوری،صص۶۹۲_۶۹۳
۷_ ریو،ج۳،ص۹۵۸
۸_ مارشال،ص۲۸۵ هم سال تالیف این کتاب ۲٦_۱۸۲۵م گفته است۔
۹_ نبی هادی،ص۳٤۰ ۱۰_ ریو،ج۳،ص۹۵۸

بعد از چند سطری در موردِ آغاز و اصلِ این دیارکه درزمان هندووان 'جام پرست' خوانده شده بود، مانك چند تاریخ این دیار به روزگارِ مسلمانان به ویژه اکبر اعظم تا قبضه انگلیسیان، بیان نموده است(۱)۔ خاتمه کتاب مشتمل بر احوال ساختمان های مهمی این دیار است (۲)۔ ازین رو این کتاب خیلی ارزشمند است که دارندۂ احوال تاج محل آگره است۔

آغاز: 'حمد خالقی که دو کاشانه دماغ انسان......' (۳)

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۰۳۰ از برگ یکم تا ۳۰ و بر شماره Or. ۲۰۳۱ از برگ ۱٤۸ تا ۲۲٦ موجود است۔

☆اشرف نامه:

این اثر دربیانِ کارهای ارتشی دوندی خان(Dunde Khan) است(٤)۔ نویسندۂ این کتاب محمد اشرف خان، پسرِ دومِ نواب دوندی خان بود (۵)۔ محمد اشرف خان جاگیردارِ خانوادۂ راجپوتِ مسلم معروف به لال خانی بود(٦)۔ ریاستِ آنها کاماؤنه(Kamaunah) در شهرستان 'بلندشهر' در اُترپردیش واقع بود (۷)۔ در ٦-۱۸۰۳م دورانِ مهم دوآب وقتی که نواب دوندی خان در قلعه کاماؤنه انگلیسیان را با پایمردی مقابله کرد،آن وقت در ۱۸۰۳م نویسنده این کتاب اشرف خان دوازده ساله بود(۸)۔ نبی هادی اشتباه کرده است که آیا این کتاب اشرف خان نوشته بود یا به سرپرستی وی کسی دیگر نوشته بود (۹)۔ این کتاب در۱۸۵٤م(۱۲۷۱ ه.ق) در کول(Kol) به چاپ رسیده بود و ۱۳۱ صفحه داشت (۱۰) اما نشانی

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۵۸
۲۔ همان ۳۔ همان
٤۔ استوری،ص٦٤۷ ۵۔ همان
٦۔ نبی هادی،ص۹۳
۷۔ همان
۸۔ استوری،صص٦٤٦-٦٤۷
۹۔ نبی هادی،ص۹۳
۱۰۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون٤۵۳

هیچ نسخه خطی ازین کتاب به دست نیامده است۔

☆اعجاز السیر:

دربارۂ مؤلفِ این کتاب پورن چند اطلاعی زیاد در دست نیست۔ فقط این قدر معلوم شده است که او در دیوانِ وزارت لکنو ملازمت داشت[۱]۔ آنچه که وی درباره خود، درین کتاب نوشته است ازان فقط این قدر معلوم شده است که به تاریخِ ٥ صفر ١٢٦٨ھ.ق او در دیوان وزارت موجود بود و با مشیرالدوله صحبت کرده بود[۲]۔ باری همراهِ رای پرتاب نراین بود[۳] و باری دیگر به دربار احمد خان بنگش در فرخ آباد نشسته بود[٤]۔

این کتاب در تاریخ اوده است و در ١٢٦٧ھ.ق/١-١٨٥٠م نوشته شده بود[٥]۔ مؤلف این تاریخ را حسب خواهشِ واجد علی شاه نگاشته بود[٦]۔ در مقدمۂ این کتاب مؤلف هجده اثرِ خود را ذکر می کند که وی آن را نگاشته بود یا تدوین کرده بود[۷]۔ او 'اعجازالسیر' را به طورِ ضمیمۂ کتاب خود به نام 'سلطان السیر' گفته است و امیدوار است که این کتابِ کامل، زود به تکمیل می رسد[۸]۔

نسخه خطی اعجاز السیّر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره ٣٨٨٦ موجود است و شاید دستنوشتۂ مؤلف است[۹]۔

☆اقبال نامه سعادت آیات:

محمد اعظم اسدی الهاشمی الفاروقی البهاولپوری پسر مولوی محمد صالح[۱۰] در

۱۔ نبی هادی،ص٤٨٠
۲۔ استوری،ص٧١١
۳۔ همان ٤۔ همان
٥۔ مارشال،ص٣٩٢
٦۔ نبی هادی،ص٤٨٠
۷۔ استوری،ص٧١١
۸۔ همان ۹۔ همان
۱۰۔ ریو،ج٣،ص٩٥٢

۱۸۰۹ م از سوی نواب صادق محمد خان دوم تاریخ نویس مامور شده بود[۱]۔ نواب صادق خان در حکم فرمایی خود اعظم بهاولپوری را برای ضبط کردنِ احوال دو سالۂ نخست دستور داد که لاله دولت رای ناتمام گذاشته بود[۲]۔ این کتاب دارندۂ تاریخ دورۂ نواب صادق خان است که محمد اعظم بهاولپوری ازان احوالِ چهار پنج سالۂ نخست با تفصیل بیان نموده است و از سال ۱۲۳۰ ه.ق تا ۱۲٤۱ ه.ق بیان او بسیار مختصر است[۳]۔

آغاز: **'زیب فهرست نسخۂ مفاخر و معالی....'**[٤]

نسخۂ خطی 'اقبال نامۂ سعادت آیات' که دستنوشتۂ مؤلف است در کتاب خانۂ موزۂ بریتانیا به شماره Or. ١٦٣١ از برگ ٤١٠ تا٥٨٦ نگهداری می شود۔ درین نسخۂ دستنوشته که مشتمل بر ٥٨٦ برگ است، پیش از 'اقبال نامۂ سعادت آیات' از برگ ۲ تا٤٠٩ 'مرآت دولت عباسیه' یافته می شود[٥]۔

☆بحر السعادت:

نامِ نویسندۂ این اثر محمد صالح[٦] است ۔ بحرالسعادت تاریخ نوابان اوده است[۷] و اسپرنگر در یك نامه به نام هنری الیوت نوشته است که 'بحرالسعادت' خلاصۂ نوینِ '**عمادالسعادتِ** غلام علی خان نقوی است که محمد صالح کتاب خانه دار 'موتی محل' برای غازی الدین حیدرشاه زمن تالیف کرده بود[۸]۔ محمد صالح در حدودِ ۱۸٤۰ م فوت شده بود[۹]۔

آغاز: **'زمزمه سازی عنادل سخن به یاد گل......'**[۱۰]

۱۔ استوری،ص٦٦١

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٥۲

۳۔ استوری،ص٦٦١ ٤۔ ریو،ج۳،ص۹٥۲

٥۔ ر.ك: ریو،ج۳،صص۹٥۱۔۹٥۲

٦۔ استوری،ص۷۰۸

۷۔ ریو،ج۳،ص۱۰٥۳

۸۔ استوری،ص۷۰۸

۹۔ ریو،ج۳،ص۱۰٥٤ ۱۰ ۔ همان،ص۹٥۳

نسخه خطی که مشتمل بر فقط چکیدۀ بحر السعادت است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۰۵۹ بر برگِ ۳۰ و ۳۱ موجود است[1]۔

☆تاریخ بهاول خان:

این اثر از ودیره جان محمد خان معروفانی در ذکرِ تاریخِ نواب بهاول خان دوم است[2]۔ 'ودیره' به زبان محلی سرایکی و پنجابی 'سردار' را می گویند۔ این کتاب از آغاز فرمانروایی بهاول خان در۱۱۸۶ه.ق/۱۷۷۲م تا مرگش در ۱۲۲۴ه.ق/۱۸۰۹م است[3]۔ این کتاب در حدود ۱۲۲۵ه.ق/۱۸۱۰م نوشته شده بود[4]۔

آغاز: '**حلاوتی که مذاق را شیرین دارد...**'[5]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه دانشگاه پنجاب به شماره ۱۵/APeII/۶۳موجود است و ۱۵۲ برگ دارد[6]۔

☆تاریخ بهاولپور:

مبارزالدوله پیر ابراهیم خان خویشگی قصوری در ۱۷۹۴م در قصور چشم به جهان گشود[7]۔ در ۱۸۱۷م وی به ملازمتِ رنجیت سینگ شامل گردید[8]۔ در ۱۸۳۷م به شرکت هند شرق پیوست و در ۱۸۴۰م وی به طور نماینده انگلیسی به دربار بهاولپور مامور شده بود[9]۔ در ۱۸۵۱م به انگلستان رفته بود اما زود در ژانویه ۱۸۵۲م به علت خرابی صحت بازگشت و در ۱۸۵۶م فوت شده بود[10]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵۳
۲۔ استوری،ص۶۶۰
۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۵۴۹
۴۔ نبی هادی،ص۲۸۲
۵۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص۵۴۹ ۶۔ همان
۷۔ استوری،ص۶۶۱
۸۔ همان،ص۶۶۲
۹۔ همان ۱۰۔ همان

این اثر چکیدۀ وقایع سالیانه نواب بهاول خان است که مؤلف بر خواهشِ کونگم(Captain J.D.Cunningham) نگاشه بود [1]۔ شهامت علی این اثر را به زبان انگلیسی ترجمه کرده بود و آن ترجمه در ۱۸۴۸ م در لندن به چاپ رسیده بود[2]۔

☆تاریخ پنجاب تحفة للاحباب[3]:

این اثر از منشی عبدالکریم علوی یادگار است که ذکرش بالا آمده است۔ این تاریخ پنجاب در ذکرِ جنگ های انگلیسیان با سیك ها است که ازان جنگِ نخست در ۱۸٤٥م و جنگِ دوم در ۱۸٤۸م واقع شده بود [4]۔ محال است که عبدالکریم خود شاهدِ این وقایع بود یا حتٰی در پنجاب زندگی می کرد بلکه وی این اثر را بر اساسِ روزنامه های انگلیسی و اردو و اطلاعاتِ شفاهی نگاشته بود [5]۔ تاریخ پنجاب تحفة للاحباب در ۱۲٦٥ ه.ق/۱۸٤۹ م در مطبع محمدی چاپ شده بود[6]۔

☆تاریخ دلیر جنگی:

نویسندۀ این کتاب منشی محمد عظیم الدین پسر محمد فیض الدین دَلوی [7][8] از ارکات که نزد مدراس واقع است، تعلق داشت [9]۔ پانزده سال در شرکت انگلیسی هند شرق به طور منشی به مقام سرسی نزدِ صدر امین سید ضیا الدین خدمت کرد [10]۔ بعد ازان به ساوانور رفت و به ملازمت نواب دلیر خان بهادر دلیر جنگ پیوست و به خواهشِ همو این کتاب را تالیف کرد[11]۔ این کتاب دربارۀ تاریخ همان دیارِ ساوانور است و در

۱۔ استوری،ص ٦٦۲

۲۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون ٦۱٤

۳۔ استوری،ص ٦۷۳

٤۔ همان ٥۔ همان ٦۔ همان

۷۔ استوری،ص ۷٦٦

۸۔ دلوی شاید از 'دَل' است که در زبان هندی ارتش را می گویند و دلوی کماندارِ ارتش را۔

۹۔ نبی هادی،ص ۱۰٥

۱۰۔ استوری،ص ۷٦٦ 11۔ همان

۱۲٦۲ھ.ق/۱۸٤٦م به تکمیل رسید[۱]۔

هیچ نسخه خطی این کتاب به دست نیامد اما این اثر در مطبع جامع الاخبار مدراس در ۱۸٤۷م/۳۔۱۲٦۲ھ.ق به چاپ رسیده بود[۲]۔ علاوه بر کتابِ مذکور، یکی اثر دیگر به نام 'تعبیر نامه' در علم تعبیر خواب از منشی محمد عظیم الدین هم یادگار است[۳]۔

☆تاریخ قادری:

این تاریخ درمورد قطب شاهیان در ۱۲٤۹ھ.ق/٤۔۱۸۳۳م نوشته شده بود[٤]۔ نویسندهٔ این کتاب محمد قادر خان منشی از بیدر علاقه داشت[٥]۔ علاوه بر این تاریخ، قادر خان منشی نویسندهٔ چند اثرِ دیگر در مورد تاریخ به نامِ **'تاریخ آصفجاهی'** درباره تاریخ نظام ها از آغاز کارشان تا جلوسِ اسکندر جاه[٦]، **'تواریخ فرخنده'** 'تاریخ مختصر حیدرآباد تا ۱۲٤۰ھ.ق[۷]، **'سیر هند و گلگشتِ دکن'** در۱۲٤۷ھ.ق[۸]، **'شمس المذاهب'** در۱۲٥۱ھ.ق/٦۔۱۸۳٥م هم به شمار می آید[۹]۔ نسخه خطی تاریخ قادری در کتاب خانه آصفیه به شماره ٤۰۹ و ٦۷۹ موجود است[۱۰]۔

☆تاریخ قطب شاهی:

یکی اثر دیگر به نام **'تاریخ قطب شاهی'** از منشی قادر خان بیدری هم یادگار است که چکیدهٔ آن به صورتِ دستنویس در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹٤۷ بر برگ ۲۷موجود است[۱۱]۔ در پاکستان دستنویسِ تاریخِ قطب شاهی در کتاب خانه انجمن ترقی

۱۔ استوری،ص٦٦۷ ۲۔ همان
۳۔ نبی هادی،ص۱۰٥
٤۔ استوری،ص۷٤۸ ٥۔ همان
٦۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۷
۷۔ استوری،ص۷٥٥
۸۔ همان،ص۷٤۸
۹۔ همان ۱۰۔ همان
۱۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۷

اردو و کتاب خانه موزه ملی پاکستان کراچی نیز موجود است [۱]۔ استوری گمان کرده است که شاید تاریخ قطب شاهی و تاریخ قادری یکیست [۲]۔ منزوی هم در فهرست مشترك تاریخ قطب شاهی و تواریخ قادریه را یکی به شمار آورده است [۳]۔ نسخهٔ خطی 'تاریخ قطب شاهی' که در موزه ملی پاکستان نگهداری می شود و موردِ استفادهٔ نگارندهٔ این سطور است، در واقع دستنویسِ 'تواریخ فرخنده' است و در آخرِ آن عبارتِ زیر نیز نوشته شده است: **'المنة الله هذاالکتاب 'تواریخِ فرخنده' به تاریخ بست و نهم ماه محرم ۱۲۸۱ھ هجری به خطِ زشت نوند رای(Nawand Rai)....'**[٤]۔ این تاریخ قطب شاهی در متن هم با تواریخ فرخنده برابر است۔

☆**تاریخ محتشم:**

نویسندهٔ این اثر محمد محتشم خان بن نواب محبت خان بهادر شهباز جنگ پسر حافظ الملك حافظ رحمت خان بهادر است[۵]۔ محتشم خان از اولاد سردارِ روهیله حافظ رحمت خان بود و در لکنو زندگی می کرد [٦]۔ وی این کتاب را در تاریخ اوده تا مرگِ نصیرالدین حیدر در ۱۲۵۳ھ.ق/۱۸۳۷م پرداخته بود[۷]۔ در موردِ منابع این کتاب مؤلف در مقدمه می گوید که وی بر شهادت های معتبر انحصار کرده و در بیانِ وقایع بعدی وی فقط آن وقایع را ثبت کرده است که تحتِ نظارت شخصی وی رخ داده بود[۸]۔ درین کتاب تاریخ زمانِ نصیرالدین حیدر سال به سال بیان شده است و به احوال مرگِ وی، در سال یازدهمِ دوره او (۱۲۵۳ھ.ق/۱۸۳۷م) و تاج گزاری نصیرالدوله بهادر، اختتام می

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۵۷

۲۔ استوری،ص۷٤۸

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۵۷

٤۔ بیدرتی،منشی قادر خان،تاریخ قطب شاهی،نسخه موزه ملی پاکستان،ش١٩٦١.١٥٠٦ N.M

۵۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۳۵

٦۔ نبی هادی،ص٤۲۸

۷۔ استوری،صص۷۰۸۔۷۰۹

۸۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۳۵

پذیرد[١]۔

آغاز: **'الحمد لله الملك القدیم المنان الکریم الرؤف الرحیم هو الاول و الآخر و الظاهر والباطن و هو بکل شی علیم...'**[٢]

نسخه خطی تاریخ محتشم درکتابخانه بانکیپور و اندیا آفیس موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص٧٠٩ و مارشال،ص٣٤٨۔

☆تاریخ منصوری:

سید علی پسر طفیل علی خان پسر مبارزالملك احتشام الدوله بلگرامی [٣] تاریخ منصوری را میان ١٢٦٤ تا ١٢٧٠ھ.ق /١٨٤٨ تا١٨٥٤م تالیف کرده به نواب ناظم فریدون جاه سید منصور علی خان بهادر نصرت جنگ معنون کرده بود [٤]۔ این کتاب دارندۂ تاریخ بنگال است و مشتمل بر یك مقدمه، سه مطالب و یك خاتمه است[٥]۔ مطلبِ دومِ این کتاب درذکر سلاطین اسلام است که از سوی سلاطین دهلی درین ملك آمدند و مطلب سوم در ذکر ناظمان بنگ(بنگال) نگاشته شده است که از طرف سلاطین بابریه آمدند[٦]۔ خاتمه کتاب در مورد نواب ناظم، اولادش و خدمتگاران و ساختمان ها است[٧]۔

آغاز: **'سپاس افزون از حد واحدی را ...'**[٨]

برای نسخه خطی تاریخ منصوری مراجع شود به استوری،ص٧٢٢ و مارشال، ص٥٩۔ توضیحات و اقتباس های این کتاب با ترجمۂ بلوخمان در مجله انجمن آسیایی بنگال به نام "Notes on Sirajuddaulah and the town of Murshdabad, taken from a

---

١۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص١٣٥

٢۔ همان

٣۔ استوری،ص٧٢١

٤۔ همان

٥۔ مارشال،ص٥٩

٦۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،ش١٩١،ص٦٠

٧۔ استوری،صص٧٢١۔٧٢٢

٨۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،ش١٩١،ص٦٠

persian Manuscript of the Tarikh i Mansuri". به چاپ رسیده است[۱]۔

☆**تاریخ نیابت عظیم جاه:**

جالب است که درین دورۀ تیموریان متاخر شخصی تاریخ در موردِ خود نیز رقم کرده است۔ نویسندۀ 'تاریخ نیابت عظیم جاه' غلام محمد علی مخاطب به عظیم جاه[۲] این تاریخ درذکرِ خود پرداخته است۔ غلام محمد علی برادرِ نواب کرناتك اعظم جاه بود[۳]۔ او در سال ۱۲۵۲ه.ق/۱۸۳٦م به جای برادر خود نوابِ کرناتك شده بود[٤]۔ غلام محمد علی این تاریخ را در بیانِ وقایع نیابتِ برادرِ خود در ۱۲۵۲ه.ق/۷-۱۸۳٦م نوشته است[٥]۔ نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه آصفیه به شماره ۱۰۹۲ نگهداری می شود[٦]۔

☆**تاریخ هند** (از حکیم جواهر لال):

نویسندۀ این کتاب حکیم جواهر لال از اکبرآباد بود و به پیشه پزشکی وابسته بود[۷]۔ او دبیرِ روزنامۀ اردویی به نام 'اخبار النواح و نزهت الارواح' نیز بود[۸]۔ به مطابق ایدوردز 'تاریخ هند' از یکی تاریخ اردویی ترجمه شده است و دارندۀ تاریخ این دیار از آمدن مسلمانان تا ۱۸٤۷م است[۹]۔ البته استوری می نویسد که این کتاب تا جنگ دومِ برما(Burma)(۱۸۵۲م) ادامه دارد[۱۰]۔ این اثر در ۱۸۵۵م در آگره به چاپ رسیده بود[۱۱]۔

☆**تاریخ هند** (از میر خورشید علی):

۱۔ استوری،ص ۷۲۲

۲۔ همان،ص ۷۸۰ ۳۔ همان

٤۔ نبی هادی،ص ۱۰٤ ٥۔ همان

٦۔ استوری،ص ۷۸۰

۷۔ همان،ص ٤۸۹ ۸۔ همان

۹۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون ۳۱۳ (برای کارهای دیگرش مراجع شود به استوری،ص ٤۸۹)

۱۰۔ استوری،ص ٤۸۹

۱۱۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون ۳۱۳

این اثر بـه ظـاهر ترجـمـه ای از زبانِ انگلیسی بـه نام Epitome of the History of Hindoostan ’خـلاصـه تـاریـخ هندوستان‘ است [۱]۔ نـویسـنـدۂ این کتاب میر خورشید علی خورشیدؔ معروف به سید شاه علی پسر سید دستگیر است [۲]۔ وی شاید بخشِ اول ازین کتابِ اصلـی انـگـلیسی را تـحـت عـنـوان ’تاریخ هند‘ ترجمه کرده بود و آن طوری که در مقدمه آمده است، نـویسـنـده مـی خـواسـت کـه از دورۂ مـحـمود غزنوی تا فتح انگلیسیان تاریخ هندوستان می پرداخت[۳]۔

هیـچ نسـخـــه خـطـــی ازیـن کـتـاب بـــه دسـت نیـامـده اسـت امـا ایـن اثـر در ۱۲٦٧ ھ.ق/ ۱۸۵۱ م در مدراس به چاپ رسیده بود و ۱۵۹ صفحه داشت[٤]۔

☆تفریح العمارات/ حالات اکبرآباد[۵]:

این اثر به نام ’احوال عمارات مستقرالخلافه‘ هم گفته می شود [٦]۔ اگرچه از نام این کتاب گـمـان مـی شـود کـه ایـن اثـر در مـوردِ ساختمان هااست اما این اثر دارندۂ جغرافیا و تـاریـخِ سـاختمان های عمومی، مزارات، مساجد و باغ های اکبر آباد است که توسط اکبر و شـاه جهـان سـاختـه شده بود[۷]۔ مـولـوی عـبدالـمقـتـدر در فهرست کتاب خانه خدا بخش مـحـتـویـاتِ ایـن کـتـاب را با تـفصیل بیان نموده است[۸]۔ نـویسـنـدۂ ایـن اثر لاله سیل چند دانشـجـوی دانـشـکـده دولتی آگره بود و حسب دستورجیمز استیفان لوشینگتن(Mr. James Stephen Lushington.) این اثر را تالیف کرده بود[۹]۔ چـون جیمز استیفان در ۲٦-۱۸۲۵م در آگـره به طور جمعدار و دادرس خدمت می کرد[۱۰]، ایـن طور قیاس غالب است که این

۱۔ استوری،ص٤۸۹
۲۔ همان ۳۔ همان
٤۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون۳۳۸
۵۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۱
٦۔ استوری،ص٦۹۳
۷۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۵۰۱،ش۷۳۱
۸۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،صص۲۰۸ تا ۲۱۱
۹۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۱ ۱۰۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۵۰۱،ش۷۳۱

اثر در حدودِ ١٨٢٥م نگاشته شده باشد۔

آغاز: 'سبحان الله ذره بیتاب را به حضور خورشید دستگاه عجز طرازی است و خورشید جهانتاب را...'[١]

نسخه های خطی این اثر در کتاب خانه بانکیپور،اندیا آفیس، انجمن آسیایی بنگال وموزه بریتانیا وغیره موجود است۔ در نسخه موزه بریتانیا نام این کتاب 'حالات اکبرآباد' آمده است۔ برای تفصیل نسخه های این کتاب مراجع شود به استوری،ص٦٩٣۔

☆تواریخ تازه نوایی:

این اثر در تاریخ سند از مرزا عطا محمد شکارپوری یادگار است[٢]۔ درین تاریخ وی برابر احوال سیاسی، زندگانی مردم های عمومی این دیار را بیان نموده است[٣]۔ این اثر در ١٢٧١هـ.ق/ ١٨٥٤م نوشته شده بود[٤]۔ هیچ نسخه کامل این کتاب به دست نیست اما چکیده ای ازین کتاب در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٩٨١ از برگ ٩ تا ١٩ موجود است[٥]۔

☆تواریخ فرخنده:

این اثر از منشی قادر خان بیدری در موردِ تاریخِ حیدرآباد است۔ وی این تاریخ مختصر را در ١٢٤٠هـ.ق/٥-١٨٢٤م پرداخته بود[٦]۔

آغاز: 'بعد از حمد خالقِ ودود و درود نا محدود بران عاقبت محمود صلی الله علیه وآله وسلم آنکه هیچمدان امیدوارِ شفاعت محمد قادر خان المتخلص منشی ساکن بیدر.....'[٧]

١۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص٢٠٨

٢۔ استوری،ص٦٥٩

٣۔ نبی هادی،ص٩٨

٤۔ همان

٥۔ ریو،ج٣،ص١٠٤٠

٦۔ استوری،ص٧٥٥

٧۔ بیدری،منشی قادر خان،تواریخ فرخنده، نسخۀ موزه ملی پاکستان، برگ یکم (الف)

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه آصفیه به شماره ۲٤٦ موجود است[۱]۔ در پاکستان سه نسخهٔ خطی این کتاب در کراچی موجود است که دو ازان در کتاب خانه انجمن ترقی اردو موجود است و یکی در موزه ملی پاکستان نگهداری می شود[۲] و در آخرِ نسخه موزه ملی پاکستان که موردِ نظر نگارنده این سطور است، یکی کتابِ دیگر از منشی قادر خان بیدری، به نام 'حالاتِ نواب شهید' هم توام است۔

☆جواهر عباسیه:

نویسندهٔ تاریخِ 'جواهرِ عباسیه' محمد اعظم بهاولپوری است که ذکرش زیرِ 'اقبال نامهٔ سعادت آیات' گذشته است ۔ 'جواهر عباسیه' در بیانِ تاریخِ نوابانِ بهاولپور است و استوری اشتباه کرده است که شاید 'جواهر عباسیه' و 'خلاصهٔ تواریخ عباسیه'[۳] یکی کتاب باشد چون در ترقیمهٔ نسخهٔ 'خلاصهٔ تواریخ عباسیه' این کار 'تواریخِ جواهرِ عباسیه' گفته شده است[٤]۔

☆حقیقت سرکار گایك وار:

این تاریخ مختصر در ذکرِ مهاراجه های گایك وار(Gayakwar) است که از قوم مرهته بودند و پای تختِ ایشان بارودە (Baroda) بود[٥]۔ این تاریخ از آغازِ ایشان تا ۱۲۳٤ ه.ق/۱۸۱۸م است[٦]۔ مؤلف این تاریخ منشی سارا بایی(Sara Bhay) است[۷]۔ دو نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره ٤٥۲٥ و ٤٥۲٦ موجوداست[۸]۔

۱۔ استوری،ص۷٥٥
۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٥٦
۳۔ دستنوشتهٔ 'خلاصه تواریخ عباسیه' در دانشگاهِ کامبریج نگهداری می شود
٤۔ استوری،ص٦٦۱
٥۔ نبی هادی،ص٥٤٥
٦۔ همان
۷۔ استوری،ص۷۳۲
۸۔ همان

☆خلاصهٔ احوال گور و جای دیگر:

این اثر در مورد تاریخ و جغرافیای قلعه گور(Gaurh) و پندوه(Pandwah) است[1]۔ نویسندهٔ این اثر منشی شیام پرشاد است۔ وی این کتاب را حسب خواهشِ میجر ویلیام فرانکلین(Major William Francklin) در نوامبر و دسامبر ۱۸۱۰م نگاشته بود[2]۔ این اثر در چهار فصل نگاشته شده بود[3]۔اته در فهرست کتاب خانه اندیا آفیس نام فصل های این کتاب چنین نوشته است: **فصل اول** در ذکر مکانات و عمارات بنا ساختهٔ شاه شجاع واقعهٔ شهر راج محل، **فصل دویم** در ذکر مکانات، مساجد و عمارات و حویلی و دولت خانهٔ پادشاهان قلعهٔ گوره لکنوتی(Lakhnauti)، **فصل سیوم** در ذکر تعظیم و تکریمِ عماراتِ مسجدِ قصبه پندوه، **فصل چهارم** در ذکر طبقه ملوکِ سابقِ دارالسلطنتِ قدیم بنگاله در لکنوتی وغیره[4]۔

این اثر به نام 'خلاصه احوال سلاطین و مکانات قلعه گوره لکهنوتی و قصبه پندوه' و 'کیفیت مکانات قلعه گوره لکهنوتی وغیره' هم معروف است[5]۔ نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۲۸٤۱ موجود است و ۱٦ برگ دارد۔

☆دُرِّ بی بها:

یکی نویسنده به نام محمد وصی در زمانِ اکبر شاه دوم ۱۲۲۱ھ.ق/۱۸۰٦م تا ۱۲۵۳ھ.ق/۱۸۳۷م این کتاب را در تاریخ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم و دو خلفای اولینؓ پرداخته بود[6]۔ دربارهٔ محمد وصی اطلاعی زیاد در دست نیست الا که وی در روزگارِ اکبر شاه دوم زندگی می کرد و یکی از علمای معروفِ زمانِ خود بود[7]۔ نسخهٔ

۱۔ استوری،صص۷۲۳۔۷۲٤
۲۔ همان،ص۷۲۳
۳۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۵٤۱،ش۲۸٤۱
٤۔ همان
۵۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۵٤۱،ش۲۸٤۱
٦۔ استوری،ص۲۰۲
۷۔ نبی هادی،ص٤۲۳

خطی این اثر که منحصر به فرد است، در کتاب خانۀ برلین به شماره ۵۵۹ نگهداری می شود و نوشتۀ ۱۲۳۰ ھ.ق/۱۸۱۵ م است[۱]۔ این طور می توان گفت که این کتاب حتماً میان ۱۲۲۱ ھ.ق تا ۱۲۳۰ ھ.ق نوشته شده باشد۔

☆راج درشنی:

این کتاب ازگنیش داس بدھرہ یادگار است که ذکرش در تاریخ 'چار باغ پنجاب' آمده است۔ راج درشنی مشتمل بر تاریخ راجه های جمون از عهد باستان تا ۱۸٤۷ م است[۲]۔ گنیش داس این کار را در ۱۸٤۷ م/ ۱۲٦۳ ھ.ق به تکمیل رساند[۳]۔ مؤلف درین کتاب برابر تاریخِ هجری تاریخ هندوی هم به کار برده است[٤]۔

آغاز: **'بعد حمد بادشاهی که تواریخ او را نه ابتدا...'** [٥]

نسخه خطی این اثر در کتابخانۀ موزه بریتانیا به شماره Or. ١٦٣٤ نگهداری می شود و ۳۱۳ برگ دارد۔ یکی دستنویسِ راج درشنی در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۰۷ مشتمل بر ۱٤٤ برگ هم موجود است که کامل نیست و در فهرست این اثر به نام 'تواریخ راجگان جمون' آمده است[٦]۔

☆رحیم نامه:

این اثر از رحیم علی پسر حفیظ الدین خان معروف به 'نوکپال'[۷] در تاریخِ قلعۀ روهتاس و قبیله گکران است[۸]۔ نویسندۀ این کتاب رحیم علی خود از قبیله گکرانِ کیانی

۱۔ استوری،ص ۲۰۲

۲۔ همان،ص ٦٨٧

۳۔ ریو،ج ۳،ص ۹۵۵

٤۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۰۱،ش ۵۰۷

۵۔ ریو،ج ۳،ص ۹۵۵

٦۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۰۱،ش ۵۰۷

۷۔ ریو،ج ۳،ص ۹۵٤

۸۔ استوری،ص ٦٧٦

بود[۱] و در قصبه 'دومیلیان' زندگی می کرد که در پرگنه روهتاس واقع بود[۲]. این جای در مضافاتِ روهتاس شاید همان است که اکنون 'دهمیال' (Dhamyal) خوانده می شود. رحیم علی این اثر را در ۱۲۵٦ هـ.ق/ ۱ـ ۱۸٤۰ م نگاشته بود[۳]. این اثر دارندۀ جغرافیای شهرستان روهتاس، تاریخ قلعه روهتاس از بنای اوبه توسط ساهو سلطانی تحت شیر خان لودی تا مرگِ رنجیت سینگ و تاریخ گکران از کیانیان تا وقتِ تالیفِ این کتاب است[٤].

آغاز: **'ایزد و سپاس خدا تعالیٰ جل جلاله که آفرید گار.........'**[٥]

نسخه خطی رحیم نامه در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹۱۹ موجود است و ۱۳۷ برگ دارد. در آخر این نسخه خطی چند احوال متفرقۀ تاریخی هم داده شده است[٦].

☆روزنامچه رنجیت سینگ:

این اثر دارندۀ تاریخ رنجیت سینگ تا ۱۸۸٦ ب/ ۱۸۲۹م است[۷]. این کار از زایشِ چرت سینگ پدرِ بزرگِ رنجیت سینگ آغاز می شود و بعد از بیانِ برخی از احوالِ مها سینگ، بخشِ بزرگِ این اثر مشتمل بر احوال رنجیت سینگ است[۸]. اگرچه در آغاز کتاب مؤلف نام خود بیان ننموده است اما در بیان تاریخ ذکر می کند که رنجیت سینگ وی را برای پیش آوردنِ میر غلام علی در ۱۸۸۱ ب به مولتان فرستاده بود[۹]. تحتِ همین سرنامه وی ذکر می نماید که لاله موهن از رنجیت سینگ دستور یافت که به مولتان برود و میر غلام علی را با تکریم و احترام به دربار مهاراجه بیاورد[۱۰]. از همین چیزی مولوی عبدالمقتدر

۱ـ ریو، ج۳، ص٩٥٤ ۲ـ همان

۳ـ استوری، ص٦٧٥

٤ـ ریو، ج۳، صص٩٥٤ـ٩٥٥

٥ـ همان، ص٩٥٤

٦ـ همان، ص٩٥٥

۷ـ استوری، ص٦٦٨

۸ـ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳۲، ص۱۳

٩ـ همان ۱۰ـ همان

احتمال کرده است که نویسندۂ این کتاب لاله موهن است و استوری هم نویسندۂ این اثر لاله موهن بیان نموده است۔ نگارندۂ این کتاب به دربار رنجیت سینگ ملازمت داشت و بسیاری وقایع که درین کتاب بیان نموده، با چشم خود ملاحظه کرده بود۔ گاهی وی آن خدمات را ذکر می کند که برای مهاراجه انجام داده بود(۱)۔

آغاز: '**ضابطه ایست مستمره و آیینی است مستقیمه که بعد از انقلاب ادوار روزگار...**'(۲)

واحدنسخه خطیِ معلومِ این اثر در کتاب خانه بانکیپور به شماره ۲۰۲۰ نگهداری می شود و ۱۵۳ برگ دارد۔

☆روزنامچه شاه عالم:

نویسندۂ این اثر رای تیك چند از سوی شرکت هند شرق به دربار شاه عالم اخبار نویس بود(۳)۔ مجموعه اخبارِ وی دارندۂ فعالیت های جالب است که در قلعۂ قرمز(دهلی) وقوع پذیر شده بود(٤)۔ افزون بران مولوی عبدالمقتدر می گوید که این مجموعۂ بسیط بر وقایع مهمی از آغاز سال سی و یکم تا چهل و نهم تخت نشینی شاه عالم و عطایا و خلعت وغیره که شاه عالم به شهزادگان و امیران وغیره داده و اهدای پذیرفته مشتمل است(۵)۔ موقع ها که بران اهدای داده یا پذیرفته شده بود، سال وار مرتب شده است(٦)۔

آغاز: '**سال سی و یکم از جلوس شاه عالم بادشاه غازی سنه ۳۱ موافق بیست[و]هشتم جنوری سنه۱۸۷۹[بایدـ۱۷۸۹] حضرت جهان پناه به دارالخلافه دهلی در قلعه مبارك تشریف فرما اند...**'(۷)

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه بانکیپور به شماره ٦۲۰، دارنده ٥٦٥ برگ موجود

۱۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳۲، ص۱۳
۲۔ همان
۳۔ استوری، ص٦٤٤
٤۔ نبی هادی، ص٥٩٦
٥۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص۱٦۳
٦۔ همان، ص۱٦٤
۷۔ همان، ص۱٦۳

است۔ بر برگِ سفیدِ این نسخه، کاتب مِتّن لعل(Mitthan Lal) نوشته است:"**ترجمه اخبار حضرت فردوس منزل شاه عالم بادشاه غازی از مسودات رای تیك چند اخبار نویس سرکار دولتمدار انگریزی من ابتدای سال سی[و]یکم جلوس معلی لغایت آخر سال چهل و نهم انتقال حضرت مغفور به خط بنده متهن لعل به تاریخ یکم ماه جون سنه ۱۸۱۰ عیسوی اختتام یافت**" [۱]۔ استوری یکی نسخهٔ این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس، لندن به شماره ۲_۳۹۲۱ را هم ذکر نموده است[۲]۔

☆سراج التواریخ:

نویسندهٔ این اثر نور محمد پسر مرزا محمد خراسانی [۳] است۔ وی در مدتِ عمرِ خود بسیار سفر کرده چند سال در لندن (London)هم اقامت می داشت و این اثر را به سراج الامرا نواب عظیم جاه بهادر استان دار کرناتك معنون کرده بود [٤]۔ این اثر در تاریخ عمومی جهان به ویژهٔ هندوستان است [٥]۔ نور الدین این اثر را در چند مقاله و مقدمه تقسیم کرده است [٦]۔ وی این تاریخ را به ۱۹ جمادی الثانی ۱۲٤۰ه.ق/۸فروری ۱۸۲۵م به تکمیل رسانده بود[۷]۔

آغاز: **"ای در طلب تو طایر دل**
گردیده به تیغ فکر بسمل"[۸]

نسخه خطی این اثر در واقع به صورتِ طرح اندیشهٔ دستنوشتهٔ مؤلف در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۳۰۰۹ نگهداری می شود[۹]۔

۱۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، صص ۱٦۳۔۱٦٤

۲۔ استوری، ص ٦٤٤ ۳۔ همان، ص ٤۸۲

٤۔ اته، اندیا آفیس، ج ۲، ستون ۳، ش ۳۰۰۹

٥۔ استوری، ص ٤۸۲

٦۔ برای تفصیل محتویات این کتاب مراجع شود به اته، اندیا آفیس، ج ۲، ستون ۳ تا ٥، ش ۳۰۰۹

۷۔ اته، اندیا آفیس، ج ۲، ستون ۳، ش ۳۰۰۹

۸۔ همان، ستون ٤، ش ۳۰۰۹

۹۔ استوری، ص ٤۸۲

☆**سلطان الحکایت:**

نویسنده این کتاب لال جی پسر منشی سیتل پرشادپسر منشی شیو کمار(Shiv Kumar) بود[۱]۔ لال جی در کره(Karra) زندگی می کرد[۲]۔ او به دولتِ اوده ملازمت داشت و روزگارِ واجد علی شاه را با چشم خود ملاحظه کرد[۳]۔ وی این اثر را در محرم ۱۲۷۰ھ.ق/۱۸۵۳م تالیف کرده بود[٤]۔ سلطان الحکایت تاریخ مفصلِ اوده از برهان الملك سعادت علی خان تا واجد علی شاه است[٥]۔ نسخه خطی سلطان الحکایت در کتاب خانه اندیا آفیس لندن به شماره ۳۹۰۲ موجود است[٦]۔

به طور تتمه این کتاب لال جی 'مرآة اوضاع' در ذکر کارگزاری سرکار، محاصل، نظام دادگستری و بیان لکنو و ساختمان و چیز های مهمی این دیارهم نگاشته بود[۷]۔

☆**سوانحات ممتاز:**

این اثر در تاریخ کرناتك از ۱۲۰۹ تا۱۲۱٦ھ.ق/۱۷۹٤ تا ۱۸۰۱م بیان شده است[۸]۔ نویسندۀ این اثر محمد کریم خیرالدین حسن غلام ضامن پسر افتخارالدوله حافظ محمد ناصر خان بهادر صمصام جنگ[۹] از نسلِ نواب کرناتك بود و در مدراس زندگی می کرد[۱۰]۔ وی در ۱۱۹٤ھ.ق/۱۷۸۰م به دنیا آمده بود[۱۱]۔ غلام ضامن ملقب به صاحب الدوله جلادت جنگ، خورشید الملك، بر وفات پدرِ خود، لقبِ افتخارالدوله صمصام جنگ گرفت[۱۲]۔ در اوایل رجب ۱۲٤۹ھ.ق/نوامبر۱۸۳۳م وی در مدراس بود چون با عظیم

۱۔ استوری،ص۷۱۱ ۲۔ همان
۳۔ نبی هادی،ص۳۲۱ ٤۔ استوری،ص۷۱۱
٥۔ مارشال،ص۲۷۰
٦۔ استوری،ص۷۱۱
۷۔ مارشال،ص۲۷۰ ۸۔ همان،ص٥٤٦
۹۔ استوری،ص۷۷۹ ۱۰۔ نبی هادی،ص۲۰۷
۱۱۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۹۷،ش۵۰۲
۱۲۔ استوری،صص۷۷۹۔۷۸۰

جاه نایب السلطنت صحبت کرد و عظیم جاه غلام ضامن را برای نوشتنِ تاریخ پدرِبزرگِ خودعمدةالامرا خواهش کرد [١]۔ وی این اثر را در ٢٧ ذی الحج ١٢٥٢ ه‍.ق/ ٤ آوریل ١٨٣٧ م به تکمیل رسانده بود[٢]۔

این اثر مشتمل بر چهار گلزار است که هر یك ازان منقسم در چهار گلدسته است [٣]۔ در خاتمۂ کتاب مولف آن وقایع را ذکر کرده است که سبب تالیف این کتاب شده بود[٤]۔

آغاز: '**حمداً متوافراً و شکراً متکاثراً به خدای عزّ و جل که هر نوع نکات جهان را از کسوت رنگارنگ عمده گوناگون...**'[٥]

نسخه خطی سوانحات ممتاز در کتاب خانه اندیا آفیس، کتاب خانه آصفیه و کتابخانه دولتی نسخه های خطی خاورشناسی(Govt. Oriental Manuscripts Library) مدراس نگهداری می شود[٦]۔

☆**عظیم التواریخ:**

این تاریخ حسب منشای نواب کرناتك محمد علی خان بهادر سراج الامرا در نظارتِ مولوی محمد صبغت الله نگاشته شده بود[٧]۔ نام کامل وی مولوی محمد صبغت الله ملقب به مفتی بدرالدوله عظیم نواز خان بهادر معتمد جنگ عمدةالعلما بود[٨]۔ رضا صاحب معروف به حکیم باقر حسین خان بهادر و بعد از وفات وی سید مرتضیٰ، صبغت الله را معاونت می کردند [٩]۔ اما به علت وفاتِ نواب موصوف این کار ناتمام مانده بود[١٠]۔ مولوی صبغت الله و سید مرتضیٰ تا ١٨٥٩ ه‍.ق حیات داشته باشند[١١]۔ این اثر دارندۂ

١۔ اته، اندیا آفیس، ج ١، ستون ١٩٧، ش ٥٠٢

٢۔ استوری، ص ٧٨٠

٣۔ اته، اندیا آفیس، ج ١، ستون ١٩٧، ش ٥٠٢

٤۔ همان ٥۔ همان

٦۔ مارشال، ص ٥٤٦

٧۔ استوری، ص ٤٨٢

٨۔ همان، ص ٢٢٢ ٩۔ همان، ص ٤٨٢

١٠۔ اته، اندیا آفیس، ج ١، ستون ١٦٣، ش ٤٣٠ ١١۔ همان

تاریخ غزنویان و سلاطین دهلی از غوریان تا تیموریان، سلاطین دکن، سلاطین لاهور، شاهان ایران از کیومرث تا یزدگرد سوم، سلاطین کرناتك وغیره است و در چند مقدمه و مقاله منقسم است[۱]۔ مقاله ششم این کتاب در مورد تاریخ تیموریان تا محمد شاه است[۲]۔

آغاز: '**باعث ترتیب اورنگ ظهور عالم و انتظام مسند جلوه آدمٔ حمد مر حضرت آفریدگار...**'[۳]

نسخه خطی عظیم التواریخ در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٤٣٠ موجود است و ٣٣٧ برگِ ١٩ سطری دارد۔

☆فرح بخش:

الیوت این کتاب را به نام 'تاریخ فیض بخش' یاد کرده است[٤]۔ نویسندۀ این کتاب محمد فیض بخش پسر غلام سرور کاکوری در ایام جوانی خود در صفر ١١٨٣ھ.ق/١٧٦٩م از کاکوری به فیض آباد رفته بود[٥]۔ چهار سال بعد وی در ملازمتِ جواهر علی خان به طور تحویلدارِ خزانه مامور شده بود[٦]۔ بعد از وفات جواهر علی خان، وی به همان عهده در خدمت جانشین وی داراب علی خان خدمت می کرد[٧]۔ داراب علی خان در ١٢٣٣ھ.ق فوت شده بود[٨]۔

این اثر در ١٢٣٣ھ.ق تکمیل یافته بود و از '**بیکسال آغاز و انجام**' سال تالیف این کتاب به دست می آید[٩]۔ فرح بخش مشتمل بر دو بخش است؛ **بخش یکم** دارندۀ تاریخ تیموریان هند تا زوال برادرانِ سادات است و **بخش دوم** مشتمل بر تاریخ فیض آبادتا

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ١٦٣ ۔ ١٦٤، ش ٤٣٠

۲۔ مارشال، ص ٤٤٩

۳۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ١٦٣، ش ٤٣٠

٤۔ الیوت، ج ٨، ص ١٧٦

٥۔ استوری، ص ٧٠٦

٦۔ ریو، ج ۱، ص ٣٠٩

٧۔ استوری، ص ٧٠٦

٨۔ ریو، ج ۱، ص ٣١٠   ٩۔ همان

۱۲۳۳ھ.ق است[۱]۔ نویسنده ای به نام شیو پرشاد هم تاریخ فیض بخش نوشته بود[۲] که در موردِ افاغنۂ روهیلکند و نواب اوده است و در ۱۱۹۰ھ.ق/۱۷۷٦م تکمیل یافته بود[۳]۔

آغاز: ۔'به نام خدای که از تیره خاك
بر آمیخت این جوهر و جسم پاك' [٤]

نسخه خطی فرح بخش از محمد فیض بخش در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۰۱۵ موجود است و دارندۂ ۲٦۵ برگ است[۵]۔ در همین کتاب خانه یکی نسخه نامکمل که فقط بخشِ یکم این کتاب دارد به شماره Or. ۱۷۹ نگهداری می شود[٦]۔ چکیده ای ازین کتاب در همین کتابخانه به شماره Or. ۱۷٦۲ از برگ۵۳۷ تا ۵۷۰ هم موجود است و آنجا سرنامۂ این کار 'بحر الافاضت' خوانده شده است[۷]۔

☆کاشف الاخبار:

عنایت حسین از مهرارد(Mahrard) برای تربیتِ پسرِ خود امداد حسین و چند دوستانِ او این اثر را در مدتِ نُه سال تالیف کرد[۸]۔ 'کاشف الاخبار' مشتمل بر اطلاعات تاریخی و جغرافیای است که عنایت حسین چند سال بعد از ۱۲۲۰ھ.ق تالیف کرده بود[۹]۔ اگرچه این اثر از کارهای گذشته تالیف شده است اما بخشِ جغرافیای این کتاب بسیار کارآمد است، حتّی درین مورد چند معلومات در حدیقةالاقالیم هم یافته نمی شود[۱۰]۔ عنایت حسین درین کتاب منابع خود را ذکر نکرده است اما کاتبِ نسخۂ خطی که موردِ الیوت بوده، ذکر کرده است که مولف در تالیف این کتاب کم از چهار صد و هشتاد و چهار کتاب رجوع نکرده است[۱۱]۔

۱۔ ریو،ج۱،ص۳۱۰

۲۔ ر.ك: تاریخ فیض بخش از شیو پرشاد در همین مقاله

۳۔ الیوت،ج۸،ص۱۷۵ ٤۔ ریو،ج۱،ص۳۰۹

۵۔ همان ٦۔ همان،ص۳۱۰ ۷۔ همان،ج۳،ص۱۰۲٦

۸۔ الیوت،ج۸،ص۳۷۲

۹۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱۳

۱۰۔ الیوت،ج۸،صص۳۷۲۔۳۷۳

۱۱۔ همان،ص۳۷۳

این کتاب در باب ها تقسیم نشده است اما مهم موضوع های این اثر چنین است: تخلیق کاینات، انبیا و نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم، فلاسفهٔ یونان و شاعران، نجوم، جغرافیا، چهار سلطنت های ایران قدیم و عرب ها، امویان، عباسیان و معاصرانِ ایشان، چنگیز خان و مغولان، صفویان، شاهان هندوستان از شاهان هندو و غزنویان و غوریان و خلجیان وغیره تا اکبر شاه دوم، سیك ها، مرهته ها، انگلیسیان، شاهان دکن و گجرات و مالوه و بنگال و جونپور و مولتان و سِند و کشمیر، احوال مختصر استان های هندوستان وغیره و خاتمه[١]-

نسخهٔ خطی این اثر در کتاب خانهٔ موزه بریتانیا به شمارهٔ Or. ۱۷۹ دارندهٔ ۲۸۳ برگ است[٢]- چکیده ای ازین اثر در دو نسخهٔ خطی در همین کتاب خانه به شمارهٔ Or. ۱۷٤۰ از برگ ۱٦۱ تا ۱۷۲ [٣] و به شمارهٔ Or. ۱۷۵۵ از برگ ۲٦۰ تا ۲۸۵ [٤] نگهداری می شود- اما نسخه دستنوشتهٔ 'کاشف الاخبار' که موردِ الیوت بود، دارندهٔ ٤۲۵ صفحهٔ بیست و پنج سطری داشت[٥]-

☆کوایف دل گورکپور:

نویسنده این کتاب مفتی غلام حضرت وقتی در گورکپور (Gorakhpur) مفتی و صدر امین بود[٦]- این تاریخِ مختصرِ گورکپور تا انتقالِ این دیار به دستِ شرکت هند شرق از وزیر نواب اوده بیان شده است[٧]- نسخه خطی این اثر در کتاب خانهٔ اندیا آفیس به شمارهٔ ٤۵٤۰ با ترجمه انگلیسی این کتاب توام است[٨]-

---

١- الیوت،ج۸،ص۳۷۳
٢- ریو،ج۱،ص۳۱۰
٣- همان،ج۳،ص۱۰۱۳
٤- همان،ج۳،ص۱۰۲۰
٥- الیوت،ج۸،ص۳۷۳
٦- استوری،ص۷۰۲
٧- همان،ص۷۰۳
٨- مارشال،ص۱۵٦

☆**گلدستۂ محبت:**

قاضی محمد صادق خان اختؔر هگلوی از قاضی زادگانِ بندر هگلی(Hugli)،نزدِ کلکته، بود و در زمانِ غازی الدین حیدر در لکنو به سر برد و خطابِ 'ملك الشعرا' گرفت[۱]۔

وی در 'گلدستۂ محبت' احوال ملاقات غازی الدین حیدر و لُرد هیستنگز(Lord Hastings) در نثر آمیخته به نظم تالیف کرده بود[۲]۔ اسپرنگر در مودِ بررسی مثنویِ محمد صادق اختؔر به نام 'سراپا سوز'، زندگی نامۂ وی به نامِ 'صبح صادق'، 'محامد حیدری' در تعریف غازی الدین حیدر، 'هفت اختر' مجموعه انشا و یکی تذکره از وی را ذکر کرده است و مزید گفته است که ازان سراپا سوز، صبح صادق و محامد حیدری به چاپ رسیده است[۳]۔ علاوه بر کتاب ها که بالا ذکر شده استوری از منابع مختلفه 'نورالانشا'، نقود الحکم'، 'حدیقة الارشاد'، 'مخزن الجواهر' و دیوان فارسی و ریخته از محمد صادق خان اختر هم نشان داده است[٤]۔ وی بعد از جنگِ آزادی ۱۸۵۷م فوت شده بود[٥] و اسپرنگر هم در فهرستِ شاهانِ اوده جلد یکم که در ۱۸٥٤م چاپ شده بود وی را زنده نوشته است[٦]۔

از هیچ دستنویسِ این اثر نشانی به دستِ نگارنده این سطور نیامده است البته این قدر معلوم شده است که 'گلدستۂ محبت' در ۱۲۳۹هـ.ق/ ٢٤-۱۸۲۳م در لکنو به چاپ رسیده بود[۷]۔

☆**مجمع السلاطین:**

این کتاب مشتمل بر فهرست های جدولی شاهانِ هندوستان و انگلستان و حساب های آماری استان های هندوستان است[۸]۔ نویسنده این کتاب غوث محمد خان در

۱۔ استوری،ص۷۰۷

۲۔ اسپرنگر،فهرست شاهان اوده،ج۱،ص مقدمه پنج

۳۔ همان،صص٥٩٩-٦۰۰

٤۔ استوری،ص۷۰۷

٥۔ همان

٦۔ اسپرنگر،فهرست شاهان اوده،ج۱،ص٥٩٩

۷۔ استوری،ص۷۰۸

۸۔ همان،ص٤٩۰

۱۸۲۵ م به عمرِ دو ساله به جای عبدالغفار خان پدرِ خود، نوابِ جاوره شده بود و در ۱۸٦۵ م فوت کرد[۱]- 'مجمع السلاطین' در ۱۲۷۲ هـ.ق/۱۸۵٦ م در جاوره به چاپ رسیده بود[۲]-

☆مجموعه فیض وگل بی خزان:

نویسندۀ این کتاب سُندرلال پسر نوبت لال از خانواده ماتور(Mathur) کایسته تعلق داشت[۳]- وی در دیوان خالصه منشی بود و در کول(Kol) زندگی می کرد[٤]- سُندر لال این کتاب را در ۱۲٤۱ هـ.ق نگاشته بود و از **'گلستانی بی خزان'** سال تالیف این کتاب به دست می آید [۵]- این اثر در چهار باب تقسیم شده است که نخستین سه ازان در موردِ دهلی، کول، ماتورا(Mathura) و بندرابن است و آخرین یعنی باب چهارم دارندۀ برخی افسانه هااست که به سنت شفاهی صادر شده بود[٦]-

آغاز: **'بر ضمیر منیر بیدار بختان صبح نفس...'**[۷]

هیچ نشانی از نسخۀ خطی کاملِ این کتاب به دست نیامد اما چکیده ای ازین کتاب در یکی نسخه خطیِ موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹۸۵ نگهداری می شود و دارندۀ ٢٦ برگ است[۸]- درآخرِ این دستنویس فهرست مطالبِ این کتاب درج شده است و آنجا نه تنها نامِ این کتاب **'گل بی خزان'** نگاشته شده است بلکه مزید نوشته است که این کتابِ کامل دارندۀ چهارصد صفحه است[۹]-

☆محاربه کابل و قندهار:

این اثر مشتمل بر احوال یورشِ انگلیسیان، برای کمکِ شجاع الملك، بر افغانستان

۱- استوری،ص٤٩٠
۲- ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون۲۱۹
۳- ریو،ج۳،ص۹۵۹
٤- استوری،ص٦٩٢
۵- ریو،ج۳،ص۹۵۹
٦- همان ۷- همان
۸- همان ۹- همان

است[١]- انگلیسیان در ١٨٤٢م بر افغانستان یورش کردند[٢]- منشی عبدالکریم در ١٢٦٣هـ.ق/١٨٤٧م با کتابِ 'اکبرنامه' از منشی قاسم جان معرفی شده بود که در موردِ جنگ های محمد اکبر خان پسر دوست محمد خان است و 'محاربهٔ کابل و قندهار' را بر اساسِ اطلاعاتِ شفاهی، تطبیق شده از اکبر نامهٔ قاسم جان، تالیف کرد [٣]- منشی عبدالکریم علوی در مقدمهٔ 'محاربهٔ کابل و قندهار' می نویسد که بعد از بازنشستگی، وی بسیار کارهای عربی به شمولِ تاریخِ سیوطی،تاریخ مصر، خلاصهٔ ابنِ خلقان و الف لیلٰی و علاوه برین چند کارهای انگلیسی بر موضوعِ نجوم و جغرافیا وغیره را به زبانِ فارسی برگردانیده است[٤]-

نسخهٔ خطی محاربه کابل و قندهار در کتاب خانهٔ انجمن آسیایی بنگال(گنجینهٔ کرزن) موجود است [٥]- 'محاربهٔ کابل و قندهار' در ١٨٤٨م در لکنو[؟] و در ١٨٥١م/١٢٦٧هـ.ق در کانپور به چاپ رسیده بود[٦]-

☆مخزن الجواهر:

نویسنده این اثر محمد صادق اختر که ذکرش در موردِ 'گلدستهٔ محبت' گزشته است، در علی گره با هنری الیوت(Sir Henry Elliot) صحبت کرد و در ١٢٦٣هـ.ق/١٨٤٧م حسب خواهشِ آن مردِ انگلیسی این کتاب را تالیف کرد[٧]- محمد صادق این کتاب را به همو هنری الیوت(Sir Henry Elliot) معنون کرده بود[٨]- این کتاب مشتمل بر خلاصه ای از تاریخ جهانی به ویژه تاریخ شرق است و تنها تاریخ تیموریانِ هند تا زمانِ نویسنده پایین آورده است[٩]-

---

١- استوری،ص٤٠٣
٢- مارشال،ص١٠
٣- استوری،ص٤٠٣
٤- همان ٥- همان
٦- ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون١٩
٧- استوری،ص١٥١
٨- ریو،ج٣،ص٩٠٠
٩- همان

آغاز: **'جواهر زواهر حمد و سپاس افزون تر از قیاس...'** [۱]

نسخهٔ خطی مخزن الجواهر که منحصر به فرد است در کتاب خانهٔ موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۸٤ نگهداری می شود و دارندهٔ ۹٦ برگ است[۲]۔

☆مخزن الفتوح:

این کتاب دارندهٔ احوال یورش لُرد لیك (Lord Lake) خلاف مرهته ها از پیش قدمی وی به دهلی در ۱۸۰۳م تا معاهده با هولکر و بازگشتنِ وی به کلکته است[۳]۔ نویسندهٔ این کتاب بگوان داس پاندیت (Bhagwandas Pandit) از شیو پور (Shivpur) علاقه داشته بود[٤]۔ وی این کتاب را در روزگارِ شاه عالم دوم آغاز کرده بود و در سال نخستینِ تاج گزاریِ محمد اکبر شاه دوم به تکمیل رسانده بود[٥]۔ این کتاب در ۱۲۲۲هـ.ق نگاشته شده بود و از نام این کتاب سال تالیف این نیز به دست می آید[٦]۔ این کتاب به نام 'خزاین الفتوح' هم معروف است[۷]۔

آغاز: **'ثنای صناعی که ستایش شمع وجود را...'** [۸]

نسخه خطی مخزن الفتوح در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٦٩٩ مشتمل بر ۸۷ برگ موجود است[۹]۔ دستنوشتهٔ چکیدهٔ این کتاب در همین کتابخانه به شماره Or. ۲۰۵۵ از برگ ۱۰۱ تا ۱۰٦ نگهداری می شود[۱۰]۔

☆مدح ابوالمنصور سکندر جاه:

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۰۰ ۲۔ همان
۳۔ استوری،ص٦٤٤
٤۔ ریو،ج۳،ص۹٤۸
٥۔ مارشال،ص۱۱۱
٦۔ استوری،ص٦٤٤
۷۔ ریو،ج۳،ص۱۰٥۰
۸۔ همان،ص۹٤۸ ۹۔ همان
۱۰۔ همان،ص۱۰٥۰

نویسندۀ این کتاب غلام رضا خان این اثر را در مدح سکندرجاه نظامِ حیدرآباد۱۲۱۸ تا۱۲۴٤ه.ق/ ۱۸۰۳ تا۱۸۲۹م نوشته است[١]۔ مؤلف این کتاب را در نثر آمیخته به نظم نگاشته بود[٢]۔

آغاز: 'هذا کلام فی مدح ابوالمنصور سکندرجاه سلیمان حشم صاحب عالم ولیعهد مرزا واجد علی بهادر ابد الله اقباله و اجلاله...'[٣]

نسخۀ خطی که دستنوشتۀ مؤلفِ این اثر است در کتاب خانۀ دانشگاهِ کامبریج به شماره۳۰۳ نگهداری می شود[٤]۔

☆منتخب التواریخ:

منشی سدا سك متخلص به نیاز[٥] 'منتخب التواریخ' را در ۱۲۳٤ه.ق/ ۱۹-۱۸۱۸م تالیف کرده بود[٦]۔ سدا سك نیاز در مقدمه می گوید که به عمر شصت و پنج سال وی دهلی را خیرباد گفته به اله آباد رفت و بعد از ده سال این کار را نگاشته بود[٧]۔ مؤلف این تاریخ را در دو 'قصر'(جلد) تقسیم کرده است و این قصر مزید در 'محل' و 'ایوان' و 'حجره' تقسیم شده است[٨]۔ 'منتخب التواریخ' مشتمل بر دو جلد است که جلد اول ازان دارندۀ تاریخ راجگان هندو، غزنویان، شاهان دهلی و تیموریان است و جلد دوم دارندۀ احوال حکومت های محلی هندوستان است که به تاریخ فرشته نزدیك تر است[٩]۔ این تاریخ به ویژه زمانِ شاه عالم و دورۀ بعدی بسیار اهمیت دارد[١٠]۔ علاوه بر 'منتخب التواریخ' منشی سدا سك نیاز دو کتابِ دیگر به نام 'تنبیه الغافلین' در ذکر احوال فرقه های هندووان و

١۔ استوری،ص۷۵۹ ٢۔ همان
٣۔ براوون،ای.جی،فهرست دانشگاه کامبریج،ص٣٨٦
٤۔ همان ٥۔ ریو،ج٣،ص٩١٤
٦۔ استوری،ص٤٨١
٧۔ ریو،ج٣،ص٩١٤
٨۔ الیوت،ج٨،ص٤٠٦
٩۔ ریو،ج٣،ص٩١٤
١٠۔ استوری،ص٤٨١

'عجایب الهند' در موردِ جاهای مهمی و عجایبِ هندوستان هم نگاشته بود[۱]۔

آغاز: **'مخزن مخزن نقودِ حمد و سپاس....'** [۲]

سه نسخهٔ خطی این اثر در کتاب خانهٔ موزه بریتانیا موجود است که ازان نسخهٔ کاملِ این کتاب به شماره Or. ۱٦۹۸ از برگ ۱۹۵ تا۸۷۸ نگهداری می شود و این نسخهٔ موزه بریتانیا از دستنوشتهٔ مؤلف نقل شده است که به دارایی خانوادهٔ وی است[۳]۔ علاوه برین چکیده ای ازین اثر به شماره Or. ۲۰۵۸ از برگ ٥٦ تا ٦٣[٤] و به شماره Or. ۱۷۵۷ از برگ ۳۱۰ب تا ۳۷۲[٥] نگهداری می شود۔ یکی دستنویسِ ترجمهٔ چکیده ای ازین کار، به زبان انگلیسی، از منشی سدا سك لال، در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸٦ از برگ ۸۲ تا ۲۹۱ نگهداری می شود[٦]۔

☆**نگارستان آصفی:**

نویسندهٔ این کتاب سید التفات حسین خان پسر عزیز الله خان [۷] است۔ وی این کتاب را به فرمان هنری راسل(Sir. Henry Russell) نگاشته بود که در حیدرآباد نماینده شرکت هند شرق از ۱۸۱۱م تا ۱۸۲۰م بود [۸]۔ خود التفات حسین خان در حیدرآباد نزد انگلیسیان میر منشی بود [۹]۔ این کتاب مشتمل بر تاریخ نظام ها است و چندی بعد از ۱۲۳۱ه.ق/۱۸۱٦م نگاشته شده بود[۱۰]۔ برای نسخه خطی این کتاب مراجع شود به استوری،ص۷۵۵ و مارشال،ص۲۰۱۔

۱۔ مارشال،ص۴۲۳

۲۔ ریو،ج۳،ص۹۱٤

۳۔ همان ٤۔ همان،ص۱۰۵۲

۵۔ همان،ص۱۰۲۱ ٦۔ همان،ص۹۱٤

۷۔ براوون،ای.جی،فهرست دانشگاه کامبریج،ص۷۵٤

۸۔ مارشال،ص۲۰۱

۹۔ استوری،ص۷۵٤

۱۰۔ همان،ص۷۵۵

☆وقایع برتپور/ نصرت و ظفر[۱]:

پاندیت شنکر نات متخلص به نادِّر از خطه کشمیر تعلق داشت[۲] و به سلاطین برتپور ملازم بود۔وی آنجا کار وقایع نویس می پرداخت [۳]۔ وی وقایع خود را جمع کرد و به نام 'وقایع برتپور' این تاریخ را تالیف کرد[٤]۔ شنکر نات شاعر هم بود و نادِّر تخلص می کرد۔ سید عبدالله او را در مورد خوشنویسان زمانِ خود ذکر نیز کرده است[۵]۔

وقایع برتپور یا نصرت و ظفر از پاندیت شنکر نات نادِّر در بیان احوال معطل شدن دُرجان سال است [٦]۔ این اثرِ مختصر دارندۀ تاریخ کوتاهی از مرگ راجه بلدیو سینگ(Baldev Singh) پسر رنجیت سینگ تا بنیاد بلونت سینگ (Balwant Singh) و فرمانروایی انگلیسیان است[۷]۔ مؤلف درین تاریخ آن وقایع را ذکر کرده است که خود دران دست داشته است[۸]۔

آغاز: **'انفتاح کهن دژ سخن به یورش قشون حمد و ثنای فتاحی است...'**[۹]

نسخه خطی وقایع برتپور یا نصرت و ظفراز شنکر نات نادِّر در کتابخانه دانشگاه پنجاب به شماره٤/ PPeIII ۱۵۵۷ نگهداری می شود[۱۰]۔

علاوه بر وقایع برتپور شنکر نات 'وصف فصل باران' بر روش مقامات در ستایش روزهای باران هم نگاشته بود[۱۱] علاوه برین کلیات نادِّر که دارای دیوان غزل است و سه رساله ای به نثر به نام :ا)وصف بنارس،ب)وصف ماترا،ج)وصف پوشکر ازو هم یادگار است[۱۲]۔

۱۔ استوری،ص۱۳۲٦

۲۔ نبی هادی،ص٤٤٦ ۳۔ همان ٤۔ همان

۵۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان... ص۲٦۲

٦۔ استوری،ص۱۳۲٦

۷۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۸۳

۸۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۳٦۵/ فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۸۳

۹۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۸۳ ۱۰۔ همان

۱۱۔ نبی هادی،ص٤٤٦ ۱۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۸۳

☆یادگارمکّن لعل:

نویسندۀ این کتاب مکّن لعل(Makkhan Lal)شاه جهان پوری حیدرآبادی[1] است که حسب فرمایش چارلس متکاف(Charles Metcalfe)این اثر را در تاریخ حیدرآباد تالیف کرده بود[2]۔ این اثر به نام 'تاریخ یادگار' در حیدر آباد چاپ هم شده بود[3]۔ راقم این سطور این کتاب چاپی را در کتاب خانۀ انجمن ترقی اردو کراچی بررسی کرده بود و آنجا این اثر در چهار جلد مشتمل بر علی الترتیب ۱۸۸، ۱۸٦، ۱۸۸ و۱۸۳ صفحه، از برهانیه پریس حیدر آباد به زیور طباعت آراسته شده است اما سالِ چاپِ این اثر نگاشته نشده است۔

نتیجه گیری باب سوم:

درین دوره موضوع تاریخ نویسی در موردِ تاریخ استان ها زیاد بود۔ علاوه برین تاریخ متعلقه به رنجیت سینگ هم دیده می شود۔ تاریخ عمومی جهان درین دوره هم بسیار پرداخته شده است۔ درین زمانِ زوالِ تیموریان بعضی اروپیان هم در زبان فارسی تاریخ نوشتند۔ در اواخرِ دوره تیموریان سبكِ ساده زیاد رایج بود۔ تاریخ نویسان واژه های محلی هم بسیار به کار می برند و این چیزی در تواریخ پنجاب زیاد دیده می شود۔

۱۔ استوری،ص۷۵۵

۲۔ همان

۳۔ همان

باب چهارم

تواریخ منظوم

(از ۱۱۱۹تا۱۲۷۴هـ.ق/۱۷۰۷تا۱۸۵۷م)

حملۂ حیدری از مرزا محمد رفیع باذلؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

مرزا محمد رفیع متخلص به باذلؔ، ملقب به رفیع خان [1] شاعرِ دورۂ اورنگزیب بود۔ پدرش مرزا محمود همراهِ برادرش مرزا محمد طاهر ملقب به وزیر خان در دورۂ شاهجهان از مشهد به دهلی آمد [2]۔ مرزا محمود به دربارِ مغولان رسوخِ وافر داشت و در اورنگ آباد و برهانپور محله ای به نامِ "محمود پوره" از و منسوب است [3] و وی همانجا در محمود پوره تدفین گردید۔ مرزا رفیع باذلؔ خود در دهلی متولد گردید [4]۔ صاحبِ گلِ رعنا می گوید که او از خانوادۂ خواجه شمس الدین صاحب دیوان بود [5]۔ همشیرۂ باذلؔ مادرِ شهزاده معز الدین بود [6] و باذلؔ از سوی شهزاده معزالدین بر عهدۂ دیوان سرافراز هم گشت و بعد ازان قلعه دارِ 'گوالیار' وناظمِ 'بریلی' هم شده بود اما بعد از وفاتِ اورنگزیب او معزول می شد [7]۔ زندگانی ماندۂ خود را در دهلی در گوشۂ عزلت به سر برد و در ۱۷۱۱م/۱۱۲۳ھ.ق فوت کرد [8]۔ سالِ وفاتِ او از

ع جاء مهرِ علیٌ به جنتش داد

به دست می آید [9]۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۱۱۹ھ.ق تکمیل یافت و مؤلف در نوشتن این تاریخِ منظوم پنجاه سال صرف نمود [10]۔

۱۔ ریو، ج۲، ص۷۰٤ ۲۔ استوری، ص۱۹۹

۳۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳، ص۱۸۷ ٤۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج۱، ص۳٦۸

۵۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳، ص۱۸٦

٦۔ مارشال، ص۱۰۹ ۷۔ استوری، ص۱۹۹

۸۔ اسپرنگر، اته در اندیا آفیس، عبدالمقتدر در فهرست بوهار و بانکیپور سال تالیف این اثر ۱۱۲۳ھ.ق نوشته است۔ ولی ریو و استوری میانِ ۱۱۲۳ھ.ق و ۱۱۲٤ھ.ق اشتباه دارند۔

۹۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج۱، ص۳٦۸

۱۰۔ همان (اما به قول اته، اندیا آفیس، ج۱، ش۵۱۸، ستون٤۵۸؛ این کتاب در ۱۱۳۵ھ.ق با سروده ابوطالب، افزوده به دستِ نجف، تکمیل یافت)

محتویاتِ کتاب:

حملۀ حیدری مثنوی طویل به طرزِ شاهنامه است۔ این منظومه در تاریخِ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم و خلفای راشدین است۔ اصلاً رفیع خان باذلؔ 'معارج النبوة' را به جامه سخن در ٤٠٠٠٠ اشعار آورد و این اثر را حملۀ حیدری نامید(١)۔ مؤلف می توانست که فقط تا شهادتِ حضرت عثمانؓ رقم می کرد که فوت شد۔ نخستین بخشِ این منظومه در بحرِ متقارب است و حدود ٢٤٠٠٠ بیت دارد(٢)۔ این منظومه با ستایشِ خدا، پیامبرؐو دوازده امامؑ آغاز می شود و سپس داستان بعثت، رویدادهای زندگانی و رحلتِ پیامبرؐ، جنگ های علیؑ ، قضیه غدیر خم، زندگانی و رویدادهای زمانِ جانشینانِ پیغمبرؐ تا شهادتِ عثمانؓ به دنبالِ آن می آید(٣)۔

سبكِ نویسندگی:

این اثر در قالب مثنوی نگاشته شده بود۔این مثنوی طویل دارندۀ چهل هزار بیت است و از شعر که در آغاز این کتاب داده شده است، معلوم می شود که این مثنوی در بحرِ متقارب'فعولن فعولن فعولن فعول' نوشته شده است۔

ارزشِ کتاب:

ارزشِ این کتاب ازین چیزی عیان است که چون نویسندۀ این کتاب،محمد رفیع باذلؔ، فقط تا شهادتِ عثمان رسیده فوت کرد، پس از وفاتِ مؤلف بسیار کسان این مثنوی را تکمیل کردندکه ازان؛ نجفؔ، محمد صادق آزادؔ، محب علی خان حکمتؔ، میان احسن، سید پسند علی بلگرامی خیلی معروف اند(٤)۔

آغاز:

١۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج١،ص١١٠

٢۔ انوشه،مزدك،دانشنامه ادب فارسی،ج٤،بخش٢،ص١٠١٠

٣۔ همان

٤۔ استوری،ص٢٠٠

ـ ’به نام خداوندِ بسیار بخش
خردبخش و دین بخش و دیناربخش
همه کامِ دنیا و دین، کردگار
ازین هر سه نعمت نمود آشکار‘[١]

منابع حمله حیدری:

وقایع که درین کتاب ذکر شده بیشتر از ’معارج النبوة‘ معین الدین فراهانی بیان شده است ـ اته در بارۂ این کتاب می گوید که این کتاب یك گونه معارج النبوة، از معین الدین فراهانی، در جامه شعر است ـ

“A kind of rhymed paraphrase of Mu'in-almiskin's معارج النبوة”[٢]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی حملۂ حیدری در کتابخانۂ جهان فراوان است که مهم ازان در کتاب خانه بادلین، موزه بریتانیا و کتابخانۂ شاهان اوده نگهداری می شود ـ برای تفصیلِ این نسخه ها مراجع شود به استوری،صص ٢٠٠ـ٢٠١ ـ

تراجم و چاپ:

این اثر در ١٢٦٧ هـ.ق در لکنو چاپ شده بود[٣] ـ اما به گفتۂ اسپرنگر این اثر در ١٢٦٨ هـ.ق در لکنو به چاپ رسیده بود[٤] ـ

اثرِ دیگرِ مؤلف:

علاوه بر مثنوی حمله حیدری دو اثرِ دیگر به نام ’دیوانِ باذل‘ و ’منشآتِ باذل‘ هم ازوی یادگار است[٥] ـ

ـ١ اته،بادلین،ج١،ش٥١٨،ستون٤٥٨

ـ٢ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون٥٦٢،ش٩٠٠

ـ٣ اته،بادلین،ش٥١٨،ستون٤٥٩/ ریو،ج٢،ص٧٠٤

ـ٤ اسپرنگر،شاهان اوده،ج١،ص٣٦٨

ـ٥ نبی هادی،ص١٢٨

صولتِ فاروقی از مرزا محمد بخش آشوبؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

برای شرح احوالِ مرزا محمد بخش آشوبؔ در همین مقاله به 'تاریخ شهادت فرخ سیر و جلوس محمد شاهی' ص۲۵۴ مراجع شود۔

سال تالیف:

این اثر در ۲۲ ذیقعده ۱۱۶۰ھ۔ق/۱۷۴۷ م تکمیل یافت[۱]۔

محتویاتِ کتاب:

محمد بخش آشوبؔ این اثر را در قالب مثنوی در تاریخ اسلام نگاشته است۔ این کتاب به روشِ شاهنامه تالیف شده است۔ صولت فاروقی در زمانِ آصف الدوله نواب اوده آغاز شده بود و دارندۂ احوالِ مسلمانان تا جنگِ حلب است [۲]۔ صولت فاروقی در کشور گشایی های خلیفه یکم و به ویژه خلیفه دوم است که برابر صولتِ صفدری از محب علی خان حکمتؔ است [۳]۔ محمد بخش آشوبؔ ایراد کرد که این اثر را در سه باب می نگاشت اما شاید نتوانست که بیش از دو باب ادامه می داد[۴]۔

منابع صولت فاروقی:

اگرچه منزوی در منابع این اثر 'فتوح الشامِ' ابوعبدالله محمد بن عمر واقدی را ذکر نموده است [۵]۔ ولی نزدِ مولوی عبدالمقتدر،صولت فاروقی از فتوح الشامِ واقدی ترجمه شده است[۶]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج ۱۰، ص۳۰۴/استوری ص۶۱۷
۲۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۶۹
۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج ۱۰، ص۳۰۴
۴۔ استوری،ص۶۱۶
۵۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج ۱۰، ص۳۰۴
۶۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۷۹

سبکِ کتاب:

این مثنوی بر روشِ همان شاهنامهٔ فردوسی نگاشته شده است اما فقط در موردِ تاریخِ مسلمانان تا جنگ حلب است [1]۔ مؤلف درین کتاب بر فردوسی طوسی هم نکوهش کرده است که او مردِ مسلمان بود و سی سال عمر گرانمایه خود سر ستایش مجوسِ آتش مرید و زردشت پلید صرف شه نامه گویی نمود[2]۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

ارزشِ صولت فاروقی ازین عیان است که بعد از محمد بخش آشوبؔ بسیار کسان این مثنوی را تکمله نوشتند که ازان میان 'فتوح الاسلام یا تکمله صولتِ فاروقی' از شش ادبا به شمول محمد عبدالکریم خان، آشوب تورانی، سید نجف علی خان، محمد حسین ملیح آبادی، سلطان محمود خان و نورالحق، خیلی معروف است [3]۔ این مثنوی هم در بحرِ معروف ترینِ مثنوی یعنی بحر متقارب نگاشته شده است۔

آغاز:

۔ 'به نام خداوند حی احد
خداوند بی والد و بی ولد
خداوند خلّاقِ ملك و مَلك
خداوند عرش و زمین و فلك'[4]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی صولت فاروقی در کتابخانه اندیا آفیس، بانکی پور، کتابخانه راجستان تونك و دانشگاه پنجاب موجود است۔

۱۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۶۹

۲۔ آشوبؔ،محمد بخش،صولت فاروقی چاپی،ص۱۴

۳۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،صص۵۹تا ۶۸

۴۔ آشوبؔ،محمد بخش،صولت فاروقی چاپی،ص۵

تراجم و چاپ:

مولوی شوکت علی در فهرست کتابخانه راجستان تونك گفته است که بخشی ازین مثنوی به چاپ رسیده است اما تفصیل آن چاپ بیان نکرده است(۱)۔ در مورد نگارندۂ این سطورچاپ سنگی صولتِ فاروقی است که در مطبع محمدی اعظم گره چاپ شده بود اما این کتاب سالِ چاپ ندارد۔ در آخرِ آن کتاب چاپی عبارتِ زیر قرار نوشته شده است؛

'کتاب مستطاب فواید انتساب مسمّی به صولت فاروقی سردساز گری هنگامه شا..................س طوسی و ترجمه کتاب عربی از تالیفات ابی عبدالله محمد بن عمر الواقدی محدث رحمة الله که به سبب اعتبار و حسن بیان مطلوب هر خاطر و به سبب ضخامت هر..................قاصر لهذا کارپردازان مطبع محمدی واقع شهر اعظم گره به جانب طبعش همت را برگماشتند از اول تا نامه خلیفه اول مشتمل بر اخبار فتح اول که..................فتوح است به طبع درآمد و خدمت مورخان عصر و شایان دهری گذر دفقط'(۲)

استوری سال تالیف اعظم گره در ۱۲۵۲ھ.ق/ ۷_۱۸۳٦م بیان کرده است(۳)۔ ترجمه اردویی آن از احمد علی بن سید محمد علی واعظ در مطبع نظامی کانپور در ۱۲۹۱ھ.ق چاپ شده است(٤)۔

آثار دیگر مؤلف:

برای کارهای دیگرِ محمد بخش آشوبؔ ببین در همین مقاله 'تاریخ شهادت فرخ سیر و جلوس محمد شاه' ص۲۵۸۔

۱۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص٦۹

۲۔ آشوب،محمد بخش،صولت فاروقی چاپی،ص٦۵

۳۔ استوری،ص٦۱۷

٤۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۳۰٤

نجیب نامه/نامۀ طرفه[1] از محی الدین ذوقیؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

غلام محی الدین یا محی الدین پسر ابی الحسن ذوقیؔ[2] از 'پلؤر' نزدِ کانپور تعلق داشت[3]۔ وی در خدمتِ سردارِ روهیله نواب نجیب الدوله مامور بود[4]۔محی الدین که ذوقیؔ تخلص داشت ،شاعر و صوفی نیز بود[5] و با مشایخ قادری عقیدتِ فراوان داشت ۔ وی در سی و پنج سالگی تاریخ نجیب الدوله را درین مثنوی بیان کرد[6]۔ معلوم می شود که مولف شاعرِ قادر الکلام بود چون این مثنوی را که هزار و چهار صد بیت دارد در هفت روز نگاشته شده بود[7]۔ در ۱۱۸۹ھ۔ق مثنوی دیگر در ثنای بزرگانِ قادریه به نام 'مدایح المشایخ' در شش روز سرود ه بود[8]۔ از نوشتنِ این مثنوی در هفت روز، گمان می شود که این مثنوی نزدِ وفاتِ نجیب الدوله(۱۱۸۵ھ۔ق) نگاشته شده بود۔ چون این مثنوی بر ۱۱۸۵ھ۔ق به مرگِ نجیب الدوله اختتام می شود، مؤلف بعد از مرگ وی یا چند سال بعد از مرگ وی این را نوشته باشد۔ نسخه اندیا آفیس نوشتۀ بیست و پنجم صفر ۱۲۱۳ھ۔ق است۔ اگر این اثر میان ۱۱۸۵ھ۔ق تا ۱۱۹۰ھ۔ق نوشته شده باشد ومؤلف دران وقت سی و پنج سال بوده، تاریخ تولدِ ذوقیؔ حتماً میان ۱۱۵۰ھ۔ق تا ۱۱۵۵ھ۔ق می باشد۔

سال تالیف:

مثنوی نجیب نامه از ذوقیؔ در بیان تاریخ نجیب الدوله روهیله است ومحی الدین ذوقیؔ این اثر را نزدِ ۱۱۸۵ھ۔ق/۲۔۱۷۷۱م در سی و پنج سالگی نوشته بود[9]۔

۱۔ مارشال،ص۵۰۰

۲۔ استوری،ص٦٩٤

۳۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۳۸۹

٤۔ نبی هادی، ص٦٣٦ ۵۔ همان

٦۔ استوری،ص٦٩٤

۷۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۹۳۱،ش۱۷۱۵

۸۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۳۸۹

۹۔ استوری،ص٦٩٤

محتویاتِ کتاب:

'نجیب نامه'یا 'نامۀ طرفه' یکی مثنوی در تاریخ سردار روهیله نجیب الدوله است[1]۔ احمد شاه درانی نجیب الدوله را در ۱۱۷۰ھ.ق/ ۷-۱۷۵٦ م امیر الامرا مقرر کرد[2] و او در جنگ های خلاف مرهته ها و جات ها کار های نمایان سر انجام داد[3] و تا مرگ خود در ۱۱۸۵ھ.ق/۱۷۷۱ م، مطلق العنان دهلی بود[4]۔

این مثنوی در ۱٤۰۰ بیت نوشته شده است و از مصرعه ای که اته ذکر کرده؛

ع 'کنم ختم این نامه بر نام غوثؒ'[5]

عقیدتِ وی با مشایخِ قادریه ظاهر است۔

سبکِ کتاب:

به علت عدم دسترسی به نسخه خطی این کتاب، نگارنده این سطور از قضاوت حتمی در مورد سبك این کتاب قاصر است البته از مصرع ای که با لا ذکر شده است معلوم می شود که این مثنوی در بحرِ متقارب ''فعولن فعولن فعولن فعول'' نوشته شده است ۔

نسخه های خطی:

در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۱۷۱۵ و در انجمن آسیای بنگال موجود است[6]۔

آثار دیگر مؤلف:

۱۔ مدایح المشایخ:

مجموعه قصیده ها در مدح صوفیانِ بزرگِ سلسله قادریه است۔ ذوقیؔ این اثر را هم در شش روز نگاشته بود[7]۔ این اثر در ۱۱۸۹ھ.ق نوشته شده بود[8]۔ از نسخه ای که در

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۹۳۰، ش ۱۷۱۵

۲۔ همان

۳۔ ریو، ج ۱، ص ۳۰٦

٤۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۹۳۰، ش ۱۷۱۵ / ریو، ج ۱، ص ۳۰٦

۵۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۹۳۰، ش ۱۷۱۵

٦۔ استوری، ص ٦۹٤

۷۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج ۱، ص ۳۸۹

۸۔ همان

کتابخانه شاهان اوده به شماره ۱۹٤ موجود است و کمابیش صد صفحه که پانزده شعر بر یك صفحه دارد، می توان حدس زد که این اثر کما بیش هزار و پانصد شعر دارد.

۲.**دارالخلد:** مجموعهٔ نامه هاست که بیشتر ازان دارندهٔ مطالب تصوف است و به نام صوفیای آنوقت نوشته شده بود[۱].

۳. افزون بران محی الدین ذوقی سه رساله بر موضوع تصوف هم نگاشته بود که نام آن زیر قرار است:

ا) لطایف لطیفی ب) رساله توفیق ج) مفتاح الاسرار[۲]

۱ـ مارشال،ص۵۰۰

۲ـ همان

فتح نامه[۱]/ فتح نامه سندیا شاهنامه عظیمّ[۲]

از عظیم الدین حسینی شیرازی

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد عظیم الدین حسینی شیرازی تتوی [۳] فرزند سید یار محمد فرزند عزت الله[٤] برادرزادهٔ شاعر و مورخ و تذکره نگارِ معروف میر علی شیر قانعؔ تتوی بود۔ عظیم الدین در ۱۱٦۳ھ.ق متولد گردید و میر قانعؔ تاریخ پیدایش **'انا لهٔ الحافظون' (۱۱٦۳ھ)** نوشت[٥]۔ در علومِ مروجه کوچید و در نظم و نثر مهارت گرفت۔ از دربار میان سرفراز خان و میر فتح علی خان وابسته می شدو از ایشان انعام و اکرام گرفت[٦]۔

عظیم الدین در ۱۲۰۹ھ.ق مثنوی فتح نامه نوشت[۷]، در ۱۲۱۰ھ.ق دیوانِ او به حکمِ فتح علی خان مرتب گردید [۸]۔ در ۱۲۱٤ھ.ق داستانِ هیر و رانجها را به قالبِ مثنوی به زبان فارسی منظوم کرد [۹]۔ عظیم الدین حسینی بر وقایع مهمی زمانِ خود تاریخ نیز می گفت۔ در زبان اردو شعر می سرود و دیوانِ اردوازو یادگار است و نسخهٔ خطیِ دیوان اردو در کتابخانهٔ سندی ادبی بورد موجود است۔ مجموعه نامه ها به نام 'انشای عظیم' هم ازو یادگار است[۱۰]۔ میر عظیم در ۱۲۲۹ھ.ق فوت شد و در گورستانِ کوه مکلی مدفون گردید[۱۱]۔

سال تالیف:

استوری می نویسد که این اثر در ۱۱۹۹ھ.ق/ ۱۷۸٥ م نوشته شده بود [۱۲]۔ ریو سالِ

۱۔ استوری،ص٦٥۷

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥۱۸

۳۔ ریو،ج۳،ص۱۰٤۱ ٤۔ منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،ص۱۳۰٥

٥۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...ج۳،ص٦۸۲ ٦۔ همان

۷۔ همان،ص٦۸٤ ۸۔ همان ۹۔ همان،ص٦۸٥

۱۰۔ نبی هادی،ص۱۰٥

۱۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر، پاکستان مین....ج۳،ص٦۸۲

۱۲۔ استوری،ص٦٥۷

تالیف ۱۱۹۱ھ.ق بیان نموده مزید گفته است که این مثنوی دارندۀ وقایع تا مرگ میر فتح علیخان در۱۲۰۳ھ.ق است[۱]۔ اما دکتر ظهور سالِ تالیفِ فتح نامه ۱۲۰۹ھ.ق گفته است[۲]۔

سببِ تالیف:

عظیم الدین شیرازی فتح نامه را به دستورِ میر فتح علی خان نوشت[۳] و این کتاب را به هموﻣﻌنون کرد[٤]۔

محتویاتِ کتاب:

فتح نامه یکی مثنوی در رزم و پیکار خاندان تالپوران با کلهوران است۔ این مثنوی در یك تمهید و پنج مجلس منقسم است ۔ تمهید: مناجات به بارگاه ایزدی ، نعت، منقبت حضرت علیؑ و آیمه اطهارؑ، مدح میر فتح علیخان و وصفِ شمشیر و سپر و تفنگ و سنان و اسپ او، سپس مدح میر غلام علیخان برادرِ میر فتح علی خان، در آخرِ تمهید احوالِ خود مؤلف و سببِ تالیف این مثنوی را بیان نمود۔ **مجلس اول:** در بیان فضایل اخلاق حمیده عشقِ الٰهی و فضایل فقر،فضیلتِ عبادت ودینداری، صفتِ عدالت و رعیت پروری و سخاوت و شجاعت و علمیت و سخن پروری و جز آنها۔ از **مجلس دوم تا چهارم** وقایع برجستۀ عهدِ امیران کلهوره نور محمد ملقب به خدا یار خان، میر مراد خان، میان غلام شاه خان، میان سرفراز خان، میان غلام نبی و میر عبدالنبی را بیان نموده است و در این ضمن احوال و کوایفِ میر بجار خان، راجه لیکهی، فتح خان و محمد نصیر خان حاکمِ قلات را هم ذکر کرده است۔**مجلس پنجم:** تاریخِ روزگارِ میر فتح علیخان تا عطای شمشیر و خلعت به وی از سوی تیمورشاه درانی و آخرین واقعه وفات محفوظ خان درج شده است[٥]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰٤۱

۲۔ ظهورالدین،احمد، پاکستان مین....ج۳،ص٦۹٥

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج ۱۰،ص٥۱۸/نبی هادی،ص۱۰٤

٤۔ ریو،ج۳،ص۱۰٤۱

٥۔ ظهورالدین،احمد، پاکستان مین....ج۳،ص٦۹٦

سبكِ كتاب:

چون این فتح نامه در نظم نوشته شده است مؤلف درین صنایع بدایع بسیار به کار برده است۔ مراعات النظیررا با شگفتگی به کار برده است۔ چون خود شاعرِ دربار بود، حاکمِ ممدوح رابه مقابلِ حریفان، با ادبِ بسیار ذکر کرده است۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

فتح نامه سند از نظر ادبی و تاریخی بسیار مهم است۔ این مثنوی نوشتۀ یکی معاصر است که او بسیار وقایع را از نظرِ خود مشاهده می کرد۔ چون این کتابی مشتمل بر وقایع منظوم است، برای مؤلف التزامِ بیان سال و تاریخ خیلی مشکل بود۔ اگرچه مؤلف در بیانِ وقایع تسلسلِ تاریخی را قایم کرد اماتواریخ را درج نکرده است۔ فقط چند جای بر وفات یا چیزی دیگر، او قطعۀ تاریخ نوشت و آنرا درین کتاب شامل می کرد [۱]۔ فتح نامه روشنگرِ اخلاق و کردارِ حاکمانِ تالپوران است۔

آغاز:

۔ 'به نام خداوندِ هر دو جهان
شههِ هفت گیتی و نُه آسمان
خداوندِ کم گیر، بسیار بخش
خرد بخش و دل بخش و دیداربخش' [۲]

نسخه های خطی:

در کتابخانه های جهان فراوان است۔ برای تفصیل نسخه های خطی فتح نامه از عظیم الدین تتوی مراجع شود به مارشال ص۹۵ و فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی

۱۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین..،ج۳،ص۶۹۷

۲۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۱۸

پاکستان از احمد منزوی جلد ۱۰، ص ۵۱۹ـ

تراجم و چاپ:

این اثر در ۱۹٦۷ م به کوشش و پیشگفتار شیر محمدنظامانیان به توسطِ اداره ادب سند(سندهی ادبی بورد) حیدر آباد ،پاکستان چاپ شده است[۱]ـ

استوری یکی ترجمۂ مختصرِ انگلیسی را هم ذکر می کند که مرزا قلیچ بیگ فریدون بیگ به نام 'تاریخِ سند' (A History of Sind) از چند کتاب های فارسی برگردانده بود و در ۱۹۰۲ م از کراچی به چاپ رسیده است[۲]ـ

۱ـ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۱۸

۲ـ استوری،ص٦٥۷/مارشال،ص۹۵

جرجیس رزم از صفدر علی شاہ منصق

شرحِ احوالِ مؤلف:

محمد محی الدین پسر مظفر جنگ معروف به صفدر علی شاه پسر قلندر علی شاه [۱] مؤلف این جرجیس رزم 'منصق' تخلص می کرد۔ وی از قرابت دارانِ نظام آصف جاه بود[۲]۔ زندگانی خود به طور صوفی می گزراند و در حیدر آباد برای شعرِ خود معروف بود[۳]۔

در آغازِ نسخه موزه بریتانیا به شماره ۲٦١٦٩ .Or، بر ورقِ سفید یکی نوشتهٔ ویلیام ارسکاین درموردِ مؤلفِ این کتاب است[٤] که ازان معلوم می شود که نام اصلی مؤلف محمد محی الدین بود و وی این را به صفدر علی شاه تبدیل کرد۔ نام پدر وی هم مظفر جنگ بود که بعد از درویش شدن نامِ خود را به قلندر علی شاه مبدل ساخت۔ جد بزرگِ وی سمندر شاه هراتی بود[٥]۔

صفدر علی شاه مدتی در بمبئی اقامت داشت و شاید همانجا از ویلیام ارسکاین معرفی شده تعریف او پرداخته بود[٦]۔ از سال ولادت و وفاتِ صفدر علی شاه هیچ اطلاعی در دست نیست۔

سال تالیف:

جرجیس رزم از صفدر علی منصق در ١٢٢٩هـ.ق/ ١٨١٤م نوشته شده بود[۷]۔

محتویاتِ کتاب:

۱۔ ریو، ج۲، ص۷۲۵
۲۔ استوری، ص۷٦۳
۳۔ نبی هادی، ص٤۳۷
٤۔ ریو، ج۲، ص۷۲۵
۵۔ همان
٦۔ استوری، ص٤۔۷٦۳
۷۔ نبی هادی، ص٤۳۷

جرجیسِ رزم در سه جلد نگاشته شده است۔ **جلد اولِ** دارندۂ مثنوی در بیان جنگ های لُرد ویلزلی(Lord.Wellesley) با تیپو سلطان و مرهته ها است[1]۔ این اثر در دو فصل تقسیم شده است۔ *فصل اول* در بارۂ جنگ های تیپوسلطان از ۱۷۹۹م تا ۱۸۰۲م است۔ *فصل دوم* از احوال گرفتن پونه به دست هولکر و فرارِ باجی راو در ۱۸۰۲م آغاز شده، تا تهی شدنِ برتپور از هولکرها در مارس ۱۸۰۵م ادامه دارد۔ مؤلف در آغاز این جلد مستر ایلفن ستون (Mr.Elphinstone) را تعریف نموده است و در آخر قصیده ای در مدح ویلیام ارسکاین و دکتر تیلر(Dr.Taylor) که علاج مؤلف کرده بود، سروده است[2]۔ در بیانِ هر دو فصل مؤلف ژانرال ویلزلی را حمایت و تعریف کرده است[3]۔

جلد دوم دارندۂ وقایع جنگ هولکرها در ۱۸۰٤م و گرفتنِ پوندیچری(Pondichery) به دست فرانسویان، است[4]۔

جلد سوم که آخرین جلدِاین کتاب است، از شکست کولونل مینسن(Col.Monson) در آگوست ۱۸۰٤م آغاز شده، به تهی شدن برتپور از هولکرها در مارس ۱۸۰۵م انجام می پذیرد[5]۔

سبکِ کتاب:

جرجیس رزم مثنوی رزمیه عالی به شمار می رود۔ این کتاب در قالبِ مثنوی در بحرِ متقارب ''فعولن فعولن فعولن فعول'' نوشته شده است۔

آغاز جلد اول:

۔ 'به نامی که نامش سر نامه ها
ز سر تا به پا زوزبان خامه ها'[6]

۱۔ استوری،ص٧٦٣
۲۔ ریو،ج۲،ص۷۲۵،شماره Or.۲٦١٦٩
۳۔ همان
٤۔ همان،شماره Or.۲٦١٧٠
۵۔ همان،ص۷۲٦،شماره Or.۲٦١٧١
٦۔ همان،ص۷۲۵،شماره Or.۲٦١٦٩

آغاز جلد دوم:

- 'به نام که نام آور نامه هاست
طرازنده لوح زو خامه هاست'[1]

آغاز جلد سوم:

- 'چو در رزم کرنیل منسل شکست
به یکبار شد هولکر چیره دست'[2]

نسخه های خطی:

نسخه خطی جرجیس رزم که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا در سه جلد از شماره Or. ٢٦١٦٩ تا Or. ٢٦١٧١ موجود است۔ اگرچه مؤلف این کتاب را در سه جلد تقسیم نکرده بود اما نسخه خطی این کتاب در سه جلد موجود است۔ جلد اول مشتمل بر ١٦٧ برگ، جلد دوم ٦١ برگ و جلد سوم دارندۀ ٣٤ برگ است۔ این نسخه خطی نوشته خود مؤلف است و مؤلف این نسخه را برای ویلیام ارسکاین (William Erskine) پرداخته بود[3]۔

١۔ ریو، ج٢، ص٧٢٥، شماره Or.٢٦١٧٠

٢۔ همان، ص٧٢٦، شماره Or.٢٦١٧١

٣۔ همان، ص٧٢٥، شماره Or.٢٦١٦٩

امیرنامه از بساون لال شاداںؔ

شرحِ احوالِ مؤلف:

بساون لال متخلص به شاداںؔ پسر نین سُك(Nain Sukh) رای از خانواده سکسینه بود و از بلگرام تعلق داشت(۱)۔ از احوالِ بساون لال فقط این قدر معلوم شده است که اودوازده سال در خدمت نواب امیر الدین خان تحت رای داتا رام پسر همت رای به طور نایب منشی کار می کرد(۲)۔

سبب تالیف:

ریو،استوری،شوکت علی وغیرهم نوشته اند که شادان این اثر را حسب حکم نواب امیرخان نوشته بود۔ اما مولوی عبدالمقتدر می نویسد که وی این مثنوی را حسب خواهش نواب امیر خان و پسرش وزیرالدوله محمد وزیر خان بهادر نوشته بود (۳)۔ ازین چیز گمان می شود که محمد وزیر خان، پیش نواب امیر خان برای نوشتن تاریخ خواهش کرده باشد و نواب امیر خان ،بساون لال شاداںؔ را برای نوشتنِ این تاریخ دستور می داد۔

سال تالیف:

این اثر در ۱۲٤۰ھ.ق/٥_۱۸۲٤م نوشته شده بود(٤)۔ سال تالیف این اثر از '**یادگار امیر سالار است**' **۱۲٤۰** ھ.ق به دست می آید(٥)۔

محتویاتِ کتاب:

این اثر از ذکرِ خانواده امیر خان و آمدنِ ایشان از قبیله یوسف زیی سوات به

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱۹

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٦،ص۲۰۱

۳۔ همان،صص۲۰۱_۲۰۲

٤۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱۸۸ / نوشاهی،خضرعباس،گنجینه آذر،ص۳۹۱

٥۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٦،ص۲۰۲/ریو،ج۳،ص۱۰۱۹

هندآغاز شده تا ۱۲٤٠هـ.ق/ ۱۸۲٤م بیان شده است[۱]۔ این کتاب در تاریخ امیرالدوله محمد امیر خان و جنگ هایش با انگلیسیان و رویدادهای و کارهای نمایان او است۔بساون لال شادان این تاریخ را در قالب مثنوی نگاشته است۔ وی درین کتاب بیان نموده است که خانواده امیر خان که از یوسف زیی سوات بودند، چطور به هند هجرت کرد وبعد از سعی بسیار و جنگ های خونین با انگلیسیان ،امیر خان از شرکت هند شرق در ۱۸۱۷م لقب ومنصبِ 'نوابِ' نخستینِ تونك گرفته شده بود[۲]۔ این اثر در چهار باب تقسیم شده است[۳]۔

سبكِ کتاب:

از آغاز این مثنوی معلوم می شود که این مثنوی در بحر متقارب نوشته شده بود۔ از برگ های نسخه خطی که منزوی در فهرست مشترك داده است، معلوم می شود که این مثنوی خیلی طویل است۔ (برای بررسی سبك این کتاب نسخه خطی یا کتاب چاپی به دست نیامد)۔

ارزشِ ادبی و تاریخی:

این کتاب از روی تاریخ امیر خان و خانواده اش خیلی مهم است و فراهم آورده معرفیِ پُر ارزشِ این دوره، از اطلاعات تاریخی به ویژه امیر خان و انگلیسیان، است۔چون این کتاب در قالب مثنوی نگاشته شده است، در بعضی موارد مؤلف مبالغه به کار برده است۔ اما از ارزشِ تاریخی این کتاب انکار ممکن نیست۔

آغاز:

'به نام سپه دار کون ومکان   که فتح و شکست است از حکم آن

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥٥٤

۲۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱۸۸

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٦،ص۲۰۲/شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص۱۸۸

به گلگونه زخم در روز جنگ   به روی دلیران بر آراست رنگ'[١]

نسخه های خطی:

نسخه های خطی امیرنامه در کتاب خانه جهان فراوان است که مهم ازان نسخه موزه بریتانیا، کتابخانه اندیا آفیس،انجمن آسیایی بنگال، بانکیپور و کتابخانه آصفیه است[٢]۔

در پاکستان هفت نسخه های خطی این کتاب موجود است که ازان دو در دانشگاه پنجاب لاهور، سه در موزه ملی پاکستان، یکی در موزه پیشاور و یکی در مولتان به شاه عباس گردیزی یافته می شود[٣]۔

تراجم و چاپ:

ترجمه اردویی این کتاب از دیبی پرشاد در ١٣١٧ه.ق/١٩٠٠م و ١٩٠٩م در دهلی به چاپ رسیده است۔ چاپ دوم به نام 'افتخار التواریخ' چاپ شده بود[٤]۔

یکی دیگر ترجمه اردویی این کتاب از حکیم سید سعید احمد اسدو سعیدٓ در ١٨٧٧ م در تونك به چاپ رسیده بود[٥]۔

ترجمه انگلیسی این کتاب از هنری تی پرنسیپ(H.T.Prinsep) به نام "Memoirs of the Puthan soldier of fortune,the Nawwab Ameer-ood-Doulah Mohummud Ameer Khan, Chief of Seronj,Tonk,Rampura, Neemahera and other places in Hindoostan"در ١٨٣٢م در کلکته چاپ شده بود[٦]۔

۱۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،صص ٥٥٤۔٥٥٥

۲۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص٦٩١

۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٥٥

٤۔ استوری،ص٦٩١

٥۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج١،ص١٨٩

٦۔ استوری،ص٦٩١/ ریو،ج٣،ص١٠١٩

تواریخ منظوم(متفرق۱۱۱۹تا۱۲۷٤ﻫ.ق)

☆آتش بی دود:

این اثر از محمد احسن الله خان ثاقبؔ درموردِ جنگ های انگلیسیان در مولتان و پنجاب است[۱]۔ احسن الله خان ثاقبؔ از شاعرانِ پنجاب بود و این اثرِ منظوم را در ۱۲٦٦ﻫ.ق/۱۸٤۹م نگاشته بود[۲]۔ 'آتشِ بی دود' با حاشیهٔ محمد فضل رب عرشیؔ در ۱۲۹۷ﻫ.ق/۱۸۸۰م در آگره چاپ شده بود و کتاب چاپی ٦٤ صفحه داشت[۳]۔ استوری فقط چاپ این کتاب را ذکر نموده است اما هیچ نسخه خطی این کتاب را ذکر نکرده است[٤]۔

☆آصف نامه:

این مثنوی مختصر درذکرِ لشکر کشی نواب آصف الدوله خلاف غلام محمد خان است۔ غلام محمد خان، محمد علی خان والی رامپور را قتل کرده تصرف به حکومتِ رامپور کرده بود[۵]۔ استوری در کتاب خود و مولوی عبدالمقتدر در فهرستِ بوهار فقط تخلصِ شاعر 'موزوںؔ' بیان کرده اند۔ در فهرست موزه سالار سراینده 'سید فرزند علی متخلص به موزوںؔ سامانی' آمده است که در ۱۱۹٦ﻫ.ق/۱۷۸۲م این مثنوی را سروده بود[٦]۔ اما این هم غلط است چون جنگ میانِ آصف جاه و غلام محمد خان به سال

۱۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون ٤٤٤
۲۔ نبی هادی،ص٥٤٣
۳۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون ٤٤٤
٤۔ استوری،ص٦٧٥
۵۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص۳۰٤،ش۴۲۱
٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترک،ج۱۰،ص٥٢٤

۱۲۰۹ هـ.ق به وقوع آمده بود[۱]- دستنویس ازین کتاب در موزه ملی پاکستان کراچی به شماره ۱۵۳٦-۱۹٦۱ N.M. هم موجود است و عکسِ آن مورد نگارنده این مقاله است- برین نسخه خطی شماره برگ داده نشده است و برگِ اول این نسخه افتاده است- درین نسخهٔ موزه ملی پاکستان نام نگارنده هم نیامده است البته بر صفحه آخر تخلصِ وی 'موزوںؔ' به نظر می رسد؛

'کسی نیست موزوںؔ مرا قدر دان — مگر آنکه در جمله خلقِ جهان
عجب چیست گر سرفرازم کند — ز خلقِ جهان بی نیازم کند' [۲]

مارشال این اثر را تحت محمد اسلم موزوںؔ ذکر نموده است[۳]- درین مثنوی نگارنده بیان نموده است که چطور آصف الدوله غلام محمد خان را شکست داده قید کرده بود و احمد خان پسر محمد علی خان را به تخت رامپور به حال کرده بود[٤]-

آغاز: 'به نام خداوند رب العباد — که ملك سلیمان به آصف بداد' [٥]

مارشال نسخه خطی این مثنوی را در کتاب خانه بوهارو بادلین نشان داده است[٦]- استوری اشتباه کرده است که شاید یك نسخه این مثنوی در کتابخانه اندیاآفیس،لندن هم موجود است[۷]-

☆احمد نامه:

نویسندهٔ این مثنوی عبداللطیف متخلص به لطیفؔ است [۸]- در مورد عبداللطیف اطلاعی زیاد در دست نیست ،الا این که وی از کرکؤده(K'hark'hauda) تعلق داشت که در

۱- منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص٥۲٤
۲- موزوںؔ،آصف نامه،نسخه موزه ملی پاکستان،صفحه آخرین(ب)
۳- مارشال،۲۹۰
٤- رضوی،قاسم حصیر و عبد المقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص۳۰٤،ش٤۲۱
٥- همان
٦- مارشال،ص۲۹۰
۷- استوری،ص۷۰٤
۸- نبی هادی،ص۳۲۳

روهتكِ پنجاب واقع است[١]۔ وی این اثر را در ٢٠ جمادی الاول ١١٨٤ھ.ق/ ١٧٧٠م به تکمیل رسانده بود[٢]۔ این تاریخِ منظوم درذکر حملۀ احمد شاه ابدالی بر هندوستان است[٣]۔ نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره ٣٩٦٤ موجود است[٤]۔

☆احوال کشمیر:

این تاریخ به صورتِ مثنوی درموردِ وادی کشمیر و شرح آن احوال سیاسی این دیار نوشته شده است که سببِ تسخیرِ آن به دستِ اکبر اعظم شده بود[٥]۔ این مثنوی در زمان اورنگزیب عالمگیر نوشته شده بود و درنسخه اندیا آفیس در آخرِ کتاب بر برگِ ٧٠ب، قصیده ای در مدحِ اورنگزیب هم موجود است[٦]۔ اینطور این کتاب دارنده تاریخ از اکبر تا اورنگزیب است۔

دربارۀ نویسندۀ این مثنوی،ملا محمد توفیق، اطلاعی زیادی در دست نیست الا که وی شاعر معروف سرینگر بود[٧]۔ مولوی عبدالمقتدر در فهرستِ بوهار نوشته است که ملا محمد توفیق در اواخر قرن دوازدهم، به عمر ٨٩ سالگی فوت کرد[٨] و در دستنویسِ کتاب خانه بوهار که نسخه دیوان اوست، آخرین سال ١١٨٨ھ.ق/ ١٧٧٤م مندرج است[٩]۔ این طور می توان گفت که وی بعد از ١١٨٨ھ.ق فوت شده بود۔

آغاز: ۔**'خدایا همه ملك فرمان تراست شهان بنده فرمان و فرمان تراست'**[١٠]

نسخه خطی این تاریخ که منحصر به فرد است در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٣٠٣٥ موجود است و ٧٣ برگ دارد۔ نسخه دیوان توفیق موجود در کتاب خانه

١۔ استوری،ص ٦٢٠ ٢۔ همان

٣۔ مارشال،ص ١٥

٤۔ استوری،ص ٦٢٠ ٥۔ همان،ص ٦٨٢

٦۔ اته،اندیا آفیس،ج ٢،ستون ١٧ و ١٨،ش ٣٠٣٥

٧۔ نبی هادی،ص ٥٩٥

٨۔ رضوی،قاسم حصیر و عبد المقتدر،مولوی،بوهار،ج ١،ص ٣٠٠

٩۔ همان

١٠۔ اته،اندیا آفیس،ج ٢،ستون ١٨،ش ٣٠٣٥

بوهار مشتمل بر ۱۸۳ برگ است و دارندۂ مثنوی ها، قصیده ها، ترجیع بند، ترکیب بند، قطعه ها و قطعه های تاریخ، غزلیات به ترتیب الفبایی وچند بیت، ساقی نامه، مخمسات، رباعیات و مستزاد است [۱]_ شاید این مثنوی در دیوان وی شامل نیست چون هر دو نسخه یعنی نسخۂ دیوان او در کتاب خانۂ بوهار و نسخۂ 'احوالِ کشمیر' در کتاب خانه اندیا آفیس اگرچه در تقطیع و سطر تقریباً برابر است اما مثنوی نسخۂ خطی'احوال کشمیر' در کتابخانه اندیا آفیس ۷۳ برگ دارد و در نسخۂ دیوانِ توفیق در کتاب خانه بوهار مثنویات فقط از برگ یکم ب تا ۲۰ الف درج شده است[۲]_

☆افسانۂ برتپور:

این اثر به قالبِ مثنوی در ذکرِ جنگ انگلیسیان در ٦_۱۸۲۵م خلافِ راجه برتپور درجان سال(Durjan Sal) است[۳]_ نویسنده این اثر مولوی فضل عظیم عظیّم در دهلی دبیرِ ویلیام فریزر(William Fraser) بود[٤]_ بعداً وی گردآورندۂ معاونِ شهرستان سهارن پور شده بود[٥]_ علاوه بر افسانۂ برتپور، مولوی فضل عظیم 'تاریخ برتپور' یا 'ظفرنامه'[٦]، مثنوی 'شمع شبستان' و کتابی به نثر به نام 'وقایع کوهستان' هم پرداخته بود[۷]_

آغاز: _'**به نام خداوند خلّاقِ جان.....**'[۸]

برای نسخه خطی مثنویِ افسانه برتپور مراجع شود به استوری، ص٦۸۹_

☆اکبر نامه:

این اثر به صورت مثنویِ رزمیه از مولوی حمید الله کشمیری یادگار است_ مولوی

۱_ رضوی،قاسم حصیر و عبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،صص۳۰۰_۳۰۱
۲_ همان
۳_ استوری،ص٦۸۹
٤_ همان،ص٦٤٦
٥_ همان
٦_ ریو،ج۳،ص۱۰٥٤
۷_ استوری،ص٦٤٦
۸_ همان،ص٦۸۹

حمید الله متخلص به حمیدؔ این اثر را در ۱۲٦۰ھ.ق/۱۸٤٤م تالیف کرده بود[۱]۔ در مورد سال تالیف اکبرنامه مؤلف می نویسد که او این اثر را در یك سال به تکمیل رساند:

۔'به مقدور دانش به صد اهتمام
زغیرت به یك سال کردم تمام
چون این تیر فکرت برون شد ز شست
ز هجرت هزار و دو صد بود و شصت'[۲]

حمید الله کشمیری این مثنوی را حسب فرمایش یکی دوستِ خود نوشته بود۔ به گفتۀ خودِ مؤلف، یکی از دوستانش به وی خواهش کرد که

۔'بگو قصۀ رزم شیر جوان
فرنگی شکن، اکبر پهلوان'[۳]

این مثنوی درباره رزم های اکبر خان پسر دوست محمد خان والی افغانستان است[٤]۔ نسخه های خطی اکبرنامه در کتاب خانه انجمن آسیای بنگال، کتاب خانه آصفیه و کتاب خانه دانشگاه بمبئی موجود است[٥]۔

☆انور نامه:

نویسندۀ این مثنوی میر محمد اسمعیل خان ابجدیؔ استادِ نواب عمدة الامرا والیِ کرناتك بود[٦]۔ اته در فهرست اندیا آفیس ابجدیؔ را استادِ نواب عمدة الملك نواب محمد علی پسر نواب انور خان نگاشته است [۷]۔ چون ابجدیؔ در ۱۱۷٤ھ.ق/٦۱-۱۷٦۰م این مثنوی را تکمیلِ کرد از سوی نواب والاجاه محمد علی عمدة الملك شش هزار و هفت صد

۱۔ استوری،ص ٤۰۱
۲۔ سرفراز،عبد القادر،فهرست دانشگاه بمئی،ص ۱۹۰
۳۔ همان
٤۔ استوری،ص ٤۰۱
٥۔ همان
٦۔ بیل،تامس ویلیام،اورینتل بائیوگرافیکل دکشنری،ص ۱٥
۷۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۹۳۱،ش ۱۷۱٦

روپیه به طور انعام گرفت[۱]- وی این اثرِ خودش را به نواب والاجاه محمد علی عمدة‌الملك معنون کرده بود [۲]- در ۱۱۸۹ھ.ق وی به منصبِ 'ملك الشعرای' رسید[۳]- علاوه بر 'انورنامه' یکی مثنوی در موردِ جنگِ شاهزاده معظم شاه عالم بهادر شاه اول با اعظم شاه به نامِ 'معظم نامه' و دیوانِ فارسی و اردو از ابجدیؔ نیز یادگار است[٤]-

'انورنامه' یکی مثنوی رزمیه دارندۂ کارِ برجستۂ نواب انور الدین خان والی کرناتك(متوفی۱۱٦۲ھ.ق) و خلاصه ای از وقایع بعدی تحتِ پسر و جانشینش نواب محمد علی عمدة الملك تا تالیفِ این مثنوی در ۱۱۷٤ھ.ق است[۵]- این مثنوی مشتمل بر بیش از ۷۵۰۰ بیت است[٦]-

آغاز: 'خدایا تویی شاهِ فرمان روا
تویی آفرینندۂ ماسوا' [۷]

نسخه های خطی این اثر در کتابخانۂ انجمن آسیای بنگال، کتابخانۂ اسد آفندی قسطنطنیه، کتابخانۂ شاهان اوده، برلین و کتاب خانۂ اندیا آفیس موجود است[۸]-

☆**بحر مواج:**

احسن الله ممتازؔ این اثر را در قالبِ مثنوی نگاشته بود- ممتازؔ در لکنو زندگی می کرد و برای شعر گویی خود معروف بود[۹]- وی در ۱۲۷۵ھ.ق/۱۸۵۷م فوت شده بود [۱۰]- وی این مثنوی را در زندگانی های پیامبران به ویژه محمد صلی الله علیه و آله وسلم، اهل بیتؑ و اصحاب کرامؓ سروده بود [۱۱]- این اثر با 'نثر ممتازؔ' در ۱۲٦۲ھ.ق/۱۸۵٦م [درلکنو؟]

۱- استوری،ص۷۷۸
۲- اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۹۳۱،ش۱۷۱٦
۳- استوری،ص۷۷۸
٤- مارشال،صص۳۰و۳۱
۵- اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۵۷۵،ش۲۹۰٤
٦- اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۳۰۸
۷- اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۹۳۱،ش۱۷۱٦
۸- استوری،ص۷۷۸
۹- نبی هادی،ص٤۳۵
۱۰- استوری،ص۱٦۸
۱۱- نبی هادی،ص٤۳۵

به طبع رسیده بود[۱]۔ بحر مواج بار دیگر در ۱۹۲۳م در لکنو چاپ شده بود[۲]۔

☆تاریخ برت پور:

این اثر هم از مولوی فضل عظیم یادگار است که احوالش در ذکرِ افسانه برتپور در همین باب گزشته است۔ وی این اثر را در قالبِ مثنوی درموردِ محاصره برتپور از لُردلیك(Lord Lake) نگاشته بود[۳]۔ این اثر به نام ظفر نامه هم خوانده می شود[٤]۔ گفته می شود که این اثر بر اساس بیانِ نثریِ یکی برهمن به نام شانبو(Shambu) یا شانبهو(Shambhu) نگاشته شده بود[٥]۔

آغاز: ۔ 'کنم یاد آن داورِ داوران
کزو گشت پیدا زمین و زمان'[٦]

نسخه خطی تاریخ برتپور یا ظفرنامه در کتاب خانه انجمن آسیای بنگال و موزه بریتانیا موجود است۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص٦٨٩۔

☆تاریخ ثابت:

این اثرِ منظوم از عبدالله یقیّن در تاریخ مسلمانان از زمانِ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم تا ۱۱۳۳ھ.ق بیان شده است[۷]۔ عبدالله یقیّن این اثر را حسبِ خواهشِ ثابت قدم خان در دورۂ محمد شاه تالیف کرده بود[۸]۔ ثابت قدم خان یکی از امرای دربارِ محمد شاه بود[۹]۔ عبدالله یقیّن از نسلِ میر شاه منصور برلاس بود و به طور درویش در قهوه

۱۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون ۲۸٤
۲۔ استوری،ص۱٦۸ ۳۔ همان،ص٦٨٩
٤۔ ریو،ج۳،ص۱۰٥٤
٥۔ استوری،ص٦٨٩/ریو،ج۳،ص۱۰٥٤
٦۔ ریو،ج۳،ص۱۰٥٤
۷۔ همان،ج۲،ص۸۲٤
۸۔ استوری،ص٤٦۰
۹۔ ریو،ج۲،ص۸۲٤

خانه های شاه جهان آباد زندگی می کرد[١]۔

آغاز: **'الحمد لله الذی سلطانه فی الدهر دام**
یفعل ما شاء فی جبروته الافهام هام' [٢]

نسخه های خطی این اثر در کتاب خانۂ پاریس، اندیا آفیس و موزه بریتانیا موجود است[٣]۔ در موزۂ بریتانیا این اثر به شمارۂ Add. ١٦٧٠٣ از برگ ٧٢ تا ٩١ نگهداری می شود[٤]۔

آغاز: **'حمد له۔ صلاة۔ اما بعد، بر رای رحمت پیرای ذوی العقول مخفی نماند...'**[٥]

علاوه بر تاریخ وزیر علی، محمد علی بهبهانی رساله ای به نام'رساله خیراتیه' درباره صوفیای نقشبندیه و مجددیه هم نگاشته بود[٦]۔

☆تاریخ فتوحات آصفی:

احوالِ نویسنده این کتاب، میر محمد احسن ایجادؔ، در ذکر فرخ سیر نامه بیان شده است۔ این تاریخ منظوم به نام **'شاهنامۂ دکن'** هم معروف است[٧]۔ این مثنوی دارندۂ احوالِ چهل سالۂ هندوستان و جنگ های آصف جاه است[٨]۔ نسخه خطی تاریخ فتوحاتِ آصفی در کتاب خانه آصفیه به شماره ١٤٩٣ موجود است و این دستنویس از آغاز و انجام افتاده است[٩]۔

☆تواریخ احمد خانی:

١۔ استوری،ص٤٦٠
٢۔ ریو،ج٢،ص٨٢٤
٣۔ استوری،ص٤٦٠
٤۔ ریو،ج٢،ص٨٢٤
٥۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص٥٣٤
٦۔ نبی هادی،ص٣٦٨
٧۔ استوری،ص٧٤٨
٨۔ همان،ص٦٠٥
٩۔ همان،ص٧٤٩

این کتاب در موردِ تاریخ احمد خان بنگش سردارِ روهیلهٔ فرخ آباد است۔ نویسندهٔ این کتاب نول رای(Nawal Rai) پسرِ هیرا لال اله آبادی است [۱]۔ بعد از وفاتِ پدرش نول رای به شمس آبادِ اوده رفت و به توسط رام پرشاد دوست خود، به یاقوت خان پیوست که وزیر محمد خان بنگش بود[۲]۔ بعد ازان نول رای به خدمت احمد خان بنگش وابسته شده بود و به خواهشِ همو این کتاب را در ۱۱۷۰ ه.ق تالیف کرد[۳]۔

نول رای این کتاب را در قالبِ مثنوی در دو باب نگاشته است۔ باب یکم دربیانِ زندگانی احمد خان بنگش از وفات پدرش در ۱۱۵٦ ه.ق و سعیِ طولانیِ وی برای باز گرفتنِ مسند فرخ آباد از وزیر ابوالمنصور خان صفدر جنگ تا به رسیدنِ مسندِ فرخ آباد در ۱۱٦٤ ه.ق است[٤]۔ باب دوم دارندهٔ چند داستان های هندوستان در همان بحر است [۵]۔

این داستان ها از منابعِ هندیِ یکی برهمن گوری دت(Gauri Datt) جمع می شد و به حکم احمد خان بنگش به زبان فارسی منتقل گردانیده بود[٦]۔ درین داستان های بازرگانِ روم، پسرِ شیبان، شاه هندوستان، شاه نند، راجه بوج(Bhoj)وغیره شامل است[۷]۔

آغاز:

۔’خداوندی که آرایش جهان کرد
به یك کن..............عنان کرد‘[۸]

آغاز باب دوم: ۔’چو ایزد پاك ایجاد جهان کرد
عیان کرده جهان خود را نهان کرد‘ [۹]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۲۷۵ موجود است و ۲۲۸ برگ دارد۔ این نسخه از انجام افتاده است۔ چکیده ای ازین کتاب در همین کتاب

۱۔ استوری،ص ٦۹۳
۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰۳
۳۔ همان
٤۔ همان
۵۔ همان
٦۔ همان
۷۔ همان
۸۔ همان ۹۔ همان

خانه به شماره Or.۲۰۵۹ از برگ ٤۸ تا ۵۰ نیز موجود است[۱]۔

☆تیپونامه:

این اثر در قالب مثنوی در موردِ جنگ های تیپو سلطان نوشته شده است۔ نویسندۀ این مثنوی غلام حسن است که در مورد وی گارسین دی تاسی(Garcin De Tassy) اشتباه کرده است که این همان حسین علی خان کرمانی است که تاریخِ 'نشان حیدری' را تالیف کرده بود[۲]۔ اما استوری می گوید که هیچ وجه صمیمی به نظر نمی رسد که این همان غلام حسین کرمانی است[۳]۔ مؤلف این کتاب را حسب فرمایش تیپو سلطان به ۲۵ رمضان المبارك ۱۱۹۸ھ.ق/ ۱۲ آگوست ۱۷۸٤م نوشته بود[٤]۔ این مثنوی مشتمل بر ٤۹ داستان است[۵] و این اثر به نام 'فتح نامه تیپو سلطان' هم معروف است[٦]۔

آغاز: ۔'**بگویم حمد رب العالمین است**

ضیا بخشنده ایمان ما و طین است'[۷]

سه نسخۀ خطی تیپونامه در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۱۷۱۹ تا ۱۷۲۱ موجود است۔

☆جارج نامه:

در ۱۸۰۷م ملا فیروز بن کاووس حسبِ فرمایشِ جوناتن دانکن(Jonathan Duncan) بر روشِ 'شاهنامۀ فردوسی' نوشتنِ تاریخ منظومِ کارنامه های انگلیسیان در شبه قاره را آغاز کرد[۸]۔ حاصلش این مثنوی رزمیه از ملا فیروز بن کاووس یادگار است و حاوی بر تاریخ

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵٤

۲۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۹۳۳،ش۱۷۱۹

۳۔ استوری،ص۷۷۳

٤۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۹۳۳،ش۱۷۱۹

۵۔ استوری،ص۷۷۳

٦۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۹۳۳،ش۱۷۱۹

۷۔ همان

۸۔ استوری،ص٦٤۵

هند از کشفِ آن به توسطِ پرتغالی ها تا فتح پونه به دست انگلیسیان در ۱۸۱۷م است[1]۔

ملا فیروز بن کاووس در ۱۷۵۸م متولد گردید و چون ده ساله بود برای بررسی چند سوال های مربوط به مذهبِ زرتشت، با پدرِ خود عازمِ ایران شد و دوازده سال آنجا ماندند و چون بازگشتند در بمبئی اقامت اختیار کردند[2]۔ در ۱۸۰۷م چون فرماندار انگلیسی به وی فرمایشِ نوشتنِ این کتاب کرد، وی ملا فیروز را چند کتاب های انگلیسی به طور منابع پیش کرد و ملا فیروز نوشتنِ این کار را آغاز کرد[3]۔ وی این مثنوی رزمیه را به نام جارج سوم(George III) 'جارج نامه' نامید و به ملکه وکتوریه(Queen Victoria) اختصاص داد[4]۔ وی بسیار نسخه های خطی عربی و فارسی را جمع کرد و بعد از وفات وی این مجموعۂ کتاب ها به زرتشت های فرقۂ قدمی دادند که اکنون در 'کتابخانۂ ملا فیروز بمئبی' نگهداری می شود[5]۔ ملا فیروز بن کاووس در ۸آکتوبر ۱۸۳۰م فوت شد[6]۔

آغاز: 'خجسته در آغاز و در ابتدا
بود بی گمان نام پاك خدا' [7]

نسخۂ خطی این اثر که دستنوشتۂ ملا فیروز است، در کتابخانۂ ملا فیروز بمئبی در سه جلد به شماره ٤٦، ٤٧و٤٨ موجود است[8]۔ 'جارج نامه' از ملا فیروز بن کاووس با تصحیح برادر زادۂ وی ملارستم بن کیقباد در ۱۸۳۷م دربمئبی درسه مجلد به چاپ رسیده است[9]۔

☆**جواهر نامه:**

جواهر نامه یکی مثنوی در ذکرِ شیر سینگ پسر رنجیت سینگ است که از ۱۲۵۵ه.ق

۱۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۴۰۳
۲۔ استوری،صص ٦٤٤۔٦٤٥
۳۔ رهاتسك،فهرست کتابخانۂ ملا فیروز بمئبی،مقدمه،ص هفت و هشت
٤۔ باك لیند،ص١٤٦ ۵۔ همان
٦۔ استوری،ص٦٤٥
۷۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۴۰۳
۸۔ رهاتسك،فهرست کتابخانه ملافیروزبمئبی،ص٩٧
۹۔ ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ستون۲۱۳

تا ۱۲۵۹ هـ.ق حکومت می کرد [۱]۔ نویسندۀ این مثنوی میر طیب الله روهتاسی [۲] است۔ روهتاس قلعه ای در ناحیۀ پنجابِ پاکستان است که شیر شاه سوری بنا کرده بود۔ میر طیب الله بر عروض دسترسِ خوب نداشت و بسیار جای قافیه درست هم به کار نبرده است [۳]۔

آغاز: ـ'خدایا به هر شی خدایی تراست
ازل تا ابد پادشاهی تراست' [٤]

نسخه خطی جواهرنامه در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۳۰٤۱ نگهداری می شود و ۲٦۲ برگ دارد۔ معلوم می شود که این نسخه خطی دستنوشتۀ مؤلف است [۵]۔

☆حملۀ حیدری:

این اثر از ملا بامون علی متخلص به راجّی کرمانی درمورد تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و حضرت علی کرم الله وجهه درقالب مثنوی یادگار است [٦]۔ ملا بامون علی راجّی این اثر را حسبِ حکم شاهزاده ابراهیم خان در ۱۲۲۰ هـ.ق/۰٦-۱۸۰۵ م نگاشته بود [۷]۔ نویسندۀ این کتاب نخست زرتشتی بود و بعداً مشرف به اسلام گشت [۸]۔ وطن اصلی او کرمانِ ایران بود اما در بمئی اقامت اختیار کرد [۹]۔ وی چند سال پیش از ۱۸۵٤ م در بمئی فوت شده بود [۱۰]۔ علاوه برین مثنوی اثری دیگر به نام 'داستانِ گزیدۀ حنین' از وی هم یادگار است [۱۱]۔

آغاز: ـ'به نام خداوند دانای فرد
که از خاك آدمْ پدیدار کرد' [۱۲]

۱ـ اته،اندیا آفیس،ج ۲،ستون ۲۱،ش ۳۰٤۱

۲ـ استوری،ص ٦۷۱

۳ـ اته،اندیا آفیس،ج ۲،ستون ۲۱،ش ۳۰٤۱

٤ـ همان ۵ـ همان

٦ـ اسپرنگر،شاهان اوده،ج ۱،ص ۵٤۰،ش ٤٦۱ ۷ـ استوری،ص ۲۲۱

۸ـ اسپرنگر،شاهان اوده،ج ۱،ص ۵٤۰،ش ٤٦۱ ۹ـ نبی هادی،ص ۵۰۲

۱۰ـ چون اسپرنگر در جلدِ یکمِ فهرست کتابخانۀ شاهان اوده که در ۱۸۵٤ م چاپ شده، نوشته است که وی چند سال پیش در بمئی فوت شده بود۔

۱۱ـ نبی هادی،ص ۵۰۲ ۱۲ـ اسپرنگر،شاهان،اوده،ج ۱،ص ۵٤۰،ش ٤٦۱

نسخه خطی حملهٔ حیدری از ملا بامون راجیؔ در کتاب خانه شاهان اوده به شماره ٤٦١ و بخشی ازین مثنوی در کتاب خانه برلین به شماره ٥٥٨موجود است[١]۔

☆دُرِّ منظوم:

غلام جیلانی رفعت رامپوری [٢] این تاریخ منظوم را در تاریخ فیض الله خان و اولادش نوشته بود [٣]۔ وی میان سرپرستِ خود غلام محمد پسر فیض الله خان و آصف الدوله، یورشِ را با چشم خود ملاحظه کرد و احوال آن جنگ در 'جنگنامه غلام محمد' رقم کرد[٤]۔ غلام جیلانی رفعتؔ در ۱۲۳۵ھ۔ق/۱۸۱۹م فوت شده بود [٥]۔ دیوانِ رفعت ازو هم یادگار است که نسخه خطی آن در کتاب خانه رامپور نگهداری می شود[٦]۔

نسخه خطی دُرِّ منظوم در کتاب خانه آصفیه به شماره ٢٦٨ موجود است[٧]۔ در نسخه خطی کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٩٣٧ که مشتمل بر ٢٠ برگ است، با معرفی بیست و شش کتاب های مختلفهٔ غلام جیلانی رفعتؔ، '**درِ منظوم**' هم ذکر شده است[٨]۔

☆دلگشا نامه/ مختار نامه[٩]:

این مثنوی در موردِ ذکرِ امیر مختار کین خواهِ امام حسینؑ است [١٠]۔ نویسندهٔ این مثنوی مرزا محمد صادق آزادؔ تهرانی است[١١]۔ وی نوشتنِ این مثنوی را در ماهِ صفر۱۱۳۱ھ۔ق آغاز کرد [١٢] و در مدتِ شش سال به تکمیل رساند۔ وی خود درین مثنوی

١۔ استوری،ص٢٢١
٢۔ همان،ص٦٩٧
٣۔ ریو،ج٣،ص١٠٣٥
٤۔ نبی هادی،ص٥١٤
٥۔ استوری،ص٦٩٧
٦۔ مارشال،ص١٥٩
٧۔ استوری،ص٦٩٨
٨۔ ریو،ج٣،ص١٠٣٥
٩۔ استوری،ص٢١٨
١٠۔ ریو،ج٢،ص٧١٩
١١۔ استوری٢١٨
١٢۔ ریو،ج٢،ص٧١٩

می گوید:

’چومن ابتدا کردم این نامه را — به نام خداوند روز جزا
ز هجرت هزار و صد و سی و یك — سنه بود تحقیق بی ریب و شك
به ترتیب این نامۂ دلگشا — کشیدم به شش سال من رنج ها‘ [۱]

مرزا محمد صادق آزادؔ تهرانی در ۱۱۵۹ھ.ق/۱۷۴٦م فوت شد و بعد از اختتام ’دلگشا نامه‘ حسبِ خواهشِ محمد فخر الدین، تتمۂ ’حملۂ حیدری‘ باذلؔ مشهدی هم نگاشته بود[۲]۔

آغاز دیباچه: ’بی حد ستایش و سپاسِ خداوند متعالی، از ادراك حواس منزه از.....“ [۳]

آغاز مثنوی: ’به نام خداوند لیل و نهار
خدای نهان خالق آشکار‘[٤]

نسخه های خطی مختار نامه در کتاب خانۂ موزه بریتانیا، کتاب خانۂ شاهان اوده و کتاب خانۂ بانکیپور نگهداری می شود۔

☆رزمستان[٥]/بزم خیال[٦]:

نویسندۂ این اثر امر سینگ خوشدلؔ در مقدمۂ رزمستان می گوید که وی در غازی پور زاده شده بود اما از چند سال در بنارس زندگی می کند[٧]۔ وی در ’کول‘ بر منصبِ دولتی برگزار شد[٨]۔ این تاریخ منظوم مشتمل بر تاریخ هند به ویژه دورۂ انگلیسیان تا ۱۲۱۰ھ.ق است[٩]۔امر سینگ خوشدلؔ این کار را در ۱۲۱۱ھ.ق به تکمیل رساند و به جوناتن دانکن(Jonathan Duncan)، نمایندہ مقیمِ شرکتِ هندِ شرق در بنارس، معنون کرده

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳،ص ۱۸۳
۲۔ استوری،ص۲۱۸
۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳،ص ۱۸۲
٤۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۳٦٤
٥۔ استوری،ص ٤٨٠
٦۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱۷ ٧۔ استوری،ص٤٧٩
٨۔ بیل،تامس ویلیام،اوینتیل بایوگرافیکل دکشنری،ص۷۰
٩۔ استوری،صص ٤٨٠۔٤٨١

بود[۱]۔

نسخه های خطی این اثر در کتاب خانهٔ موزهٔ بریتانیا و کتاب خانهٔ اندیا آفیس موجود است[۲]۔ در یکی از دو نسخهٔ اندیا آفیس این کار به نام 'شاهنامهٔ هند' نامیده شده است[۳]۔

☆روضة المتقین:

این اثر منظوم در تاریخ انبیای کرام از آدمؑ تا نبی کریم صلی الله علیه وآله وسلم است[٤]۔ نام این اثر در شعرِ زیر قرار چنین ذکر شده است:

۔'بود تحفه ای چون به اهل یقین
شده نام او روضة المتقین'[٥]

نویسندهٔ این اثر باقر خادمؔ شاعر روزگارِ محمد شاه بود[٦]۔ در مقدمه وی می گوید که او اصلاً از ایران است اما به هندوستان آمده و از مردم های این دیار هیچ کمکی نیافت[۷]۔ این اثر در ۱۱٤۹ ه.ق/ ۷-۱۷۳٦م به تکمیل رسیده بود[۸]۔ درین مثنوی نام نویسنده و سال تالیف چنین بیان شده است:

۔'به باقر مسمی، به خادم لقب
شریفی نژاد و نصیری نسب
چو بگذشت ز هجرت شاه دین
ز الف و مایه تسعه و اربعین'[۹]

آغاز:

۱۔ ریو، ج۳، ص۱۰۱۷ ۲۔ استوری، ص٤۸۱
۳۔ مارشال، ص۷۰
٤۔ استوری، ص۱٦۷
٥۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳، ص۲۰۷
٦۔ نبی هادی، ص۱۲۲
۷۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳، ص۲۰۷
۸۔ مارشال، ص۲٥۱
۹۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳، ص۲۰۷

۔'به نام خدا می کنم ابتدا
که تا مقصدم زود گردد روا'[(۱)]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه بانکیپور به شماره ۳۹۲ موجود است و ۱۹۸ برگ دارد۔

☆زیب التواریخ:

این اثر به نظم فارسی از لاله گوکل چند(Lala Gokul Chand) یادگار است که منشی بیگم سامرو بود[(۲)]۔ علاوه بر این هیچ چیزی درباره مؤلف معلوم نیست ۔ بیگم سامرو که نام اصلی وی زیب النسا بود، همسر و زنِ بیوۂ والتر رین هارد(Walter Reinhard)سپه گر آلمانی بود [(۳)]۔ بعد از وفاتِ شوهرش در ۱۷۷۸ م [(٤)]، زیب النسا جاگیردارِ سردانه(Sardhanah) نامزد شده بود و در روزگارِ شاه عالم در تاریخ هندوستان کارهای نمایان سرانجام داد و از شاه عالم لقبِ 'فرزند عزیزه' هم گرفته بود[(٥)]۔ ریو سال مرگ وی ۱۸۲۵ م و استوری ۱۸۳٦م نوشته است۔

در آغاز این کتاب لاله گوکل چند در تعریف بیگم سامرو، کولونل جارج الیگزاندر دایس(Col. George Alexander Dyce) و پسرانش دیود آچرلونی دایس(David Ochterlony Dyce) و جان تامس دایس(John Thomas Dyce) قصاید سروده است [(٦)]۔ پس ازان لاله گوکل چند می گوید که بعد از گم شدنِ تاریخ زیب النسا بیگم که منشی جی سینگ رای در نثر نوشته بود، وی را برای نوشتنِ این تاریخ به نظم فارسی حکم شد[(۷)]۔ این اثر در ۱۲۳۸ ه.ق/ ۱۸۲۲م نوشته شده بود [(۸)]۔ سال تالیف زیب التواریخ درین شعر هم

۱۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۳، ص۲۰۷
۲۔ ریو، ج۲، ص۷۲٤
۳۔ همان
٤۔ استوری، صص ٦۹۱۔٦۹۲
٥۔ ریو، ج۲، ص۷۲٤
٦۔ همان
۷۔ استوری، ص٦۹۲
۸۔ نبی هادی، ص۲۱۰

گفته شده است:

ـ'به سال هجده صد عشرین و اثنان
مرتب شد کتاب از فضل یزدان'[۱]

آغاز: ـ'تعالی الله زهی غفار خالق
که در وصفش دوعالم هست ناطق'[۲]

نسخه خطی زیب التواریخ در کتاب خانهٔ موزه بریتانیا به شماره Add. ۲۵۸۳۰ موجود است و ٦۹ برگ دارد۔ استوری اشتباه کرده است که نسخهٔ لیندیزیانا به شماره ۷۷۹ به نام 'تاریخ بیگم سامرو' شاید همین زیب التواریخ است[۳]۔

☆شاه نامه احمدی:

این اثر از نظام الدین عشرت سیالکوتی قریشی[٤] یادگار است۔ چون احمد شاه درانی از دهلی بازگشت، عشرت وی را بیعت کرده همرایش به کابل رفت[۵]۔ ازانجا وی با مسوداتِ ضروری، برای نوشتنِ تاریخِ منظومِ احمد شاه، به سیالکوت بازگشت[٦]۔ عشرت این اثر را در قالب مثنوی[۷] در مورد زندگانی احمد شاه درانی، از ترقی کردن وی تحت نادر شاه تا شکستِ سردار بلوچ ناصر خان در ۱۱۷۳ ھ.ق، سروده است[۸]۔

آغاز: ـ'به نام شهنشاه معراج بخش
خدیو زتخت افگن تاج بخش'[۹]

نسخه خطی این اثر همراهِ شاهنامهٔ نادری و یکی تتمه در کتاب خانه موزه بریتانیا به

۱ـ ریو،ج۲،ص۷۲٤
۲ـ همان
۳ـ استوری،ص٦۹۱
٤ـ همان،ص۳۹۷
۵ـ ریو،ج۲،ص۷۱۷
٦ـ استوری،ص۳۹۷
۷ـ همان
۸ـ ریو،ج۲،ص۷۱۷ ۹ـ همان

شماره ٢٦٢٨٥ .Add نگهداری می شود۔ این نسخه خطی که مشتمل بر ٤٢١برگ است، از برگ یکم تا ١٢٩ شاهنامه نادری، از ١٣٠ تا٢٨٧ شاهنامه احمدی و از٢٨٨ تاآخر تتمه شاه نامه احمدی دارد(١)۔ این تتمه بر وفاتِ احمد شاه و جلوسِ تیمورشاه اختتام می پذیرد(٢)۔

آغازِ این تتمه چنین است:

۔'الهی کن این نامهٔ دل فروز   ز فضل و کرم ختم در چند روز'(٣)

☆شاه نامه نادری:

این اثر هم از عشرت سیالکوتی یادگار است ومعلوم می شود که عشرت این اثر را پیش از شاهنامه احمدی نگاشته بود۔ سال تالیف این اثر ١١٦٢ھ.ق ازین شعر به دست می آید:

۔چو بلبل ز تاریخ او دم مزن
اگر چشم داری به بین باغ من (٤)

این مثنوی دارندهٔ احوال حمله نادر شاه به هندوستان و احوال مفصل جنگ های بعدی تا وفات وی است(٥)۔

آغاز: ۔'به نام شهنشاه اقلیم بخش   ستاننده تاج و دیهیم بخش
گشاینده مشکلات شهان   پناهِ سرِ سرکشانِ جهان'(٦)

نسخه خطی شاهنامه نادری در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ٢٦٢٨٥ .Add از برگ یکم تا ١٢٩موجود است ۔ در پاکستان هم نسخه خطی شاه نامه نادری در پشتو اکادمی پیشاور به شماره٧٧ موجود است و ٣٠٧ صفحه دارد(٧)۔

١۔ ریو،ج٢،ص٧١٧
٢۔ استوری،ص٣٩٧
٣۔ ریو،ج٢،ص٧١٧
٤۔ همان
٥۔ استوری،ص٣٢٨
٦۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج١٠،ص١٨٠
٧۔ همان

☆**شاهنامه هند:**

راجه اپورو کشن دیو(Apurv Kishen Dev) [1] یا راجه اپورواکرشنا متخلص به کنوّر پسر راجه راج کرشنا در ۱۸۱۵م زاده شده بود[2]- وی شاهنامهٔ هند را در شعر فارسی با توضیح در نثر انگلیسی در ۱۸٤۸م به چاپ رسانده بود[3]- این اثر دارندهٔ تاریخ فاتحین هند از آغاز تا زمان خود مؤلف است[4]- فقط دو باب ازین اثر (تا زمان ظهیرالدین بابر)در ۱۸٤۸م در کلکته و در ۱۸۹۹م در لاهور به چاپ رسیده بود[5]-

دیوان وی در کتاب خانهٔ شاهانِ اوده به شماره ۳۳٤ نگهداری می شود[6]- استوری به حواله کتابِ لوك نات غوس(Loke Nath Ghose) به نام 'تاریخ جدید رییسان هند'(The Modern History of Indian Chiefs etc.)سال مرگ وی ۱۸٦۷م نوشته است[7]-

☆**شرفنامه محمد شاه:**

این اثر به قالب مثنوی در تاریخ محمد شاه تا سالِ پنجمِ تخت نشینی وی است- نویسندهٔ این مثنوی میر محمد رضا ذوالفقر از ساداتِ سفیدون (قصبه ای در سرهند) بود[8]- وی در سرکردگیِ شرف الدوله ارادت مند خان، خلاف راجه اجیت سینگ استان دار اجمیر که در سال پنجم جلوس محمد شاه(۱۱۳۵ه.ق/۱۷۲۳م) بغاوت کرد، در جنگ شرکت هم کرده بود[9]- آنوقت که میر محمد رضا این مثنوی را نگاشته، وی منصب پانصدی داشته بود[10]-

ریو محتویات این مثنوی چنین بیان نموده است؛ مؤلف در آغاز چند نکات بیان

۱- اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص٤۷٤
۲- استوری،ص٥۲٤
۳- ایدوردز،موزه بریتانیا چاپی،ص۱۲۹ ٤- همان
٥- استوری،ص٥۲٤
٦- اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص٤۷٤
۷- استوری،ص٥۲٤
۸- ریو،ج۳،ص۱۰۰۲
۹- استوری،صص٦۰۸-٦۰۹ ۱۰- ریو،ج۳،ص۱۰۰۲

نموده است و پس ازان نسب نامۀ محمد شاه، زایش وی، تاریخ دورۀ معظم شاه، نامۀ جهاندار شاه به فرخ سیر، جوابِ فرخ سیر به جهاندار شاه، مرگِ جهاندار شاه، تاجگزاری و دورۀ فرخ سیر، برگشتگی روزگار ، تخت نشینی محمد شاه، رستگاری وی از قید، جنگ با قطب الملك، جشنِ نوروز و دربارِ محمد شاه، آمدِ نظام الملك و بازگشتن وی به دکن، وقایع اجمیر و مهمِ شرف الدوله و فرارِ اجیت سینگ در سالِ پنجمِ جلوس و چندی از احوال مؤلف بیان شده است[1]۔

آغاز: ۔'جهان آفرینا خدایی تراست
ز آغاز و انجام شاهی تراست' [2]

نسخه خطی شرفنامۀ محمد شاه در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۰۰۳ نگهداری می شود و ۱۲۷ برگ دارد۔ نسخه از چکیدۀ این کتاب در همین کتاب خانه به شماره Or. ۲۰۵۹ از برگ ۱۵٦ تا ۱٦۰، ۱٦۸، ۱٦۹ نگهداری می شود[3]۔

☆**عبرت ارباب بصر:**

سالِ تالیف این کتاب از نامِ این **۱۱۷۰ھ**.ق به دست می آید[4]۔ این کتاب دارندۀ تاریخ بنگال از عزلِ علا الدوله سرفراز خان در ۱۱۵۱ھ.ق تا مرگِ سراج الدوله در ۱۱۷۰ھ.ق/۱۷۵۷م است[5]۔ اما استوری می گوید که ۱۱۵۱ھ.ق/۱۷۳۹م سالِ تاجگزاری سرفراز خان است و سالِ مرگِ وی ۱۱۵۳ھ.ق/۱۷٤۰م است[6]۔ جالب است که از هر جمله این کتاب تاریخِ ۱۱۷۰ھ.ق به دست می آید[7]۔ الیوت در جلدِ هشتمِ کتابِ خود، تحتِ مفتاح التواریخ، 'عبرتِ ارباب بصر' را ذکر نموده است که کتابی در موردِ تاریخ

۱۔ ریو، ج۳، صص۱۰۰۲۔۱۰۰۳
۲۔ همان، ص۱۰۰۲
۳۔ همان، ص۱۰۵٤
٤۔ استوری، ص۷۱۵
۵۔ ریو، ج۳، ص۹٦۵
٦۔ استوری، ص۷۱۵
۷۔ ریو، ج۳، ص۹٦۵

بنگال این طوری هم است که از هر جملۀ آن ۱۱۷۰ه.ق به دست می آید، اما نام این کتاب نداده است[۱]۔

این کتاب از مقدمه آغاز شده است۔ بعد ازان مؤلف مرگِ علاالدوله سرفراز خان و جلوس مهابت جنگ بر مسند بنگال، احوالِ حکومتِ مهابت جنگ به ویژه جنگ های وی با مرهته ها و مرگِ وی در ۱۱۶۹ه.ق، استان داریِ منصور الممالك سراج الدوله ، گرفتنِ کلکته و پورنیه و مرگِ وی به دستِ میرمحمد جعفر خان بیان نموده است[۲]۔

آغاز: '**ای فریفته افسون کوکبه اقبال۱۱۷۰** و ای شیفته آب و رنگ جاه و جلال......'[۳]

نسخه های خطی عبرت ارباب بصر در کتاب خانه موزه بریتانیا، اندیا آفیس، دانشگاه کامبریج وکتاب خانۀ جان ریلیند مانچستر موجود است۔ نسخه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۰٤۰ نگهداری می شود و۳۸ برگ دارد۔برای تفصیل دیگر نسخه ها مراجعه شود به استوری، ص۷۱۵۔ این اثر در ۱۸۲٤م در بنارس به چاپ رسیده است [٤]۔ ای. جی براوون در فهرستِ دستی کتابخانه های دانشگاه کامبریج اشتباه کرده است که مؤلف این کتاب 'بالك مند' است[۵]۔

☆**فتح نامه:**

این اثر به صورت مثنوی در ذکرِ جنگ های انگلیسیان در بنگال از سالِ یکمِ تخت نشینی عالمگیر دوم (۱۷۵٤م) تا به حالی امن و تفویضِ دارای بنگال از شاه عالم به شرکت هند شرق در ۱۷٦۵م بیان شده است [٦]۔ دربارۀ نویسندۀ این کتاب اطلاعی زیاد در دست نیست حتی نام وی هم معلوم نشده است۔ البته وی 'مسافر' تخلص می کرد[۷] و در ارتش

۱۔ الیوت،ج۸،ص٤٤۳

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٦۵

۳۔ همان

٤۔ استوری،ص۷۱۵/ ریو،ج۳،ص۹٦۵

۵۔ براوون،ای.جی،فهرست دستی دانشگاه کامبریج ،ص۱٤۰

٦۔ استوری،صص۷۱۷_۷۱۸

۷۔ ریو،ج۲،ص۷۱۷

مرهته ها در بنارس کار می کرد و ازانجا به اله آباد رفته بود [1]۔ این اثر در ۱۱۸۰ه.ق نگاشته شده بود و از واژۀ 'ظفر' سال تالیف این به دست می آید[2]۔ مؤلف گفته است که پیش ازین مثنوی وی همین احوال به زبان هندی هم نگاشته بود[3]۔

آغاز:

۔'خداوندا تو فتاح جهانی
فتح بر جمله اعدا می دهانی'[4]

نسخه خطی این مثنوی که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۵٦۰۸ نگهداری می شود و ۳۹ برگ دارد۔

☆فتح نامه:

این اثر به صورت مثنوی در تاریخ سرداران بلوچی یا امیران عباسیِ حیدرآباد سند است که 'تالپوران' نیز خوانده می شوند[5]۔ نگارندۀ این مثنوی معز الدوله معین الملك فیروز جنگ میر صوبه دار خان بود[6]۔ وی این مثنوی را در تاریخ تالپوران به ویژه میر فتح علی خان سروده است[7]۔ مولوی عبدالمقتدر در فهرست کتاب خانه بانکیپور بسیار شعر ها ازین مثنوی نقل کرده است که ازان معلوم می شود که میر صوبه دار خان پسرِ میر فتح علی خان بود۔ به طور مثال:

۔ز شمشیر میر و ز اشعار من — بود جاودان در جهان این سخن
نه چون او پدر، رزم جو آمده — نه چون من پسر مدح گو آمده
کرا در جهان هم چنان شد پدر — کرا یادگار است چون من پسر

۱۔ استوری،ص۷۱۷
۲۔ ریو،ج۲،ص۷۱۷
۳۔ همان
٤۔ همان
۵۔ مارشال،ص٤۵۳
٦۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱۸۸
۷۔ استوری،ص٦۵۸

پدر آنچنان و پسر هم چنین   محال است کاید به روی زمین [۱]

همچنین می گوید:

پدر میر فتح علی خان من   کزو هست این تازه بستان من
گلستان من تازه باشد ازو   گلم را به رخ غازه باشد ازو [۲]

در آخر نسخه خطی، تاریخ نگارشِ این اثر ۱۲۵٤ﻫ.ق/۱۸۳۸م داده شده است[۳]۔

آغاز: ۔'به نام خداوند فتح و ظفر
فزاینده بخت است و فضل و هنر'[٤]

واحد نسخهٔ خطی معلومِ فتح نامه از میر صوبه دار خان در کتاب خانه بانکیپور نگهداری می شود۔ این نسخه خطی مشتمل بر ۳۸۸ برگ است۔

☆فتح نامهٔ صفدری:

نویسندهٔ این اثر یکی مردِ ایرانی بود که در هندوستان آمده به ملازمتِ صفدر جنگ پیوست [٥]۔ فتح نامه صفدری در ۱۱۵۵ﻫ.ق/۱۷٤۲م نگاشته شده بود [٦]۔ این مثنوی در موردِ مهماتِ سعادت علی خان و صفدر جنگ خلافِ مرهته ها است [۷]۔ علاوه بر فتح نامهٔ صفدری وی سه نظم دیگر هم نگاشته بود که دستنویسِ آن در کتاب خانهٔ پاریس به شماره ۱۹۳۱ موجود است[۸]۔

☆فتوحات عالمگیری:

این اثر از شیخ رأفت درتاریخ منظوم فتوحات اورنگزیب عالمگیر است۔ شیخ رأفت

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،صص۱۸۸۔۱۸۹
۲۔ همان،ص۱۸۹
۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۳۱،ص۱۹۰
٤۔ همان،ص۱۸۸،ش۱۹۳۱
۵۔ استوری،ص٦۱۵
٦۔ همان
۷۔ همان
۸۔ همان،صص٦۱۵۔٦۱٦

خـواهـرزادۀ مـحـمـد ثنای متخلص به وحشتؔ کشمیری بود[۱]۔ وی این اثر را بعد از وفات عـالمگیر نگاشته بود[۲]۔ چـون دریـن مـثـنـوی وی کتابی دیگرِ خود به نام'آیینه جهان نما'را ذکـر نـمـوده اسـت کـه در مـوردِ جـنـگِ تخت نشینی میان فرزندان اورنگزیب است[۳] ازین معلوم می شود که وی این مثنوی را بعد از تخت نشینی بهادر شاه یکم نگاشته باشد۔

آغاز: **'ایزد که فتوحات جهان راست قدیر...'**[٤]

نسـخـه خـطـی ایـن اثـر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹٤۰ از برگ ۲ تا ۹ نگهداری می شود۔

☆فرح نامۀ فاطمی:

مثنوی 'حملۀ حیدری' که باذلؔ مشهدی ناتمام گذاشته، محب علی خان حکمتؔ در ۱۱٤۳ھ.ق/۱۷۳۰م به نامِ 'صـولـتِ صـفـدری' به اتمام رساند اما خود نتوانست که مثنوی دیـگـرِ خـودش در بیـانِ زنـدگـانـی حضرت فاطمۀ به تکمیل رسانده باشد[٥]۔ مـحمد کاظم حـاذق، بـعـد از محب علی حکمتؔ، این مثنوی را سپری کرد و در مقدمۀ خود می گوید که پیشتر از نـگـاشتنِ این مثنوی وی کتابی 'احسن السیر' در بیان زندگانی نبی کریم صلی الله عـلیـه و آلـه وسـلـم و امامین علیهم السلام نگاشته بود[٦]۔ حـاذق مـزید گوید که وی بیشتر از هـفـتـاد سـاله بود چون این مثنوی را در هنگامِ یك سفر پر زحمت و خطرناك در چهار ماه به انـجام رساند[۷]۔ مـحـمـد کاظم حاذق این مثنوی را در ۱۱٥۰ھ.ق مکمل کرد و این تاریخِ تکمیل از آخرین بیتِ این مثنوی عیان است که زیر قرار است:

'هزار و صد و باز پنجاه بود　　　ز هجرت که این دولتم رخ نمود'[۸]

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳٦

۲۔ استوری،ص٥۸۸

۳۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳٦

٤۔ همان

٥۔ استوری،ص۲۱۸

٦۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص٤٥۹

۷۔ ریو،ج۲،ص۷۰۸

۸۔ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص٤٥۹

آغاز مقدمه: 'زیبا ترین حدیث که بلبل ناطقه بیان در گلستان...'[۱]

آغاز مثنوی: 'به نام خداوند عرش عظیم
نگارندۀ لوح امید و بیم' [۲]

نسخه های خطی فرح نامۀ فاطمی این اثر در کتاب خانۀ شاهان اوده و موزه بریتانیا موجود است[۳]۔

نتیجه گیری باب چهارم:

مثنوی سرایی در نظم فارسی خیلی معروف است و مثنوی رزمیه به ویژه خیلی پسندیده است۔ بعد از شاهنامه فردوسی بسیار کسان در شبه قاره هند در تتبع آن مثنوی رزمیه نوشتند۔ در دورۀ تیموریانِ متاخر هم بسیار کسان در پیروی شاهنامه شعر سرودند۔ این مثنویات زیاد در بحرِ متقارب نوشته شده بود۔ درین عهد بعضی شاعران این مثنویات در موردِ اکابر اسلام و بعضی در ذکرِ حکمران های محلی پرداختند۔ چون نادر شاه افشار و احمد شاه ابدالی از ایران به هند آمدند، بعضی شاعران وقایع جنگی ایشان را هم به قالبِ شعر در رشتۀ تحریر آوردند۔ افزون بران بعضی شاعران در حقِ جنگ های انگلیسیان هم مثنوی نگاشتند۔

جالب است که این چنین مثنویاتِ رزمیه در موردِ تیموریان متاخر خیلی کم دیده می شود۔ شاید علتش آن بود که تیموریانِ متاخر هیچ کارنامۀ جنگی انجام ندادند که شاعرانِ آنزمان در موردِ آن رزم ها این چنین مثنوی به رشتۀ تحریر می آوردند۔

۱۔ اسپرنگر، شاهان اوده، ج۱، ص۴٦٠

۲۔ ریو، ج۲، ص۷۰۸

۳۔ استوری، ص۲۱۸

باب پنجم

بی نامِ کتاب یا نویسنده وغیره

(از ۱۱۱۹تا۱۲۷۴ه.ق/۱۷۰۷تا۱۸۵۷م)

تاریخ های بی نامِ نویسنده

☆احوال برهان الملك[١]:

یکی دوستِ برهان الملك سعادت خان ناظم اوده [٢] این کتاب را در بیانِ پیش قدمیِ برهان الملك خلافِ نادر شاه نگاشته بود [٣]۔ استوری هیچ نسخه خطی این کتاب را ذکر نکرده است اما یکی ترجمه انگلیسی را نشان داده است که از نسخه خطی این کتاب ترجمه شده بود[٤]۔

☆احوالِ بهاو مرهته[٥]:

محتویاتِ کتاب از نام کامل این کتاب عیان می شود که اته و استوری نقل کرده اند:'**احوال بهاو مرهته و سببِ آمدن او به هندوستان و کشته شدنِ او با تمام همراهیان در محاربه احمد شاه ابدالی به حدود پانی پت**' [٦] ۔ این تاریخ یك گونه رساله ای در بیانِ احوالِ بهاو مرهته است۔ مراد از بهاو در اصل سدا شیو راو بهاو است و این جنگ پانی پت در ١١٧٤هـ.ق/ ١٧٦١م برپا شده بود[٧]۔

فقط دو نسخه خطی ازین تاریخ در کتاب خانه اندیا آفیس به شمارۀ فهرست ٥٢٧ موجود است۔ این دستنویس در یك مجلد دارندۀ هیجده[٨] رسالۀ تاریخی، مشتمل بر ١٨٤ برگ است۔ درین جلد دو نسخه خطی این تاریخ به شماره **١٢** از برگ ٩٥ب تا ١٠٩ب و به

١۔ (استوری،ص٧٠٣نام این اثر 'احوالِ سهمِ کارهای ارتشیِ برهان الملك خلافِ نادر شاه' نوشته است)

٢۔ استوری،ص٧٠٣

٣۔ همان

٤۔ همان،صص٧٠٣۔٧٠٤

٥۔ (نامِ کتاب حتمی نیست، بلکه خلاصه کتاب است که استوری و اته نقل کرده اند)

٦۔ استوری،٧٦٤ / اته،اندیا آفیس،ج١،ستون ٢١٠،ش٥٢٧

٧۔ اته،اندیا آفیس،ج١،ستون ٢١٠،ش٥٢٧

٨۔ (اصلاً هفده رساله چون اثر مورد نظر دو بار به شماره ١٢ و ١٣ رقم شده است)

شماره ۱۳ از ۱۰اب تا ۱۲۳ الف موجود است۔این نسخۂ خطی خیلی جالب است و علاوه بر احوال بهاومرهته، شانزده رساله های دیگرِ تاریخی به ویژه سلاطین حیدرآباد، بیجاپور، میسور و یورش های مرهته و افاغنه هم دارد [۱]۔ این نسخه خطی مالِ ریچارد جانسن(Richard Johnson) بود[۲]۔

☆احوال پیشوایان مرهته:

این کتاب شاید در ۱۷۷٦م نوشته شده بود [۳] و دارندۂ احوال از مقرر شدنِ باجی راو از سوی راجه ساهو تا گفتگوی رگونات(Raghu Nath) با کولونل آپتون(Col.Upton) در پوراندهر (Porandhar) است [٤]۔ این کتاب از **'مادهوراو پسر نارائن راوولد بالا راو'** آغاز می شود[۵]۔ نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٦٦٠١ از برگ ٤٣ تا ٦٢ نگهداری می شود[٦]۔

☆احوال جلوس فرخ سیر:

مؤلف این کتاب که نامِ اومعلوم نیست در نیابتِ عارف بیگ خان ناظم لاهور کار می کرد[۷]۔ این کتاب از احوال جلوس فرخ سیر در دهلی آغاز شده به جنگِ استان دار لاهور عبدالصمد خان خلاف سیك ها وگرفتاری و کشته شدنِ سردارِ آنها در ۱۱۲٦ه.ق اختتام می پذیرد[۸]۔

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٢٦٢٧٣ از برگ ۱۳۷ تا

۱۔ اته، اندیا آفیس، ستون ۲۰۹، ش ۵۲۷
۲۔ همان، ستون ۲۱۰، ش ۵۲۷
۳۔ استوری، ص ۷٦۰
٤۔ ریو، ج ۲، ص ۸۰۱
۵۔ همان
٦۔ همان
۷۔ استوری، ص ٦۰۵
۸۔ ریو، ج ۲، ص ۸٦۰

۱٤۳ موجود است[۱]۔ درین نسخه بر برگ ۱٤۱ب مؤلف در موردِ خود نشان داده است که دران زمان او در نیابت عارف بیگ خان خدمت می کرد[۲]۔

آغاز این کتاب چنین است: **'جلوس میمنت مانوس محمد فرخ سیرپادشاه غازی بر تختِ فرمانروای در شاه جهان آباد و کشتنِ محمد معز الدین و ذوالفقار خان......'**[۳]

☆احوال حسب و نسب جنوبیان:

نامِ دیگر این کتاب **'احوال آمدن مرهته ها در هندوستان'** است[٤]۔ این تاریخ مختصر در موردِ خانوادۂ بونسله، از روزگارِ محمد شاه تا اختتام دوره شاه عالم، است۔ این کتاب از احوال ساهو بونسله دوم آغاز گردیده است که در ۱۱۲۰هـ.ق/مارس۱۷۰۸م در قلعه ستاره، سردارِ مرهته شده بود[٥]۔

نسخه خطی این تاریخ در کتابخانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٤۸۸ و ۳۹٥۹نگهداری می شود[٦]۔ آغاز این نسخه چنین است: **'احوال حسب و نسب جنوبیان و کیفیت اوج و حشمت آنها آنچه عند التحقیق دریافت شد، نوشته می شود که راجه کده ستاره...'**[۷]

☆احوال حیدر علی خان:

یکی نویسنده نامعلوم حسب خواهش ریچارد جانسن(Richard Johnson)این کتاب را تالیف کرد[۸]۔

۱۔ ریو،ج۲،ص۸٦۰

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ استوری،ص۷٦٤

٥۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۹۰،ش٤۸۸

٦۔ استوری،ص۷٦٤

۷۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۹۰،ش٤۸۸

۸۔ استوری۷٦۷

این اثر مشتمل بر زندگی نامه حیدر علی خان از ولادت تا وفاتِ او در ۱۱۹۷ھ.ق است[۱]۔ مولف این کتاب را در نُه باب نگاشته است[۲]۔ اته در فهرست کتاب خانه اندیا آفیس، تفصیل این باب ها چنین داده است؛ ۱۔در حسب و نسب او،۲۔در چگونگی روزگار او، ۳۔در ترقی دولت او و متصرف گشتن در اکثر امکنه، ٤۔در سلوك او با رفقای خود در بزم و رزم دایم الاوقات، ٥۔در جمع کردن او زن های بسیار و سلوكِ او با ازواجِ خود، ٦۔در رویّه او با تعلقه داران و سوداگران، ۷۔در اوقاتِ خسّت و سخاوت و قوت حافظه او، ۸۔در تقیّد و احتیاطِ او در ملك خود از مردم و طریقه ظلم او، ۹۔در گذشتنِ او به دنیا[۳]۔

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٥۱۷ موجود است۔ این نسخه که شصت برگ دارد، نوشتۀ خود مولف است و او این کتاب را بر ٥رجب ۱۱۹۹ھ.ق/١٤میی ۱۷۸٥م به پایه تکمیل رساند[٤]۔ آغازِ این نسخه خطی چنین است؛ **'بر صور نویسان معانی دقایق و معنی شناسان صور حقایق روشن و بر کاشفان امور غامضه ماضی وحال...'**[٥]

☆احوال راجه رام دیال:

شگفتنی است که احوالِ راجه رام دیال در اصل کتاب نیست بلکه مشتمل بر فقط دو ورق است که در نسخه خطیِ موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۳۳ بر برگ ٥۱و٥۲ موجود است۔این تاریخ مختصری در موردِ شرحِ احوالِ راجه رام دیال لندوره(Landhoora) از شهرستانِ سهارن پور است[٦]۔

۱۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۲۰٦،ش٥۱۷
۲۔ استوری،٧٦٧
۳۔ اته،اندیا آفیس،ج۱، ستون۲۰٦،ش٥۱۷
٤۔ همان
٥۔ همان
٦۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱۲

☆احوال راجه های الور[1]:

این کتاب از نویسندۀ نامعلوم در بیان احوال راجه های الور (Alwar) از آغازِ آنان تا راجـه بینی سینگ است [2]۔ بینـی سینـگ آن وقـت حـکمـرانِ الور بود و در ۱۸۵۷م در گذشت[3]۔ نسخـه خـطیِ این کتاب در موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۳۳ از برگ۱۲۹ تا ۱۳۷ موجود است۔

☆احوال راجۀ شولا پور و راجۀ سریرنگ پتن:

این کتاب از نویسنده نامعلوم در موردِ راجـه هـای شـولا پور و راجه های سرنگا پتن نگـاشتـه شـده بـود۔ شـولاپـور در استـان بیـجاپور و سرنگاپتن در استانِ میسور قرار دارد [4]۔ نسـخـه خـطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۲۷ از برگ ۱۷۳ تا ۱۸٤ موجود است۔

☆احوال رگونات راو:

این اثر در کتـاب خـانـه انـدیـا آفیس به شماره فهرست ۵۲۷ از برگ ۳۹ (الف) تا ٤۳ مـوجود است ۔ بر برگ ۳۹ الف و ٤۱ ب شرحِ احوالِ بعد از قتلِ نراین راو به دستِ رگو نات راو(Raghunath Rao) در ۱۱۸۷ ه.ق بیـان شـده است و بر برگِ ٤۲ و ٤۳ 'کیـفیـت راگو این است کـه بـعـد مـردن بـالاجی راو پسر آن کـه مادو راو(Madhoo Rao) باشـد بـه جای پدر نشست..'مندرج است[5]۔ این کتاب مشتمل بر چند صفحه درذکرِ سال ۱۱۸۷ ه.ق است[6]۔

اگرچه استوری این کتاب را فقط از برگ ۳۹الف تا ٤۱ب بیان نموده است، ولی این

۱۔ استوری،ص ٦۹۱

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱۲

۳۔ همان

٤۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۲۱۰،ش۵۲۷

۵۔ همان،ستون۲۰۹و۲۱۰

٦۔ استوری٧٦٤

کتاب از برگِ ۳۹ الف تا ٤۳ ادامه دارد[١]۔

☆احوال سلطنت مرهته:

این کتاب در ۱۱۹۷ھ.ق/۱۷۸۳م تالیف شده بود [٢]۔ این اثر در موزه بریتانیا به شماره Add. ٦٦٠۳ از برگ یکم تا ۲۷ نگهداری می شود۔ این کتاب بدون مقدمه و نامِ نویسنده است[٣]۔

آغاز: **'مهاراجه راجه ساهو بهونسله در ستاره سکونت داشت...'**[٤]

ریو در فهرست موزه بریتانیا، ج۲، ص۸۰۲ محتویاتِ این کتاب چنین بیان نموده است؛ معرفی دفترهای دربار، احوال قصبه ها، قلعه ها و پرگنه های استانِ پونه و ستاره؛ احوال مختصر مرهته ها از آغازِ آنان تا ۱۱۹۷ھ.ق با احوالِ پراگندۂ خانواده های امیران یعنی بونسله ها، راجه های ستاره، رانو جی سیندیه، مهاداجی هولکر، دامان جی گایك وار، گوبند راو بندیله، راگو جی بونسله، جادو وغیره[٥]۔ اصلاً این کتاب دارندۂ احوال وزرات های مختلفه و امیران است که از روزگارِ سیواجی تا تالیفِ این کتاب بران مامور شده بودند[٦]۔

☆احوال عهد محمد شاه:

این تاریخ از نویسنده نامعلوم در ۱۱۵۳ھ.ق/۱-۱۷٤۰م نوشته شده بود [٧]۔ این اثر به ویژۂ یورشِ نادر شاه در هندوستان و کارهای نظام الملك آصف جاه، نوشته شده

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج۱، ستون۲۰۹و۲۱۰، ش۵۲۷

۲۔ استوری، ص۷٦۱

۳۔ ریو، ج۲، ص۸۰۱

٤۔ همان

۵۔ همان، ص۸۰۲

٦۔ همان

۷۔ استوری، ص۳۲۸

است[۱]۔ این اثر دارنده احوال بیست و دو سال نخستِ جلوس محمد شاه است[۲]۔ استوری این کتاب را دو بار بر صفحه ۳۲۸ و ٦١٤ ذکر نموده است۔

آغاز: **'در بیان طلب نظام الملك..... چون در مهمات سلطنت خدیو قدر قدرت.......'[۳]**

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه پاریس موجود است[٤]۔

☆احوال قلعه گوالیار:

این تاریخ مختصرِ قلعه گوالیار، از بنای این قلعه تحتِ راجه های قدیم، تا ۲۲ سال تخت نشینی شاه عالم در۱۱۹٤ھ.ق/ ۱۷۸۰م ادامه دارد[٥]۔ از آغازِ این کتاب معلوم می شود که این اثر به دستورِ کاپتان ویلیام بروس(Capt. William Bruce)، بر اساسِ گفتهٔ موتی رام و خوشحال، دو ساکنِ گوالیار، نگاشته شده بود[٦]۔

ریو محتویاتِ این کتاب چنین بیان نموده است؛ بنای قلعه گوالیار از راجه سون پال و جانشینانش، گرفتنِ سلطان شمس الدین غوری قلعه گوالیار را از راجه سارنگ دیو، مان سینگ پسر کلیان سینگ و عُزلِ پسرش بکرما جیت به دستِ بابر، گرفتنِ گوالیار رانا بیم سین (Rana Bhim Sen) به کملکِ کماندارِ قلعه کشور علی خان در سال دوم تاجگزاری احمد شاه، اما زود پاتیل راو(Patel Rao) سیندیه ازو این قلعه را گرفت، گرفتنِ این قلعه میجر پوفام(Major Popham) را در ۲ شعبان ۱۱۹٤ھ.ق/ ٤ آگوست ۱۸۷۰م[۷]۔

آغاز: **'احوال ابتدای بنای قلعه گوالیار لغایتِ شانزدهم ماه شعبان سنه ۲۲ جلوس والا شاه عالم پادشاه غازی مطابق سنه ۱۱۹٤ هجری...'[۸]**

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا و کتاب خانه اندیا آفیس موجود

۱۔ استوری،ص۳۲۸
۲۔ همان،ص٦١٤
۳۔ استوری،ص٦١٤
٤۔ همان،صص٦١٤و۳۲۸
٥۔ اته،اندیا آفیس،ستون۱۹٥،ش٤۹۹
٦۔ استوری،ص۷۳٦
۷۔ ریو،ج۱،ص۳۰٤
۸۔ اته،اندیا آفیس،ستون۱۹٥،ش٤۹۹

است۔ هر دو نسخه موزه بریتانیا به شماره ٦٩٩ Egerton و نسخه اندیا آفیس به شماره فهرست٤٩٩ دارندۂ ٢١ برگ است۔

☆احوال گرفتن اتاوه:

این کتاب دارندۂ احوالِ گرفتنِ قلعۂ اتاوه به دستِ سردارِ روهیله شرف الدوله ضابطه خان در ٢٩ رمضان ١١٨٧ ه.ق است[١]۔ این اثر در سبکِ مصنوع نگاشته شده است[٢]۔ نویسنده این کتاب یکی پروردۂ ضابطه خان بوده که نامِ او در متنِ نسخه خطی نیامده است[٣]۔

آغاز:

'ای خوشا دلچسپ مضمونی که از تسوید آن.....'[٤]

نسخه خطی این کتاب مذکور در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٨٥٥ نگهداری می شود و ١٨ برگ دارد۔

☆احوال مختصر سرداران روهیله های رامپور:

این کتاب از نویسنده نامعلوم در موردِ سرداران روهیله های رام پور، از آغاز ایشان تا مرگِ احمد علی خان در ١٨٣٩م، نوشته شده بود[٥]۔ نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٧٣٣ از برگ ٨٥ تا ٩٣ نگهداری می شود۔ این اثر سه سال بعد از وفاتِ احمد علی خان در ١٨٤٢م/١٢٥٨ه.ق نوشته شده بود[٦]۔

١۔ استوری،ص٦٩٥

٢۔ ریو،ج٣،ص٩٦٠

٣۔ همان

٤۔ همان

٥۔ همان،ص١٠١٢

٦۔ استوری٦٩٨

☆احوال مختصر دوندیا واگ(Dhundia Wagh)[1]:

این کتاب در موردِ دوندوجی واگ (Dhunduji Wagh) است که به دستِ انگلیسی ها در ۱۸۰۰م کشته شده بود[2]۔ نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست۸۵۹ بر برگِ ۷۸ الف و ۷۹ الف نگهداری می شود۔ این کتاب در ذکرِ دوندو جی واگ است که قزاقِ معروفِ میسور بود[3]۔

☆احوالِ مختصرِ سرنگا پتن:

این کتاب در بیان احوال مختصر سرنگا پتن و راجه های آنجا و جنگ های ایشان با حیدر علی و تیپو سلطان تا الحاقِ میسور به شرکتِ هندِ شرق بیان شده است[4]۔ این طور این کتاب شرحِ احوال از ۱۱٤٤ه.ق/۲-۱۷۳۱م تا۱۲۱٤ه.ق/۱۸۰۰-۱۷۹۹م در بر دارد[5]۔

آغاز: **'کیفیت راجۀ سری رنگ پتهن و خانمان و لوایان راجۀ مذکور و تاراجئ ریاست آنها به ممر دغای حیدر علی خان بهادر وغیره....'[6]**

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست۵۲۹ موجود است و ١٦ برگِ سیزده سطری دارد۔

☆احوال مرگ نواب مظفر جنگ:

این تاریخ در بارۀ احوال مرگِ نواب محمد رضا خان مظفر جنگ و وقایع که بعد ازمرگِ او پیش آمد، بیان شده است[7]۔نسخه خطی این کتاب در برلین موجود است[8]۔

۱۔ استوری،ص٧٧٦
۲۔ همان،صص٧٧٦-٧٧٧
۳۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ٥٤٥،ش۸٥۹
٤۔ همان،ستون۲۱۱،ش٥٢٩
٥۔ استوری٧٧٧
٦۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۲۱۱،ش٥٢٩
٧۔ استوری،ص٧١٩
٨۔ همان

☆احوال ملك كرگ:

این کتاب در بیانِ یورشِ کُرگ است که در ۱۱۸۷ ه.ق/ ٤ـ۱۷۷۳م در زمانِ حیدر علی وقوع پذیر شده بود[۱]ـ کُرگ جای نُه منزل از سرنگاپتم بود[۲]ـ

آغاز: **'قلم رقم سنج اخبار فتوحات ابواب اظهار حقایق ملك كرگ.....'**[۳]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۳۲ موجود است. درین نسخه خطی بر برگِ ٦۲(الف) سالِ تالیف این کتاب درین راهِ جالب نگاشته شده است: **'از قصاید اثنا عشریۀ هجرت در قصیدۀ دوازدهم، بیت هشتاد و هفتم'**[٤]

☆احوال مهاراجه سوای رانا چتر سینگ:

این اثر که دارندۀ ٤٤ برگ است در کتاب خانه برلین به شماره ۵۱۹ نگهداری می شود[۵]ـ درین تاریخچه وقایع سالِ ۱۷۷۷م تا ۱۷۷۸م مندرج است که زیادی در موردِ قلعه گوهار(Gohad) در ریاستِ گوالیار است[٦]ـ

☆احوال نامه حیدر نایك:

احوال نامه حیدر نایك، زندگی نامۀ مختصرِ حیدر علی است [۷]ـ این تاریخِ مختصر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۲۷ از برگ یکم الف تا ۸(ب) نگهداری می شود.

۱ـ استوری،ص ۷۷۷
۲ـ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۱۲،ش ۵۳۲
۳ـ همان
٤ـ همان
۵ـ استوری،ص ۷۳۷
٦ـ همان
۷ـ همان،ص ۷۷٦

☆احوال نامۂ کرنول:

احوال نامۂ کرنول کتابی در ذکرِ تسخیرِ قلعه کرنول است۔ نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست٥٢٧ از برگ٢٣(الف) تا ٣٨(الف) نگهداری می شود[١]۔

☆احوال نواب برهان الملك وغیره[٢]:

برهان الملك سعادت علی خان میر محمد امین بنیان گزارِ سلطنت اوده بود[٣]۔

برهان الملك در جنگِ کرنال در ١١٥١ھ۔ق اسیر شده و چندی بعد تابِ زخم های نبرده، فوت شده بود[٤]۔ این کتاب چون از نامِ این عیان است، در موردِ سعادت خان و جانشینانش یا امرای وی باشد۔

نسخه خطی این کتاب در همان کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست٥٢٧ از برگ ١٢٤ب تا١٣٥(الف) نگهداری می شود۔

☆احوالِ نواب حیدر علی خان بهادر:

این تاریخ حیدر علی خان والی میسور از ولادت او تا ١١٩٦ھ۔ق[٥]/١٧٨٢م از یکی نویسندۂ نامعلوم نگاشته شده بود[٦]۔ در آخر این کتاب مؤلف گفته است که حالا ٢٩ ذی القعده ١١٩٦ھ۔ق است و هنوز امکانِ جنگ بر سر است[٧]۔ البته در آخر این کتاب تفصیلِ وفاتِ حیدر علی بر یکم محرم الحرام١١٩٧ھ۔ق/ دسامبر١٧٨٢م هم درج شده است[٨]۔

١۔ اته، اندیا آفیس، ج ١، ستون٢٠٩، ش٥٢٧
٢۔ استوری٧١٣
٣۔ اته، اندیا آفیس، ج ١، ستون ٢١٠، ش٥٢٧
٤۔ ریو، ج١، ص٣٠٨
٥۔ همان، ج٢، ص٨٠٢
٦۔ استوری، ص٧٦٧
٧۔ ریو، ج٢، ص٨٠٢
٨۔ استوری، ص٧٦٧

مؤلف در مقدمۀ مختصر بیان نموده است که فقط حیدر علی خان در هندوستان اینچنین مردی بود که نیروی مدافعتِ انگلیسیان داشت [۱]۔ درین کتاب،علاوه بر تاریخ، مؤلف ذکرِ خانوادۀ حیدر علی خان ،اجدادش وجای ولادتِ او هم بیان نموده است[۲]۔

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٦٦٠٣ از برگ ۲۸ تا ۳۹ نگهداری می شود۔ آغاز این نسخه چنین است:**'چون این تازه تر نهالی است از چمنستان گیتی...'**[۳]

☆**اخبار صدق:**

این تاریخ هم از نویسنده نامعلوم در ۹ ذی الحجه ۱۲۰٦ ه.ق/ ۳۰ژولایی ۱۷۹۲م تکمیل یافت[٤]۔ اخبار صدق در بیان تاریخ بنگال تحتِ انگلیسی هاست۔ نسخه خطی این کتاب که منحصر به فرد است در کتاب خانه برلین نگهداری می شود۔آغاز این کتاب چنین است: **'حمد و سپاس بی قیاس مر داوری را که احکم الحاکمین است.......'**[٥]

☆**اقبال نامه:**

این تاریخ منظوم از یکی نویسندۀ نامعلوم است[٦]۔ این مثنوی در موردِ احوال جلوس وزیر علی خان به مسندِ اوده در لکنو و در بیانِ تخت ربودنِ سر جان شور(Sir John Shore) از وی است [۷]۔ سرجان شور ،سعادت علی خان را به جای او به مسند نشانده بود[۸]۔ معلوم می شود که این تاریخ در زمانِ شاه عالم نوشته شده بود چون مؤلف او را در

۱۔ ریو،ج۲،ص۸۰۲
۲۔ همان
۳۔ همان
٤۔ استوری،ص۷۱۸
٥۔ همان،ص۷۱۹
٦۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص۳۰٥،ش٤۲۳
۷۔ استوری،ص۷۰٥
۸۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص۳۰٥،ش٤۲۳

فعل حاضر ذکر نموده است[۱]۔ علاوه برین مؤلف مارکوییس ویلزلی(Marques Wellesly) و جـان شـور را مـدح هـم سروده است[۲]۔ ایـن اثـر در ٦ ذی الـحجه ١٢١٥هـ.ق/١٨٠٠م از نویسنده نامعلوم تکمیل یافته بود[۳]۔

نسـخـه خـطـی ایـن کتاب که منحصر به فرد است در کتاب خانه بوهار به شماره ٤٢٣ نگهداری می شود و ٥٩ برگ دارد۔

☆**بحرالتواریخ:**

تاریـخ عـمـومـی جهان است ۔ یـکـی نـویسنده از هندوستان که نام او معلوم نیست، نـوشتنِ ایـن کتـاب را در ١٠٩٩هـ.ق/٨_١٦٨٧م آغـاز کرد و تا ١١٥٤هـ.ق/٢_١٧٤١م درین کـار مشغول بود[٤]۔ دربـارۀ نـویسـنـدۀ این کتاب اطلاعی در دست نیست اما این قدر معلوم شده است که او در ١١٦٠هـ.ق/١٧٤٧م برای حج رفته بود[٥]۔

این کتـاب در بـاب هـای مـخـتـلـفـه نگاشته شده است و هر باب مزید در 'فرقه' منقسم است[٦]۔ این اثر مشتمل بر دو جلد است۔ **جلد اول** درمورد تخلیقِ کاینات از نظر هندووان ومسلمانان، محمدصلی الله علیه و آله وسلم و دوازده امامینؑ، شاهانِ عجم و عرب و اباسینیا و روم و مـصـر و سامانیان و غزنویان و سلجوقیان و اتابکان و صفویان و نادرشاه وغیره است و **جلد دوم** دارنـدۀ احـوالِ مـغـول و قـراختاییان و غوریان و شاهان کرت و خوارزم شاهیان و چنگیز خان و جانشینانش و تیمور و جانشینانِ او و سلاطین هندوستان وغیره است[۷]۔

آغاز: '**الحمد لله.....اما بعد جلد دوم در احوال**..........'[۸]

١_ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی، بوهار،ج ١،ص٣٠٥،ش٤٢٣

٢_ همان

٣_ استوری،ص٧٠٥

٤_ ریو،ج٣،ص١٠١٧

٥_ الیوت،ج٨،ص١٠١

٦_ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج١،ش٣٧

٧_ الیوت،ج٨،ص١٠٢

٨_ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج١،ش٣٧

اختتام: 'در سال یك هزار و یك صد و پنجاه و چهار توجه به روم کرده....'[1]

پرفسور داووسن، به حواله مقدمه این کتاب، در تاریخ الیوت نوشته است که مؤلف از جلد دوم نوشتنِ این کار را در ۱۰۹۹هـ.ق/۸ـ۱۶۸۷م آغاز کرد[2]۔ از نوشتۀ داووسن و فهرستِ تونك معلوم می شود که این اثر در باب های مختلفه نگاشته شده بود اما تدوین نشده بود۔

جلد دومِ نسخه خطی بحر التواریخ در کتاب خانه تونك به شماره فهرست ۳۷ نگهداری می شود۔ چند برگ از این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره نسخه خطی Or. ۱۷۵۱ از برگ ۲٤ تا ۲۹ موجود است۔

☆**بیان کیفیت محاربه و مصالحه محمد شاه با نادر شاه[3]:**

این کتاب از نویسنده نامعلوم، در بیانِ احوال مختصر جنگِ محمد شاه با نادر شاه در ۱۷۳۹م، نوشته شده است۔ نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه بادلین و ایدن برگ نگهداری می شود[4]۔

آغاز: '**بیان کیفیتِ محاربه و مصالحۀ محمد شاه پادشاه با نادرشاه ایرانی واقعه در سنه ۱۱۵۲ یك هزار و یك صد و پنجاه و دو هجری و در سنه ۲۱ بیست و یك جلوس محمد شاهی پیش ازین جنگ برهان الملك......**'[5]

'**پیش ازین جنگِ برهان الملك..........**'[6]

☆**تاریخ احمدشاهی:**

۱ـ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ش۳۷

۲ـ الیوت،ج۸،ص۱۰۱

۳ـ استوری،ص۳۲۷

٤ـ همان

۵ـ اته،بادلین،ج۱،ستون۱۳۹،ش۲۶۳

٦ـ استوری،ص۳۲۷

این کتاب دارندۀ تاریخِ مفصلِ زندگانی و عهدِ احمد شاه است[۱]۔ این کتاب بدون مقدمه آغاز شده و مؤلف در بیانِ تاریخ هم در مورد خود معرفی نداده است اما این قدر عیان است که او در دهلی اقامت داشت و وقایع که درین کتاب بیان نموده است با چشمِ خود ملاحظه کرده بود [۲]۔ مؤلف از درباریان هم نبوده و بر بادشاه و وزرا خرده گرفته است [۳]۔ این کتاب بر تاجگزاری عزیزالدوله عالمگیر دوم به دهم شعبان ۱۱٦۷ه.ق و عقوبتِ احمد شاه اختتام می پذیرد [٤]۔ برای تفصیل محتویاتِ کتاب مراجع شود به ریو،ج۳،ص۹٤۲۔

آغاز: **'چون ظهور هر امور عظمیٰ ،بی آنکه در مخیله کسی در آید، هنگام خویش جلو[ه] گر می شود...'**[٥]

نسخه خطی تاریخ احمد شاهی در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or.۲۰۰۵ نگهداری می شود و ۱۳٦ برگ دارد۔ ترجمۀ انگلیسی این کتاب از دی فورسیت(D.Forsyth) در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۳۰۷۸۳ نگهداری می شود[٦]۔ بخشی ازین ترجمه در تاریخ الیوت،ج۸،ص۱۰٤ تا ۱۲۳ هم داده شده است۔

☆تاریخ برتپور:

این کتاب دارنده تاریخ برت پور از ۱۸۰۵م تا ۱۸۲۷م است[۷]۔ این اثر در تتمه 'تاریخ دونکل سینگ'(Dhonkal Singh) نوشته شده بود[۸]۔ درین اثر مؤلف 'جنگ نامه برتپور' از دونکل سینگ را بسیار ستوده است[۹]۔ دونکل سینگ در ۱۸۰٦م کتاب خود را

۱۔ ریو،ج۳،ص۹٤۱
۲۔ همان ۳۔ همان
٤۔ همان،ص۹٤۲
٥۔ همان،ص۹٤۱
٦۔ استوری،ص٦۲۱
۷۔ ریو،ج۳،ص۹٥۸
۸۔ استوری،ص٦۹۰
۹۔ ریو،ج۳،ص۹٥۸

نگاشته بود[1] و قیاس است که بعد ازان این نویسندۀ نامعلوم این کتاب را ادامه داد۔

آغاز: '**از آنجا که به میامن اقدس ذات ستوده صفات...**'[2]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ١٨٦٢ .Or نگهداری می شود و ٣٧ برگ دارد۔

☆تاریخ تولد و وفات پادشاهان:

این اثر هم از نویسندۀ نامعلوم خیلی مهم است۔ این کتاب دارندۀ تاریخ های ولادت و وفاتِ پادشاهانِ هند، شاهزادگان، امیران، علما و شعرا وغیره است[3]۔ علاوه برین مؤلف درین کتاب وقایع مهمی تاریخ، از ولادتِ تیمور در ٧٣٦ھ.ق/١٣٣٦م تا ١١٤٤ھ.ق/٢-١٧٣١م هم رقم کرده است[4]۔ این کتاب بسیاری اطلاعاتِ مهمی از زندگی نامه های مردم مذکور، نیز در بر دارد[5]۔

آغاز: '**بر ضمایرِ اربابِ دانش و خاطر اصحابِ بینش واضح و لایح است که در تواریخ حوادث ایام علمای عظام....**'[6]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٢٧٣١ نگهداری می شود۔ این نسخه خطی ٢٠١ برگ دارد۔

☆تاریخ جهانگیر نگر:

به علتِ عدم دسترسی به نسخه خطی که منحصر به فرد است، راقم از اظهارِ نظر در مورد این کتاب قاصر است ۔ اما این قدر معلوم شده است که تاریخِ جهانگیر نگر، تاریخ

١۔ استوری،ص٦٨٩
٢۔ ریو،ج٣،ص٩٥٨
٣۔ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون١٤٨٢،ش٢٧٣١
٤۔ استوری،ص١٥٧
٥۔ اته،اندیاآفیس،ج١،ستون١٤٨٢،ش٢٧٣١
٦۔ همان

مختصرِ' داکه' از تسخیرشدنِ آنجا به دستِ اکبر تا نظامتِ حسین الدین خان، در اوایلِ دوره شاه عالم، است[۱]۔ نسخه خطی تاریخ جهانگیر نگر در کتاب خانه ایدن برگ،شماره۲۳۳ نگهداری می شود۔

آغاز: **'الحمد لله رب العالمین..... اما بعد روزی تواریخ جهانگیری و عالمگیری...'** [۲]

☆تاریخ راجه های پریچت گر:

یکی دیگر تاریخِ کوتاهی از نویسنده نامعلوم 'تاریخِ راجه های پریچت گر' است۔ این اثر در موردِ شرح احوال راجه های 'پریچت گره'(Parichhit Garh) است که در شهرستانِ میرت(Mirath) واقع است[۳]۔

نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۳۳ از برگ ۵۳ تا ٥٦ نگهداری می شود[٤]۔ ظاهر است که این تاریخ خیلی کوتاه است که در سه برگ بیان شده است۔

☆تاریخ راجه های سرنگا پتن:

این اثر در موردِ شرح احوالِ مفصلِ سرنگا پتن و جنگ های راجگانِ آنجا با حیدر علی خان و تیپو سلطان تا شهادت تیپو در۱۲۱۳ه.ق/۱۷۹۹م و الحاقِ آنجا با انگلیسیان است[۵]۔

آغاز: **'پس از حمدِ کردگارِ کارسازِ روزگار که خالق جمله موجوداتِ جهانست......'**[٦]

نامِ کامل این کتاب 'در ذکر ریاستِ راجه های سیرنگ پتن و نواب حیدر علی خان

۱۔ استوری،ص۷۲۳
۲۔ محمد اشرف الحق،هرمان اته و ایدورد رابرتسن،فهرست دانشگاه ایدنبرگ،ص۱۹۹
۳۔ همان،ص٦۹۲
٤۔ ریو،ج۳،ص۱۰۱۲
۵۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۲۱۱،ش۵۳۱
٦۔ همان

بهادر جنت مکان و تیپو سلطان شهید پادشاه غازی ملك کرناتك' است[۱]۔ فقط دو نسخه خطی این کتاب معلوم است[۲] که یکی ازان در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۳۱ موجود است ۔

☆تاریخ روهیله های مرادآباد:

یکی نویسنده نامعلوم این تاریخ را در ذکرِ سردارانِ روهیله های مراد آباد از آغازِ آنها تا ۱۲۱۹ھ.ق پرداخته است[۳]۔ مؤلف درین اثر احوال جنگ ها و وقایع سیاسیِ آن زمان را با تفصیل بیان نموده است ۔ درین کتاب تاریخ روهیله ها آمیخته شده است[٤]۔ این تاریخ تا ۱۲۱۹ھ.ق بیان شده است اما در آخر کتاب ۱۲٤۹ ھ.ق به طور سالِ روان گفته شده است[۵]۔

ریو در محتویاتِ کتاب، زیر قرار ریسانِ مرادآباد را ذکر کرده است که احوالِ آنها در ین کتاب سال وار بیان شده است؛ علی محمد خان که در آغازِ روزگارِ محمد شاه به اوج رسیده ، در ۱۱٦۱ھ.ق مختارِ مرادآباد شده و در ۱۱٦۲ھ.ق فوت شده بود۔ سعد الله خان که پسرِ شیرخوارِ علی محمد خان بود و در ۱۱۷٦ھ.ق فوت شد۔ فیض الله خان پسر علی محمد خان که از ۱۱۸۸ھ.ق تا مرگِ خود در ۱۲۰۸ھ.ق، بر رام پور حکمرانی کرد۔ محمد علی خان پسر سعد الله خان که به دستِ برادر خود غلام محمد خان کشته شده بود و احوالِ احمد علی خان پسر محمد علی خان[٦]۔

آغاز: **'بعد حمد و ثنای خدای تبارك و تعالی و درود..........'**[۷]

نسخۂ خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱٦۳۹ از برگ ۵۱ تا ۸٦

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۲۱۱،ش۵۳۱

۲۔ استوری،ص۷۷۵

۳۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰۷

٤۔ همان،ص۱۰۰۸

۵۔ همان

٦۔ همان،ص۱۰۰۷

۷۔ همان

و در کتاب خانه اندیا آفیس،لندن به شماره ۳۷۳۸ نگهداری می شود[۱]۔

☆**تاریخ ریاست پونه:**

این کتاب هم از نویسنده نامعلوم در ذکرِ تاریخ ریاستِ پونه از روزگارِ نراین راو تا عهد نامۀ امنِ ۱۷۸۷ م میانِ تیپو سلطان و پیشوا است [۲]۔ مؤلف این اثر را برای کاپتان جان کیناوی(Capt. John Kennaway) نگاشته بود[۳]۔ در موردِ نویسندۀ این اثر هیچ اطلاعی در دست نیست اما در نسخه خطی جای مؤلف بیان نموده است که بعد از جنگ، او در سرنگا پتن موجود بود [٤]۔ مؤلف در باره کارگزاری مرهته ها آشنای خوب داشت۔ او وقایع تاریخی که درین کتاب ذکر کرده، با چشمِ خود ملاحظه کرده بود[٥]۔ مؤلف این وقایع را در سبکِ ساده و عامیانه بیان نموده است[٦]۔ مؤلف وقایع تیپو سلطان را به اختصار گراییده است[۷]، شاید علتِ آن این بود که این کتاب را برای کاپتان جان کیناوی تالیف کرده بود و انگلیسیان این سبک را زیاد دوست داشتند۔

آغاز: '**سوانح مملکت دکن که از دریای نربده**......'[۸]

نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٢٦٢٦٤ موجود است و ٥٩ برگ دارد۔

☆**تاریخ شاه شجاع:**

این اثر را هم یکی نویسندۀ نامعلوم نگاشته بود۔ مؤلف درین کتاب،چون از نام

۱۔ استوری،ص٦٩٨

۲۔ همان،ص٧٦٢

۳۔ ریو،ج۱،۳۲۸

٤۔ همان

٥۔ همان

٦۔ همان

۷۔ همان

۸۔ همان

روشن است، احـوالِ شاه شجاع را تالیف نموده است۔ این اثر از فرارِ شاه شجاع از لاهور در ۱۸۱٦م تا ۱۲٦۱ھ.ق/۱۸٤٥م بیان شده است [۱]۔ ایـن تـاریـخ نا مکمل است[۲]۔ نسخه خطی چکیده این تاریخ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹٦۲ موجود است۔

☆تاریخ شاهیه نیشاپوریه:

این کتاب در موردِ تـاریـخِ شـاهان اوده است۔ نویسنده این کتاب هم معلوم نیست۔ مـراد از 'شـاهیـه نیشـاپوریه' شاهانِ اوده است چون شاهانِ اوده، اصلاً از نیشاپور بودند [۳]۔ این اثر دارندۀ احوالِ تاریخی از سعادت خان تا ۱۲٥٤ھ.ق/۱۸۳۸م در روزگارِ محمد علی شاه است[٤]۔ نسخه خطی این اثر در کتاب خانه رامپور نگهداری می شود[٥]۔

☆تاریخ عالمگیر ثانی:

این اثر در مـوردِ زمانِ عـالـمـگیـر دوم، بـدون مـقـدمـه و نـام نـویسـنده با سرنامۀ 'ذکر سـلطنت محمد عزیزالدوله المخاطب عالمگیر بادشاه' در کتاب خانه موزه بریتانیا نگهداری می شود [٦]۔ گـمـان مـی شـود کـه ایـن تـاریخ دراصل روزنامچۀ درباری است، چون درین کتـاب وقـایـع روزگـارِ عـالمگیر دوم سال وار روز به روز نگاشته شده است۔ درین کتاب تاریخ دورۀ عـالـمـگیر ثـانـی از جلوسِ وی در دهم شعبان ۱۱٦۷ھ.ق تا مرگ وی در ۸ ربیع الآخر ۱۱۷۳ھ.ق بیـان شده است[۷]۔ مـؤلف وقـایـع روزگـار را بـا تفصیل و به زبانِ ساده بیان کرده است[۸]۔

نسـخـه خـطـی این تاریخ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره۱۷٤۹ .Or دارندۀ ۲۱٥

۱۔ استوری،ص٤۰۱

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۸

۳۔ استوری، ص۷۰۹

٤۔ همان

٥۔ همان

٦۔ ریو،ج۳،ص۹٤۲

۷۔ همان

۸۔ الیوت،ج۸،ص۱٤۰

برگ و دیگری در کتاب خانه جان ریلیند مانچیستر نگهداری می شود[۱]۔ بخشی ازین کتاب به توسطِ الیوت،ج۸،ص۱۴۰ تا ۱۴۳ به انگلیسی ترجمه شده است۔

☆تاریخ عام:

تاریخ عمومی جهان است و دارندۂ شرحِ احوال از آغاز تا ۱۱۳۴ھ.ق/۱۷۲۱م است[۲]۔ این اثر با یك کمی تغییرِ واژه ها، بیشتر از تواریخ دیگر برده شده است[۳]۔ چون این کتاب دارندۂ تاریخ جهان است اما بخشِ تاریخ هندوستان با تفصیل بیان شده است۔ این کتاب از آدمؑ آغاز شده تا مرگ سید عبدالله خان در ۱۱۳۴ھ.ق به انجام می رسد[٤]۔ خاتمۂ کتاب در موردِ معرفی مختصر از ولادت و تخت نشینی و مرگِ راجه ها و سلاطین هندوستان، از راجه جودهشتر(Judishter) تا اورنگزیب(۱۱۱۸ھ.ق/۱۷۰٦م) است[٥]۔

نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه بوهار به شماره ۱٤ نگهداری می شود و ۲٤۰ برگ دارد۔ این نسخه خطی از آغازافتاده است و چنین آغاز می شود: **'علامی شیخ ابوالفضل در شگرف نامه می نویسد که مشهور چنان است...'**[٦]

☆تاریخ مختصر نظام ها:

درین تاریخ یکی نویسندۂ نامعلوم، بعد از بیانِ مختصرِ زندگانی قلیج خان بانی این خانواده و پسرش غازی الدین خان فیروز جنگ، ذکر نظام الملك آصف جاه با تفصیل بیان نموده است[۷]۔ این کتاب بدون مقدمه و نامِ نویسنده آغاز شده است[۸]۔ آخرین نظام که درین کتاب ذکر شده است، میر نظام علی خان بهادر نظام الملك نظام الدوله آصف جاه

۱۔ استوری،ص٦۲۲

۲۔ رضوی،قاسم حصیروعبدالمقتدر،مولوی،بوهار،ج۱،ص۱۲،ش۱٤

۳۔ همان

٤۔ همان

٥۔ همان

٦۔ همان

۷۔ ریو،ج۱،ص۳۲۳

۸۔ استوری،ص۷٤۹

است[۱] ـ در آخر این کتاب نوشته شده است که بیست و سه سالِ دولتِ نظام علی خان تکمیل یافته است ـ چون نظام علی خان در ۱۱۷۵ ﻫ.ق به سلطنت رسیده بود [۲] این کتاب حتماً نزدِ ۱۱۹۸ ﻫ.ق/۱۷۸۴ م نوشته شده باشد ـ

آغاز: **'اصل نسب شریف حضرت نواب مستطاب معلی القاب..........'**[۳]

نسخه خطی این کتاب که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۳۹۱ نگهداری می شود ـ این نسخه خطی ۵۳ برگ دارد ـ درین نسخه تاریخِ مختصر نظام از برگ یکم تا ٤۱ داده شده است ـ از برگ ٤۲ تا ۵۱ احوالِ مختصرِ استان های دکن داده شده است[٤] ـ

☆تاریخ معظم آباد معروف به گورکپور:

یکی نویسندۀ نامعلوم درین کتاب تاریخِ مختصرِ گورکپور از آغازِ یازدهم میلادی تا ۱۷۹۷ م نوشته است[۵] ـ این اثر در ۱۸۷۲م در لکنو به چاپ رسیده بود[٦] ـ

☆تاریخ هندوستان:

تاریخِ هندوستان در ۱۲٦۲ ﻫ.ق/۱۸٤٦ م تالیف شده بود [۷] ـ نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه علی گره نگهداری می شود و از انجام افتاده است[۸] ـ

☆تذکرۀ گکران:

۱ـ ریو، ج۱، ص۳۲۳
۲ـ همان
۳ـ همان
٤ـ همان
۵ـ استوری، ص۷۰۲
٦ـ ایدوردز، موزه بریتانیا چاپی، ستون۲۳٤
۷ـ استوری، ص٤۸۸
۸ـ همان

این اثر در مورد احوال سردارانِ قبیله گکر از نویسندهٔ نامعلوم نوشته شده بود[1]۔ نسخه خطی 'تذکره گکران' در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۰۵۹ از برگ ۱۸۰ تا ۱۸۵ نگهداری می شود۔ در آخر این نسخه خطی، در بیانِ راجه های هندوستان قدیم، جدول ها نیز داده شده است[2]۔

☆**تذکرة الملوك:**

این اثر از نویسندهٔ نامعلوم در ذکرِ سلطنت های مختلفهٔ هندوستان تا ۱۲۰۸ ه.ق/ ۹۴-۱۷۹۳ م است[3]۔ تذکرة الملوك در پنج باب منقسم است که تفصیلِ آن زیر قرار است؛ **باب اول** در ذکر فرمانروایانی که از ولایتِ دیگر به هند لشکر کشیدند، **باب دوم** در ذکر فرمان روایانی هندوستان، **باب سیم** در ذکر سلاطین تیموریه، **باب چهارم** در ورود صاحبان انگریز از ولایت خود به مملکت هند، **باب پنجم** در احوال سکهان و ابتدای ظهور این گروه، در بیانِ اصل اقوام مرهته[4]۔

آغاز: '**نحمده و نصلی و نسلم بعد حمد و نعت**...'[5]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه انجمن آسیای بنگال به شماره ۱۸۰ نگهداری می شود۔

☆**تفصیل احوال عروج و خروج راجه های و سردارانِ دکن[6]:**

ریو اشتباه کرده است که این کتاب را یکی مردِ هندو تالیف کرده بود [7]۔ این کتاب دارندهٔ تاریخ مرهته ها از آغازِ خانوادهٔ بونسله (Bhoslah) تا مرگِ سیواجی و تخت نشینی

۱۔ همان،ص۶۷۶
۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵۴
۳۔ استوری،ص۴۹۳
۴۔ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،ص۵۶،ش۱۸۰
۵۔ همان
۶۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۱۸۹،شماره۴۸۵
۷۔ ریو،ج۱،ص۳۲۷

سانباجی(Sanbhaji) در ۱۰۹۱ ھ.ق/ ١٦٨٠ م است[1]۔ اما این اثر خیلی بعد از این واقعه نگاشته شده بود چون در آخرِ این کتاب احوالِ تاجگزاری جانشینانِ سانبا جی هم بیان شده است که در ۱۷۵۰ م رام راجه در ستاره و در ۱۷۷۳ م رگوجی در ناگ پور جلوسِ سرداری خود کردند[2]۔

این اثر حتماً پیش از ۱۷۷۷ م/ ۱۱۹۱ ھ.ق نوشته شده بود چون جلوسِ رگوجی در ۱۷۷۳ م پیش افتاد و رگوجی که در ۱۷۷۷ م فوت کرده بود، درین کتاب زنده گفته شده است[3]۔ این طور این اثر میان ۱۷۷۳ م تا ۱۷۷۷ م نوشته شده بود[4]۔

آغاز: **'هزاران شکر خدای بی چون را که به یك نقطه کُن، این همه چهارده طبقه......'**[5]

نسخه های خطی این اثر که در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ۲٦۲۷۱ .Add موجود است، دارنده ٧٦ برگ است۔ اما در کتاب خانه اندیا آفیس دو نسخۀ خطی این کتاب، یکی به شماره فهرست٤٨٥ دارنده ٤٥ برگ است و دیگری به شماره فهرست ٤٩٠ از برگ ٦٨ب تا ۱۱۲ ، موجود است۔

☆تواریخ پادشاهانِ ایران و توران و هندوستان وغیره تمام جهان[6]:

این تاریخِ نویسندۀ نامعلوم دارندۀ فهرستِ سال وار در موردِ پادشاهانِ جهانِ اسلام به ویژه ایران و توران و هندوستان است[7]۔ این تاریخ از ذکر کیومرث آغاز شده به محمد شاه تیموری می رسد۔ علاوه برین در خاتمه مؤلف ذکرِ شاهانِ دکن، بیجا پور، گجرات، مالوه، بنگاله، لکنو، جونپور، مولتان و کشمیر نیز بیان کرده است[8]۔

آغاز: **'اول تخت نشین جهان گیومرث از فرزندان بهلایل بن قینان بود او را سیاه نیز**

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱ ، ستون ۱۸۹ ، ش٤٨٥

۲۔ ریو، ج ۱ ، ص ۳۲۷

۳۔ همان

٤۔ استوری، ص ٧٦٠

٥۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱ ، ستون ۱۸۹ ، ش٤٨٥

٦۔ همان، ستون ۱ ، ش ۱

۷۔ استوری، ص ۱٥۷

۸۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱ ، ستون ۱ ، ش ۱

خوانند.....[١]

فقط یك نسخهٔ خطیِ معلومِ این تاریخ در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست یکم نگهداری می شود۔

☆تواریخ عباسیان:

نامِ نویسندهٔ تواریخ عباسیان هم معلوم نیست۔ این کتاب در باره تاریخ خانواده های کلهوره تا ١٢٢٦ھ.ق/١٨١١م است[٢]۔ آخرین واقعه که درین کتاب بیان شده در ذکرِ مرگِ میان محمد علی خان پسر عارف خان پسر میان عبدالنبی خان درهمان سال است[٣]۔

نسخه خطی این کتاب منحصر به فرد در کتاب خانه اندیا آفیس، شعبه فارسی به شماره٧٥٥ از برگ ١٣ تا ٢٠ نگهداری می شود[٤]۔

☆تهورنامه:

این اثر در ذکرِ میر جعفر علی خان ناظم بنگال(١٧٥٧_٥٩م و ٦٥_١٧٦٣م)[٥] نوشته شده است۔ واحد نسخهٔ خطی تهور نامه در کتاب خانه پاریس موجود است۔ استوری از فهرستِ بلوشه(Blochet) این کتاب را نقل کرده است اما دربارهٔ 'تهور جنگ' اشتباه دارد که آیا این 'تهور جنگ' میر جعفر است یا ناصر الملك شمس الدوله، تهور جنگ، هنری وانسیتارت(Henry Vansittart) استاندارِ بنگال است[٦]۔

یکی دیگر تاریخ بنگال به نام 'تاریخ بنگاله' نوشتهٔ منشی سلیم الله با تصحیح و تدوینِ سید محمد امام الدین به صورت چاپی هم موجود است۔ سید محمد امام الدین

١۔ اته،اندیاآفیس،ج ١،ستون ١،ش ١

٢۔ استوری،ص٦٥٧

٣۔ همان

٤۔ همان

٥۔ همان،ص٧١٦

٦۔ همان

دربارۀ آن کتاب می گوید که منشی سلیم الله این کتاب را حسب خواهش همان هنری وانسیتارت(Mr. Henry Vansittart) نوشته بود و به عمین علت این کار 'تهوّرنامه' هم خوانده می شود[۱]۔ شاید این تهور نامه همان تاریخ بنگاله از منشی سلیم الله است که بلوشه در فهرست خود این را 'تهور نامه' نوشته است۔

☆جنگ نامۀ دکن:

جنگ نامه دکن روزنامچۀ مفصل در ذکرِ جنگِ استان های جنوبِ هندوستان بدون نامِ نویسنده و مقدمه کتاب است [۲]۔ درین جنگ کولونل کیمیك(Col. Camac) بر سیندیه، در ۱۷۸۰ م، نصرت یافت[۳]۔ درین تاریخ وقایع جنگیِ هر روز با تفصیلِ بسیار بیان شده است[٤]۔

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه بادلین به شماره ۲۸۲ نگهداری می شود و ۱۳۳ برگ دارد۔ اما این نسخه مکمل نیست بلکه ناقص الآخر است[٥]۔

☆حالات نادر شاه:

این تاریخِ مختصرِ مشتمل بر نُه برگ در مورد یورش نادر شاه به نثر فارسی آمیخته به اشعار هندی در ۱۷۹۵ بکرمی/۱۷۳۸ م نگاشته شده بود[٦]۔ نویسندۀ این اثر که 'امر' نام داشت در چندیری(Chanderi)اقامت داشت [۷]۔نسخۀ خطی این اثر در کتاب خانۀ اندیا آفیس،لندن به شماره ٤۰۰۸ نگهداری می شود۔

۱۔ امام الدین،سید محمد،مقدمه تاریخ بنگاله،ص یازده
۲۔ استوری،ص۷۳۹
۳۔ اته،بادلین،ج ۱،ستون۱٤۹،ش۲۸۲
٤۔ همان
٥۔ همان
٦۔ استوری،ص٦۱۸
۷۔ همان

☆**حقیقت بنا و عروج فرقه سیك ها:**

این تاریخ مختصر در موردِ سیك ها است و دارندهٔ احوال از زمان نانك تا حملهٔ تیمور شاه ابدالی بر مولتان است[۱]۔ نسخه خطی این تاریخ در کتاب خانه شاهی انجمن آسیای(Royal Asiatic Society) نگهداری می شود۔ برای تفصیل این نسخه ها مراجع شود به استوری،ص٦٧٧۔

☆**خلاصه ای از حال جنگ کابل:**

نام نویسنده این کتاب معلوم نیست۔ البته از مقدمه کتاب این قدر معلوم شده است که او به دربارِ شجاع الملك پیوسته بود[۲]۔ در دیباچه مؤلف در سبب تالیف این کتاب می گوید که بعضی اخبار نویسان از منابع غیر مستند، تاریخ کابل پرداخته اند ولی به نظرِ مؤلف آن قابلِ توجه نیست و به همین علت وی ایراد کرد که خود آن تاریخ را به رشتهٔ تحریر بیارد که دیده و شنیده بود[۳]۔

درین تاریخ بعد از ذکرِ مختصرِ حکومتِ شجاع الملك، مؤلف در موردِ سردارانِ خلجی و حملهٔ آنها به فوجِ سر رابرت سیل(Sir Robert Sale) را بیان نموده است۔ در آخر کتاب مؤلف احوالِ اولادهای شجاع الملك را بیان کرده است که از انگلیسی های شرکتِ هند شرق، وظایف گرفتند و در لودیانه(Lodhianah) اقامت گزیدند[٤]۔

آغاز: 'بر ضمایر اربابِ نظر مخفی نماند...............'[٥]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیابه شماره٥ Or. ۲۰ نگهداری می شود

۱۔ استوری،ص٦٧٧

۲۔ همان،ص٤٠۲

۳۔ ریو،ج۱،ص۲۱٤

٤۔ همان

٥۔ همان

و ۲۷ برگ دارد۔ یکی نسخه ای ازین اثر در کتاب خانه پاریس هم موجود است[۱]۔ اما از هیچ یك نسخه خطی نام نویسنده معلوم نشده است۔

☆خلاصۀ تاریخ هندوستان:

این کتاب از دوره اکبر آغاز شده تا ۱۱۹٤ ھ.ق/ ۱۷۸۰م ادامه دارد [۲]۔ از مقدمه کتاب معلوم می شود که مؤلف این کتاب را به طور تتمه 'ذکر الملوك' از عبدالحق دهلوی پرداخته بود [۳]۔ پس مؤلف از احوال عادلشاهیان، قطب شاهیان، برید شاهیان و فاروقیان آغاز کرده است که در 'ذکر الملوك' معرفی نشده بودند[٤]۔

درین کتاب تاریخ سلاطین تیموریه از اکبر اعظم آغاز شده اجمالاً بیان شده است۔ اما به روزگارِ محمد شاه بیانِ مؤلف مفصل می شود۔ این طور مؤلف تاریخ محمد شاه، احمد شاه، عالمگیر دوم و شاه عالم را با تفصیل بیان نموده است [۵]۔ این اثر دارندۀ احوال تا ۱۱۹٤ ھ.ق است که آن وقت ذوالفقار الدوله نجف خان کارپردازِ دهلی و فیض الله خان سردارِ روهیله بود[٦]۔ این اثر تاریخ روهیله ها به ویژه در بر دارد[۷]۔

اگرچه مؤلف نامِ خود را ظاهر نکرده اما این قدر معلوم شده است که او مردِ مسلمان بود و در ناحیۀ روهیل کند(Rohail Khand) در شهرستان های سنبل و بدایون زندگی می کرد[۸]۔

در این کتاب مؤلف نه تنها حافظ رحمت خان را بسیار تعریف نموده است بلکه حکومتِ فیض الله خان سردارِ روهیله را بهترین از حکومت های تمام هند به شمار آورده است[۹]۔

۱۔ استوری،ص۴۰۲
۲۔ همان،ص٤٧٤
۳۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰۷
٤۔ همان ۵۔ همان
٦۔ استوری،ص٤٧٤
۷۔ همان
۸۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰۷
۹۔ همان

آغاز: '**بدان که دانایانِ فنِ تاریخ در احوال ملوك و سلاطین.........**'[۱]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱٦۳۹ از برگ ۳ تا ۵۰ نگهداری می شود۔

☆خلاصهٔ تواریخ عباسیه:

این تاریخ از نویسندهٔ نامعلوم که به نام 'تواریخ جواهرِ عباسیه' هم معروف است، در زمان بهاول خان سوم نوشته شده بود[۲]۔ این اثر تتمهٔ کارِ سید نورالله است و در یك مقدمه و سه قسم تقسیم شده است؛ **مقدمه** در موردِ نسب نامه نوابانِ بهاولپور است۔ **قسمِ یکم** از سلطان احمد دوم تا مرگِ مبارك خان مشتمل است ۔ **قسم دوم** دارندهٔ احوالِ بهاول خان دوم و**قسم سوم** دارندهٔ احوال محمد صادق خان است[۳]۔

آغاز: '**جهان جهان ستایش و عالم عالم نیایش مر صانعی را که ذرات ممکنات از پرتو آفتاب قدرتش به عرصهٔ وجود شتافته اند...**'[٤]

نسخه خطی این کتاب در براوون هیندلیست به شماره ۳٤۷ موجود است و ۸۸ برگ دارد[۵]۔

☆دستورالعمل:

این اثر دارندهٔ تاریخچهٔ عملکرد به ویژهٔ روزگارِ شاه جهان و اورنگزیب [٦] و دیگر شاهانِ تیموری تا سالِ دومِ جلوسِ فرخ سیر ۱۱۲٦ ه.ق/ ۱۷۱٤م است [۷]۔ ریو از نسخه موزه بریتانیا محتویاتِ این اثر چنین بیان کرده است؛ چکیده ای دربارهٔ راجه های دهلی

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰۷
۲۔ استوری،ص٦٦۱
۳۔ همان
٤۔ براوون،ای.جی،هیندلیست کامبریج،ص٦۸
۵۔ همان
٦۔ ریو،ج۳،ص۹۸۹
۷۔ استوری،ص٤۵۹

از راجاولی تا والی رام، احوالِ تاریخ وارِ سلاطین دهلی، تیمور و جانشینانش تا جلوسِ اورنگزیب، القاب و منصب ها که شاه جهان به شهزادگان و امیران عطا فرمود، تاریخ های سفر و مهم های شاه جهان، حقوق و منصب و القابِ امیرانِ دربار، اولاد و نوه های شاه جهان، تاریخ سال وارِ دورۂ اورنگزیب،اولاد و نوه های وی، منصب دارانِ زمانِ او، تاریخ های سفر و مهماتِ اورنگزیب، تاریخ سال وارِ دورۂ بهادر شاه، جهاندار شاه و فرخ سیر[۱]۔

علاوه برین درین اثر آگهی های متفرقه درموردِ دفترِ شاهی، دیوان ها، حقوق، اوزان و فاصله های میانِ شهر ها بیان شده است[۲]۔

آغاز: **'فهرست تواریخ راجه های دهلی وغیره....'**[۳]

نسخۂ خطی این دستورالعمل در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ١٦٩٠ موجود است و ۱۹۷ برگ دارد۔

☆ذکر احوال نادر شاه:

این اثر از نویسندۂ نامعلوم در تاریخ نادر شاه تا بازگشتنِ او از هندوستان به ایران در ۱۱۵۲ه.ق/۱۷۳۹م بیان شده است[٤]۔

آغاز: **'ذکر احوال نادر شاه،راوی این اخبار چنین نقل می کند.........'**[٥]

نسخـه خطی این رسالۂ مختصر که منحصر به فرد است در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ١٦٨٥٥ از برگ ١٦ تا ٢٢ نگهداری می شود۔

☆رسالۂ افغانان:

۱۔ ریو،ج۳،ص۹۸۹

۲۔ همان،ص۹۹۰

۳۔ همان،ص۹۸۹

٤۔ استوری،ص۳۲۷

٥۔ ریو،ج۲،ص۸۳۷

این رساله مختصر در ذکرِ نسبِ افغانان بیان شده است[۱]۔ یکی نویسندۂ نامعلوم این اثر را پیش از ۱۱۷۲ھ.ق/۱۷۵۸م نگاشته بود[۲]۔ مؤلف در بیانِ این کتاب ابو علی بن احمد مستوفی(محمد بن احمد المستوفی)، جنید ابن حامد و خواجه جعفر را حواله داده است[۳]۔

آغاز: **'رساله افغانان در کیفیت نسلِ افغانان، بدان که از پشتِ ملك طالوت اند و ملك طالوت از پشتِ یهودا که پسرِ کلان مهتر یعقوب بود.....'**[٤]

☆رسالۂ محمد شاه و خان دوران:

این اثرِ پر تکلف و مصنوع و بی فایده از نظرِارزشِ تاریخی، مشتمل بر زندگانی و زمانِ صمصام الدوله خاندوران خواجه محمد عاصم است [۵]۔ نامِ مؤلفِ این اثر معلوم نیست اما به ظاهر وی یکی پروردۂ صمصام الدوله بود و این اثر را از اول تا آخر در تعریفِ سرپرستِ خود نگاشته است[٦]۔ چون این اثر در سبك مصنوع نگاشته شده است، اگرچه خیلی زحمت کش است اما از نظرِ تاریخی هیچ اهمیتی ندارد [۷]۔ درین کتاب بیان تاریخ بر به حالی محمد شاه بر سریر سلطنت و روانگی نادر شاه از هندوستان در۱۱۵۲ھ.ق اختتام می پذیرد و بعد ازان مؤلف آن فضای غمناك را بیان نموده است که از مرگِ امیرالامرا پیدا شده بود[۸]۔

ریو از نسخۂ موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۰ محتویاتِ این کتاب چنین بیان کرده است؛ مقدمه، شمه ای از احوال نیاگان محمد شاه از تیمور، احوال خانوادۂ صمصام الدوله و نیای او خواجه عبدالمومن خان که از بخارا به هندوستان آمده و پدرِ خاندوران

۱۔ استوری،ص۳۹۵
۲۔ همان
۳۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۲۳۲،ش۵۷۹
٤۔ همان،ستون۲۳۲۔۲۳۳
۵۔ استوری،ص٦۱٤
٦۔ ریو،ج۱،ص۲۷۸
۷۔ همان
۸۔ همان

خـواجـه محـمـد قاسم و برادرانش و احوال اوایلِ زندگانیش، دورۀ بهادر شاه، روزگارِ فرخ سیر، سیـد عبدالله خان، فتح محمد شاه، نواب سعادت خان و یورش نادر شاه، روانگی نادر شاه و به حالی محمد شاه بر سریر سلطنت [1]۔ در آخر این نسخه خطی نام این کتاب 'رساله محمد شاه بادشاه واحوال خاندوران خان نواب' نگاشته شده است[2]۔

آغاز: 'کیف لا احمد فان حدیث لا احصی ثناء علیك...'[3]

دونسخـۀ خـطی این رساله در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ۱۸۰ .Or دارندۀ ۲۱۷ برگ و به شماره ۱٦۷۷ .Or مشتـمـل بر ۱۵۷ برگ است۔برای دیگر نسخۀ خطی مراجع شود به استوری،ص٦۱۵۔

☆روزنامچۀ دربار غازی الدین حیدر:

ظـاهـر است این اثر در زمانِ غازی الدین حیدر نگاشته شده بود۔ اسم کامل این اثر 'روزنـامـچـه دربـار ابـوالـمـظفر غازی الدین حیدر بادشاه اوده' است [4]۔ نسـخـه خطی این روزنامچه در کتاب خانه آصفیه به شماره ۷۰۲ موجود است[5]۔

☆قصه حیدر علی خان[6]:

این کتـاب در بیانِ زندگینامۀ حیدر علی خان والی میسور از آغازِ کارش تا مرگِ وی در محرم ۱۱۹۷ ھ.ق/دسامبر۱۷۸۲م است [7]۔ مؤلف این کتاب که نامِ او معلوم نشده است، وقـایـع آخرین چند ساله را با چشمِ خود ملاحظه کرده بود[8]۔ دراصل مؤلفِ این کتاب دو

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۷۸
۲۔ همان
۳۔ همان،ص۲۷۷
٤۔ استوری،ص۷۰۸
۵۔ همان
٦۔ همان،ص۷٦۷
۷۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۲۰۵، ش۵۱٦
۸۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۳

سال در ملازمتِ کاپتان جان کیناوی (Capt. John Kennaway) بوده و در آخرین روزِ ذی القعده ۱۱۹٦ ه.ق/٦ نوامبر۱۷۸۲م ملازمت را خیر باد گفته به حیدرآباد رفته بود[1]۔در آخر این کتاب مؤلف مرگِ حیدر علی خان در آغازِ محرم الحرام ۱۱۹۷ ه.ق و تاجگزاری تیپو سلطان را نیز بیان کرده است[۲]۔ بر ورقِ سفیدِ نسخه اندیا آفیس نام مؤلف امیر منشی نوشته شده است[۳]۔

آغاز: **'ستایشِ ناصری که به مددگاری فوج لطفش کشور گشایان را..........'**[٤]

نسخه های خطی 'قصهٔ حیدر علی خان' در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸٦۵ از برگ ۲ تا ۳۵ و در کتاب خانه اندیا آفیس به شمارهٔ فهرست ۵۱٦ نگهداری می شود و دارندهٔ ٤٤ برگ است۔

☆کیفیت ریاست سرنگاپتن:

این کار بیشتری همان 'احوالِ مختصر سرنگا پتن' است[۵]که بالا ذکر شده است۔ اگرچه آغازِ این هر دو اثر مختلف است اما در هر یك 'سرنگا پتن' به نامِ 'سری رنگ پتن' خوانده شده است۔

آغاز: **'کیفیت ریاستِ سری رنگ پتن و دغای حیدر علی خان بهادر.........'**[٦]

نسخه خطی این اثر که منحصر به فرد است در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۳۰ موجود است و ۲۲ برگ دارد که در خطِ شکسته نوشته شده است۔

☆کیفیت سرمور:

۱۔ استوری،ص۷٦۷

۲۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۳

۳۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۲۰۵،ش۵۱٦

٤۔ همان

۵۔ استوری،ص۷۷۷

٦۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون۲۱۱،ش۵۳۰

این رسالۂ مختصر در ذکرِ احوالِ راجه های سرمور است [۱]۔ نسخه خطی این اثر که منحصر به فرد است در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹۰۵ نگهداری می شود و دارندۂ سرنامه **'کتاب کیفیت سرمور از ابتدای راجی به خاندان مهاراجه فتح پرکاش بهادر'** است[۲]۔

☆لب التواریخ:

لب التواریخ از نویسندۂ نامعلوم مشتمل بر تاریخ کشمیر است ۔ این کتاب دارندۂ تاریخِ کشمیر از آغاز تا ۱۲٦۲ ھ۔ق/۱۸٤٦م است [۳]۔ این کتاب مشتمل بر دو جلد است؛ **جلد اول** در تاریخ سلاطین کشمیر بیان شده است۔ این تاریخ از راجه های هندوی این دیار آغاز شده است۔ بعد ازان مؤلف ذکرِ سلاطین مسلمانان، چکان، چغتاییان یا تیموریان، شاهان افغان یا درانیان یعنی از ۱۱٦٦ ھ۔ق تا ۱۲۳٤ ھ۔ق و تاریخ سینگان یعنی سیك ها از ۱۲۳٤ ھ۔ق تا ۱۲٦۲ ھ۔ق بیان کرده است[٤]۔ در آخر این جلد اول مرگِ استاندارِ کشمیر غلام محی الدین در ربیع الاول ۱۲٦۲ ھ۔ق و تخت نشینی مهاراجه گلاب سینگ به توسطِ انگلیسی ها وغیره بیان شده است[٥]۔ **جلد دوم** این کتاب در چند فصل ها تقسیم شده است۔ این فصل ها درموردِ جغرافیا،حکومت، محاصل، پیداوار، عجایبات و شهرستان های همسایه آن دیار است[٦]۔

آغاز: **'بعد از حمد و سپاس بی قیاس مر آفریدگار جن و ناس......'**[۷]

نسخه های خطی 'لب التواریخ' در کتاب خانه موزه بریتانیا و کتاب خانه دانشگاهِ کامبریج موجود است و ازین دو نسخه، نسخۂ دانشگاهِ کامبریج فقط جلدِ اولِ این کتاب

۱۔ استوری،ص٦۷۷

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٥۷(برای آگهی خطه سرمور مراجع شود به ریو که در فهرست موزه بریتانیا، برخی از تاریخ خطۂ سرمور بیان نموده است)

۳۔ استوری،ص٦۸٥

٤۔ ریو،ج۳،ص۹٥۷

٥۔ همان

٦۔ همان

۷۔ همان

دارد البته نسخه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱٦۳۳ کامل است و ۱۲۳ برگ دارد[1]۔

☆**محك السلوك و مصقلة النفوس[2]:**

نامِ نویسندۂ این کتاب معلوم نیست اما این قدر معلوم شده است که وی یکی از رفقای شاهزاده معظم بهادر شاه اول بود[3]۔ این اثر در ۱۱۳۳ھ.ق/ ۱۷۲۱م نگاشته شده بود[4]۔ درین کتاب مؤلف نه تنها تاریخِ شاهان را ذکر کرده است بلکه برابرِ آن، تاریخ انبیای کرام نیز بیان نموده است۔ بعداز حمدِ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم و خلفای راشدین و سببِ تالیفِ این کتاب، مؤلف مباحثِ طویل درمورد مسایل صوفیانه آورده است که دربارۂ شکر، معرفت، توبه، قضا و قدر و خلقت وغیره است [5]۔ به همین علت اته و استوری این کار را 'تاریخِ عمومی آمیخته به مسایل صوفیانه' گفته اند۔ این اثر در پانزده مقاله و یك خاتمه نگاشته شده است[6]۔ اته در فهرست کتاب خانه اندیا آفیس محتویات این کتاب چنین بیان کرده است؛ **مقاله یکم** درموردِ انبیای قدیم از آدمؑ تا نوحؑ، **مقاله دوم** درباره شاهان باستان تا جمشید بیان شده است۔ علاوه بر این درین مقاله قصه های انبیای دیگر چون حضرت هودؑ و حضرت صالحؑ هم بیان گردیده است [7]۔ **مقاله سوم** از ضحاك تا فریدون است و برابرِ آن قصه های نمرود،حضرت ابراهیمؑ، حضرت لوطؑ، حضرت یعقوبؑ و یوسفؑ پیامبر هم دارد۔ **مقاله چهارم** دارندۂ احوال از منوچهر تا اسکندر اعظم است و همان طور برابرِ این احوال، تاریخِ انبیای حضرت شعیبؑ ، حضرت موسیٰؑ، حضرت خضرؑ، حضرت الیاسؑ، حضرت داوودؑ، حضرت لقمانؑ، حضرت سلیمانؑ و حضرت دانیالؑ بیان شده است۔ **مقاله پنجم** در موردِ طوایف الملوکی و انبیای معاصر چون حضرت زکریاؑ، حضرت

۱۔ استوری،ص ٦۸۵
۲۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۵۲،ش۱۲۹
۳۔ استوری،ص ۱۳۵
٤۔ همان
۵۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۵۲،ش۱۲۹
٦۔ استوری،ص ۱۳۵
۷۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۵۳،ش۱۲۹

یحییٰؑ، اصحاب کهفؓ، حضرت عیسیٰؑ و حضرت یوحناً است۔ **مقاله ششم** دارندۂ تاریخِ شاهانِ ساسانی تا نوشیروان است۔ **مقاله هفتم** در تاریخ نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم و خلفای راشدین است۔ **مقاله هشتم** دربارۂ شاهانِ بنو امیه و **مقاله نهم** در ذکرِ شاهان بنوعباس است۔ از **مقاله دهم** تاریخ هندوستان آغاز می شود که درباره طلوعِ اسلام در هندوستان و اولین سلاطین اسلام درین دیار یعنی محمود غزنوی، سلطان شهاب الدین غوری وغیره است۔ **مقاله یازدهم** دارندۂ تاریخِ سلاطین دهلی تا ابراهیم لودهی است۔ **مقاله دوازدهم** دربارۂ شاهانِ تیموریان از بابر تا شاه جهان است۔ **مقاله سیزدهم** درباره اورنگزیب عالمگیر و بهادر شاه اول است۔ **مقاله چهاردهم** پیرامونِ احوال جهاندار شاه و فرخ سیر است۔ آخرین یعنی **پانزدهم مقاله** دربارۂ واجباتِ اسلام بیان شده است[۱]۔

در **خاتمه** کتاب مؤلف تاریخ روزگارِ فرخ سیر، رفیع الدرجات، رفیع الدوله و جلوسِ محمد شاه بیان کرده است[۲]۔ افزون بران درین خاتمه، مباحثِ مختلفه و بررسی مختصری در ذکرِ شاعرانِ ایران ازان رومیؒ، سنائیؒ، عطارؒ، فردوسیؒ، انوریؒ، سعدیؒ، خاقانیؒ، نظامیؒ، امیر حسینی، حافظؒ، نعمت الله ولیؒ و جامیؒ وغیره هم داده شده است[۳]۔

آغاز: **'منت و سپاس حضرت بی چون لایزالی راست که اوجب[واجب؟] که ایجادات موجودات به کن فیکون.....'**[٤]

نسخه خطی این کتاب که منحصر به فرد است در کتاب خانه اندیا آفیس نگهداری می شود و ۷۰٤ برگ دارد۔ در آخرِ این نسخه یك یا دو برگ افتاده است[۵]۔

☆**محمدشاه نامه/ صحیفه اقبال**[٦]:

۱۔ اته،اندیاآفیس،ج ۱،ستون ۵۳،ش۱۲۹

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ همان

۵۔ همان

٦۔ استوری،ص۶۰۹

یکی نویسندۂ نامعلوم که به دربارِ محمد شاه وابسته بود،این اثر را نگاشته است[۱]۔ دربارۂ منابعِ این کتاب مؤلف می گوید که او این اثر را از شنیده های پادشاه و از تاریخِ خود که هنوز قابلِ طباعت نیست، تالیف کرده است[۲]۔ این کتاب دارندۂ احوالِ زوالِ برادرانِ سادات و بخشی کوتاه از زمانِ محمد شاه است[۳]۔

آغاز: **'یا ساقی ای لعبت سینه صاف...'**[٤]

این اثر در سبکِ مصنوع و تاریخ نویسیِ درباری نوشته شده است[۵]۔ یکی نسخه کامل این تاریخ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹۰۰ نگهداری می شود و ۵۷ برگ دارد۔ دیگر نسخه خطی در کتاب خانه اندیا آفیس،لندن به شماره فهرست ۳۹۳٤ هم موجود است۔ علاوه برین چند نسخه های نا مکمل یا چکیدۂ این کتاب، هم در کتاب خانه موزه بریتانیا موجود است۔ برای تفصیلِ این نسخه ها مراجعه شود به استوری،ص۶۰۹۔

☆منتخب تواریخ خاندان بونسله[٦]/ تواریخ راجه های ناگپور[۷]:

این کتاب دارندۂ تاریخ راجه های ناگپوراست که از خانوادۂ مرهته بودند[۸]۔ این کتاب دربیانِ احوالِ سال وارِ مختصر و مجمل است که گاهی در بیان و گاهی در نامه ها و جدول های محاصل وغیره، از ۱۶۵۹م تا ۱۸۱۸م بیان شده است[۹]۔ در نوشتنِ این کتاب مؤلف از هفت منابع فارسی و بیست و پنج منابع مراتی(Mirathi) بهره برده است[۱۰]۔ در منابع فارسی این کتاب، منتخب اللبابِ خوافی خان، تواریخِ آصفجاه از قادر خان منشی، سوانح دکن از منعم خان، خزانه عامره از علی آزاد، کتابِ سوبها مل در ذکر بنگالا، راحت

۱۔ استوری،ص۶۰۹

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٤۰

۳۔ همان ٤۔ همان ۵۔ همان

٦۔ استوری،ص۷٦٤

۷۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون ۱۹۱،ش٤۸۹

۸۔ همان

۹۔ همان

۱۰۔ استوری،ص۷٦٤

افزا و مآثر الامرا شامل است[۱]. این اثر در دسامبر ۱۸۲۳م برای ریچارد جینکینز (Richard Jenkins) نوشته شده بود که در ناگپور نمایندۀ انگلیسیان بود[۲].

آغاز مقدمه: 'بنده پرور صاحب خداوند عالیشان رچارد جنکنس صاحب بهادر دام اقباله...'[۳]

آغاز کتاب: 'منتخب التواریخ خاندان بهونسله راجه های ناگپور از روی مرتّی، از بزرگان خاندان بهونسله...'[٤]

واحدنسخه معلومِ این تاریخ در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٤٨٩ موجود است و ۲۳٦ برگ دارد.

☆نسب الانساب:

این کتاب در تاریخ عمومی هند از نویسنده نامعلوم است[۵]. فقط یك نسخه خطی این اثر در کتاب خانه جان ریلیند مانچیستر موجود است[٦].

☆نسب نامه جاریجه:

این اثر دارندۀ احوال سردارانِ کچ (Cutch) از آغاز آنها تا ۱۸۱۹م است[۷]. در آغازِ نسخه موزه بریتانیا نوشته شده است که این اثر از گفتۀ 'اوپادیه کُرجی جادیو میر' در ۱۸۷۸ بکرمی/۱۸۲۲م نوشته شده بود که در ویراه (Virah)، پرگنۀ بوج (Bhoj) زندگی می کرد[۸]. اما در آخرِ کتاب نوشته است که این اثر از گجراتی به فارسی، به دستورِ مستر

۱- اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱۹۱، ش ٤٨٩
۲- استوری، ص ۷٦٤
۳- اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱۹۱، ش ٤٨٩
٤- همان
۵- استوری، ص ٤۹۳
٦- همان
۷- همان، ص ۷۳۳
۸- ریو، ج ۱، ص ۲۹۰

والتر (Mr. Walter) نایب مقیمِ کچ، برگردانیده شده بود[۱]۔ معلوم می شود که اوپادیه کرجی جادیو میر این اثر را در گجراتی به نوشتن آورده و بعد ازان این اثر به دستورِ مستر والتر به فارسی ترجمه شده بود۔

آغاز: 'یاد داشتِ نسب نامه جاریجه ساکنه کچه (Kach) وغیره......'[۲]

واحد نسخه معلوم این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره ۱۹۳٦٦ .Add نگهداری می شود که دارندۂ ۵۰ برگ است۔

☆نظم الملوك:

این کتاب از نویسندۂ نامعلوم به صورتِ مثنوی نگاشته شده است۔ این اثر دارنده تاریخِ تیموریان از اورنگزیب عالمگیر تا روزگارِ فرخ سیر است[۳]۔ در آخرِ کتاب مؤلف نوازشات و القابات را بیان نموده است که از سوی پادشاه به عبدالصمد خان بخشیده شده بود[٤]۔ درین کتاب عبدالصمد خان به لقبِ 'سیف الدوله' خوانده شده است[۵]۔ عبدالصمد خان این لقب را در ۱۱۲۷ھ.ق به صله فرو نشاندنِ یورشِ سیك ها گرفته بود[٦]۔ این طور این کتاب در حدود ۱۱۲۷ھ.ق نوشته شده باشد۔

آغاز: ـ'به نام صاحب حکمت به هر کار...'[۷]

دستنویسِ فردِ معلومِ این تاریخ که شاید چکیده ای ازین کتاب است، در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or.۲۰٦۰ از برگ ۱۹۲ تا ۲۰۳ نگهداری می شود۔

☆نقل جمشید خان:

۱۔ ریو،ج۱،ص۲۹۰
۲۔ همان
۳۔ استوری،ص۵۹۸
٤۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵٦
۵۔ استوری،ص٦۰۵
٦۔ ریو،ج۳،ص۱۰۵٦
۷۔ همان

این کتاب دارندۂ احوالِ مختصرِ زمانِ جمشید خان قطب شاه است [۱]۔ نسخه خطی این کتاب در کتاب خانه لیپ زیگ(Leipzig) نگهداری می شود و ۳۸ برگ دارد[۲]۔

☆**وقایع بنگالا:**

چون از نامِ این کتاب عیان است که 'وقایع بنگالا' از نویسنده نامعلوم در تاریخِ بنگال پرداخته شده است و نسخه خطی این اثر در کتاب خانه آصفیه نگهداری می شود[۳]۔

☆**وقایع سعادت:**

این کتاب در تاریخ مختصرِ کرناتك (نوابانِ آرکات و جاگیرداران ویلور) از سعادت الله خان تا غلام مرتضیٰ خان است[٤]۔ این اثر از نویسندۂ نامعلوم در ۱۲۱۸ھ.ق/۱۸۰۳م نگاشته شده بود[٥]۔

این کتاب در سه فصل منقسم است، **فصلِ اول** در موردِ نوابانِ آرکات(Arkat) ازان میان سعادت الله خان، علی دوست خان پسرِ غلام صادق علی خان و صفدر علی خان است که در ۱۵ شعبان ۱۱۵۵ھ.ق/۱۵ آکتوبر ۱۷٤۲م همراهِ کودکانش کشته شده بود[٦]۔ **فصل دوم** دارندۂ احوال جاگیردارانِ ویلور(Vellore) از غلام علی خان تا مرگِ غلام مرتضیٰ خان در تریچی نوپولی(Trichinopoly) در ۱۱۷٦ھ.ق/۳-۱۷٦۲م است[۷]۔ **فصل سوم** در مورد بعضی از وقایع فرعی است[۸]۔

۱۔ استوری،ص۷٤۸
۲۔ همان
۳۔ همان،ص۷۲٥
٤۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۱٥٤۲،ش ۲۸٤٤
٥۔ استوری،ص۷۷۹
٦۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۱٥٤۳،ش ۲۸٤٤
۷۔ همان
۸۔ همان

در نوشتنِ این کتاب مؤلف از منتخب اللبابِ خوافی خان، نکات الکاینات از باقر علی خان، کارهای مختلفه منشی محمد امین و برخی از اطلاعاتِ شفاهی بهره برده است(۱)۔

آغاز: 'وقایع سعادت محتوی ذکر قوم و مسکن و دیوانی و صوبداری و قلعداری و جاگیرداری و مدت ریاست و انتقال...'(۲)

نسخه خطی 'وقایع سعادت' در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ۲۸٤٤ موجود است و این نسخه خطی فقط دو و نیم سطرِ فصلِ سومِ این کتاب دارد(۳)۔ بر ورقِ سفیدِ این نسخه خطی نامِ مؤلف، سعد الله خان نگاشته شده است(٤)۔

۱۔ اته، اندیا آفیس، ستون ۱٥٤۲۔۱٥٤۳، ش ۲۸٤٤

۲۔ همان، ستون ۱٥٤۳، ش ۲۸٤٤

۳۔ همان

٤۔ همان، ستون ۱٥٤۲

تواریخ بی نام با نامِ نویسنده

☆مقاله یا مضمونی بر اختلاف روایات[١] مورخین از سید حسن علی:

این اثر مشتمل بر پاسخ های چند سوالات، در موردِ اختلافِ روایاتِ تاریخ نویسان، است۔ سالِ تالیفِ این مضمون به دست نیست اما مؤلف در مقدمه می نویسد که این مقاله حسب خواهشِ سرهنری الیوت(Sir H.Elliot) نوشته شده بود[٢]۔ هنری الیوت چند سوال ها به سید حسن علی پیش کرده او را دعوتِ خامه فرسایی داد و شاید او را سرپرستی نیز کرده باشد۔

سوال ها که در مورد آن این مقاله بیان شده است، زیر قرار بود؛ آیا محمود به بنارس رفته بود؟ سببِ معزولی وزیر حسن میمندی؛ سلطانِ غور کَی مسلمان شده و محمد سوری کَی غزنین گرفت؟ سببِ یورشِ چنگیز خان، لنگ شدنِ تیمور، معرکه فارس و کرمان از تیمور، نکته های تشکیك در تاریخِ همایون و اکبر و جهانگیر و در آخر بغاوت و فرارِ محمد اکبر[٣]۔

در موردِ منابع این کتاب، مؤلف روضة الصفا، مرآة مسعودی، طبقاتِ ناصری، ظفر نامه، اکبر نامه، مرآة الاسرار از عبدالرحمن چشتی، لطایف الاشرفی، تاریخ قراختایی از سلطان احمد بن محمد مظفر، تزكِ تیموری، هفت اقلیم، تاریخ عالم آرای عباسی، واقعاتِ جهانگیری، مآثر عالمگیری و تاریخ خوافی خان را ذکر نموده است[٤]۔

آغاز: **'این نموذج را که مشتمل به اختلافِ روایاتِ مؤرخین.......'[٥]**

١۔ مارشال،ص١٧٧ این اثر را 'رساله حسن علی' نام داده است۔

٢۔ استوری،ص١٥٧

٣۔ ریو،ج٣،ص٩٠٠

٤۔ همان

٥۔ همان

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۲۰۴۵ نگهداری می شود و ۱۷ برگ دارد[۱]۔

☆یورشِ ایران بر هند از حزین لاهیجی:

این اثر مشتمل بر احوالِ یورش های ایرانیان به هند است۔ مؤلفِ این کتاب شیخ محمد علی حزیّن لاهیجی در اصفهان در ۱۱۰۳ه.ق/۱۶۹۲م متولد گردید و در بنارس در ۱۱۸۰ه.ق/۱۷۶۶م فوت شد[۲]۔ وی این اثر را در ۱۱۸۰ه.ق/۱۷۶۶م در حسین آباد تالیف کرد[۳]۔

آغاز: **'موافق سیَر معتبره دفعتی که لشکرِ ایران به سِند و هند درآمده......'**[٤]

نسخه خطی این اثر در کتابخانه برلین و انجمن آسیای بنگال نگهداری می شود[۵]۔

☆مسودۂ تاریخ از منشی خلیل الله خان:

این مسودۂ تاریخی از منشی خلیل الله خان در احوالِ سردارهای بالاب گره(Balabgarh)(فریدآباد) نوشته شده بود[٦]۔ این اثر دارندۂ اطلاعات تاریخی از مرگِ سورج مل جات تا روانگی مستر میتکالف(Mr. Metcalfe)در حدودِ ۱۸۲۰م است[۷]۔ در آخرِ این مسوده تاریخ و جغرافیای حصار فیروزه بیان شده است[۸]۔

نسخه خطی این مسوده در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹٦۱ از برگ ۳۸

۱۔ استوری،ص۱۵۷
۲۔ همان،ص۳۲٦
۳۔ همان
٤۔ همان
۵۔ همان
٦۔ همان،ص٦۷۷
۷۔ ریو،ج۳،ص۱۰۳۸
۸۔ همان

الف تا ٥١ ب نگهداری می شود[١]۔ یکی دیگر نسخه خطی دارندۂ چکیدۂ این مسودات در همین کتاب خانه به شماره Or. ۱۹۸۲ بر برگِ یازدهم نگهداری می شود که در باره حصار و فیروزه و بالاب گره است[٢]۔

☆تاریخ عروجِ خانواده بونسله از دولت سینگ:

این تاریخِ نامکمل و بی ربط[٣]، در ذکرِ خانوادۂ بونسله (Bhonsla) و سیواجی مرهته است[٤]۔ اگرچه نامِ مؤلف در متنِ این کتاب نیامده است اما بر ورقِ سفیدِ نسخۂ خطی، این اثر به دولت سینگ منسوب شده است[٥]۔ درین کتاب مؤلف بسیار واژه های غیر فارسی به کار برده است[٦] که ازان گمان می شود که این اثر از زبانِ میراتی (Mirathi) به فارسی ترجمه شده است[٧]۔

نسخه خطی این کتاب دارنده ۸۳ برگ است و در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٤٨٧ موجود است و مشتمل بر دو جلد است۔ اما جلدِ دوم این نسخه کامل نیست و دارندۂ احوال سداشیوراو وبهاو هولکر و شجاع الدوله تا جنگِ پانی پت در ۱۱۷٤ ه.ق است[٨]۔ علاوه برین، این تاریخ دارندۂ جدول های دربارۂ سلطنتِ مرهته هم است[٩]۔

آغاز: **'ذکریست در بیان آنکه اما(!) این کتاب بزوع(!) خاندان ترقی راجه بهوسله......'**[١٠]

☆احوال شهادت حسین علیخان از زورآور سینگ:

این اثرِ بی نام به صورت مثنوی نگاشته شده است۔ نویسنده این مثنوی زورآور

١۔ ریو، ج٣، ص١٠٣٨

٢۔ همان، ص١٠٤١

٣۔ استوری، ص٧٦٥

٤۔ همان

٥۔ اته، اندیا آفیس، ج١، ستون ١٩٠، ش٤٨٧

٦۔ همان ٧۔ استوری، ص٧٦٥

٨۔ اته، اندیا آفیس، ج١، ستون ١٩٠، ش٤٨٧

٩۔ همان ١٠۔ همان

سینگ در روزگار اورنگزیب همراه پدر و مادرش در حیدرآباد اقامت داشت[۱]۔ وقتی که این مثنوی را سرود، مردِ ثروت مند بود و بیش از دو صد زنان در خانۀ خود داشت[۲]۔ این مثنوی دارندۀ احوال شهادت حسین علی خان و برگزاری اعتمادالدوله محمد امین خان به طور وزیر است[۳]۔ نسخه خطی این مثنوی در کتاب خانه پاریس موجود است[٤]۔

☆مختصر در احوال تیموریه از احمد علی:

این تاریخ بی نام دارندۀ تاریخِ تیموریان هند تا۱۲۲۸ھ.ق/۱۸۱۳م است[٥]۔ بیش از نصفِ این کتاب دارندۀ تاریخِ روزگارِ شاه عالم دوم است[٦]۔ نویسندۀ این کتاب احمد علی پسر یوسف علی فیض آبادی است[۷]۔ این اثر در ۱۲٤٥ھ.ق/۱۸۳۰م نگاشته شده بود[۸]۔ مؤلف این کتاب را حسب فرمایشِ مهاراجه کرت چند(Kirat Chand) تالیف کرده بود[۹]۔ نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس،لندن موجود است۔

☆فهرست تاریخ وار شاهان هندوستان از کانجی مل:

این اثر دارندۀ فهرست راجه های هندوستان از جودهشتر تا پتورا(Pithora) و شاهان مسلمان از شهاب الدین غوری تا تاجگزاری اکبر شاه دوم در ۱۲۲۱ھ.ق/۱۸۰٦م است[۱۰]۔

آغاز: 'بعد از حمد خدا و درود محمد مصطفیؐ...'[۱۱]

نسخه خطی این اثر در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸٦٤ نگهداری می شود و دارندۀ ۱۸ برگ است۔ به روشِ هندووان در تاریخ نویسی فارسی، نویسنده این اثر

۱۔ استوری،ص٦۰۷
۲۔ همان ۳۔ همان ٤۔ همان
٥۔ همان،ص٥۲۳
٦۔ مارشال،ص٤٥
۷۔ استوری،ص٥۲۳
۸۔ نبی هادی،ص٤۳
۹۔ استوری،ص٥۲۳ ۱۰۔ همان،ص٤۸۱
۱۱۔ ریو،ج۳،ص۹۱۷

اگرچه هندو بود اما آغاز این کتاب با حمد خداوند و درود بر نبی کریم صلی الله علیه و آله وسلم کرده است۔

☆احوال اوده از خیرالدین محمد اله آبادی:

نسخه خطی این اثر در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۱٦ از برگ ۲٦ تا ۷۰ نگهداری می شود۔ نویسندۀ این اثر خیرالدین محمد اله آبادی است که احوالش در ذکر عبرتنامه گزشته است۔ ریو و استوری این اثر را به نام "A circumstantial account of the affairs of Oude" ذکر کرده اند[۱]۔ این اثر دارندۀ مطالبِ تاریخی از مرگ شجاع الدوله تا قتل مختارالدوله و شکست و سرسپردگیِ محب علی خان است[۲]۔

☆تاریخ لشکرکشی خلاف رگونات راو[۳] ازفیض بخش قاضی:

این اثر از فیض بخش قاضی اورنگ آبادی[٤] یادگار است و مشتمل بر یادداشت های تاریخی در مورد معاملات های نظامی میان نظام علی خان پسر نظام الملك آصفجاه و رگونات راو پسرِباجی راو و دیگر سردارانِ مرهته است[٥]۔ چون نظام علی خان خلاف رگونات راو پیشروی کرد، وی محمد فیض بخش قاضی اورنگ آبادی را برای نوشتن احوال این لشکرکشی دستور داد[٦]۔ این یادداشت ها از ۲۲ شعبان ۱۱۸۷ ه.ق/۱۷۷۳ م آغاز شده به شکست و فرار رگونات راو، نزدِ نربده، در ٦ ربیع الاول ۱۱۸۸ ه.ق/۱۷۷٤ م اختتام می پذیرد[۷]۔

۱۔ استوری،ص۷۰٤/ریو،ج۳،ص۹٤۸

۲۔ ریو،ج۳،ص۹٤۸

۳۔ استوری،ص۷٤۹(History of the campaign against Raghunath Rao.)

٤۔ همان

٥۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٥۲،ش٦۱٤

٦۔ استوری،ص۷٤۹

۷۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٥۲،ش٦۱٤

آغاز:

'سپاس بی قیاس به بارگاه داوری که ظل مکرمتش معین حکام اهل اسلام است..'[1]

واحد نسخه معلوم این اثر در کتاب خانه بانکیپور به شماره ٦١٤ موجود است و مشتمل بر ۳۱ برگ است۔

---

۱ ۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص ۱۵۲، ش ٦١٤

تاریخ های بی نام از نویسندگانِ نامعلوم

☆تاریخ مرهته ها در جنگ پانی پت[۱]:

این تاریخ مختصر در موردِ احوال مرهته ها است و نویسندهٔ این تاریخ که نامِ وی معلوم نیست درین کتاب تاریخِ مرهته ها تا جنگ پانی پت بیان نموده است و نسخه خطی این اثر در کتاب خانه دانشگاه گلاسکو موجود است[۲]۔ درین دستنوشته بعد از تاریخِ مرهته ها، فهرست شاهان تیموریان و پسرانش همراهِ چهار برگ در موردِ غازی الدین خان، وزیرِ احمد شاه و عالمگیر دوم، نیز داده شده است[۳]۔

آغاز: **'ویسوجی پانت که جد سیوم بالاجی راو پیشوا بود، نوکر یاقوت خان حبشی صاحبِ راج پوری بود..'**[٤]

☆احوال وقایع[٥]:

این نوشتهٔ تاریخی که نویسندهٔ آن معلوم نیست، یکی اثرِ نایاب است که در دوره تیموریان متاخر نگاشته شده بود و مشتمل بر وقایع تیپو سلطان است ۔ نسخهٔ خطی این اثر در کتاب خانهٔ اندیا آفیس به شماره فهرست ۵۲۸ نگهداری می شود و ٦٩ برگ دارد[٦]۔

این اثر،مشتمل بر 'چهار کتاب' است و دارندهٔ وقایع تاریخی از۱۱۹۷هـ.ق تا ۱۲۰۰هـ.ق است۔ **کتاب یکم** دارندهٔ احوالِ ۱۱۹۷هـ.ق/۱۷۸۳م است که سالِ نخستِ جلوسِ تیپو

۱۔ استوری،ص۷٦۱(Anonymous History of the Marathas to the battle of Panipat.)

۲۔ همان

۳۔ همان

٤۔ همان

٥۔ همان،ص۷۷٦(Accounts of the events)

٦۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۲۱۰،ش۵۲۸

سلطان بود [۱] ـ **کتاب دوم** مشتمل بر احوالِ ۱۱۹۸هـ.ق/ ۱۷۸٤م است که سال دوم جلوس تیپو سلطان بود[۲] ـ **کتاب سوم** در موردِ وقایع ۱۱۹۹هـ.ق تا ۱۲۰۰هـ.ق/ ۵٦ـ۱۷۸۵م است[۳] ـ **کتاب چهارم** که مختلف از هر سه است، در ذکرِ علوم مختلفه است ـ درین اثر مؤلف ذکر داروغه ها، سردار ها، نیروی انگلیسی ها در هند، راگ های هندوی و چیز های دیگر چون بیت، غزل، رباعی وغیره از حسن علی عزت، زین العابدین و از شعرای دیگر بیان شده است[٤] ـ

☆القاب های شهزادگان و امیران دورهٔ اورنگزیب:

هیچ چیزی ازین کتاب معلوم نیست الا که یکی نویسندهٔ نامعلوم این اثر را در موردِ القاب های شهزادگان و امیرانِ دورهٔ اورنگزیب عالمگیر تالیف کرد [۵] ـ نسخهٔ خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۹۱۳ از برگ ۱۵۰ تا ۱۸۸ نگهداری می شود[٦] ـ

☆درباره حکومتِ بهادر شاه و جهاندارشاه:

یکی نویسندهٔ نامعلوم در روزگارِ جهاندار شاه(۱۱۲٤هـ.ق/۱۷۱۲م) تاریخی نگاشته بود که بیست برگ ازان درمورد حکومتِ بهادر شاه و جهاندارشاه، به صورتِ نسخهٔ خطی در موزه بریتانیا نگهداری می شود [۷] ـ این نسخهٔ خطی موزه بریتانیا چند عکس نیز در بر دارد[۸] ـ

☆مثنوی بر جنگ های انگلیسیان:

این مثنوی از نویسندهٔ نامعلوم در موردِ جنگ های انگلیسیان در اوایل قرنِ نوزدهم با ریاست های مرکزی و جنوبِ هند است[۹] ـ

۱ـ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۲۱۰، ش ۵۲۸

۲ـ همان، ستون ۲۱۰ـ۲۱۱

۳ـ همان، ستون ۲۱۱

٤ـ همان

۵ـ ریو، ج ۳، ص ۹۹۵

٦ـ همان

۷ـ استوری، ص ٦۰۰

۸ـ همان

۹ـ همان، ص ٦٤۹

آغاز: **'به نام که نامش هر نامه...'**[۱]

نسخه خطی این مثنوی در لیپ زیگ(Leipzig) نگهداری می شود و ناقص الآخر است[۲]۔

☆**در بارۀ روابطِ شرکتِ هندِ شرق با راجه های هندووانِ محلی:**

یکی اثرِ بی نام از نویسندۀ نامعلوم در کتاب خانه برلین به شماره ۵۲۱ نگهداری می شود[۳]۔ این اثر در سه باب منقسم است که دو بابِ نخست در ذکرِ روابطِ شرکتِ هند شرق با راجه های هندووانِ محلی از ۱۱۸۲ بکرمی/ ۱۷۷۵م [٤]است۔ باب سوم این کتاب در موردِ اصولِ محاصرۀ جنگِ سردارانِ سلف است[٥]۔

☆**در بارۀ احوال بنای چند قصبه ها در پنجاب :**

استوری در کتابش 'ادب فارسی' کتابی بی نام از نویسندۀ نامعلوم در موردِ احوال بنای چند قصبه ها در پنجاب ذکر کرده است[٦]۔ درین کتاب مؤلف تاریخ بنای قصبه های روپار، بهلول پور، ماچوواره، لدهیانه، تهاره، جگرانو، کوترای، کوتله و سونام داده است[۷]۔ نسخۀ خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱٦۲۳ از برگ ٥٦۱ الف تا ٦۰۲ب نگهداری می شود و ریو در موردِ این بخشِ نسخۀ خطی بیان می کند که در زبانِ هندوستانی نگاشته شده است [۸]۔

☆**درباره تاریخِ بلتستان:**

این تاریخ بی نام که نویسندۀ این هم معلوم نیست خیلی مهم است۔این اثر در ذکرِ تاریخِ خطۀ بلتستان، در شمالِ کشمیر، است[۹] و به نامِ 'تبتِ خورد' وبه نامِ پای تختِ خود

۱۔ استوری،ص٦٤۹
۲۔ همان
۳۔ همان،ص٦٥۰
٤۔ همان ٥۔ همان
٦۔ همان،ص٦۷۷
۷۔ ریو،ج۳،ص۹٥٤
۸۔ همان
۹۔ استوری،ص٦۸۷

'اسکردو' هم خوانده می شود[1]۔

واحدنسخه معلوم این تاریخ در کتاب خانه بادلین به شماره ۱۹۹۵ موجود است و ٦۷ برگ دارد۔ این نسخه خطی از آغاز و انجام افتاده است۔ آنجا که نسخه آغاز می شود بیتِ اول هم ناخوانده است۔ اته در فهرستِ کتاب خانه بادلین بیتِ دومِ این کتاب نقل کرده است که زیر قرار است:

۔'برآمد چو خاور ز چرخ کبود
ز روی جهان زنگ ظلمت زدود'[2]

اته یکی سرنامه از آغازِ این نسخه هم نقل کرده است:

'مناقشه نمودن و باغی شدن مرزا خان از کشتن وزیراوم خان و نسبت خویشی نمودن مراد خان با اوم خان و به اتفاق بر سر مرزا خان آمدن'[3]

☆درباره تاریخ کشمیر:

این اثرِ بی نام از نویسنده نامعلوم در یك مقدمه، دوکتاب و یك خاتمه نگاشته شده بود۔ در **مقدمه** مؤلف زمان باستان را ذکر کرده می گوید که درین خطه یکی دریاچه بود و وقتی این وادی را پُر کرده بود و یکی از جنات 'کاش' و دخترش 'میر' به حکمِ سلیمانؑ پیامبر آن را خشك کردند و به همین علت این خطه کشمیر خوانده می شود[4]۔ **کتاب یکم** درباره شاهانِ هندووان و **کتاب دوم** در ذکرِ شاهانِ اسلامِ این خطه است[5]۔ جالب است که کتاب یکم از تاریخ حیدر ملك و کتاب دوم از بهارستانِ شاهی گرفته شده است[6]۔ اما مؤلف مقدمه و خاتمه از خود نوشته است۔ **خاتمه** کتاب درذکرِ چند جاهای مهمی این خطه است[7]۔

۱۔ اته، بادلین، ج ۱، ستون ۱۱۳۱، ش ۱۹۹۵
۲۔ همان
۳۔ همان
٤۔ ریو، ج ۳، ص ۹٥٦
٥۔ همان
٦۔ استوری، ص ٦۸۷
۷۔ همان

آغاز: ـ 'حمد آن مبدعی که عالم جود
بست گردش چنانکه بود کشود'[۱]

واحدنسخه معلوم این تاریخ در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۷۹۹ نگهداری می شود و ۲٦۰ برگ دارد[۲]ـ

☆درباره فوج رنجیت سینگ:

یکی دیگر اثر تاریخی این دوره که بی نام نویسنده است در باره خرچ های ارتشی رنجیت سینگ است. این اثر در سه بخش منقسم است؛ یکی درباره پیاده نظام، دیگری در مورد سواره نظام و سه دیگری درباره توپخانه[۳]ـ درین کتاب علاوه بر حساب های نظامی، ترتیبِ ارتش و دسته های ارتش هم داده شده است.

علاوه بر حقوقِ ارتش، این کتاب دارنده خرچ های دیگر چون تعمیر نو، روشنی و مستمری وغیره نیز است [٤]ـ از مطالعه این کتاب معلوم می شود که بسیارکسان در توپخانۀ رنجیت سینگ مسلمان بودند. در نسخۀ بانکیپور، برابرِ عدد های فارسی ، عددهای هندی هم به روشنای سرخ درج شده است[٥]ـ

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه خدا بخش، بانکیپور پتنه به شماره ٦۲۲ موجود است و ٤۷۷ برگ دارد[٦]ـ

☆در تاریخ بنگالا:

این احوال تاریخی هم از نویسندۀ نامعلوم در بیانِ وقایع جنگ میان شرکت هند شرق با میر قاسم خان است[۷]ـ

آغاز: 'از جملـه بوقلمونی روزگار و نیرنگی قدرت آفریدگار، احوال میر قاسم خان

ـ۱ ریو، ج۳، ص٩٥٦
ـ۲ همان، ص٩٥٥
ـ۳ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج۷، ص١٦٥
ـ٤ همان، ص١٦٦
ـ٥ همان
ـ٦ همان
ـ۷ استوری، ص٧٢٤

نادانست چنانکه صاحب ادنیٰ شعوری در سوانح احوال او بدیده تأمل نکرد حیرت زار بست که تماشای آن سرمایه عبرت دیده وران دانشور تواند بود۔ برخی ازان قضایاو سرگذشت بر سیل اجمال به زبان قلم صداقت رقم، داده می شود'[۱]

این اثر بیشتر از سیر المتاخرین برده شده است[۲]۔ نسخه خطی این کتاب در کتابخانه بادلین به شماره ۲۸۰ موجود است[۳]۔

☆ناظمان بنگال:

این اثر در موردِ ناظمانِ بنگال است از روزگارِ جهانگیر تا زمانِ فرخ سیر بر بنگال مامور بودند[٤]۔

آغاز: **'سال هشتم جلوس جهانگیری به انتقال اسلام خان قاسم خان برادر او مقرر شد۔ بعد ازان به ابراهیم خان فتح جنگ مقرر گشت۔ در عمل این صوبداران به احوال ملك چندان هرج و اختلال نبود...'**[٥]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه بادلین به شماره ۲۷۸ از برگِ ۵۸ تا ۷۳ نگهداری می شود۔ آغاز و انجام این نسخۀ خطی افتاده است[٦]۔

☆احوال مانی بیگم:

یکی نسخه خطی در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ۱۹۵۰٤ نگهداری می شود که دارندۀ فش های مختلفه است [۷]۔ درین دستنویس چند برگ از ۱۳ تا ۲۵ در موردِ مانی بیگم همسرِ میر جعفر خان است و علاوه برین اخبار شاه عالم، غلام قادر و سیندیه است[۸]۔

۱۔ اته، بادلین، ج ۱، ستون ۹-۱٤۸، ش ۲۸۰
۲۔ همان
۳۔ استوری، ص ۷۲٤
٤۔ همان، ص ۷۲٥
٥۔ اته، بادلین، ج ۱، ستون ۱٤۷، ش ۲۷۸
٦۔ همان
۷۔ ریو، ج ۱، ص ٤۰۹
۸۔ همان

☆درباره تاریخ و حکومت و محاصلِ بنگال:

یکی اثر دیگر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره۱۹۵۰۳ .Add هم دارندۂ فش های مختلفه در موردِ تاریخ و حکومت و محاصلِ بنگال است[۱]۔این اثر را چند نویسندگان برای کولونل جان مری(Col.John Murray) نگاشته بودند [۲]۔ افزون بران این اثر نقلِ چند نامه ها هم دارد که از سوی راجه کالی چرن وغیره به جان مری و دو نامه از جانب گورنر ژانرل جان شور(Sir John Shore) به نظام ناصر الملك فرستاده شده بود[۳]۔

☆روزنامچه در باره عهد محمد شاه:

این اثردر ذکرِ چند سال آخرین جلوس محمد شاه است که یکی نویسنده نامعلوم پرداخته است۔ این روزنامچه دارنده احوال از ۱۸ ذی القعده۱۱۵۹ھ.ق/۲دسامبر۱۷٤٦م تا ۱۱ جمادی الآخر ۱۱٦۱ھ.ق/۸ژون۱۷٤۸م است[٤]۔ این تاریخ به صورت روزنامچه نگاشته شده است و نویسنده حتماً وقایع که با چشم خود ملاحظه می کرد، آن را نوشته باشد[۵]۔

آغاز: 'چون از بوقلمون های روزگار...'[٦]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه اندیا آفیس به شماره فهرست ٤۱۰ موجود است و اته گمان کرده است که این نسخۂ خطی دستنوشتۂ مؤلف است۔

☆چکیده ای از دوره محمد شاه:

این چکیده در بیانِ زمان محمد شاه، دارندۂ احوال یورش های مرهته ها و نادر شاه است۔ در آخرِ این اثر، آمدن امیرخان و صفدرجنگ به دربار شاهی در بیست و پنجم سال جلوس و ورودِ علی محمد خان روهیله در شهرستان مرادآباد در ۱۱۵۵ھ.ق مندرج

۱۔ ریو،ج۱،ص٤۰۹
۲۔ استوری،ص۷۲۵
۳۔ ریو،ج۱،صص٤۰۹۔٤۱۰
٤۔ استوری،ص٦۱۹
۵۔ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون۱۵۵،ش٤۱۰
٦۔ همان

است[۱]۔ این اثر ازین سرنامه آغاز می شود:

آغاز: **'ذکر تخلل در صوبه جات ممالک محروسه'**[۲]

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱٦٥٦ از برگ ۸۷ تا ۹۰ نگهداری می شود۔ استوری یکی دیگر نسخه خطی را ذکر هم کرده است که در کتاب خانه اندیا آفیس،لندن موجود است[۳]۔

☆درباره راجه های عنبر و جی پور:

یکی تاریخ بی نام از نویسندۀ نامعلوم در مورد راجه های عنبر و جی پور در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Or. ۱۸۳۸ از برگ ۱۸ب تا ۲۸ نگهداری می شود[٤]۔ این اثر دارندۀ تاریخِ راجه های عنبر و جی پور تا تالیف این کتاب در ۱۲٦۰ھ.ق/۱۸٤٤م است[٥]۔ در اختتام این تاریخ،احوالِ مرگِ جی سینگ به دستِ چوتا رام (Chautha Ram) و تخت نشینی رام سینگ پسر جی سینگ هم مندرج است[٦]۔

☆زندگی نامه های امیران:

این اثر دارنده احوالِ مختصرِ زندگی نامه های امیران چون محمد خان بنگش و پسرانش، سید سعادت خان و جانشینانش، علی محمد خان روهیله، نجیب الدوله، مرزا نجف خان، جعفر خان ناصری، مرشد قلی خان و جانشینانش در بنگال و چند امرای دیگر نیز است[۷]۔ علاوه برین درین اثر احوال مرهته ها، سیك ها، جات ها و انگلیسیان هم مندرج است[۸]۔ نویسنده که نامش معلوم نیست، این اثر را در ۱۲۰۰ھ.ق، به طور تمایلدارِ انگلیسی ها نوشته بود[۹]۔

۱۔ ریو،ج۳،ص۱۰۰۸
۲۔ همان
۳۔ استوری،ص٦۱۹
٤۔ ریو،ج۳،ص۱۰۲۹
٥۔ همان ٦۔ همان
۷۔ استوری،ص٦٤۹
۸۔ ریو،ج۲،ص۷۹۸
۹۔ همان

نسخه خطی این اثر در کتاب خانه موزه بریتانیا به شماره Add. ٦٥٨٧ از برگ ۱۲۰ تا ۱۲۵ موجود است۔ جالب است که اگرچه این نسخه خطی نوشتۀ ۱۱۹۷ ھ۔ق است اما ریو سال تالیف این کتاب ۱۲۰۰ ھ۔ق بیان نموده است۔ البته استوری همان سال تالیف ۱۱۹۷ ھ۔ق/ ۱۷۸۳م نوشته است(۱)۔

☆دستورالعمل:

این اثر بی نام که استوری این را دستورالعمل گفته است دارندۀ تاریخ هندوستان از عهد باستان تا ۱۱۷۹ ھ۔ق/ ۱۷٦٥م است (۲)۔ علاوه برین این اثر، تاریخ های وقایع مهمی و چیزهای متعلقه به دربار در جدول ها، هم دارد(۳)۔

آغاز: 'به موجبِ تواریخِ هندوی.......'(٤)

دونسخۀ خطی این اثر در کتاب خانه برلین به شماره ٤۷۳ و ٤۷٤ موجود است(٥)۔

نتیجه گیری باب پنجم:

از لحاظِ تعدادی و انواعِ تاریخ، دورۀ تیموریانِ متاخر بیشتر از دورِ گذشته ارزش مند بود و این بابِ پنجمِ این مقاله هم برین دلالت می کند چون علاوه بر تواریخِ دورۀ تیموریانِ متاخر که در چهار باب نخستینِ این مقاله بیان شده است، بسیار تواریخ این طوری هم هست که نامِ نویسندگانِ آنها یافته نمی شود۔ در دورۀ تیموریان متاخر این طوری تواریخ هم هست که بی نام است حتٰی بسیار کتاب های تاریخی این چنین هم است که نامِ آن کتاب و نویسندۀ آن در دست نیست۔

۱۔ ریو،ج۲،ص۷۹۸ و استوری،ص٦٤۹

۲۔ استوری،ص٤۷۳

۳۔ همان

٤۔ استوری،صص٤۷۲۔٤۷۳

٥۔ همان،ص٤۷۳

بررسی کُلّی تاریخ نویسی دورۂ تیموریان متاخر در شبه قاره

دورۂ تیموریانِ متاخر از نظر تاریخ نویسی در شبه قاره از دورۂ پیشین بسیار غنی تر بود۔ بعد از ورودِ مسلمانان در شبه قاره در هیچ دوره این قدر کتاب های تاریخی نگاشته نشده بود که در دورۂ تیموریان متاخر به نظر می رسد۔ تاریخ نویسان این دوره نه تنها کتاب های تاریخی را تالیف کردند بلکه درین تاریخ ها اطلاعاتِ دیگر دربارۂ مردم های عمومی، معاشرتِ آنزمان و رسومِ این دیار را هم ذکر می کردند، به طور مثال 'گلزار آصفیه' از خانزمان خان[۱]، 'مجمع الاخبار' از هر سُك رای[۲]، 'عبرتنامه' از مفتی علی الدین پسر خیر الدین[۳] وغیره۔

بیشتر تاریخ نویسانِ دورۂ مغول از روشنفکران و دانش آموختگانِ طبقۂ متوسط بوده، با نوشتنِ آثارشان، درپی آن نبودند که کسبِ سود و تحسین و تقدیر کنند[٤]۔ حالانکه بعضی تاریخ نویسانِ دورۂ تیموریان متاخر به دربارِ شاهی یا به دربار امرای نامدار وابسته بودند۔ به طور مثال میر محمد احسن ایجادؔ نویسندۂ 'فرخ سیر نامه' که او در گجرات وابسته به افواجِ شاهزاده محمد اعظم بود و ازین به بعد در اتاوه(Etawah) فوجدار مامور گشت[٥]، مبارك الله واضحؔ ارادت خان نویسندۂ 'تاریخ ارادت خان یا مقتل السلاطین' که در سال چهلمین جلوس اورنگزیب لقب موروثی خود 'ارادت خان' گرفت و فوجدار اورنگ آباد مامور گشت[٦]، محمد قاسم عبرتؔ لاهوری نویسندۂ 'عبرتنامه' که وابسته به دربارِ امرا و نوابانی چون عبدالصمد خان، زکریا خان و معین الملك بود[۷] و بعد ازان در

۱۔ خانزمان خان، خواجه غلام حسین، گلزار آصفیه چاپی، به اهتمام مهدی توسلی

۲۔ الیوت، ج۸، صص ۳۵۷۔۳٦۰

۳۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱۹۹، ش ٥۰٤

٤۔ اسماعیل پور، مهیز، دانشنامه ادب فارسی، ج٤، بخش ۱، ص ٦٤۲

٥۔ استوری، ص ٦۰٤

٦۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۷، ص ۸۸

۷۔ محموده هاشمی، دکتر، تحولِ نثر فارسی...، ص ٥۰

سلكِ ملازمانِ امیرالامرا سید حسین علی خان شامل گردید(۱)، محمد هادی کامور خان نویسندۀ 'هفت گلشن محمد شاهی' که بعد از وفاتِ اورنگزیب در سال دوم تخت نشینی بهادر شاه در خدمتِ شاهزاده محمد ابراهیم پسر رفیع الشان 'میر سامان' مامور شده به خطاب 'کامور خان' سرافراز گشت (۲) و در زمانِ بهادر شاه بر منصب دیوان، بخشی و خانسامان فایز گردید و بعد ازان داروغه خزانۀ احدی هم می ماند(۳)، عاصی کلانوری نویسندۀ 'اسرار صمدی' که از منشیان دربار نواب عبدالصمد خان دلیر جنگ ناظمِ لاهور بود(٤) وغیره۔

برخی تاریخ نویسانِ دورۀ تیمریانِ متاخر خود در جنگ های زمانِ خود شرکت کردند و بعضی وابسته به وقایع مهمی زمان خود بودند۔ ازین به بعد احوال آن جنگ ها یا احوال دورۀ خود در تواریخ خود بیان نمودند۔ به طور مثال 'تاریخ دلگشا' از بیم سین که در خدمت راو دلپت بندیله بود و در بسیار مهم ها شرکت کرد و احوال آن مهم ها درین اثر نگاشته است (٥)۔ همین طور نورالدین فاروقی نویسندۀ 'جهاندارنامه' که خود در ارتشِ جهاندار شاه و عبدالصمد خان خدمت انجام می داد و درین کتاب بعد از وفات بهادر شاه ذکرِ جنگ تخت نشینی میان معزالدین جهاندار شاه و سه برادران او و احوالِ مفصل حکومتِ وی و شکستِ او به دستِ فرخ سیر تا مرگِ جهاندار شاه بیان نموده است (٦)۔

همین طور محمد هاشم خوافی خان که از ملازمان اورنگزیب بود و یکی از پر اثر ترین نویسندۀ تاریخِ دوره اورنگزیب عالمگیر بود و کتابی به نام 'منتخب اللباب' نگاشت(۷)۔

همین طور محمد بخش آشوب از سوی معین الملك خلاف احمد شاه ابدالی شریك جنگ بود و مثنوی به نام 'کارنامه' بر فتح آن جنگ در ۱۱٦۲ ھ.ق نگاشته بود (۸)۔ محمد جعفر شاملو نویسندۀ 'منازل الفتوح' در جنگ پانی پت ۱۱۷٤ ھ.ق با احمد شاه خلاف

۱۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱٤٦، ش ۳۹۳
۲۔ عبدالمقتدر، مولوی، بانکیپور، ج ۷، ص ۱٥
۳۔ الیوت، ج ۸، ص ۱۸
٤۔ فتح نیا طبری، مژگان، دانشنامه ادب فارسی، ج ٤، بخش ۱، ص ۱۹٤
٥۔ مارشال، ص ۱۱۳
٦۔ استوری، صص ٦۰۳-٦۰٤
۷۔ اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱٤۸، ش ۳۹٦
۸۔ ریو، ج ۳، ص ۹٤٤

وسواس راو و بهاؤ راو شرکت هم کرده بود و احوال این جنگ در منازل الفتوح ذکر نموده است[۱]۔

بعضی تاریخ نویسانِ دورۂ تیموریان متاخر سوانح عمری خود نوشتند و این سوانح عمری مآخذ مهمی تاریخ آنزمان به شمار می رود۔ به طور مثال مرزا علی بخت گورگانی یکی از شاهزادگان تیموریان هند بود که سوانح خود به نام 'واقعات اظفریؔ' نگاشت[۲]۔ همین طور طهماس خان نویسندۂ 'طهماس نامه' که ازبك های ارتش نادر شاه او را در کودکی به بردگی گرفتند و او دربارۂ زندگانی چادر نشینی خویش و در بیانِ دیده های خود این کتاب را نگاشته بود[۳]۔ نواب غلام محمد علی مخاطب به عظیم جاه هم در موردِ زمانِ حکومتِ خود، کتابی نگاشته بود۔ نواب محمد علی مخاطب به عظیم جاه، نواب کرناتك بود و مدتی به جای برادر خود به طور نواب گزراند و این کتابی به نام 'تاریخ نیابت عظیم جاه' در ذکرِ نوابان کرناتك تالیف کرده بود[٤]۔

در عهد تیموریان متاخر تواریخ جهان به روش 'هفت اقلیمِ' رازیؔ هم نگاشته شده بود۔ چون 'حدیقة الاقالیم' از مرتضیٰ بلگرامی[٥]، 'مرآت آفتاب نما' از شاهنواز خان هاشمی[٦]، 'فرحت الناظرین' از محمد اسلم پرسروری[۷] وغیره۔ اما جالب است که در کتاب خانه های جهان فقط آن قسمت ازین نسخه های خطی این کتاب زیاد یافته می شود که در باره هندوستان است۔ این طوری تواریخ دایرة المعارف یا دانشنامه گونه است که نه تنها دارندۂ تاریخ جهان و هفت اقلیم است بلکه آگهی های مهمی درباره فیلسوفان،مزارات و ساختمان ها وغیره هم دارد۔

برخی نویسندگانِ دورۂ تیموریان متاخر که از ملازمت پادشاهانِ محلی یا استاندار

۱۔ ریو،ج۲،ص۸۳۹
۲۔ استوری،صص ٦٤٢۔٦٤٣
۳۔ نبی هادی،ص٥٨٤
٤۔ همان،ص۱۰٤
٥۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۹۸
٦۔ اته،بادلین،ج۱،ستون٦٦،ش۱۲۰
۷۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج۳ص٤۳۲

ها باز نشسته می شدند، اکثر از آن نویسندگان در شرکت هند شرق مشغول کار می شدند۔ در شرکت هند شرق این نویسندگان به طور منشی کار می کردند و بیشتر از آن ها حسبِ خواهشِ انگلیسی ها تواریخ می نگاشتند۔ جای ملاحظه است که این منشیان بیشتر تواریخ محلی نگاشتند و با انگلیسیان نزدیك شدند۔

انگلیسان بیشتر از همه اصناف ادب، تاریخ نویسی را زیادرواج بخشیدند و ایشان برای کارمندانِ شرکت هند شرق که انگلیسی زبان بودند، نه تنها کتاب های تاریخی این دیار را به انگلیسی ترجمه کردند بلکه بسیاری کارمندان شرکت هند شرق سرپرستی نویسندگانِ محلی نیز کردند۔ اگرچه ازین سرپرستی غرضِ انگلیسیان این بود که کارمندان شرکت با تاریخ و رسوم این دیار آشنا شوند اما یکی علتِ سرپرستی ایشان برای نگاشتن تاریخ نو و تراجم علم دوستی ایشان هم گفته می شود۔ انگلیسیان تحت انجمن آسیای بنگال، اورینتیل ترانسلیشن فند(Oriental Translation Fund) را اجرا کردند و بیشتر تواریخ را به زبانِ انگلیسی برگردانیده از لندن به چاپ رساندند۔ در کارِ الیوت(H.M.Elliot) می توان دید که روشِ انگلیسیان این بود که از چند منشیان کتابِ تاریخی را به زبان انگلیسی ترجمه گردانیدند و پس ازان ترجمه را با تجدیدِ نظر و تصحیح مردِ انگلیسی [1] چاپ می کردند۔ سر هنری الیوت میر دبیرِ فرماندار کل هند بود [2] و مخطوطات فارسی را جمع کرده و تاریخ عظیم خود را نگاشته و اروپیان به ویژه از کتاب وی به تاریخ این دیار آگاه می شوند۔ برخی ازین کتاب ها به توسط انجمن آسیای بنگال کلکته به زبان انگلیسی ترجمه شده بود۔ جوناتن اسکات(Jonathan Scott) که بسیاری کتاب های تاریخ را ترجمه کرده، مدیر(سکرتری) فارسی فرماندارِ کل هند وارن هیستنگز(Warren Hastings) بود [3]۔ این تراجم به توسط انجمن آسیای بنگال در 'جرنال آسیاتیك سوسایتی'(Journal

---

۱۔ عموماً خود الیوت چون وی بیشتر تراجم را تصحیح کرده به کتاب خود شامل کرده است۔

۲۔ حسینی،سید کمال الدین،تاریخ اوده ترجمه اردویی،ج۱،صص ٦١و٦٢

۳۔ نبی هادی،ص۷۳/استوری،ص۱٤۲

(of Asiatic Society) و 'آسیاتیك ریسرچارز' (Asiatic Researches) چاپ می گردید۔

انگلیسیان زبان فارسی را کماحقه سرپرستی نکردند۔ تا۱۸۱۳م حکومتِ انگلیسیان هیچ برنامۀ علمی مرتب نکردند۔ بعد از ۱۸۱٤م انگلیسیان زمامِ تعلیم هندوستانیان را به دست خود گرفتند وموقع ای برای سرپرستی زبان فارسی پیدا شد ولی انگلیسیان درمدتی کوتاه دوحریف در میدان انداختند۔ یکی ازان رواجِ زبانِ انگلیسی و دیگری سرپرستی زبان های بومی بود۔ تا آن که فارسی به طور زبانِ دفتری برطرف شد و ازین ثابت است که زمانۀ حمایت و طرفداری پر جوشِ انگلیسیان به زبان فارسی فقط بیست یا بیست و پنج سال بوده است که دران مدت افتخارِ درباری زبان فارسی، به روشِ حکومت های گذشته، به جا مانده است۔ در دادگستری ها هم این زبان باقی مانده و برای تعلیمِ کارمندانِ شرکت هند شرق برخی دانشکده هم استقرار شده بود۔[1]

تاریخ نگاران این دوره از هر مذهب علاقه داشته بودند۔ درین دوره نه تنها مسلمانان بلکه هندووان، سیك ها، اروپیان وغیره درتاریخ نویسی طبع آزمایی کردند۔ تعدادِ کثیر از تاریخ نگارانِ دورۀ تیموریان متاخر از مذهب هندو علاقه داشت۔ سببِ آن این بود که بسیاری هندووان خوانده بودند و به دربار شاهی به طور منشی وغیره کار می کردند۔ ازین مؤرخانِ هندو تعداد کثیر از قبیلۀ کایسته تعلق داشت۔ کایسته فرقه ای از هندووان است که بعضی افرادِ آن ها از علما و فضلای معروف عربی و فارسی بوده اند و امروز از سایر اقوام هندو به زبان های عربی و فارسی ذوق و علاقه دارند[2]۔ معلوم می شود که چون مسلمانان وارد هندوستان شده بودند، از همین گروهِ کایسته استفاده کرده باشند[3]۔ مشهور است که در زمان اسکندر لودی همین کایسته بودند که برای حصول علم فارسی رضامند شده بودند و چون اکبر اعظم فارسی را زبان درباری قرارداد، آنوقت به

۱۔ عبدالله، دکترسید، فارسی زبان و ادب(مجموعه مقالات)، ص۳۲٦

۲۔ نقوی، دکترعلیرضا، تذکره نویسی...، ص۵۲۲

۳۔ عبدالله، دکتر سید، سهم هندووان..، ص۲۳۳

همین علت کاروبار مملکت رو به زوال نشده بود که جماعتی در هندووان همچنین بود که همه دفتر ها را از هندوی به فارسی برگردانیده بود[1]۔ در مجمع النفایس آمده است که در زمانِ محمد شاه کایسته ها در دفترهای شاهی رسوخ وافر داشتند[2]۔

علاوه بر کایسته ها، پاندیت های کشمیر با زبان فارسی شغفِ وافر داشتند۔ جالب است که این نویسندگانِ هندو آغاز کتاب های خود به همان روشِ مسلمانان با نام خداوند می کردند اگرچه به تاریخ راجه های هندووان می پرداختند۔ جالب است که نویسندۀ 'تاریخ برتپور' آنند رای اگرچه مردِ هندو بود اما آغاز این کتاب با نام خداوند کرده است[3]۔ حال آنکه راجه های برتپور که درذکرِ ایشان این کتاب نوشته شده بود، هندو بودند ولی روشِ فارسی نویسی هندووانِ آن زمان همین بود۔

انگلیسیان نه تنها سرپرستی نویسندگان این دیار کردند بلکه بعضی اروپیان خود هم کتاب های فارسی نگاشتند۔ به طور مثال فرانسیس گوتلیب آلمانی 'تاریخ جات ها' نگاشته بود[4]۔ همین طور تامس ویلیام بیل، نویسندۀ اورینتل بایوگرافیکل دکشنری (Oriental Biographical Dictionary) کتابی به نام 'مفتاح التواریخ' نگاشته بود[5]۔ وی با زبان و ادبیات فارسی بسیار علاقه مند بود و در مفتاح التواریخ تاریخ بسیار وقایع را خود گفته بود۔ تامس ویلیام بیل شاعرِ خوبی هم بود و از شعر های زیر ما می توانیم که استعداد شعری وی را ملاحظه کنیم که درین شعر، در مفتاح التواریخ' وی نام خود را در 'صنعتِ معمّه' چنین بیان کرده است:

"قلب کن لفظ 'سماط' و بعد ازان ای بی نظیر
چار حرف اولین را از 'ولی محمود' گیر

۱۔ عبدالله،دکتر سید، سهم هندووان...،ص۲۳۳

۲۔ همان،ص۲۳٤

۳۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱۲۹

٤۔ ریو،ج۱،ص۳۰۵

۵۔ استوری،ص۱۵۱

باز چون گیری سه حرفِ آخرین از 'سلسیل'
می شوی ای جان من آگه ز نام این حقیر"[۱]

بعضی تاریخ نویسانِ دورۀ تیموریان متاخر کارهای تاریخی خود را به نام افسرانِ انگلیسی هم پرداختند به طور مثال قادر خان جایسی که 'حشمت کشمیر' به نام حشمت الدوله ویلیام آگستوس بروك [۲]، باقر علی خان 'تاریخ هنری' به نام هنری راسل پدکاك [۳]، پرداخت وملا فیروز بن کاووس نویسندۀ 'جارج نامه' که وی این مثنوی رزمیه را به نام جارج سوم(George III) 'جارج نامه' نامید و به ملکه وکتوریه(Queen Victoria) اختصاص داد[۴]. جالب توجه است که در دورۀ مذکور کتابی نگاشته شده بود که دومؤلف مدعی تالیف آن بودند. این کتاب 'حدیقةالعالم' از ابوالقاسم شوستری معروف به میر عالم است. اما میر ابو تراب نیز مدعی تالیف این کتاب بود[۵].

این طور نیز مشاهده شده است که یکی کتاب تاریخی سوی بیش از یك مردم معنون شده است چون 'عبرتنامه' از خیرالدین محمد اله آبادی که یکی از دو دستنوشتۀ موزه بریتانیا، به شماره Or. ۱۹۳۲ به نام مارکویس ویلزلی و نسخۀ خطی دیگری به شماره Or. ۱۹۳۱ به نام محمد علی خان ناصرالدوله معنون شده است [۶] جالب است که نسخۀ همین کتاب در کتاب خانۀ بانکیپور به نام جارج هیلرو بارلو(George Hilaro Barlow) معنون شده است[۷] و یکی از دو نسخۀ انجمن آسیایی بنگال به شماره۱۷۸ به نام کول بروك (H.Colebrooke) معنون شده است [۸]. همین طور 'تواریخ ملك پنجاب ومالوه' از خوشوقت رای که نسخۀ آن کتاب در موزه بریتانیا به نام دیود آچر لونی [۹] و نسخۀ خطی کتاب خانه عمومی پنجاب به نام کولونل لویی و نسخۀ کتاب خانۀ اندیا آفیس به نام

۱ـ بیل،تامس ویلیام،مفتاح التواریخ چاپی،کانپور،۱۸۶۷م،ص۲

۲ـ استوری،ص۶۸۵ ۳ـ الیوت،ج۸،ص۴۱٤

٤ـ باك لیند،ص۱٤٦

۵ـ اته،اندیاآفیس،ج۱،ستون ۱۸۰، ش٤٦۵

٦ـ ریو،ج۳،صص۹٤٦ـ۹٤۷

۷ـ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۹۷

۸ـ ایوانوف،ولدمیر،انجمن آسیای بنگال،صص۵٤و۵۵

۹ـ ریو،ج۱،ص۲۹٤

چارلس متکاف(Charles MetCalfe) معنون گردیده است[۱]۔

اگرچه درین دورۂ تاریخ نویسی سبکِ ساده و روان زیاد مستعمل بود اما بعضی مورخین سبك مصنوع را هم به کار می بردند ولی این ویژگی در مقدمه زیاد دیده می شود۔ حتیٰ بعضی نویسندگان در تاریخ نویسی هم جوهر استعداد خود را به نحوِ عالی نشان دادند۔ به طور مثال 'وقایع مهابت جنگ' از محمد وقا عظیم آبادی که از هر جمله آن کتاب، سال تالیف به دست می آید[۲]۔ این طوری کتابِ دیگر را که در دورۂ تیموریانِ متاخر در تاریخ بنگال نگاشته شده بود، پرفسور داووسن در تاریخ الیوت، جلد۸،ص۴٤۳ هم ذکر کرده است۔ نامِ این کتاب 'عبرت ارباب بصر' است و از هر جملۂ این کتاب ۱۱۷۰ھ.ق به دست می آید[۳]۔

یکی چیز مهمی که در تاریخ نویسی دورۂ تیموریان متاخر در شبه قاره دیده می شود، اینست که اغلب مورخین در نوشتن تاریخ واژه های محلی به کار می بردند۔ این مورد در تاریخ های پنجاب زیاد دیده می شود۔علاوه بر واژه های محلی نویسندگان این دوره واژه های عربی، آیات و احادیث، امثال، شعر وغیره هم به کار می بردند۔ اگرچه اغلب کتاب های این دوره به سبك ساده ومتین نگاشته شده بود اما چون مؤلف معرفی پادشاهان و امیران، وقایع جلوس یا جنگی یا جشن وغیره می پرداخت، بیان یك کمی مصنوع می گردد۔

درین دوره بعضی شاعران تواریخ را در جامۂ نظم نگاشتند۔ این تواریخ منظوم در ذکر جنگ های شاهان است و به طرزِ شاهنامه نگاشته شده است حتیٰ بیشتری در همان بحرِ متقاربِ شاهنامه است۔ درین مورد تاریخِ جنگ های اسلامی یعنی جنگ های پیامبرانً در خصوص غزوات رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و زندگانی اهل بیتً و

۱۔ عباسی،منظور احسن،فهرست کتابخانه عمومی پنجاب،ص ۷۲۲

۲۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج ۳۱،ص۳۷

۳۔ ریو،ج۳،ص٩٦٥

اصحابؓ به ویژه حضرت علی کرم الله وجهه هم است ـ به طور مثال 'حملهٔ حیدری' از مرزا محمد رفیع باذلؔ[۱]، 'حملهٔ حیدری' از ملا بامون علی راجیؔ[۲]، همین طور 'صولت فاروقی' از مرزا محمد بخش آشوبؔ که در کشور گشایی های خلیفه یکم و به ویژه خلیفه دوم است[۳]ـ

از تواریخ منظوم بعضی تواریخ در ذکرِ شاهانِ تیموریان پرداخته شده است ـ به طور مثال 'فتوحات عالمگیری' از شیخ رأفت در ذکر فتوحات اورنگزیب عالمگیر[٤]، 'شرفنامهٔ محمد شاه' از میر محمد رضا ذوالفقرؔ[٥]، 'فتح نامه' از مسافرؔ در ذکر عالمگیر دوم و شاه عالم دوم[٦] پرداخته شده است ـ افزون بران این تواریخ منظوم در موردِ معرکه های تیپو سلطان، نجیب خان روهیله، لُرد ویلزلی(Lord Wellesley)، نواب امیرالدین خان، آصف الدوله، احمد شاه ابدالی، اکبر خان والی افغانستان، احمد خان بنگش، نادر شاه درانی، سعادت علی خان و صفدر جنگ وغیره نیز یافته می شود ـ

جالب توجه است که در دورهٔ تیموریان متاخر کتابی این طوری هم است که در ذکرِ معرکه های یکی خانم نگاشته شده بود ـ نام این کتاب 'زیب التواریخ' است و نویسندهٔ این کتاب لاله گوکل چند این اثر را در ذکرِ زیب النسا معروف به بیگم سامرو ، زنِ بیوهٔ والتر رین هارد(Walter Reinhard) سپه گر آلمانی نگاشته بود[۷]ـ زیب النسا بعد از فوت شدن همسرِ خود در ۱۷۷۸م جاگیردارِ سردانه مقرر شده بود[۸]ـ زیب النسا در روزگارِ شاه عالم در تاریخ هندوستان کارهای نمایان سرانجام داد و از شاه عالم لقبِ 'فرزند عزیزه' هم گرفته بود[۹]ـ

تاریخ نویسان دورهٔ تیموریان متاخر نه تنها وقایع تاریخی را در سلك شعر سفتند بلکه یکی روشِ تاریخ نویسی آن دوره این هم بود که تاریخ نویسان در بیان تاریخ پیوندِ شعر در

۱ـ مارشال،ص۱۰۹

۲ـ اسپرنگر،شاهان اوده،ج۱،ص۰٥٤،ش٤٦١

۳ـ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج۱،ص٦۹

٤ـ استوری،ص٥۸۸

٥ـ ریو،ج۳،ص۱۰۰۲

٦ـ استوری،ص۷۱۷

۷ـ ریو،ج۲،ص۷۲٤

۸ـ استوری،صص ٦۹۱ـ٦۹۲ ۹ـ ریو،ج۲،ص۷۲٤

نثر هم به کار می بردند و به کار بردنِ شعر در نثر، نوشتاری وی زیاد پُرتاثیر می گردید۔ به طور مثال 'تاریخ ارادت خان' از مبارك الله واضح[۱]، 'مجموعه تواریخ شاهنشاهان هند' از رامیّ[۲]، 'کیگوهرنامه' از دونی چند[۳]، 'اسرار صمدی' از عاصی کلانوری[٤] که تقریباً نصف این کتاب مشتمل بر اشعار است[٥]۔ علاوه برین 'تاریخ جهانگشای نادری' از مرزا مهدی خان استرآبادی[٦]، 'تاریخ شاکر خانی' از شاکر خان[۷]، 'بیان واقع' از خواجه عبدالکریم[۸]، 'ریاض السلاطین' از غلام حسین[۹]، 'بساط الغنایم' از لچمی نراین شفیق[۱۰]، 'وقایع دلپذیر' از عبدالاحد لکنوی[۱۱] این چنین تواریخ است که دران مورخین برابرِ نثر شعر هم به کار برده اند۔ حتی برخی نویسندگان این چنین هم هستند که در تالیفِ کتابِ تاریخی به زبانِ فارسی، شعر های زبان محلی به کار برده اند۔ به طور مثال 'حالات نادر شاه' که نویسنده ای به نام امّر درین تاریخ شعر های هندی به کار برده است[۱۲]۔

درین دوره علاوه بر کتاب های تاریخی مقاله ای به علم تاریخ هم دیده می شود که مؤلف آن سید حسن علی بود۔ این مقاله آگهی های مهمی در موردِ اختلافِ روایاتِ مورخین در بردارد[۱۳]۔ افزون بر این در دورۂ تیموریان متاخر نه تنها کتاب های فارسی به زبان دیگر ترجمه شده بود بلکه شایسته توجه است که تواریخِ زبانِ محلی به زبان فارسی نیز ترجمه شده بود۔ به طور مثال 'ترجمه تاریخ راجه های کرگ' که حسین خان لوهانی این اثر را به دستورِ مهاراجه ویرراجندرا از زبان محلی کرناتکی به زبان فارسی منتقل کرد[١٤]۔ میر خورشید علی خورشیدؔ معروف به سید شاه علی پسر سید دستگیر Epitome of the History of Hindoostan را به نامِ 'تاریخ هند' ترجمه کرده است[١٥]۔ کتاب دیگری به

۱۔ تاریخ ارادت خان چاپی، با مقدمه غلام رسول مهرّ

۲۔ مجموعه تواریخ شاهنشاهان هند،نسخه خطی دانشگاه پنجاب

۳۔ کیگوهر نامه چاپی به اهتمام دکتر محمد باقر

٤۔ اسرار صمدی چاپی،با تصحیح پرفسور محمد شجاع الدین

٥۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج۳،ص۴۱۹

٦۔ تاریخ جهانگشای نادری چاپی، به اهتمام سید عبدالله انوار

۷۔ تاریخ شاکر خانی،نسخه موزه ملی پاکستان ۸۔ بیان واقع چاپی، با مقدمه کی. بی.نسیم(K.B.Naseem)

۹۔ ریاض السلاطین، نسخه موزه ملی پاکستان،ش۷۱۔N.M.۱۹۷۵

۱۰۔ شفیق،لچمی نراین، بساط الغنایم،مرتبه غلام صمدانی گوهر

۱۱۔ وقایع دلپذیر،نسخه موزه ملی پاکستان ۱۲۔ استوری، ص٦۱۸

۱۳۔ ریو،ج۳،ص۹۰۰ ١٤۔ همان،ج۱،ص۳۳۳ ١٥۔ استوری،ص۴۸۹

نامِ 'تاریخ هند' ازحکیم جواهر لال، ترجمه ای از زبان اردو است[۱]۔ همین طور خواجه عبدالحکیم دورانِ ملازمتِ کولونل جان میلکم(Col. John Malcolm) به دستورِ او دو کتاب در بیانِ تاریخِ سیك ها به نام 'جنم ساکی' (Janam Sakhi) و 'ملاقاتِ نانك' از پنجابی به فارسی ترجمه کرده بود [۲]۔ 'تواریخ رحمت خان' از حافظ محمد صدیق که از پشتو به فارسی ترجمه شده بود[۳]، 'بنساولی' که جان عالم شیرین رقم به دستور جیمز براوون از هندی به فارسی ترجمه کرده بود [٤] و 'رساله نانك شاه' از بده سینگ کتری که از ناگوری به فارسی ترجمه شده بود[٥] همه ترجمه ای از زبان های محلی به زبان فارسی است۔

درین دورهٔ تیموریان متاخر کتابی می بینیم که یکی از مورخین آنرا به فارسی نگاشته ازان به بعد خود به زبان اردو ترجمه کرده بود۔ این کتابِ تاریخی 'تاریخ اوده' از کمال الدین حیدر است که در رصد گاه اوده کار می کرد، وی این تاریخ را در فارسی نوشته بود ولی هیچ بار در فارسی چاپ نشده است ۔ اما ترجمه اردویی این کتاب سه بار به چاپ رسید چون طبع سوم این کتاب در ۱۹۰۷م/ ۱۳۲۵ ه.ق در مطبع نولکشور کانپور چاپ گردیده است[٦]۔ بعضی کتاب ها در زندگانی مؤلف چاپ می شد چون 'گلِ رحمت' از نواب سعادت یار خان [۷]، 'مهر نیمروز' از مرزا اسدالله خان غالبؔ و 'مفتاح التواریخ' از طامس ویلیام بیل[۸] وغیره۔

اغلب نویسندگان تاریخی دوره تیموریانِ متاخر یا خود از ایران آمدند یا ایرانی النسل بودند یعنی نیاگان ایشان از ایران واردِ هندوستان شده بودند به طور مثال مرزا نورالدین محمد معروف به نعمت خان عالیؔ نویسندهٔ 'جنگنامه بهادرشاه' که در روزگارِ اورنگزیب عالمگیر مهتممِ مطبخ شاهی مقرر گردید و لقبِ 'نعمت خان' یافت، نیاگانش از

۱۔ استوری،ص٤٨٩

۲۔ ریو،ج۱،ص۲۹۳

۳۔ اته،اندیا آفیس،ج ۱،ستون ۲۳٤،ش۵۸۲/استوری،ص۳۹٦

٤۔ ریو،ج۱،ص۳۰۱

۵۔ اته،بادلین،ج ۱،ستون۱٤۹،ش۲۸۱

٦۔ حسینی،سید کمال الدین،تاریخ اوده ترجمه اردویی

۷۔ استوری،ص٦۹۷

۸۔ همان،ص۱۵۱

پزشکانِ معروف شیراز بود [۱]، مبارك الله واضح مخاطب به ارادت خان نویسندۂ 'تاریخ ارادت خان' که پدر بزرگ وی میر محمد باقر از ساوه به هندوستان آمده بود و از سوی آصف خان مرزا جعفر به فوجداری سیالکوت و گجرات و پنجاب مامور می شد[۲]، محمد هاشم خوافی خان نویسندۂ 'منتخب اللباب' [۳]، محمد شفیع وارد نویسندۂ 'مرآت واردات' که اجدادش از تهران بودند[٤]، مرزا مهدی خان صفوی نویسندۂ 'مجموعه مرزا مهدی خان' و 'قضایای سلاطین دکن' که از اصفهان به حیدر آباد دکن آمده بود [٥]، مرزا مهدی خان استرآبادی نویسندۂ 'تاریخ نادرشاهی' که با نادر شاه به هندوستان آمده بود[٦]، میر علی شیر قانع تتوی نویسندۂ 'تحفة الکرام' که نیاگانش از شیراز بودند [٧]، غلام حسین طباطبایی نویسندۂ 'سیر المتاخرین'[٨]، جعفر شاملو نویسندۂ 'منازل الفتوح'[٩]، ابوالقاسم شوستری نویسندۂ 'حدیقةالعالم'[١٠] وغیره۔ از دیگر نویسندگانِ ایرانی که در زمانِ تیموریانِ متاخر کتاب های تاریخی پرداختند محمد علی حسینی نیشاپوری، طهماس خان، میر حسین علی خان کرمانی و بسیاری دیگران هستند۔

همین طور مرزا محمد پسر معتمد خان نویسندۂ 'عبرتنامه' که پدرِ بزرگِ وی از قندهار بود[١١]، نورالدین فاروقی نویسندۂ 'جهاندارنامه' که جد بزرگِ وی از بلخ بود و همراهِ ظهیرالدین بابر به هندوستان آمد، در پانی پت جنگید و در مولتان اقامت گزید [١٢]، قیچاق خان نویسندۂ 'تاریخ قیچاق خانی' که از بلخ به هندوستان آمده بود[١٣]، اجداد شاعر معروف محمد بخش آشوب در روزگارِ پادشاه اکبر از بدخشان به هند آمدند[١٤]۔ این نویسندگانِ پیش گفته همه از افغانستانِ امروز تعلق داشتند۔

۱۔ ریو،ج۱،ص۲٦۸
۲۔ هاشمی،شاهنواز خان،مآثرالامرا،ج۱،ص۱۷٤
۳۔ الیوت،ج۷،ص۲۰۷
٤۔ ریو،ج۱،ص۲۷٥
٥۔ نبی هادی،ص۳۲۹
٦۔ ریو،ج۱،ص۱۹۲
۷۔ ریو،ج۲،ص۸٤٦
۸۔ الیوت،ج۸،ص۱۹٤
۹۔ استوری،ص۳۹۸
۱۰۔ همان،ص۷٥۱
۱۱۔ ریو،ج۳،ص۸۹٥
۱۲۔ استوری،ص٦۰۲
۱۳۔ استوری،ص۱۳٦
۱٤۔ ریو،ج۳،ص۹٤٤

بسیاری از نویسندگان سرزمین هندوستان هندو مذهب بودند به طور مثال کامراج پسر نین سینگ نویسندۀ 'اعظم الحرب' و 'عبرتنامه'(١)، جگ جیون داس گجراتی نویسندۀ 'منتخب التواریخ'(٢)، نراین کول عاجزّ نویسندۀ 'تاریخ کشمیر' (٣)، جسونت رای نویسندۀ 'سعیدنامه'(٤)، رایزاده دونی چند نویسندۀ 'کیگوهرنامه' (٥)، خوشحال چند نویسندۀ 'تاریخ محمد شاهی' (٦)، شیو پرشاد نویسندۀ 'تاریخ فیض بخش' (٧) وغیره۔ علاوه برین در دورۀ تیموریان متاخر از دیگر نویسندگانِ هندووان رایزاده چترمن، بیم سین، رایزاده بهادر سینگ، دلپت رای، برج نات، بده سینگ منشی، هری چرن داس، شیو داس لکنوی، هر سك رای وغیره معروف اند۔

از دیگر نویسندگان محلی محمد قاسم عبرت لاهوری نویسندۀ 'عبرت نامه'(٨)، محمد هادی مخاطب به کامور خان نویسندۀ 'هفت گلشن محمد شاهی' و 'تذکره سلاطین چغتا' که از هندو مسلمان گردیده بود(٩)، محمد اعظم دیده مری نویسندۀ 'واقعات کشمیر' (١٠)، محمد غوث پشاوری نویسندۀ 'ریاض الملوك' (١١)، محمد اسلم پر سروری نویسندۀ 'فرحت الناظرین'(١٢)، هرنام سینگ نامیّ نویسندۀ 'سعادت جاوید'(١٣) وغیره معروف اند۔

جالب است که از نام بسیاری تاریخ های دورۀ تیموریان متاخر، سال تالیف آن کتابِ تاریخی به دست می آید۔به طور مثال 'مآثر عالمگیری(١١٢٢هـ.ش)' از محمد ساقی مستعد خان (١٤)، 'فتوحات نامه صمدی(١١٣٥هـ.ش)' از غلام محی الدین (١٥)، 'قضایای سلاطین دکن(١١٥٦هـ.ق)' از مرزا مهدی خان صفوی (١٦)، 'بساط الغنایم(١٢١٤هـ.ش)' از لچمی نراین شفیق(١٧)، 'مرآت آفتاب نما(١٢١٨هـ.ش) از شاهنواز خان هاشمی(١٨) وغیره۔

١۔ استوری،صص٦٠٦۔٦٠٧

٢۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص٥٦ ٣۔ اته،بادلین،ج١،ستون١٧٠،ش٣١٨

٤۔ نبی هادی،ص٢٨٣ ٥۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج٣،ص٤٣٣

٦۔ الیوت،ج٨،ص٧٠ ٧۔ عبدالله،دکترسید،سهم هندووان..،ص٩٨

٨۔ استوری،ص٦٠٧ ٩۔ همان،ص٤٥٩ ١٠۔ همان،ص٦٨٣

١١۔ نبی هادی،ص٣٨٥ ١٢۔ مارشال،ص٣٠٨

١٣۔ الیوت،ج٨،ص٣٣٦ ١٤۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج٧،ص٨٧

١٥۔ ریو،ج٣،ص٩٧١ ١٦۔ استوری،ص٧٣٨

١٧۔ ریو،ج١،ص٣٢٨ ١٨۔ همان،ص١٣٢

برخی مؤلفینِ تاریخِ این دوره، بعد از نوشتن کتابِ تاریخی، دران وقایع تاریخی را می افزودند۔ بدین سبب دریافتن سال تالیف این کتاب ها دشوار می شود۔ به طور مثال محمد هادی کامور خان کتابی 'هفت گلشنِ محمد شاهی' در ۱۱۳۲ هـ.ق/۲۰-۱۷۱۹ م نگاشت (۱)۔ اما نسخه اندیا آفیس که دست نوشتۀ مؤلف است، در ۱۱۳٦ هـ.ق نگاشته شده بود (۲)۔ 'تاریخِ قبچاق خانی' از قبچاق خان که سال تالیف این کتاب از '**خاتمه کلام**' **۱۱۳۷ هـ.ق** به دست می آید (۳) اما در آخر نسخۀ خطی کتابخانه بادلین به شماره ۱۸۵، احوال بیست و هفت شوال ۱۱۳۸ هـ.ق نوشته شده است (٤)۔ 'بحرالمواج' از محمد علی خان انصاری در ۱۲۰۹ هـ.ق/٥-۱۷۹٤م تالیف شده بود (٥) ولی ازان به بعد بران افزوده شده بود چون نسخه موزه بریتانیا دارندۀ احوال درانیان تا ۱۲۱۱ هـ.ق است (٦)۔ همین طور 'مجمع الاخبار' از هر سك رای که سال تالیف این کتاب از جمع کردن واژه 'ادراك' به نامِ کتاب به دست می آید (۷) و آن **(ادراك +مجمع الاخبار=۱۲۱٤)** است۔ اما این کتاب دارندۀ احوال تا سال ۱۲۲۰ هـ.ق سالِ چهل و هشتمین جلوس شاه عالم است که شاید بعد ازان مؤلف بران افزوده بود و این تاریخ تالیف یعنی ۱۲۲۰ هـ.ق از واژه های '**خیریت**' و '**مظفر**' هم به دست می آید که مؤلف در آخر کتاب درج کرده است (۸)۔

در دورۀ تیموریان متاخر این چیز هم دیده می شود که در بعضی تواریخ، نویسندگان فرامین و نامه های شاهان هم نقل کردند۔ این چنین نویسندگان بیشتری از دربار وابسته بودند یا اجدادشان به دربار مناصب بلند پایه داشتند که این همه فرامین و نامه ها در دسترسِ ایشان بود۔ به طور مثال 'مرآت احمدی' از مرزا محمد حسن ملقب به

۱- الیوت، ج۸، ص ۱۳

۲- اته، اندیا آفیس، ج ۱، ستون ۱٤۷، ش ۳۹٤

۳- اته، بادلین، ج ۱، ستون ۵۸، ش ۱۱۷

٤- همان

٥- الیوت، ج۸، ص ۲۳٥

٦- ریو، ج۳، ص ۱۰۲٥

۷- همان، ص ۸۹٦

۸- همان

علی محمد خان که خود دیوانِ استانِ گجرات بود[۱]، 'تاریخ شاکر خانی' از شاکر خان پسر شمس الدوله لطف الله خان بهادر صادق متهوّر جنگ برادرِ عنایت الله خان راسخ که خود در رساله سلطانی بخشی بود و پدر و برادران وی در دربار پادشاهانِ تیموریان منصب عالی داشتند[۲]۔ یکی مورخ هندو شیوداس لکنوی که در زمان محمد شاه نایب استاندار آگره بود[۳] و در کتابش 'شاهنامه منور کلام' نامه های رسمی و فرامین شاهی نقل کرده است[٤]۔

بعضی نویسندگانِ تاریخی عهدِ تیموریان متاخر از خانوادۀ تاریخ نویسان بودند یعنی نسل در نسل تاریخ نگار بودند، به طور مثال رتن چند پسر برج نات نویسندۀ 'تاریخ گکران' پسر دونی چند نویسندۀ 'کیگوهرنامه'[٥] وغیره۔ در برخی موارد کتابی را دو مؤلفین می نگاشتند یعنی یك نفر کتاب تاریخی را آغاز نمود اما نتوانست که این را به تکمیل رسانده باشد و بعد از وفات وی پسرش یا کسی از اولادش، آن کتاب را به اتمام رساند۔ به عنوان مثال 'عبرتنامه' از مفتی علی الدین پسر خیرالدین که پدرش خیرالدین آن کتاب را آغاز کرده بود ولی مفتی علی الدین 'عبرتنامه' را به تکمیل رساند[٦]، 'تاریخ زمینداران بنارس' از غلام حسین خان که نوه اش سبحان علی خان به پایه تکمیل رسانده بود۔ بعد از وفات غلام حسین خان، نبیره وی سبحان علی پسر حسن علی خان درین کتاب با یك کمی تحریف در سبكِ کتاب، تصحیح و تدوین کرده بود و این اثر بر منصۀ شهود آمد[۷]۔ همین طور 'تنقیح الاخبار' از منو لال فلسفی که بعد از مرگِ وی کندن لال اشکیؔ آن کتاب را مکمل کرده بود۔ بعد از وفات منو لال پسرش کندن لال اشکی این کتاب را، ویراستایی کرده به این امید به انجام رساند که به زبان انگلیسی ترجمه می باشد و در فرنگ چاپ می شود[۸]۔

۱۔ استوری،ص۷۲۹
۲۔ همان،ص٦۲۱
۳۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۵۳۸
٤۔ استوری،ص٦۰۸
۵۔ ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین...،ج۳،ص٤۳٦
٦۔ علی الدین،مفتی،عبرتنامه(به اهتمام دکتر محمد باقر)،ج۱،صص۲و۳
۷۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ص۱٤۲
۸۔ منزوی،احمد،فهرست مشترك،ج۱۰،ص۱۳۷

در بعضی تواریخ مؤلفین فقط سال های هندی یعنی بکرمی به کار برده اند۔ به طورِ مثال 'خالصه نامه' از رتن چند[۱]، 'تاریخ گکران' از برج نات[۲]، 'شیر و شکر' از دیا رام پاندیت[۳]، 'ظفرنامه رنجیت سینگ' از دیوان امرنات اکبری[٤]، 'عمدة التواریخ' از لاله سوهن لال سوری [٥] وغیره۔ این روشِ به کار بُردنِ سال های بکرمی در تاریخ های رنجیت سینگ و پنجاب زیاد دیده می شود۔ همین طور نویسندگان که به سرپرستی انگلیسیان کتاب های تاریخی نگاشتند، بعضی از آنها برابر تاریخ هجری قمری، تاریخ میلادی هم به کار می بردند۔

در تاریخ شبه قاره رنجیت سینگ مرد مهمی بود که بر پنجاب حکومت می کرد و سیك ها را عروج بخشید۔ در عهد وی تواریخ سیك ها به تعداد زیاد نوشته شده بود۔ در اکثر تواریخِ دورۂ رنجیت سینگ مؤلفین نخست به احوال ده گورووان سیك ها می پرداختند و ازان به بعد تاریخِ راجه های سیك ها به شمول رنجیت سینگ بیان می نمودند۔ به طور مثال 'خالصه نامه' از بخت مل[٦]، 'تواریخ ملك پنجاب و مالوه' از خوشوقت رای[۷] و 'خالصه نامه' از رتن چند که دران کتاب، وی احوال ده گورووان سیك ها یعنی از گورونانك و کارگزاری آن ها[۸] تا ۱۹۰۱ بکرمی/۱۸٤٥م آورده است[۹] وغیره۔

منشی سجان رای در ۱۱۰۷ھ.ق/٦-۱٦۹٥م در سال چهلمینِ دورۂ اورنگزیب عالمگیر کتابِ تاریخی در احوالِ تاریخ هندوستان از آغاز تا تاجگزاری اورنگزیب عالمگیر به نام 'خلاصة التواریخ' نگاشته بود[۱۰] که یکی از تاریخ های مهمی دورۂ تیموریانِ بزرگ است۔ اما چون این کتاب بسیار مفصل است، در دورۂ تیموریانِ متاخر بسیار کسان خلاصۂ این خلاصةالتواریخِ سجان رای نگاشتند به عنوانِ مثال 'خلاصة التواریخ' از دل محمد

۱۔ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان میں فارسی ادب، ج ٤، ص٤٥
۲۔ همان، ج۳، ص٤۳٦ ۳۔ همان، ج٤، ص٤۷
٤۔ اکبری، دیوان امرنات، ظفرنامه رنجیت سینگ چاپی، به اهتمام سیتا رام کوهلی
٥۔ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان میں... ، ج٤، صص۲٤ تا ۲٦
٦۔ همان، صص١٤و١٥ ۷۔ ریو، ج۱، ص۲۹٤
۸۔ ظهورالدین احمد، دکتر، پاکستان میں...، ج ٤، صص٤٥-٤٦
۹۔ منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج۱۰، ص٥۸۰
۱۰۔ استوری، صص٤٥۳-٤٥٥

دلشاد پرسروری که وی فقط مقدمه ای بر آن افزوده است [1]۔ خلاصة التواریخ از مولوی فضل امام خیرآبادی[2]، خلاصة التواریخ از کلیان سینگ[3]، 'زبدة الاخبار' از امر سینگ خوشدل[4] وغیره۔

در مورد تاریخ های محلی دیده می شود که نسخه های خطی این تواریخِ محلی در کتاب خانه های محلی یا همان دیار نگهداری می شود۔ به عنوانِ مثال نسخه های تاریخ سند در کتاب خانه های سند فراوان است ولی در کتابخانه های هندوستانِ امروز خیلی کمیاب است۔ همین طور نسخه های تواریخ بنگال در کتاب خانه های هندوستان یافته می شود ولی در کتاب خانه های لاهور بسیار کم دیده می شود۔ 'تبصرة الناظرین' از سید محمد بلگرامی[5] که در موردِ تاریخِ بلگرام است، هیچ نسخهٔ آن در پاکستان یافته نمی شود اگرچه دستنویس های این کتاب در بیش از یك کتابخانه های هندوستان نگهداری می شود۔ این هم ملاحظه شده است که نسخه های خطی این تواریخ می توان در کتاب خانه های انگلستان دیده می شود که انگلیسیان در زمانِ حکومتِ خود برین دیار، ازین جا همراهِ خود بردند۔

در برخی نسخه های خطی این طور نیز مشاهده گردید که یکی کاتب کتاب را نقل می کرد و نام خود در ترقیمهٔ این نسخه ثبت می کرد۔ازان به بعد کاتبی دیگر نسخه را دوباره نقل می کرد و نام کاتب اول و نامِ خودش در ترقیمه با تاریخ ومقام می افزود و این طور در بعضی موارد اشتباه می شود۔ به طور مثال یکی نسخه 'تبصرةالناظرین' که در کتاب خانهٔ بانکیپور به شماره ٦٠٦ موجود است و دارای ٣٣٦ برگ است، دو ترقیمه دارد۔ ترقیمهٔ اول تاریخ ١٢٩٠ ه.ق/ **١٨٧٣م** در بردارد۔ اما در ترقیمهٔ دوم نام محمد حسن خان

۱۔ نوشاهی،عارف،فهرست موزه ملی پاکستان،ص٧٢٨
۲۔ شوکت علی،مولوی،راجستان تونك،ج١،ص١٠٧
۳۔ ریو،ج١،ص٢٨٣
٤۔ استوری،ص٨٠
٥۔ نبی هادی،ص٥٣٦

ابن چاند خان مرحوم ساکن حاجی پور پتنه، با تاریخ ۱۸۷۵م درج است[۱]۔ در نسخه'تبصرة الناظرین' که در انجمن آسیایی بنگال کلکته زیر شماره۱۹۰ نگهداری می شود، در آن تاریخ ۱۲۹۰ه.ق/۱۸۷۳م به دست محمد حسن بن چاند خان درج است[۲]۔

از بعضی نسخه های خطی که دستنوشتهٔ تاریخ نویسانِ آن زمان است، ما می توانیم که زندگانی های ایشان را بر رسی کنیم۔ به طور مثال نسخه ای در کتاب خانه اندیا آفیس زیر شماره ۲۲٤ نگهداری می شود که در ذکرِ همایون پادشاه بود و برای ریچارد جانسن نوشته شده بود و کاتب آن محمد بخش آشوبؔ شاعرِ معروفِ دورهٔ تیموریانِ متاخر است۔

copy (dated the first of Dhti-alka'dah, A. H. 1 194 =A. D. 1780, October 29) was made for Mr. Richard Johnson by Muhammad Bakhsh, with the takhallus Ashub. [۳]

دیگر نسخهٔ خطی همین اثر، در ذکرِ همایون پادشاه، در کتابخانهٔ بادلین به شماره ۱۱۲ هم موجود است و جالب است که آن هم دستنوشتهٔ محمد بخش آشوبؔ است و ازین نسخهٔ خطی ما بررسی می کنیم که وی در شوال ۱۱۹٤ه.ق در لکنو بود۔ این نسخه چند روز پیشتر از نسخهٔ بالا نگاشته شده بود۔

The copy was finished A. H. 1 1 94, the 24th of Shawwal =A. d. 1780, October 23, by Muhammad Baksh with the Takhallus Ashub at Lucknow.[٤]

دکتر وحید مرزا گفته است که تاریخ های که بعد از ۱۷۰۷م در شبه قاره نگاشته شده بود، در جامعیت و وسعتِ مضامین شاید به رتبهٔ تواریخ کلاسیکی نمی رسد اما در افادیت و اهمیت ازان هرگز کمتر نیست۔ محتویاتِ این تواریخ اگرچه محدود است ولی تعدادِ تواریخ دورهٔ تیموریان متاخر این قدر زیاد است که اگر در تاریخی در جزییات یك کمی

۱۔ عبدالمقتدر،مولوی،بانکیپور،ج۷،ش٦٠٦،ص۱۳۸

۲۔ ایوانوف،ولدمیر،فهرست کتابخانه انجمن آسیایی بنگال،ش۱۹۰،ص٦٠

۳۔ اته،اندیا آفیس،ج۱،ستون۹۵، ش۲۲٤

٤۔ اته،بادلین،ج۱،ستون٥٤ و ٥٥،ش۱۱۲

کاستی باشد، تلافی این از کتاب دیگرِ تاریخی می شود که در دورهٔ مذکور نگاشته شده بود۔[1]

ولی به طور کلی دورهٔ تیموریان متاخر از نظر تاریخی نویسی دورهٔ بسیار غنی تر بوده و از محتویات و طرزِ نگارشِ تواریخِ بیان شده می توان گفت که مؤرخان از نظری که وقایع را دیدند به همان بصارت آن وقایع را در رشتهٔ تحریر درآوردند ولی از نظرِ ادبی این تواریخ، نمایندهٔ تاریخ نویسی دوره تیموریان متاخر هست که دورهٔ نقل پذیری زبانِ فارسی به زبان اردو و هندی بود۔

۱۔ وحید مرزا، دکتر، پاکستان و هند، ج ۵، ص ۱۳۲

جاها

اشخاص

کتاب ها

- **Abdul Ghani**, Muhammad, A History of Persian Language & Literature at the Mughal Court, Lahore, 1983A.D.

- **Abdul Muqtadir,Molvi**, Catalogue of the Arabic & Persian Manuscripts in the **Khuda Bakhsh Oriental Public Library,** Vol.7, **Patna**, 1921 A.D.

- **Alfred,J.Church,** THE STORY OF PERSIAN WAR FROM HERODOTUS, Newyork, 1882 A.D.

- **Ashraf Ali, Maulvi Mirza**, Catalogue of the Persian Books & Manuscripts in the Library of the **ASIATIC SOCIETY OF BENGAL**, FasciculusIII, Culcutta, 1895A.D.

- **Aziz,K.K**, A Chronology of Muslim India, Lahore, 1997A.D.

- **Beale, Thomas William**, An Oriental Biographical Dictionary, Revised & Enlarged by H.G.Keene, London, 1894A.D.

- **Beeston**, Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani & Pushtu Manuscripts in the **BODLEIAN LIBRARY, Part III**, Additional Persian Manuscripts, Oxford, 1954A.D.

- **Browne, E.G.,** The Persian Manuscripts of Sir **Albert Houtum-Schindler,** Hertford, 1917 A.D.

- **Browne, E.G.,** A **SUPPLEMENTARY HAND-LIST** of the Muhammadan Manuscripts in the Libraries of the **University & Colleges of Cambridge**, Cambridge, 1922 A.D.

- **Browne, E.G.,** A **HAND-LIST** of the Muhammadan Manuscripts preserved in the Library of the **University of Cambridge**, Cambridge, 1900 A.D.

- **Browne,E.G.**, A Catalogue of the Persian Manuscripts in the Library of the **UNIVERSITY OF CAMBRIDGE**, Cambridge, 1896A.D.

- **Buckland.C.E.**, Dictionary of Indian Biographies, 2nd Edition, Detroit, 1968A.D.

- **Charles Elliot**, The Life of HafizoolMoolk, Hafiz Rehmut Khan, Abridged & Translated from the Persian 'Gulistane Rehmat' by Nuwab Moostujab Khan Bahadoor, London, 1831A.D.

- **E.G.Browne**, A Literary History of Persia (From the Earliest times until Firdawsi), 2nd Edition, London & Leipsic, 1909A.D.

- **E.G.Browne**, A Literary History of Persia (From the Earliest times until Firdawsi), 3rd Edition, London & Leipsic, 1919A.D.

- **Edward Edwards**, A Catalogue of the Persian **Printed** Books in the **BRITISH MUSEUM**, London, 1922A.D.

- **Elliot & Dowson**, The History of India as told by its own Historians, **Vol. VII & VIII**, Lahore, 1976A.D.

- **Encyclopedia Iranica**, Ehsan Yarshater,Vol.XIII, New York, 2006A.D.
- **Ethe, Hermann**, Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani & Pushtu Manuscripts in the **BODLEIAN LIBRARY**, Begun by Edward Sachau, Continued, Completed & Edited by Hermann Ethe, **Part I**, Persian Manuscripts, Oxford, 1889A.D.
- **Ethe, Hermann**, Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of **THE INDIA OFFICE, Vol. I,** Oxford, 1903A.D.
- **Ethe, Hermann**, Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of **THE INDIA OFFICE, Vol. II**, Revised & Completed by Edward Edwards, Oxford, 1937A.D.
- **Ethe, Hermann**, Catalouge of Oriental Manuscripts, Persian, Arabic & Hindustani, **The NATIONAL LIBRARY OF WALES**, Aberyswyth, 1916A.D.
- **Fyzee**,A.A.A., A Descriptive List of the Arabic, Persian & Urdu Manuscripts in the Bombay Branch of the ROYAL ASIATIC SOCIETY, Journal of the Bombay Branch of the ROYAL ASIATIC SOCIETY, Vol.3, Nos.1&2, Bombay,1927A.D.
- **Gupta, Hari Ram**, Later Mughal History of the Punjab, Lahore, 1976 A.D.
- **Irvine, William**, Later Mughals, Vol.1&2, Culcutta, 1922A.D.
- **Ivanow,Wladimir**, Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Collection of the **ASIATIC SOCIETY OF BENGAL**, Culcutta,1985A.D.
- **Jaffar, S.M.,** The Mughal Empire from Babar to Aurengzeb, Peshawar, 1936 A.D.
- **KamaludDin Ahmad & Abdul Muqtadir,** Catalogue of the Arabic & Persian Manuscripts in the Library of **THE CULCUTTA MADRASA**, Culcutta, 1905A.D.
- **Keene, Henry George,** The Mughal Empire, Lahore, 1999 A.D.
- **Keene, Henry George,** The fall of the Mughal Empire of Hindustan, Lahore, 1976 A.D.
- **Kirmani, Mir Hussain Ali Khan**, Nishane Haidri, English Translation by Col. Williams Miles, Lahore, 1987 A.D.
- **Lanepoole, Stanely,** Aurenzeb & the Decay of Mughal Empire, Oxford, 1908A.D.
- **Marshall,D.N.**, Mughals in India, A Bibliographical Survey of Manuscripts, West Yorkshire,1985A.D.
- **Mohammad Ashrafulhakk, Hermann Ethe & Edward Robertson,** A Descriptive Catalogue of the Arabic & Persian Manuscripts in the **EDINBURGH UNIVERSITY LIBRARY**, Hertford, 1925 A.D.
- **Mustaid Khan, Mohammad Saqi**, Maasir-i-Alamgiri, Edited by Molvi Agha Ahmad Ali Fasc.IV,V, Culcutta, 1871 A.D.
- **Mustaid Khan, Mohammad Saqi**, Maasir-i-Alamgiri, translated by JaduNathSarkar, Lahore, 1981 A.D.

- **Mustujab Khan Bahadur**, Life of Hafizul Malook(Hafiz Rehmat Khan), Abridged & Traslated by Charles Elliot, London, 1831 A.D.
- **Nabi Hadi**, Dictionary of Indo-Persian Literature, Delhi, 1995A.D.
- **Nijjar, Bakhshish Singh**, Punjab under the Later Mughal, Lahore, 1972 A.D.
- **Palmer,E.H.**, A Descriptive Catalogue of the Arabic, Persian & Turkish Manuscripts in the Library of **TRINITY COLLEGE** , Part I, Persian Manuscripts, Cambridge & London, 1870A.D.
- **Razvi,QasimHasir & AbdulMuqtadir,Molvi**, Catalogue of the Persian Manuscripts in the **BUHAR LIBRARY**, Begun by Maulvi Qasim Hasir Razavi, Revised & Completed by Maulvi Abdul Muqtadir, Culcutta, 1921A.D.
- **Razi Wasti, Syed**, Biographical Dictionary of South Asia, Lahore, 1980 A.D.
- **Rehatsek**, Edwards, Catalogue Raisonne of the Arabic, Hindostani, Persian & Turkish Mss. In the MULLA FIRUZ LIBRARY, Bombay, 1873A.D.
- **Rieu, Charles**, Catalogue of the Persian Manuscripts in **THE BRITISH MUSEUM, Vol. I**, London, 1879A.D.
- **Rieu, Charles**, Catalogue of the Persian Manuscripts in **THE BRITISH MUSEUM, Vol. II**, London, 1881A.D.
- **Rieu, Charles**, Catalogue of the Persian Manuscripts in **THE BRITISH MUSEUM, Vol. III**, London, 1883A.D.
- **Ross,Denison & E.G.Browne**, Catalogue of **Two Collection** of Persian & Arabic Manuscripts preserved in the **INDIA OFFICE LIBRARY**, London,1902A.D.
- **Sarfaraz,** Shiekh Abdul Kadir, A Descriptive Catalogue of the Arabic, Persian & Urdu Manuscripts in the Library of the **UNIVERSITY OF BOMBAY**, Bombay, 1935A.D.
- **Sarkar, Jadunath,** The Mughal Administration, Patna, 1920 A.D.
- **Shaukat Ali Khan**, A Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts, Vol. I, **Tonk**, 1987A.D.
- **Scott O'Connor,V.C.,** An Eastern Library, Galscow, 1920 A.D.
- **Smith,V.A.**, The Oxford Student History of India, Oxford, 1921 A.D.
- **Smith, Vincent A.**, The Oxford History of India(from earliest time to 1911), Oxford, 1919 A.D.
- **Spear, Percival**, Twilight of the Mughals, Karachi, 1980 A.D.

- **Sprenger,A.**, A Catalogue of the Arabic, Persian & Hindustany Manuscripts of the
- **LIBRARIES OF THE KING OF OUDH**, Culcutta, 1854A.D.

- **Storey,C.A.**, Persian Literature, A Bio-Bibliographical Survey, **Vol. I, Part I**, Great Britain, 1989A.D.

- **Storey,C.A**., Persian Literature, A Bio-Bibliographical Survey, **Vol. I, Part II**, London, 1972A.D.

- **Vaux & Cox,** Catalogue of the Library of the **ROYAL ASIATIC SOCIETY** of Great Britain & Ireland, London, 1893 A.D.

☆احسن،عبدالشکور،پاکستانی ادب،لاهور،۱۹۹۲م(اردو)
☆استرآبادی،مرزامهدی خان،تاریخ جهانگشای نادری،مطبع دین محمدی لاهور،۱۹۲۱م
☆استرآبادی،مرزامهدی خان،جهانگشای نادری،به اهتمام سید عبدالله انوار،تهران،۱۳۴۱ه.ش
☆اظفری،محمد ظهیرالدین،واقعات اظفری،مترجم اردو عبدالستار،تصحیح و ترمیم محمد حسین محوی،بنگلور،۱۹۳۷م
☆اعجاز راهی،تحقیق اور اصول تحقیق پر منتخب مقالات، اسلام آباد،۱۹۸۶م(اردو)
☆اکبری،دیوان امرنات،ظفرنامه رنجیت سینگ،به سعی و اهتمام و مقدمه انگلیسی سیتا رام کوهلی،مطبع هندی لاهور،۱۹۲۸م
☆امیری،کیومرث،زبان و ادب فارسی در هند،تهران،۱۳۷۴ه.ش
☆آزاد،میرغلام علی، مآثرالکرام، ۱۹۷۱م،لاهور
☆آشوب،مرزامحمدبخش،صولت فاروقی،چاپ سنگی،مطبع محمدی، اعظم گره، س.ن
☆آفاق حسین آفاق، نادرات غالب،کراچی،۱۹۴۹م
☆آفتاب اصغر،دکتر،تاریخ نویسی فارسی در هندوپاکستان(تیموریان بزرگ از بابر تا اورنگزیب)،لاهور،۱۳۶۴ه.ش/۱۹۸۵م
☆باری، کمپنی کی حکومت، لاهور،طبع چهارم،۱۹۶۹م
☆بشیرحسین،دکترمحمد،فهرست مخطوطات شفیع،لاهور۱۹۷۲م/۱۳۵۱ه.ش
☆بهار،محمد تقی،سبک شناسی(تاریخ تطور نثر فارسی)،ج۳،تهران،۱۳۷۰ه.ش
☆بیدری،منشی قادر خان،تاریخ قطبشاهی،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۱۵۰۶_۱۹۶۱.N.M
☆بیدری،منشی قادر خان،حالات نواب شهید،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۱۵۰۶_۱۹۶۱.N.M
☆بیل، طامس ولیم،مفتاح التواریخ،نولکشور،کانپور،۱۸۶۷م/۱۲۸۴ه.ق
☆تجلی،معین الدین علی،تزکِ آصفیه،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۱۵۱۱_۱۹۶۱.N.M
☆تجلی،معین الدین علی،تزکِ آصفیه،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۱۵۱۴_۱۹۶۱.N.M
☆تشنة،دکتر یوگندر بهل،بهیم سین ظفر ادیب،دهلی نو،۱۹۸۶م
☆ثاقب،دکتر محمد اقبال،بررسی تاثیر سعدی در شبه قاره(مقاله دکتری)،دانشگاه تهران،۱۳۷۷ه.ش
☆حسینی،سید کمال الدین،تاریخ اوده ترجمه اردویی،مطبع نولکشور کانپور،۱۳۲۵ه.ق/۱۹۰۷م
☆خانزمان خان،خواجه غلام حسین،تاریخ آصف جاهیان/گلزار آصفیه،به اهتمام مهدی توسلی،مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد،۱۳۷۷ه.ش/۱۹۹۹م
☆خوافی خان،محمد هاشم، منتخب اللباب، با تصحیح مولوی کبیر الدین احمد و مولوی غلام قادر، کلکته،۱۸۶۹م
☆خیر الدین محمد، جونپور نامه، جادو پریس لکنو، ۱۸۹۸م
☆دانشنامه ادب فارسی،به سرپرستی حسن انوشه،ج۴،بخش۱،۲و۳،تهران،۱۳۷۵ه.ش

☆دولت رای، مرآة دولت عباسیه، اردو اخبار دهلی،۱۸۵۰م
☆دونی چند،رایزاده،کیگوهر نامه،به اهتمام دکتر محمد باقر،پنجابی ادبی اکیدمی لاهور،۱۹۶۵م، با مقدمه انگلیسی
☆دیده مری،محمد اعظم،تاریخ کشمیر،ترجمه و حواشی دکتر خواجه حمید یزدانی،اقبال اکادمی لاهور،طبع اول ۱۹۹۵م
☆راشدی،حسام الدین،تذکره شعرای کشمیر،بخش یکم،لاهور،۱۹۸۳م
☆ریاض الهدیٰ،احمد، مسلم سلطنت کا زوال،لاهور،۱۹۹۰م
☆زبیرؔی،محمد ابراهیم،بساتین السلاطین،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۲۸۷_N.M. ۱۹٦٤
☆زیدپوری،غلام حسین سلیمؔ،ریاض السلاطین،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۷۱_N.M. ۱۹۷۵
☆سبحانی،توفیق،نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند،تهران،۱۳۷۷ه.ش
☆سجان رای بتالوی،خلاصة التواریخ ،مترجم دکتر ناظر حسن زیدی،مرکزی اردو بورد لاهور،بار اول دسامبر۱۹٦٦م
☆سلیم الله منشی،تاریخ بنگاله،با تصحیح و مقدمه انگلیسی ازدکتر سید محمد امام الدین،آسیاتیك سوسایتی بنگال،داکا،۱۳۹۹ه.ق/۱۹۷۹م
☆شاکر خان،وقایع شاکرخانی،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۱۹۰_N.M. ۱۹۷۱
☆شاهنوازخان،صمصام الدوله،مآثر الامرا،ج۱،به تصحیح مولوی عبدالرحیم،کلکته،۱۸۸۸م
☆شاهنوازخان،صمصام الدوله،مآثر الامرا،ج۲،به تصحیح مولوی عبدالرحیم و مولوی مرزا اشرف علی،کلکته،۱۸۹۰م
☆شاهنوازخان،صمصام الدوله،مآثر الامرا،ج۳،به تصحیح مولوی عبدالرحیم،کلکته،۱۸۹۱م
☆شبلی،دکتر صدیق و ریاض،دکترمحمد،فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ،لاهور،۲۰۰۳م
☆شفیق،لچهمی نراین،بساط الغنایم،مرتبه غلام صمدانی گوهرؔ(فهرست کتاب)،نظام المطابع حیدرآباد،۱۳۱٤ه.ق
☆شفیق،لچهمی نراین،حقیقت های هندوستان،نسخۀ کتابخانۀ سچل سرمست خیرپور
☆شهریارنقوی،دکتر سید باحیدر،فرهنگ(اردو_فارسی)اسلام آباد،۱۹۹۱م
☆شیوداس لکنوی، شاهنامۀ منورکلام،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۱۲/۲٤۷.N.M. ۱۹۵۷
☆صدری افشار،غلام حسین،نسرین حکمی،نسترن حکمی،فرهنگ امروز فارسی،تهران،فروردین۱۳۷۵ه.ش
☆صدیقی،دکتر ظهیر احمد،تنقیدوتحقیق ادبیات،لاهور،س.ن
☆صفوی،مرزا مهدی خان،مجموعۀ مرزامهدی خانی،نسخۀ کتابخانۀ سچل سرمست خیرپور(دو نسخه)
☆طباطبایی،غلام حسین،انتخاب سیر المتاخرین از بابر تا جهانگیر،با تصحیح قاضی تصدق حسین ریاض قریشی،لاهور،س.ن.
☆طباطبایی،غلام حسین،سیر المتاخرین(مکمل)،میدیکل پریس کلکته،۱۸۳۳م

☆طهماس بیگ خان،طهماس نامه،با تصحیح ومقدمه انگلیسی محمد اسلم،از سوی دانشگاه پنجاب لاهور،۱۹۸۶م
☆ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین فارسی ادب،ج۳،لاهور،۱۹۷۷م
☆ظهورالدین احمد،دکتر،پاکستان مین فارسی ادب،ج٤،لاهور،۱۹۸۵م
☆عاصیّ کلانوری،منشی رام سهای،اسرار صمدی،باتصحیح و مقدمه پرفسور محمد شجاع الدین،لاهور،۱۹٦۵م
☆عالیؔ،تاریخ سلاطین قطبشاهیه،نسخهٔ کتابخانهٔ سچل سرمست خیرپور(آغاز و انجام افتاده)
☆عالیؔ،نعمت خان،وقایع نعمت خان،نسخهٔ کتابخانهٔ سچل سرمست خیرپور
☆عبدالاحد،مولوی،وقایع دلپذیر،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی
☆عبدالکریم خواجه،بیان واقع،به تصحیح دکتر کے بی نسیم،اداره تحقیقات پاکستان،دانشگاه لاهور،طبع اول،۱۹۷۰م،بامقدمه انگلیسی
☆عبدالکریم منشی، واقعات درانی(ترجمه اردویی)، به اهتمام دکتر محمد باقر (مترجم میر وارث علی سیفی)، پنجابی ادبی اکیدمی لاهور،۱۹٦۳م
☆عبداللطیف، تذکرهٔ نرمل، مرتبه غلام صمدانی گوهر، نظام المطابع حیدر آباد،۱۳۲۳ه.ق
☆عبدالله،دکترسید،ادبیات فارسی مین هندوؤن کا حصه،لاهور،۱۹٦۷م
☆عبدالله،دکترسید،فارسی زبان و ادب(مجموعه مقالات)،لاهور،۱۹۷۷م
☆عبرت لاهوری،محمد قاسم،عبرت نامه،با تصحیح و حواشی دکتر ظهورالدین احمد،اداره تحقیقات پاکستان،دانشگاه لاهور،طبع اول،دسامبر۱۹۷۷م
☆عزیز احمد،تاریخ تفکر اسلامی در هند،مترجمان نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی،تهران،۱۳٦۷ه.ش
☆علی الدین مفتی پسر مفتی خیرالدین لاهوری،عبرت نامه،۲مجلد،به اهتمام و مقدمه انگلیسی دکتر محمد باقر،انتشارات پنجابی ادبی اکادمی لاهور،۱۹٦۱م
☆غالب،اسدالله خان،مهرنیمروز،به اهتمام عبدالشکوراحسن،ازسوی دانشگاه پنجاب لاهور،۱۹٦۹م
☆غالب،مرزا اسدالله خان،مهرنیمروز،مترجم سید عبدالرشید فاضل،انجمن ترقی اردوکراچی،اشاعت اول،۱۹٦۹م
☆غلام علی خان، شاه عالم نامه،انجمن آسیای بنگال کلکته،۱۹۱٤م
☆غوث محمد خان، مجمع السلاطین، محمدی پریس بمئی، ۱۲۷۹ه.ق
☆فرزند علی حسینی، ملخص التواریخ(از سیر المتاخرین)، ایجوکیشن پریس کلکته، ۱۸۲۷م
☆قادر خان، تاریخ قطب شاهی،برهانیه پریس حیدر آباد،۱۳۰٦ه.ق
☆قاضی فقیر محمد، جامع التواریخ، با مقدمه عبداللطیف، منشی ارادت الله پریس کلکته،۱۸۳٦م
☆قاضی فقیر محمد، جامع التواریخ، با مقدمه عبداللطیف، نولکشور لکنو،۱۸۹۷م
☆قانع، میر علی شیر، تحفةالکرام،بخش اول از جلد سوم در تاریخ سند، با تصحیح حسام الدین راشدی،حیدر آباد(پاکستان)آکتوبر ۱۹۷۱م

☆قانع، میر علی شیر، تحفة‌الکرام،ترجمه اردویی از اختررضوی،سندهی ادبی بورد،جامشورو،۲۰۰٦م

☆قدوایی،مولوی عبدالسلام،هندوستان کی کهانی،اعظم گره،۱۹۳۸م

☆کاشانی،دکترعباس آریانپور،فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی،پنج جلد،تهران،۱۳۷۰ه.ش

☆کامور خان، محمد هادی، تذکره سلاطین چغتا، به اهتمام مظفر عالممرکز مطالعات تاریخی،دانشگاه نهرو دهلی نو، ۱۹٤۷م

☆کرم علی، مظفرنامه،مترجم حکیم سیدیوسف رضوی،کتاب خانه خدا بخش،پتنه،۱۹۹۸م(ترجمه اردویی،بدون مقدمه)

☆کرمانی،میرحسین علی خان، نشان حیدری، بمئی،۱۸۹۰م

☆کرمانی،میرحسین علی خان، نشان حیدری، ترجمه اردویی از محمود احمد فاروقی، لاهور،۱۹٦۰م

☆گارسان دتاسی،خطبات گارسان دتاسی مع مقدمه مولوی عبدالحق،ج۱،کراچی،۱۹۷۹م(اردو)

☆گارسان دتاسی،خطبات گارسان دتاسی مع مقدمه مولوی عبدالحق،ج۲،کراچی،۱۹۷٤م(اردو)

☆گیان چند،تحقیق کا فن،اسلام آباد،۲۰۰۷م

☆گیان چند،دکتر،تحقیق کا فن،اسلام آباد،۲۰۰۳م(اردو)

☆مالك رام،تحقیقی مضامین،دهلی،۱۹۸٤م(اردو)

☆مبارك علی،دکتر،تاریخ اور تحقیق،لاهور،۲۰۰۲م

☆محمد محسن،مفتاح الاقبال محمد شاهی،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۱۹۹_۱۹٦٥ N.M.

☆محموده هاشمی،دکتر،تحول نثر فارسی در شبه قاره(دوره تیموریان متاخر)،اسلام آباد،۱۳۷٥ه.ش/۱۹۹٦م

☆مرزا محمد حسن ملقب به علی محمد خان، مرآة احمدی، به تصحیح سید نواب علی، دو مجلد، بپتست مشن پریس کلکته،۱۹۲۸م

☆مستعد خان،محمد ساقی،مآثر عالمگیری(ترجمه اردویی)،مترجم محمد فدا علی طالب،کراچی،طبع دوم ژولایی۱۹٦۷م

☆مستعد خان،محمد ساقی،مآثر عالمگیری(ترجمه انگلیسی)،مترجم جادونات سرکار،لاهور،۱۹۸۱م

☆مستعد خان،محمد ساقی،مآثر عالمگیری، انجمن آسیای بنگال کلکته،۱۸۷۱م

☆مکن لعل، تاریخ یادگار مکن لعل، چاپخانهٔ برهانیه حیدر آباد،س.ن.

☆منزوی،احمد، فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان،ج۱۰،اسلام آباد،۱۳٦۷ه.ش/۱٤۰۸ه.ق/۱۹۸۸م

☆منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۱،تهران،۱۳۷٤ه.ش

☆منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۲،تهران،۱۳۷٤ه.ش

☆منزوی،احمد،فهرستواره کتاب های فارسی،ج۳،تهران،۱۳۷٦ه.ش

☆موزون،تجلی علی،آصف نامه(منظوم)،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش۱٥۳٦_۱۹٦۱ N.M.

☆میتا لال، مرآة احمدی(بخش یکم و دوم)، فتح الکریم پریس بمئی،۱۳۰۷ه.ق

☆میرعالم، ابوالقاسم شوستری، حدیقة العالم (مقاله اول و دوم)، سنگی پریس حیدر آباد،١٢٦٦ه.ق
☆میرعالم، ابوالقاسم شوستری، حدیقة العالم (مقاله اول و دوم)، سیدی پریس حیدر آباد، ١٣١٠ه.ق
☆ناصح،محمد مهدی،گنج شایگان،تهران،١٣٧٣ه.ش
☆نقوی،دکترعلیرضا،تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان،تهران،١٩٦٤م/١٣٤٣ه.ش
☆نوشاهی،سید خضر عباسی،فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانۀ دانشگاه پنجاب لاهور(گنجینۀ آذر)،اسلام آباد،١٩٨٦م
☆نوشاهی،سید خضر عباسی،فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانۀ همدرد کراچی،اسلام آباد،١٩٨٨م
☆نوشاهی،سید عارف،،فهرست نسخه های خطی فارسی انجمن ترقی اردو کراچی،اسلام آباد،١٩٨٤م
☆نوشاهی،سید عارف،،فهرست نسخه های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، اسلام آباد،١٩٨٣م
☆واضح،مبارك الله،تاریخ ارادت خان،به تصحیح غلام رسول مهرّ،اداره تحقیقات پاکستان،دانشگاه لاهور،طبع اول،١٩٧١م
☆وحید مرزا،دکتر(مقاله نگار)،تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند،ج٥،مدیران سید فیاض محمود و وزیرالحسن عابدی،لاهور،١٩٧٢م
☆هاشمی،مولانا سید متین و صدیقی، ساجدالرحمٰن،فهرست کتاب خانه دیال سینگ،ج١،س.ن
☆یادگار منشی،فتحنامه قلعه چتور،نسخه موزه ملی پاکستان کراچی،ش٦/٩١٥_١٩٥٧ N.M.
☆یوسف علی خان،تاریخ بنگاله مهابت جنگی،به سعی و اهتمام عبدالسبحان،انجمن آسیایی،کلکته،١٩٦٩م